فصل اول

پادشاهی لوئی پانزدهم در مملکت فرانسه

نیابت سلطنت . مجالس لوژی . امور دینی . شکست ها .

سلطنت لوئی پانزدهم پس از عهد پادشاهی لوئی چهاردهم طولانی ترین ادوار سلطنتی تاریخ اروپا است
مدت آن ۵۹ سال بود [از اول سپتامبر ۱۷۱۵ تا ۱۰ مه ۱۷۷۴] و بدو دوره
تقسیم میگردد اول از ۱۷۱۵ تا ۱۷۲۳ در زمان صغر لوئی پانزدهم دوره نیابت سلطنت دوک
دورلئان است دوم از ۱۷۲۳ الی آخر عهد سلطنت شخصی لوئی پانزدهم است .
این پادشاه در دوره سلطنت شخصی خود زمام امور را ابتدا در کف کاردینال دو فلوری
سپس در دست مجموعه ای چند از قبیل مادام دوپمپادور Madam de Pompadour گذاشت که نفوذ عظیمی در وزراء و عزل
معزول و منصوب میکردند . در این دوره مملکت فرانسه از قدرت مطلقه که میراث
لوئی چهاردهم بود استفاده کرد و بسبب اسراف و تبذیر در اموال دولتی شکست
عظیمی در امور مالیه تولید کرد . و از این جهت کراراً ~~[illegible]~~ [illegible] پارلمان گردید ~~[illegible]~~
~~[illegible]~~ و مخالفت سلطنت مطلقه بر عموم مردم آشکار و ثابت ■ شد .
در روابط خارجی هیچ زمانی باین درجه برای مملکت فرانسه شوم و بد عاقبت نبود
در این زمان بزرگترین و عالیترین اراضی مستعمره ~~[illegible]~~ مملکت کانادا در امریکا
و هندوستان در آسیا از دست فرانسه خارج شد . و نسبت بمقام سلطنت این
دوره بسیار بدنتیجه و شوم بود زیرا که مقدمات انقلاب کبیر و برافتادن
دستگاه سلطنت را فراهم آورد .

Duc de Bourgogne

نبیره لوئی چهاردهم (نواده او) پسر کهتر بود دوک دوبورگونی که خود پیش از نیای خود
درگذشت بنام لوئی پانزدهم بسلطنت رسید جدش در این وقت در حیات نبود

تشکیلات نیابت سلطنت

لوئی چهاردهم قبل از وفات وصیت نامه ای [illegible] در تعیین
نایب السلطنه ترتیب داده بود که بپارلمان پاریس سپرده و تقریباً تمام نیابت سلطنت را بانجمنی
واگذاشته که خود تعداد اعضاء آنرا تعیین کرده بود. ریاست این انجمن را بعهده دوک دو
اورلئان یعنی داماد خود دوک فیلیپ دورلئان گذاشته. ریاست دوک دورلئان
بر انجمن بر حسب ظاهر افتخاری بود و اکثریت انجمن صاحب قدرت حقیقی بود
بیرون دولئی مجمع بنابر وصیت لوئی چهاردهم
[illegible] که یکی از زنان نامشروع او [illegible]
مونتسپان و دوک دومن عضو بود
شخص اول انجمن محسوب میگشت چه بنابر وصیت لوئی چهاردهم نظارت در
تربیت پادشاه صغیر با دوک بود و در واقع سمت اتابیک داشت بعلاوه فرماندهی
لشکر نیز با او متعلق بود
با وجود این پیش بینی ها که لوئی چهاردهم کرد [illegible] کار با رونق خود بر اساس او
صورت نگرفت. و نخستین واقعه تاریخ دوره نیابت سلطنت که روی داد این بود که
کارها را دیگرگون ساخت. وصیت لوئی چهاردهم نیز مثل وصایای پدرش
لوئی سیزدهم ملغی شد یکروز پس از فوت لوئی چهاردهم ۲ سپتامبر ۱۷۱۵
بنابر تقاضای دوک دورلئان پارلمان پاریس وصیت را نقض [illegible]

Montespan
دوشس دومن و داماد ولیعهد
بر این تمتع حقوق کرده بود
دوک دومن
duc de Maine
فی الحقیقه

داخل [illegible] [illegible] بود

و نایب السلطنه را مجاز کرد در بین خود انجمن‌ها تشکیل دهند. و زمامداری لشکر را از دوک دو [illegible] مین
منتزع سازد.

دخالت پارلمان در امور سلطنت پادشاه صغیر یکی از وقایعی است که نتایج بزرگی داشته است
میدان در سه ربع قرن پیش از این تاریخ در زمان صغر لوئی چهاردهم پارلمان پاریس چه ادعاهای بالا بلندی
[illegible] نمودند که در دوره فروند چه اغتشاشاتی از آن بروز کرد. لوئی چهاردهم
چون به حد رشد رسید پارلمان را [illegible] بای طریق تنبیه کرد و حق اعتراض را از او
سلب کرد (۲۴ فوریه ۱۶۷۳) و متجاوز از ۵۰ سال پارلمان پاریس جز در موضوعات
قضائی به کار دیگری دست نزد. در سال ۱۷۱۵ نایب السلطنه در مقابل
همراهی و بیعتی که پارلمان با او کرد حق اعتراض را تجدید و تفویض نمود: و از این وقت
پارلمان خود را قادر یافت که در امور سیاسی دخالت کند. و این حال تا پایان سلطنت این
پادشاه برقرار بود.

نایب السلطنه

فیلیپ دورلئان ملقب به نایب السلطنه مشهور است پسر موسیو برادر لوئی چهاردهم و [illegible] از
خانواده‌های اصلی و مرسوم به بالاتین بود. لیزه [illegible] خانم
[illegible] در ذکاوت عقلی و عفت و خشونت ذاتی و صدق
و صراحت جبلی معروف است. روزی در حضور گروهی از درباریان پسر خود را سیلی زد
چرا که میخواست با مادموازل دوبلوا یکی از دختران لوئی چهاردهم (و مادام دو مونتسپان) را
زن گیرد. نایب السلطنه بکاری که به زمامداری رسید چهل و دو سال داشت و صاحب
صفات عالیه بود. هوش تند و سرشار داشت و به معضلات امور [illegible] پی میبرد. و سیاسیون
مشکل را بسهولت حل و عقد مینمود. طبعاً کریم و سخی و مودب و خوش مشرب و بسیار
دلیر بود. ولیکن صفت اخیر [illegible] را از اجزای چهارم ارث برده بود.

Augsbourg

۴ [illegible] جنگ اگسبورگ

[illegible] در سنه ۱۶۹۲ [illegible]

Neerwinden

[illegible] کرد . در جنگ

Turin

[illegible] تورن [illegible] مجروح شد .

[illegible] پادشاه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] بازگشته

[illegible]

[illegible]

رفود

[illegible]

Maintenon

[illegible]

[illegible] پادشاه [illegible]

شده در عهد [illegible] که [illegible] ۱۵۱۵ [illegible] «لاجوری که یکی از [illegible]

[illegible] بریزد [illegible] که اگر پادشاهش [illegible]

[illegible] شده [illegible] را [illegible] آورده [illegible]

چهاردهم [illegible] بعد [illegible] نکرد. اما در عهد

نیابت سلطنت [illegible] مقدس آب [illegible] معتقد [illegible]

~~[illegible]~~ تقرب [illegible]

~~[illegible]~~

~~[illegible]~~ [illegible] وجود [illegible] در [illegible] السلطنه [illegible]

~~[illegible]~~ از متقدمین ~~[illegible]~~ [illegible] ~~Les Roues~~ [1] [illegible]

پوسیدن [illegible] [illegible] نام نهاده بود [illegible] نیابت سلطنت [illegible]

این [illegible] آداب و رسوم [illegible] واقعه اساسی [illegible] نیابت [illegible] گرفت [illegible]

این تغییرات [illegible] شروع [illegible] آسیا [illegible]

[illegible] تاثیر شده [illegible] جهت [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible]

[illegible] مذهب رواج گرفت.

[illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] و [illegible] مذهب [illegible] این زمان [illegible]

و حادثه دیگر نیز در عهد نیابت سلطنت [illegible] که در [illegible]

یک [illegible] طبقه عالیه [illegible] حکومت [illegible] چهاردهم تاسیس کرده بود [illegible] که [illegible]

مجبور شد [illegible] و [illegible] [illegible] [2] [illegible]

[illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] (۱۷۱۵ - ۱۷۱۸)

[illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] و [illegible] لاو [3] Law

[illegible] رواج [illegible] (۱۷۲۰ - ۱۷۱۶).

(۲) - Polysynodie (۳) - Law

~~[illegible]~~
کلاس متعدده

جا که پیرمرد لوئی چهاردهم تقریباً دست اعیان و متنفذین را از امور دولتی کوتاه نمود.
و فقط ~~[illegible]~~ بعضی نفر از توانگران را بکار گماشت: یکی از آنان
نقش کلبر را [illegible] شد و دیگری نقش وزارت یافت. لیکن بعضی نیز برخی
در نظر داشتند [illegible] کار [illegible] خود برداری بیش نخواهد [illegible] از چشم مردم [illegible]
ارجمند دوشنته [illegible] مجبور [illegible]. [illegible] یکی از فرانسویان مردم بزرگ
دوسن سیمون[1] که با بعضی [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] داشته [illegible] را [illegible] سلطان
فرانسویان [illegible]. ~~[illegible]~~ بیمانی [illegible] [illegible] سال از
عهد لوئی چهاردهم [illegible] [illegible] در سیاست فارسی [illegible]
آن [illegible] شد. مردم [illegible] و عیب [illegible] ~~[illegible]~~ و حجج کثیر [illegible]
[illegible] در حکومت مطلقه [illegible] ناگوار [illegible] و [illegible] در نهایت [illegible] آب
فنلون[2] [illegible] تلماک[3] شرح تکیفیت [illegible] سالانت[4] را [illegible] در واقع غرض
لیکن [illegible] سیاست [illegible] را [illegible] که [illegible] کر
~~Gouverneur du Beauvilliers~~
~~Enfant de France~~
[illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] [illegible] و [illegible] دوک دوبووِلیه[5]
و دوک دوشولن[6] و دوک دوسن سیمون[7]. لیکن [illegible] ~~[illegible]~~ دوک
~~Chaulnes~~
[illegible] دوبورگونی[8] ~~[illegible]~~ نوه لوئی چهاردهم [illegible] که فنلون [illegible] او بود.
۱۷۱۱ که مردم [illegible] دوک دوبورگونی [illegible] فنلون [illegible] از کلمات
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اصلاحی آن
[illegible] [illegible] حکومت مطلقه [illegible] [illegible] نفوذ و قوت
[illegible] دوک دوبورگونی [illegible] [illegible] جهان را
وداع گفت و [illegible] [illegible] ~~[illegible]~~ گردید. [illegible] ۱۲۱۲

(۱)- Duc de Sain-Simon (۵)-Duc de Beauvilliers (۸)- Duc de Bourgogne
(۲)- Fénelon (۶)- Duc de Chaulnes
(۳)- Télémaque (۷)- Duc de Sain-Simon
(۴)- Salente

(۱) رجوع شود به تاریخ [illegible] صفحات ۵۷۵ و ۷۲۱

(۱)

~~[illegible]~~ و [illegible] آن [illegible] در [illegible] فاتی و [illegible] نگیرد:
[illegible] برای [illegible] و [illegible] خاصه برای [illegible]
[illegible] سیاست. [illegible] را [illegible] سیاست [illegible]
رو [illegible] Rome [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] سیاست [illegible] و [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] کلمه [illegible] [illegible] [illegible]
~~[illegible]~~ [illegible] [illegible] «[illegible]» است
ترجم

(۱۷۱۰ – ۱۷۰۱)

... که در دوره لشکری از حصول این طرح و مطلع آگاهی یافت و ... بعض

وصول بمقام نیابت سلطنت خود را طرفدار آن معرفی کرد و در ۱۵ سپتامبر

در پارلمان پاریس وصیتنامه قرائت شد و بموجب آن شاغل نقش کلی ... به

وجود وزرای سابق از کار معزول گردید و بجای آنها ... مجالسی چند تأسیس گشت

وزرا قول پادشاه فرانسه ... مجلس اخطار شده ... این ترتیب جدید را شاه

ماضی پیش بینی و توصیه فرموده بود و چون مرگ ... ایشان

موقع اجرا نگذاردم. عده این مجالس در ابتدا شش بود از این قرار:

مجلس وجدانیات مخصوص رتق و فتق امور دینیه، مجلس امور خارجه، مجلس حرب،

مجلس بحریه، مجلس مالیه، مجلس داخله، پس از چندی مجلس دیگری نیز به آنها الحاق

شد که آن را مجلس تجارت نام نهادند.

هر یک از این مجالس ده عضو داشت و یک رئیس خود را انتخاب میکرد. اعضای

مجالس را از طبقات عالیه و نجبا اختیار میکردند و ... (اصلاح طلبان ...) را

در آنها راه نیافتند. نایب السلطنه در تشکیل این مجالس از طریقی ... دارای

برادر ... در ... فاسد شده. ... این طرز حکومت را ... (زنان)

امروز در کتب مجالس متعدده ... پولی سینودی[1] نام نهادند.

مرکب از دو کلمه یونانی است و ترجمه تحت اللفظ کثیر المجالس میشود. و

بعید ... این قسم حکومت ... بجائی نرسید ... و از ... آن ... مهارت

در اسپانیا از قرن ... متداول بود و ... اسپانیا ...

جز تعویق کارها و سستی جریانات نتیجه از آن نبرد. ... بهتر

از ... نتیجه نداد. یکی از ... این ... مردم ... مارکی دارژانسون[2] بود

(۱) - Polysynodie

(۲) - Marquis d'Argenson

گفته است که از مدتی متمادی : «در اواخر (قرن هفدهم) انتشار گشته اعمال و با عبارت و ...
بسیار میکردند و لی بموقع توافق نظری [illegible] می‌شد و میزان خرج و دخل را
دقت و درست نمیدانستند و یکدیگر را بی‌نام میشمردند.» لکن نفس بکمک تجربه
تا سال ۱۷۱۸ را [illegible] دوام داد و به خرج میشد در اواخر قرن بیستم و زمان
انقلاب کبیر نیز بهمین طرز بای [illegible] متداول گشته . ولی در ۲۴ سپتامبر
۱۷۱۸ مالی مذکور [illegible] مستقل گشته و بجای آنها بودجه [illegible] را
برقرار کردند. ~~مقصود تفتیش کل مالیه و ادارات وزیر است~~

اوضاع مالیه

از سالی که [illegible] نیست اسلاط تفتیش داده بمکمک کاری به تدابیر مجلس مالیه نموده [illegible]
وضع مالیه در عهد لوی چهاردهم بسبب اسراف پادشاه و مصارف [illegible]
سر سال ... ترکی تکتابی ... حسابات مالیه بوده و از کمتر جهات وضع را
محکوم نموده است . دوک دورلئان در ماه دسامبر ۱۷۱۵ خود [illegible] بیانات حاضر شده و اوضاع
مالیه را تشریح کرده و ... ونیز او وجه نقد در خزاین سلطنتی و صندوقهای
مالیات نمیدیدم که لازم نیست مصارف را [illegible] تبران برداشت . حوالجات
مالی و سرمایه‌های ما [illegible] مطالبات دولتی فروخته شده . حواله‌جاتی تقریبا معدوم
گردیده و عایدات عادی نیز [illegible] ماه عهده مصرف شده و انواع و اقسام اسناد
دولتی و ... درست مردم است که بهر نرخ که یافت شد و دولتی ... و قیمت میزان آن
نیز از امکان خارج است .»

... بالغ و به ... مخارج ... [illegible] (لوی چهاردهم) صندوقهای سلطنتی
محروم و ۸۰۰،۰۰۰ لیره بود ...
دولت قرض به میلیارد لیره بالغ شده ...
— تخمینا مالیات قرض ... دولت فرانسه در سنه ۱۹۱۴ داشت —

(۱) - مقصود تفتیش کل مالیه و ادارات وزیر است

۶

از این مبلغ تقریباً ۵ میلیارد و نود میلیون قرض منفعتی دولت بود که طلبکاران حق داشتند

از دولت تادیه آن را تقاضا نمایند و فقط سالیانه مبلغ هشتاد و شش میرون ربح ادا

قرض عندالمطالبه بود

دریافت میکردند. اما قریب پنجاه میلیون دیگر [illegible] بودند و از آنکه

[illegible] این قرض از دوره ادانت [illegible] بحرف

خود [illegible] جنگ در ناسیونه [illegible] مدت [illegible] از آنکه بابت پرداخت قیمت جنس یا

تادیه قیمت [illegible] بلیط [illegible] و در ایام جنگ [illegible] سلطنت اسپانیه رواج

داشته و بیاری وجه نقد تلقی [illegible] (چنانکه پیش از این ادیم) [illegible] سند

قرض [illegible] سوم به بلیط مالک طلبکاران در دولت داشتند و از فرط

احتیاج دست بدست میگردانیدند و وسیله معامله قرار میدادند لکن [illegible]

[illegible] آنها حوزه های بیگفت میدید [illegible] قبول نمیکردند

در واسطه عدم اطمینان دولت مردم بلیط و سایر بلیط را قبول نکردند.

از طرف دیگر عایدات خالص دولت سالیانه مبلغ ۷۵

بعد ولی [illegible] حتی [illegible] برای پرداخت [illegible] قرض نیز کفایت نکرد (۲)

---

(۱) وضع کنونی انگلستان [illegible] جنگ عمومی بی الظاهر وخیم تر از آن زمان است زیرا اگر

قرض [illegible] جیب [illegible] و غیره [illegible] میلیارد بالغ شده که [illegible] بیشتر از

قرض فرانسه در سنه ۱۷۱۵ - معذلک اگر [illegible] لیره این را با مبلغ کلی ثروت

فرانسه مقایسه کنیم خطر در نظر کوچکتر و متناسب تر میشود چه قبل از جنگ عمومی ثروت

مجموعی فرانسه را قریب [illegible] میلیارد تخمین کرده و در سال ۱۷۱۵ تقریباً پنج میلیارد [illegible]

[illegible] ۳۴۲

(۲) [illegible] ۱۶۰ میلیون [illegible] بیش از نصف این مبلغ ۸۲ میلیون را دولت [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

(۱) - جدول دیون [illegible] (ارقام ذیل است در ابتدای جلوس [illegible] تعیین شد و در ستون دیگر میزان هر رقم به فرانک تعیین گردیده [illegible] از ذخیره آن زمان [illegible] اند.

	لیره تقریبا	فرانک
نقد	[illegible]۸۰۰٬۰۰۰	۹۶۰۰٬۰۰۰
دین یکی ... Dette consolidée	« ۲٬۰۰۰٬۰۰۰٬۰۰۰	« ۲۳٬۰۰۰٬۰۰۰٬۰۰۰
قرض عند المطالبه	« ۷۸۱٬۰۰۰٬۰۰۰	« ۹٬۳۷۲٬۰۰۰٬۰۰۰
دین متحرک	« ۱۳۷٬۰۰۰٬۰۰۰	« ۱٬۷۳۴٬۰۰۰٬۰۰۰
جمع کلی قروض	« ۲۹۱۸٬۰۰۰٬۰۰۰	« ۳۵٬۱۰۶٬۰۰۰٬۰۰۰
منافع دین ... Intérêts de la dette consolidée	« ۸۶٬۰۰۰٬۰۰۰	« ۱٬۰۳۲٬۰۰۰٬۰۰۰
عایدات خالص سالیانه	« ۷۵٬۰۰۰٬۰۰۰	« ۹۰۰٬۰۰۰٬۰۰۰
جمع کلی منافع و خرج سالیانه	« ۱۴۰٬۰۰۰٬۰۰۰	« ۱۶۸۰٬۰۰۰٬۰۰۰
کسر سالیانه	« ۶۵٬۰۰۰٬۰۰۰	« ۷۸۰٬۰۰۰٬۰۰۰

---

(۲) - Duc de Noailles

دین یکی	۷۸۱	consolidée
قرض [illegible]	۱۳۷	
دین متحرک	۲۹۱۸	
جمع کلی قروض	۸۶	
منافع دین	۷۵	consolidé
عایدات خالص سالیانه	۱۴۰	
جمع کلی منافع و [illegible]		

[illegible]

[illegible]

۵۷٫۰۰۰ [illegible]

[illegible]

(۱) [illegible] ۵۱۷۱ [illegible]

[illegible] ۵۱۷۱ [illegible]

۱۰

مخارج عمومی با نقصان رایج فروش مبلغ صدوچهل میلیون مرتبه لذا منظور کرد [illegible] سالیانه
نشده رایج میزان بود ولی [illegible] در نفس الامر بیش کسر [illegible] سال ۱۷۱۵
را صدوچهل میلیون محسوب داشت یعنی [illegible] دولت معادل میزان مخارج زیرا که عوائد
آن سال را قبلاً بمصرف رسانیده بودند(۱) و چیزی در میان نبود و بهمین جهت در سنه
۱۷۱۶ نیز کسر را بیش از همین قرار محسوب کرد.

برای تخفیف دولت بعضی از آنها بفکر اعتدال در مملکت افتادند اما
بنا بر قول سن سیمون و کلی حاضر نشده [illegible] قدم پیش گذارده [illegible] و [illegible] همه از عظمت
ظلم و جور در مجلس بوحشت افتادند [illegible] مالیه مرحالیتش با [illegible] در نوای (۲) بود
بنا بر مشورت برادران پاریس [illegible] جوره از او لشیه که [illegible] در مملکت سابقه داشت
[illegible] و بمیزان آن نیز چندان ظاهر و بارز نبود و آن عبارت
بود از معاینه و تجدید ضرب مسکوکات و تحقیق در حساب و [illegible] ثروت نوازگان
چنانکه در دوران انقلاب معمول است.

تدابیر مالی

[illegible] معاینه [illegible] در مملکت چه کمتر و در [illegible] نقل
دارندگان بلیت حوالی باقی اوراق عمده برای ملاحظه و معاینه ارائه بدهند. [illegible]
بعد از معاینه دولت تقلیل شد [illegible] دولت میزان اوراق را تصدیق
کرده [illegible] و اوراق جدید بصاحبان داده و در واقع [illegible] ترتیب [illegible]

(۱) جدول ذیل خلاصه ارقام [illegible] است [illegible] جدول [illegible] معین [illegible]
دیگر میزان بهره [illegible] قیمت [illegible]

	۸۰۰،۰۰۰،۰۰۰ تقریباً
نقد	۲۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰
دین	۷۸۱،۰۰۰،۰۰۰
[illegible]	۱۲۷،۰۰۰،۰۰۰
دین [illegible]	۲۹۱۸،۰۰۰،۰۰۰
جمع [illegible]	۸۶،۰۰۰،۰۰۰
[illegible]	۷۵،۰۰۰،۰۰۰
عوائد خالص سالیانه	۱۴۰،۰۰۰،۰۰۰

[illegible]

۵۷،۰۰۰،۰۰۰ [illegible]

۵۱۷۱ [illegible]

11

از هر طرف طلب حقوق مردم بالا رفت و بحران از بحران دولت آنها وعده میداد
که تا مبلغ بر دولت ... سالیانه از قرار صدی چهار ... خواهد پرداخت.
لیکن ورشکست و توقیف پرداخت از اسکناس بر جنبه سنگ کلی دولت
غیرالطاهر ... تنزل میداد لکن وجه نقدی بخزانه دولت وارد نمی ساخت. ناچار
دولت بعض تعیین پول نقد بتجدید ضرب مسکوکات تمسک جست ولی اقدام نیز جز
اختلال امور تجارت نتیجه نبخشید از طرف دولت اشخاص را که از اموال دولت حیف و میل
نموده بودند تعقیب کرد و در مارس ۱۷۱۶ ... تحت تعقیب و تفتیش آورد
بنام محکمه مشتعله chambre ardente که سر بعضی از مشاورین پارلمان
در آن عضویت داشتند باین تفصیل که از اشخاص می‌توانستند حکم دولت
را بوضعیت رسیدگی کنند و در احوال اشخاص که وجوه بالغ بر ... گردیده
Vauban
معرفی کرده و آنها را ... تحقیق نمایند
در زمان دولت ... و مستوجب ... است ... تحقیق
مقصود کسانی که ... و صاحب ... بود که بیش از نصف مالیات
در مورد ... بر روی دولت آنجا می‌داد محکمه مشتعله دامنه تحقیقات را
تا سنه ۱۶۸۹ که ابتدای جنگ اتحاد اگسبورگ باشد توسعه داد بعضی شروع
تحقیق را از آن سال نمود. منظور از تفتیش بعضی از صرافان و مالداران
Crozat
بعضی تقدیم گردید کروزا ... میلیون و ...
برابر ... میلیون تادیه نمود. تقریباً پانزده هزار نفر متهم با خلاص و خیانت
در اموال دولتی شدند و بعضی از آنها ... گرو ... میلیون ...
آنها محکومین بیش از ... نپرداختند و از این مبلغ تا بیش از پانزده میلیون
بخزانه عاید نگردید.

وال ... تاریخ ... ۹

چون تجربه ثابت شده که تدابیر سابقین برای اصلاح مالیه فایده ندارد [مکرر] لذا از ۱۷۱۶ الی [illegible]

سوم بلاس ~~[illegible]~~ که پیشنهادات اصلاحات تقدیم کرده مورد

و کاملاً نقایص مالیه را رفع نماید.

لاس Law

لاکبر صراف بود از اهل ادنبورگ Edinbourg در زندگی پر ماجرا [illegible]

~~[illegible]~~ قدرت اعظم ثروت است [illegible] در ممالک اروپا مسافرت کرد و در مراکز علمیه

و مراکز تجارت و صرافی از قبیل امستردام Amesterdam و ژن Gênes و

فلورانس Florence و ونیز Veniz چندی توقف [illegible] و وسیله اطلاع

در مسیر جریان حوادث خود برآمد. در سال ۱۷۰۰ تحقیق [illegible]

فکر تهیه نقشه [illegible] افتاد و خیال خود را در انگلستان ابراز نمود و در فرانسه [illegible] چهارم

نیز [illegible] پیشنهاد را تقدیم داشت لکن مؤثر نیفتاد و در سنه ۱۷۱۵ نیز [illegible] طرح

اصلاح مالیه را [illegible] تقدیم کرد [illegible] آقای لاس

[illegible] دوره [illegible] را [illegible] نقشه [illegible] اجرای آن را

از طرق غیرمستقیم فراهم ساخت

یکی از فروع نقشه [illegible] این بود در شیوه معامله مخصوص تجار را تعمیم دهد [illegible] می‌دانیم

نقشه لاس بانک

در تجارت [illegible] مال التجاره دریافتی خود را نقداً [illegible] پرداخته [illegible] غالباً [illegible]

معتبر [illegible] پرداخت قیمت را به وعده [illegible] معین شد [illegible]

و کارمندان [illegible] حواله [illegible] نوشته [illegible] سند [illegible] روز انقضای وعده را

در آن قید کرده است [illegible] billet بلیت

[illegible] اگر [illegible] بایع [illegible] سند فوق الذکر [illegible]

[illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] و بهمین ترتیب سند ~~[illegible]~~ گردش [illegible]

۱۱

[illegible]

بر حسب اعتبار امضای صاحب
تا روز وعده برسد و در واقع حکم وجه نقد پیدا می‌کند
سند و فقط این ورقه کاغذ شبیه به مسکوک واقعی میشود .
جزو هست ... این طرز معامله فقط میان اشخاص صورت می‌گیرد
در احوال یکدیگر معرفت داشته باشند . ولی اینکه سند مذکور را به هرکس ... بجای وجه
نقد بپذیرد بایستی امضا مالکی را داشته باشد که نزد عموم معروف و معتبر باشد .
... لاکن بعد تشکیل موسسات اقتصادی ترکیب از جمع مردمان قرار که
... در ثروتمندی و اعتبارات آنان تردیدی نداشته باشند
... با امضای آنان ... ولی بانک برای دریافت پیشتر تا قرض داشته و
تجار را ... و تا انقضای مدت نگاه ... در عوض اوراق ... قرض
... با امضای هر بانک که ... بجای وجه نقد دست به دست بگردانند . ...
اعتماد عمومی ... در ... اوراق نقداً پرداخته بگردد به ... حواله
تجاره مدت داشت . این طرز معمول بانک ... است و بهمین ترتیب در
بانک انگلستان نیز ... در سال قبل (۱۶۹۲) معمول بود .
لاکن در نظر داشت پس از آنکه بنا بر اطمینان عمومی بانک (تأسیس) وجوه نقد شد و
منافع تشکیلات تجارتی اقتصادی ترویج دولت را ... اوراق ... بانک
... تشکیل یافت

ایجاد بانک

بانک در ماه مه ۱۷۱۶ ... به ... شش میلیون لیره ... تشکیل یافت
این وجه عبارت بود از دوازده هزار سهام پانصد لیره ... در ... نقد
و سه ربع ... بانک محسوب میشد . ابتدا این موسسه صورت خصوصی داشت و
دولت ... و ... شعبات ... امتیاز بانک را
تا ... سال محفوظ داشته ولی رقابت ... بانک ... محصول ... مردم زودی

۱۲

دریافت شده بلیت [illegible] بانک از حیث سیاست و بهبود انتقال [illegible]
به سکوکات سنگین فلزی را رجحان داده ... بنابر پیشنهاد لاس از طرف نایب السلطنه
مقرر شده وجوه ... بلیت بانک را با رجحان ... ادا ... بپردازند (اکثر
۱۷۱۶) [illegible] ... مالیات بانک را ... از [illegible] سند ...
خزانه برگرد ~~[illegible]~~ فوراً تبدیل بوجه نقد بکنند (اوریل ۱۷۱۹) از این
تاریخ دیگر مردم هم بلیت بانک چیزی نخواستند. پس از دو سال هم از عمر بانک
گذشت و برای سهولت بیشتر ... در ۴ دسامبر ۱۷۱۸ اسم
آن را بانک شاهی نهادند و لاس را ... دولت ... ~~[illegible]~~ در ژانویه
۱۷۱۵ لاس سمت مفتش کل مالیه معرفی گردید.

شرکت‌های تجارتی

بانک یکی از فروع نقشه بزرگ اصلاح مالیه [illegible] ... بود. لکن توسعه
تجارت و ... و رفع ... پیشنهاد کرده شرکت‌های
ایجاد شود با حق انحصار در امور مختلفه خاصه در حق تصرف و ... اراضی مستعمره.
در سنه ۱۷۱۷ لاس شرکتی (به نام) شرکت غرب و ... Mississippi
تشکیل داد که بعد ... هند غربی مرسوم گشت — این شرکت حق انحصار
... را ... در ... کف ... و لویزیان Louisiana
را داشت ~~[illegible]~~ همچنین حق مالکیت جمیع اراضی در اطراف
شط عظیم می سی سی پی ... گرفت. همین شرکت در
سنه ۱۷۱۹ صاحب امتیاز تجارت با هندوستان و چین شد. و پس از
چندی انحصار ضرب سکه و فروش تنباکو و ... و وصول مالیات غیر مستقیم نیز
باو تعلق گرفت.

۶۱

[illegible]

سرمایهٔ این شرکت‌ها از شعف بهای تعیین شده بود و برای خواسته از آن می‌خرند

و شرکت منافع باشد [illegible] لاس لین‌ها سهام را [redacted] هریک ۵۰۰ لیره

[redacted] می‌فروش [illegible] و مثل سهام بانک یک ربع نقد و ربع بقیت

قبول می‌کرد ولی قبول بقیت بهای [illegible] نقد [illegible] وضعیت [illegible] بعد هم

بر اعتبار اوراق بانک [illegible] از میزان ترقی [illegible] مطالبات

[redacted] از این‌که منافع کثیره [illegible] و از معادن طلا [illegible]

و جبال زمین زرکیه در [illegible] بی‌اندازه [illegible] هرکس طالب خرید سهام شد.

از ولایت [illegible] حتی از ممالک خارجه مثل آلمان و هلند و انگلستان [illegible]

~~[illegible]~~ چگونه

مشتری این بازار [illegible]

دولت [illegible] بازار [illegible] کالا [illegible]

بازی آمده و [illegible] الاکل بالاکل

بهره [illegible] شرکت [illegible] ولی حق [illegible] سهام

کی [illegible] شرکت [illegible] منافع حتمی و قطعی داشته [illegible] می‌داد

[redacted] دارای [illegible] از شرکت [illegible] هرکس چهار سهم از

~~[illegible]~~ شرکت [illegible] یک سهم از شرکت ~~[illegible]~~

[illegible] به تعبیر آن زمان «هرکس چهار [illegible] داشت

یک دختر [illegible] تعریفی می‌گردید». دلالان [illegible] از اطراف

[illegible] ترقی [illegible]

~~[illegible] agiot [illegible]~~

~~[illegible]~~

در ۱۰ سپتامبر ۱۷۱۹ لا رسماً در خطابه‌ای که [illegible] [illegible] هزار [illegible] پیشنهاد نمود

~~[illegible]~~ دو میلیارد [illegible] شصت [illegible] هزار [illegible]

[illegible] [illegible] دولت [illegible] [illegible] [illegible]

دولت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] باشد. در مقابل [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] سهم [illegible] را از قرار صدی [illegible] [illegible] ~~[illegible]~~

در [illegible] [illegible] [illegible] باقی از قرار صدی پنج و صدی شش ~~[illegible]~~

[illegible] [illegible] [illegible] تبدیل [illegible] [illegible] [illegible] تنزل [illegible] [illegible]

دولت را از ۸۶ میلیون به ۴۸ میلیون تنزل میداد.

سقوط سیستم لا

چند بعد بعد [illegible] قیمت هر یک [illegible] به [illegible] هزار [illegible] [illegible]

قیمت اصلی [illegible] [illegible] گردید

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شد (۳۰ [illegible] ۱۷۱۹)

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شروع [illegible] کرد

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]. [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

قیمت سهام تنزل [illegible] و [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] از بانک [illegible]

سبب گردید. [illegible] از معامله‌گران [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] که

[illegible] شرکت را فروخته و در مقابل [illegible] [illegible] گرفته [illegible] تنزل ~~[illegible]~~

تبدیل [illegible] [illegible] [illegible]. در [illegible] ۱۷۲۰ خبر شایع شد که [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] Bourbon [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] از بانک

~~[illegible]~~ [illegible] [illegible] [illegible]

خارج کرده [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]. [illegible] [illegible] [illegible] شد

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بانک نهاد.

[illegible]

بانک به میلیارد بلیت صادر کرده بود در مقابل وجه نقد کافی نداشت وزرا که تمام
مسکوکات مملکت در دفتر بنا بر حساب دو یازده سال قبل و بابا Vauban کرده بود [illegible] تقریب
۲۸۰۰۰۰۰۰۰ یعنی کمتر از نیم میلیارد بود [illegible]
دارای وجه بلیت آن روزی بانک غیر ممکن شد. در نتیجه [illegible] و تبلیغات [illegible]
دیگر کسی [illegible] بلیت نمی‌پذیرفت حکم عمومی دولت هم در مردم را مجبور
به قبول بلیت بانک بکند مؤثر نیفتاد. و دیگر هیچکس حق ندارد بیش از پانصد لیره طلا یا
نقره نگاه دارد [illegible] مصادره می‌شد. دولت تلاش بیشتر کرده و دلسرد نمود عامه
از مسکوکات [illegible] دستور داده در ظرف یک سال چهارده دفعه عیار مسکوک را در فرانسه
تغییر بدهند ولی این هم تأثیری نبخشید و مردم را به بلیت بانک [illegible]. در ماه
دسامبر ۱۷۲۰ قیمت بلیت نود درصد تنزل کرد یعنی بلیت صد لیره‌ای را
به ده لیره قبول می‌کردند. نرخ سهام نیز از پانصد لیره به [illegible] رسید
نقشه لاو منجر به شکست شد و خودش مجبور به فرار از فرانسه گردید
(دسامبر ۱۷۲۰ بلژیک) [illegible] چند میلیون ثروت داشت [illegible]
بیرون رفت تمام خراب و فقیر شده بود و عاقبت در شهر ونیز در کمال فلاکت [illegible]
تصفیه مطالبات و قروض بانک و کمپانی‌ها هم به عهده مردم و آنها برادران

نتیجه کارهای لاو

پاری Pâris محول شد و از دشمنان [illegible] لاو بودند. نقشه
لاو را که منجر به شکست گردید [illegible] نتایج خوب بخشید [illegible] از دیون دولت
قریب ۳۵۰۰۰۰۰۰۰ آزاد شد و تنزیل [illegible] دولت می‌پرداخت به نصف [illegible] و در
سال ۱۷۱۲ [illegible] شد در [illegible] سه عشریه را [illegible] ولی از
تجمع بود در [illegible] (یا چهار درصد) مردم شده بود. علاوه بر اینها لاو چند قسم موارد [illegible]

[illegible]

دیگر وام در هیچ مایه‌ای لقب اغنیا نیز حذف کرد و از جمع کل حقوق دیرینه دولت
می‌پرداخت منظم‌تر است. آنگاه دست به ایجاد کمپانی‌ها زد و بموجب احیاء
صنعت و ترقی تجارت گردید. او امر نمود بندرها آباد شد و بنادر
فرانسه از قبیل بردو Bordeaux و نانت Nantes و هاور le Havre
بحری آباد و معمور گشتند و حتی در بهترین ایام دولت کلبر Colbert
نیز بدان درجه نرسیده بودند.

در مقابل این فوایدی که گفته شد مضراتی چند عاید گردید.
~~سرعت انتقال دارایی‌ها که ... رواج ...~~
~~مال و ملک اشخاص~~ در نتیجه رواج ایهام معاملات را شبیه بورد و بند
ثروت ... و ترقی و تنزل
تجار سوداگر و جانبازی که لعوقی در خرید و فروش
ایجاد کرده در مال و ملک اشخاص بسرعت ترقی افتاده. از دستی بدستی منتقل شد
قول سن سیمون که از تماشای همه تنگییدت آگاه بود «که مال هرروز را در جیب
دیگری دو می‌کند». ~~... Quincampoix ...~~
~~...~~
جمعیت انبوهی در کوچه بود ... بسوی کنکامپوا Quincampoix در از قط بارها
در همین نقطه یک لانه‌ای زنی چیزی آمده که گویی شبیه بورس امروز شده
بود و طبقات عیاران از فرش تا سقف منزل دهدهان
وسیله گرده بود. در بعین کوچه منافع بسیار و ثروتهای محیرالعقول کسب شد
گویند شخصی به شغل باربری وارانی فروش بود پس از چند هفته دارای میلیونها گردید
و مرد کوچکی در ظرف هشت روز ده میلیون بچنگ آورد و عطاری صاحب ملکیه دو میلیون گردید.

گفت و زودتر که این لهوات و این بزرگترین دست‌ها لگد در نفوس
مردم آن زمان بود تأثیر نابهنجاری بخشید و امروز شرط بندی
و مسابقه‌ها در این زمان رواج گرفته برای هیچ کاری که قمار نشود
بکار نمی‌رود جیبی بلکه از طریق قمار و دلیجان پیش آمد که بالاخره رشد افکند
و عزت نفس عمومی زد. از طرفی نوبت‌ها هم جز صرف گنج را آوردو
حفظ کرده نه نوشته و برای اقناع شهوات
و اطفای هوسهای زشت حفظ شرف کی بود که باشد و عامل موثر فساد اخلاق شود.

مقدمه حوادث دوره نیابت سلطنت

دو دولت انگلیس بیست آن ... و ... و در مناسبات خارجی
وزارت ... ترقیات سیاسی سابق ... الحاق دهلند (۱۷۱۷)
و قطع روابط با اسپانیا (۱۷۱۹) ... بعد از این جا هم
چون در تاریخ ۲۲ فوریه ۱۷۲۳ لوئی پانزدهم بسن سیزده سالگی رسید و رشد او اعلام شد
بر از بیست سال
مع القاعده ... ادامه ...
... که ... در واقع دوک دورلئان ... فرانسه ...
حکام داد. ... صدر اعظم ... کاردینال دوبوا
Dubois که فی الحقیقه کار را ... اداره ... کاردینال
و ... صدارت ... و حقیقةً حکومت ... آن
مرگ ... ادامه نداد ... در ... مزاجش
... ۴۹ سالگی ... بدرود حیات گفت (۲ دسامبر ۱۷۲۳)

وزارت دوک دوبوربون
...

Fleury مردم عقیده ... روزگاری داشت ... لوئی پانزدهم
که کشیش زن‌دوس Fréjus بود برای فرانسه دوک دوبوربون (
برد شد و داوود داشت در دوک دوبوربون را صدارت برداد و
کفر ... شاهزاده‌ای ... دو نوه کنده Condé بود ... بسبب
... و زوجی مکنت ... اگر بود ... (...)
داشت و ازین جهت به مردم ... سال صدارت را
تعقیب کرد ... ازدواج ... بود ... شده ... تخت
... لوئی پانزدهم را ... بسیار ...
Stanislas دختر ... استانیلاس Leczinska ... پادشاه لهستان
... که هفت سال از ... اولاد ...
و در ... Wissembourg ... از بلاد
... آلزاس Alsace ... فرانسه ...
Lorraine ... لورن
... ازدواج ... بود ... بالکل ...
... شد (١٧٢٦ ... تبعید شد (
ده ماه بعد از ... دوک دوبوربون ... فلوری

صدارت فلوری

... بود ... شاه ... فلوری را ...
داشت ... شاه ... کند ... فلوری را به این
... وقت ... ارتقاء ... دارد.

... الصفحة ... از ... بیان ...

[illegible]

(١٧٢١) ... (١٧٢١) ... ١٧٢٢ ... (١٧٢٢ ...)

فلوری در رابطه با طبیعت و سادگی در دولت عشق

شاگرد و همدوره ژزوئیت‌ها در قلب دوره معقول خویش ساخته بود. و او از

جمله عده قلیلی بود که لوئی پانزدهم نسبت به او با محبت صمیمانه داشت و او را تا زمان

مرگ (ژانویه ۱۷۴۳) شغل وزارت به تو نگهداشت. در مدت ۱۷ سال جز حقیقی

او بعد کسی لوئی پانزدهم در ظاهر به او اشاره و تعلیمات و دستورهای خود (اراده سلطنت) خویش را

در تمشیت امور ظاهر می‌ساخت و معناً بگفت

مطابق سرمشقی که از جد بزرگوار خود لوئی چهاردهم یافته (؟) ... کرد.

فلوری که ... تحت سلطه و تسلیم ... تجربه ... ۷۳ سال ... را

حق داشت که ... گفت: ... در زمان صدارت حمیدی

تاریخی نبود» در دوره کشور با اقتصاد و تمام رشد ... از تبذیر و اسراف

جلوگیری نیز ... و ... Orry در ... را

وزیری ... ۱۷۴۰ ... مفتشی ... داشت ... در ...

و تنظیم مالیه ... کرد. در سال ۱۷۳۸ ... از سال ۱۷۴۳

... زیاد در این سال ... تعادل ... از ... را ... تا

و دوره وزارت ... نداشت ... و از آن ... ام

... قرن ... که ... ادل ... نشد. در دوره

صدارت فلوری ... و ورود ... جانشین ...

گردید لکن ... ه ... غنی ... و جانکه

شاتوبریان Chateaubriand نویسنده معروف گفته است «آتش

این دوره فرانسه را مجال داد که در تقویت بنیه نیروهای خود دفع کرد و از ضعف از خود»

[illegible]

لوئی پانزدهم

چون فلوری در هشتاد و نه سالگی وفات یافت مردم غالباً گمان میکردند
که لوئی پانزدهم ~~[illegible]~~ عاقبت زمام امور را بدست خویش خواهد
گرفت معروف شده که چون خبر فوت کاردینال را باو دادند گفت: «[illegible]
خوب آقایان اینک صدارت بمن رسید.»
لوئی پانزدهم سی و سه سال داشت ~~[illegible]~~ و بسیار جمیل بود
تا بقول یکی از وزرای او مردم بارها دارژانسون d'Argenson (وزیر)
اورا ~~[illegible]~~ محبوب القلوب برای [illegible] و تدهین بر [illegible] بسیار شباهت [illegible]
عشق داشت» عموم رعیت محبت و عشق مفرطی باو داشتند در ۱۷۴۴
که در [illegible] سخت بیمار گردید مردان و زنان فرانسه بهر جا کلیسا [illegible] رفته
[illegible] فقط در کلیسای نتردام ۶۰۰۰ مجلس دعا برای سلامتی پادشاه
نذر کردند. در همین اوقات [illegible] شد. لوئی محبوب لقب ~~[illegible]~~ یافت.
هیچ پادشاهی [illegible] برای جلب علاقه و محبت ملی بقدر او نالایق
و ناسزاوار نبوده است. طرز تربیت لوئی پانزدهم بسیار نامناسب بود. از بدبختی
در سن پنج سالگی بپادشاهی رسیده و خود نیز [illegible]. در اطرافش [illegible] و [illegible]
[illegible] از ولایت و کلمات [illegible] مستلق
حس [illegible] و [illegible] در او [illegible]
~~[illegible]~~
[illegible] Villeroy
~~[illegible]~~ از روی ایوان عمارت اهالی پاریس را [illegible]
~~[illegible]~~ [illegible] و گفت «[illegible]»
[illegible]

[illegible]



+

لوی پانزدهم پادشاه فرانسه
(۱۷۷۴ - ۱۷۱۰)
دوریس دهیچ لیگ .

۲۴

۲۳

کرده آن [illegible] مدت
علاوه بر نقض ترتیب طبقه
گفته شد ~~Coche~~ ~~[illegible]~~ جزئی
[illegible] مجموع شده است ماده ۱۵
لوی در ۱۵ سال کارش را تا
که از منزوه مردم شده ذل
در وصف [illegible] شاه مکید
~~... تملک ... مقرراتی تقسیم کرد~~
لعنت می رفت او نیز فرو
~~[illegible]~~ ترتیب مرد
پوشیده ... ولی
ادامه داشتن ...
بعد در سال ۱۷۴۴ در
معکوس گشته شد ...
به بختی زرفتند بعد جنگی پادشاهی با دی ملکه را شد در زمانی در جمیع مدتی حاکم
اروپا که نزد حاده و دال دولتی قاطع ~~[illegible]~~ ملک و رعیت خوش رفیقه
Marie-Thérèse
نه وقتیکه ماند زودتر ... دولتی و مادر تزار
و ژوزف دوم در اطریش و کاترین دوم در روسیه : تقصیر پادشاه
فرانسه دولتی بود که برای العین حدوث خطرات عظیمه را دیده و

۹۶

[illegible]

کرده آن [illegible] مدت

عقیده به نقض ترتیب طبقات نیز شریک و موافق بود. در هنگام [illegible] جنگ [illegible] ...

کشف [illegible] بزرگواری ~~Leczka~~ [illegible] را هم دماغ را گرفته [illegible] ...

[illegible] مجروح شده [illegible] همراه [illegible] نزد او آمد و دستش را گرفت [illegible] ...

[illegible] در [illegible] حال کارش را تمام کرد. [illegible] سنگدل و [illegible] ...

یکی از [illegible] شد [illegible] Choiseul چند سال قبل از [illegible] ...

در وصف [illegible] [illegible] ... عاطفه و [illegible] ...

[illegible] از [illegible] ~~[illegible] تغییر [illegible]~~ ...

[illegible] گوئی تمام عیب و نقایص

[illegible] [illegible] [illegible] تغییر [illegible] ...

[illegible] [illegible] [illegible] در ادبیات [illegible]

[illegible] ... باليتی تا الحقيقه ... [illegible] لوی محبوب لوی [illegible] لقب یافت

[illegible] Tencin [illegible] از قول [illegible] کاردینال [illegible] ...

[illegible] در سال ۱۷۴۴ [illegible] پادشاه [illegible] ...

[illegible] [illegible] اگر [illegible] آن راه [illegible] ...

[illegible] [illegible] [illegible] حکومت [illegible] جمیع [illegible] ...

اروپا [illegible] و [illegible] ملک و رعیت [illegible] ...

Marie-Thérèse [illegible] [illegible] و [illegible]

و ژوزف [illegible] در اطریش و کاترین [illegible] در روسیه. [illegible] پادشاه

[illegible] برای [illegible] حدوث خطرات عظیمه را دیده و

[illegible]

۹۶

[illegible]

Villars

[illegible]

میگفت «دنیا بعد از ما هر چه باشد تا زنده‌ام برقرار خواهد ماند» و همچنین
هر زمان که از خطری مستحضر باشد بیاید تدارکات کافی ... دنیا امروز
بعهده جانشینان خود واگذاشت . و ... بنا بر قول ... دارد ...
d'Argenson در طرف ... [illegible] ... کشور شاه
رسید و در ... نکته سخن راند . ... اتفاق ... بر شورای ...
روایت کند ... هر چه ... بکرد و چنانکه
ادام در ... Tencin ... شاگرد ... دارد ...
تکلیف خود را ... داده و ... شد . »
شاه وقت خود را بجز ... صرف میکرد : ... و صحبت ... و صرف
قهوه در عمارت ... و تماشای ... و مطالعه اخبار ... و ... های
... ... از اوائل ... و ... قرائت ...
... در ... بجهت ... و ... از ...
... که ... نام داشت باز میکرد ... و به ...
... ... شاه ... عادات ... ها
... از سنه ۱۷۵۰ ...
... و ... خیانت ... را داشت . بعد از سنه ...
... در ... دیگر ...
... در ماه ... ۱۷۵۰ ... الملک
و تحقیر ... در ماه ... و ... مجبور ...
... بیش از ... ف ... و ... ها
... که ... در ... Versailles
شده ...

... اعمال رذیله و عادات سلطنتی را ... و از این تاریخ است که مردم
دلها ... شاه دیگر جوشت ... بپاریس ...
... ۱۷۷۴ ... آبله ... Vienne [illegible] وداع ...
گفت ... که ... را از ... پاریس ...
... Saint-Denis ... شبانه ... از ...
... که ... تاریخ را
از ... Boulogne ... در کنار جاده ...
... که ... میداد ...
... را ...

از ... صدراعظم ... شد تا آخر سلطنت ...
مدت ... سال از ۱۷۴۴ تا ۱۷۷۴ ... از ...

محبوبه های لوئی ۱۵ —
دوشس دو شاتو رو
Châteauroux

... میکردند ... دست ...
... دوشس دوشاتورو ...
... زن ... را ... که ... شاتورو
... Richelieu ... طرف
... سلطنت ...
... که ...
...
... دوشس دوشاتورو ... سلطنت برداره
... جنگ ... در کانال

[illegible]

۲۶

[illegible] لوئی داشت بجای خود و کارهای فرانسه را [illegible] اشتغال بود و [illegible] اشته

قوای دولت را که در شرفا داده بود [illegible] شاه را [illegible] مذکور

اولیش ۱۷۴۴ آنا عهده دار شد. [illegible] دیگر را [illegible] اعزاز

گذارد Metz تمام جانب [illegible] مجبور شد شاه [illegible] بابیات الزامی

[illegible] به خیر جنگ آن وقت که مردم ملک بدفع و شوق [illegible]

که خود [illegible] گذارد [illegible] را تحریک [illegible] سرشار محبت [illegible] از

و [illegible] پادشاه تاثیر [illegible] مردم [illegible] شاه [illegible]

مقاومت این حال مردم لوئی [illegible] ذکر [illegible]

از قصر [illegible] و [illegible] دوشاتورو را [illegible]

(۱۷۴۴ [illegible]) [illegible] دوره کرد [illegible] تمام [illegible]

[illegible] ملکه [illegible] قدرت [illegible] شاه [illegible]

درگذشت (دسامبر ۱۷۴۴)

Jeanne Poisson ژان پواسن [illegible]

مارکیز دوپمپادور — بعد از لوئی دوشاتورو [illegible] و پوش

[illegible] که زن [illegible] ساله از طبقه [illegible] بود

حقیقی [illegible] طلب [illegible] در [illegible] و [illegible] داشت و جمال و [illegible]

[illegible] از [illegible] دو [illegible] شد [illegible]

مارکیز دوپمپادور [illegible] این زن را [illegible] Le Normant d'Etioles بود

[illegible] ازدواج [illegible] Marquise de Pompadour یافت [illegible]

[illegible] پادشاه [illegible] در دربار [illegible] «لوئی سوم» [illegible]

«مارکیز دو پمپادور» عشق [illegible] شاه اروپا معشوقهٔ خود معروف
کرد و در قصر ورسای عمارتی به او تخصیص داد. لیکن او تا وفات یافت سلطان
حقیقی مملکت بود و این مدت قریب بیست سال طول کشید از ۱۷۴۵ تا ۱۷۶۴
وزرا را عزل و نصب می‌کرد و به دوستی و بیش از هر کار [illegible] از وی کسب اجازه می‌نمود
[illegible] معشوقه‌های دیگر را نیز خود به پای آن می‌داد. از جمله کارهای مهم
لیکن او در دو تغییر اتحاد حرب و [illegible] بود [illegible] نیز
اتحادی که [illegible] شاه را وا داشت [illegible] با اطریش [illegible] هم عهد شد
و در نتیجه فرانسه را وارد جنگ مشئوم هفت ساله نمود. ارباب صنایع
و هنرمندان را [illegible] به ایشان [illegible] خود نیز [illegible]
در حالی که [illegible] دارد [illegible] داشت. او نیز [illegible] از قبیل ولتر
Voltaire و مخصوصاً مؤلفین دایرة المعارف [illegible] بسیار اکرام می‌کرد و از ایشان حمایت
[illegible] در مطابع ادبا شهرت [illegible] کمتر نموده و [illegible]
وقت فکر و لطف [illegible] غلو کرده. اما علت
[illegible] مغضوب [illegible] ذوق و فهم در [illegible]
فارسی [illegible] و ازو متنفر بودند
Jeanne Bécu ژان بکو [illegible] نام داشت
افزون [illegible] پادشاه [illegible]

کنتس دوباری
La Comtesse du Barry

[illegible] تا [illegible] شاه [illegible] سابق [illegible]
عاقبت با دوباری‌ها [illegible] یافت. [illegible]
لیکن او را عشق [illegible] از اینجا گرفته دوباری نام که از حلیه غیرت
و شرافت عاری بود [illegible] لقب کنتس داد (۱۷۶۹)

[illegible]

[illegible]

و بعد از آنکه ثروتی [illegible] دست یافت گویند قصد داشت [illegible] (۱۷۷۲)

زنان [illegible] Pompadour [illegible]

[illegible] به [illegible] تا [illegible] برجسته

معروف است در [illegible] و عزل و نصب [illegible] وزرا [illegible]

جنبه [illegible] میتوان گفت که در عزل و نصب آنها دخالت داشته

در خط [illegible] اعمال نفوذ [illegible] است . [illegible] تا زمان

[illegible] Guillotine گیوتین [illegible]

انقلاب [illegible]

سیاست [illegible] [illegible] گفت [illegible]

وزرا — [illegible] Machault [illegible] d'Argenson

(۱۷۴۴ – ۱۷۵۷) [illegible] Mapeau [illegible] Choiseul

[illegible] وزارت [illegible] جنگ [illegible]

[illegible]

[illegible] آورده . [illegible] از جنگ [illegible]

[illegible] Machault d'Arnouville [illegible] ضعیف و [illegible]

[illegible] (۱۷۴۵) [illegible] (۱۷۵۰)

[illegible] (از ۱۷۴۵ الی ۱۷۵۷) [illegible]

و وزیر [illegible] (۱۷۵۴) [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

٧٦

[illegible]

(١٧٤٥ تا ١٧٧١) [illegible]

[illegible] Jeanne Poisson [illegible]

(١٧٧١) [illegible]

۳

اتفاقاتی که در شب پنجم ژانویه سنه ۱۷۵۷ در دربار پادشاه [illegible]

شخصی [illegible] Amiens نام [illegible] که معروف

بخفت عقل بود بضرب کارد شاه را مجروح نمود قصد کشتن [illegible]

داشت . آتش را قطعه قطعه کرده و [illegible] را بتکالیف خود متوجه سازد . [illegible]

خواستند برسلطنت وارد گردید . [illegible]

[illegible] دربار [illegible] دولتی [illegible]

ماشو Machault [illegible] مادام دو پمپادور [illegible]

و تبعید کند . چون خوف [illegible] کار معکوس شد

مادام دو پمپادور [illegible] ماشو [illegible]

نیز با مادام [illegible] معزول کند .

چون [illegible] از کار خارج شده مادام دو پمپادور [illegible]

[illegible] Choiseul [illegible] دوشوازول [illegible]

شوازول از اهل [illegible] [illegible] Stainville [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

تخت در دربار پاپ (۱۷۵۴ - ۱۷۵۷) برادران در دربار مادام پمپادور ملکه اطریش (۱۷۵۷-۱۷۵۶) عقب... در سال ۱۷۵۸ وزیر امور خارجه شد و معاهده خانوادگی را بین سلاطین خاندان بوربن Bourbon بعد در سنه ۱۷۶۱ او منعقد ساخت. و هم او بود که از سوء حظ قرار داد پاریس را با انگلیس امضا نمود و جنگ هفت ساله را در سنه ۱۷۶۳ خاتمه داد.

بعد از نخست وزیری شوازول دائم فکر انتقام بود و با زیرکی در امور قدیم وزارت جنگ و بحریه را نیز به دست آورد لشکر را مجدداً تنظیم نمود و بحریه را ترمیم نمود و کمر بجنگ انگلیس بست. لکن چون شاه مخالف جنگ بود و مرکز نفوذ شوازول در اطراف خیال خود موجب عزل او گردید (۱۷۷۰). نیز عزل وفات نفوذ شوازول باعث انظار عامه تزلزل کرد بجهت که بیش از اندازه لیاقت ذاتی نشان داده و در ردیف مردان بزرگ سیاست دارالت...

بر اثر شوازول قدرت کامل بابه مادام Mapeou رسید که از سنه ۱۷۶۸ منصب صدر اعظمی و ریاست کل هیئت وزرا را داشت. بابه وزیر مالیه و نفوذ دیگر: آبه ترئی Terray و دوک داگیون d'Aiguillon به وزارت تکیه داد و معروف به حکومت وزراء ثلاثه Triumvirat شد. از نتایج آن با تدوین بحیک یک وقت عزم داراد او نبود... چنانکه بعد از خواهش بابو در صدد برآمد که تشکیلات عدلیه را زیر و رو و اصلاح نماید و بدین نظر پارلمانها را منحل ساخت و وزیر وزیر قانون...

۳۱ [illegible] عدلیه را موقوف نمود (۱۷۷۱) لکن مرگ لوی پانزدهم او را
از کار انداخت و اصلاحاتش بی نتیجه و ناقص ماند.

طرز حکومت

اسباب حکمرانی در عهد لوی پانزدهم [illegible] بیش از اسلافش [illegible] عبارت بود
از درباریان و [illegible] و نظار [illegible] تصورات لوی پانزدهم نسبت بشاه
قدرت [illegible] و [illegible] با تصورات لوی چهاردهم تفاوتی نداشت [illegible]
[illegible] مطلق [illegible] سیاست [illegible] نگفت : [illegible]
[illegible] قانون گذاری [illegible] است [illegible] «[illegible]»
[illegible] قدرت مطلقه را [illegible]
[illegible] بهمین قسم رفتار میکرد.

امور دینی
ژانسنیسم

لکن [illegible] استقلال [illegible]
[illegible] تاریخ سلطنت اورا فرا گرفت اول [illegible]
[illegible] ژانسنیست ها و دفع حزب ژزوئیت [illegible]
[illegible] موجب [illegible] و [illegible]
[illegible] مغلوب گشته
[illegible]
[illegible] ژزوئیت Jesuites [illegible] تفویض و اختیار [illegible]
ژانسنیت Jansénistes [illegible] و عقیده [illegible] جبر
و قسمت ازلی برپا کردند.
چنانکه دیدیم [illegible] در سال ۱۷۱۳ [illegible] [illegible] اول [illegible]
Oratoire [illegible] یکی از کشیشان فرقه [illegible]
[illegible] در دل آن [illegible] Bulle Unigenitus

[illegible] تاریخ [illegible]

Père Quesnel پر کنل

مؤلف کتاب تفکرات اخلاقیه بود و نیز فتوی [illegible] و [illegible] ژانسنیست

دوره آورده. لوئی چهاردهم با این فتوی مخالفت کرد و [illegible] مکتوب [illegible]

[illegible] از نقطه نظر [illegible] شد.

در تأیید فتوای پاپ [illegible] و [illegible] وفات کرد و [illegible]

Sorbonne [illegible] علوم دینیه [illegible]

ژانسنیسم رواج گرفت [illegible]

و کشیشان معتبر مثل کاردینال نوآی Noailles مطران پاریس موافقت

[illegible] بولهای پاپ نقض کرد و [illegible]

[illegible] بر ضد [illegible]

نسبت به تعلیمات انجمن بزرگ روحانی و [illegible] مستأنفان

استیناف دادند. این دسته از معترضین را [illegible]

(استیناف [illegible]) [illegible] و [illegible] [illegible]

[illegible] نام گرفتند.

[illegible] عهد [illegible]

این واقعه ابتدای [illegible] قرب [illegible] پارلمان [illegible]

ژانسنیسم با فرقه مخالف [illegible]

[illegible] و [illegible] ساخت. [illegible]

[illegible] اعتقاد [illegible] مذهبی [illegible]

Gallican گالیکان [illegible]

[illegible] استقلال کلیسای [illegible]

[illegible] اعتقادات [illegible]

[illegible] (بیشتر مذهبی [illegible]) و دیگر [illegible]

[illegible] واقع است

[illegible] یعنی [illegible]

و چون ژزوئیت [illegible] حقیقی [illegible]

برای شدند. [illegible]

Barbier [illegible]

16

[illegible]

٣٤

(٥١)

«در جمع اهل اروپا از مروونژها و کارولنژها [illegible] بارها ... اگرچه
منسوب شکستی موقت
... مطلب مبین» . بهمین نحو یکی از نقاط ضعف پاپها این بود که
[illegible] آ دشمن بود و [illegible]
... چون [illegible] با زوال ... آن ...
تقویت ... زوال نیست تضعیف دولت گوب ... که گفته‌اند ... دیگری
دشمن گردیده است» . این جدال گاهی بسیار سخت میشد و [illegible] ...
اگرچه در این جمعیت [illegible] ... و دو حرکت ... که در آن ... شیطان در
دست دارند ... عقیده طبقات ... حتی ... متعادل ...
... قطعه قطعه شده ... »
و گرم ... از ... ١٧٣٢ الی ١٧٣٤ ... واقع)
یکی از وقایع برجسته این جدال در ... ... نماینده ... ... بود
... این ... طالب صلح ... ... و بسیله

شورت ...

... دوبوا Dubois ... دسته‌ای از فرقه‌ی ... ... دوافین‌ها را
دو ... که ... در اصول عقاید خود را در یک مجموعه توفیق داده و ... ... عموم
کشت ها با این نظر موافقت کردند . اما در سال ١٧٣٦ [illegible] سنز
Senez که یکی از ... ... آب ... [illegible] معروف
منتقد ... و ... موافقت خود را نقض کرده این کشیش را در مجمع ... ...
مذهبی ... امبرون Embrun ... [illegible] ... آن
به کاردینال ... Tencin ... [illegible] ... ... از جمع
... منصب خود ... (در ١٧٣٢) . تمام فرقه مستافناه
با ... کاردینال ... Noailles ... پاریس ... بحکم
برخاستند و نامه‌ای ... پارلمان ... فرستادند ... عدم ... و ...
مجمع ... [illegible] ... کردند .

در این اثنا سخنانی درباره [illegible] از روحانیون متوسل و مستأثر گرم بود و در میان فرقه ژانسنیست مقام تقدس داشت. مردم بر مزار او گفت. گرد بیمار [illegible]

St Medard در داخل محوطه بیچه که در سر مزار کشیش متوفی واقعه در سن [illegible]

گردیده و خوارق عادت مشهود می‌گردد. با دسته دسته طفلان فوج فوج [illegible]

مقبره رفته ~~[illegible]~~ و عده

کثیری به حال غش و صرع افتاده این حال شفا انگیز کم کم شدت و ارتعاش

سرایت در تمام پاریس سرایت کرد چنانکه حالی کلی شده بنا بر

مجبور شده در سنه ۱۷۳۲ به وسیله حکم شدید در مقبره را ببندد

در این حین فوای Noailles در محل مدرسه بزرگ علوم دینیه پاریس

که از این غش و ضعف آ منزجر شده بود ابداً در مقابل اتحاد و اصول فرقه

ژانسنیستها ایستادگی کرده . چند تن از روحانیون را تهمت به اعتقاد ژانسنیسم

متهم [illegible] گشته و شاه به وسیله اخطار عمومی جمیع روحانیون را ملزم

نمود که علی‌الشرط فرمان پاپ را اطاعت کنند (در سنه ۱۷۳۰) لکن

پارلمان اعتراض کرد و بالنتیجه نه ماه از شغل و منصب خود محروم [illegible] گردیده بعد

از آن به دادگاه [illegible] مشغول شدند. این رفتار پارلمان و مقالات در امری

معنوی بود و مداخله نمودند. چند تن از اعضای انجمن

محبوس و بعضی [illegible] نفی بلد شدند (۱۷۳۲). بعد از آن

شاه عفو عمومی داد و کم کم صلح و سلم برقرار شد و مع الظاهر رفع گرفتاری گردید.

مسئله اوراق اعتراف

بدینسان سال به درسنه ۱۷۴۹ بعد جدال تهدید ژانسنیستها شکل سختری به
Christophe de Beaumont
مطران پاریس در وقت کریستف دو بومون
اعلان داشت که [illegible] تابع خود دستور داد که اعمال مذهبی را نسبت به اشخاصی که ورقه اعتراف
در دست ندارند به جا نیاورند حتی از تلقین [illegible] به مرتدین [illegible] که در ساعات آخر ورقه نداشته
خودداری کنند. این ورقه حاکی بود از اطاعت [illegible] لازم نسبت به فرمان پاپ (۱۷۱۳) به نام
~~[illegible]~~ در آن زمان
اونیژنی توس (Unigenitus).
با [illegible] [illegible] [illegible] وکرار را [illegible] تلقین [illegible] [illegible] از وقتی شده در
پارلمان پاریس از [illegible] را [illegible] [illegible] و [illegible]
[illegible] [illegible] منع [illegible] بود.
مشغول دفاع روحانی و در حیطه وظایف روحانیان بود. در مورد خود اعتراف نمود.
Saint-Etienne-du-Mont
در [illegible] پاریس ۱۷۵۲ کشیش [illegible] اتیین دومون
از تلقین کلیسا به جنازه یکی از روحانیان [illegible] [illegible] مستعفی خودداری او
پارلمان از توقیف [illegible] او داد. سپس [illegible] حکم توقیف مال و منابع
وقفی مطران بزرگ را نیز توقیف کند. آنگاه شاه احکام پارلمان را
نقض کرد و اکثر اعضای [illegible] [illegible] را تبعید کرد. پارلمان آکس
Aix
بعد تولوز Toulouse و اکس
پارلمان [illegible] [illegible] [illegible] نیز از وجود جدال طول کشید و بیزار [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
اثر [illegible] پارلمان در صدور احکام و اعتراضات = اصرار خود و پادشاه
کمابیش اختصاص پارلمان و کمابیش مطران پاریس را نفی بلد کرد. [illegible]
دامنه [illegible] ۱۷۵۵ [illegible] در پایان سال پاپ از لزوم کمال عفو و [illegible]
[illegible] ملایمت و مدارا [illegible] [illegible]

علاوه این مناقشات موجب از جمله عوامل اتحاد پاپ‌ها از طایفه ژزوئیت شد

جنگ با فرقه ژزوئیت

و نیز از این فرقه، امور مطرود بودن و در دوران زنده جلب ۱

شده ژزوئیت تبعیت مردافتند. در فرانسه هم جوامع اروپا ژزوئیت را تعقیب رد شدند

یکی از اعداء این فرقه ژانسنیست بوده معتقد بودند در طرف سی و شش سال

(از ۱۷۱۵ تا ۱۷۵۳) طایفه ژزوئیت ۴۵۰۰۰ مکتوب سربمهر

بر خلاف آنها تبعید دیگر از دشمنان ژزوئیت فرقه گالیکان‌ها

بودند طرفدار استقلال روحانیت فرانسه و عدم تبعیت از پاپ

بودند و ژزوئیت‌ها هواخواه عقیده مخالف بودند. دیگر از مخالفین آنها

عبارت بودند از ارباب جدید بی‌دین و بی‌اعتقاد و همچنین اکثر فیلسوف و انسیکلوپدیست

(یعنی کتاب مؤلفین دایرة المعارف) شهرت داشتند Encyclopédistes

و مشروطیت عقل و دولت بوده و در تخریب بنیاد دین بسیار کوشیدند.

دشمنان ژزوئیت‌ها هم متحد شده و بر ضد آن فرقه بسیار شفعا گماشته از جمله

بوسیله رسالات و جزوات انتقادیه ضد ژزوئیت طبع و نشر شد.

در سنه ۱۷۶۰ چهار سال بعد از مناقشات در باب اوراق اعترافیه وقایع جدید

بر ضد دولت از کینه‌کشی و انتقام جویی برداشتند. آن دولت پرتغال اولین سرمشق را

در سرکوبی ژزوئیت‌ها داد: در نتیجه توطئه قصد به جان شاه پرتغال شد بعد

دولت امر به اخراج عموم ژزوئیت‌ها صادر کرد (۱۷۵۹). یکی از ژزوئیت‌ها در فرانسه

هم در جزایر آنتیل Antilles تجارت می‌نمود در جنگ فرانسه و انگلیس

ورشکست و سه میلیون مطالبات مردم بر عهده سنه ۱۷۵۵. و

مقام روحانی پاپ بود. کشیش‌ها را از آلودگی به تجارت و سوداگری منع

یسوعیه و اضافهٔ پاپ موسوم به [illegible] چهاردهم Benoit نیز این حکم را تایید
کرده بود و در نتیجه [illegible] ثروت [illegible] از ۵ ملیون [illegible] تعقیب و توقیف
در [illegible] Marseille تجار مارسی [illegible]
که خسارت این ورشکستگی مستقیماً به آنها وارد شده بود بر ضد فرقه ژزوئیت
[illegible] و هجوم [illegible] فرقه را مسئول قروض [illegible]
شمرده (۱۷۵۵) چون در شهر مارسی فرقه ژزوئیت محکوم [illegible] به پارلمان
پاریس [illegible] استیناف برد و علاوه اثبات اینکه عموم فرقه [illegible] دخالتی در تجارت
پر لاوالت Père La Valette نداشته اند و ورشکستگی [illegible] امری شخصی
و مذهبی [illegible] خود را به پارلمان عرضه داشتند. اما پارلمان
پاریس [illegible] اعتنایی نکرد و فرقه را محکوم به تادیه قروض نمود. (۱۷۶۱) بعلاوه
نسخه اساسنامه فرقه را تحت مطالعه قرار داده و [illegible] اظهار کرد که این اصول
مخالف قوانین مملکت است زیرا که مطابق این اساسنامه طایفه ژزوئیت خود
را به هیچ مرکز مطاعی را رعیت [illegible] نمیشناسند [illegible] در نتیجه این اظهار
پارلمان [illegible] عموم [illegible] را ممنوع کرده [illegible] دخول فرقه ژزوئیت
باز داشت (اوت ۱۷۶۱)
شدند و ژزوئیتها را از تدریس و تعلیم در خاک فرانسه باز داشت
پارلمان [illegible] در اساسنامه [illegible] مطالعات لازمه [illegible]
و به پارلمان پاریس تسلیم گشتند.

~~[illegible]~~

پادشاه [illegible] که در [illegible] لازمه در این اساسنامه

~~[illegible]~~

۳۸ حزب ژزوئیت معدوم گردید [illegible] لکن ژنرال ژزوئیتها جواب داد:

«یا همین است که هست یا هیچ نخواهد بود». چون [illegible] بعد از ۵۵ [illegible]

[illegible] دشمن شد فرقه ژزوئیت را در تمام سرخاک فرانسه ممنوع و موقوف ساخته

از آنجا که ژزوئیتها از مسیح [illegible] همین مذهبی [illegible] خود داری نمیکنند

و از این جهت [illegible] [illegible] آنها کینه داشت

[illegible] همچنین شوازل وزیر [illegible] مخالف این فرقه بود

این حزب [illegible] کوشش بسیار نمودند تا [illegible] سال [illegible]

زمانی برطبق حکم [illegible] (ژوئیه ۱۷۶۴). معذلک ژزوئیتها

[illegible] مجاز شده [illegible] بعنوان شخص [illegible] مشغول [illegible]

[illegible] که گالیکان و ژانسنیست

از [illegible] طایفه [illegible] ژزوئیت

[illegible] از [illegible]

[illegible] از [illegible]

[illegible] حقیقت [illegible] خدمت کرده اند و جانکاه

دالامبر D'Alembert به ولتر Voltaire مینویسد:

«طایفه ژانسنیست [illegible] حکمت و فلسفه [illegible]

[illegible] از احکام حکمت [illegible]»

[illegible]

[illegible] قوت [illegible]

[illegible] طرفداران حکمت و دوستان [illegible] خواهیم.

~~[illegible] ۳۰۵ [illegible]~~

[illegible]

۳۹

مقدمه ...

[illegible] در وقت ... شاهزادات [illegible] ... در کار ... و شاه و مجبور ... او

~~[illegible]~~ بجز ... و ... حکم ... مالیه نیز

دو چار ... مشکلات ... گیرد که از [illegible] ... کثرت خارج ... را

باید شود ... ۳۵۰ [illegible] ملیون لیره [illegible] صرف ... شده

قصور و جشن ها ... و مواجب درباریان شد ولی مبلغ [illegible]

با آنچه در ~~[illegible]~~ ... جنگ بزرگ خارجی یعنی جنگ ... ساله

جنگ ... و جنگ [illegible] ... ساله خرج شد مالیه ملک را

بسرعت تمام ~~[illegible]~~ ... و ... کرد.

(... آن ...)

~~[illegible]~~

... [illegible] ... از ...

... قسم ...

... Bernis ... بود ... عارف ...

... که ...

[illegible] ... گرداب ...

... ترتیب ...

... ۲۱۰ ملیون ...

... ۱۷۲۵ ... [illegible] ...

... در سنوات ...

... [illegible] آن ...

... [illegible] ... از ...

... ۱۴۷ ملیون ...

... تغییر ...

که ... ذات ...

[illegible]

[illegible] قصر [illegible] [illegible] ... [illegible]

[illegible] دیگر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ١٧٥١ [illegible]

[illegible] ١٩ سال [illegible]

Condé [illegible]

Bercy [illegible] ١٨ سال [illegible]

[illegible]

[illegible] Chartres [illegible]

[illegible] ٩٠٠ ... [illegible]

[illegible]

١٧٥١ [illegible]

[illegible] حقوق [illegible]

[illegible]

[illegible] سال ٢٥٢ [illegible]

[illegible]

[illegible] Fontainebleau [illegible]

[illegible] ١٧٥٤

[illegible] ١٧٠٩ [illegible]

[illegible]

[illegible]

۲) عواید سنوات آتیه را پیش خور میکردند. در نوامبر ۱۷۵۲ عواید مالیاتی سال [illegible]
مینامیدند ژانویه ۱۷۵۵ را [illegible] (مورخ [illegible] صفحه ۸)

سعی در اصلاح مالیه ماشو

یکی از مصلحین ماشو Machault بوده در اصلاح امور مالیه اهتمام نمود.
در سال ۱۷۴۹ مقارن جنگ جانشینی اطریش ماشو سعی کرده تزاید و ترقی
قروض را جلوگیرد و بر سنگینی تزئید [illegible] مالیات دولت را تخفیف دهد. بیست
تشبث به صندوق استهلاک [illegible] بین پرداخت [illegible] تدریجی و منظم دیون گرده
بعض حصول از عقود مالیاتی دخل او در وضع و ترتیب [illegible] [illegible]
~~[illegible]~~ از طبقات ممتازه روحانیون و اعیان
~~[illegible]~~ و رعایا [illegible] تحمیل شد. این مالیات عبارت بود از عشر عایدات برای
(سنه ۱۷۴۹) تا آن‌زمان در بعضی مالیات که اورند با لفت برخاسته و پارلمان
Bretagne از ثبت و تنفیذ کرده این طرح مالیاتی خودداری نمود. ایالت برتانی
شورش آورد و انجمن دینی روحانیون اعتراض شدید نمود. دوره [illegible] تقسیم [illegible] و روحانیون را
معاف کرد و ترتیب آن‌ها را قبول نمود. این امر عبارت بود از پرداخت مبلغ [illegible]
به تعیین وجه نقد که از سران ایالت مراتب [illegible]. نتیجه این عواید [illegible]
در مالیات عشر با تمام بر رعایا تحمیل گردید و مبلغ [illegible] روحانیون معاف گشتند.
جبر بخشش [illegible] مالیات عشر مضاعف شد و [illegible] در سنه ۱۷۵۹ [illegible] گردید

ترزی Terray و افلاس

عواید دولت [illegible] مدت [illegible] و با [illegible] فقط مصرف و استهلاک قروض برای [illegible] جنگ
~~[illegible]~~ عواید [illegible] [illegible] مخارج مالیاتی [illegible] گردید. ~~[illegible]~~

[illegible]

۴۲ آنچه دو برابر وزیر اسراف‌رسم نموده است: «... چنانکه شنیدم از هوا ترقی داد ۲۰ فلورن

استقراض و پول می‌گرفت.» در سال ۱۷۵۹ کسر به ۲۱۸ میلیون رسید. در آخر عهد

لویی پانزدهم آبه تره Terray مردی دقیق و نکته‌سنج بود [illegible] متصدی

امور مالیه گردید و بزودی معروف به [illegible] شد زیرا که در وقت [illegible] دولت را [illegible]

با دعاوی اعضای داده بود [illegible] و بیرحم و جهت حراج [illegible]

دست [illegible] آن [illegible] رفت حتی وجوهی را [illegible] متفرقه [illegible] امانت [illegible]

ضبط میکرد و در مقابل وعده میداد [illegible] استقراض [illegible] [illegible]

پرداخت [illegible] [illegible] [illegible] جواب میداد: «شاه

صاحب اختیار [illegible] است «الضرورات تبیح المحظورات».» در باب اوضاع مالیه

با کمال وقاحت به شاه چنین گفت: «در طرز [illegible] [illegible]

اختیاری است و بس.»

مخالفت پارلمان‌ها

سلطنت زشت لویی پانزدهم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

پارلمان‌ها [illegible] [illegible] [illegible] شاه مخالف [illegible] از سنه ۱۷۵۰

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] Mazarin [illegible] مرکز مخالفت دربار [illegible]

آنها در سال ۱۶۴۸ پارلمان پاریس [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

وقت [illegible] پارلمان [illegible] [illegible] پارلمان [illegible] [illegible] پارلمان‌های

[illegible] [illegible] پارلمان پاریس [illegible] [illegible] [illegible] اعتراضات

[illegible] ۱۷۵۵ [illegible] [illegible] پارلمان‌های [illegible] فرانسه [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] پارلمان‌های [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

۴۳

و تطبیق سیاست و روش دولت با قوانین موضوعه و با [redacted] العادات قدرت

نفوذ زیادی داشت و شمول نظارت پارلمان واقع میشد. ... از اختلافات پارلمان

[redacted] شاه حق ... حساب ... تا از ... قانون پادشاه ... و ...

مطابق قانون و قوانین ... [redacted] پارلمان [redacted] ... [redacted] ...

رسید ... قضائی [redacted] ... حق ... در سیاست شد

... حق ... از وسایل تفتیش قانونی [redacted] ...

قرار [redacted] ... حق تفتیش و تحقیق اعمال دولت ... و با

برای ... پارلمان ... در سال ۱۷۰۶ ... حمایت

از شاه تقاضا کند [redacted] ... و ... را پارلمان

... تا [redacted] ... نشده بود

پارلمان ... شده ... از قدیم الایام ...

[redacted]

... قوانین ... و قوانین مربوط ... در

... [redacted] ...

... در سال ۱۷۶۴ ... [redacted] ... را

... در سال ۱۷۶۴ ... [redacted] ... را ...

... [redacted] ... و حدود ... شاه و ... [redacted] ...

شاه از ... و ... [redacted] ... خود در پارلمان

حضور ... [redacted] ... در ... ۱۵۵۰ ...

... در حضور خود ... قوانین ... را در دفتر پارلمان ...

... را [redacted] ... گفته ...

بر حضور ... شاه ...

چون پارلمان‌ها از این کار [illegible] به منافع اشراف [illegible] و ترقی

([illegible] عدالت) متمسک باعتقاد [illegible] کردند. اعضای پارلمان متفق الکلمه از

قضاوت در امور خودداری کرده و دسته جمعی استعفا دادند. این اعتصاب در سال ۱۷۵۰

تا ۱۷۷۰ پنج مرتبه در پاریس و در Rouen و Rennes

اتفاق افتاد. ابتدا دولت تحت فشار مستعفیان را تبعید کرد [illegible]

از ترس ناخشنودی ملت شاه مجبور شد تبعید شدگان را دوباره رجعت دهد.

آخر در سال ۱۷۷۱ [illegible] اتفاق افتاده بطرز دیگری خاتمه یافت

قضیه دگویون Aiguillon و لاشالوته La Chalotais

علت این مناقشه رقابت [illegible] دوک دگویون d'Aiguillon

حاکم موقتی ایالت برتانی و لاشالوته مدعی العموم پارلمان رن بود [illegible]

[illegible] لاشالوته را از

انتخاب [illegible] منع کرده بود. از طرف [illegible] جدال پارلمان با

فرقه ژزوئیت لاشالوته [illegible] برخلاف ژزوئیت‌ها [illegible]

در باره [illegible] دوک دگویون

با ژزوئیت‌ها [illegible] موافقت داشت. دیگر از علل مخالفت [illegible] لاشالوته

با [illegible] وزارت [illegible] و حاکم مذکور [illegible]

سنگینی

از قضیه [illegible] ایالت برتانی [illegible]

و [illegible] ۱۷۶۵ [illegible] وزراء [illegible]

[illegible] ولتر را

عقاید [illegible] (1766) [illegible] دگویون [illegible]

[illegible] فلاسفه و دیگر Voltaire

[illegible]

۴۰

چنین وانمود کرده به قوانین ملغی ... و حقوق که ... [illegible]

از طرفی هم پارلمانها متحد بوده دیگر به از قدرت حکومتی حذف بود و استقلالی کلی

در مقابل ... شاه ... را ... (۱۷۶۹) دیگر ...

... تحقیق ... وی ... لقب ... [illegible]

داشتن ... داشت ... [illegible]

شاه فرمان داد که پارلمان پاریس ... (اواخر ۱۷۷۰)

اتفاقاً ... هیچ ... شاه ... را

تعطیل کرد و پارلمان ... هیچ ... قضیه را تعقیب نکند (ژوئن ۱۷۷۰)

پارلمان ... [illegible]

موپو Maupeou

در این وقت صدراعظم موپو بود ... پارلمان پاریس را

داشت ... و ... پارلمان ... وظایفشان را

در ... قدرت شاه را ... از ضعف ... [illegible]

... پارلمان ... [illegible]

... تاج و تخت شاه ... [illegible]

... مقاومت ... پارلمان ... [illegible]

در همین موقع سؤال کرد آیا ... یا ... ؟

انقراض پارلمان ۱

در ... ۱۷۷۰ شاه ... آن پارلمان ... [illegible]

... قضاوت را هیچ ... قطع ... [illegible]

شاه ... پارلمان ... عدالت ... [illegible]

پارلمان ... حفظ پارلمان ... [illegible]

(۲۴ دسامبر ۱۷۷۰) شاه ... پارلمان ... مشغول ... [illegible]

... شاه ... ۱۹ و ۲۰ ژانویه ۱۷۷۱

۴۱

[illegible]

۱۷۷۱ ... [illegible]

... ۱۷۷۱ ... [illegible]

دسته‌ای از مستشاران را ... در [illegible] دومین بار ... از اعضای پارلمان
بگیرد ... (بدون تعقیب و اعلام جرم ...) [illegible]
... ») بار دیگر ... و شب به [illegible] تبعید شدند.
موپو Maupeou پارلمان را شش بخش ... تقسیم داد که عهده‌دار
رتق و فتق امور باشند ... و مناصب ... لغو شد و
[illegible] ... یعنی ... و ... حق داشتند ... از ...
... (۲۴ فوریه ۱۷۷۱)
~~[illegible]~~ پارلمان‌های ... که
پارلمان‌های ایالات ... چنین ... شد: ~~[illegible]~~ ... پارلمان‌های
روان Rouen و دوئه Douai ... گشتند. ...
... جز ... اجرا ... پارلمان‌ها
... حس ... را ترک کرد. ...
پارلمان‌ها ... با کمال ... مقاومت کرده بودند: ...
... در ... داد ... طرفین دعوی و وکلای ... خیال
~~[illegible]~~ ... پارلمان‌ها ... نمودند.
... شد و ... پارلمان‌ها ... ولی ... عمومی ... لکن
... از ... رفت و ... در سال ۱۷۷۴ ... لوئی ...
... و ... جدید ... در ... افتاد
... خشم عمومی ... و ... بود ... از ...
~~[illegible]~~ ... از ... و ... وزیر ...

[illegible]
... (۱۷۷۱) ...
... (۱۷۷۱ ...)
... (۱۷۷۱ ...)
Maupeou
... ۱۷۷۱ ...
... ۱۷۷۱ ...
... (۱۷۷۱ ...)

اعلام این اصول دوشی و ولفه (در زمان دوشاتلی صدر اعظم ... آورنگ) با [illegible]

شورش درباریان» و چنانکه برخی نوشته‌اند ملکه در یک لحظه [illegible] فرو رفته

دست‌ها میزد و تشکیلات جدیده از هر طرف • گسیخته شد و [illegible] الحاقی ... المسح

دوره سلطنت ژوزف

درشته) اشخاص مهمه و درادوار [illegible] باید داشت اگر دوره‌ای اول سون (؟) ...

بهت [illegible] وجها سال قبل نوشته بود موجع • مینمود و تنها با حرکت سریعتر

حالی دید آن وقت وقایع را پیش بینی کرده و افکار عمومی را خوانده بود است

شده در یادداشت [illegible] ماه سپتامبر ۱۷۵۲ چنین می‌خواند: «رفتار منجر

حکومت مطلقه با عموم تمام فرانسه و اروپا را معترف می‌کند که [illegible]

[illegible] جزئی از حکومت است ...... همه چیز بجانب فنای

قطعی

مطلق رهسپار است. همه چیز علی الدوام قطعه قطعه در پراکنده میشود ......

افکار عامه است که بر قوت و اعتقاد و افتاده و عاقبت الامر است که یک انقلاب

خونین [illegible] منجر شود».

در زمان سلطنت دوره پانزدهم فرانسه دو جنگ جنگ بزرگ شد: جنگ جانشینی

سیاست خارجی

[illegible] لهستان جنگ جانشینی اطریش و جنگ هفت ساله. لیزتراع

اخیر در میدانهای اروپا و اراضی وسیع بود • [illegible] تمام مستعمرات وسیعه

فرانسه را از دستش گرفت

لکن در اواخر دوره سلطنت این پادشاه زمانی هم از لحاظ وزارت دست اول

الحاق [illegible] مطابق قرارداد

ان Lorraine و جزیره کرس بفرانسه ملحق گردید.

[illegible] سعود ده ۲۸ سال قبل به موقع ختم جنگ جانشینی اسپانیا منعقد گردیده بود

ختم جزیره کرس بطوری دیر همراه . [illegible]

[illegible]

(۱۷۷۱ [illegible])

[illegible]

۱۷۷۱ [illegible]

[illegible]

~~ژن Gênes و در ... که عده ... در سال ... فروش بود~~

این جزیره اگرچه رسماً [illegible] با ژن Gênes تعلق داشت که مدتها بود آماده فروشش بود

ولی پاره‌ای از مالکین صاحب نفوذ جزیره دست ... سواحل خاک

زودتر در نظر عظمت فرانسه. چون دولت ژن [illegible] مستعمره ... در انگلیس

~~... آن ...~~ خیال داشت در سال ۱۷۶۷ با اهالی ژن قرارداد

که به ... در دفع شورشیان جزیره کورس دولت فرانسه حق داده که قشون بیاورد

و ... ~~...~~ قلعه در این جنگ هفت ساله موافق قرارداد جدیدی فرانسه ... در

مطابق عهدنامه دیگر در ماه مه ۱۷۶۸ [illegible] را واگذارد

تمام آن جزیره

~~قلعه ... ...~~ یعنی شورشیان در قلعه ... و شبه

خارج بودند ... فرانسه برای دفع شورشیان جزیره خواه‌اید ... ترتیب

~~...~~ ... فرانسه صاحب آن جزیره گردید. اما

~~استقلال طلبی~~ ... فرانسه ... قوای فرانسه ... گرفت ... انقلاب ... این

~~جزیره ... Paoli ... انگلیس در ... آنها ... و ... ... ~~

Paoli
پائولی که رئیس شورشیان جزیره بود به انگلیس فرار کرد. فتح جزیره

در وقتی خاتمه یافت که ناپلئون بناپارت در آژاکسیو Ajaccio قدم به دنیا

گذاشت (۱۵ اوت ۱۷۶۹).

[illegible]

فصل دوم

تاریخ انگلستان در قرن هیجدهم

تشکیل حکومت پارلمانی — بحران مشروطیت

از تاریخ (۱۷۱۰ – ۱۷۸۴)

قرن هیجدهم قرن بزرگ تاریخ انگلستان است ... در نتیجه جنگهای ... موجب افتخار و ازدیاد ثروت انگلستان
در خارج انگلیسها تقریباً مالک هندوستان و کانادا و بقیه مستعمرات وسیعه انگلستان
گردیده ... شدند.
در داخل حکومت پارلمانی (یعنی ... و ... ایران) ... گردید.
این ... حکومت پارلمانی نتیجه حقیقی انقلاب ۱۶۸۸ بود که موجب تشبیه ... حکومتها و تحت
نشستن خاندان ... انگلیسی ... خاندان هانور Hanovre گردید ...
اول ... خاندان ... در انگلستان ... (... George III
... در قدرت ... افزاید ... باعث بحران
در حکومت مشروطه ... (۱۷۶۰ – ۱۷۸۴) ولی بالاخره
نتیجه آن استحکام طرز حکومت پارلمانی شد.
دوره هیجدهم ترقی صنعتی انگلستان ... بطور ... دوره
به تحقیق دولت اقتصادی عالم گردید.

مبادی حکومت پارلمانی

انقلاب ۱۶۸۸ ... که در ملت انگلیس حکمران حقیقی است. ملت
خاندان سلطنتی را تغییر داد ماری Marie و گیوم دورانژ Guillaume
d'Orange را ملکه و پادشاه ساخت. قبل از انتخاب ... را مجبور کرد
که ... حافظ حقوق ملت باشند ... شرایط و تعهدات ... را

در دوره جدید رئیس وزراء ... بنا بر این ... پادشاه نیز ... [illegible]

بدون تصویب پارلمان ... اجرای قانونی نشود و ... [illegible]

قوه دولتی ... ایالتی ... [illegible] ... و در اوکات [illegible]

اینک ... شد و ... رفع ... و ... تقویت ... [illegible]

... پارلمان و ... اوقات ... تشکیل داد . کلیه اعمال پارلمان در ... (حکومت پارلمانی انگلیس)

دوره جدید ... بود . و ... انگلیس ... احترام ... [illegible]

... قوه ... سلطنتی ... احترام ... [illegible]

... در مملکت انگلیس ... [illegible]

... Stuart ... [illegible]

چون ملکه انگلیس ... [illegible]

... Jacques III ... [illegible]

... Hanovre ... انتخاب ... هانور ... [illegible]

... Acte d'Établissement ... استقرار ... [illegible]

پادشاهی انگلستان ... (اوت ۱۷۱۴)

قیام ژاکوبیت‌ها Jacobites	... جاک سوم ... در مملکت ... [illegible]
	... Edinbourg ... اما ژاکوبیت‌ها [illegible]

... جاک سوم ... [illegible]

... سپتامبر ۱۷۱۵ [illegible]

— ... (۱۷۱۶)

سلطنت خانواده هانور

... تاریخ ... [illegible]

... تاریخ ... و جدول ... [illegible]

سلطنت ... اکثریت از دو ماه استوارت به روز داشتند ... سال بعد

در سپتامبر ۱۷۴۵ سپاهیان دولت انگلیس ... شکست ... شورش عظیم در اسکاتلند

رخ داد. رهبر این انقلاب شارل ادوارد Charles Edward پسر ... بود

قشون او به مرکز مملکت انگلیس روی آور شد. اما ... شورشیان ... شد

... ۱۲۰ کیلومتری لندن رسیده دیگر پیش نرفته و به همین ...

بازگشت ... در کولودن Culloden شکست عظیم ... (۲۷ آوریل ۱۷۴۶)

ناچار فرار کرد. ... دوک دو کمبرلند Cumberland پسر ژرژ دوم

در نتیجه همین فتح ... لقب ... پیروز ... کولودن Culloden

خاندان استوارت ... زوال شد.

این شورش ... در واقع نتیجه ... زیرا که خانواده سلطنتی جدید از آلمان

... گرفته ... به ... و ... است

... ازآن ... ... به همین نظر ... داشته ...

... سلطنت ... از آنها ... استوار ...

ژرژهای نخستین

پادشاهان خاندان هانوفر به ژرژ نام داشتند ... از آنها

در قرن هیجدهم سلطنت کردند. پادشاهی ژرژ اول از (۱۷۱۴ تا ۱۷۲۷) و

سلطنت ژرژ دوم (از ۱۷۲۷ تا ۱۷۶۰) و ژرژ سوم از (۱۷۶۰ الی ۱۸۲۰) بود

ژرژ اول چون به پادشاهی رسید ۵۴ سال داشت ... دوست ...

... همیشه ... داشته ... معتقد بود

... ژرژ اول

... انگلیسی ... به ... که ...

... ژرژ دوم انگلیسی ... بود ...

[illegible]

(۱۷۱۴ ...)

Hanover ...

[illegible]

هنوز تحت نفوذ وزرا و مجلس بود و از انتخاب کردن وزرا داشتند [illegible] وزرا انتخاب خود [illegible] از
ملت انگلیس قوم نگردند و چنانکه پیت Pitt وزیر [illegible] گفته است دولت [illegible]
ملت انگلیس یکی از معاملات ... [illegible] از حزب بگوییم . وزرای مگر [illegible] و هم
کلی [illegible] و وزرای جانکه [illegible] آنها [illegible] و جداول [illegible]
در [illegible] روابط انگلستان [illegible] هیچ وزرا معروف [illegible] در [illegible]
[illegible] که کار حکومت [illegible]
[illegible] ... از وفات [illegible] ملک [illegible] سال [illegible]
[illegible] ... سلطنت [illegible]
[illegible] قول حقیقت [illegible] در انگلستان ... و [illegible] اکثریت [illegible].

احزاب

پس [illegible] احزاب [illegible] ملک [illegible] در [illegible]
[illegible] در دوران [illegible] حزب معتبر انگلیس حزب ویگ Whig
حزب توری Tory
حزب ویگ [illegible] همراهی گیوم دورانژ Guillaume d'Orange
موجب انقلاب سال ۱۶۸۸ شد [illegible] حزب [illegible] از چند خانواده اشراف و [illegible]
[illegible] و تجار و [illegible] ... در [illegible] ... و [illegible] در [illegible]
[illegible] انگلستان [illegible] Northwich [illegible]
دیگر از طرفداران حزب ویگ [illegible] مذهب [illegible] فرقه پوریتن Puritains و [illegible]
[illegible] Calvin [illegible] انگلیس [illegible]
[illegible] فرق در مذهب کاتولیک ... Anglicans [illegible]
[illegible] . از [illegible] رواج صنعت و تجارت [illegible] طرفداران حزب
[illegible] نفع وزرا در [illegible] و [illegible] از [illegible]

[illegible] تاریخ جدید

بعبارة اخری حزب ویگ مدافع اقتدار ملت بود و بنام حفظ منافع و نتیجه قدرت سلطنت اقتدار پادشاه را محدود میسازد.

حزب توری برعکس بعد از [illegible] سلطنتی و اشراف و عموم الناس و صاحب اراضی بعضی حزب توری مدافع [illegible] سیاسی بنحو [illegible] و پیروان مذهب انگلیکان [illegible] قدرت پادشاه [illegible] وطالب [illegible] تغییر سلطنت [illegible] و با کمال قوت در مسئله بر علیه مقابل [illegible].

مع ذلک اساسی مشروطیت انگلیس باقی حزب توری را پیش کشیده و طرفداری میکند آن از اولادی حزب [illegible] استوارت [illegible] یعنی [illegible] سلطنتی [illegible] و استوارت ها را وارث تاج و تخت میدانستند بشرط اینکه [illegible] مذهب کاتولیک را رفض و انکار نمایند. پس [illegible] قانون سلطنتی جدید ناچار اولاد حزب ویگ را بکار گماشتند و این ترتیب قدرت شخص سلطنت را فدای حفظ تاج و تخت خویش کردند. بعبارة اخری [illegible] سلطنت پادشاه انگلستان از حیث قدرت [illegible] کرده [illegible] عنوان سلطنت اعطا گردد.

از ۱۷۱۴ الی ۱۷۶۰ [illegible] حکمرانی [illegible] حزب ویگ قریب نیم قرن [illegible] وزرای [illegible] حزب [illegible] ستانهوپ [illegible]

وزرای حزب ویگ
ستانهوپ
Stanhope

Robert Walpole روبرت والپول [illegible]

William Pitt [illegible]

ستانهوپ در جنگ [illegible] از سرداران بزرگ [illegible] انگلیس است [illegible] سعادت [illegible] ۱۷۱۷ [illegible]

[illegible]

۵۳

کار عمده در دوره حکومت جورج اول همینست (قانون هفت ساله) در موجب آن مدت دوره پارلمان سه

سال [illegible] از سه سال به هفت سال رسید و پارلمان ۱۷۱۶ آن را تصویب نمود. نتیجه این قانون

آن شد و فرقه در انگلستان اجازه بود مدت مدیدی یعنی حزب ویگ اقتدار ... ثابت کرد [illegible]

~~دولت جدید مخصوصا بین انگلستان ویگ ... وزارت ... وال پول~~

چون شاه هنوز در سال ۱۷۲۱ وفات یافت وزارت به وال پول رسید و نظر به این انگلستان

در حزب ویگ در مجلس داشت مدت مدیدی ~~در کمال~~ مسند وزارت را تا از

فی منتهی ۲۱ سال وزارت کرد. (از ۱۷۲۱ تا ۱۷۴۲) اصلا از نجبای درجه دوم | وال پول Walpole

و اطلاع فراوانی مردی بود که تمام حزب ویگ را بزیر دست [illegible] از افراد مبرز آن شمرده

میشد متوسط و سعی [illegible] تعیین داشت لکن دماغ تیزرونده و منطق و مهارت عمل او جبران

نقص معلوماتش را میکرد. [illegible] از امور [illegible] سیاستش هم از نظر سیاست خارجی

و سیاست داخله بود. [illegible] جمع کرده انگلیس را [illegible] ثروت و جمع

سرمایه [illegible] برای اجرای این مقصود کمال مسالمت را در سیاست خارجی

با فرانسه عهد اتفاق بست و در داخله صنعت ~~[illegible]~~ نژاد را تقویت

و توسعه داد و افکار [illegible] اقتصادی او [illegible] آن زمان [illegible] فوق العاده [illegible]

در دوره [illegible] بانک [illegible] وضع [illegible] تجارت خود را در [illegible]

کرد [illegible] صادرات و واردات را [illegible] و مستعمرات [illegible] حق [illegible]

جز با مرکز [illegible] استقرار [illegible] تجارت [illegible] وال پول [illegible]

تجارت را [illegible] طرفدار آزادی [illegible] و مستعمرات را

از نعمت آزادی تجارت برخوردار گردانید. [illegible] هر قدر [illegible]

مواد اولیه را [illegible] صنایع [illegible] وارد [illegible] صادر [illegible]

مصنوعات کارخانجات انگلیس زیاد شد. توفیق [illegible] از [illegible]

[illegible]

Robert Walpole

William

۵۴

بعد بریستول Bristol و لیورپول Liverpool و منچستر Manchester

و بیرمنگام Birmingham که امروز مرکز صنعت و تجارت انگلستان است

بعد [illegible] آباد شدند. از ابتدا تا انتهای [illegible] ثروت انگلستان [illegible]

بیش از شش میلیون [illegible] رسید [illegible] قیمت [illegible]

آقای [illegible] در حین [illegible] انگلیس را [illegible]

[illegible] قابل اعتماد است

در واقع سکه [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] وال پول [illegible]

[illegible] [illegible] وال پول [illegible]

سیاست [illegible] [illegible]

[illegible] ملت انگلیس [illegible]

[illegible] لاس Law [illegible] فعالیت [illegible]

[illegible]

[illegible] انگلیس را [illegible]

[illegible] Alhizoni [illegible]

[illegible] انگلستان را

[illegible] José Patino [illegible] Utrecht اوترشت

[illegible] عهدنامه [illegible]

[illegible] انگلیس [illegible] عهدنامه [illegible]

[illegible] اسپانیا [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

کار مخرف عده‌ای جلوگیری کند. امّا تجارت تا شروع جنگ با قاچاق در مستعمرات اسپانیا واقع
در دوره‌ای که از منافع استفاده و شعب تجارت اقتصادی انگلستان محسوب میشد. مقدمه جنگ با
دو کلبر Colbert وزیر فرانسوی ~~[illegible]~~ منع و جلوگیری بلند بالا را که از
تجارت فرانسه نموده (اسپانیا کلمه تجارت در دهم کشند) بنا بطور [illegible] در انگلستان که قرن
وجه در معروف [illegible] منافع تجارت انگلستان طالب جنگ ~~[illegible]~~ شد
و بالاخره موفق گشتند یعنی ابتدا در سال ۱۷۳۹ با اسپانیا و سپس در ۱۷۴۲
~~[illegible]~~ انگلستان را به یک جنگ وارد کرد.

در این وقت والپل Walpole از وزارت [illegible] بعد سقوط او
حکومت [illegible] نمود [illegible] وزیر [illegible] داشته ولی
[illegible] هم دولت [illegible] و [illegible] در رأس [illegible] و [illegible] طرفه
[illegible] و «وحده [illegible]» والپل بعد.

بحران در انگلستان

هنگام سقوط والپل ~~[illegible]~~ چند سال بعد در بحران مذهبی [illegible] در انگلستان
انگلیس حکمفرما گردید [illegible] ثبات [illegible] سلطنت.
یکی از هنرمندان بزرگ انگلیس هوگارث Hogarth (۱۶۹۷ - ۱۷۶۴) در نقاشی
و حکاکی به [illegible] ~~[illegible]~~ در آثار
[illegible] (۱۷۴۵) و [illegible] عروسی معمول امروزه (۱۷۴۵)
[illegible] یکی از [illegible] زبان (در ادبیات انگلیس) سویفت Swift (۱۶۶۷-۱۷۴۵)
در [illegible] عجیب و غریب و خیالی خود موسوم به سرگذشت گولیور Gulliver شروع
[illegible] اخلاق [illegible] انگلیس [illegible] گرد [illegible]
[illegible] منتسکیو نویسنده فرانسوی Montesquieu گوید:
[illegible] (۱۷۵۵-۱۶۸۹)

[illegible]

۵۵

[illegible] هم اول فرانسه: در اینجا نه تنها شرف و تقوی و جوهر فارغ [illegible] وجود ندارد
در دوره‌ی مردم نه قدرت [illegible] مستی یا از عیب [illegible] شده بود. بلکه رجزات شراب آن
گرانبها [illegible] از حکمت و تقال دارد و بکرد و عوام الناس [illegible] شاهی [illegible]
[illegible] جیبی و نوعی از عرق عجیب است [illegible] دارای هست و بسته [illegible]
قمار و فسق و فجور بود گویا تصور و طبق [illegible] از آن [illegible] یا از انگلیس؟
گفته شده است [illegible] نیست [illegible] گفت: [illegible]
بیل هم [illegible] میدان جنگ نوشته [illegible]! یا از سیاسیون مردم [illegible]
او چیز مفید Chesterfield در دوست و Voltaire در [illegible]
Montesquieu بود [illegible] گذشت! و دیگر [illegible]
[illegible] انگلستان در [illegible]
گفت [illegible] و عظم [illegible] گذشت [illegible]
چه [illegible] ترجمه انگلستان [illegible]
و آن حکمت [illegible] انقلاب و در دوران مردم [illegible] آمد و حس و [illegible]
و وطن [illegible] از عرب گران سر برآورده و چیزی نگذشت [illegible] بیداری انگلیس؟

بیداری حس [illegible] دولت
Wesley [illegible]

Oxford
[illegible] و تحت [illegible] در [illegible] اکسفورد
ابتدا در حس دیانت بیدار شد. جمعی از طلاب [illegible]
[illegible] از سیاست [illegible]
[illegible] انگلیسی‌ها [illegible]
دارای [illegible] لیکن طلاب ابتدا [illegible] و با [illegible]
حکمت انگلیس است [illegible] در [illegible]
[illegible] کشیش‌های انگلیسی [illegible] بالنسبه [illegible] سایر [illegible]
[illegible] اردوی [illegible]

۵۶
[illegible]
Walpole [illegible]
[illegible]
Swift [illegible]
Montesquieu [illegible]
[illegible]

۵۷

طلاب [illegible] در ۱۷۲۰ تشکیل شده گشت [illegible] به سالاری [illegible] وسلی Wesley

(۱۷۰۳ - ۱۷۹۱) [illegible] تعقیب مذهب پروتستان و [illegible]

روحانیت مذهب کاتولیکها را ترک کرده‌اند و در امور [illegible] و عقاید [illegible] فرق [illegible]

چنانکه [illegible] آنان را متدولیست Methodiste نامیدند. ارتقاء [illegible] در سال

۱۷۳۸ شروع [illegible] و چون [illegible] در کلیسا وعظ کنند در کوچه‌ها موعظه می‌دادند چنانکه امروز [illegible]

«سپاه رستگاری» در معابر موعظه می‌کنند. تدریجاً در تمام انگلستان منتشر شده [illegible]

[illegible] در نواحی [illegible] بزرگ [illegible] و در معادن [illegible] عملیات [illegible]

سنگ [illegible] می‌کردند. [illegible] در اوایل [illegible] انگلیس [illegible]

[illegible] این طایفه [illegible] عده [illegible] بود [illegible] امروز [illegible]

[illegible] در وقت وفات وسلی (۱۷۹۱) [illegible] عده آنها از صد هزار نفر

تجاوز می‌کرد. [illegible]

[illegible] در سایر فرق مذهب پروتستان [illegible]

[illegible] تعلیم [illegible] از خصوصیات [illegible]

[illegible] و [illegible] و اتفاق [illegible] رواج [illegible] که [illegible]

[illegible] نام [illegible] معروف است [illegible]

[illegible] و [illegible] درست و [illegible] گردید. [illegible]

[illegible] آنها [illegible] بوده [illegible] در [illegible] اواخر

[illegible] منع تجارت [illegible] از [illegible] که

[illegible] منع [illegible] و [illegible] اقدامات [illegible]

تجدید [illegible] و عقاید [illegible] مذهب کاتولیک [illegible] که در اثر

[illegible]

۵۸ تعصب و بغض این طایفه کاتولیکها در غالب امور سیاسی دستشان کوتاه شده بود

و این حال تا سال ۱۸۲۹ در انگلستان باقی بود.

تا بیداری حس وطن پرستی بوسیله ویلیام پیت صورت گرفت (۱۷۰۸ - ۱۷۷۸)

ویلیام پیت
William Pitt

ویلیام پیت دال پول از نجبا و ملاکین ده نشین ... ابتدا در صاحب منصب سواره نظام

بود و در ۲۷ سالگی منتخب مجلس شد ... قشون را از ... داروییست کرده

و در زمان ... Old-Sarum بعنوان عضو ... انتخاب گردید (۱۷۳۵).

پیت در عزت نفس و شرافتمندی و بلند طبعی سرآمد اقران خود بود چنانکه ~~...~~ مدت دو سال

صندوقدار قشون بود (۱۷۴۶ - ۱۷۵۵) در مقابل ... اکران

وقتی ثروت ... دقت ذاتی ... او را از هر خیانتی هزار درجه بیزار ساخت

چون ناپسندیده ... شد که بعد از وال پول ... رفت و شیوه ارتشا و افساد ...

در آن وزیر پیش گرفته بود ملامت شدید نمود. در این وقت دسته ... بیانات او را

پیت خود قبول کرد. نظر ... معروف «بولینگ بروک» شد

و در میان عامه ... فوق العاده یافت. حس وطن پرستی شدید ... در قلب او

زبانه میکشید. ... وطنش فاتح باشد ... و شان انگلیس

خاص ... معدوم الاثر ... غرور پیت ... وطن پرستی او میرسید:

... میگفت: «من میدانم ... وطن فقط ... »

همه ... . فعالیت و عشق ...

~~...~~ اراده ...

مذاکرات ~~...~~

مذاکرات ... جنگ ...

~~...~~

۵۶

ویت آن شهادات را بی انگلیس مقرر شدن شوم نمی‌دانست [illegible] بعد از آن [illegible] چپاول و بیش تر

در حیات نبود ~~[illegible]~~ اقدامات پیت نیروی جدید

به انگلیس بخشید. از کلمات اوست که گوید: [illegible] ناهم ملتی نشوید هر چیز را فراموش

کنید جز سود عمومی را»

مردم قول او را دگرگون گرفتند. در سال ۱۷۵۷ با یکی از رجال دوم او را وارد

وزارت

دولت و ~~[illegible]~~ شد

ستاره اقبال ~~[illegible]~~ قوای فرانسه در دریای مدیترانه و [illegible] کانادا و فاتح آنان شکست داد

بزرگ تفوق انگلیس داده [illegible] و در همان حال پیشرفت بود چنانکه بعضی لشکر فرانسه را

در دروازه لندن [illegible] در دولت سالیسبوری (Salisbury) و ...

بعد چهار سال [illegible] (اکتبر ۱۷۶۱) که پیت دوره وزارت خود را مستعفی شد.

انگلیس [illegible] کانادا و هند و [illegible] و تقریباً تمام مستعمرات را از چنگ

فرانسه خارج کرده بودند.

[illegible] یکی از [illegible] ژرژ دوم گذشته و

حکومت انگلیس

[illegible] روزی در [illegible] ژرژ سوم [illegible]

[illegible] سلطنت [illegible] ژرژ سوم رسیده بود (۱۷۶۰) [illegible]

[illegible] مستقر [illegible] از زبان [illegible]

[illegible] حقیقت دولت [illegible] از ملوک [illegible]

از وقتی [illegible] در برابر [illegible] انگلستان [illegible] تا زمانی جدیدی در مجموعه

قوانین [illegible] انگلستان [illegible] ~~[illegible]~~

Jean Sans Terre [illegible] که [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible]

[illegible] حقوق که [illegible] (۱۲۱۵) [illegible]

اول سال (۱۶۲۸) [illegible] قانون [illegible] اعلام حقوق که در سال (۱۶۸۸)

وضع گردید. [illegible] قوانین [illegible] رسوم و آداب مستحکم شده بود

[illegible]

۳۰. در قسمت یکم سابقه منزلت قوانین در نزد مردم داشتند حکومت و بنابراین سوابق تاریخی [illegible]
قوانین عادی انگلیس [illegible] مشترک میان شاه و مجلس و پارلمان بود.

شاه.

شاه. وزراء [illegible] و عمال درجه اول دولت و قضات را
ارشد را اختیار و عمال منصوب میکرد بنابر تقریب وزراء و قوانین موضوعه پارلمان را
تنفیذ میکرد و قدرت قانونگذاری را نیز تحدید میکرد عادت شاه در اجرای قوانین [illegible] پارلمان بود
فرمانده بود و از زمان سلطنت Normands پادشاهان [illegible] دارای
هم شده اول است «شاه تصویب میکند» [illegible] بالنتیجه [illegible] قوانین
را می نوشت [illegible] الحال [illegible] اکنون نیز مرسوم است. شاه از رعایای فقیر
حق عفو و حق [illegible] را [illegible] تصویب میکند. ولی از سال ۱۷۰۷ ببعد
[illegible] قوانین را بعد از [illegible] پارلمان [illegible] را رد [illegible]
جاری شده [illegible] حق رد قوانین را [illegible] وزراء. شاه را
[illegible] اگر [illegible] وزراء [illegible]
بود. بنابراین شاه انگلیس هیچ نوع مسئولیتی نداشت

کابینه وزراء

شاه. وزراء را از میان [illegible] انتخاب میکند [illegible] وزراء در موقع [illegible]
[illegible] قوانین [illegible] بود و [illegible] دیگر حق [illegible]
[illegible] حاضر شود.
[illegible] در موقع [illegible]
[illegible] وزراء [illegible] صاحب اکثریت [illegible] اکثریت [illegible] تنها [illegible]
و [illegible] وزراء [illegible] تقسیم [illegible]
و [illegible] بعنوان رئیس الوزراء [illegible] اول [illegible] رئیس الوزراء
[illegible] اکثریت [illegible] اول [illegible]
[illegible] وزراء [illegible] کابینه وزراء [illegible]

جرج ... تغییر یابد رئیس الوزراء نتیجه مذاکرات را ... وزراء و دیگر ...

وزراء مسئولیت مشترک داشتند ... به مشاغل اعمال ... اگر ...

اقتدارات ... اگر ...

منتقضی ... مجلس عوام ... مجلس اشراف ...

در مقابل ... داشته ... بوده‌اند ...

... در این صورت اگر وکلای ... انتخاب شده ... وزراء ...

... تاریخ ...

... اکثریت پارلمان انتخاب شد ...

... .

و عبارت است از ...

پارلمان — پارلمان در قصر وست منستر Westminster ... مذاکرات

وکلا ... نشر گردید. تا ...

... پارلمان ...

مجلس خارج ... در سال ۱۷۷۱ جرائد ... شرح مذاکرات پارلمان را ...

پارلمان مرکب بود از مجلس اشراف (لردها) و مجلس عوام ... انتخاب ...

... منصب لردی ... در سال ۱۷۱۴ عده ...

اشراف ۲۰۸ نفر بود ... و ...

منصب ... لردی ... انتقال می‌یافت.

مجلس عوام ... وکلای ... ایالات ...

جمعا عده آنها به ۵۵۸ نفر رسید ...

مدت وکالت آنها هفت سال ...

[illegible]

طرز انتخابات

مجلس عوام برای طرز انتخاب لایحهٔ ثانیه ... انگلیس مجبور شدند اوّلاً
در خارج شهرها ... دسته‌ای و شهرهای خالصه انتخاب ...
و در شهرها ... و اتحادیه‌ها و شهرنشین‌های سابق ... حق انتخاب دیگر داشتند
در خارج شهرها عده شهرهای خالصه انتخاب روز بروز کم میشد زیرا که صنعتگران متمول در حق انتخاب
نوشته ... را نقش گذاشت ... جزء ملک معتبر محسوب میشد
و این وسیله حق انتخاب را داشتند. نقص دیگر این بود که صورت وقتیکه دوره‌ای
انتخابیه ... دوره‌ای وسطی مرتب شده و ... شهرت ... محسوب میکردید ... و اقعاً
رسمی در ... کرده بودند ... (۱۸۳۲) بود. بنا براین بلاد عظیمه مانند لیورپول و منچستر وغیره
در ... بیهم ... و آبادی ... در آن صورت ... بودند و ... ثانیه
منفرد ... با ... معروف قرون وسطی در قرن ... جمعیت
آن ... رسیده بود. ... معتبر (در ...) ده ... شرایط انتخاب
... شده ... و ... بر قانون ... دیگر انتخاب ...
Old Sarum ... قصبه یا قریهٔ ... در ... اول Pitt
از زمان انتخاب شده بین حال را داشت.
... دفعات ملک ... بود ... مالکین انگلیس ... قصبات ... میگفتند.
... پاتولد ... سهم به ... در کل ... از ... قصبات ... داشت
... خانه‌های ... معروفیت ... را او انتخاب میکرد ... رسید
... ستون ... بیست ... و ... قیمت ... بیست ... ملیون ...
... بجا ... سیصد ... جمعیت ... میلیون ...
... حق انتخاب کردن در ... محروم بودند. در زمان پیت دوم Pitt

۶۴ سی قریه و قصبه ۳۷۵ نفر انتخاب کرده داشتند. هشت نفر نماینده مجلس
سفیر شاه و نیز حق فرد ارشد تا آن به [struck] این اصلاح شود. اکثر مردم
با این اصلاح موافقت داشتند معذلک پیشنهاد وی چیت در سنه ۱۷۸۵ ترتیب
داده مغلوب زمینه و تا سنه ۱۸۳۲ موقع اجرا نیافت.

طرز عمل مجلس عوام

تشکیلات داخلی مجلس عوام — ترتیب اداری آن از این قرار بوده و هنوز هم است:
مجلس یک نفر را [struck]
برای اداره جلسه و ریاست انتخاب میکرد این شخص نماینده (؟) و کلاه و خطیب عمومی بود. هر وقت
نطقی ایراد میشد [struck] او باید حرف بزند و سایر ناطقین هم در شروع کلام
مکرر روی سخن با او داشتند لیز ناطقین فقط از او مخاطب بوده و صحبت میکردند. خبر نطق
خاص در بار پارلمان بود. مطابق دستور العمل و مذاکرات [struck] خود تهیه میکرد. ...
[struck] موضوعات مطرح شده روز ... یکبار ... قبل از مطرح شدن در مجلس در
کمیسیون تحت مطالعه قرار میگرفت و پس از ختم تحقیقات [struck] خبر آن به [struck] مجلس عمومی تقدیم میگردید
و نتیجه رای [struck] رسید ... در دست صورت ... دیگر ترتیب ... میداد ... نماینده ها
از مجلس خارج شده و عده ... باز میگشتند موافقین از یک در و مخالفین از در دیگر و
هنگام دخول [struck] شماره ... را یادداشت میکردند. اگر مطلب قوه ترتیب ...
مجلس بزودی در آن رای میداد لکن معمولاً طرح ... و ... را سه مرتبه تحت شور قرار داده
و در سه جلسه ... چند روز ... رای میکرد. پس از ختم رای مجلس عوام قانون
مجلس ... زیاد شده و ... [struck] از تاریخ نطق ها ...
قوت قانونی و قاطعیت اجرا می یافت.

۱۶۹

[illegible]

شرایط اثبات [illegible] ذکر شد کار نزدیم که در سال ۱۷۴۰ تا ۱۷۸۴

دوره سوم و سیاست شخصی او

در صدد تاسیس حکومت مطلقه شخصی و تغییر حکومت پارلمانی بود [illegible] آسان نمیکرد

ژرژ سوم ~~[illegible]~~ هیچ ؛ [illegible] اعتقاد داشت [illegible] ترتیبش در انگلستان صورت گرفت

دوران حکومت [illegible] انگلیسی واقعی ~~[illegible]~~ بشمار [illegible] از پادشاه [illegible] لیبرال

[illegible] بود و [illegible] اورا بنحو [illegible] تشبیه میکردند شرافتمند و [illegible]

[illegible] بود ~~[illegible]~~ [illegible] اعتقاد داشت [illegible]

~~[illegible]~~ و [illegible] و [illegible] بود. [illegible] طلب از

[illegible] در ترتیب [illegible] که [illegible] زنده بود

بر او تسلط کامل داشت و [illegible] بیش [illegible] پادشاه واقعی باشد

~~[illegible]~~
چند [illegible] قبل از وفات [illegible] گفت : [illegible]

[illegible] قصه [illegible] آن بود [illegible] برخلاف [illegible]

[illegible] دولت که [illegible] از احزاب [illegible] قرار [illegible] رول

گرین Green مورخ [illegible] رئیس [illegible] ملک [illegible] اقدام [illegible]

حکومت پارلمانی [illegible] سلطنت مطلقه شخصیه [illegible] ژرژ [illegible] آرزو می‌کند.

حزب توری دوران [illegible] زیرا که [illegible] در سنه ۱۷۴۵ تجارت ؟

دوره سوم و حزب توری [illegible] و [illegible]

[illegible] سلطنت [illegible] معدوم شد [illegible] حزب توری

~~[illegible]~~ در اعاده سلطنت [illegible] منقطع شد و [illegible] بعد [illegible]

~~[illegible]~~ [illegible] ملک [illegible] و [illegible] و [illegible] دیگر

زمام امور حکومت را [illegible] زیرا که متجاوز از [illegible] سال [illegible] از [illegible]

[illegible] بود [illegible] از [illegible] قدرت [illegible]

[illegible] از [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible]

[illegible]

و نفوذ جنگ و غالب اکثر نمایندگان طالب سلطنت حقیقی بود. نقصی در مرام آنها

رخ نمیداد، سهل است، ماده اساسی مرام بموقع اجرا [illegible] دعوی گذاشته شد.

پس از آنکه حزب توری را بحکم مرام خود شاه [illegible] بیاری

خود آورد و از طرف دیگر هم چند نفر از حزب ویگ را نیز با خود همداستان [illegible] ساخت

موافق دموکراسی است و اول پول را بخشیدگی کرد و دست جابری اراده [illegible]

بالاخره [illegible])) از ... معترض انگلیس جمیع وکلا با اراده پادشاه باشند شاه [illegible]

[illegible] رتبه ای [illegible] تا صحنه با اراده او [illegible] و فاداران

متعصبین و متملقین را [illegible] با پرداخت [illegible] صورت اعمال [illegible]

دارند و حکومت مقام سلطنت)) میرانید. شاه تصور میکرد [illegible]

خانه اداره را بشخص خود داده بود به تبعیت او [illegible] میرتیب بکلی

خیلی مورد دخل بود و بکلی موافق حکم شده و دیگران از آن مقاصت محروم بود. ...

[illegible] کار و مقاصد به اینکه در دنیا کاری هم [illegible] تعبه اراده را

بدهد نقد بیخبر بود. بعضی معاملات بکلی اینطور ترتیب بودند و هیچ زیاد شده [illegible]

ترکیه این شاه تمام میشد.

این طرز حکومت تقریبا از ابتدای سلطنت ژرژ سوم شروع شد و در همان وقت پس از وزرات اغلب | تجاوزات سیاست شخص شاه.

وقت) از طرف دربار Bute [illegible] سابق بوده شاه [illegible] تفویض شد. سه دفعه

در سال طول کشید تا شاه پیشرفت مقاصد خود را ... و مطابق [illegible] وآنگاه شد و آکنون

وضع اراده را خوش بخت کرده ... این کابینه در ریاستش با لرد نورث North

مدت ۱۲ سال دوام یافت (۱۷۷۰ - ۱۷۸۲)

[illegible]

در سیاست خارجی این حکومت شخص شاه وضعیت داد و موجب عدم رضایت و اعتراض

در مستعمرات گردید (۱۷۶۵ - ۱۷۷۴) و کار را به [illegible] در

اختیار شاه ... وقت مستعمرات ... [illegible]

[illegible]

* که آن مستعمره دم از استقلال زد و ممالک فرانسه متصرف شده بعداً تحت اختیار انگلستان [illegible]

(۱۷۷۲ - ۱۷۸۹).

در دوره‌ی دوم [illegible] سیاست شاه [illegible] مناقشات ملت و سلطنت شد و بیش از [illegible]

کابینه میل ملت و مطیعات پادشاه بهم مقابله کرده. قضیه ویلکس Wilks

در مدت سال تقریباً طول کشید (۱۷۶۳ - ۱۷۶۹) و در حقیقه از آن بحث آمد. با توسعه مطبوعات

دیگر تعیین [illegible] و اثبات لزوم تغییر طرز انتخابات.

Bute

ویلکس نماینده مجلس عوام و مدیر زشت اخلاق [illegible] بود از رئیس الوزراء [illegible]

دارا [illegible] مقبول شد [illegible] رئیس الوزراء جدید

بنام North-Briton تأسیس کرد. در جریده ادبیات و تنقیدات

تاریخ [illegible]. در آوریل سال ۱۷۶۳ ویلکس نطق پادشاه را تنقید کرد بعبارت

در مدنظر پادشاه توهین آمیز بود [illegible] دستور داد او را توقیف کنند. لکن [illegible] توقیف او

قضات [illegible] قضاة [illegible] آزاد کردند و [illegible]

[illegible] جریده [illegible]. مردم شهر لندن [illegible]

[illegible] ویلکس [illegible] مردم [illegible] قضیه

آزادی انتقاد و حریت مطبوعات در [illegible]. دولت هم [illegible]

[illegible] قانونی [illegible]. ویلکس [illegible]

[illegible] (دسامبر ۱۷۶۴)

[illegible] ۱۷۶۸ [illegible]

[illegible] Middlesex [illegible]

[illegible] از مجلس [illegible] و در حینی که

ویلکس [illegible] از اکثریت سابق [illegible]

قضیه ویلکس Wilks

[illegible]

مجلس اورا محکوم کرد و مجلس او را [illegible] انتخاب کنندگان رضا نمیدادند اورا [illegible]
[illegible] و آتش جدال بالا گرفت.
در مدت کمتر از سه ماه (از فوریه تا آوریل ۱۷۶۹) سه مرتبه مجلس ویلکس را اخراج کرد و محرومیت
او را از وکالت اعلام نمود معذلک سه مرتبه از طرف انتخاب کنندگان برگزیده شد در دفعه دوم دارای
اکثریتی بیش از [illegible] بیش بود. عاقبت مجلس تهور غاصبانه بخرج داد و [illegible] رقیب او را
منصوب نمود.
ملت انگلیس با دقت و شوق تمام مراقب این جدال بود. اجتماعات عظیمه در هواداری آزادی
برای [illegible] دفاع ویلکس تشکیل یافت. زیراکه [illegible] ویلکس را مربوط به یک جامعه
و متعلق به آزادی و حقوق اساسی ملت میدانستند. دفعه اول که مردم با اراده خود [illegible]
آزادی مطبوعات بود لکن این بار دفاع ملت [illegible] برای حفظ حق انتخاب طبقه وسیعتری بود
[illegible] حق [illegible] برگزیدن وکیل را از آنها سلب نماید. [illegible] Pitt که آن هنگام
عضو دارای مجلس اشراف رسیده بود [illegible] ولقب لرد چتام Chatham داشت
مجلس عوام را در این رفتار غاصب حقوق [illegible] دانسته گفت قانون [illegible] بود و گفت
[illegible] حقیقی ملت را [illegible]
[illegible] تغییر و اصلاح قانون انتخابات را [illegible] در مردم ایجاد [illegible] کرد.
در ۱۷۷۴ [illegible] شهر لندن ویلکس را بسمت مشاور بلدیه انتخاب کردند و در سال بعد
مقامات عالیه بلدیه ملقب به لرد مئیر Lord Maire شیخ البلد [illegible]
سال بعد ویلکس وارد مجلس عوام شده و ملت عاقبت الامر بر پادشاه غلبه نمود.
بیانات او در قضیه ویلکس در مجلس که روح داده بود [illegible] تقویت مطبوعات گردید
و [illegible] آتش جدال را از طرف [illegible] مطبوعات [illegible] کرده
و آن حق درج مذاکرات [illegible] که تا آن زمان حق ویژه مجلس [illegible] و حفظ [illegible]

توسعه مطبوعات

منتقدانه خود مذاکرات مجلس را درج می‌نمود. ... [illegible] حالات در [illegible] بود و

عنوان ... از ... مذاکرات مجلس ... Lilliput

در ۱۷۷۱ مجلس ... [illegible]

... از ... مطابع ... انتشار مذاکرات پارلمان

... [illegible] ...

در ... ترتیب ... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ... براي

North Briton ... [illegible]

Junius ... Public Advertiser ... [illegible]

... [illegible] ...

... [illegible] ... روزنامه‌ای

Times ... تایمز ... [illegible]

Morning Post ... مورنینگ کرونیکل

Morning Herald ... مورنینگ هرالد ... Morning Cronicle

... جنگ امریکا (۱۷۷۴ - ۱۷۸۳) ... [illegible]

... [illegible] ... سقوط ... انتخاب

... [illegible] ...

یا از جماعت متعدد رنگ از دیگر وقتی [illegible] دیگر که در آن بیشتر بود وزارت را

در صدارت ساقط ساخت ۱۷۸۲ . [illegible] متحدین [illegible] پیشنهادی بهتر [illegible]

راجع [illegible] به [illegible] آن [illegible] را [illegible] آبی [illegible] وزارت خانه

[illegible] ولی پیشنهاد [illegible] تجار [illegible] متحدین [illegible] کرد

شاه [illegible] را [illegible] کرد و [illegible] وزراء را باستعفاء

مجبور نمود . و بر [illegible] لرد چتام Chatham را [illegible] پیت Pitt معروف

در آن وقت پیت [illegible] سال داشت (دسامبر ۱۷۸۳) بوزارت اختیار کرد . [illegible]

[illegible] شاه [illegible] فرستاد [illegible] که پیت [illegible] سال [illegible]

[illegible] بیان [illegible] را [illegible] و [illegible] و انار

[illegible] واداد . [illegible] در [illegible] داشت . [illegible] واقع [illegible]

[illegible] عوام [illegible] حضرت [illegible] و در طرف [illegible] آن [illegible] را

در اقلیت گذاشته .

[illegible] پیت [illegible] استعفا [illegible] زیرا که [illegible] بواسطه [illegible]

[illegible] مخالف [illegible] را [illegible] ساخت و چون [illegible] محقق است

[illegible] پارلمان [illegible] نمود . در [illegible] جدید [illegible] پیت ۱۶۰ [illegible]

(۱۷۸۴) وزارت [illegible] و [illegible] عوام [illegible] بواسطه [illegible] گشت

[illegible] تاریخ [illegible] پیت [illegible] طرف [illegible] شاه [illegible] حکمران

[illegible] انگلیس [illegible] سال [illegible] آن [illegible] انگلستان

[illegible] برضد فرانسه و [illegible] انقلاب آن مملکت [illegible]

۷۰

حریت در انگلستان

[illegible] بحران مشروطه انگلستان که از سال ۱۷۱۰ [illegible] شروع شد و در تمام قرن
هجدهم هم این تأسیس [illegible] سلطنت مقتدر کرد عاقبت بر اثر [illegible] و جدال [illegible]
تحت حکومت پارلمانی خاتمه یافت. [illegible] در [illegible] وقت بحران [illegible] پارلمان در
نهایت ضعف و شاه در کمال قدرت بود. [illegible] حالت انگلیس را اگر با [illegible] آن زمان مقایسه
کنیم خواهیم دید [illegible] بیش از [illegible] حکم
قانون نافذ و [illegible] مستبد از شاه [illegible] بوده است. [illegible] دول دیگر [illegible] صورت
[illegible] را [illegible] ترتیب [illegible] از [illegible]
[illegible] [illegible] حریت [illegible] قانون
[illegible] محفوظ بوده است. [illegible]
قانون توقیف [illegible] یافت [illegible]
[illegible] حکم [illegible] قاضی [illegible] انگلیس [illegible]
[illegible]

صورت قانونی [illegible] Voltaire [illegible] از [illegible]
[illegible] اول [illegible] از اینجا [illegible]
[illegible] عدالت [illegible]
[illegible] انگلستان [illegible]
[illegible]
[illegible] آزادی نطق و تحریر و طبع [illegible]
[illegible] در [illegible]
تجمع و شرکت [illegible] حق [illegible]
[illegible] حریت و مساوات انگلستان [illegible] حکومت استبدادی
[illegible] در سال ۱۷۵۱ [illegible] :
[illegible] نامه [illegible]

[illegible]

۵) از اسباب [illegible] انگلستان نیمی [illegible] اشخاص محکمه و [illegible] آزاد [illegible] استبداد است)

ارزانی اسباب آبادی عمومی انگلستان [illegible] و متخصص فوق العاده بر مملکت

از قرن هیجدهم خاصه از سال ۱۷۶۰ شروع گردید [illegible] یعنی تکنیک [illegible] و تبدیل [illegible]

صنعتی گردید. یکی از علل ترقی [illegible] نفوس بود که از ۱۷۰۰ تا ۱۷۸۰ [illegible]

گردید. مخترعین [illegible] طریق [illegible] شده [illegible] را وسیله زغال سنگ [illegible]

• و چون انگلستان معادن وافر از زغال سنگ است [illegible] طریقه [illegible]

انگلیس را [illegible] در صنعت [illegible] در [illegible]

رقیب اروپایی شد. [illegible] در سال ۱۷۶۷ [illegible] و جداول بسیار

حفر کردند و [illegible] عظیم [illegible] لیورپول و منچستر ساختند [illegible] انگلستان

دارای طرق [illegible] کامل گردید [illegible] ارتباط [illegible] شد و [illegible]

و مواد و اشیاء ثقیله [illegible] سهولت [illegible] و وسائط نقلیه [illegible]

[illegible] گردید. در همین اوقات [illegible] ماشین [illegible] ماشین نخ تابی

(۱۷۷۶ - ۱۷۶۴) Mulle Jenny [illegible]

معروف به میول جنی [illegible]

وات Watt نیز [illegible] ماشین بخار [illegible]

اختراع کرد. (۱۷۶۹ - ۱۷۷۹) [illegible] ماشین بخار [illegible]

[illegible]

عموم [illegible] قوی [illegible] گردید [illegible]

وات Watt [illegible] کارگر [illegible]

انگلیس کرده است [illegible] ترقی عجیب

[illegible] در جمیع عالم برتری جست.

فصل ۳

امپراطوری روسیه در قرن هیجدهم

اصلاحات پطر کبیر

سلطنت ~~[illegible]~~ کاترین دوم

در قرن هیجدهم ~~[illegible]~~ نقشه سیاسی و قوای دول اروپای شمالی و شرقی [illegible] دیگرگون گردید ~~[illegible]~~ و کشورهای در تاریخ و اقتدار خود [illegible] ادامه داده [illegible] قدم در مدارج ترقی نهادند و دو دولت دیگر سوئد و ترکیه رو به ضعف و انحطاط گذاشتند. سوئد در دوره اواسط قرن هفدهم ~~[illegible]~~ به جانب اطراف بر بالتیک تسلط ~~[illegible]~~ یافته بود و قریب پنجاه سال بزحمت بسیار این تسلط و اقتدار را حفظ کرده بود ولی از قرن ~~[illegible]~~ قدرت [illegible] از دست داد. عثمانیها ~~[illegible]~~ از اواخر قرن هفدهم ببعد چشم اروپا را ترسانیده [illegible] ~~[illegible]~~ تفوق ~~[illegible]~~ [illegible] سال [illegible] حدود ~~[illegible]~~ [illegible] از قرن ۱۸ رو بضعف و انحطاط گذاشت. سوئد [illegible] در اواخر همین قرن [illegible] لهستان [illegible] پروس و روسیه و اطریش آن را تجزیه و تقسیم کردند.

روسیه هم قبل از قرن هیجدهم در ردیف دول آسیائی ~~[illegible]~~ بود [illegible] در عهد سلطنت خاندان رومانف ~~[illegible]~~ در صدد ~~[illegible]~~ وصول تمدن اروپای غربی برآمد و در آن قرن بعد جزو دول معظمه گردید ~~[illegible]~~ [illegible] در مرحله سیر ترقی مقصود نایل شد ابتدا [illegible] پطر کبیر [illegible] سوئد [illegible] بحر بالتیک ~~[illegible]~~ Bal[illegible] [illegible] پس تدبیر کاترین دوم

(۱) رجوع شود به تاریخ قرون وسطی ~~صفحه ۶۹۵~~

Cathrine II دولت ... را از ... سیاست ... کرد. پطر کبیر در همین دوره را

از حیث سیاست قرون وسطی اروپا [illegible] به طبع [illegible] رسوم و عادات

[illegible] رسم و ... ملت را کاملا تغییر داده و [illegible]

روسیه را بر [illegible] اروپا تحمیل کند. کاترین دوم کارهای پطر را تعقیب نمود

و به مقام رسانید.

[illegible] در سال ۱۶۸۲

تزار فئودور Fëodor [illegible]

پطر کبیر [illegible]

[illegible] فوت شد [illegible]

[illegible] Alexis

در بطن زن دوم تزار الکسیس [illegible]

[illegible] تزار [illegible]

[illegible] Boiardo بویاردو [illegible]

[illegible] گردید.

[illegible] Streltzi استرلتسی [illegible] Iran ایران را

[illegible] سلطنت [illegible]

[illegible] پطر [illegible]

[illegible] Kremlin کرملین [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

Preobrazenskoié

پراوبراجنسکی

اتفاق می‌افتد معاف شد. خود پیتر او را به

در قریه [illegible] در مقابل دروازه ~~[illegible]~~ و تقریباً [illegible] بود؛ همه خارجیان مسکو [illegible]

~~[illegible]~~

[illegible] داخ اتباع خارجه مجبور بودند

این همه را اسلوبودا Sloboda نام [illegible] دشت و جا [illegible]

خط [illegible] مسکن [illegible] [illegible] تحقیقات و مشغول [illegible]

اتباع آلمان و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] مقام [illegible]

[illegible] [illegible] و معماران و صاحب‌نقشه [illegible] مشغول [illegible]

و عده کثیری از مردمان [illegible] [illegible] در [illegible] منزل گرفته بودند.

[illegible] [illegible] از خارجیان [illegible] [illegible] [illegible] را [illegible]

Brandt [illegible] [illegible] دیگر [illegible]

[illegible] Timmerman [illegible] [illegible] به [illegible]

نام [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] ([illegible]) [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ترتیب داد (۱۶۸۳)

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

---

(۱) [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] صفحه ~~۶۹۸~~

~~[illegible]~~

در ماه اوت ۱۶۸۹ وقتیکه طفل جوان هفده ساله شده بود [illegible] که خواهرش صوفیه

جلوس پطر اول

برادر کوچک خود را [illegible] روسیه [illegible] عزم جزم کرده است که [illegible] سلطنت را دوباره

در دست نگاهدارد. پطر کمک [illegible] از [illegible] خود دفاع کند.

و [illegible] صوفیه [illegible] که [illegible] او را [illegible] گذاشته پطر خواهر را

در [illegible] از [illegible] خود [illegible] او را [illegible] (سپتامبر ۱۶۸۹)

[illegible] بلکه [illegible] که [illegible] از انگلستان [illegible] را [illegible] و [illegible]

چهارم جنگ [illegible] Ligue d'Augsbourg [illegible]

[illegible] ارقاب روسیه [illegible] از [illegible] Sloboda

آمد و رفت [illegible] روابط [illegible] از خارجیان [illegible] آن [illegible]

با Gordon و Lefort [illegible] از [illegible]

و از [illegible] اطریش [illegible] امیر [illegible] مسکو [illegible] روس [illegible] او را

[illegible] از جنگ [illegible] داد. [illegible]

[illegible] روسیه آمده [illegible] سال [illegible] بود [illegible] گوردون در [illegible]

[illegible] و [illegible] داشت [illegible] بزرگ [illegible]

[illegible] چند روز خود را [illegible] او دعوت میکرد [illegible]

[illegible] از [illegible] و [illegible] اروپائیان [illegible] و تفاوت آنرا

با [illegible] روسیه دریافت

ارتباط پطر با اروپائیان مقیم مسکو [illegible] [illegible] وقایع [illegible]

[illegible] و [illegible] تغییر [illegible] او محسوب [illegible]. [illegible]

۷۶

گر لغت آلمانی [illegible] و قسمتی از عادات [illegible] حب و دهند
و بسیاری علوم را آموخت و از مصنوعات [illegible] دریچه از تمدن مغرب به روی او باز کرده‌اند.
تبریز [illegible] سفر جوان او [illegible] شده [illegible] [illegible] حتی [illegible]
[illegible] [illegible] و [illegible] را [illegible]
[illegible] و [illegible] بزرگ اروپائی بسازد.

شخص و [illegible] پطر

[illegible] نیز معتقد بود که روسیه [illegible] [illegible] مغرب زمین [illegible]
لکن چنانکه میدانیم [illegible] دولت روسیه [illegible] در [illegible] [illegible]
[illegible] در تصرف داشت [illegible] دریای روسیه [illegible] [illegible] دولت عثمانی نیز
[illegible] [illegible] را متصرف بود و مانع از
ورود کشتی روسیه بدریای سیاه [illegible] شد [illegible] روسیه را
از [illegible] اروپای مرکزی جدا می‌ساخت. پطر کبیر میگفت از میان [illegible]
[illegible] [illegible] دولتها [illegible] [illegible] (پنجره‌ای باز کنم)
[illegible] برآن [illegible] [illegible] تغییر
اوضاع خارجی روسیه. و پطر [illegible] سی و شش سال سلطنت (۱۶۸۹–۱۷۲۵) تمام [illegible] را
مصروف [illegible] مقصود [illegible] پیش برد [illegible] [illegible] اجرا [illegible]

شخص و اخلاق پطر

پطر [illegible] [illegible] از [illegible] تغییری [illegible] کامل [illegible]
[illegible] [illegible] اوایل [illegible] قدری [illegible]
پطر مردی عظیم الجثه بود [illegible] قامتش بلندتر و چهارشانه‌تر
میرسید. [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] قوت [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] ۶۴۴

[illegible]

۵ مقامی خود را [illegible] برداشته و چون دوم عدد انگشتان بچه ۷۷

تحمل ادرار خانگی خواه از زحمت و خواه از افراط در شرب [illegible] و منبع تهدیدی است [illegible]

متصور میگردد گاهی اتفاق میافتد که یک شب و روز حتی [illegible] در میخانه

شرب شراب یا ودکا (عرق روسی) مشغول میشد و چون بیرون میآمد [illegible] سه چهار

ساعت بیشتر [illegible] میکرد و همین مقدار [illegible] برای رفع کسالت و تجدید [illegible] او لازم بود.

[illegible] داشت و هیچ صدمه [illegible] نمیآمد قوت و فعالیت [illegible] از [illegible]

کار [illegible] او [illegible] قدر لزوم داشت که تنفس برای دیگران [illegible] لازم است و

[illegible] و [illegible] او [illegible] تنفس [illegible] نگرفت یعنی [illegible] و تعقل. [illegible]

[illegible] دائم در حرکت [illegible] سر [illegible] دیگر [illegible]

[illegible] کار میکرد [illegible] میداد [illegible]

[illegible] در کار [illegible]

[illegible] با [illegible] تراشیده ریش

[illegible] اشتغال میورزید

بدست خود ریش [illegible] را کوتاه میکرد [illegible] شد

[illegible] لزوم [illegible] در [illegible] و [illegible] وسیله

[illegible] رفتار [illegible] مشغول بود [illegible]

[illegible]

که [illegible] را [illegible]

گرفت و [illegible]

[illegible] از [illegible] و [illegible]

[illegible]

[illegible]

دگاهی [illegible] با آدی با لبنه دولت برسیه خوش یابد در سفر اروپا عادات را میزبان
شال اد قرار سه لغه بدعادت سیاده بنجره را [illegible] مبعل ودانا شه را بی سکست تا بوانا
نقاشی [illegible] دانه یده ویرشیا و درمیان [illegible] بر بیست وارگونی بانی میه العادا
صنایع وغرائب میگنه [illegible] بادش دلار وبا احوال خود را [illegible] داشتند
شر فرد یک گیوم اول بارخاه بدی [illegible] چون از ساعت
بطوریکه در سنه ۱۷۱۸ غروری شد [illegible] عادات را در این بدر را با او [illegible]
[illegible] بیه بگرید تقد از سه اوز [illegible] ریشه و تیغ درآن هست بعضی دیگر انتقال
به چهره از دست دیو بطور [illegible] شد
پوشش تنه بطریکه شد هنوز بعضی دهقان بوده تونی طمس [illegible] داند
غیر معین [illegible] دورو تجزیه نبود و قیمت علم هر چیز را بیرون
ادوارک ملکه تکی تغییر است [illegible] دلخواه با ۲۴ ق [illegible] سانش وزدود و [illegible]
جهت چیزهای جدیدی را [illegible] مملکت خود وارد و در مردم تجمل کرد نتوانست با اوضاع
خاص [illegible] روسیه وفق بدهد و مناسب احوال روس که در اخذ [illegible] از طهران
انتخاب نمی آورد فقط تقلید کرده و غالباً تقلید آنها سطحی بود بقول [illegible]
[illegible] والیس زوسکی Waliszewsky ولیه بودن کارها بطور اشرفیت
کاری و ظاهرسازی [illegible] از [illegible] افتخار خالی و عاری بود [illegible] و دفعه
چون کار و صنعت بازار روسیه در دست تیره ایام و جبران [illegible]
و ادارات سوئدی گذشته بود زندگانی رو تحریک [illegible] طور [illegible] شد
[illegible] فقره [illegible] نظم و ترتیب [illegible] و عجله در مبادرت به همه چیز
و بی صبری در اتمام همه کار بود.

~~[illegible]~~

اقبال عزم [illegible] از علائم بزرگواری او [illegible] تمام بود معتمد الملک یحیی مرد وحشی از [illegible]

نه [illegible] از [illegible] را به [illegible] در انجام مقاصد [illegible] شادی و ستمی [illegible] و کوشش

[illegible] خسته و دلسرد نمی‌گردید [illegible] و سستی [illegible] از تتبع [illegible] از [illegible]

اصرار در کار [illegible] تجربه و تحریک [illegible] بلکه [illegible] سخت [illegible] همیشه

[illegible] بلکه [illegible] با دشمنان [illegible] همه موانع [illegible] با [illegible] و نیروی

عبارت دقت [illegible] این [illegible] است [illegible] اندازه [illegible] در کار [illegible] اصرار او در کار

[illegible] که از قول [illegible] نقل می‌کند [illegible] بعد از [illegible] از سخت‌ترین

[illegible] دیوانه‌ها را [illegible] : [illegible] راه [illegible] بر [illegible] سخت

«[illegible] را با [illegible] سخت [illegible] سخت [illegible] از [illegible] [illegible]

دیگر از علامات بزرگواری او [illegible] میزان وظایف پادشاهی را [illegible] می‌کرد

و در امر مملکت داری حدود [illegible] مسئولیت آن می‌دانست [illegible] دخل المقدور

[illegible] را [illegible] ترقی می‌داد [illegible] حدود [illegible]

سلطان و مالک [illegible] حال و جان رعیت [illegible] دولت [illegible] او

[illegible] از نقطه نفع مملکت [illegible] آن [illegible] از آن سلطان

[illegible] مملکت [illegible] خود و [illegible] بیشتر [illegible]

و کلیه [illegible] تمام نیروی کار [illegible]

~~[illegible]~~

خویش را وقف خدمت مملکت [illegible]

~~[illegible]~~ [illegible] از حیث عظمت [illegible] در آن عصر [illegible] باید رسید

[illegible] صاحب [illegible] بزرگ [illegible] بود [illegible] در موقع

[illegible] تاریخ [illegible] ص ۵۶۴

[illegible]

۸۰۷

بزه‌ان اکثر در زمان اختیار بدست پادرداده بختی کاوش [illegible] بود که میراث پدری را

~~[illegible]~~ بملک بخشید این بخشش عبارت بود از

[illegible] پنجاه هزار خانوار و دویست هزار روبل عایدی سالیانه در حساب امروز

بر سه میلیون فرانگ بالغ میشد. فقط مزرعه‌ای دارای هشتصد نفر رعیت بلاوه

حق نظارت داشت که از عوائد آن و مواجب [illegible] دولت در عوض خدماتش میداد

معاش میکرد ولی مواجب از انوقت بود ~~[illegible]~~

~~۳۰۰ روبل [illegible]~~ جنرالی و ۳۶۰ روبل میگرفت

بجای استاد نجار نیز معزول شد که در نجار خانه وقتی انجام میداد

و ۲۰۰ روبل بنام بلر سیفالوی ~~[illegible]~~ از منصب [illegible] نظام ماهی میرسید

و غیر از اینکه در قشون بدرجه سرتیپی ارتقا یافت (سنه ۱۲۰۷) [illegible] نیز حقوق مبلغ

۶۰۰ روبل بالغ شد. نظر از قلت عادات تساری لباس ژنده

~~[illegible]~~ در بر میکرد و لباده از پوست مندرس ساده و جلیقه پاره پوسیده

و جوراب خاکستری رنگ وصله وصله و غیره اکتفا میکرد و بواسطه

همین فقرها [illegible] دشمن را [illegible] علامت [illegible] [illegible] میخواند

Menchikoff بلکه [illegible] بجانب مدعی [illegible] عزیز خویش دعوت میکرد از قبیل منچیکوف

در ساعات تناول [illegible] شیرینی پز بود و [illegible] و گردون و غیره و مصارف [illegible] را

صاحب خانه می‌پرداخت بلکه بسیار از وجوه [illegible] را خود راه ملک

مصرف می‌رسانید و [illegible] بالای [illegible] تک غذات وار [illegible]

بوسیله خویش خرج میکرد در شب [illegible] بعضی از [illegible]

در موقعه جای [illegible] بزمین افتاد [illegible] زیر [illegible] آورد:

[illegible]

۳۲۵

«ده که در وقت جاروب کردن [illegible] آن را با خاک مدور ها انبوه ریخت
در صورتیکه با این فقره تلخ بود [illegible] جواب یکی از نظامیان خود را بر دارم !»

بالای [illegible] مرز و بوم و حرمزه جنس در موجب خنده سیاستمداران آلمانی اروپا میشد روسیه تدریجا
صاحب قدرت بری و بحری گردید [illegible] وسیله مؤثره ترقی خویش را بدست آورد.

جنگ با عثمانیان

پیش سال اول سلطنت پطر ایام خوشگذرانی بود که از جمله عوض لشکر و مانور دشمن
نظامی را به یک مرد [illegible] زنانی [illegible] سیر مسافرت باروپا
و مطالعه اوضاع آن سامان در وطن [illegible] اشتر. آن قبل از مسافرت [illegible]
لازم دید در کارهای بزرگ ورزش [illegible] نکته تا دراروپا معروف او [illegible]
روزانی رو در سنه ۱۶۹۵ [illegible] تطبیق سیاست خارجی از جنس
وسعی کرد که از سمت باروپا راهی باز کند و این منظور بر [illegible] ! گرفتن یکی از
بنادر متعلقه ترکیه در بحر بالتیک یا از متصرفات [illegible] عثمانی در نواحی بحر سیاه
صورت انجام گرفت

نظر به دو جهت حمله بعثمانی را مقدم داشت نخست آنکه عثمانیان را ضعیف تر
از سوئدی ها میدانست زیرا که سلطان عثمانی با اطریش و ونیز Venise جنگ داشت
دوم آنکه عثمانیان سلطان [illegible] و کلیه [illegible] آن دولت [illegible] در قسطنطنیه یعنی
مرکز [illegible] ارتدکسی Orthodoxe را در تصرف داشت [illegible] عمیق ترین [illegible]
[illegible] کلیه امرای [illegible] روسیه مخصوصاً پیروان مذهب ارتدوکس [illegible]
محسوب شد و [illegible] بنوز [illegible] میشد. بنا بر این [illegible] جنگ با [illegible] مقبول عامه و
بمثابه جهاد بود.

۸۲

پطر اول در ۱۶۹۵ بندر آزوف را در محاصره [illegible] روی کمک آورد. در نخستین جنگ در نتیجه روسیه شکست [illegible] را بمیز مجبور بعقب نشینی گشته (۱۶۹۵)

فتح آزوف

ت [illegible] سفاین جنگی تهیه دید و سال بعد از طریق آب نیز قلعه آزوف را [illegible] مفتوح ساخت.

فتح آزوف در سرتاسر اروپا مشهور گردید. [illegible] گردون و لوفور [illegible] پطر در وقت ۲۴ ساله بود [illegible] یکی از [illegible] فوج طرز اروپائی [illegible] خود سمت تربیت ساده داشت پطر از سلطنت بین سالها و احتیاط و قوانین را [illegible] در ترقیات نظامی درجه بدرجه مطابق قواعد [illegible] بالاترت [illegible] نمی داد.

جنگ [illegible]

تسخیر آزوف [illegible] وجه تام اهمیت [illegible] روسیه را با طرح خط [illegible] با اروپا مستقیم [illegible] قلعه آزوف در [illegible] در بند مسدود و مشهور بود [illegible] آزوف دیگر بحر سیاه که عثمانیان در قسطنطنیه [illegible] گذرگاه آن را در اختیار خود داشتند [illegible] مسدود جمیع سواحل بحر سیاه در تصرف عثمانیان بود و [illegible] بحر بالتیک [illegible] آنوقت ولایات سوئد و دانمارک بزرگ بود و جنگ بین الملل [illegible] بالتیک [illegible] پطر [illegible] بعد از بحر سیاه [illegible] پس [illegible] سال بعد از آنکه [illegible] عثمانیان را از جانب دریای سیاه [illegible] بالتیک آورد [illegible] سوئد نیز رخنه کند. جنگ در دوران [illegible] شروع شد [illegible] از سال (۱۷۰۰) تا (۱۷۲۱)

دولت سوئد

[illegible] Gustave Adolphe پادشاه سوئد [illegible]

[illegible] قرن [illegible]

۸۳ آرزو داشت در بحر بالتیک دریانوردی داشته باشد یعنی [illegible] تمام سواحل شرقی
[illegible] سوئد در آید و آن دولت تقریباً آنرا [illegible] هم را، سابق خود را برآورده و
بر آن دریا [illegible] مسلط شده بود. در سواحل [illegible] شرقی [illegible] فنلاند و انگری Ingria
و کارلی Carélie که از دولت مسکوی (یعنی روس) [illegible] گرفت [illegible]
و ایالت لیونی Livonie و استونی Estonie را [illegible] از لهستان
Oder [illegible] در رود [illegible] در سواحل جنوبی یعنی در خاک آلمان مصب رود اودر
و استرال‌سوند Stralsund در پومرانی Pomeranie [illegible] و
[illegible] ناحیه اسکانی Scanie یعنی منتهی الیه جنوبی جزیره اسکاندیناوی را
[illegible] در مقابل [illegible] بحر بالتیک را [illegible] میزد [illegible]
[illegible] سیده چند جزیره از قبیل گوتلاند Guttland و دیگر
Dago و اسل Osel از دولت دانمارک گرفت.

اتحاد بر ضد سوئد

[illegible] ایالت و نواحی مذکوره را از دولت داده و [illegible] بوده [illegible]
[illegible] دولت غالب [illegible] گرفته [illegible] زحمت نکشیدند ولی زحمت [illegible]
[illegible] (۱۶۹۹) [illegible]
[illegible] طفل [illegible]
[illegible] انتخاب کند [illegible]
[illegible] فرصت برای [illegible]
[illegible] آن جوان [illegible] از [illegible]
و دیگر [illegible] (۱۷۰۰ - ۱۶۹۰) [illegible]
[illegible] سنه ۱۷۰۰ [illegible]
[illegible] نروا Narva [illegible].

[illegible]

(۱۵۷۱ تا ۱۵۷۰)

آوازه‌اش [illegible] پیچید. بیست ساله بود، جوانی تیزهوش و [illegible] و دلیر و دانا و سلحشور
دیده بود. و با سرعت حرکت و شدت حمله تمام دشمنان را بیچاره کرد. در ماه مه ۱۷۰۰ ناگهان

ناروا Narva

به‌زودی بر سر کپنهاگ آمده و دانمارک را به عقد قرارداد تراوندال Travendal
مجبور کرد. در ماه نوامبر با سپاهی [illegible] ناروا شتافت و با کمتر از ده هزار نفر [illegible]
سی و پنج هزار [illegible] را که [illegible] حمله برد و چون برف [illegible] نیز از طرف او روا
روش [illegible] کرده بود ~~[illegible]~~ چنین بزرگ قوای روس ~~[illegible]~~ را هم شکست
[illegible] ترتیب نظام اروپائی [illegible] در اطراف [illegible] شکست.
اگر شارل بعد از فتح ناروا به روسیه [illegible] می‌آورد [illegible] علم [illegible] آنجا بود

[illegible] فتوحات روس

[illegible] لهستان [illegible] ~~[illegible]~~ در مدت شش سال از ۱۷۰۱ تا
۱۷۰۶ [illegible] پادشاه آن مملکت [illegible] او را از لهستان آواره کرد و [illegible]
Stanislas Leczinski را در (ژوئیه ۱۷۰۴) به جای او سلطنت داد [illegible]
[illegible] لهستان را در [illegible] او [illegible] کرد و او را مجبور
کرد [illegible] را [illegible] لهستان بشناسد (سپتامبر ۱۷۰۶)
[illegible] شکست ناروا [illegible] [illegible] و لشکری
[illegible] شش سال فرصت استفاده کامل کرد.
~~[illegible]~~ [illegible] و چون [illegible] که شارل [illegible] در [illegible] اوقات
~~[illegible]~~ [illegible] و [illegible] ضایع و [illegible] بی‌انقطاع [illegible] او را
~~[illegible]~~ [illegible] ~~[illegible]~~ لهستان [illegible] او را [illegible] و [illegible]
~~[illegible]~~ [illegible] و [illegible] تقویت [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible]
[illegible] قوات [illegible] نظام اجباری را مرسوم کرد و [illegible]
[illegible] رومانیه [illegible] را [illegible] و [illegible]
(۱۷۰۱-۱۷۰۴) [illegible] انگریه [illegible] و [illegible] را [illegible] ساخت

در این اوقات شارل با هراس و جهد بیم تا آخر در صدد فتح چرخ و لهستان بود

و از دشمن بزرگ خود غفلت داشت. پطر در ۱۵ سال ۱۷۰۲ در لادوگا در دهنه

آن رود دشمن گرفته بود نیز در سال بعد رود Neva و متعلقات خلیج فنلاند

را تصرف کرد و ... قلعه کرنشتاد Kronstadt را

بر ساحل ... جدید خود ... پطرزبورگ ...

... و در همین حال ... چون ... کرشارل وارد

... تحکیم ... آن ...

لشکر در ژانویه ۱۷۰۸ شروع شد شارل ... ۳۲ هزار نفر ... بود ...

پطر ... در ... متعهد شد ... شارل ... مشروط

... و انگلیس ... دریا ...

گفت : «در مسکو قرارداد ... خواهیم داد»

... راه ... بعد اعلان نشد ... گفت

نیز ... از ... روس ... راه ... اردو

... و چیزی ... بار ... با آذوقه و

... شارل ... ولایت

منزلگاه ... تفنگ ... شارل ...

Ukraine ... ولایت ... اوکراین

مستقیماً ... به مسکو ... و روس ... حرکت

نهاد ... از ... طایفه قزاق ... مازپا Mazepa ... دعوت کرده بود

و شارل امید داشت ... قزاق را ... مازپا پیش از

سه هزار ... یاری او ... لشکری ... شارل وارد

Dnieper ... Lewenhaupt ... در کنار رود دنیپر

شکست خورده ... (نهم اکتبر ۱۷۰۸) زمستان

... ۱۷۰۹ ... شدت داشت (۱) ...

---

(۱) ... تاریخ ...

لشکر روسیه توسط شروع گردید و برادران نرفتند لشکر سوئد [illegible] تعقیب [illegible] و تمام ۸۶
[illegible] اسباب و قورخانه [illegible] شد
~~[illegible]~~
و در شب ۳ در صحرا ماند بجز چهار هزار نفر که برقسم صف با صفای روز ... و در وقت جدالی
لشکر در اثنای جنگ ... تعداد کوچک پولتاوا Poltava روسیه ... از ۱۹۰۰۰
تن از آن باقی نماند (در ۱۷۰۹) پطر با لشکر زیاد نمود ۷۲ توپ داشت
در روز هشتم ژوئیه ۱۷۰۹ جنگ خونین و صعب در داد ... سرلشکرها ... فوج پیاده را
و ... و جوانان نکرد. لشکر سوئد که ... [illegible] تمام شد به ... تی تی
[illegible] در ... پراکنده و در ... وقت [illegible] به ... دیوار
گشته خود شارل در این جنگ شرکت نداشت چرا که ده روز قبل ... پاشنه پا را
شکسته بود و نمی‌توانست سوار شود [illegible] از این ... [illegible] جمع
... پایان ... [illegible] ... نزدیک ترین سرحدات
[illegible] خاک عثمانی در (بندر) ... شارل پنج سال در آنجا
توقف نمود (۱۷۰۹ - ۱۷۱۴)
گرچه جنگ تاریخ [illegible] داشته است یک ضربت ... شوکت و قدرت
سوئد ... و دیگر ... و روسیه ... دولت اروپایی ... و خطر ...
... اروپا گشت. الفرد رامبو Alfred Rambaud ...
در ... پولتاوا ... در تاریخ ... عمر ... تمام ...

تأثیر جنگ پولتاوا

... نزدیک ... نتایج فتح پولتاوا در یک روز ... خلاف
تحریک شارل ... و ... روسیه اعلان جنگ ...
(نوامبر ۱۷۱۰) پطر ... از ... شد ... تصور می‌کرد ... از
مسیحیان خاک عثمانی ... مولداوی Moldavie
... Pruth ... از

قطع اردو قطع شده بود در چهار لشکری پنج برابر افزون‌تر از ... پطر هلاک و شکست را
در برابر دیده ناگاه کاترین آمده و از فساد اخلاق در توده خواص ترک‌ها استفاده کرد. زن
کاترین هم او را مساعدت کرد. این کاترین ... پرستار اطفال و چندی معترس ...
و دختر آن تیر ... زن پطر شده بود ... دارایی گرد داد ... بود و
الماس و جواهر داشت. شعار داد و ... او نیز هر قدر طلا در اردو بود ...
گرد آورد و ... برای اردوی ترک و وزیر اعظم که مطلق بود تقدیم داشت
لیکن و پیاده بخشش ... هزار روبل وزیر اعظم را بفزاید و آتش جنگ فرو نشست و عهدنامه
معروف به پروت Pruth منعقد شد. بدین ترتیب پطر و لشکریانش از خطر
حتمی رهیدند و بعد آزوف ... باز به سلطان واگذار شد (۲۴ ژوئیه ۱۷۱۱)

انهدام امپراطوری سوئد

پطر قوای خود را با دولت بالتیک متوجه ساخت. گفتیم جنگ با ... متحدین
سنه ۱۷۰۰ ... اول ... به سوی ...
... و ... شدند و ... در ... تیز کردند ... برابر
آلاند Aland را گرفت ... داد. اگرچه دولتی
... و ... دست ... و ... نکرد ... و دست ... نمود
شارل دوازدهم را ... (۱۷۰۹) ... و ... سلطان ... بوده بر او
... و ... Poméranie ... را تصرف داشت.

... تفاصیل شارل دوازدهم از ... بروت ... و ... داشت ...
سلطان را ... جنگ ... وادارد و ... سوئد از او ...
کرد ... جواب ... و ... منقوب
... مورد ... خود ... را اداره کند. در نوامبر
سال ۱۷۱۴ شارل از عثمانی بیرون شد و ... از ... از ... سوئد

در جنوب بالتیک جز قلعه استرال سوند Stralsund چیزی نمانده بود.

و شارل از قلعه ... در بقیه اسپف امپراطوری بزرگ سوئد محروم شده

ترددات نجات بخشیده دفاع کرد. شاه پروس آنرا محاصره کرد و در دسامبر ۱۷۱۵

تسلیم گردانید.

وفات شارل دوازدهم

شارل دوازدهم در ... از کف رفته ... کرد و بسمت ... شده

با دولت ... پیاده شد و ... در ... نروژ را از طرف

دانمارک خارج سازد. اما بعد شروع جنگ در خندق مقابل قلعه فردریک شال Friedrikshall

تقبل رسید (۱۱ دسامبر ۱۷۱۸). خواهرش اولریک الئونور Ulrique-Eléonore

... سلطنت یافت ... با پروس و دانمارک عهد ... و ... را ...

... و ... گرفته بجا داد ... و بعد از چندی در سنه ۱۷۲۱ در ...

... دولت سوئد ... توسط ... دولت ... عهد نامه نیشتاد

Nystadt را ... منعقد ساخت ... و ... ولایات

... را ... واگذار نمود. (۳۰ اوت ۱۷۲۱)

... جنگ ۲۱ ساله ... پطر ... و ... بیش از آنکه ...

... اول ... بسمت دریای بالتیک ...

... بطرف جنوب ... کرد ...

سفر پطر

... اشتغال داشت ...

... Azof ... تسخیر ...

... رفع نقایص ...

... : ۲۲ ...

Mikhailovitch ... ۱۶۹۷ ... پطر میخائیلوویچ

[illegible]

پس از آنکه آلمان را سیاحت نمود [illegible] ماه [illegible] مدت [illegible] هشت روز

در ساردام Saardam توقف کرد کشتی [illegible]

در [illegible] مدت [illegible] ماهی [illegible] اروپا [illegible] نوشته [illegible]

[illegible] دریانوردی [illegible] شروع [illegible] چوب [illegible] کارخانه های

کشتی سازی دولت [illegible] که [illegible] از طرف [illegible] طریق عمل در ساختن کشتی

داشت [illegible] انگلستان سفر کرد و سه ماه توقف نمود و چون [illegible] بنادر [illegible] اورا

از [illegible] منع کرده [illegible] و [illegible] دربار [illegible]

و جائیکه سن سیمون Saint-Simon بعد از سفر ۱۷۱۷ [illegible] پاریس

نوشته است حس کنجکاوی او [illegible] و از [illegible] روگردان نبود

و در هر موضوعی [illegible] ملاحظه عمل میکرد [illegible] با [illegible] سن [illegible]

کارخانه های [illegible] و کارگاه های صنعتی و موزه ها و مجموعه های آثار علمی سرکشی میکرد.

~~بعنوان [illegible] کارخانه [illegible]~~

بعنوان [illegible] در [illegible] کارخانه [illegible] کارگر در کارخانه [illegible] شغل

خدمت میشد [illegible] ابزار و ادوات صنعتی و [illegible] نقشه کشی و ماشین آلات

مختلف وغیره [illegible] و از [illegible] کارگاه [illegible] میشد [illegible]

در ضمن [illegible] با [illegible] خود [illegible] داشت [illegible] چندین [illegible]

معمار و [illegible] و [illegible] طب و [illegible] حتی [illegible]

[illegible] مختلف [illegible] اقدام نمود [illegible] لازم [illegible] در [illegible]

کرد [illegible] نفر [illegible] در واقع [illegible] معمول [illegible] آداب و [illegible]

[illegible] جدید [illegible] از [illegible] اقدام [illegible] تعلیم [illegible]

[illegible]

عظیم [illegible] از سعی درجه ان مختلف بوده بود.

و در همین سفر پطر در ژانویه سال ۱۷۱۶ [illegible] شروع کرد [illegible] و

دو ماه [illegible] با سیاحت [illegible] در [illegible] اقامت گزید ([illegible] ۱۷۱۷). چون در این

اوقات پطر [illegible] داشت [illegible] و [illegible] بیشتر [illegible] (اتباع) [illegible]

[illegible] شد [illegible] ایالت [illegible] عهدنامه [illegible] در حدود [illegible]

[illegible] استرداد

[illegible] گشت ([illegible] ۱۷۱۷) در [illegible] اثنای [illegible] قرار داد پطر [illegible]

[illegible] و تغییرات پطر

[illegible] و [illegible] تجارت و [illegible] و [illegible]

تجارت [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible]

تبدیل روسیه

پطر کبیر اقدامات [illegible] تغییر اوضاع [illegible] تبدیل روسیه [illegible]

[illegible] تبدیلات [illegible] اقدامات [illegible] و ترتیب

[illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] و [illegible] با [illegible] اتفاق

[illegible] و [illegible]

[illegible] اقدامات پطر را [illegible] جمع کرد.

[illegible] پطر [illegible] تغییر رسم [illegible] روسی [illegible]

[illegible] ([illegible]) [illegible]

[illegible] که [illegible]

~~[illegible]~~ [illegible] ۱۶۹۹ [illegible]

[illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] مدت [illegible]

روسیه [illegible] قرار [illegible] صبر کرد

[illegible]

[illegible] انقلاب [illegible] روسیه [illegible] سلطنت پطر [illegible] تاریخ [illegible] ~~[illegible]~~

[illegible]

از سنه ۱۷۰۵ بعد سلطنت ... [illegible] در دروازه‌های شهر [illegible] داروغه و عادت لحیه

ریش و لباس ... را کوتاه ... و [illegible] را با قوانین مفصل اروپایی می‌پوشیدند. با بر ق ر

حب ... ممنوع شد ... [illegible] ... ؟ [illegible] معاشرت کنند (۱۷۱۸)

هر کس در حضور ... خلاف رسوم جدیده رفتار بکند ... [illegible] ... و تحقیق ...

[illegible] چوب بزند ... [illegible] ... که ... مقداری ... عرق

بنوشند ... [illegible] ... و ... [illegible] ... هلاک بیافت.

اقدامات و تعقیب از قبیل تشویق زراعت [illegible] ... و ... صنایع

و ... [illegible] ... و تأسیس [illegible] ترتیب ... کارخانه ... و حفر جداول ... و ...

برای ... [illegible] ... ترتیب روسیه ... و ... و تجارت ...

ترقی نهاد ... [illegible] ... از این اقدامات را در کار جنگ و سیاست ... [illegible]

... در امور تعلیمات ... [illegible] ... داشت ... [illegible] ... و ...

[illegible] ... آن ... [illegible] ... مدارس ... جنب

... مدرسه ... و مدرسه ... تأسیس شد ... مدارس ... [illegible]

... [illegible] ... از ... [illegible] ... و بعضی از ...

... حق الطایف ... [illegible]

... [illegible] ... در اروپایی ... [illegible] ... مقصود ... آن بود

... [illegible] ... نظیر ... [illegible] ... و ... قدرت و نفوذ ...

... [illegible] ... تا عصر حاضر

... [illegible] ... ۱۹۱۷ ... [illegible] ...

... [illegible] ... از انقراض ... است.

Saint-Synode

[illegible]

موسسات سیاسی
و اداری
و
مذهبی

[illegible] حکومت [illegible] و ترکیب

پطر حکومت مرکزی و حکومت ایالات و ولایات را [illegible]

بود از سنا که در حقیقت مرکز شورای دولتی داشت و وظیفه او مطالعه امور و تهیه [illegible]

و تهیه تصمیمات لازم بود و در غیاب تزار ~~[illegible]~~ [illegible] امور [illegible]

بعد از سنا ده کلژ Collèges یا کلژیا [illegible] در وزارت خانه‌های معمول دولتی [illegible]

حکومت ایالات [illegible] بوحدت دیگر سپرده میشد در زمان پطر [illegible] ایالات تقسیم گردید

در هر یک [illegible] وحدت [illegible] تقسیم [illegible] عمال [illegible]

حکومت مرکزی میشد.

پطر [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] در دوره [illegible] سلطنه [illegible] تا از [illegible]

[illegible] وحدت [illegible] از وحدت [illegible] میکرد [illegible]

در ترقی و [illegible] از [illegible] بالعکس [illegible] تزار [illegible]

~~[illegible]~~ سمت [illegible]

~~[illegible]~~ و نیز [illegible] و [illegible] عمال را [illegible] از [illegible]

یا [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] کنند

[illegible] را [illegible] ((حکومتی)) ~~[illegible]~~ میگفته.

[illegible] حکومت [illegible] و تشبیه [illegible] و [illegible] [illegible]

[illegible] تغییر داد [illegible]

از [illegible] تحقیق و تفتیش [illegible]

[illegible] سلطنه روسیه [illegible]

[illegible] روسیه با [illegible] بزرگ بوده از جانب [illegible]

کشیش [illegible] پطر [illegible] را حذف [illegible] آن [illegible]

~~[illegible]~~ Saint-Synode سن سینود [illegible] از [illegible]

مستقر [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] از ~~[illegible]~~ جانب [illegible] در آن [illegible]

[illegible]

~~[illegible]~~

این طریق پطر [illegible] نوین را هم در مقابل [illegible] نفوذ داشته [illegible] و سید الوزرا [illegible] ادارهٔ
کلیسای پطر اقدام با انقلاب مذهبی شبیه اقدام آنری هشتم در انگلستان (۱) و به عنوان
مذهبی [illegible] در [illegible] معروف [illegible] در ۱۷۲۱ [illegible] پطر [illegible]
جانشینان او [illegible] مذهبی روسیه را عهده دار شدند.

قوای بری و بحری

قشون روسیه تدریجاً [illegible] تغییر [illegible] و [illegible] آلمان [illegible] تربیت شد
در آخر سلطنت پطر [illegible] قزاق ها [illegible]
گردان [illegible] هزار نفر ~~Regiment~~ پیاده [illegible] فوج
تقسیم می شد و [illegible] هزار [illegible] فوج
توزیع میگردید. [illegible] بحری [illegible] کشتی های
کوچک و بزرگ [illegible] در دریای بالتیک [illegible] متجاوز از هزار
می شمردند. [illegible]
[illegible] صنایع [illegible] میگردید. [illegible] پطر [illegible] روسی [illegible]
[illegible] کشتی [illegible] دریا [illegible] داشت.

ساختمان پطرزبورگ

یادگارهای [illegible] شهر سن پطرزبورگ است [illegible] حکایت از عزم [illegible]
[illegible] و [illegible] ایالات [illegible] دریای [illegible]
و [illegible] است از [illegible] پطر کبیر. [illegible]
[illegible] پطر [illegible] شهر [illegible] در [illegible] و [illegible] اروپا و [illegible] اراضی [illegible]
[illegible] پطر [illegible] و [illegible] شب [illegible]
رود [illegible] Neva در [illegible] در آن [illegible] و اطراف [illegible]
[illegible] و اراضی [illegible] چیز را [illegible]

[illegible]

[illegible] کارگران حتی ابزار و وسایل خود هم نداشتند [illegible]
[illegible] با چوب زمین را می‌کندند و با چنگ [illegible] را [illegible]
[illegible] و در دامن [illegible] می‌ریختند [illegible]
[illegible] غذا [illegible] [illegible] [illegible] گذار [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] آنها [illegible] داشتند.
[illegible] در سال ۱۷۰۳ شروع شد [illegible] و تا روز مرگ پطر کبیر دوام داشت [illegible]
[illegible] ((بروم [illegible])) از خاک برآمد. [illegible]
[illegible]
ولی [illegible] بلند [illegible].
آنچه [illegible] گذشت در زمان [illegible] پطر بزرگ [illegible] از سنگ
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] سنگ [illegible] آورده [illegible]
[illegible] [illegible] دستور داده [illegible] با حقوق سنگین [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
کار آورد [illegible] [illegible] خطر [illegible] [illegible]. اگر [illegible]
در مدت سلطنت پطر جز [illegible] پطر بزرگ [illegible] [illegible]
[illegible] سزاوار لقب کبیر [illegible] روسیه [illegible]
[illegible] [illegible] داد.
[illegible] پطر [illegible] [illegible] در مقابل [illegible]
پطر کبیر در مقابل [illegible] تفاوت [illegible] [illegible]
[illegible] سزاوار لقب ((پطر [illegible])) می‌شد.

تفاوت [illegible]
[illegible] Strelta[illegible]

در اواخر پطر کبیر راجع به ترک عادات قدیم و اخلاق مردم ... شاید کهنه‌پرستی روسها گردن آنها

ستمگرانه خود بر سینه و پای آن رعیت هیچ چیز را مقدس نمی‌شمارد و بدعه ... قرن‌ها گرفتار بوده

دینی و اعتقادات و عادات ... مالک مقدسه روسی بود در چشم او ارزش و مقامی ندارد؟!

لذا آن رعیت که سال‌ها بزرگ شده در دریای کثیف مراد خود ... خوراک روزانه صرف می‌کرده!

آیا رسمه ... [illegible] است از آنها است یا در قبال است؟

در ۱۶۹۷ که پطر کبیر به سیاحت اروپا رفته بود طایفه استرلتسی در از

نگهبانی انواع جدیده و نظامات مقرره رضایت نداشتند و گویا صوفیه خواهر پطر هم

ایشان را تحریک می‌کرد سر طغیان برداشتند. چون پطر بازگشت هر چند مدتها از فرونشستن

آتش عصیان گذشته بود معذلک دست به کشتار و انتقام قوم استرلتسی برآورد

چهارده سیاستگاه دایر شد و با لنتها از آن طایفه انواع شکنجه و عذاب‌های جانگداز

گرفتار گشتند آنگاه ... فرمان داد هر کدام را در میدان سرخ مسکو سر ببرید

و خود نیز ... چند سر از تن جدا نمود و مقربین درگاه را ... جبراً وادار داشت هم

این عمل زشت عادت کنند ... بسیاری از آن قوم را در زیر پنجره‌های صومعه

در صومعه ... [illegible] آویختند ... تقریباً استرلتسی ... گرد

دار جزء ... هزار هزار از آنها بعدها ... در سال‌ها

و اجساد از دار آویخته ماند. خشم آن را بنا نهاد. ... زنان

در زمان ... از مسکو خارج نمودند و در شهر ... [illegible]

... بدبختانه ...

پطر و پسرش

بر ... [illegible] ... صورت ... گفته پسر شاه روس امید

در بر ... ولیعهد پطر ... الکسیس Alexis ... تحت

و تبعه ... دیگر ... به سبب ... [illegible]

ولیعهد دولت و بای جلال بیش از اندازه تاب مخالفت آنرا از دست بداد و جوانی
جنگ طلب داشت خواهر شد و سن پطرزبورگ در قبول داد. خود خواهر رفت و آثار
کشته و کردن پسر عضب که بعد در سال ۱۷۱۵ باز نوشت که ولیعهد
حقوق و وراثت بجای [illegible] همه در عین محروم کرد که داده و درحق
تر و مستقل فرش است خود را مستعفی و برای مملکت مفید سازی و گرنه
~~[illegible]~~ از وراثت تاج و تخت محروم خواهی شد.»
در ۱۷۱۱ م الکسیس بن جنت دختر پسر بعد ۱۷۱۶ ای [illegible] مرز دوری باشی
دو دوره از صنایع شهر آورده . الکسیس فرار کرد و با امپراطور شارل ششم با پناه گشت
[illegible] دو ماه در ناپل و در وسینه و سکو در حبس داده (ژانویه ۱۷۱۸) پطر
پدرانه که وی را مجبور ساخت که از وراثت تاج و تخت استعفا بدهد ~~[illegible]~~ در سن پطرزبورگ
~~[illegible]~~
ملکه ها که تکفیر داده و دارائی که ازو کرده و بعد و لیس متعلق و مدارک مملکت
اورا بارها با طاعت جانی و گریز کرد ~~[illegible]~~ و ~~[illegible]~~ از نوشته ابتدام
~~[illegible]~~ و در صحه ها ساخته ~~[illegible]~~ متهم ~~[illegible]~~ و محکوم با اعدام ساخته.
الکسیس در ~~[illegible]~~ قصد مجبور شد و در وقت که روز بیش جلوم در ~~[illegible]~~
و در اورا شکنجه کرده و عادت مسئول بابو ادبیات ~~[illegible]~~
~~[illegible]~~
روز آن شکنجه بردم به کوشت Knout در آن روز بعد از آن رب
در گذشت ... داد. (۲۸ ژوئن ۱۷۱۸) پس فردای آن روز جشن
روزگار [illegible] آن از روی جواز زنگ گرفته شد و با ~~[illegible]~~ پیروزی
منچیکف و دیگر اولیاء حضرت ... پطر برای جشن کارخانه و ساده‌ها و تفریح اهل

[illegible]

نتایج

آمدن شکوه شهر کوچک و تیره و دار و [illegible] و ادب و هنر در دست پطر کبیر
و اسباب ترقی و تعالی روسیه کوچک میشد. فردریک اول درست میگوید که
پطر در دوران زمامداری خود ملت تأثیر را کرده است در حقیقت آب در آهن [illegible] لاکن
ولی تأثیر از لحاظ سیاست بسیار عمیق بود روسیه [illegible] (در آخر عهد) پطر در ردیف دول معظم
اروپا [illegible] قرار گرفت. اما تأثیر اقداماتی در [illegible] تمدن اروپائی
تمدن روسیه کرد بالعکس جنبه عمقی پیدا [illegible] ننمود [illegible] صورت ظاهر تغییر یافت
و تصویری سطحی از تمدن نمایان گشت لکن بنا بر قول کوچک و دیگر سفیر انگلیس
در دربار قشر نازک برای وقت و عادات هشت سال سابق برقرار ماند قبل ریشه
عادات کهنه مبدل گشت آن [illegible] روسی جدید ملت مسکوی [illegible] بود.

جانشینان پطر

پطر در ۲۸ ژانویه ۱۷۲۵ در سن پنجاه و سه سالگی رخت از دنیا بربست وفات
یافت وعلت [illegible] مرض آن بود در دریای زمستانی برای کمک در نجات قایقی
در شرف غرق بود خود را به آب افکند.
پطر کبیر برای اینکه مبادا پسر فرزند مقتولش الکسیس وارث سلطنت بشود در سال
۱۷۲۲ اصول و رسوم مربوط به [illegible] وراثت تاج و تخت را ملغی کرده اعلام کرد که
تعیین ولیعهد بعهده خود تزار است و در این انتخاب تاج و تخت [illegible] سابقه دودمانی
منظور نبود. لکن مرگ ناگهان او مهلت تعیین جانشین خود را نداد [illegible] که زنش کاترین جلوس
منچیکف Menchikof در ساعت [illegible] کاترین رخت شوی خانه او بود [illegible]
از افراد [illegible] قراولان خاصه سردار [illegible] دسته [illegible] آنها امپراطریس یا ملکه
روسیه شد. تا سال ۱۷۶۲ تقریباً هر وقت تغییری در سلطنت رخ میداد بهمین روش بود
و تا ۳۷ سال قانون جانشینی تزار و وراثت [illegible] تخت و تاج عبارت بود از زور و رشوه.

[illegible]

~~[illegible]~~

در دوره صفویه در حال که یکی از سوژه‌های ... روسیه چه درست گفته است که:

«در دنیا ... کسی است که ... یا ... یا ... ابدی ... دارد»

در دوره زندگی کاترین اول ... بعد از او تاج سلطنت به پسر الکسیس ... به پطر دوم رسید (۱۷۲۷ ـ ۱۷۳۰) در دوازده سال ... و

... نچکیف ... آن ... معضوب و ... تبعید گردید

و پطر دوم در سن ۱۵ ... جهان را بدرود گفت. پس از آن کی ...؟

... پطر ... تخت ... را به یکی از اعقاب ایوان

Ivan ... دارند.

~~[illegible]~~

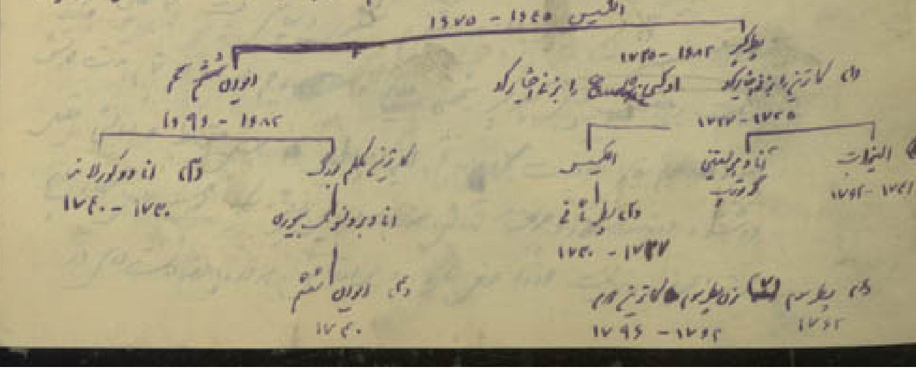
دختر ایوان ... آن Anna ... دوشس دو کورلاند Courland ... از

از ۱۷۳۰ تا ۱۷۴۰ ... ایوان ششم ... از ۱۷۴۰

تا ۱۷۴۱ ... سلطنت ... دوازده ماه ... ایوان ... (۱)

---

(۱) ... روسیه ... سلطنت ... ترتیب ... پطر ...



[illegible]

۹

آنا Anna ۱۷۴۰–۱۷۳۰ که در روسیه از تقدیرات سلطنت نیم قرن از مرگ پتر کبیر گذرانید
[illegible] را آنکه خود از لقب امپراطوری [illegible] و مساعد آن مرد [illegible] بیرون
از آن در سابقاً مهتر اصطبل ~~[illegible]~~ و بعد منصب معتبر در دربار و حرم [illegible] Biren
آنان و [illegible] از امرای آلمانی در اطراف خود آورده [illegible] و در شغل [illegible] را بجز دیوان
آنها بیش اختصاص داده بود . نفوذ آلمانها باعث [illegible] دولتی روسیه را
همه سلطه آلمانها [illegible] و رسوم و آداب آلمانی در آن به [illegible] در روسیه
سخت جایگیر و [illegible] شد .

(۱۷۴۲–۱۷۴۱)

آنان [illegible] اتباع آلمان [illegible] روسها [illegible] و دو شورش (و [illegible])
پطر کبیر و کاترین را به نام الیزابت [illegible] تخت نشانید الیزابت در سال [illegible]
قبل [illegible] داشت [illegible] با ... [illegible] برقابت و [illegible] معاشرت میکرد و [illegible]
شرب و عیش [illegible] ~~[illegible]~~ و از او [illegible] روس حقیقی بگیرد
بود [illegible] مساعد الیزابت [illegible] بر سریر سلطنت [illegible] اعتراف [illegible]
[illegible] بار [illegible] از [illegible] در [illegible] رفت و خود را
[illegible] تقسیم [illegible] توزیع [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] آنان [illegible] سلطنت [illegible] [illegible] [illegible] کرده
الیزابت [illegible] پطر کبیر شخص [illegible] و [illegible] بود و در تمام مدت [illegible]
[illegible] امپراطوری [illegible] و دانش [illegible]
[illegible] امپراطوری ~~[illegible]~~ [illegible]
دوست و [illegible] ~~[illegible]~~ آرایش صورت [illegible] خود [illegible] گردید [illegible] چهار [illegible]
مرتبه جامه [illegible] خود را [illegible] و [illegible] [illegible] دست [illegible] در

الیزابت
Elizabeth

(۱۷۶۲ – ۱۷۴۱)

... پطر بفرانسه رفته بود قول داده الیزابت را بحباله نکاح

لوئی پانزدهم درآورند . در زمان [illegible] فرانسه [illegible] دو دست [illegible]

لوئی را تزویج درآورد و کاترین اول هم درگذشت . [illegible] فرانسه [illegible]

دختر پطر را یکی از شاهزادگان درجه اول فرانسه بدهد به دوک دو شارتر Chartres

[illegible] . اما چون فرانسویان از سابقه [illegible] کاترین اول

[illegible] نبود . الیزابت نظر باین پیشنهاد [illegible]

[illegible] شده و [illegible] داشته و بالاخره بتاج پطر [illegible] و چون تمام امور [illegible]

شد (از ۶ دسامبر ۱۷۴۱ – ۵ ژانویه ۱۷۶۲) نفوذ فرانسه بکلی [illegible]

انگلیس در روسیه مستقر گردید . و در پطرزبورگ و مسکو زبان فرانسه رواج

رواج کامل [illegible] آمد . [illegible] اگرچه [illegible] شخصی [illegible]

[illegible] سیاست روسیه [illegible] و روسها در امور خارجه

[illegible] در جنگ هفت ساله کاملا

[illegible] دیگر [illegible]

الیزابت [illegible] را [illegible] [illegible] که [illegible] داشت

[illegible] هولشتاین گوتورپ Holstein-Gottorp نام داشت و از

[illegible] آن بود . [illegible] پطر [illegible] دام [illegible]

بسبب [illegible] از تزار امپراطوری روسیه [illegible] و [illegible] روسها را [illegible]

[illegible] و فردریک دوم را ستایش می‌کرد و [illegible]

در فردریک در جنگ [illegible] ~~[illegible] نقشه~~ [illegible]

[illegible] میان پطر روسیه و فردریک [illegible] درست [illegible] نقشه جنگ روسها را [illegible]

امپراطوری چون ازین وقایع آگاه شد پطر را از حضور در جلسات شورای نظامی منع نمود

چون وقت امپراطوری پطر سوم رسید کشتی کاراول مع ... فردریک و وا گذاشتن ...

~~[illegible]~~ صلح روسیه بعد از ... ساز ... که مطابق نظام پروسی ترتیب و تنظیم ...

... کاشت

تصویر کاترین دوم Catherine II

پطر سوم شوهر ... بود که زنی داشت بنام کاترین Catherine در ... و ... عدم ... ~~[illegible]~~ ... پطر او را ... داشت

... دخالت کند ... و به تصور خیال ... و ... که

... کاترین ... خود ... و ... او ... داد و ...

... سخت ... ~~[illegible]~~ ... از ... که

... مشابهت دارد». کاترین ... از ... ~~[illegible]~~ ... بالاخره

به ... Orloff ... روز ۹ ژوئیه ۱۷۶۲ مع ...

... پطر ... از قصر ... ~~[illegible]~~ ... را

حرکت داد و ... خود را امپراطریس خواند.

پطر ... ~~[illegible]~~ ... و ...

... نشسته ... پطر ...

... امپراطریس ... و ...

... امپراطریس ... قراول گفت: امپراطوری ... پطر ...

... کاترین ... سلطنت روسیه را ... که کاترین ... داد ... پطر ...

... شش روز بعد ... ~~[illegible]~~ ... و ...

... کاترین ... امپراطریس ...

~~کاترین دوم ... ۳۴ سال ...~~

کاترین دوم

کاترین دوم در سی و سه سالگی پادشاهی روسیه را یافت و سی و سه سال سلطنت راند (۹ ژوئیه ۱۷۶۲ – ۱۷ نوامبر ۱۷۹۶) بعد از رشادت و [illegible] دوستی جلال و حرص و جاه‌طلبی داشت. [illegible] در اطرافش ... جان داشت و کاترین زن دلیری بود [illegible] سلطنت نهاد و بسیار بلند همت بود. در جمع شاه ... سلطنت را [illegible] ... میکرد ... [illegible] خود را مقتدر داشته ... بعد از ... روس گفت: ... [illegible] شد ... زن آلمانی ... تمام ... روسیه روسی‌تر بود.

کاترین [illegible] روز ... [illegible] ... زن ... [illegible]
صبح زود از خواب بیدار گشته ... و روشن ... به وقت ... (در ... بود)
دو ... روسیه [illegible] ... و ... [illegible].
در ... و ... کار میکرد ... [illegible] در ... [illegible]
داشته ... کاترین ...
کافیه داشت ... Mlle Cardel ... اولاً ...
[illegible] ... [illegible]
عاشق بود ... [illegible] ... ماری ...
[illegible] Joseph II ژوزف دوم و Marie Thérèse [illegible]
کار ... روز پانزده ساعت کار میکرد و در تمام ... [illegible]
... [illegible] ... روسیه ... [illegible]
... [illegible] ... نظیر ... [illegible]
در خوشی ... و رفتار ... [illegible] ... داشت ... [illegible]
و [illegible] ... حفظ ... [illegible] ... میکرد. ... [illegible]

[illegible]

دختر در مقابل مطیع‌ترین آلات و محکم‌ترین سنگ‌ها [illegible] جاه ثابت و امیدی که [illegible]
که اتباع مردد بودند [illegible] دیر و معتقد باشند [illegible] فتح و فیروزی میکرد.

کاترین [illegible] بزرگان [illegible] در نوشتن کارهای خود مهارت داشت [illegible] بیشتر از همه آنکه
همت، قدرت و [illegible] بود و در رفتار [illegible] زیرکی [illegible] بیشتر سازد [illegible] با رونق حال

(در حاشیه: [illegible])

مرتبا با ولتر Voltaire مکاتبه بود (۱۶۹۴ - ۱۷۷۸) و از این فیلسوف معروف
تمجید فراوان میکرد و قیمت رساله‌ها [illegible] او را [illegible] مصارف او را پرداخت.
و چون [illegible] خبر یافت که دیدرو Diderot از نویسندگان فرانسه تنگدست شده است
بعض [illegible] مدت [illegible] کتابخانه او را خریداری کرد و شرط [illegible] کتب نزد او باشد و دیدرو
کتابدار مستحفظ آن باشد و از طرف امپراطوریه [illegible] که سالیانه [illegible] دریافت میدارد. و دالامبر
D'Alembert فیلسوف فرانسوی را نیز [illegible] مربی برای پسرش پول اول Paul Ier [illegible] دعوت کرد
و باین وسیله تمام فلاسفه فرانسه را در آن وقت مجذوب نشر شهرت و تبلیغات محبوب
ساخته و طرفدار خویش ساخت. و واقعا فلاسفه مزبور نیز [illegible] از کاترین را
[illegible] و ستایش [illegible] ولقب [illegible].

کاترین در سالهای اول سلطنت خود (۱۷۶۲) [illegible] پس از مرگ [illegible]
نماینده جمیع طبقات و اصناف روسیه فراهم آورد و تشکیل این مجلس را اهمیت [illegible]
در عالم مشهور [illegible] دستورالعمل [illegible] تهیه قانون مبتنی بر اصول آزادی و حریت‌خواهی
و مساوات اجتماعی بود [illegible] فلاسفه و [illegible] مؤلفین دایرة المعارف فرانسه مقتبس و ناشر
آن مذهب [illegible]. کاترین [illegible] مقدمه این قانون نوشته بود [illegible] دستورها در مطالب
مأخوذ از کلمات [illegible] منتسکیو Montesquieu فرانسوی و بکاریا Beccaria
[illegible] نوشته بود [illegible] برای سلطان [illegible]
[illegible] نفوذ [illegible] معنی [illegible] قانون [illegible]
که سلطان برای خدمت [illegible] است [illegible] مساوات [illegible] آزادی [illegible]

[illegible] [redacted] حدود ۱۱

در این عبارت [redacted] [illegible] گفت: [illegible] حکومت [redacted] [illegible]

[illegible] در [illegible] و دستور [illegible] کاترین منسوخ شد.

[illegible] دستور [redacted] ایراد [illegible] را در [illegible] قرائت

[illegible] [illegible] از [illegible] [redacted] آن انجمن [illegible] جلسه

[illegible] از [illegible] [redacted] . [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] تغییر داد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] گرفت. [illegible]

[redacted] انجمن [illegible] [illegible] را [illegible] [illegible] [redacted] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] و جمع [illegible] [illegible] [redacted] [illegible] و [illegible] دائرة المعارف [illegible]

Semiramis [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] کاترین [illegible] [redacted] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بزرگوار [illegible] [illegible].

[illegible] [illegible] بخش [illegible] [illegible] [illegible] به [illegible] شد

آنها در [illegible] عهد سلطنت کاترین [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] — [illegible] Pougatchef

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [redacted] [illegible] [illegible]

[illegible] مردم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [redacted] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [redacted] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [redacted] [illegible] کاترین [illegible] [illegible]

[redacted] [illegible] [illegible] [redacted]

[illegible] [illegible] در ۱۷۹۶ [redacted] [illegible] [illegible]

«[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]» [redacted] [illegible]

[illegible] [illegible] ۱۷۷۱ [redacted] ۱۷۷۴ [redacted] [illegible] [illegible] [illegible] را

[redacted] و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] Muzik [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [redacted] پوگاچف Pougatchef [illegible] [redacted] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [redacted] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

پوگاچف از ناحیه اورال طلوع کرد و در اطراف رود ولگا قریب یکسال

با سپاه روس مقاومت کرد. رعیت آن نواحی با او یار شدند و عده او رو بفزونی گذاشت

پوگاچف قسمتی از قوای دولت را مغلوب ساخت و شهر قازان Kazan را تصرف

شهر را به غارت داد و ملاکین را به دار آویخت و در همه جا گفت حکومت [illegible] تأسیس کند

در [illegible] وقت گفت که پطر سوم [illegible] باز [illegible] کرد. بعد از

پوگاچف [illegible] [illegible] رعیت عده او رو بفزونی گذاشت. عاقبت پوگاچف

پوگاچف را به خیانت [illegible] دادند [illegible] قیام کرد [illegible] قیام [illegible]

با همین حالت [illegible] [illegible] [illegible] رهانید.

حکومت وحشت — بهترین کار کاترین تسخیر اراضی کشور عثمانی بود. [illegible]

[illegible] [illegible] تعیین کرد [illegible] [illegible] [illegible] برقرار نمود.

[illegible] در روسیه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

کاترین [illegible] برقرار [illegible] [illegible] کرد و [illegible] (۱۷۷۵)

کاترین در مورد [illegible] [illegible] اصول [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] نبود و [illegible] از طبقات مردم [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] آزاد [illegible] [illegible] [illegible] داشتند [illegible]

[illegible] تعیین شد.

دستکار — در کارهای [illegible] کاترین [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

کاترین نیز [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] Volga و Ukraine [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] کاترین [illegible] [illegible] مردم [illegible] داشتند

و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

تخلیه دولت عثمانی گردید . وارد خاک روسیه همه تا کرانه‌های دانوب و ۲۱۵ هزار و
اسباب داوود کشت ورنج ها یافتند . پیروزی در سال توقف قرارداد عهدنامه صلح
آشکار شد . در سال اول ورود کمک فوج رویداد . در عوض آنها را تامین که از
دولت دریافت می‌کنند این ترتیب قرار . دولت عثمانی در جنوب روسیه آغاز شد
مدیر امور مربوط به جهان دولت . پوتمکین Potemkin . دارا داشت
دراز [illegible] لامع و همراهان کاترین محبوب شد و بعد از پوتمکین مقربان در
لامع ملکه است رسمیت یافته و از اشغال رهی [illegible] ۱۱۵ [illegible] شد چنانکه در دربار
مورد نوازش زنان [illegible] مقرب و محبوب بود . [illegible] امور گشته .
پوتمکین که از [illegible] دوره‌ای غیب بعد در موقع طلوع
را قضیه ۱۷۶۲ در فوج گارد [illegible] در صحنه [illegible] داشت . کاترین
او را ابتدا به مرتبه کنت (پس پرنس) رسانید و در امور [illegible] مختار . افکار
پوتمکین مشغول [illegible] بود که [illegible] و قوه
ابتکار و اختراع [illegible] داشت . پوتمکین قدرت خود را Kherson تا
در کنار رود دنیپر Denieper و بندر سباستوپول Sebastopol تا
در شبه جزیره کریمه Crimée بنا نهاد و قدرت پوتمکین [illegible]
[illegible] اراضی جنوبی روسیه دولت [illegible] وجود او در سال
۱۷۹۱ وفات یافت . [illegible]

سیاست خارجی

ارجیت وعظ [illegible] سلطنت کاترین در سیاست خارجی [illegible] کاترین تابعیت
[illegible] بر آن [illegible] روسیه را بار دیگر [illegible] نزدیک که
[illegible] دولت [illegible] روسیه در اروپا جای [illegible]

[illegible]

۱۰۷ از سایر رودخانه و ملک را از [illegible] جنوب بریل مرزانه داد جان معروف [illegible]
[illegible] در عقبه بر سوئد [illegible] را دارای «صوفانه» [illegible]
در زمان کاترین دوم [illegible] روسیه دارای «صوفانه» دیگر شد و بر اثر تجزیه دولت
لهستان در [illegible] پروس و اطریش و روس تقسیم گردید (۱۷۷۲ - ۱۷۹۵)
کاملاً به اروپای مرکزی ارتباط و اتصال یافت

آن در مقابل اقدامات کاترین دولت عثمانی در صورت [illegible] تجهیز [illegible]
[illegible] عثمانی از آن [illegible] لهستان تجزیه گردید و در [illegible] انگلیس [illegible]
[illegible] به ضرر او بر شد. [illegible] چراکه حال [illegible] از [illegible]
ترکیه و توسعه روسی [illegible] با اتفاق [illegible] در آمد. [illegible] کاترین
و جنگ [illegible] با عثمانی کرد یکی (از سال ۱۷۶۸ تا ۱۷۷۴) و دیگر از (۱۷۸۷ تا
۱۷۹۲) [illegible] دولت [illegible] هر [illegible] که آن [illegible]
[illegible] Dniepr [illegible]
[illegible] مشرق [illegible]
کاترین در سن ۶۷ سالگی [illegible] ۱۲ نوامبر
۱۷۹۶ [illegible] بناپارت فتح [illegible] Arcol [illegible]
سلطنت [illegible] روسیه از [illegible] سمت مغرب و جنوب [illegible] اراضی وسیعه [illegible] که [illegible]
وسعت آن به [illegible] و جمعیتش [illegible] قریب [illegible] ملیون بود.

[illegible]

255 p.

[illegible]

فصل چهارم

دول پروس در قرن هیجدهم (قرن ۱۸ میلادی)

منتخب بزرگ

فردریک گیوم اول و فردریک دوم

دولت پروس در صف دول معظم یا از دول درجه اول [illegible] ورود روسیه در ردیف

[illegible] ملل قویه اروپا در تاریخ قرن هیجدهم بتحقیق درجه اهمیت را حائز است

پروس مملکتی است [illegible] طبیعت محدود و منفور از زراعت [illegible] نتیجه خیال

دوراندیشی یا از خانواده [illegible] سیاست که قوت عزم و تدبیر [illegible] تحت قرار خویش

آن اندیشه را از قوه بفعل رسانیدند و مملکت پروس را ایجاد کردند. رؤسای این خانواده [illegible]

برای زولرن Hohenzollern مثل سعد [illegible] سلاطین کاپه [illegible]

Capetiens فرانسه هم [illegible] [illegible] ملک [illegible] از آنها [illegible]

[illegible] کار [illegible] خود را [illegible] کرد و نقشه پیشینیان را اجرا [illegible] تا ایجاد

خانواده بوهن زولرن مقصود و منظور دائمی داشتند و بعد انقطاع در وصول به [illegible] گرشته

[illegible] مقصود عبارت بود از توحید ایالات متفرقه [illegible] در [illegible] دولت [illegible]

[illegible] Clèves و [illegible] براندبورگ Brandebourg و [illegible] پروس [illegible]

در [illegible] ملکت وسیع آلمان از سواحل رود رن تا [illegible] و [illegible] و از کوهستان

مرکز اروپا تا [illegible] سواحل دریای بالتیک متفرق بود. اقدامات خانواده

بوهن زولرن در توحید [illegible] ولایات پراکنده [illegible] در قرن هیجدهم [illegible]

(۱۹۴۸-۱۹۴۰) شروع اگر منتخب Frédéric-Guillaume

دولت فردریک گیوم

دو قرن بعد، فردریک گیوم اول ملقب به سرباز (۱۷۱۳ - ۱۷۴۰) و فردریک دوم

(۱۷۴۰ - ۱۷۸۶) آن را تعقیب کردند. کلیه اتحاد و ارتباطات در نظر داشته‌اند

تا به روز تاریخ ۱۸۶۶ صورت انجام گرفت.

و امپراطوری را اعلان کرد

لقب پادشاه اخیر ... فردریک لقب داده که پروس را سلطنت

نام کرده ... رتبه دولت درجه دوم ... درجه اول رسانید. اسباب ترقی

سیاسی بود که خاندان هوهن‌زولرن آن را در امور و عادات ... دنبال کرده

لیکن علت عمده بود که در حرف قوم پروس محبوب شود.

افزار دولت پروس
ایالت براندبورگ

اجزاء اولیه دولت پروس بعد از آن تشکیل یافت. به ترتیب زمان ... در تصرف خانواده هوهن‌زولرن در آمد و عبارتند از حوزه انتخاب

براندبورگ Brandbourg ، دوک‌نشین پروس و دوک‌نشین کلو Clèves

براندبورگ در اصل یکی از اراضی ... و قطعات ... زمین (وادار) ... در عهد

شارلمانی برای جلوگیری از قوم اسلاو تأسیس شده بود و آن را (مارش کهن) میگفتند.

در قرن دهم زمان ... Henri l'Oiseleur (۹۱۹ - ۹۳۶)

و پسرش ... اوتون کبیر Otton (۹۳۶ - ۹۷۳) ...

slaves ... به واندها Wendes اراضی ما بین رود الب Elbe را

تا ساحل رود اودر Oder تصرف آوردند. این اراضی ... (مارش کهن) شد

و (مارش میانه) نام یافت ... قوم واندها در اواخر قرن دهم ...

آلمانها را ... (۹۸۳). آلمانها ... آن قوم را مغلوب ساخته ...

دوباره رجوع شود ... صفحه ...

۱۱۰

که Frédéric Barberousse آلبرلوس

به دودمان نزدیک با بروس

[illegible] دارای لقب Ascanienne از بعد آنکه بین Albert l'Ours

وقتی [illegible] را که در Branibor را که اکنون براندنبورگ نام دارد متصرف آورد :

و لیکن قبل از الحاقات معتبره قوم وانده Wendes ... (۱۱۵۷) آن پادشاه

تاج ... بین رود اودر Oder را ... آزاد مارش نو

نام نهاد . در ابتدای قرن سیزدهم این سرزمین را ... ایالت براندنبورگ را

تشکیل داد (۱۲۰۴) ... ایالت مذکوره عنوان امپراطور

در دوره Louis de Bavière ... انتخاب ... در اواسط

قرن چهاردهم امپراطور شارل چهارم فرمان ... فرمان زرین Bulle d'Or را

صادر کرد و تقسیمات ... ایالت براندنبورگ ... و ...

دائم از ... انتخاب ... شده . دال

ایالت براندنبورگ که از فقیرترین [illegible] نواحی ... آلمان بود فردریک

... زرد ... آلمان ... [illegible] غیرقابل زرع و ...

... از خار و ... بود ... بسیار ... و ... ایالت را

... شده بود ... در بعضی نقاط ... بنظر رسید . در عوض از ...

... طبیعی ایالت براندنبورگ ... مناسب ... ملکان ...

... زمین ... ایالت ... از ایالت ... [illegible]

... [illegible] ... دست شال [illegible] ... [illegible] ... این ایالت

دال ... تاریخ ... ۷۵

[illegible]

مرکز طبیعی ممالک آلمان محسوب میشود و جمیع طوایفی که از شرق محدود و در شمال بحر

اراضی آن را به رود ویستول و کوهستانهای [illegible] اروپا را [illegible] بحر شمال [illegible] مربوط

میسازد از آن ایالت میگیرند.

~~[illegible]~~ ایالت پروس ناحیه‌ایست مستور از جنگل و مرداب و باتلاقهای

ایالت پروس

وسیع و آن از شمال ایالت براندنبورگ [illegible] ابتدا مارش یعنی ناحیه سرحدی

بوده که بعض دیگر از قوم بروس Borussen در جزو طوایف اسلاو بوده

تأسیس یافته بود. پروسها از ~~[illegible]~~ ناحیه سرحدی که در ماوراء اراضی آلمان واقع است

جزو دولت [illegible] فرقه [illegible] جنگجوی مذهبی معروف بودند به شوالیه‌های پرت گلو Porte-glaives

و شوالیه‌های توتونیک Teutoniques در قرن سیزدهم میلادی ناحیه مذکوره را تصرف کردند

فرقه اول در اراضی [illegible] در بندر Pagel مسکن اختیار کرد (۱۲۰۱) و فرقه

دوم یعنی شوالیه‌های توتونیک ~~[illegible]~~ این جنگجویان صلیبی در فلسطین بعد از آن از مسلمان

شکست خورده به اروپا آمده در کنار رود ویستول [illegible] اقامت کردند (۱۲۳۰). این دو فرقه

در سنه ۱۲۳۷ متحد و مخلوط شده بجای [illegible] و [illegible] سواحل بحر بالتیک را از مصب

شط ویستول تا مصب رود نیمن Niemen [illegible] مسخر کردند قلاع متعدد

بنا نمودند مانند کونیگزبرگ Koenigsberg که در سمت ~~[illegible]~~ (۱۲۵۴) و دیگر

مارین‌برگ Marienburg در ساحل رود ویستول (۱۲۸۰). این طایفه

دولت لهستان مدتی مدید در وجود [illegible] ~~[illegible]~~ در [illegible] (

قرن پانزدهم فرقه توتونیک مغلوب گشته و بموجب عهدنامه تورن Thorn (۱۴۶۶)

تابع و رعیت دولت لهستان محسوب شدند. در قرن شانزدهم رئیس کبیر این طایفه

گروید Luther بمذهب لوتر

بعضی به آن در ایالات دیگر که از خاندان هوهن زولرن بود
دولت دوک‌نشین پروس را از ترتیب شرعی خارج کرده و ملک شخصی خود ساخت. نیز اراضی
وسیعه دوک‌نشین پروس ... و کلکان در تحت سلطنت ملحق ساخت (۱۵۲۵)

دوک‌نشین کلو
Clèves

دوک‌نشین کلو از دول جزء آلمان در دو جانب رود رن
Rhin در مجاورت کلنی Cologne و همچنین ایالات متحده واقع بود
وسعت بسیار نداشت ولی بر خلاف پروس و براندبورگ زمینش حاصلخیز
بود و از حیث قدرت و تمدن با ممالک مغرب اروپا برابری میکرد.

ایالات گمشده دومان
هوهن زولرن

خاندان هوهن زولرن نیز ایالات ... را که قدیم از قرن ۱۳ (؟)
تا بسیار سنه رفته متصرف در آورده بود
دودمان هوهن زولرن ... تا دیروز مالک القاب امپراطور آلمان سوزده
استداد اراضی کوچک و حقیری بنام ... در جنوب آلمان. قلعه آنها ... در مکانی مرتفع از رود آب
Neckar نکار ... در ... Souabe در ولایت سواب Rauhe Alp
... شمال و ... Danube در ... شمال واقع بود. ...
... را تغییر و تبدیل کرده‌اند. در تاریخ ۱۲۷۳ یکی از افراد خانواده هوهن زولرن
موسوم به ... نزدیک شده ... امپراطور شد خدمات نمایان کرد و چون
رودلف دو هابسبورگ Rodolphe de Habsbourg بامپراطوری آلمان رسید [1] ایالت نورنبرگ
Nuremberg را باو بخشید و ... مالکیت آن را ... ارثی نمود. افراد
خانواده هوهن زولرن ... صاحب ... وسیع و ... مالک شده و چون طبقات
... از ... زدوخوردند. یکی از ... اولاد ... نام داشت
بعضی خدمات بامپراطور آلمان ... سیگیسموند Sigismond (۱۴۱۱ - ۱۴۳۸)

۵ در دل بوهم دوست قوت داد . زیرا امپراطور ... کشی بعد در جنگ هوسیت ۲

Hussites ... در راه تأمین دین خود حوزه ای به براندبورگ را در ابتدا

قرن پانزدهم ... (۱۴۱۵) و پیش از این گفتیم که چگونه در قرن

شانزدهم ~~...~~ یکی از پیروان لوتر ... پروتستان را ~~...~~ تهیه دید و ملک خود گردید

دارای آزادی مذهبی (۱۶۰۹) ... و از طرف اتریش مالک

~~...~~ وحدت ... شد ده سال بعد یکی از ... با ژان سگیسموند ~~...~~

Jean-Sigismond ~~...~~ ... پروتستان را هم ... بود (۱۶۰۸ – ۱۶۱۹) دوران سه

اخیره ایالت براندبورگ و پروس ... در تحت سلط مالک واحد درآمد .

... مقارن از اوائل جنگ سی ساله ... شد و ژان سگیسموند سابق الذکر ~~...~~

(۱۶۴۰ – ۱۶۱۹) George Guillaume ژرژ گیوم ... دولت ... ریاست ...

نزدیک ... ژرژ گیوم ~~...~~ صفات ... خود ...

~~...~~ : ... ضعیف النفس ... اتریش دائم الخمر ... بود

~~...~~ ... ((از ... ژرژ گیوم بیش از ۲۴۰ سرباز نداشت در مورد

... در ... آلمان ~~...~~ و معبر ... اقوام ~~...~~ جنگ و ... بود

... در عهد گوستاو آدولف Gustave Adolphe و ورود ... سوئد ... .

جنگ ... براندبورگ را ویران ساخت ... ریاست ... از

... و ... و ... ولایت نزدیک ... بود از هم

جنگ ایالت براندبورگ ... شده بود ... ~~...~~ ...

[illegible]

ر. ک. تاریخ ... صفحه ۱۶۱

کمی متفاوت آثار ادوار تاریخی ما قبل را کشف کند و از نکته نقاط مشغله

خود را بدست آورد. ۵

منفعت گردید مابین Westphalie وستفالی معاهدات در سال ۱۶۴۸ ه

Camin ولایت کامین عاید او شد در مقابل ... نزدیک گلوم (روزنگی)

و ولایت ... Pomeranie دریای ... در ساحل ... و پومرانی نیز

ماگدبورگ Magdeburg و ... ولایت ... و

Minden ... و Halberstadt ... واقع در ... البه

در ساحل رود Weser متصرف شد.

این نواحی را از شرق و مغرب متفرق ... خاندان ... از دولت ... گردید اهمیت

فوق العاده ... در سرنوشت ... داشت ... ولایت ... مراتع ...

در میان ایالات بزرگ ... براندبورگ ... مستقل ... پروس و کلو

واقع شد و بیش از پیش ایالات ... را ... مجبور

... خاندان ... بعد از

این اضافات ... متصرف گردید

مملکت ... و مستقل شد

کیفیت ایالت
پروس و روم

همان اختلاف ... از حیث وضع جغرافیائی ایالت براندنبورگ

در پروس و کلو ... در اواسط قرن هفدهم از ل ...

سیاست ... ایالت ... مملکت واحد مجبور ...

... براندنبورگ

[illegible]

دیگر جزو امپراطوری آلمان و پروس ضمیمه دولت اطریش بود. میان این ایالات متفرقه
جز پادشاه و یا امیر دیگری نمی‌شناختند. ولی از جهت [illegible] و اختلاف [illegible] با نژاد
و هبسبورگ Habsburg هیچ گونه شباهت نداشتند
این ایالات با وجود اختلافات مذکوره اوضاع مشابهی [illegible] دارا بودند. چون استقلال
داخلی و تشکیلات اداری خاص داشتند برای این بود که تا یک حد استقلال خود
[illegible] بوده و اداره می‌نمودند با ایالات دیگر در ترتیب اداری شرکت داشته
ملکه می‌خواست به وسیله [illegible] خود اداره نماید این تشخیص احوال دیگری داشت. حفظ
و ارتباط [illegible] ایالات کلی در سال ۱۷۴۰ در خطر مخاطرات دشمن [illegible] افتاد و [illegible]
کرده در موقع لازم دست برادران [illegible] نیز نشد و لیکن مساعدت از این
برادر بزرگ نتوانست [illegible]. در سنه ۱۷۴۲ در این [illegible]
خیال [illegible] به برادر بزرگ [illegible] خود [illegible]
[illegible] در [illegible] چند [illegible] از نمایندگان [illegible]
خود [illegible] بر [illegible] Stände [illegible] مجالس [illegible]
Stände [illegible] نظارت در امور [illegible] بوده [illegible]
مالیات وصول [illegible] و توزیع [illegible] تا [illegible]
[illegible] دست پادشاه [illegible]
پول [illegible] فقط از [illegible] اداره [illegible]
[illegible] نیز [illegible].

[illegible]

۱۱۶

هیچ یک از آنها از اهمیت برخوردار نبوده‌اند چون همه در دوره‌ای واقع بوده‌اند [illegible] هیچ سندی

[illegible] را نیز از هجوم بیگانگان حفظ نکرد اما از آن طرف هم هیچ سندی بیگانه را

از هجوم [illegible] این محفوظ نداشت منتقضای قوت و ضعف

نظامی اهمیت [illegible] های کوچک و های بزرگ شده‌اند.

پشت و دوگانگی [illegible] اهمیت فقر و کم جمعیت بعد در [illegible]

[illegible] وسیله غیر مسکون [illegible] از [illegible] بلوچستان گویم اول آن را

مناطق کم آب و بیابانی [illegible] نمی‌خواند.

[illegible] از جمله وجوه شباهت آنها این بود که همگی استقلال [illegible]

[illegible] تر از خود بوده انتخاب کننده [illegible] در [illegible] و درجه

ادوار ایرانیان در مقابل [illegible] از [illegible] رعیت [illegible]

[illegible] مطیع [illegible] محسوب شده فی الحقیقه [illegible] از اهمیت

[illegible] نشسته خود را پادشاه مستقل کرده و بعد از خدا مالک الرقاب رعیت می‌دانسته.

[illegible] [illegible] در اواسط قرن [illegible] چون نظر

نقشه [illegible]

[illegible] در حقیقت [illegible] مطیع

نقشه [illegible] از اعمال خود کشیده [illegible] از هجوم بیگانگان

محفوظ داشته [illegible] بی‌ثباتی [illegible] تدارک کنند.

[illegible] بی‌ثباتی [illegible] مسکون [illegible]

[illegible] در دایره [illegible] نظم و نسق [illegible] بی‌ثباتی

[illegible] مقر و دارای تشکیلات واحده کنند [illegible]

نیز وحدت تشکیلات مقتدر وحدت خاک و ارتباط اراضی بیکدیگر مقصود
رفع از جمیع این اقدامات آن بوده استقلال و قدرت کامل یافته و بیش از [illegible]
الکان جز خدا کسی را بالاتر از خود نبیند.

~~[illegible]~~

مقدمه اصول این دستور و نقشه عبارت بود از لزوم قشون [illegible]
آغاز بهمه چیز را از سپاه و [illegible]
[illegible] سلاطین خانواده هوهن زولرن که از
ازسپاه میدانستند.
۱۶۴۸ تا ۱۷۸۶ بلاانقطاع با عزم راسخ [illegible] در صدد اجرای این
نقشه و اجرای این دستور بزرگ برآمدند از قرار ذیل:

منتخب کبیر فردریک گیوم (۱۶۴۰ - ۱۶۸۸)
فردریک اول (۱۶۸۸ - ۱۷۱۳)
فردریک گیوم ملقب بشاه سلحشور (۱۷۱۳ - ۱۷۴۰)
فردریک دوم ملقب بکبیر (۱۷۴۰ - ۱۷۸۶)

منتخب کبیر
Le grand Electeur

فردریک گیوم معاصر لوئی چهاردهم [illegible] سلطنت بود و سزاوار لقب منتخب کبیر
[illegible] ساده و با [illegible] متجسس و مایل بکسب دانش [illegible]
حفظ استقلال [illegible] بسیار ساعی بود و چون [illegible] استقلال
دولت و ترقی مملکت [illegible] بیگانگان [illegible]
داشت [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

~~[illegible] سلطنت [illegible]~~

[illegible] ساله [illegible] سلطنت رسید و در حدود هشت ساله [illegible] (۱۶۶۰ – ۱۶۸۸)

به بسی کارها [illegible] دست زد [illegible] جنبه نفع [illegible] منظور داشت و لی

[illegible] ترین کارهایش [illegible] بود یا توجیه و دیگر استقرار.

توجیه [illegible] پروس

[illegible] برای توجیه [illegible] خود [illegible] در سال [illegible]

[illegible] (۱۱۶۶ – ۱۶۸۶) [illegible] بقبول [illegible]

[illegible] خودش [illegible] و حق

وصول مالیات [illegible] از این [illegible] مالیات [illegible]

[illegible] از اروپا [illegible]

[illegible] بعنوان [illegible]

[illegible]

[illegible] استبدادی پادشاه [illegible]

[illegible] ۳۴۰ نفر [illegible] خودش [illegible]

[illegible] از افراد [illegible]

استقرار

[illegible] بعنوان [illegible] کرد و

[illegible] در مستعمرات [illegible] در [illegible]

[illegible] معمول است از خارجه [illegible]

[illegible] و تقسیم اراضی [illegible] از مالیات [illegible]

[illegible] از خارجه [illegible]

[illegible] قرار داد. از [illegible]

[illegible] گرفتم [illegible]

در فرمان ... میلادی قبل از نقض فرمان نانت L'Edit de Nantes
(۱۸ اکتبر ۱۶۸۵) و فرمان پوتسدام L'Edit de Potsdam (۲۹ اکتبر ۱۶۸۴)
تعداد زیادی پروتستان که در فرانسه تحت ~~[illegible]~~ حالا به پروتستان‌ها
در این چهارم در صد هزار و نتیجه آن‌ها به این مملکت که ... منتخب براندنبورگ
اول ... خود را ... و نوع ... را ~~[illegible]~~ ... سال ۱۶۸۱
از ... صنف ... و ... و ... آن ... رودی
~~[illegible]~~ براندنبورگ دارای ... از ... شد و لیت را ... ادار
~~[illegible]~~ برای تغییر ... داده ... نوع ... باشد ... که ... و اولین
کارخانه‌ها ... صنعتی را ... دایر کرد. از جانب ... که
در خارج از قاره اروپا ... مستعمرات ... بدست آورد. ... در دریای
شمال ... Guinée ... در سواحل ...
افریقا شرکت تجارتی ... تأسیس کرد.
سیاست خارجی
فردریک ویلهلم ... در عمل ... و ... به ... داد
... در ... ~~[illegible]~~ ... یافته ... و ... ~~[illegible]~~ ... کرد. ... دولت
... ~~[illegible]~~ ... جنگ ...
... در ... آن ... واقع ... شده ... گوستاو ... دولت
... پادشاه ... ~~[illegible]~~ ... گوستاو ... و
... Casimir ... و در طرف دیگر
... از ... آن ... منتقل شد (۲۰ نوامبر ۱۶۵۶ — ... نوامبر ۱۶۵۷)

وجود حوادث و بعضی عوامل از این داد آن گرفت بعد دولت لهستان در مقابل دولت های فردریک گیوم (را) از تابعیت لهستان معاف داشت و ایالت والاشت (؟) مطلقه اروپا بر ایالت پروس را تأیید شد. پس از آنکه صلح اولیوا Oliva (۱۶۶۰) منعقد شد امیر مستقل حاکم و بعدها پروس را هم مالک شد

فردریک گیوم و لوئی چهاردهم

پس از این وقایع منتخب کبیر سعی حفظ استقلال خویش بنابت (؟) اینکه دولت ایالت کوچک بود و داده سیاست حوزه اروپا بر ... شد و جوان ... تجارت ترقی داد و به وجود حقارت ... تقاول سیاسی دول معظم اروپا را در مقابل قدرت و نفوذ مطلق لوئی چهاردهم باعث رعونت شد. بعض یکی جنگ بعد شروع شد و چند بیا مشغول دفع گشته فردریک گیوم اول شخص بود که بابت انهای رقابت و نقض گوشه قدرت دول اروپا بر ... لوئی چهاردهم متحد و متفق ساخت. در سنه ۱۶۷۴ در بحبوحه جنگ الزاس شرکت کرد و در بابل مصاف که لشکر فرانسه تورن Turenne در تورخیم Turckheim مغلوب شد (۵ ژانویه ۱۶۷۵)

فهربلین Fehrbellin

نخستین پیروزی واقعه منتخب کبیر مترجم سوئدی بافته دو در مملکت فهربلین در نیاو کمیته ترین برای فتح نمایان کرد (۲۸ ژوئن ۱۶۷۵) . این فتح پروس در نخست ... تاریخ تقدم را داد که ظفر باقی لشکر فرانسه بر سپاه اسپانیا در لب روکروا Rocroy داد و برازنده واقعه تفوق دیرتر آلمان جنگ ... بر سوئد ثابت ... به ... معکوس گردید . در ظرف دو سال (۱۶۷۶ - ۱۶۷۸) ایالت پومرانی ... بود جهت فردریک گیوم ...

دولی تاریخ قرون جدید صفحه ۲۳۰ ...

[illegible]

تا به این صلح جنگ Nimègue را در حقیقت [illegible] [redacted] دولت بود

~~[illegible]~~

که فرانسه [illegible] [illegible] [illegible] را مجبور نمود ~~[illegible]~~

~~[illegible]~~ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] (۱۶۱۰ الی ۱۶۷۸) [illegible] [illegible] [illegible] منتخب [illegible]

[illegible] عنوان [illegible] و [illegible] بوده در سرتاسر [illegible] امپراطوری آلمان [illegible] کرده

تحصیل سلطنت

[illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] اقدامات [illegible] [illegible]

و [illegible] منتخب [illegible] [illegible] سال در [illegible] [illegible] [illegible]

اول [illegible] [illegible] [illegible] [redacted] [illegible] [illegible] (۱۶۸۸ – ۱۷۱۴)

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] را [illegible] [redacted] [illegible] [illegible] [illegible] اول

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [redacted] [illegible]

[illegible] [illegible] و [redacted] [illegible] [illegible] [illegible] [redacted] [illegible] [illegible]

[redacted] [illegible] امپراطور لئوپولد Léopold [illegible] [illegible] [illegible] عنوان

~~[illegible]~~

[illegible] [illegible] [redacted] ~~[illegible]~~

~~[illegible]~~ [redacted] [illegible] [redacted] [illegible] در جنگ امپراطور، عثمانیان [illegible] [illegible]

[illegible] امپراطور تا سال ۱۷۰۰ [illegible] [illegible] را [illegible] کرد. [redacted] [illegible]

[illegible] جنگ وراثت تاج و تخت اسپانیا شروع شد و امپراطور [redacted] برای تفوق [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] بیش از پیش محتاج به [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اول

[redacted] [illegible] [redacted] ده هزار [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] منتخب [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] با امپراطور Thalers

لئوپولد تقدیم کرد [redacted] [illegible] [illegible] [illegible] امپراطور [illegible]

[illegible]

Olivier [illegible]

[illegible] (۱۶۴۸)

[illegible]

[illegible]

[illegible] Lausanne [illegible]

(۱۶۷۹ [illegible])

[illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

(۱۶۷۹ [illegible])

[illegible] [redacted] [illegible] Passarowitz [illegible]

[illegible] (۱۷۱۸ – ۱۷۲۱) [illegible]

۱۲۲ قرارداد موسوم به تاج (۱۶ نوامبر ۱۷۰۰) لئوپولد به فردریک اجازه داد که خود را پادشاه پروس بخواند
پس فردریک در ۱۸ ژانویه ۱۷۰۱ در کونیگسبرگ Koenigsberg جشنی عظیم
ترتیب داد که چندین ملیون [illegible] برای [illegible] مرصع با الماس پوشیده در
حالیکه [illegible] تن [illegible] و خدمتکار [illegible] اطراف او را داشتند
تاج سلطنت را [illegible] بر سر نهاد. دول معظمه در اوترخت Utrecht
این عنوان را برسمیت شناختند (۱۷۱۳) و با آنکه خانواده هوهن زولرن
شهر برلن را [illegible] [illegible] تحت [illegible] قرار دادند
آنان را دولت بزرگی [illegible] نمیگفتند.

شاه سلحشور

فردریک اول کمی قبل از قرارداد اوترخت (۲۷ فوریه ۱۷۱۳) زندگی را
وداع گفت و [illegible] پسر او فردریک گیوم اول بپادشاهی رسید.
در زمان [illegible] اول [illegible] شخص سلطنت [illegible] را [illegible] در [illegible] تاجگذاری
بیش از ۲۵۴۷ [illegible] [illegible] [illegible] سلطنتی و [illegible]
تاج و [illegible] و [illegible] مرصع را [illegible] و قسمتی از [illegible] زرینی [illegible]
[illegible] را [illegible] کرده بمصرف ضرب [illegible] رسانید [illegible] از [illegible] گذشته
[illegible] [illegible] بر [illegible] افزود
فردریک گیوم [illegible] [illegible] [illegible] توقف [illegible] جمیع صفات
[illegible] آن دوران [illegible]. [illegible] سرباز بود و [illegible] دیگران تخت‌گیری [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] خودش [illegible] اورا [illegible] مطلق [illegible] و در [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] آهنین
دستور [illegible] [illegible] تغییر [illegible]. در کار [illegible] [illegible] و حقوق [illegible]

[illegible]
(۱۷۱۳ - ۱۷۴۰)
[illegible]

و در حفظ آن در هر زمینه کوشش [illegible] در دانست میکشید از عهد طفولیت حساب پول خود را
دقت به حد [illegible] نگاه میداشت و در هر چه دست میکرد برابر میداد و بقول خودش تمیز معروف بود
به تدبیر دنیائی و دینار و درهم خود میافزاید . در سال [illegible] اوگوست دمانکر Auguste de Saxe
پادشاه لهستان به برلن آمد نزدیک [illegible] [illegible] و در این باب
گوید : [illegible] چون شاه لهستان از برلن بازگشت [illegible] [illegible] نهایت [illegible]
در خارج سلطنت [illegible] . سفر کرده [illegible] در سن ۹۳ [illegible] (۲۴۰ فرانک) [illegible]
و [illegible] [illegible] [illegible] . [illegible] حضرت [illegible]
[illegible] این مبلغ را [illegible] تا [illegible] (۲۰۰ فرانک) [illegible]
[illegible] رفتار [illegible] [illegible] شبیه [illegible] [illegible] و دوق جون [illegible] [illegible]
[illegible] تفریح [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] آب [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] سلطنت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] را سلطنت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] وقت [illegible]
[illegible] قدرت [illegible] [illegible] امور [illegible] . پادشاه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] سلطنت [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] . پادشاه [illegible] »
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سلطان [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] واجب [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] سلطان [illegible] خدمت کند در واقع سلطان [illegible] [illegible] سلطنت

[illegible] [illegible] [illegible] ۵۲۲ [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

پروس محبوب شد و ... [illegible] در ساعت ... [illegible] حاضر باشند و

[illegible] بنام [illegible] از اداره [illegible] آمده [illegible]

جریمه شده اگر [illegible] [illegible] حقوق

اداره توقیف میگردید و در صورت تکرار از خدمت منفصل میساختند.

اداره و استعمار

فردریک گیوم [illegible] [illegible] پروس را از [illegible]

~~[illegible]~~

در طرز تشکیلات [illegible] تغییر داده و جمیع [illegible] را تحت [illegible] دو اداره بزرگ [illegible] را

[illegible] مالیه و جنگ و خالصه [illegible] [illegible] آنرا [illegible] . [illegible]

بوسیله جلب [illegible] و [illegible] اطراف آنها [illegible] سالزبورگ Salzbourg

[illegible] از [illegible] «[illegible]» نام نهاد.

[illegible] [illegible] در اطراف [illegible] اروپا [illegible]

که [illegible] پروس [illegible]

[illegible] و [illegible] [illegible] و زمین دارای

کار و [illegible] [illegible] [illegible] فردریک گیوم

[illegible] ۳۲۲ [illegible] [illegible] پروس [illegible]

[illegible] را از ۴۴۰۰۰ به ...۰۰۰ رساند. کارخانجات [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] را از

[illegible] [illegible] و فردریک با کمال [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] ۴۴۰۰۰ [illegible] [illegible] قوانین [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

(تا دوره از صد میلیون نفر) جمعیت پیدا کرده و در اثر جنگ‌ها و قحطی در دشت در فرانه

قشون [illegible] نیز همین مقدار و غیره [illegible] میکرد.

کارهای فوق‌العاده گیم تر و تکثیر به و همین جهت او را [illegible] شاه. سلحشور لقب الله

پطر کبیر

از روزگار [illegible] کودکی شوق سربازی داد [illegible] شده بود. و مثل پطر کبیر در قرنه

پطر با بازی‌های کودکانه Préobrazenskoi فوج از کودکان را نظام جوانان تحت [illegible] خود رهبری کرده بود

دسته از اطفال را فراهم آورده. چون تجربه شاهزاده [illegible] چنانکه دیدیم

هیچ بوی تجدد سلطنتی نداشت که در راه آن [illegible] میدان تا (تا دوره از

۱۲۰ میلیون نفر) مصرف رساند و آن جمعیت بعد از فتح آورده فوج مردان

قوی بنیه و درشت اندام در فوج قراولان [illegible]

اوبشه [illegible] خودش را با صرف [illegible] هزار و [illegible] مرتب آورده.

زورمندی گیم بود که لشکر را بسیار پرورش کند و اگر سپاه را آلتی برای

دارایی اطفال سپرد. و در دستور داده طرز ترتیب و تعلیم جوانی [illegible]

نوشته است به عبارت میرود : «عشق حقیقی خود سربازی را در دل فرزندان

جوان جوید» و او را معتقد ساخته که در عالم هیچ چیز بودن آلات را با اشعار و تلقین نمی

سازد مگر شمشیر [illegible] تیغ آزادی را [illegible] حرارت [illegible]

[illegible] و اثر [illegible] به نظر را [illegible] در سایه شمشیر و وسیله نیرو

نخواهد حقیرترین و پست‌ترین مخلوقات روی زمین است. عروس ملک دولت زیرا که

در برابر ب شمشیر اراده و به [illegible] چون سپاهیان در برابر [illegible] ولعت

باید روز به روز در تقویت سپاه کوشید. و گفته «با قلم حساب نگیری نتوان کرد

بلکه فتح ممالک و ضبط ممالک [illegible] با شمشیر کند» (۲۰

[illegible]

۴۵۰۰۰ ... ۱۷۱۴ در [illegible]

سکه قلمرو [illegible] گیوم به [illegible] [illegible] عده [illegible]

نو چیز بود [illegible] در سنه ۱۷۴۰ [illegible] هزار بالغ شد درصورتیکه

خانواده [illegible] [illegible] صد هزار نفر سرباز داشته

[illegible] سپاه [illegible] قدرت نظامی آن زمان بوسیله خانواده‌های مخصوص

جمع‌آوری میشد [illegible] خانواده‌ها در [illegible] ملک [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] از دست [illegible]

گردن‌کلفت ~~[illegible]~~ دو طلب [illegible] نظامیان [illegible] دیگر را [illegible] از خدمت و [illegible]

وا میداشتند . اما [illegible] در [illegible] گروه تمام [illegible] [illegible] توجه [illegible]

سپاهی میکرد [illegible] راه [illegible] دست سپاه و فقط [illegible] [illegible] [illegible] طلب [illegible]

بر فردریک گیوم [illegible] از خود [illegible] سرباز بگیرد ولی اصل را وضع نمود که

((جمیع افراد ملک ~~[illegible]~~ [illegible] در نظام باشد)) [illegible]

در قرن [illegible] [illegible] تازه [illegible] . اما [illegible] [illegible] تجهیز نظام [illegible] [illegible]

~~[illegible]~~ [illegible] [illegible] . [illegible] [illegible] تا [illegible] [illegible]

[illegible] عده و [illegible] را [illegible] و تقریباً [illegible] فقط از

دهقانان سرباز میگرفتند . [illegible] سربازگیری [illegible] [illegible] [illegible]

بر قوای [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بقدر لزوم از ~~[illegible]~~ اهل

آن قوا سرباز میگرفت [illegible] [illegible] میشدند [illegible]

[illegible] مدت [illegible] سال [illegible] [illegible] غالب زنان را

[illegible] میداد . [illegible] [illegible] افراد [illegible] [illegible] لکن [illegible]

[illegible] مدت خدمتش [illegible] [illegible] چنانکه در زمان لودویک ۱۴

[illegible]

۱۲۷

ارتش پروس بنا بر این در لشکر پروس [illegible] باید میشد ~~[illegible]~~

~~[illegible]~~

هیچ سپاهی نبود که ارتش اروپا تقریباً از همه جا گرفته میشد در نفس امور لشکر از آنچه

بود فردریک گیوم جز یکی و اردوی بجنگ را برتر میدانست نیز بدانید بر این بوده

سرباز آن عادت میدهد با دقت و شجاعت باشد از درجه صاحب منصب جزو تجاوز آکادمی و درجات

عالیه ارتقا بیابند ولی [illegible] ترتیب بیرون از ترقی کاملاً در [illegible] نفع آلمان [illegible] محفوظ

و مستقل بود. فردریک گیوم [illegible] لازم میدانست در صاحب منصب عالم باشد از این جهت مدارس

چند برای تعلیمات نظامی تأسیس نمود.

[illegible] زود ترین و تمرین در هر روز بار تکرار میشد فردریک گیوم سربازان خود را

مثل [illegible] آلت بی روح و متحرکی بدل اراده کرد تا تقریباً چندین

هزار [illegible] بنظام مشق خود با تفاوت و بنظم و کمال [illegible] نظامی را اطاعت میکردند که گوئی

نفس واحد بودند. در واقع جائیکه دفعتاً لشکرهای وقت داده حرکات و دیگری

و بکار آن ارتقا و تیراندازی مورد ملاحظه و اوراق نموده که [illegible] از این جهت

بیش از آن روزهای جنگ سپاهی [illegible] باید از حسن انتظام تحسین بود و پیشرفت رئیس

در جنگهای دو سلطنت بعد از جنگ برای کارآزموده و نخستین نظامیان بود. در حال

اروپا طرز [illegible] تعلیم و ترتیب لشکر پروس را در [illegible] نظام خود تقلید کرد.

فردریک گیوم اول
و سیاست خارجی

فردریک گیوم [illegible] سپاهی را که با آن عشق مفرط [illegible] در مدت سی سال سلطنت خود

تدارک دیده بود داخل هیچ نوع جنگ سختی نکرد و آن را از اتلاف قوا محفوظ داشت.

شد اگر با دولت روسیه داخل جنگ شد از آن جهت بود که لشکر در [illegible] میدان

پولتاوا (روسیه) منهزم شد و شارل دوازدهم در عثمانی متواری بود و فردریک گیوم ثانی

بدین عهد به ایالت پومرانی Pomerania عزم داشت بر قلعه استرالسوند Stralsund

۱۲۸

لیکن ۱۷۳۰ [illegible] محمد شاه [illegible] و فتح آن [illegible] (۱۷۱۵) [illegible] داده و سابقه

قطع با ملک توان شد . در حقیقت [illegible] از آن [illegible] و خطر [illegible] شد .

[illegible] در حق او گفته [illegible] تصور [illegible] را درست میداشت لکن از حقیقت آن

گردان و محترز بود . [illegible] ترک [illegible] و فراهم آوردن وسایل [illegible]

پروس و استقلال آن [illegible] را به [illegible] واگذاشت .

با وجود این کار فردریک گیوم خالی از [illegible] نبود . و فردریک دوم در حق پدر

خود [illegible] الانصاف چنین گفت : « [illegible] آن [illegible] او [illegible]

[illegible]

[illegible] تا آب و خاک پروس را [illegible] آثار [illegible] او [illegible]

[illegible] ما »

عهد فردریک دوم

فردریک دوم [illegible] [illegible] سال [illegible] [illegible]

(۱۷۴۰ - ۱۷۸۶) [illegible] است [illegible] اروپا [illegible]

و [illegible] کوچک پروس را [illegible] عظیم [illegible] ساخته است .

فردریک [illegible] ایام کودکی را در [illegible] گذرانید [illegible] ذوق و [illegible] فکر و جنس

طبیعت او موافق میل پدرش نبود . فردریک گیوم [illegible]

[illegible] و از [illegible] گریزد . آن [illegible]

از لطایف و ظرائف [illegible] علوم و فنون [illegible] و گرانی [illegible] جز [illegible]

ترتیب امور و [illegible] فلسفه را حقیر میشمرد و [illegible]

([illegible]) [illegible] . آن [illegible] از شعر و فلسفه نبود و از [illegible]

روزگار [illegible] کودکی [illegible] وجود [illegible] در [illegible]

[illegible]

۱۳۶

کی ـ بخواد دوز دولی را در زیر ادویش با دیل سور میداشت [redacted] و لیعهد
شیر تخت فرزند دیر شهد با روابط عاشق نظر رفیع سبب دیگر دایر آنش با دو دوازل
راکول Racoul و تقدیرش دو کاه دو ژان دوبل Duhan de Jandun
بر [redacted] یا ازغشیده توران Turenne فرانس بعد. فردریک دوم از [redacted]
[redacted] استقلال برد و بعدها از بعضی و با لی [redacted] شرب و دوام
دیگر را ه تنفر داشت خسیس و مرفه بود و [redacted] عشق سقوط با پرورش داشت.
و سعی بر به ه [redacted] اخلاق و اشکال ... چشم داری خطا [redacted] مکر و جرأت عظیم می کرد
~~[illegible]~~ و پدر را از وی تحقیر و [redacted] و این
(با رکه کوچک) یعنی آقا زاده. [redacted] حساب میکرد. و میگفت تو کار آری مرا
برابر خواب خوابی داد و بعض انگیز [redacted] عادات و اخلاق فرانسوی را [redacted]
ترک کند پدر را به علاوه عالم باشت و عصا لنگ میزد و گاهی او را بزمین
افکنده و مجبور بوسیدن پای خود میکرد.
[redacted] . ~~[illegible]~~
... و لیعهد گاه آنه
و عصیان ... عادت ... انگلستان ... و با یکی از دوستان ترس در صحبت
درین ... [redacted] ... لیکن سال فردریک گیوم بود و کات
ژاندارمی گارد و پدر یکی از [redacted] لیکن سال فردریک گیوم بود و کات
Katt نام داشت وهمین سفر برت (از ۱۷۳۰) آنا پدر گرفتار [redacted]
~~[illegible]~~ و بعنوان فرار قشون محکمه نظامی جلب شد
[redacted] مگر از دادن ... [redacted] ... و از خود سلب صلاحیت کرد
پس شاه شخصاً صادرات [illegible] حکم کرد [redacted] ... را از صف ... نظامی خارج

[illegible]

۱۴۰.

Katt در موضوع کات [illegible] Custrin [illegible] و در قلعه کوسترین

[illegible] حکم حبس ابدی داد [illegible] حکم را به اعدام مبدل ساخته [illegible] جلوی قلعه

کوسترین جلو چشم ولیعهد سر بریدند (نوامبر ۱۷۳۰)

ترتیب ولیعهد

[illegible] حبس قلعه را مبدل به توقف در شهر [illegible] ولیعهد را به شغل

مستشاری خالصه منصوب کرد [illegible] ولیعهد [illegible] از اعضای [illegible]

صورت محاسبات [illegible] تفتیش [illegible] ترتیب زراعت [illegible]

[illegible]

[illegible] Neu-Ruppin نیو روپین [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] Reinsberg [illegible]

امر توقف ولیعهد در [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۲۶۲

[illegible] Roosevelt [illegible]

[illegible] Amsterdam [illegible]

[illegible]

[illegible] (۱۷۳۰) [illegible]

[illegible] Katt [illegible]

[illegible]

۱۵۱

اوقات بیکاری وقت با مطالب کتاب بخواند «با بیش از یک نفر ادیب» حکمت و ادب کرد

و لذتی که هم روزی در عین جنگ جا نکرده بود خود گرفت معقول

با ملازمان خود در وقت صرف مذاکرات ادبا و علما مشغول میکرد

و بعد از بعد تیاترها که Corneille و Racine

شعر زیاد که گوش و تعبیر و تادیب نمود و زیاد

بیش از همه میل داشت که چندی در پاریس

و زبان فرانسه صحبت میکرد و غالب اوقات با دانشمندان شعر میگفت

نی میزد و قطعات موسیقی ترکیب میکرد با ولتر Voltaire مرتباً مکاتبه داشت

در عین جستجوی لذات و خوشگذرانی لکن فایده ملک بود که باز

میکرد و دنیای به کمال تابلوی نقاشی و مجسمه تقدیم میداد

حتی وقتی شروع به بنا رود شد Potsdam و قصر سان‌سوسی Sans-Souci

کرد در مبلغ وجوه بی‌اندازه خود کفایت آن مصارف را میکرد

در افزایش عدل و شکوه مملکت در ساختمان آن کارها زد. تفریح و تفنن

به عبارت دیگر او را از توجه به امور باز نداشت وقت تمام احوال

ملک را مطالعه و از منابع ثروت و از قوای آن آگاه میکرد و از نقشه‌ای

در حال پیشرفت بود توجه و تفکر در این قبیل امور خود را حاضر داشت

چیزی چشم به گذارد و عظمت دربار علاوه بر همه از نظر باشد

تا ...

واقعه و لطیفه که به خاطر داشت دقیق و جدیدش در کار دیدم ... ۱۷۴۰ [illegible] را

با وکیل داشت و رفت که بشه به درگاهش در برابر نوشته فردریک هم چنین می‌نگارد: [illegible]

۱۶ ~~[illegible]~~ و ۶ ... نوار و ... کارد بتوانی خود افزوده‌ام و از

طرف دیگر شاه بوده. آکادمی جدید را ریخته‌ام. تا تمام شخصیت فردریک از این کار او

معلوم میشود.

در این وقت ۲۸ سال داشت [illegible] فکرش در روشنی و طلاقت نظیر فرانسه بود

و سبک ولتر در حق او گفته است: «در هیچ فرانسوی سالکی در مملکت فرانسه هم باندازه او دارای روح فرانسوی

و ذوق ادبیات قدیمه فرانسه نبوده است». قوای دماغ او در سرعت تصور و تعمیم و عمل

بی‌نظیر بود و در غالب مسائل مشی نظامی میبرد. ابداً وفا و مهر و عاطفه را نمی‌شناخت. هیچ وقت

... تصور عزت نفس و منع وجدانی و مقتضیات شرافتمندی را بخاطر خطور نمیداد تا با ...

نقشه در میان بود عهد خود وفا میکرد و چون که از سود او منحرف میشد پیمان را

می‌شکست. فردریک هم تابع این عقیده خلاف اخلاق بود و ... ظفر و غلبه ~~[illegible]~~

~~[illegible]~~ حق شکنی و ظلم ~~[illegible]~~ را پامال و محو ما زد. و میگفت: لا در سیاست

ملک و ملت شخص باید بوقت فرصت ... بهره بردارد. فقط وقتی مردم

او را بتقصیر و خطاکار خواهند گفت که ~~[illegible] مجبور شود از هم~~

مجبور شود بر هم گرفته است مسترد بدارد.

~~[illegible]~~

[illegible]

... حسد و رقابت

فردریک ~~[illegible]~~ ... و سیاست ... درگرفت

و ربط دایره ... و عدم اعتقاد و ... داشت ... ~~[illegible]~~ ... جلوی خود

~~[illegible]~~ ... Truchsess ...

۱۳۱

[illegible]

۱۴۲

در دستورهٔ بیفر انگلیس Camas لو ... رنگ کاماس ... و دوم ... به

فرشتۀ ... می‌شد: «در وقت حرم فرانسه ... با انگلیس ...

... اگر چه ... لباز قلیس ...

... رنگ کاغذ ... ابیت ... روزی

... رقابت ... در رنگ ... طرف ... اطلس پادشاه ...

... فرانسه ... ابیت دارد.»

Fleury ... بیفر فرانسه ... «چون ... فرانسه ... ریال ...

... اگر تعارف والفاظ ... تو ... مقابله ...

... دو از ... صداقت ...

... رقابت میان فرانسه و انگلیس را ... و تحریک کنی.»

... حتی ... فردریک ... به اندازه ... مقصد ... ۱۰ ... وحش لد

... پرداخت و اثبات کنید. ... خواهید

... Pro farce ... Sergine ... تا دوست ... العهد ...

... نیه کل ... الطرفین.»

خزانهٔ شخصی خود، گنجی ... بیفر ... ملکت ... و

... «رفع الکرم ... فردریک ... خود را ... تکرار

پادشاه ... خادم رعیت خود ...»

... بسیار کار می‌کرد ... ساعت ... بعد از نصف شب

و ... ساعت ... حاضر ... باز می‌گرد ...

اگر در پیکارش به آن ارتقاء یابد

وجهان قوی مرغی را که برای صید در خواب خسته و درمانده میکند . چون هر چیز را خود رسیدگی می‌نمود ۱۴۴

و در هر کاری شخصاً تصمیم میگرفت اورا « وزیر [redacted] و واحد و وزیر عام » ملک کشورانه .

کرده‌ام در مدت عمر از این پرکاری و کوشش خسته نشده . این طرز تمرکز امور در دست

شخص واحد و دفع اراده سایر مراکز تصمیمات نتایج بسیار بد علیه ملک پروس داشت .

تا وقتی قوی چون دست فردریک هیچ کارها را میگردانید همه چیز منظم بود ولی همین

رشته از هیچ از کار باز ماند و قرنها گسیخته شد . مطیعی و مدت ۵۰ سال بعد از

~~[redacted]~~

وفات فردریک دوم دولت پروس یک ضربت ناپلئون [redacted]

در ینا Jena شکست خورد . (۱۴ اکتبر ۱۸۰۶)

~~فردریک دوم با الحاق ایالت سیلزی Silésie پروس را~~

کشور گیری

فردریک دوم با گرفتن ایالت سیلزی Silésie از دولت اتریش

و تجزیه پروس [لهستان] از دولت لهستان ملک خود را وسعت کافی بخشید

مناقشات مربوط به الحاق ایالت سیلزی در مدت دو سال اول سلطنت

فردریک دوام داشت و موجب سه جنگ شد که موسوم بجنگهای سیلزی هستند (۱۷۴۰ - ۱۷۶۳)

که جنگ اول معروف به مناقشات بر سر وراثت تاج و تخت اتریش و [redacted] (؟)

معروف به جنگ هفت ساله بود . در این زد و خورد اخیر دولت پروس با ممالک متحده

اروپا (اتریش و فرانسه و روسیه) مواجه شد و اگر چه فاتح بیرون آمد ولی قوایش

ضعیف و توانائیش مبدل به تزلزل [redacted] گردید . و

آنگاه پروس [لهستان] آلبی درجه موجب در دوسر بهار فردریک نشد

و برای اطلاع از تفصیل این جنگ رجوع کنید به [redacted] از این کتاب

بمذاکرات سیاسی و ارسال رسل صرف شد و جنگ اتفاق نیفتاد. الحاق ایالت

[illegible] و اسباب اتصال براندبورگ به پروس شد و در واقع آنرا خداداد. همه این ایالات را

در عبارت بعد از توجه مقصود خویش با نجام رسانید.

امور داخله

مدت سی سال آخر عهد فردریک هم بجبران خسارات جنگ هفت ساله

و آبادی و استخراج منابع ثروت در داخله مملکت گذشت

استعداد فردریک هم خزانه خالی پروس را معمور ساخت و قورخانه‌ها و انبارهای جدید

برای مهمات جنگ تهیه دید [illegible]. بتبعیت اعداد خود [?] باستقرار کرد. همه مأمور دولتی

در شهرها [illegible] و [illegible] قرارداد و کارشناسان جلب نمود و در ترتیب

[illegible] مداخله مملکت آورد و [illegible] قرار آنجا کرد. فعالیت [illegible]

در در جنگ هفت ساله خرابی بسیار رسیده بود هشت هزار نفر [illegible] داد و مالکین مقتدر را

مجبور نمود در اراضی متعلق به خود [illegible] گاوی که استقرار و جلب معاونین [illegible]

و شکار [illegible] ابتدای سال ۱۷۷۱ [illegible] قسمتی از اراضی لهستان را

متصرف در آورد فردریک قرار داد در [illegible] دختر از لهستان گرفته

باید به پروس [illegible] Poméranie و [illegible] اولین دختران مجبور بود

با جهیزیه یک گاو و خوک و یک تختخواب و سه دوکا (سکوک طلا) بعنوان [illegible]

فردریک سعی بلیغ داشت که جنس مزروعات را خوب کند و تا [illegible] به اراضی زراعتی

بفزاید از این جهت [illegible] قطعات وسیعی را خشک کرد و [illegible] کوچکتر مربع به اراضی قابل

زراعت افزود. صنایع را هم ترویج نمود و وسیله [illegible] ثروت ملی عواید [illegible] را هم تغییر [illegible]

همین فردریک [illegible] ترتیب [illegible] آن عهد کمتر

نظیر داشت مدارس بسیار باز کرد و اگر چه [illegible] را اجباری کرد.

۱۴۶

ثروت و [illegible] از مالک [illegible] ارباب نفوذ [illegible] پیروی [illegible] آورده و [illegible]

~~شغل [illegible]~~ بتقسیم مشغول گشته [illegible] کمتر تغییر وحدت ایالات خود

مقرر داشت و قوانین مشخصه و مختلفه را منسوخ داشته و قانون واحدی برای

اتخاذ وضع و اجرا نمایند.

اگر دقت در اعمال این پادشاه بکنیم [illegible] در اصلاح ایالات نکرده و تغییر عقاید و اوضاع

وقایع سابق داده است. ترتیب طبقات [illegible] در ممالک مختلفه [illegible] باقی

معروف و داشته [illegible] یکی از طبقه [illegible] طبقه (بورژوا) [illegible]

(۱۶۰) [illegible] و [illegible] در واقع [illegible]

~~[illegible]~~ و بهترین طبقات [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible]

مملکت ~~[illegible]~~ [illegible] و دولت [illegible] طبقه ~~[illegible]~~ تعلق داشت. تمام صاحبان [illegible] در [illegible]

کارکنان از این طبقه استخدام میشدند. و سایر مردم (توده رعایا) در اکثریت [illegible] در

حال عبودیت و رقیت [illegible] بیگار [illegible] ~~[illegible]~~

~~[illegible]~~ و [illegible] در آمد و

~~[illegible]~~ [illegible] ~~[illegible]~~ توقف در ~~[illegible]~~ قرای [illegible] اینها [illegible]

[illegible] حق [illegible] و [illegible] مگر [illegible] مالک که

[illegible] تغییر [illegible] و نفی [illegible] آن طبقه بورژوا [illegible]

~~[illegible]~~

مقیم [illegible] شد [illegible]

~~[illegible]~~ حق در [illegible]

اهمیت سیاسی و اقتصادی [illegible] [illegible] مملکت [illegible]

نتایج سلطنت فردریک

از زحمات فوق العاده فردریک دوم در مدت چهل و شش سال سلطنت او نتایج ذیل
بدست آمد. ~~[illegible]~~
جمعیت مملکت سه برابر و وسعت خاک دو برابر شد. در سال ۱۷۴۰ که فردریک دوم بتخت نشست
مساحت مملکت ۱۲۰۰۰۰ کیلومتر مربع بود و در سال وفاتش (۱۷ اوت ۱۷۸۶) به دویست هزار
بالغ شد. همچنین عده سکنه از دو میلیون و نیم به پنج میلیون رسید. لشکر از شصت هزار به
صد و شصت هزار نفر بالغ گشت و دولت [illegible] جزو عمده ممالک اطریش و فرانسه و روسیه را
در هم شکست. تفوق نظامی دولت را در اروپا احراز کرد. در خزانه دولت ۵۵ میلیون
تالر ذخیره شد و بحساب امروز ۱۷۰۰ میلیون فرانک میشود. در تاریخ تنظیم [illegible]
شاهنشاهی را در ردیف سلاطین فرانسه و انگلستان و اطریش و روسیه قرار میداد و
عجب این است که با جنگها و افزایش قدرت دولت [illegible] حاصل شد و رعایای
فردریک حق دوستش داشتند و او را فردریک [illegible] نام میدادند.

فصل پنجم

دولت اطریش در قرن هیجدهم

وصیت‌نامه‌ی فرمان پراگماتیک — ماری ترز — اصلاحات ژوزف دوم

در قرن هیجدهم حادثه‌ای که باعث شد مجمع اروپا دچار جنگ [illegible] با خانواده‌ی Habsbourg را دولت اطریش گویند در صورتیکه اطریش یا از جمله ممالک کثیره‌ای بود و این خانواده آن را فرمانروائی داشتند. دولت اطریش در آغاز قرن هیجدهم بنام خاک وراثت تاج و تخت اسپانیا و سعت وقایع [illegible] بی‌شک در اواسط همین قرن [illegible] وراثت سلطنت اطریش [illegible] دول معظم بر وفات امپراطور [illegible] میدان تاخت و تاز دول و مرکز سیاست اروپا گردید. در سنوات (۱۷۴۱ - ۱۷۴۸) پروس [illegible] و انگلستان و امراء آلمان برای اضمحلال اطریش متحد شدند و دولت [illegible] ماری ترز Marie-Thérèse [illegible] اطریش [illegible] تجزیه [illegible] از دست داد و در جنگ هفت ساله کوششهائی برای استرداد آن [illegible] از [illegible] (۱۷۵۶ - ۱۷۶۳) در سال (۱۷۷۲) دولت اطریش قسمتی از مملکت لهستان را ضمیمه قلمرو خود ساخت [illegible] را جبران نمود.

پس از [illegible] ماری ترز [illegible] اطریش [illegible] ژوزف دوم (۱۷۶۵ - ۱۷۹۰) دست [illegible] در مسیح [illegible] نمود و [illegible] در پروس [illegible] اصلاحاتی نمود [illegible] کار [illegible] تعیین [illegible] شد [illegible] کامیاب گشت. مقصود [illegible] سلاطین اطریش [illegible] بود ایجاد تشکیلات واحده و [illegible] ملل مختلف [illegible] یک ملک متحد بود [illegible] را [illegible] سال قبل [illegible] سه ساله [illegible]

(۱) رجوع شود تاریخ قرون جدیده ~~ص ۲۷۶~~

قلمرو دولت اطریش

در آغاز قرن هیجدهم دولت اطریش مرکب بود از ایالات موروثی یعنی ایالات اطریش

دوک‌نشین‌های استیری Styrie و کارنتی Carinthie و کارنیول Carniole و

کنت‌نشین تیرول Tyrol و نیز مملکت بوهم Bohême و مملکت هونگری

Hongrie که در اواخر قرن هفدهم بموجب عهدنامه

کارلوویتس Carlovitz (۱۶۹۹) قسمتی از اراضی عثمانی هم باین مملکت ضمیمه شد

جزیره سردنی Sardaigne و ایالت ناپل و ولایت میلان

در ایطالیا بموجب عهدنامه

اوترخت Utrecht و راشتات Rastadt جزو قلمرو اطریش محسوب شد

و در واقع عوض بود که از حق وراثت سلطنت اسپانیا دست کشید.

در عهد شارل ششم تقسیمات اراضی کراراً تغییر یافت

(از ۱۷۱۵ تا ۱۷۴۰) خاندان اطریش در سنه ۱۷۲۰ بموجب قرارداد مادرید برای

ختم مناقشات جدیدی که با دولت اسپانیا پیش آمد (۱۷۱۷ - ۱۷۲۰) ساردنی را

در ایطالیا با سیسیل معاوضه کرد. سپس نظر بخاتمه نزاع وراثت تاج و تخت

لهستان که بموجب عهدنامه وین (۱۷۳۵) سیسیل و ناپل را از دست داد

ولی در مقابل دوک‌نشین پارم Parme را در جوار میلان ضمیمه قلمرو خویش ساخت.

اطریش در جنگ جدیدی با عثمانیان کرد (۱۷۱۵ - ۱۷۱۸)

Eugène پرنس اوژن فتح ~~عهدنامه پوژاروات Pojarevats (۱۷۱۸)~~

در ظاهر شهر بلگراد (۱۵ اوت ۱۷۱۷) با پیروزی عهدنامه پوژاروات Pojarevats

مجبور شد که ولایت تمسوار Temesvar را که جزو مملکت هونگری است بعثمانیان

واگذارد.

عهدنامهٔ ... در حدود قطعی متصرفات عثمانی را ساحل جنوبی رود دانوب قرار داد

قسمتی از ایالت والاشی Valachie تا حدود آلوتا Aluta و ساحل یمین دانوب را

از اونا Una تا تیموک Timok بعلاوه اکثر قسمتهای بوسنی Bosnie

و بلگراد و تقریباً تمام صربستان کنونی را بدولت اطریش ملحق ساخت.

آن در نتیجه جنگ دیگر و با عثمانیان پیش آمد (۱۷۳۷ - ۱۷۳۹) بموجب عهدنامه

بلگراد (۱۷۳۹) این قسمت اخیر از اراضی ملحقه از تصرف دولت اطریش خارج شد.

خصایص دولت اطریش

بزرگترین قلمرو ... مملکت اطریش دارای ۲۴ میلیون جمعیت و ... از لحاظ وسعت

مربع ... شد ... زیرا از ... میلیون ... نگردد

[illegible] ... امتیاز ... دولت اطریش فقدان کامل وحدت بود ... قطعات قلمرو

اطریش در سراسر اروپا پراکنده بود از ... Pas de Calais تا ... واقع

دراز ... Lô تا ... Pô در ایتالیا. حتی بعضی از قطعات ...

... در میان ممالک خارجه

... Naples ... ممالک اطریش ... از اراضی

... ارتباط ... دولت اطریش ...

مختلف ... فرانسوی و فلامان ... ایتالیائی و ...

... و ... در واقع دولت اطریش ... ترکیب

از ... نمونه کوچکی از تمام قارهٔ اروپا محسوب میشد.

... از این قطعات ... خاص ... و مجلس ... داشته

... مختلف ... بود ... سیاه وجود

... Bohême ...

[illegible]

Rastatt ... Utrecht ...

[illegible]

تشکیلات سیع دو شسته شده در بلژیک ~~[illegible]~~ و جنبی بود مبنی بر زبان ولیس

~~بنجیا~~ Monlen . ولی ~~[illegible]~~ اجباراً بی تنگی تاجگذاری را به ایالات ~~[illegible]~~ اثر کرد

و حق کاری که دفعهٔ (م) مبنی بر فرمان آسیر کارف ماده ۳۱ از ~~[illegible]~~ فرمان

زرین Bulle d'Or معروفاً این بود که حق میداد که اگر امپراطور

برخلاف قوانین رفتار کند قیام مسلح نمایند .

ایالات و قطعات = دولت اطریش ~~[illegible]~~ به اندازه‌ای

برشته جز وحدت امپراطور و صاحب تاج و تخت چیزی مشترک نبود . ولی در حقیقت

ایالات و قطعات متفرق پراکنده و مختلف بود و زبانهای واحدی ~~[illegible]~~ در سرتاسر اطریش

همیشه برتری زبان آلمانی داشت . در واقع ~~[illegible]~~ اطریش مرکب همیشه از قطعات

پراکنده و یک بیت رزای مرکب از شاهزادگان مسلط بر آن زبان‌ها داشت

~~[illegible]~~ امپراطور علاوه بر تاج سلطنت مالک سابق اطریش ~~[illegible]~~

~~[illegible]~~ افسر شاهی آلمان را نیز دارا بود ولی افسر را در مدت سه

قرن اشراف انتخاب کنندگان امپراطوری آلمان مرتباً با فرزند خانواده هابسبورگ تقدیم میکردند

~~[illegible]~~ بعد (۱۴۳۸) از آنجا امراء منتخب آلمان ~~[illegible]~~ بعد به نوه اعضای خانواده

یکی از خانواده هابسبورگ ~~[illegible]~~ عنوان ~~[illegible]~~ آلمان را می‌یافت .

سرحدات قلمرو اطریش به دولت ~~[illegible]~~ و لهستان و روسیه و ساکس

و باویر و سویس و دولت و ونیز و مرکز تیقی ساووا Savoie و جمهوری ونیز

می‌پیوست و نظر بموقعیت جغرافیائی اطریش دوچار مناقشات کثیره بود . پس

بحکم ارقام خانواده سلطنتی هابسبورگ دو مشغله را تعقیب میکردند یکی کشیدن

[illegible]

لگر زدند و دیگر توحید و تنسیق امور را ممکن ساخت . آن گاه ... را و نیز از امپراطوری

سوم و لئوپولد Léopold و ژوزف اول Joseph I که پرنس

اوژن Eugène شروع بتجهیز کرد در ۱۷۱۵ عده سپاهیان به ... هزار رسید و از آن

جمله ... هزار سواره بود . آن ... توحید تشکیلات ممالک با ...

دور شهر وین Vienne ... از ادارات مرکزی ... میان جمیع ممالک امپراطوری

شرکت ... تشکیل ... . پس یک مجمع عالی جنگ برای امور حربیه و یک

دیوان ... برای امور مالی و یک ... برای امور خارجه . این تشکیلات

در مین ... عمومیت و نفاذ کلی نداشتند که بمنزله بذری بود که ...

تدریجاً و آهسته رشد و در ... کمال بگذارند .

شارل ششم

اما ... شارل ششم ... توجهی نکرد لیکن امپراطور در موقع جنگ وراثت

تاج و تخت اسپانیا را ... دول اروپا با ... اسپانیا مقابله کرد

و بعد از آنکه ژوزف اول (آوریل ۱۷۱۱) وفات یافت ... خانواده ... شد .

شارل ششم شاهزاده ... و صاحب ... چون ...

سابق ... اسپانیا ... در عالم خیال ... و ...

اسپانیا ... در دربار خود ... شورای اسپانیا تشکیل داد

مردی ... شده ...

... مردود بود ...

مستبد ... تمام حواسش متوجه ترتیب و پرورش دخترش ماری ترز بود

شغل شاهی و ... دائم او ... سیاست داخلی و خارجی ...

عادت خود را در قرون گذشته حفظ کرده و ... [illegible] طریق ارثی سلطنت ... خود
نقض ... سلطنت . تقسیم اینکه در اطریش ... [illegible] در موجب آن نظر حتم
ترتیب وراثت تاج و تخت و وحدت ... معین شده با وجود وراثت ...
هر یک از ممالک اطریش ... بنابر مقتضیات وقت و رعایت
حدود ... ترتیب خاصی ... در تقنین واقع ... خانوادگی
خود هر چه ... بموجب قوانین و ... یا مقررات دیگری ... حق را از
خود سلب کرده . لئوپولد امپراطور Leopold در موقع سلطنت
... و ... در سال ۱۷۰۳ وصیت‌نامه نوشته
و پسران خود ژوزف و شارل را باحترام و رعایت آن سوگند داد مقرر اینکه
پس از او سلطنت به ژوزف پسر بزرگ ... پس از وی ... پادشاهی برادرش
شارل منتقل بگردد و در صورتیکه شارل هم پسری نداشته باشد امپراطوری
بدختران ژوزف ... بترتیب ارشدیت . و بر فرض که
از ژوزف دختری ... سلطنت بدختر شارل ... خواهد رسید .
بنابر این وصیت در سال ۱۷۱۱ چون ژوزف اول مرد و ... شارل
امپراطور شد و دختران ژوزف اول محروم ماندند . و از ... شارل هم
خود ... [illegible] ... دختر ...
برادر خود بدختران ژوزف برسد .
در سال ۱۷۱۳ شارل ششم سوگند خود را نقض کرد و ... [illegible]
Pragmatique Sanction ... برای یکبار ... — وصیت شارل ششم
در ... وصیت‌نامه ... حق ... برادرزادگان خود (دختران ژوزف) را
سلب کرده ... و حق را ... [illegible]

شارل ششم جمیع قوای خود را صرف کرد که این وصیت‌نامه را دولتها محترم کرده شود

رسمیت ... را سوگند داد ... آن ممالک را تبعیت و اطاعت کنند

دختر بزرگ ژوزف را به اگوست دوم ساکس

Auguste de Saxe پسر پادشاه لهستان شوهر داد و دختر دوم را به انتخاب شارل آلبر

Charles-Albert پسر انتخاب کننده باویر Bavière درآورد و شوهران آنها را

قسم داد در مطیع وصیت زنده باشند

شارل ششم بدین طریق خواه پراگماتیک را دستور العمل فرمانروائی ساخت و در آن شد

که آنرا قانون اساسی مملکت نماید. جمیع دول اروپا از سال ۱۷۲۰ تا ۱۷۲۲

آن وصیت را برسمیت شناختند. لکن بعضی از ایالات در مقابل این شناسائی امتیازات

و عطایائی گرفتند که موجب ضعف امپراطوری گردید. شد از جمله در عوض

تقاضا کردند در امپراطوری آنها را ... سلطنت ... دولت فرانسه ... داشته

واضح است که آنها در رعایت آن ... بوده بعد ... داشتند

پس شارل ششم مصمم شد که از دول معظمه اروپا ... شارل

... وصیت زنده را تقاضا نماید ولی قرار داد ... بین الملل سازد

در طرف ده سال تمام دول اروپا متعهد حفظ وصیت او شدند (۱۷۲۵ - ۱۷۳۵)

اما شارل ششم مجبور گشت در عوض ... بعضی دول ... صرف نظر کند از جمله

در مقابل قبول اگوست دوم ساکس و پادشاه روسیه ... به جنگ ... گردید با

با فرانسه و اسپانیا (از ۱۷۳۳ تا ۱۷۳۸) در مورد تعیین جانشینی سلطان لهستان .

دیگر جنگ با دولت عثمانی (۱۷۳۷ - ۱۷۳۹) نتیجه جنگ اول این بود که ... از دست

رفتن ... ناپل و سیسیل بود و نتیجه جنگ دوم از دست شدن ...

والاشی Valachie و صربستان را بود لیکن در جنگ اخیر [illegible] موجب شده و مقدار عظیمی در بالکان دیگر
از اطریش [illegible] گردید. شارل ششم در سن پنجاه و شش سالگی بدون اولاد ذکور
[illegible] در جنگی که از خوردن قارچ [illegible] عارض شده بود وفات یافت و چندین
[illegible] طومار از معاهدات و هنوز راجع به ثبات جانشینی امپراطور برای دختر خود
ماری ترز بیادگار گذاشت. (۲۰ اکتبر ۱۷۴۰) ~~[illegible]~~
اما مدارک و اسناد فوق را بیش قوای نظامی عمل کند یعنی معاهدات را
احترام ارضاء نمی‌کرد فقط هوس دیگران [illegible] و دولت اطریش لیکن قوای او ناتوان بود یعنی
در تاریخ یک سپاه بیست هزار نفری و در ایالات خزانه سلطنتی صد هزار
فرانک موجود [illegible] نداشت

ماری ترز — Bavière

از موارد احوال حتی استفاده شده به دولت اطریش [illegible] لیکن ضعف فکر و فقر
خزانه در عهد ماری ترز رو به زوال خواهد نهاد. والی باویر و پادشاه
ساکس و [illegible] و اسپانیا متفقاً جنگ کردند [illegible] لیکن پیکار معروف
به جنگ وراثت امپراطوری اطریش است و از ۱۷۴۰ تا ۱۷۴۸ دوام یافت لیکن اطریش
جز ایالت سیلزی Silésie که فردریک دوم تصرف کرده بود [illegible] یک [illegible]
از خاک خود را از دست نداد علت بقای دولت این بود که ممالک مختلفه قلمرو امپراطوری
اطریش پشت هم داده و [illegible] تفرقه حاصل نکردند و همچنین ماری ترز قوت کار
و قدرت فوق العاده از خود بعرصه ظهور رسانید.
پیکارجویی ماری ترز [illegible] داشته و [illegible] لیکن [illegible] و آگاه از
دقایق امور بود [illegible] که [illegible] سالگی رسیده [illegible] سفیر انگلیس [illegible] اندر وقت
در حضور او ایستاده و چنین نوشته است. «در دوران سن ماری ترز به دقایق و تفاصیل کارها و دقائق
[illegible] دولت بر چیز که اطلاع دارد»

تمرین قسم ۱۷ کتاب

١٤٦

[illegible] عالیه [illegible] داشت
از عهد کودکی مادرش تربیت عظمت و شرافت خانواده و لزوم تعهدات [illegible]
سلطنت را در وی به جا نهاد و خود را مسئول ترقی آن میدانست. لیکن شغف زیاد امور اداری
گرفته و در کثرت کار از جمیع سلاطین زمان در گذشت. بیش که در حال [illegible]
اتمام بود تا صبح با هر چه [illegible] واقع [illegible] ملکه سخن میراند و جواب [illegible]
التماس میکرد که قدری استراحت کنید جواب میداد: «لا چند ساعت دیگر [illegible]
بیگاه عمل آنها حاضر خواهد شد باز تو میخواهی در آرام باشم؟!»
مگر [illegible] ولی قوی [illegible] داشت
نیروی اراده و ثبات قدم او هیچ وقت تزلزل نپذیرفت در سخت ترین واقعات
و [illegible] نشکست. [illegible] بسیار خیره و ضعیف [illegible] خویش [illegible]
و جهان بود در سالگی به چهار [illegible] ثبات داشت. [illegible]
نوشته است: «[illegible] در روی [illegible] ضعیف [illegible]»
روزی سالگی اطوار [illegible] ولادت [illegible] در تیاتر
اعلام [illegible] از اطاق خود برخاسته [illegible] کفایه [illegible]
Leopold [illegible] «[illegible]» جمیع خصال حمیده و اطوار [illegible]
[illegible] Broglie [illegible] «روز بروز [illegible]
[illegible] در ترقی [illegible] سیر میکرد.» [illegible]
[illegible] سال از [illegible] محبوب [illegible] در آینده
[illegible] : «[illegible] بزرگوار است [illegible]
[illegible] شرافت جنس او [illegible] تاج و تخت [illegible]» [illegible]
[illegible]: «[illegible] در [illegible] مردان بزرگ عالم است

الفضل با تهدید به الاعداء تاریخ جنگ الوراثت [illegible] اتریش [illegible]

چون در سنه ۱۷۴۸ ولایت سیلزی از دست رفت و جنگ در داشت

تاج و تخت اتریش حاصله پذیرفت ماری ترز قرار فوق الذکر را بصرف اصلاح فرا ؟

و جبران شکست ... او. مدت ده سال با توجه سلطنت را تمام کار اصلاح مالیه

و لشکر اشتغال ورزید و عده لشکر را به دویست هزار نفر بالغ نموده در جنگ هفت

ساله (۱۷۵۶ - ۱۷۶۳) پیشرفت آن هم ترز. معذلک نتوانست ایالت سیلزی را

دوباره بدست آورد.

اصلاحات ماری ترز

الف. ماری ترز ملهم شد که بدون ایجاد انقلاب باصلاح اوضاع داخله بپردازد

بنابراین عادات دیرین و موسسات سالفه را [illegible] اهم [illegible] گذاشت فقط

کارهایی را [illegible] تابع اصول جدید ساخت لیکن اقدام موجب افزایش قدرت

مرکز دیوانی اطریش شد و موسسات در پایتخت دایر گردید در مملکت را بجانب وحدت

می برد. شوراهای ایالت محدود شد. ماری ترز مجالس محلی را وادار کرد که قانون راجع بمالیات

کارهای ماری ترز

[illegible] تصویب وضع کند ~~[illegible]~~ و مدت آن را بر خلاف سابق [illegible] بجای

ده سال قرار بدهند. با این طریق ماری ترز حدود اختیارات مجالس محلی را که عبارت از

وضع قوانین مالیات و نظارت در [illegible] وضع مالیات بود لغو کند حق مجالس نزد دولت را

موقتاً ده سال خفیف و معلق ساخت و [illegible] عایدات [illegible] دولت [illegible]

[illegible] و تا آن وقت هیچ قسم عوارض نمی پرداختند مالیات گرفته شد و در مقابل

رعایای فقیر و طبقات ضعیف را از مالیات معاف داشتند. [illegible]

[illegible] قدرت سلطنت اطریش بالنتیجه افزوده شد و [illegible] سرشاری از [illegible] حکومت

دولت از اینجا سری تشکیلات [illegible] (... هزار فرانک) در از [illegible]

و برزیان مزارع به‌تحصیلدار شاهی مأخوذ می‌گردید. اجرای این اصلاحات و ابطال
وضع وصول مالیات و افزایش عوارض غیرمستقیم عایدات دولت را ترقی داد
چنانکه در موقع جلوس ماری ترز (۱۷۴۰) شصت میلیون فرانک بود و در وقت
وفات او (۱۷۸۰) به هزار و چهارصد میلیون فرانک شد
اما عمده مساعی ماری ترز در باب توحید ایالات پراکنده اطریش که از [illegible] بود
ابتدا در وین سه اداره تأسیس کرد یکی دیوان محاسبات که جمیع دخل و خرج
ایالات را باید رسیدگی و تفتیش کند. یکی عدالتخانه که محکمه عالیه امپراطوری بود
و یکی هیئت مدیره داخله که مراقب طرز اداره هر یک از قطعات مملکت بود.
و در هر یک از آنها ~~[illegible]~~ شعبه مستقر گردانید که تابع هیئت مدیره داخله
محسوب می‌گردید. در سال ۱۷۷۲ پس از بیست سال زحمت قانونی وضع و در تمام
قلمرو اطریش مجری داشت که مقررات را در همه جا یکسان می‌کند.
باید دانست که اصلاحات ماری ترز هیچ وجه نتیجه نقشه منظم و مرتبی
نبوده که قبلاً تهیه دیده باشند. بلکه بر طبق مقتضیات زمان عمل می‌کرد. با اینکه تمام
در مدت چهل سال تدابیر اجرائیه [illegible] شد و در همه ایالات [illegible] و ملکه
بموقع اجرا درآمد. و در ولایات ایطالیا و بلژیک و [illegible] و [illegible]
اجرای [illegible] معمول نگردید چرا که در این نقاط خاصه هنگری عادت ملی با استقلال
و آزادی عقیده رسوم سابقه خود را داشتند. بر سیاست ماری ترز به مقتضای مکان
و زمان تغییر پذیر بود.

خلف ارشد

ژوزف دوم

امپراطور ژوزف دوم پسر ماری ترز در ۲۹ نوامبر ۱۷۸۰

اگرچه ژوزف در سال ۱۷۶۵ زمام سلطنت را بدست

نگرفته ولی مادرش ماری ترز اورا از دخالت در امور داخلی منع می‌نمود. فقط بکار سپاه و سیاست

خارجه مداخله داشت و اقدامات مهم بمنصه ظهور رسانید. ژوزف در شاهزادگی هم

کاملاً تابع حقایق محسوس علمی بود و از فلسفه و نظری احتراز میکرد با اینکه

غالباً تکیه کلام او کلمه العقل الا بود و خودرا تابع عقل میشمرد ابداً

از عقل سلیم تبعیت نکرد. از غلبه و کامیابی منطقی داشت پرهیز از جانب

و مدعی بزرگ غافل بود. ژوزف بعدها در ۱۷۷۲ عاقبت ماری ترز را

از تردید بیرون آورده و مصمم نمود که شرکت جوید در فردریک کبیر و ... کاترین دوم

شهرت بجدول ملک لهستان و تقسیم و تجزیه آن خوان یغما شریک شد. ولی

ژوزف بسیار فعال و ساده بود و ... دارای صفات از فردریک

دوم تقلید میکرد. مادرش اگرچه شخصاً زندگانی ساده داشت لکن تجملات دربار را

رسوم را کاملاً حفظ کرده بود. اما ژوزف بمحض جلوس بر تخت سلطنت دربار را مبدل

به پادگان و سربازخانه کرد و وجه نفوذ نظامی را بجای افراد دولتی در دربار عهد لوئی ولیعهد

مجلس وزرا

بدون ... بدون ... ماند

حقیقت جلوه آورد. ... بجای ... نظامی در دربار دولت یکی از سوداری ... و ...

... ... وجود تاریخ ... جامه خانه یکی از ... شد

با بی نظامی ... در تاریخ ... صاحب منصبان آنجا

تفریح کار و حیات عبارت از حرکت دائم است. ... غالباً تنها همراهان

... نظامی ... در ... ... در ... ... و ... ... دارد و

مهمانخانه‌ها منزل ... ... ژوزف هم ... و ... مانند

فردریک ... ... و ... ... عقیده ... سلطنت را انجام میداد.

ساعت ۴ صبح به بیخوابی و تا ظهر کار میکرد بعد از سه ساعت استراحت تا [illegible] بعد از ظهر
مشغول کار میشد. در مدت سلطنت [illegible] تمام وقت ترتیب و [illegible]
گردید و عقیده داشت در این اصلاحات موجب سعادت ملت خواهد شد و
که علم — ~~[illegible]~~ و تحقیق کننده از افکار عقلی است (این گروه ژوزف ثانی را [illegible]
برای ما مراد [illegible] تفاوت نمی‌دید و اطراف [illegible] جز این نبود که ژوزف
موافق نقشه معینی و [illegible] اصلاحات نمود و [illegible] نقشه خاص خود [illegible]
چون ژوزف با افکار فیلسوفان زمان خود آشنا و به فلاسفه [illegible] معروف
[illegible] داشت میخواست در فلسفه [illegible] حقیقی [illegible] باشد)
بر اصول معینی را دایر مدار سیاست خود ساخت. و [illegible]
[illegible] موسسات [illegible] در موقع انقلاب کبیر میخواست از روی اصول منطقی
تشکیلات [illegible] را اصلاح نماید. ژوزف ثانی طالب بود وضع [illegible] را
در ~~[illegible]~~ [illegible] برود و از این گروه مطابق نقشه [illegible] نظری دقیق تغییر
[illegible] بدون ملاحظه حقایق [illegible] و رسوم و عادات سالفه [illegible]
Diderot
[illegible] عمل [illegible] کاترین [illegible]
نوشته است «فرق است میان آنچه شخص بر کاغذی [illegible] تا [illegible]
در واقع [illegible] [illegible] نقشه
ژوزف [illegible] موجب تقویت حکومت مرکزی و از [illegible]
[illegible] سیاست خارجی [illegible] و در واقع [illegible] فلسفه نظری [illegible]
[illegible] ~~[illegible]~~ اصلاحات او ~~[illegible]~~ [illegible]
[illegible].
اجتماعی - سیاسی - دینی.

[illegible]

اصلاحات اجتماعی

ژوزف دوم با سیاست اقتصادی که ... در اوایل ... پیش برد [illegible] از اوضاع

ملوک الطوایفی برقرار بود رعایا عبید مالکین بودند و هیچ [illegible] از

[illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] جز مالک داراب

حق [illegible] نداشتند و [illegible] در موقع ازدواج [illegible] از [illegible]

[illegible] رعایا [illegible] بود [illegible] حقارت رعایا [illegible]

«دهقانان [illegible] خنده تنفرانگیز است»

ژوزف یک ماه [illegible] «عقل دان نیست» عبودیت رعایا و

لغو کرد «زیرا که [illegible]» (۱۵ ژانویه ۱۷۸۱) [illegible]

[illegible] اموال رعایا را [illegible] [illegible] [illegible] روزی [illegible]

که [illegible] رعایا بود و حقی [illegible] نداشتند [illegible] فقط [illegible] مالکین

[illegible] حق ~~[illegible]~~ [illegible] برزگران ژوزف [illegible] جمیع افراد

مملکت را در مقابل قانون [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] «در این کار [illegible] آبادی

خزینه [illegible] و [illegible] ژوزف خواهد شد»

اصلاحات سیاسی — [illegible] ژوزف [illegible] مملکت وحدت قرار دارد

و قدرت امپراطور [illegible] [illegible] سلطنت

[illegible] «[illegible] سر آن [illegible]»

[illegible] تاج [illegible] تخت [illegible] Pragmatic [illegible]

بتخت بوهم Boheme را بدل مرکز متصرفات دولت اطریش کرد و تاج سلطنت
هونگری را از بوداپست کرسی آن مملکت بوین انتقال داد و موزه
مجموعه تاج ها قرار ~~[illegible]~~ گردید.

[illegible]

چون ژوزف دوم امپراطور آلمانی وارث دولت اطریش و ایالات موروثه او
آلمانی مذهب ~~[illegible]~~ عزم کرد که ولایات ~~[illegible]~~ خود را که دارای السنه و نژاد
مختلف مذهب متحد باشد و یک امپراطوری آلمانی تشکیل دهد پس زبان
آلمانی را رسمی کرده در مجارها و کرواتها و صربها و ایتالیائیها [illegible]
آن زبان را اجباری کرد. در مقابل اعتراض طوائف [illegible] ژوزف جواب
داد که: «[illegible] این ممالک به دین متفقه و حتی بر [illegible] [illegible]
اگر ولایت هونگری بزرگترین و معتبرترین قسمت ایالات ~~[illegible]~~ امپراطوری [illegible]
اتریش است [illegible] زبان [illegible] را بر دیگر ولایات تحمیل می کنم.» ژوزف
کم کم از انتخاب مجلس های ایالات جلوگیری کرد و تقسیمات جدیدی را سرحد بندی
ولایات داد و [illegible] مملکت را [illegible] والی ای در هر یک [illegible]
~~[illegible]~~ حوزه تعیین شد [illegible] جمیع عمال [illegible] از طرف [illegible]
و شغل آنها ~~[illegible]~~ تعطیل [illegible] گردید.

اصلاحات مذهبی — ژوزف در ۲۰ اکتبر ۱۷۸۱ قرار [illegible] ~~[illegible]~~ با آنکه پروتستان
کاتولیک [illegible] فرمان آزادی مذاهب را صادر کرد خلاصه
اینکه مذهب کاتولیک مذهب رسمی مملکت است لکن اتباع سایر مذاهب هم در معتقدات
و اعمال دینی خود آزاد ~~[illegible]~~ ولیکن [illegible] [illegible] [illegible]

اظهار عقاید

«عقل حکم میکند و اعمال مذهبی برای مردم بشمار» ۱۰۲

آزادی مطلق بود و امپراطور بنا بر تقاضای «عقل» خود بعضی حدود

و تقیید در آن قائل میشد چون در عهد ... و ... «الحیوان» ...

و هیچ خدا هیچ چیز اعتقاد نداشت ... [illegible]

«اگر مردی ... بعنوان فرقه الهی ... از فرقه

... ۲۴ شقوق ... از ...

... چون ...

همچنین ... Ordres Contemplatifs ... ۱۱۱

(چون از ... از ...)

از ... [illegible]

... [illegible]

... فرقه ... موجود است و ... از ...

... که از ... اصول

... تابع ... و از ... امپراطور ... شد

... (مذهب ...) ...

مجبور ... از ... در ... قیم ...

همچنین قدری ... حکم از طرف ... در ... (انتهای مرقوم ۱۸ اکتبر)

... تمام ... و ...

از نکات ... که از اوقاف کاملاً تشخیص داشت و از زمین قطعه به جز ...

وقتی که کارشناسی تعلیم و تربیت ... بقیه را شخص ساخت ... از املاک مزروعه

است و از مجموع اوقاف آن مواضع خالصه ... میباشد در آنرا ((اوقاف مذهبی))

نام نهاده ... مخصوص تأسیس مدارس طلاب دینی برای ترتیب و تعلیم کشیشها

~~...~~ کرد و دارالعلوم ... قریب ۱۵۰۰ (دارالفنون ... گشایش)

در ... الحاد ...

این اقدامات از سال ۱۷۸۰ تا ۱۷۸۲ انجام گرفت ... ژوزف دوم ...

~~...~~ ژوزف ... لقب ... قیم کلیسا و ناظر کلیسا است »

پاپ پی ششم ... از ... در ... ۱۷۸۲ بوین ...

~~...~~ ... از بعضی اقدامات خود منصرف سازد. امپراطور

در ... از ... خود را ... نکرد.

عادات. | اصلاحات سریع و عمومی ژوزف دوم ... که ...

... رسوم و عادات ملی اقدام نمود.

... در مجارستان ... در عاقبت منجر به قیام ...

... گردید.

مردم بلژیک ... که ... برابر ... و ... استقلال ...

... در ... تاریخ ...

...

[illegible]

از احوال امپراطور سرگرم جنگ با عثمانیان بود اهل هنگری [illegible] نیز داوطلب [illegible]

[illegible] . ناچار ژوزف مجبور شد که دعاوی (اختیار) جمهوری هنگری

موقوف سازد (۲۰ ژانویه ۱۷۹۰) و تاج سلطنت را مجدداً به هنگری

بازگرداند .

علت شورش بلژیک آن بود (ژانویه ۱۷۸۹) که اعمال اصلاحات

مذهبی موجب تعطیل [illegible] و والون [illegible]

[illegible] [illegible] امپراطور [illegible]

[illegible] . ژوزف [illegible]

[illegible] [illegible] را اول [illegible]

[illegible] [illegible] داد [illegible]

[illegible] [illegible] شورشیان [illegible]

(۲۷ اکتبر ۱۷۸۹) و استقلال [illegible] اعلام [illegible]

[illegible] (۰ ژانویه ۱۷۹۰) [illegible] امپراطور لئوپولد

Léopold [illegible] ژوزف [illegible] شورشیان [illegible]

[illegible]

[illegible] ژوزف [illegible] تمام [illegible]

[illegible] [illegible] ژوزف را [illegible]

[illegible] [illegible]

ولی در ایالت موراوی و ملک بوهم (یعنی در منطقه‌ای که تا سال ۱۹۱۸
ممالک اتریش را تشکیل میداد) قسمت اعظم [illegible] لذا ایالت را جزو
از اواسط قرن دهم مستقل بوده و بعد با بوهم ارتباط یافته و [illegible] از ملکه و
ژوزف دوم مبدل به یک ایالت آلمانی ساختند. از نظر اقتصادی و
دستور دستکم بود که طوایف چک با آنکه یک قرن تمام با جدیت
در این کار نتوانستند خود را از سلطه اتریش رهانیده تا اینکه
از حسن اتفاق «استقلال» در سال ۱۹۱۸ ممالک ثروتمند را در هم
شکسته و چک‌ها را آزاد ساخته. بعلاوه از نتایج اصلاحات
مالیه و اقتصادی [illegible] برابر گردید
و قوه نیرومند و مجهز تشکیل داد [illegible] مالیه و قشون [illegible]
[illegible] ژوزف دوم را تقریباً شده و اول اروپا را متحد ساخته
و دو سال بعد از وفات آن امپراطور بر جهات فرانسه روی آورده
و در اطراف تاریخ انقلاب کبیر فرانسه بجای برگشته.

157

سال دوم

فصل ششم

۳۰

سیاست دول در داخله اروپا — از ۱۷۱۵ تا ۱۷۶۳

سیاست داخلی فرانسه — بوربن‌ها و اتریش — رقابت فرانسه و انگلستان
پلتیک فرانسه — ضعف و جنگ جانشینی سلطنت اسپانیا — جنگ جانشینی لهستان — رقابت بوربن و اتریش در ...

قرن هیجدهم یکی از قرونی است که جنگ بسیار در آن واقع شده است مهمترین آنها که شرح آن
جنگ وراثت تخت و تاج اسپانیا که در آغاز این قرن در گرفت (۱۷۰۱-۱۷۱۴) و جنگهای
انقلاب فرانسه که در پایان قرن روی داد (۱۷۹۲-۱۸۰۲) عبارت بود از: جنگ
جانشینی سلطنت لهستان (۱۷۳۳-۱۷۳۸) جنگ وراثت تاج و تخت اطریش (۱۷۴۰-۱۷۴۸)
جنگ هفت ساله (۱۷۵۶-۱۷۶۳) جنگ استقلال ممالک متحده امریکای شمالی
(۱۷۷۵-۱۷۸۳) و جنگهای ترکیه و لهستان (۱۷۶۸-۱۷۷۴)
(۱۷۸۷-۱۷۹۲)

[ابهام و پیچیدگی سیاست اروپا در قرن ۱۸]

تاریخ جنگهای این قرن خیلی پیچیده‌تر از تاریخ حروب قرن هفدهم است بعلل ذیل:
اول آنکه در قرن هیجدهم دولت مقتدر و مسلطی وجود نداشت در قرن هفدهم لوئی چهاردهم فرانسه
ریاست اروپا ... مسلط و شرف ...
محور و مرکز کلیه پلتیک بود. اما در قرن هیجدهم قوای فرانسه و انگلستان
و اطریش و روسیه تقریباً تساوی داشت و هر یک از این دول از طریقی دیگر
پیش برده مقاصد خود بعضی فکر در اروپا چهار کانون سیاست پیدا شده
دوم آنکه در این قرن عده سیاستمداران افزوده شده بود در آن

پیش از میدان معتبر سیاست اروپا فرانسه و اطریش و اسپانیا و انگلستان و هلند بعد و در قرن

هیجدهم روسیه و پروس نیز داخل گشته

روسیه

قرن سوم اگر میدان جنگ توسعه یافته و حتی بخارج قاره اروپا

در قرن هیجدهم از مهمترین مبارزات در عرصه اروپای مرکزی و غربی رخ میداد لکن در قرن نوزدهم

عمده برای اراضی شرق اروپا و امریکای شمالی وجنوب و آسیا نیز آوردگاه

مبارزه شد.

چهارم رقابت های قدیم از قرن شانزدهم میان فرانسه و انگلیس و فرانسه و اطریش دوم

درشت و در قرن و دنباله آن کشیده شد و مناقشات فرانسه و انگلیس حتی از اروپا

تجاوز کرده بجنگ مستعمراتی تبدیل یافت عمده خصومت آن دول

سابقه دشمنی با رقیب جدید یعنی ... پروس و شکل تازه اتخاذ

مردم را شامل خویش ساخت: از جمله عداوت روس و اطریش و ...

وعثمانی که میان دول روسیه و اطریش و پروس موضوع مناقشات گردید:

علت عمده جنگهای اروپا در قرن هیجدهم این است که فرانسه و انگلستان و ... دفاع

اروپا سرگرم جدال بعد از مدافعه در سیاست اروپا برپا داشتند و ... در اعقاب

منازعات دول و قالب مکرر در ... مبارزات پروس و اطریش ...

سایر روابط مستعمرات با وقایع داخل اروپا بیدار مخلوط شده چنانکه

میدان جنگ وراثت سلطنت اطریش و جدال هفت ساله را بتمامه منازعات انگلیس

و فرانسه ... فرانسه و اطریش ... تغییر عقد و معاهدات تکمیل انتقال

و اتحاد دول ایتالیا و روسیه و امرای آلمان و هلند و خاندان ساووا Savoie

[illegible] نیز بعنوان متحد و یاور در یکی

از دو صف مبارزین قرار گرفته بود. خاندان ساووا Savoie در شمال ایتالیا شروع

بدست آوردن قدرت کرده و بعدها بوسیلهٔ او همان کاری که پروس در شمال آلمان میکرد او در شمال ایتالیا انجام میداد.

صفات [illegible] سیاست خارجی فرانسه

اگر از دوره انقلاب فرانسه صرف نظر کنیم لوئی چهاردهم در سیاست اروپا در قرن

هیجدهم کاملاً حاضر نگردید و دوره‌ای سخت را گذرانده است.

فرانسه در چهار جنگ عظیم و کمابیش دراز شرکت کرد: جنگ وراثت سلطنت لهستان (۱۷۳۳-۱۷۳۸)

جنگ وراثت امپراطوری اتریش (۱۷۴۱ - ۱۷۴۸) جنگ هفت ساله (۱۷۵۶-۱۷۶۳)

و جنگ استقلال امریکا (۱۷۷۶ - ۱۷۸۳) در زمان لوئی شانزدهم. در این مبارزات فرانسه

قوای خود را صرف کرده و جز یک ایالت (دو لورن) چیزی بدست نیاورد اما در مقابل

خسارات عظیم [illegible] دید و مستعمرات هند و کانادا را از کف داد

در قرن هیجدهم دو سیاست خارجی فرانسه هنوز که در زمان لوئی چهاردهم [illegible]

یکی سیاست داخل اروپا دیگر سیاست مستعمرات.

سیاست داخل اروپا سابقهٔ طولانی داشت و از قرن پانزدهم در جریان بود و بعد جلوه میداد

آن را دنبال میکرد [illegible]

تنزل داده خاندان امپراطوری اتریش را [illegible] عبارت از قرن شانزدهم

دو رقیب سیاسی فرانسه شده بود. دیگر این عمل را از زمان ریشلیو بپایان رسانده بود:

و بدین ترتیب فرانسه را بحدود طبیعی رسانید و سابقاً دولت شکل آن جا میرسید که نفوذ فرانسه را

حدود آن باید توسعه بخشید و بحدود طبیعی برسد و سیاستی را در دست بگیرد [illegible]

[illegible]

یعنی لورن و ساووا [illegible] و [illegible] را لوئی ملحق ساخت . لکن در معاهده ریسویک

[illegible] را در جنگ وراثت اطریش و وراثت لهستان وارد کرده و ایالت

لورن را نصیب فرانسه کرد .

آن سیاست مستعمراتی عظیمی که در عهد ریشلیو مطرح افتاده و کولبر

Colbert وزیر تجارت و امور [illegible] بود . مقصود از آن سیاست ایجاد مستعملات فرانسه

خارج اروپا و [illegible] تجارت و تصرف قسمتی از امریکای شمالی (کانادا و لوئیزیان)

و [illegible] تجارت [illegible] که [illegible] بازار [illegible] تعقیب میکردید . بنابراین هرگام

[illegible] دولت فرانسه [illegible] در جنگ وراثت امپراطوری اطریش و جدال هفت ساله

بعد (۱۷۵۶) ~~[illegible]~~ با انگلستان ~~[illegible]~~ که رقیب منافع

و [illegible] او [illegible] مرتبه [illegible] داد .

دولت او در سلطنت لوئی پانزدهم (۱۷۴۸ - ۱۷۵۶) در جنگ وراثت اطریش

فاتح [illegible] در جدال هفت ساله [illegible] اتفاق بود دولت فرانسه [illegible] از سیاست

[illegible] (سیاست [illegible] اروپا و سیاست استعماری) [illegible] را اختیار کند چون از عقلاء

[illegible] سیاست سابق [illegible] از تشکیل امپراطوری اطریش

[illegible] موضوع [illegible] اطریش دیگر [illegible] برای فرانسه خطرناک [illegible] در

[illegible] بعد [illegible] دولت [illegible]

[illegible] فرانسه [illegible] حفظ تعادل سیاسی اروپا اکتفا کرده [illegible]

[illegible] سیاست استعماری [illegible] و دفع انگلستان بپردازد .

[illegible]

(۱۷۴۰ - ۱۷۸۶) [illegible] (۱۷۴۱ - ۱۷۴۸) [illegible]

(۱۷۵۶ - ۱۷۶۳) [illegible]

[illegible]

بنا بر همین نظر یکی از وقایع مشهوره تاریخ آن عهد که معروف به ~~[illegible]~~ انقلاب اتحادها

(renversement des Alliances) است یعنی دو خصم قدیم فرانسه و اطریش با هم دست اتحاد داده و در یک

صف جنگ [illegible].

اما چون در روش دولت فرانسه یک اراده نیرومند و ثابتی وجود نداشت [illegible]

بدون [illegible] فتور مراقب ~~[illegible]~~ استقلالی باشد و سیاست کهنه سابق انگلستان هنوز

در فرانسه طرفدار بسیار داشت دولت مزبور بی اختیار [illegible] جنگ های اطریش و پروس [illegible]

[illegible] سالها و هم در داخله اروپا و هم در خارج [illegible] گران تمام شد

و مستعمرات [illegible] از دست آن دولت رفت ملت و شاه فرانسه از آنها

[illegible] عظیم [illegible] در سلطنت لوئی [illegible] دولت اطریش [illegible]

[illegible] شکست [illegible] ~~[illegible]~~ از جا در آمد

[illegible] و اطریش [illegible] زن لوئی [illegible] فرانسه [illegible] و مسئول حادثات

خونریزی و کینه [illegible] اطریش [illegible] تقیب [illegible]

[illegible] انقلاب [illegible] اطریش [illegible] گردید. بجای [illegible] انتقام

فرانسویان بحیث آمده [illegible] انتقام [illegible] مستعمرات انگلیس را

[illegible] و [illegible] داد [illegible] جنگ [illegible] منتهی باستقلال

ممالک متحده امریکا گردید [illegible] و فاتح گردید.

اگر فقط از لحاظ سیاست داخلی اروپا تاریخ فرانسه بنگریم [illegible] سلطه

و [illegible] آن دولت در عبارت و تمثیت [illegible] سیاست بین الملل [illegible] گذاشت

در عهد لوئی [illegible] فرانسه [illegible] جنگ [illegible] دور جنگ

[illegible]

یعنی ماری ترز امپراطور اطریش هم بزرگترین عامل اتحاد حول [illegible] بود ولی در نفس الامر
مسئله جنگ هفت ساله فقط معاوضه و [illegible] اطریش محسوب گشت و چون نوبت
تجزیه دولت استقلال رسید ابداً [illegible] فرانسه را بجائی نگرفته و هیچ نفعی را بالبداهه
منظور نداشتند
یکی از مشخصات سیاست خارجی فرانسه در عهد لوئی پانزدهم این بود در هر پیش آمدی دور
بر عقب قرار داده روز بروز ضعف دولت فرانسه ظاهرتر و نفوذ سیاسی او ناقص‌تر گردید
در اتحاد [illegible] با انگلستان و اسپانیا و اطریش گرد آمد. فتح فرانسه در [illegible] هم بعد
ولی [illegible] برای قرن بعد هم به منافع فرانسه [illegible] گردید و مقدم محسوب
نگردید [illegible] در حقیقت اتحاد فرانسه و اسپانیا [illegible]
بجای قوت موجب ضعف فرانسه گردید و فشار [illegible] و بار خسارات
و تلفات جنگ بیشتر بر فرانسه وارد شد [illegible] جنگ
وراثت امپراطوری اطریش و فرانسه ممالک [illegible] را متصرف آورده بعد [illegible]
با اسپانیا در [illegible] معاهده اکس لاشاپل Aix-la-Chapelle (۱۷۴۸) مجبور
شرکت ولایات مسترد گردید.

I

سیاست فرانسه - تنظیم قطعی امور وراثت سلطنت اسپانیا

جنگ وراثت تاج و تخت لهستان

عهد [illegible] فرانسه پس از [struck through] [illegible] بعد از وفات لوئی چهاردهم تا دو سال [illegible]

و نایب السلطنه [illegible] (۱۷۱۵ - ۱۷۲۳) تاریخ اروپا [illegible]

در نهایت تیرگی و ابهام است. وقایع عمده این مدت اتحاد فرانسه با انگلستان و [illegible] شده

امور وراثت خانواده سلطنت اسپانیا بود. [illegible] [illegible] داشته [illegible]

[struck through] و یک علت دیگر [illegible] [illegible] انگلستان و فرانسه [illegible]

[illegible] بطور قطع ترتیب وراثت. پادشاهی اسپانیا را [illegible] [illegible]

چون صلح اوترخت [struck through] Utrecht صورت گرفت.

[struck through] [illegible] و [illegible] اسپانیا [illegible] دو جانب عهد [illegible]

در [illegible] و [illegible] با [illegible] و صلح [illegible]. [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و [struck through] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] داشت [illegible] [illegible] در انگلستان [illegible] [illegible]

[struck through] [illegible] [illegible] [illegible]. [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اسپانیا را [illegible] [illegible]

و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] از [illegible] شده بود. اما [illegible].

۱۶۸

دنی فقط گردید حقیقی معظم شارل ششم امپراطور اطریش و فیلیپ پنجم پادشاه اسپانیا

این قرارداد را [illegible] دول اروپا آن [illegible] را مجبور [illegible] کردند

ولیعهد [illegible] اسپانی [illegible] و [illegible] امپراطور اطریش در [illegible]

سیسیل را ارث [illegible] ساردنی Sardaigne را [illegible]

نداشت و [illegible] پادشاهی خود یعنی تقاضای تاج و تخت اسپانیا برقرار [illegible]

در اطریش وزارت [illegible] وزارت اسپانی [illegible] داد.

فیلیپ پنجم [illegible] ولایات ایطالیا [illegible] ناپل و سیسیل و ساردنی

و میلان [illegible] دول اروپا از اسپانی [illegible] و امپراطور اطریش [illegible]

دوک ساووا Savoie [illegible] ارث [illegible]

[illegible] عهدنامه اوترخت [illegible] پادشاه اسپانی [illegible]

[illegible] تاج و تخت فرانسه [illegible] قدرت و نفوذ [illegible]

[illegible] پادشاه [illegible]

اسپانی [illegible] نایب السلطنه [illegible]

[illegible] نایب السلطنه [illegible]

سلطنت [illegible] نایب السلطنه [illegible] فیلیپ پنجم [illegible]

[illegible] نایب السلطنه [illegible] اسپانیا [illegible]

[illegible] قرارداد و [illegible]

I

[illegible]

(۱۷۱۳ - ۱۷۱۵) [illegible]

Utrecht [illegible]

ولستید را به سیاست تجاوزکارانه در قلمرو اسپانیا داشته متهم ساخت و با انگلستان قرارداد تجارتی و مقدمه معاهده سیاسی بود منعقد گردانید (دسامبر ۱۷۱۵)

نایب السلطنه چون اوضاع را باین منوال دید برآن شد که در صدد عقد اتحاد با انگلستان برآید. ژرژ اول شاه انگلیس از طرف خود با نایب السلطنه قرابت داشت و قبل از دامات وی جزو حزب ویگها تحت حمایت قرار داد با او دوست بود. در این وقت حال و موقع ژرژ شباهت تامی بوضع نایب السلطنه داشت زیرا که دوک دورلئان از پادشاه اسپانی در ترس و ژرژ هم از شورش اهل اکوس و حمله ژاک استوارت بسلطنت بیم داشت. پس برای ثبات وضع و سلطنت خطرهای داخلی حاضر شدند که عقد دوستی ببندند

اتحاد هانوور

اول کسی که باین خیال افتاد یکی از محارم دوک دورلئان موسوم به دوبوا Dubois بود که سابقاً سمت معلمی او را داشت. راجع به شخص دوبوا و احوال و صفات او اهل فرانسه تا مدتی دراز در اشتباه بودند زیرا که او را از روی توصیفات سن سیمون میشناختند. در حقیقت دوبوا مردی بیوجدان و عاری از نجابت بود اما مردی متین و آرام و دارای صفات و زیرک بود. در این اقدام که او هم منافع شخصی نایب السلطنه و هم سود عموم فرانسه را در نظر گرفت. نایب السلطنه ~~[illegible]~~ دوبوا را در این وقت [illegible] بامور مذاکره با دولت انگلیس مامور کرد و او با لباس مبدل بلاهه رفته و استنهوپ وزیر انگلیس را ملاقات نمود (ژوئیه ~~[illegible]~~ ۱۷۱۶) سپس در حوزه انتخابیه هانور ملاقات ثبوتش رسید (۱۰ اکتبر ۱۷۱۶) در اینجا قراردادی منعقد گشت در سال بعد مبدل باتحاد سه‌گانه گردید و هلند هم که تا آن وقت با بر قول [illegible] (دنباله انگلستان) محسوب میشد دیگر تا [illegible] روان بود تشکیل یافت (۴ ژانویه ۱۷۱۷)

[illegible]

شرایط عهد و قرارداد از قرار ذیل بود: ناپل و سیسیل تسلیم ... ژرژ اتریش گردید و سلطنت انگلستان

جمهوری ترک آن مملکت و فرزند ایطالیا نماید. دول ثلاثه متعهد شدند که سلطنت انگلیس را در

خانواده هانور موروثی بشناسند و وراثت تاج و تخت فرانسه را مطابق مقررات عهدنامه اوترخت

محترم شمارند. این عهد اتفاق سه‌گانه ~~...~~ ملزم آن (۱۷۱۷) نیامده هلند را نیز برقرار نمود.

چون خبر اتحاد هانور در میان اهالی فرانسه منتشر شد و از جانب فرانسویان دشمن قدیم

و رقیب ... انگلیس بین انگلستان و اطلاع حاصل گردید عموماً آن اقدام را خیانت ... محسوب داشته

و سخط معروف کردند و دوبوا ... Dubois از انگلیس پول گرفته و مملکت فرانسه را فروخته است. آن

حقیقت ممکن است بود اتحاد هانور بنفع فرانسه بود و پولی که در این کار مصرف رسید

... معلوم بود و خود دوبوا با انگلیس و هلند رشوت داد. اما نفع شخصی

دوبوا این شد که نسبت سلطنت دربار را بمعرفت سفیر ~~...~~ انگلستان بهم خارج

انتساب کرد و چندی بعد بمقام کاردینالی و ... صدارت عظمی رسید (۱۷۲۲)

مرجب حقیقی اتحاد هانور اغراض شخصی و حفظ منافع ... سلطنت | اتحاد دول ثلاثه — و ترتیب قرارداد ناهمواری و اسپانیا

عمل ... اما از ابتدا ~~...~~ دوبوا در نظر داشت

که این اتحاد را وسیله صلح کلی قرار دهد. دلیلی هم بر این مطلب عهدنامه است که در مکتوبی که

با ستنهوپ فرستاده می‌نویسد: «بهترین ثمره این اتحاد آن خواهد بود که صلح کلی

میان امپراطور و شاه اسپانیا بطور ثابت برقرار گردد.»

اما این صلح ثابت ظاهراً معلقات جدیدی معارف شد و در ایطالیا در نزاع

بود. در ... بواسطه دوک دوپارم due de Parme و دوک بزرگ توسکان Toscane

اشتغال یافت. زن فیلیپ پنجم موسوم به الیزابت فارنز Elisabeth Farnèse

ولیعهد و میراث سلطنت حق ثابت و مشروعی داشت و چون اولاد الیزابت امید

وصول سلطنت اسپانیا را نداشتند و اگر فیلیپ پنجم از زن اول خود دو پسر داشت و طبعاً

جانشین او محسوب میشدند پس الیزابت میخواست برتری امارت پارم و

توسکان را برای اولاد خود متصرف شود. اما امارت

مزبور وراث و مدعیان دیگر نیز داشت که امپراطور اطریش مخصوصاً رقابت

با اسپانیا و آنها را تقویت میکرد.

پس مع الطاف زن و ادعای مستقبل موجب تزاید اشتغال و تغییر مصالحه

امپراطور و شاه اسپانیا میشد لکن دوبوا و استنهوپ Stanhope مصمم گشتند

در بین وقایع جدیده را وسیله عقد اتفاق و شرف معهود قرار دهند.

پس در اول معاهده مقرر داشتند که دعاوی اطریش و اسپانی بطریق ذیل تصفیه شود.

پادشاه اسپانیا وعده داده در عهد وراثت امارات پارم و توسکان را

بپسر دوم خود بدهد مشروط براینکه از متصرفات خود در قطعه ایطالی دست بکشد.

با امپراطور اطریش ولایت سیسیل را بدهد مشروط آنکه هیچوقت نسبت سلطنت اسپانیا

ادعائی نکند و فیلیپ پنجم را رسماً بشهریاری آن مملکت بشناسد. ولیعهد ساین

تاج فرانسه را به پادشاه ساووا Savoie در سیاست [illegible]

و مکر و غدر او تمام دول اروپا را خشمناک کرده بود

وادار کردند در ایالت حاصلخیز و ثروتمند سیسیل را از او گرفته سرزمین

بی حاصل ساردنی Sardaigne را بدو واگذاشتند

Marie Louise de Parme

وزیر معتبر گرفت و فیلیپ پنجم را مجبور به قبول کرد که دولتین فرانسه

و شارل ششم را به پذیرفتن قرار و مقررات وادارد. اما شارل نیز

اقدامات انگلیس را بیرون [illegible] تمام تلقی کرد و فیلیپ پنجم مقررات [illegible] شاهزاده

ولیعهد [illegible] را [illegible] [illegible]. بر سر [illegible] اولاد از [illegible] داشتند.

البرونی

Alberoni در آن وقت وزیر فیلیپ پنجم مردی ایتالیائی [illegible] البرونی بود

لیکن [illegible] پدر [illegible] از [illegible] [illegible] بود در [illegible] [illegible] سلوک

Vendôme [illegible] در تمام جنگ [illegible] [illegible] اسپانیا با دوک دو واندوم

روابط صمیمانه خاص [illegible] [illegible] خود [illegible] آلبرونی [illegible] در حوزه

خدام خاص پادشاه اسپانیا درآمد. چون زن فیلیپ پنجم فوت کرد البرونی پس از

[illegible] کوشید تا الیزابت فارنز را به حبالهٔ نکاح او درآورد (۱۷۱۴) و از آن

[illegible] در پادشاه نفوذ قوی داشت البرونی را بصدارت رسانید. البرونی

مردی [illegible] بسیار [illegible] و در جنب اقدام [illegible] و فوق العاده فعال و

متهور و جدی بود. در آن وقت [illegible] داشت [illegible] میخواست اسپانیا را

از رخوت و کسالت [illegible] درآورده [illegible] [illegible] دوره [illegible] معظم سازد. در

طرف [illegible] [illegible] [illegible] هزار سرباز تدارک دید. [illegible] [illegible]

دیگر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] مالیه و فلاحت

و صنعت ترقیات [illegible] نائل [illegible]. [illegible] البرونی

بیش از هر چیز حب وطن خود ایطالیا را در دل داشت میخواست وطنش را صورت

و [illegible] [illegible] سلطه خارجیان [illegible] [illegible] دولت اسپانیا را وسیله

دفع [illegible] قرار دهد میخواست سلطنت ایطالیا را با [illegible] الیزابت فارنز

[illegible]

کاردینالی را از پاپ بستاند

از ماه اوت ۱۷۱۷ آلبرونی شروع باجرای نقشه خود در موقعی که

اطریش با عثمانی سرگرم جنگ بود به بهانه بعضی اشتباهات اطریشی‌ها از روی سپاه برای

تصرف [illegible] سرباز بجزیره ساردنی پیاده کرده و آن جزیره را

(۱۲ اوت ۱۷۱۸) چون انگلیس در ژوئن [illegible] اعتراض کرد آلبرونی [illegible]

برای مشغول کردن آن دولت و [illegible] از کار انداختن آنها دسیسه غریبی کرد.

او ژاک استوارت مدعی سلطنت انگلیس و شارل دوازدهم پادشاه سوئد را از طرف

تحریک به جنگ با دولت انگلیس واداشت در فرانسه سفیر اسپانیا موسوم به سلامار را مامور نمود که

باتفاق شاهزاده خانم [illegible] زن duchesse de Maine [illegible] ۱۴۱

برتانی و نواحی و نادار را بر دولت بشوراند و حتی در صدد [illegible] قتل دوازده یا برآمد

نایب السلطنه را نیز بعلت مخالفت شاهزاده خانم مذکور با نایب السلطنه بود و شوهرش را

از عضویت شورای نیابت سلطنت معزول کرده بود ولی پیش از آنکه بخیر جا عملی

و صورت خارجی بگیرد کشف گردید.

جنگ آلبرونی

در اول ژوئیه ۱۷۱۸ سربازان اسپانیولی سیسیل [illegible] وارد شده پالرم

Palerme و مسین Messine را متصرف [illegible] درآورده

این آخرین فتح و پیشرفت آلبرونی بود در اطراف او از جانب دول و تهور اسپانیا

بیدار شده [illegible] شرائط [illegible] متحدین ثلثه رضایت داده [illegible] جزء [illegible]

اتحادیه مذکور اروپائی بر [illegible] آن را متحدین اربعه یا اتحاد اربعه خوانند [illegible]

(اوت ۱۷۱۸) چند روز بعد در دریای جنوب سیسیل (دماغه پاسارو Passaro)

[illegible]

Byng

جنگ (۱) اسپانیا و انگلیس ۲۳ کشتی اسپانیولی را غرق یا دستگیر کرد (۱۱ اوت ۱۷۱۸) و از طرف
قوای عثمانی شکست یافته و معاهده پوژارواتس Pozarevats را با امپراطور اطریش امضا
نمود (۲۱ ژوئیه ۱۷۱۸) [illegible] (۱۱ دسامبر ۱۷۱۸)
[illegible] (۵ دسامبر ۱۷۱۸) [illegible]
[illegible] فیلیپ پنجم اعلان جنگ داد (۲ و ۹ ژانویه ۱۷۱۹). قشون فرانسه
[illegible] دیگر در فیلیپ پنجم [illegible] بروت
آرمادا Armada [illegible] شاه اسپانیا [illegible]
صلح کرد و آلبرونی را [illegible] اتحاد اربعه [illegible] صلح [illegible]
ساخت (دسامبر ۱۷۱۹) و [illegible] اربعه [illegible]
[illegible] (۶ ژانویه ۱۷۲۰)

کنفرانس کامبره

[illegible] Cambrai [illegible]
تثبیت صلح [illegible] فرانسه و اسپانیا [illegible] فیلیپ پنجم و الیزابت
فارنز Elizabeth Farnèse ازدواج کرد [illegible]
[illegible]
[illegible] (۱۷۲۵) [illegible] فیلیپ پنجم [illegible]
[illegible] با اسپانیا بازگردانید. [illegible]
[illegible] امپراطور اطریش [illegible]

(۱) [illegible] تاریخ [illegible]

که عهدنامهٔ دوم وین منعقد شد نسخهٔ بدل قرارداد دول اربعه تلقی بود و جمیع اشکالات دوم
دوم را از میان بر می‌داشت (۳۰ اوریل ۱۷۲۵) بموجب این عهدنامه پس از ۲۵ سال جنگ
و مذاکرات سیاسی ترتیب وراثت تخت و تاج اسپانیا معین و منظم گردید

اتفاق فرانسه و اسپانیا

دول میان فرانسه و اسپانیا [illegible] بود چون فلوری بصدارت رسید حد اعلی کوشش را نمود تا فیلیپ
دوم و دولت فرانسه را آشتی داد (۱۷۲۷) آنگاه به تحریک او معاهده سویل
Séville اتفاق کرد (۹ نوامبر ۱۷۲۹) که قرارداد چون [illegible] از اروپا [illegible]
دولتهای مذکور دول اربعه را تکرار و تأیید می‌کرد لیکن اهمیتش در درجه دوم بود حقیقت
لکن برای فرانسه نتایج فوق العاده عظیم داشت زیرا که اولین ظهور اتفاق [illegible]
فرانسه و اسپانیا بود [illegible] نیز [illegible] سلطنت فرانسه [illegible]
[illegible] وراثت فرانسه فقط [illegible] حفظ [illegible] معاهده [illegible] (اسپانیا) جنگ [illegible]

[illegible] دول اروپا [illegible]

وراثت سلطنت لهستان

اگرچه [illegible] دول اروپا [illegible]
در حقیقت این صلح [illegible] از ۸ سال [illegible] (از ۱۷۲۵ تا ۱۷۳۳)
• سبب عمده این صلح موقت [illegible] فرانسه و انگلیس [illegible] عقل و متانت و صلح
طلبی [illegible] و والپول Walpole و [illegible]
وراثت [illegible] (در این [illegible] دوره [illegible] تاریخ [illegible] شده) • لکن چون
سال ۱۷۳۳ [illegible] صلح طلبی [illegible] از پیش برد و دول
[illegible] در جنگ وراثت تاج و تخت لهستان داخل شد.
تفصیل اینکه [illegible] وفات اگوست دوم (فوریه ۱۷۳۳) سلطنت لهستان [illegible]
[illegible] مقام [illegible] پسر اگوست دوم [illegible] منصب [illegible]
اگوست سوم

(۱۷۱۸ [illegible]) [illegible]
[illegible] Pragmatic [illegible]
(۱۷۱۸ [illegible]) [illegible]
[illegible]
(۱۷۲۰ [illegible]) [illegible]
[illegible]

در ~~[illegible]~~ (از ورق بعد) شارل ششم امپراطور اطریش ~~[illegible]~~ . دیگر استانیسلاس لژنسکا

پدر زن لوئی پانزدهم که سی سال قبل شارل دوازدهم جانشین او را به جای اوگوست دوم

نصب کرده و بر اثر جنگ پولتاوا معزول گردید . استانیسلاس ...

[illegible] ورود به لهستان و با گرفتن ۶۰۰۰۰ رای ~~[illegible]~~ منتخب شد

~~[illegible]~~ اوگوست سوم فقط چهار هزار رای داشت .

(سپتامبر ۱۷۳۳)

آنا هر دولت قوی شد روسیه و اطریش طرفدار اوگوست سوم بودند . روسها از تعیین اوضاع

نسبت به آن نظری داشتند و فرانسه ... که در دولت ... است

آنا عمت حمایت امپراطور اطریش این بود که اوگوست سوم سلطنت ... و از ادعای

... بعد از مرگ تاج و تخت ... صرف نظر کند و وصیت ... را

... . قشون روس و اطریش وارد خاک لهستان شدند . استانیسلاس لژنسکا

... در دانزیک محصور شد و بعد از شش ماه محاصره ... تبدیل قیافه

راه فرار پیش گرفت و جان از ورطه ~~[illegible]~~ هلاک بدر برد . (ژوئیه تا ژوئیه ۱۷۳۴)

دو دفعه فرانسه

... به حمایت ... برخاست . آنا عمت ... فقط ... قرارات

... در زیر پرچم ~~[illegible]~~ ... لهستان ... . از اول

... سیاست ... بود ~~[illegible]~~ ... و ... در اروپا

شرقی داشته ... از طرف شرق به دولت اطریش ... با عثمانیان

... است . ~~[illegible]~~ ... عثمانیان ... نشسته ... معاهدات

کارلوتس Carlovitz (۱۶۹۹) و پوزارواچ Pojarevatz (۱۷۱۸)

از متصرفات خود و [illegible] کثیره را ضعف خویش اقرار نمود و بهمین جهت بود متحد شده و
مستملکات خود را از دست داد (۱۷۲۱) حالت فرانسه در مشرق اروپا با پاره‌ای [illegible]
و از طرفی هم امپراطوری اطریش بر قدرت سابق افزوده و دولت جدید بنام روسیه قدم در
عرصه سیاست نهاد. بر فرانسه‌ای [illegible] حفظ سوابق [illegible] نفوذ خود را در لهستان
[illegible] حفظ نمود.

جنگ با امپراطور

اغراض خصوصی متعاقب از وزراء و دربار [illegible] نتیجه چرا [illegible] تاریخ [illegible] و [illegible] بالاخره
بین فرانسه [illegible] ~~[illegible]~~ با امپراطور [illegible] اکتبر ۱۷۳۳ [illegible]
جنگ [illegible] داد. لکن فرانسه و [illegible] امپراطور اطریش [illegible] فقط [illegible] مشترک [illegible]
[illegible] چند [illegible] در [illegible] [illegible] با [illegible] سفیر [illegible]
دیگر از خیال [illegible] حالت [illegible] فرانسه [illegible] بر [illegible] جنگ [illegible]

او وحدت ایطالیا.

[illegible] ایطالیا [illegible] با دوک دو ساووا Savoie کرده
ساردنی [illegible] اسپانیا [illegible] [illegible] شاه. ساردنی [illegible] انتقام
از دست [illegible] سیسیل را [illegible] ولایت [illegible] را [illegible] آورد [illegible]
قرارداد تورن Turin [illegible] [illegible] ولایت [illegible] [illegible] را [illegible] [illegible]
شرط آنکه ~~[illegible]~~ ولایت ساووا Savoie [illegible] الحاق نمود (۲۱ سپتامبر ۱۷۳۳)
اما فیلیپ پنجم و الیزابت [illegible] ملکه اسپانیا [illegible] فرانسه [illegible] از ۱۷۳۱
[illegible] را در [illegible] [illegible] [illegible] را
به [illegible] بموجب قرارداد [illegible] خانوادگی اسکوریال Scurial (۷ نوامبر ۱۷۳۳)
ناپل و سیسیل نیز [illegible] کارلوس [illegible] تعلق گیرد.

(۱۷۳۵)

لیکن جنگ لازم نبود محاربات سابقه بی‌اراده بود. و دو سال جنگ طول کشید (از ۱۷۳۳ - ۱۷۳۵)
در اطراف رود رن Rhin و در ایتالیا. شدت جنگ بیشتر [illegible] اشتغال یافت و در دفعه
امداد جنگ فرانسه به رهبری شارل ششم در تمام مصاف‌ها مغلوب شد. در نواحی
رن مرشال ویلار قلعه Kehl و فیلیپسبورگ Philipsburg (اکتبر ۱۷۳۳)
مسخر کرد. در ایتالیا دو لشکر در میدان جنگ بود [illegible] در سمت شمال یعنی دشت
پو Pô و هم در جنوب یعنی شبه جزیره ایتالیا مشغول بود. در جبهه اول فرانسویان
دولت میلان را تصرف کردند و در دو جنگ در پارم Parme و گواستالا Guastalla
(۱۹ سپتامبر ۱۷۳۴) فتح نمایان کردند. در جنوب لشکر اسپانیا سلطنت ناپل
و سیسیل را مسخر ساخت (از مه تا سپتامبر ۱۷۳۴). پس [illegible] در سال ۱۷۳۵
کار دانش تن معرفت دانسته و مقدمات صلح را با فرانسه در وین فراهم آورد
(۳ اکتبر ۱۷۳۵) اما صلح قطعی نظر به حجت و رقابت شاه اسپانیا و شاه ساردنی
تا سه سال به تأخیر افتاد.

صلح وین

بعد از مصالحه و دوام عهدنامه وین برقرار شد (۱۸ نوامبر ۱۷۳۸) شامل مواد ذیل بود:
استانیسلاس لکزینسکی از ادعای سلطنت دست برداشت و فقط به عنوان
پادشاهی اکتفا نمود و جبران تخت و تاج لهستان دولت نانسی Nancy و دوک‌نشین
لورن Lorraine و کنت‌نشین بار Bar را به او دادند که پس از مرگ او
به دوک فرانسوا دو لورن تعلق داشت. و فرانسوا با ماری‌ترز Marie-Thérèse دختر امپراطور
شارل ششم عقد ازدواج بسته بود. و نیز مقرر شد که بعد از وفات استانیسلاس تمام دولت
مفتوحه او به پادشاه فرانسه تعلق بپذیرد.

شارل ششم ناپل و سیسیل را به دون کارلوس Don Carlos داد این

بطرزی که از پدر ناپل و سیسیل را در عوض دو ایالت پارم و پلزانس Plaisance و

از حق خود نسبت بامارت توسکانی Toscane صرف نظر نمود. لیکن چون ولایت

اخیر را [illegible] در عوض ولایات ناحیه لورن

فرانسوا دولورن سپردند.

امپراطور نوار Novare را بشاه ساردنی داد و بدین ترتیب سرحد شرقی

قلمرو این پادشاه [illegible] بطرف رود تسن Tessin رسید اما چون

نقاط مهمتری برحسب عهدنامه ورسای باو تعلق یافت ولایت ساووا

را بفرانسه نداد.

دولت فرانسه هم وصیت (پراگماتیک سانکسیون) امپراطور را بعد از سالها تأخیر

و مسامحه پذیرفت و حتی متعهد صیانت و حسن اجرای آن گردید.

نتایج جنگ [illegible] ۵

در واقع جمیع خسارات جنگ را امپراطور ادا نمود و در ایطالیا بهترین ایالات

قلمرو خود را از دست داد. جنگ وراثت تاج و تخت ایطالیا نتایج غیر مترقبه داد

اولاً سومین شعبه خانواده بوربون در ناپل پادشاهی یافت ثانیاً دولت فرانسه از جانب

شرق بسرحد طبیعی خود رسید و ایالت لورن را ملحق بمملکت ساخت. اگر کاردینال

دو فلوری صدراعظم فرانسه قناعت [illegible] و جاه‌طلبی خود نکرده و در عقد مصالحه با امپراطور عجله

بخرج نمیداد و قول و قرار را در میان فرانسه و شاه ساردنی رفته بود بمحض خاطر امپراطور

بهم نمیزد ولایت ساووا هم بمملکت فرانسه ملحق میشد و [illegible] سرحد

آن مملکت در سمت مشرق صد سال پیشتر انجام میگرفت. [illegible] تعیین

سلطنت لوئی پانزدهم با آنکه [illegible] داشت ولی واقعه در عهد وی [illegible] و بدنظیر بود.

II

خصومت پروس و اطریش و فرانسه و انگلستان با یکدیگر

امپراطور و جنگ با عثمانیه

اگرچه مع الظاهر نتایج وخیمه جنگ وراثت بسته برای امپراطور اطریش با صلح ~~اکس~~ درین
خاتمه یافت ولی در حقیقت بعد از وفات آن جنگ باقی بود. امپراطور در مقابل معاونت
که لشکر روس با دولت در ۱۷۴۸ در جنگ با فرانسه در آلمان کرد و عده داده بود که هنگام بروز جنگ روس
و عثمانی قشون ~~[illegible]~~ بعده روسیه بفرستد. اتفاقاً در همان سال جنگ شروع و ورود ها
و [illegible] وعده داد از امپراطور خواستند او نیز با سپاه انگلیس در بلگراد بعضی ولایات را تصرف
آورده جریان اراضی دولت رقابتهای انگلیس [illegible] فرار نمود. آنکه لشکر اطریش در ربط
عدم ... ولی ... سرداران خود خاصه ... او بسپهسالار قوشن Hildburghausen
بود ... شکست خورده و عثمانی ... تا ... بلگراد ... ۲۰ چون امپراطور ~~[illegible]~~ ملک بوگری را
در خطر دید ... صلح از دولت فرانسه ... بلگراد ~~[illegible]~~ دولت را صلح داد
آنکه لشکر اطریش در امپراطور در نهایت رفاقت بود ~~[illegible]~~ (۲۱ سپتامبر ۱۷۳۹) تمام ولایات
صربستان ... بوسنی ... جنوب ... اطریش ... ~~[illegible]~~ والاشی و بلگراد
و ... از دولت رفت. شط ... Temesvar باقی ماند
... تمام ... از ... و ... ملک هنگری را ...
و ... حفاظ ~~[illegible]~~ اینه. و ... تجزیه ... لشکر اطریش ...
جنگ عثمانی ... و ... سلطنت ... و فقیر ...

وفات سلطان اطریش

با وجود شکست ... شارل ششم ... در همه عهدنامه
درین جمیع دول اروپا حتی فرانسه [illegible] عثمانی و ... ماری ترز جانشین و وارث
ماری ترز ... آنکه چون ... عهدنامه درین شارل ششم ناگهان وفات یافت
(۲۰ اکتبر ۱۷۴۰) جانشینی او ماری ترز ... شد ... دول ~~[illegible]~~ ... بعد از ...

علل جنگ

گرفتن اوستنه و هشت سال تمام نیز [redacted] را ادامه دهند (دسامبر ۱۷۴۰ - اکتبر ۱۷۴۸)

لیز هابسبورگ علت عمده داشت : اولاً قانونهای مربوط آن از [redacted]

توارث و ترتیب جانشینی امپراطوران اطریش را اسم که وجود داشت با نقض نقطه ای

خاص را قبل از شارل ششم وضع شده بود و [redacted] ثانی این معقول امپراطور شارل آمد : ثانیاً

سابقه قدیم سیاست فرانسه ، ثالثاً جاه طلبی دوس فردریک دوم

نظامات خاص که گفته شد عبارت بود از یک وصیت و یک قرار داد.

در آن شارل پنجم امپراطور ریاضی اول (۱۵۲۶ - ۱۵۵۴) وصیت

کرده که اگر از خاندان سلطنتی اولاد ذکور نباشد [redacted] اناث [redacted] به پادشاهی برسند . و در قرار

بعد [redacted] امپراطور فردیناند دوم نائب شعبه خانواده هابسبورگ اطریش (۱۵۱۹ - ۱۵۴۷)

با فیلیپ دوم نائب شعبه هابسبورگ اسپانیا (۱۵۹۸ - ۱۶۲۱) قرار داد منعقد کرده

در موجب آن هرگاه در یکی از دو شعبه خانواده اولاد ذکور نباشد سلطنت با اولاد ذکور شعبه

دیگر باید [redacted] برسد.

در سنه ۱۷۴۰ شارل ششم انقراض کند با وجود این وصیت فردیناند اول [redacted]

می امپراطور شد و وراث بعد او دختر فردیناند می پیوست . و [redacted] فیلیپ پنجم از اعقاب

فیلیپ سوم [redacted] که جانشین شارل دوم شده بود مطابق قرارداد سابق الذکر [redacted] دعوی

امپراطوری داشت . و نیز بموجب همین قرار (قرار تبدیل میراث) شارل البرت اول پادشاه ساردنیا

هم از اعقاب فیلیپ دوم بود مدعی [redacted] امپراطوری شد مبنی قرارداد فیلیپ دوم را معطوف

با سبق کرد . [redacted]

مرام سیاسی فرانسه [redacted] از قرن شانزدهم بعد ضعیف کردن خانواده اطریش بود کوشش در

سال ۱۷۴۰ هم از سابقه [redacted] مرام داشت که دولت فرانسه در دوران اوقات وزارت

~~[illegible]~~

کاردینال فلوری [redacted] : [illegible]

در عین سیاستی که در کمال ادب است هر بهانه امپراطوری اطریش را چنان ضعیف و
ناتوان کرد که بیش از پیش اراده آنان نفوذ و قدرت فرانسه را بنمود»

تا فردریک دوم در سن ۲۸ سال داشت بخوبی خود را لایق
جانشینی اجداد نیاکانش نامید و با اشارات مطلع نایل گردید «نظر تقویت دربار
و ثروت در خزانه و ضعف در کار دشمن نفر برای حمله بخاک اطریش تهیه
زیرا که ملکه اطریش ماری ترزا جوان و بی‌تجربه و دوچار مدعیان بسیار و گرفتار فقر
مالی و ضعف نظامی بود». فردریک منظور خود را بعبارت استعداد مهیا و موجود
در حمله باطریش محق می‌شمرد. (بعض اشراف کنفرا با دیر دشمن و سیاسی)

دشمنان و دوستان ماری ترزا

ماری ترزا با دوستی از مدعیان سلطنت بعض اشراف
و باواریا، فرانسه و سلطان پروس و اشراف کشته ساکس پادشاه لهستان و غیره
امیر از امراء آلمانی با ترس جنگ کند
ماری ترزا در مقابله با این همه دشمن در صدد تهیه معاهدی و متحدی برآمد و روسیه و انگلستان
و هلند را با خود یار نمود و یکی از مدعیان امپراطوری را که پادشاه ساردینی بود با رشوه با
خود همراه کرد. روسیه بعد از آن وارد جنگ شد و در زمره دول معظم درآمد و از
عوامل مهمه سیاست اروپا محسوب گردد. انگلیس چون فرانسه را دشمن ماری ترزا
دید با او دم از دوستی زد و با اطریش دوستی نمود انگلیس و فرانسه در تقسیم ربع قرن دو دولت
رقابت داشتند و مسئله استعمار و تجارت ... بر قرار ساخته بود و بالطبع رقابت اقتصادی
و استعماری در شرف تبدیل بجنگ بود. اتفاقاً مقارن آن ۱۷۴۱ جنگ وراثت اطریش
هم شعله‌ور گردید. در این وقت ... انگلیس بدولت اسپانیا اعلان جنگ
فرانسه ... اعلان جنگ داده بود (اکتبر ۱۷۳۹) و فرانسه هم

[illegible]

در نظر داشت [illegible] با بنیاد [illegible] مرد بزرگ است . بلند [illegible] از قبیل [illegible] نظامی [illegible]
دولت انگلیس جزو [illegible] اطریش [illegible] می‌ترسید نظر به تاریخ [illegible]
گذشته و [illegible] تصرف آن را کرد .
این جنگ از جمله پیچیده‌ترین وقایع تاریخ محسوب می‌شود [illegible] دشمنان متحد اطریش
هر یک پیرو هوای نفس و مقصود خاص خود بودند . فرانسه [illegible] ایالت سیلزی را از
او گرفت . فیلیپ پنجم [illegible] جهیزی را در ایتالیا طلب میکرد . [illegible]
[illegible] در چند نقطه با اطریش و انگلیس [illegible] وارد آورد . باری در [illegible]
زمان ماریا ترزا اطریش [illegible] جنگ مجزی و معین [illegible] تشخیص داد جنگ اطریش
و انگلیس و فرانسه - جنگ اطریش و پروس و جنگ اطریش و [illegible] .
[illegible] به کار اطریش [illegible] هم [illegible] اساس آن
[illegible] از الحاق ایالت سیلزی [illegible] موجب [illegible] و [illegible]
[illegible] و [illegible] ایالت آلمان را [illegible] و مقدمه جنگ عظیم دیگری شد که جنگ
هفت ساله مشهور است . [illegible] شال [illegible]

فرانسه در سیزده [illegible]

[illegible] از جانب [illegible] [illegible]
روسیه [illegible] ماریا ترزا [illegible] فرمان داد [illegible]
تصرف ایالت [illegible] حرکت کند .
[illegible] از [illegible] حقی برای ایالت داشتند [illegible] در موقع [illegible]
معاهده [illegible] اول [illegible] از حقوق مزبور صرف نظر کند [illegible] و [illegible]
چون نوبت [illegible]
[illegible] به حرف نظر [illegible]

دیوید فارم که از هوش... در رسالات [redacted] حق و دولت را میگوید نوشته است:
«سیاست روزانه کار وزراء است، ما فرمانروایان تنها نقشهٔ دوام و شأن مملکت را
در روی سیاست دائم [redacted] و سیاسی مطلقه [redacted] سازمان را فراهم آورده.
حسب این خود دارند [illegible] در ظواهر او آراسته باشد»
الحاق ایالت سیلزی برای فردریک هم [illegible] لازم بود زیرا که مقدار کثیری زراعت خاک
در قرب یک میلیون جمعیت [illegible] و [illegible] دولت پروس را [redacted] ثروت
و صد [illegible] میداد [redacted] زیرا که پروس در [illegible] رودخانه اودر Oder و
دیگر شهر Custrin واقع بود و [illegible] قسمت علیای
آن رودخانه را [redacted] [illegible] عبارت از خاک سیلزی [illegible] ناحیه از
[illegible] و [illegible] [redacted] [illegible] دولت [illegible]
[redacted] [illegible] در [redacted] [illegible] سال
۱۷۴۰ (۲۲ دسامبر) [redacted] [illegible] سیلزی را [illegible] کرد و [illegible]
[illegible] را [illegible] [redacted] و [illegible]
[illegible] [redacted] از [illegible] [illegible]
[illegible] ... «[illegible]» [illegible] جواب داد:
« [redacted] [illegible] [illegible] خاک [illegible]
[illegible] [redacted] [illegible] [redacted] [illegible] » [illegible]
[illegible] [illegible] در محل مولویتز Molwitz

دخالت فرانسه

بفوریک عهد به کمک لگرش معطوف و ازاین شد (۷ اوریل ۱۷۴۱)
سیاست فرانسه ... رعیت تقسیم گرفت. ابتدا او با بر سیاست حقه و [illegible] های
[illegible] خاطر
در این وقت ... دخالت در جنگ را جایز شمرد و گفت
اطریش [illegible] ... خطر ... زائده ... شده ها ... پیاپی در صدد ... کوچک
در برابر. [illegible] ... دو عهده ... طبقه ... صلح و ... بعد
دیگر ... قدرت دولت فرانسه ... پراگماتیک را ... [illegible] او ... اگر در
حفظ آن کوشش ... معطوف ... بر ... تجزیه ... خطر ... دولت فرانسه
بر ... دولت حفظ خواهد ایتاد.
اما چنانکه گفتیم در فرانسه ... جنگ با خاندان اطریش و حفظ سابقه ... بین دولتی
باز ... و ... صلح ... قائد ... اطریش ... دو ...
... شد ... عاقبت ... Fouquet نوه فوکه Marechal de Belle-Isle ... ازو خواست را تقاعد کرد
... قوا ... و قوه ... شده و تیز ... عاقبت ... Bavière ... و ... [illegible] ... مقصود
... اطریش ... بدست آورد. ... [illegible] ... ما موریت
... [illegible] ... ... شارل آلبر
... کرده ... را ... Charles Albert ... آن ... بابر [illegible] توسط
فرانسه ... Nymphenburg [illegible] ... بین ... و ... را ... (۱۸ مه ۱۷۴۱) ... و [illegible] عهد نامه ... ... فرانسه و ... (...

بسته شد (۵ ژوئن ۱۷۴۱) و اتریش که تنها ماند از هر طرف مورد تهدید قرار گرفت.

بر حسب معاهدات الکتور باویر صاحب تاج و تخت امپراطوری و سلطنت ملک بوهم میگردید

و شاه اسپانیا نیز در ایطالیا ولایاتی را متصرف میشد و سلطان آزاد به پروس [illegible] الیزابت فارنز

زوجه دوم [illegible] پسر خود don Philippe [illegible] میداد و فردریک دوم [illegible]

[illegible] ملحق میخواست.

سفرا فرانسه مقررات [illegible] و دول دیگر اصلاح [illegible] الاثر [illegible] بنفع خود از

پایتخت آن ملک [illegible] و [illegible] و در ماه [illegible] اوایل [illegible]

مرکب بود از [illegible] بفرانسه [illegible] مارشال دوبل ایل تقویت شارل آلبر ملحق گردید

و در اول سپتامبر ۱۷۴۱ لنز Linz و اطریش علیا را متصرف شد [illegible]

[illegible] مارشال دوبل ایل [illegible] ماری ترز را مجبور بمصالحه کند

و در اواخر نوامبر ۱۷۴۱ شارل آلبر [illegible] ملک بوهم [illegible]

شهر پراگ متوجه شد و عوام [illegible] سربازان [illegible] شوره Chevert و دوریس

و دیگر Maurice de Saxe [illegible] فوق العاده بخرج دادند. الکتور

[illegible] سلطنت بوهم [illegible] معروف [illegible] (۱۶ دسامبر) و چندی بعد

در فرانکفورت امپراطور شده و شارل هفتم نام یافت (۲۷ ژانویه ۱۷۴۲)

~~[illegible]~~

ماری ترز [illegible] مغلوب و منهزم شده بود زیرا که سرحدات

[illegible] امپراطوری [illegible] و [illegible] را و شارل

[illegible] امپراطور [illegible] بر سر شارل آلبر [illegible] ملکی در [illegible]

ماری ترز و اهالی هنگری

[illegible]

رفعت این بود [redacted] اراده قوی و چابک هالویگ واه لاجت را در اورده گذاشت .

[redacted] در دنبال [illegible] بوگرا و بیگرها بوگرا ... رتواداده از رهایی بوگری ... [illegible]

[illegible] که از رهایی بوگری راتواداده و بیگرها بوگرا

Preslaw [redacted] تکثیر آوری مبنی هات شد . و اکنون ده یاران مرا ترک کرده اند بجائی

جز وفا داری و [redacted] دلیری سفیران نداری بوگری ندارم و امید بیازوی توانای اناث است !

بار حکایت دو ترجمه بنظر اهل ملی [redacted] بجبار توانگران از شیفتگی تخت

تصمیم آمیز علم وری و شاهد مختی او جاه بچال کرده و باعتقاد تا شمشیر از نیام برکشید

و فریاد برآوردند « ما در راه علم خود باداد ترتر جان بر کف دست نهاده ایم » اما حقیقت

امر عقیق بحکایت مورد ولتر Voltaire اختلاف دارد سوداه تمام بیان علم و [redacted] اهل

مجاری ارسال شعر و مکاتبه شد تا رسید معصوم گشته و عبارت مذکور سوار بخوبی دادند و صد اداد

سپاهی تعداد و فرستادند شروط بازپیک حکومت بوگری ~~[illegible]~~ کاملاً مستقل بمانند و از تحت الشعاع

مالک محروسه امپراطوری اتریش درآید .

خروج ماریه و پروس از صف [redacted] مالی

تیری دیگر ماری ترزه لین بود به مصیبی از دشمنان خود نجات یافت ... از صف همدیگر خارج ...

شد شاه ماریه را برخی اسلوبی برانگیخت و وعده داد و قسمتی از سیلیزی را با و واگذار اود

(فوریه ۱۷۴۲) در طرف با فردریک دوم در پیمان Breslau معاهدات و ایالت کلاز را به

واگذاشت ورد نقض پیمان با فرانسه وادار کرد . (ژوئیه ۱۷۴۳) [redacted] فردریک دوم یعنی حفظ

احترام معاهدات خود تقصیر [illegible] معاهده را ~~[illegible]~~ تعلیمات علم [illegible] الحاق او

و بدون هیچ شروع از کشتی [illegible] و فیاق چنین نوشت : « معذرت می [redacted] خیلی از پیش حاضر

ساعت ، با [redacted] شاه فرانسه و معاهده آن گشته‌ام »

جنگ ورزش

تام در جنگ به محض فرانسه اتاد قوای فرانسه مجبور شد در اتریش عقب و بوهم را تخلیه کند . بالاخره

فرانسه قوای فرانسه در پراگ محصور گشت و در حالت فوق العاده ! ۱۴۰۰۰ نفر ترکت راه گریز را پیش گرفت

[illegible]

در شب سده ام از طرف کوهستانی پوشیده از برف و هم‌زمان داخل ... [illegible] طرف اطریش در عقب

نشستند (۱۷-۲۵ دسامبر ۱۷۴۲) ولی عقب‌نشینی ... از ... ۱۴۱ ...

قرن ... اطریش ... [illegible] ایالت ... را گرفته ... را

اشغال کند (ژوئن ۱۷۴۴) ... ایالت ... را ...

فردریک ... قوت اطریش ... با فرانسه ... جهت

Fontainebleau (ژوئن ۱۷۴۴) ... با پادشاه ... عهدنامه ... خانواده ...

تجدید [illegible] ... (۲۵ اکتبر ۱۷۴۴) ... با انگلستان ... (۱۵ مارس ۱۷۴۴)

... انگلستان ... فرانسه ... داشتند. ... چون ... قوای

فرانسه ... پادشاهی ... اطریش ... [illegible] و ... فرانسه ... ...

... [illegible] جنگ ... را ... و ... را (... ...)

حاضر ... (۲۷ اوریل ۱۷۴۴)

(۱۷۴۵ ... ژانویه) چند ماه بعد از تجدید عهد [illegible] فرانسه ... امپراطور شارل هفتم ...

... [illegible] ... بایستی ... با ماری ترز قرارداد

... [illegible] ... شارل ... امپراطور ...

... [illegible] ... نام ... اول امپراطور ...

را ... (ژوئن ۱۷۴۵) ... جنگ ... امپراطور [illegible]

فی الحقیقه ... و ... سیلزی و ... اطریش ...

جنگ دوم سیلزی | ... [illegible] ... فردریک ...

... [illegible] ... ایالت ... را ...

با اطریش ... داد (سپتامبر ۱۷۴۴) سال بعد [illegible] فردریک

[illegible] فتح [illegible] در فریدبرگ Friedberg بود در ۱۷۴۴ دولت ساکس را [illegible]

[illegible] در جهت [illegible] سخت [illegible] در ظاهر شهر درسدن

Dresde (در کسلدورف Kesseldorf) ۱۵ دسامبر ۱۷۴۵ [illegible] بار دیگر

[illegible] نقض عهد کرد و [illegible] تازه [illegible] و صلح قرار داد

[illegible] را تأیید و تجدید کرد (۲۵ دسامبر ۱۷۴۵).

جنگ هلند

در جنگ [illegible] با [illegible] انگلیس و هلند مقابل شد

[illegible] جنگ [illegible] دو سال [illegible]

[illegible] جنگ [illegible] سرداران [illegible]

[illegible] Villars [illegible] نقشه [illegible]

[illegible] در میدان

[illegible]

Fontenoy [illegible] جنگ فونتنوا [illegible]

[illegible] و جنگ لاوفلد (۱۱ اکتبر ۱۷۴۶) Rocoux و جنگ روکو (۱۱ مه ۱۷۴۵) ~~[illegible]~~

Lawfeld (۲ ژوئیه ۱۷۴۷) [illegible]

فونتنوا

[illegible] فونتنوا است [illegible] آخرین فتح [illegible] دولت [illegible]

[illegible] ۱۷۴۷ [illegible]

Tournai را محاصره کرد. [illegible]

[illegible] در سال ۱۷۱۴ [illegible] دولت [illegible] در آن قلعه

[illegible] خندق [illegible] دو سال [illegible]

[illegible] داشتند.

اردوی ۵۱۰۰۰ نفر لشکر انگلیس و هلندی و آلمانی پیش رفت. لیکن قشون در تحت فرماندهی
دوک دو کمبرلند Cumberland پسر دوم ژرژ دوم ... و حال داشت از فاصله
خط سرحدی و دروازه فرانسه بین دو ارتفاع موسوم Mons پیش آمد.
موریس مردی بود که وقت را تلف نمیکرد و بالتبع بنا در مقابل خط ... در نزدیکی فونتنوا
در اطراف حصار را که گذشته خود ... در ... بنام ... قرار داده
خاک فرانسه ... ایستاد. در اینجا دشتی سراشیب بود و از طرفی محدود به رود اسکو واز سمتی
بجنگل ونزه ... که لشکر انگلیس باید از آن گذشته محدود بود. قوه باشد.
موریس قوه صلیب وار قرار داده و معبر را مسدود ساخت. یکی از جناح های لشکر
در قطر عمودی بر دو طرف رود اسکو اتصال می یافت و میدان را بطول ۱۶۰۰ متر از قریه
آنتوان Antoing تا رود اسکو فرا گرفت. لیکن قریه برجسته ترین نقطه میدان و
بمنزله مفصل های صفوف فرانسه محسوب میشد. سه برج و سنگر مرتفع ساخته و خانه های
فونتنوا را هم لشکر پناه گرفته. دارا دو نقره آتش توپ دهکده سنگرها تقاطع مینمود.
جناح چپ در میدان بطول یک کیلومتر موازات رود اسکو امتداد یافت منتهی به
آن جنگل ... به (Barry باری) در دو برج دو آن جا ساخته و در قفای جنگل را از
موازات آن اشغال نمود. ... در وقت یک برآمدگی مشرف
در این میدان اکثر قوای موریس ... تجمع داشت.
در جنگل ... فونتنوا سه صف پیاده نظام ... نظام بر کنار ... شاه ...
واقع بود و ... لشکر ... . بالخصوص ... ترا صف پیاده در صف
سواره نظام جای داشت ... بیشتر از یکدیگر فاصله داشتند. قسمت ذخیره هم موازات
سواران در پای دکان ایستاده و پشت جنگل را حفظ مینمود. لیکن قسمت احتیاطی بزرگ بعد از افواج

پیاده نظام قدیم و ایلاندی فاقد ... و قراول‌های [illegible] واقعیه در پ[illegible] ادوات [illegible] ا

و روزه ورشان [illegible]. در [illegible] بعد از صف سوار نظام هم مرتفع بود [illegible] تکیه گاه قریه انتوان

Antoing محسوب می‌شد و از جانب دیگر در [illegible] قرار داشت. (در) میدان جنگ را از پیش از

هر [illegible] [illegible] دارا بود [illegible] [illegible] ... در [illegible] مقابله [illegible]

ارتفاع از قرارهای [illegible] جنگ [illegible] [illegible] از [illegible] روز از آن جلوی

قرار داشت.

[illegible] در ساعت [illegible] سه شنبه ۱۱ مه ۱۷۴۵ نائره جنگ اشتعال یافت.

[illegible] آنتوان و فونتنوا [illegible] مورد [illegible]

بلندی [illegible] [illegible] در [illegible]

ساعت ۹ [illegible] [illegible] تا آنتوان [illegible] [illegible] از [illegible]

[illegible] در [illegible] [illegible] [illegible] توپ بزرگ واقع بود [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] فونتنوا [illegible] [illegible]

سه مرتبه [illegible] ۲۵ [illegible] [illegible] ۲ [illegible] [illegible] [illegible] فقط [illegible]

بیهوده [illegible] [illegible] از پیش [illegible]

[illegible] [illegible] انگلیس [illegible] [illegible] [illegible]

Vezon [illegible] [illegible] تقسیم شد [illegible] فونتنوا [illegible]

[illegible] پیاده نظام [illegible] انگلیس [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

انگلیس از صف [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] انگلیس [illegible]

[illegible] فرمان [illegible] : «[illegible]»

[illegible] [illegible] [illegible] از فرمان [illegible]

[illegible]

که گفته بود در موقع شلیک عمومی باتری [illegible] قسمتی از انفجار از خارج اردوی [illegible]

حمله ور گردند ناوها همه در برابر شلیک ماهی‌گیری و اسلحه غیر آتشی حمله با در [illegible]

و قشون [illegible] و مضطرب کرده. شلیک انگلیسها که [illegible] با یک حمله [illegible]

قراولان رو به فرار نهادند دوازده صبح و تخلیه گردید بعد انگلیسها پیش [illegible] رفته [illegible]

نصف سواره نظام رجوع نمودند از یک طرف [illegible] تیرباران سواران و از طرف دیگر

[illegible] توپ و تفنگ برج [illegible] و خاکریز و خمپاره‌های قشون انگلیس عقب نشسته دلیل

مقاومت در مقابل حملات پیاده نظام زانوی انگلیس مربع و ضلع [illegible] پشت سر آن باز بود

قرار گرفته.

[illegible] از مربع را به هدف تیرباران شده وحتی بعضی [illegible] دسته از قشون ثابت رتبه

باز کردن نظم خود موفق شده اما چون میانه ستونهای [illegible] انگلیسی نامعلوم خالی بود

تیرباران [illegible] باز رسید و فقط [illegible] پیش آمده آنها را پس کرده جا که انگلیسها در

طرف دیگر و پیش از ۵۰۰ متر جلو نیامده معذلک چون ساعت یک بعد از ظهر

شده روز نوشته ام تا دوازده والاحضرت لوی زانو زده فرار را شروع نمودند.

[illegible] دلاوری موزیک و قوت قلب داشت. [illegible] قشون را نجات داد. [illegible]

در [illegible] [illegible] داشت و تمام از زیر سر عقب [illegible]

بعد و [illegible] پیاده که ایران آورده بعد در این موقع [illegible] و [illegible]

زمان دارد در جمیع قوا [illegible] حمله کرده و خود [illegible] عده دقیقه را [illegible] دارد

شلیک داد چهار توپ به زاویه ستونها انگلیس شلیک کرده و [illegible]

دارد [illegible] [illegible] مقاومت را از وقت [illegible] دیگر سوار نظام)

رو [illegible] به [illegible] ساعت [illegible] جنگ مرتع انگلیس [illegible] شده و [illegible] باز [illegible]

لکن آ... از جنگ با زحمه از آنها آسیب دیگر می‌کردند. تلفات اردوی انگلیس [illegible]

از ۹۰۰۰ نفر مقتول و ... هزار اسیر و چندین عده توپ و دولتی آزاد [illegible]

با سارت گرفته شد. آنها از زراعت فقط شش هزار فرنک از کار افتاده بود.

فتوحات دیگر

فتح روکو Rocaux [illegible] تصرف قطع جنوب و مغرب خاک فرنگ را ... کرد و فتح لاوفلد Lawfeld

[illegible] موجب تسخیر حصار آن سمت شرقی گردید و

باب دخول [illegible] باز کرد. [illegible] حصار آن را با ماسترخت Maëstricht

[illegible] (۱۳ آوریل تا ۱۰ مه ۱۷۴۸) و چون مفتوح گردید [illegible]

ترک جنگ و انعقاد صلح لازم آمد.

صلح اکس لاشاپل

[illegible] ترک جنگ میل داشتند مخصوصاً دولت انگلیس و شارل

[illegible] از جنگ و از جزایر انگلستان ... کرده و ۱۷۴۱ [illegible]

[illegible] استقلال [illegible] از سرکردگان عاجز داشتند. این مخالفات انگلیس

[illegible] از جنگ [illegible] فتوحات اطریش [illegible] ایتالیا [illegible]

[illegible] پیشرفت بخشی می‌کرد

پارلمان قبل از سقوط حصار ماسترخت [illegible] در شهر اکس لاشاپل Aix-la-Chapelle

[illegible] شرائط صلح [illegible] موقع بسیار خوبی داشت [illegible]

[illegible] نفاق در دولت [illegible]

[illegible] انگلستان [illegible]

[illegible] Kaunitz [illegible] Sandwich [illegible]

[illegible] Saint-Séverin [illegible]

[illegible]

اما نتوانست از این حسن موقع استفاده کند و تا اندازه‌ای [illegible] لوئی پانزدهم انگلیس را
از او سلب میکرد و او را وادار داشت که بار دیگر دولت اروپا سیاست را جریان
اندازه و به خاتمه دهد.

این صلح در ۱۸ اکتبر ۱۷۴۸ [illegible] و از تمام [illegible]
[illegible] شرم آورتر و بی‌معنی‌تر [illegible]. لوئی پانزدهم از جمیع متصرفات خود در
هند و [illegible] و آلمان و [illegible] و در قلمرو [illegible] اجنبی قبول
فرانسه [illegible] و مستعمرات [illegible] دولت انگلیس [illegible] ادوار عمل
[illegible] را از خاک فرانسه [illegible] و در [illegible] اندازه و سیاست مستعمرات
سواحل [illegible] قرار دارد.

در عوض [illegible] بدون [illegible] برحسب [illegible]
[illegible] تعویض شد و فرانسه [illegible] تعویض [illegible] از متصرفات [illegible]
[illegible] Tessin [illegible] ایالت سیلزی [illegible]
چون مردم [illegible] فرانسه [illegible] مردم [illegible] و [illegible]
[illegible] فاتح [illegible] و [illegible]
[illegible] و [illegible] فرانسه [illegible] را [illegible] پادشاه [illegible]
[illegible] در پاریس [illegible] بازار [illegible] را [illegible] و [illegible]
[illegible] تو مثل صلح دولت بی‌معنی و [illegible] پادشاه [illegible]
پادشاه [illegible] فتوحات خود [illegible] جنگ را
[illegible] : [illegible] فرانسه
دولت از متصرفات [illegible] در واقع [illegible] جنگ است. [illegible]
فرانسه [illegible] و فرانسه تنها [illegible] ضعیف شده است
یک [illegible] از [illegible] و [illegible] است:

[illegible]

صلح مسلح

پس از صلح اکس لاشاپل ۱۷۴۸ دو دوران درجه اول بزرگ تنفس و تعطیلی نوعی جنگ بود

هیچ یک از دو طرف معتقد به استمرار [illegible] میان فرانسه و انگلیس [illegible] دیپلماسی با [illegible]

وضعیت [illegible] و عدم اعتماد [illegible] خانواده ها و شرافت [illegible] داشت هیچ وقت [illegible]

[illegible] در دولت فرانسه [illegible] مادام دو پمپادور [illegible] را با [illegible]

[illegible] در آن وقت یکی از اهالی [illegible] از [illegible] دو طرف [illegible]

وقت [illegible] که [illegible] ایالات [illegible]

از جنگهای [illegible] آورده . پس در [illegible] صلح مذکور فقط مهلت کوتاهی بود [illegible]

برای تجدید قوه و تغییر سیستم [illegible] کاملا [illegible] شد

تغییر جنگ در فرانسه

[illegible] در مرکز تجهیزات [illegible] بود [illegible]

و مادام دو پمپادور [illegible] صلح طلب [illegible] از [illegible]

[illegible] و [illegible] اقتدار

[illegible] و [illegible] ثبات [illegible]

[illegible] Noailles در سال ۱۷۵۰

[illegible] وقایع [illegible] توصیف [illegible] دربار [illegible]

[illegible] کار [illegible] و [illegible] همه [illegible]

تکذیب [illegible] می کند »

[illegible] از [illegible] صاحب نظرات

[illegible] احوال [illegible] (1757 - 1754)

Machault و دیگر [illegible] (1754 - 1747) Rouillé

[illegible] فقط

[illegible] دلا

کرد [illegible] وقت [illegible] وزیر جنگ [illegible]

شد [illegible]

~~[illegible]~~

[illegible] [illegible] ذات شوعد

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] ١٧٥٤ [illegible]

[illegible] ١٧٣٢ [illegible] Vallière [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] Mugères [illegible] (١٧٦٩) [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] (١٨٠٠٠ نفر) [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] Soubise [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

د سپاهیان فرانسه در [redacted] اغلب توپخانه و مهمات دوچار ضعف شده و بنابر قول ناپلئون

وعلت عمده برای مغلوبیت لشکر فرانسه میتوان تصور کرد اول نداشتن قشون کافی متخصصین جوان ... عدم

استقرار [redacted] طرز جدید نظام و تشکیل سپاهیان ...

تجهیزات جنگ ... روسی | لهذا ... [illegible] ... تدارکات جنگ را ... افراد قشون را

~~[illegible]~~ [redacted] و ... [illegible] ... اتفاق و استحکام برسانند.

~~[illegible]~~ از ... ۶۵۰۰۰ [redacted] ... هزار مرد رسید

... [illegible] ... بیشتر شد. ... [illegible] ... قشون ...

روز جمع [redacted] ... [illegible] ... بهتر نمودند. ... [illegible] ...

... [illegible] ... و توپخانه ... [illegible] ...

... [illegible] ... [redacted] ... و در بعضی [redacted] عراده توپ

... [illegible] ... توپخانه ... [illegible] ...

و ... [illegible] ... عراده توپ را از ... [illegible] ...

... [illegible] ... توپخانه ... [redacted] ... [redacted] معروف

توپخانه ... [redacted] کردید ... [illegible] ...

... [illegible] ... ۲۴ لشکر داد

... [illegible] ... قشون ... [redacted]

... [illegible] ... [redacted] ... [illegible] ...

(... جنگ شد)

تدارکات جنگ ... | [redacted] ... [illegible] ... [redacted] ...

... [illegible] ...

هر کدام نقاشی را ترقیع سازد و دیگری رنگ از صدمی [illegible] در سر مدت بودن تئاتر از تخت

و ترتیبات نقشه‌ای خود داد و از حیث کمیت و ترتیب نظری در اروپا شد . صاحب منصبان [illegible]

در مدرسه حربیه وارد [illegible] مواظب بود ترتیب [illegible] و تقلید فردریک در دولت [illegible]

دوران [illegible] تعیین کرده بود اورا [illegible] تعلیمات نظامی [illegible] نموده

صورت‌ها و داوطلب قشون دولت را مشق می‌کردند و ترتیب استفاده از [illegible] اردوی جنگ را بیاموخت

تقسیم [illegible] حیرت و شگفت فردریک شد . اردو و نظام را

تجدید کرده و جوانان را [illegible] ساخته و صاحب منصبان حاذق را انتخاب [illegible] نموده

از جمله لودون Laudon از اهل لیونی Lidonie و لاسی [illegible] Lacy

از مردم ایرلند و داون Daun اطریشی که ترتیب یافته پرنس اوژن Eugène

بعد از صاحب منصبان بسیار لایق کار آزموده محسوب [illegible]

اما حالت [illegible] در توسعه قشون برای [illegible]

تقویت قوای بحری کند و در طرف جنوبی [illegible] افزود .

انعکاس اتحاد

[illegible] اولیا امور [illegible] تغییر [illegible] جنگ بعد سیاسی

نیز از [illegible] نشسته و قبل از اشتغال جنگ هفت ساله ترتیب اتحادهای

سابق را کلاً بهم زدند .

در سال ۱۷۴۸ در صلح اکس لاشاپل واقع شد ترتیب اتحادها چنان قرار یافته بود :

در یک صف فرانسه و پروس و در صف دیگر اطریش و انگلستان قرار داشتند

اما در سنه ۱۷۵۶ فرانسه با اطریش متحد شد و پروس دست اتحاد با انگلستان داد .

نیز [illegible] تغییر اتحادهای سابق و [illegible] انعقاد اتفاق

مابین فرانسه و اطریش [illegible] حیرت [illegible] قسم

[illegible]

۱۹۰

در همین وقت فرانسه با انگلستان جنگ [illegible] تعقیب [illegible] مردم [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] فرانسه [illegible] [illegible] [illegible] الفاظ [illegible]
[illegible] (از ژانویه تا مه ۱۷۵۶) [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] سال [illegible] زیر اثر [illegible]

[illegible] [illegible] اگر فرانسه [illegible] [illegible]
سیاست [illegible] را تعقیب کند [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] صلح در داخله اروپا [illegible] انگلیس
[illegible] [illegible] مشغول [illegible]
[illegible] را حفظ کرده [illegible] همین حال با اطریش نیز عهد اتفاق بسته [illegible]
[illegible] [illegible] حال [illegible]

در حین آن [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] فردریک [illegible] اظهار اضطراب کرده و [illegible]
[illegible] و [illegible] یکی از وزرای خارجه [illegible] می‌گفت: «[illegible]
[illegible] از [illegible] [illegible]» [illegible]

[illegible] با اطریش [illegible] قرار داد.
[illegible] [illegible] [illegible] اطریش [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
انگلستان [illegible] اندیشه [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] با اطریش
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

و در وراثت جنگ هم [illegible] اطریش را مجبور کرده بود که متصرفات خود را [illegible] پروس سرزده آورده

سیلزی را به او واگذارد. علت دیگر این است که ملکه اطریش [illegible] در غرب اقصی

(اطریش دانست) فوق العاده داشت و قبلاً [illegible] برده بود که آیا [illegible] چه صورت

دارد که با انگلستان پرتستان یار شد و دیگر حکومت فرانسه کاتولیک قرابت

بنابراین نظرات ماری ترز در سال (۱۷۴۹) بنا به رأی کونیتز [illegible] ملکه: «

از قوای خود در دربار در سایر ممالک بپذیرد که اوضاع امروز با حالت سال قبل تفاوت کرده و قوای

طرفین تعادل [illegible] کامل یافته و دیگر بر خلاف سابق عقیده دارند بینه صلح عمومی تأمین

خواهد شد.» از دربار در سنه ۱۷۵۰ چنین جواب آمد که « شاه فرانسه

به هیچ وجه دارای افکار سابق نیست و [illegible] معتقد است که اگر دوستی صمیمانه

در میان پادشاه اطریش و کانیتز و مودت واقع برقرار خواهد شد »

(۱۷۵۰ تا ۱۷۵۵)

با وجود این اظهارات معلوم شد که طرفین مدتی [illegible] در نظریات خود [illegible] اند

سرنوشته کمی احوال شده و [illegible] انگلستان و فرانسه [illegible] سر گیرد دولت پروس علاقه زیادی به اتفاق

محرمانه [illegible] رسمی مقصود ماری ترز نیز بوده ولی با وجود این دست از مرز [illegible]

و [illegible] از [illegible] اطریش [illegible] حصول مقصود خود [illegible] حاضر بوده [illegible]

[illegible] تقدیم کند و در ۱۷۵۵ که [illegible] انگلیس

حکومت [illegible] را [illegible] آن [illegible] ملکه اطریش را

ترک کرد. [illegible] با اطریش عهد

فردریک دوم با دولت انگلیس متحد شد [illegible] را واداشت که

اتحاد انگلیس و پروس

اتفاق بستند

[illegible]

از آنجا که انگلیسها نتوانسته بودند قسمت مستعمرات فرانسه را از دست آنها بگیرند در ژوئن ۱۷۵۵ بدون
اعلان جنگ خصومت را شروع کردند در مستعمره امریکا [illegible] تاخت و تاز مشغول شدند و لازم آمد انگلیس
هانوور را بواسطه [illegible] که در خالصه شخصی ژرژ دوم بود. انگلیس دوست می‌داشت و از سایر قطعات مملکت عزیزتر
دشمن از حمله ببرد یا فردریک را متعرض آن قرار داد. از طرفی تزار [illegible] و قسمتی [illegible]
تا چشم فرانسه را بترساند و از دست اعمال [illegible] باز دارد. و مخصوصاً انگلیسها فردریک هم [illegible] از [illegible]
که در صدد عقد اتحاد با دولت روسیه [illegible] و از طرفی هم فردریک را [illegible] ماری ترز از اعمال
خشن خود دور کرد. آنها [illegible] الزامات [illegible] روسیه در مقابل [illegible] [illegible] شده و
... ۵۵ [illegible] بمراهی انگلیس گشته (۳۰ دسامبر ۱۷۵۵)
چون فردریک از اتحاد انگلیس و روسیه خبردار شد از آن [illegible] و اطریش [illegible] از تشنیع و
[illegible] بی‌ابرم [illegible] بود و [illegible] بود در مقابل حیات [illegible] ادکانی [illegible]
[illegible] در صدد تقرب با انگلستان برآمد. مذاکرات بین الدولتین در سال ۱۷۵۶ معاهده وایت‌هال
ختم گردید و فردریک از معاهدتی [illegible] منعقد شده [illegible] را از [illegible] [illegible]
فردریک متعهد گردید [illegible] هجوم بر [illegible] [illegible] کند (۱۶ ژانویه ۱۷۵۶)
معاهده ورسای — هر چند ماری ترز [illegible] [illegible] از فردریک با انگلیس قرارداد [illegible] [illegible]
[illegible] ماری ترز را بیش از [illegible] حیرت و وحشت عظیمی در دربار [illegible] فرا گرفت
[illegible] [illegible] در [illegible] از اتحاد [illegible] انگلیس و [illegible] و اطریش و روسیه بر ضد خود [illegible] کرد. در اول
۱۷۵۶ [illegible] Bernis وزیر خارجه فرانسه و [illegible] Stahremberg سفیر اطریش
اولین عهدنامه ورسای را [illegible] امضا کردند. طبقه [illegible] فرانسه خود طالب اتحاد
[illegible] سابق در اطریش [illegible] [illegible] [illegible] فرانسه هیچ حق و امتیاز خاصی نمی‌برد و [illegible]
[illegible] [illegible]. [illegible] ماری ترز [illegible] شده در جنگ انگلیس و فرانسه بی‌طرف [illegible]
و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] لزوم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

قرارداد [illegible] تا وقتی که [illegible] فرانسه [illegible] متعلق

به اتریش میشد و دولت فرانسه در جنگ [illegible] انگلیس شروع کرد و بعد یکی [illegible] را

آسیه [illegible] عملی نرفت [illegible] بود

آنها بیشتر اگر [illegible] ماری ترزا [illegible] جنگ شروع میشد فرانسه [illegible] هیچ نفعی مجبور بود به قشون [illegible] اروپا

حق [illegible] (۲۸ او ۱۷۵۶) [illegible] قشون [illegible]

[illegible] بروس و اتریش آغاز [illegible]

[illegible] انگلستان [illegible]

[illegible] که

[illegible]

[illegible] انگلستان [illegible] کند تا [illegible]

[illegible] انگلیس [illegible] جنگ [illegible] در [illegible]

قوت گرفت و [illegible] اتریش [illegible] (اوایل ۱۷۵۷

ماری ترزا [illegible] ملحق [illegible]

[illegible] جنگ آلمان

[illegible] انگلستان [illegible]

[illegible] در جنگ آلمان [illegible] کرد.

جنگ [illegible] ماری ترزا [illegible] با اتحاد فرانسه [illegible] انگلستان [illegible]

[illegible] اتفاق [illegible]

[illegible] انگلیس [illegible]

[illegible] شروع کرد [illegible] قشون اتریش [illegible] جنگ [illegible].

جنگ ۳۳ قرن ۱۸

در این وقت فردریک دبلیو یکی از شاهان بیغیرت اولش مقرر آن ... روس خواز او سعید از آنجاک اگر بر روسیه ... فرانسه و اتریش تا زمان ... در تحت نظر آن ... حتماً با ... حمله بکند

او حمله ... نمود ... ضمن تاریخ بلند ... حمله نمود ... همین ... اول بکند ... جنگ ... فوری قوای او گوش داد و بعد از ...

ترسیده بود. چون ... از جواب ... فردریک ... اعلام جنگ ... نظر گرفته او

(۲۸ اوت ۱۷۵۶) شهر درسده Dresde را تصرف کرد و قشون ساکس را در ... میدان

پیرنا در مدخل دره ای کوهستان بوهم محاصره نمود و بعد از چند هفته مجبور به تسلیم کرد

(۱۵ اکتبر ۱۷۵۶) و ... بکلی به اراضی ساکس ... را در لشکر خود

وارد ... نمود.

میدان های جنگ — لیکن ... بار قسمت مهم ... جنگ ... تمام دوره ... در حقیقت دو جنگ متضاد بود یکی ... بر سر اراضی ... اطریش در روسیه ... دیگری ... بین فرانسه و انگلستان و در دوم اقوام ... میدان جنگ ... اراضی ... آلمان ... در ... اراضی ... و

همین اراضی ... و ... دریا ... و هند بود

جنگ آلمان ... در دوره اول ... آلمان ... مقابله قوای فرانسه و انگلیس بود ... و نتیجه آن ... ایالت ... بود ... شد

مهمترین وقایع در اوایل جنگ ... ۱۷۵۷ رخ داد ... فردریک ... آنجا را

تصرف کرده ... او ... انگلیس ... در ... ۲ ...

و تسلیم گردید ... Closterzeven ... منعقد ... ازو

جنگ ... با ... قصد ... جنگ ... و ...

... انگلیس ... جنگ شده و ناگهان ... را

در میان گرفته ... مجبور ... گردید.

بعد از این واقعه ... در ... فاصله ... روز ... رخ داد

[illegible]

۲۰۱

[illegible] زمانه قشون فردریک در تحت ریاست پرنس فردیناند از فرانسه سرحد تا دشت Saulin[illegible] از
دریای بعد و چون اجداد این بازدهم محبوب شکست ریاست قشون را تفویض کرده ناپلئون
[illegible] او را موزه کامل : « دریای قتل و بار استقلال » خوانده است.
قشون متحد (مقصود قشون روسیه و اتریش است) در جنوب شهر در دره شمال غربی قریه روسباخ
واقع شده سنگر بندی کامل نمودند. فردریک چون دید که در موقع بلا فاصله دشمن از ارتفاعات
نمودار شده در شب چهارم ماه [illegible] قوای خود را به پشت رودخانه با عده کمی از روسباخ
تقریباً به [illegible] در طرف شمال برگرد.
نیز دشمن در عقب نفر عده زیادی متحدین را دیده و در آن شده از جناح چپ
حرکت کرده از دشت سر راه فرار را بر فردریک قطع کنند.
در [illegible] روز شنبه پنجم نوامبر ساعت ده صبح متحدین یک دسته از قشون را در مقابل فردریک
باقی گذاشته و بقیه از ما فی مانع شده و به ستون سنگین و منظم تقسیم گشته [illegible]
سوار نظام در جناح یمین و توپخانه در میان و پیاده نظام در عقب راه افتادند. سوار
طلیعه و پیاده دار لشکر زیاد علامت شروع به حرکت کرده [illegible] از روی جنوب روسباخ
پیمودند. چون ساعت دو بعد از ظهر شد قشون فردریک که از نیات دشمن و خط سیر آن
استحضار یافت و به حرکت آمد.
فردریک فوراً به سمت روسباخ روانه کرد و بقیه لشکر را از راه ماوراء گذشته
در عقب رانده و در جانب شمال روسباخ به موازات خط سیر دشمن شروع به طرح نقشه کرد.
و بر علیه متحدین در دشت و در حرکت بعد [illegible] به روی [illegible] حمله [illegible] با ستار
حرکت داد. در آن موقع [illegible] ترتیب [illegible] در جنوب زاویه Jannsberg در دامنه آن
بطور عدم فرود آمده و با فراز شدت تمام بر سطح دشت روسباخ مشرف است و پیاده
[illegible] نظام پروس خود را به آن نقطه رسانیده و فردریک [illegible]
[illegible] [illegible] ترتیب در آن جا مستقر گردانید. سوار نظام [illegible] ۵۲
عراده

و از طرق مختلف قشون فردریک را از هر سو محاصره نمودند چند روز قلعه کالس و بین ده

سال [illegible] جنگ بر گذشته (۱۷۵۶ - ۱۷۵۹ - ۱۷۶۰ - ۱۷۶۲)

سردار فردریک سال اول در بوهم و ساکس فردریک فتوحاتی در بوهم نمود [illegible]

قشون انگلیس [illegible] با وجود مساعدت [illegible] قشون [illegible] موفق [illegible]

[illegible]

جنگ [illegible] آلمان [illegible] — [illegible] اطریش [illegible] سال [illegible]

در ابتدای سال جنگ اول فردریک هجوم آورده شهر پراگ Prague را [illegible]

آن دون Daune [illegible] کولین Kollin شکست [illegible] (۱۸ ژوئن ۱۷۵۷)

فردریک [illegible] قشون [illegible] در [illegible] واقع شده [illegible]

[illegible] قشون [illegible] فردریک را شکست

داد [illegible] اما از [illegible] فردریک [illegible] بالاتفاق [illegible]

[illegible] و فردریک را [illegible]

[illegible] Rossbach [illegible] و اطریش را

در لوتن Leuten شکست [illegible] (۵ دسامبر ۱۷۵۷)

۲۳۰۰۰

جنگ روسباخ — در [illegible] قشون فرانسه و [illegible] را [illegible]

[illegible] Saale [illegible] گذشته

[illegible] در [illegible] روسباخ [illegible] قشون فرانسه

[illegible] قشون [illegible] ۵۵۰۰۰ فرانسوی [illegible]

[illegible] در [illegible] آغاز [illegible] از [illegible]

[illegible] ناحیه آلمان [illegible]

[illegible] Hildburghausen [illegible]

~~با توپ بازده ... [illegible] ... آن می‌رسید~~

با توپ [illegible] در رستان توپ آنها را می‌شکند مقدمه از سواران انگلیس مرادیه دور بیابه تپه

سمت جنوب غربی رو به ... و در بعضی نقاط از ستون قوای متحد ... [illegible]

در ساعت چهار دیدیم سواران نظام پروسی از دروازه ... و سنگین ... شمشیر [illegible] از سیاه ... نگاه

[illegible] سواران متحد در نزدیک تپه مذکور ... حمله ور گشته لیکن سواران [illegible]

~~[illegible]~~ ... مدال ... آماده عقب شدند و از جمله سواران نظام پروسی ... رسید

صف نیمی گذاشته و دو ستون پیاده نظام را از گریز حفظ و ... برای ...

از طرف پیاده نظام پروسی ... و مقدمه لیکن پیاده نظام را مورد حمله قرار داده و در زیر

آتش توپخانه ... تپه ... بزرگ [illegible] ... سواران [illegible] با ...

آورده‌اند ... در اوایین ... و بقول ... خودشان ... گرفته با ...

گذاشتند ... خود ... تا ... پیاده نظام پروسی ... ترتیب

گشته و ... مقاومت کرده تمام ... گشته ... [illegible] شده در ساعت شش

... [illegible] ... بر ... سواران

پروسی از ... و ... [illegible] ... هزار ...

... ۲۷ ... لیکن ... گرفته ...

... در ... برای ... حمله ...

... [illegible] ... بیش از ... ساعت ... طول ... علت

... از قوای ... از ... مستور ... باغ

... و ... انتظار ... لیکن ... حمله ...

... آن ... در [illegible] تمام ... بزرگ ... دو ... کرده

در صفحه ۲۰۴ ... صفحه ۲۰۳ ...

جنگ لوتن
Leuthen

از طرز حمله در [illegible] معروف به (حمله مورب) شد

[illegible] در سیلزی فردریک با سردار اطریشی [illegible] Daun دون مقابل شد در این

لوتن حمله [illegible] را [illegible] و لشکر [illegible] فاحش داد . [illegible] جنگ [illegible] قول ناپلئون

«شاهکار حرکات جنگی و لشکرکشی و عزم راسخ است [illegible] و برای اینکه نام فردریک بین یک

درجه کفایت میکند»

Breslau

در غیاب پادشاه [illegible] قوای اطریش در ماه نوامبر در تاریخ برسلو

یکی از سرداران فردریک را شکست داده و [illegible] توپ از او گرفته و شهر برسلو را بدست آورده

ده هزار تن [illegible] به مدت سه روز (۲۲ - ۲۴ نوامبر ۱۷۵۷)

فردریک بقیة السیف از لشکر شکست خورده را جمع آوری کرد و با سی و سه هزار قشون در

در [illegible] هشتاد هزار [illegible] اطریشی مقابل شد روز [illegible] پنجم دسامبر ۱۷۵۷ در ساعت اول

روز [illegible] نزدیکترین [illegible] جناح چپ خود را [illegible] مرتفعی

قرار داده بعد [illegible] از نظر [illegible] میدان جنگ [illegible] قلب لشکر اطریش در قریه

لوتن و جناح راست در [illegible] جنگل مستور بود فردریک تمام سواره نظام

خود را پیش انداخته و از مقابل صفوف خصم عبور داد و وانمود کرد که [illegible] قوت

دشمن [illegible] موقع [illegible] [illegible] . دون رئیس

کل قوای اطریش فریب خورده و گفت: «این [illegible] ما را [illegible]»

بمعاونت این صفوف سواره [illegible] طولانی [illegible] گسترده بعد پیاده

نظام [illegible] ارتفاعات [illegible] حمله [illegible] خود را بسمت

جناح [illegible] اطریش نزدیک ساخته [illegible] آخر جناح [illegible] و [illegible]

[illegible] ناگهان از [illegible] حمله ور شده . دون از حرکت

صفوف [illegible] حیران شده [illegible] را [illegible] و منهزم شده صف

حنب ر تقعیر داد. قشون را بی‌وافاسب یدی حفظ واداره ایمی داره وار مودود برگ
بر پیچاند. آنار بر قدم قشون یدی برا و شفقت بی جهت موافق جنگ اوتی برازدیگر
برست وطن اتلد دیار بنجله باب لیرا عقب نشستد و تا تاقت شد عدد ازنظر در
تیر گرفت یعنی در فرار بعادند. جنگی در فردا اوز شد توب بی ہزار دو ایش را
ورنگار اند وقت ازلی عده صفت پراداخ مجروح یا مقتول عدد [redacted] و کلیه دی توب دیاه
بیرق عرب بودی اللد. ده روز صبه فردا یکرورا برگرفت و بعضه ہزار تفرار
جنگ آورد (١٥ دوسامبر ١٧٥٧)

جنگ ١٧٥٨ تا ١٧٥٣ کرنیسدرف | در باقی مدت جنگ در فردی از ث [redacted] حرب دو جا رلد الطریش وازجانب شرق
اگر در قاحت و تا روس بود تاب [redacted] دفاع ایتادو [redacted] بوداه مجبر بوده از
~~[illegible]~~ سالی بیرزاب ولزونا بر برانه بورگ متارزه و جایگر موتش
رفومیه نجات اولدیب دو خطار دشمان و [redacted] کری حرکت ایتان بعد مربوب فرد
چیرف اوریگرید و بعضی بطرف تعقیب حفظ دو مربوق نه زمت دنبال سابه استفاده کرده
نصرفش در ١٧٥٩ ده [redacted] گذروزنی یعدگ و لکت در سرحد قانبو باز
تعقیب دشمن موجب راه نی اوگرید.

روبه [redacted] فرمانده سولتیکف Soltykoff عدد ایله با ایله سرداری
(٢٤ ژویه ١٧٥٩) وقعه شکست اوروا روز رزنیک برانه بورگ [redacted] فردریک اوز بتوان
اطریش تحت ریاست دون بیش به ملحق گردید. لی چند بار بعد با اتفاق شرقی اکفورت را
کد درروز اوداد و در روز تاریخ فوعلوداد متصرف گشته [redacted] فردریک را ازکلاوس
و تحت حرکت بعید وبرلن آمد ودر محل کوننرف Kunersdorf تجمع ده دالار ٤٠٠٠٠
سیاهی و دست دنیاه توب بعد تعداد. در ادامی محاربه ٥١٧ عدد جنگ روسبافی
ودوشمن را تهدید نبود و موفق شد آنا عقب بار. اطریش اورد ازورک باز داشت و بایداری

و بی‌لیاقتی سرداران روسی باعث شد که فتح [illegible] فردریک ناتمام ماند و شکست [illegible] تبدیل یافت. داخل

مقاومت و لجاج سرداران روسی تا چندی [illegible] را [illegible] بدل کرد» در این جنگ فردریک

سر [illegible] و کوشش [illegible] نمود و [illegible] وزیر [illegible] رسید [illegible] بخشید. دوره جنگ هفت

[illegible]

[illegible] فردریک در عصر [illegible]

چنین نوشته: «[illegible]

[illegible] ماند [illegible]»

بیش [illegible] روسی [illegible] برلن رسیدند [illegible] و اتریشیها [illegible]

از هم جدا شدند. اتریشیها [illegible] مشغول [illegible] شدند و روسها [illegible]

[illegible] فردریک [illegible]

[illegible] سال [illegible]

[illegible] Liegnitz [illegible] Torgau

[illegible] (۳ نوامبر ۱۷۶۰)

صلح Hubertusburg

[illegible] در سال ۱۷۶۱ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] الیزابت ملکه روسیه و جلوس پطر سوم [illegible]

[illegible] پطر سوم [illegible] فردریک [illegible]

[illegible] عهدنامه [illegible] روسیه [illegible]

[illegible] انگلستان [illegible]

و عهد قرار داد پاریس (۱۰ فوریه ۱۷۶۳) [illegible]

در ۱۵ فوریه ۱۷۶۳ عهدنامه [illegible] فردریک [illegible]

[illegible]

عصر فردریک

در اواخر جنگ هفت‌ساله که [illegible] در اولین بار مغلوب شد (ژوئن ۱۷۵۷)
فردریک به یکی از سفرای خود نوشته است: «در عالم چه می‌گویند دروغ این دول متحده که
غرضی جز استقلال دیگران ندارند اسیر [illegible] اگر [illegible] زنده بود تعجب
می‌کرد که ملکه [illegible] او در آن واحد با روس و اتریش و تقریباً تمام آلمان و سه هزار
قشون اسلاو فرانسه مقابله کند. من نمی‌دانم در صورت مغلوبیت باید تسلیم شوم
یا نه. ولی می‌دانم در مشت وارد می‌شوم دول متحده را [illegible] و تسلیم نخواهم شد.»
[illegible] سال گذشته و تو نوشته فردریک را
دول متحده [illegible]
معتقد ساختند که مقاومت اروپا را بجرئت انگیخت اما اگر وقت نگاه کنیم فردریک خود
[illegible] آورده زیرا که عصر آن واضح است نخستین علت آن [illegible] هوش و اراده
نظر او و احترام فنون لشکرکشی و مهارت در اداره قشون بوده و [illegible] ثبات قدم
و ابرام و اصرار و شجاعت او [illegible] در تحمل نامطلوب‌ها در سخت‌ترین ناملایمات
عظمت فردریک را بمنصه بروز رسانیده‌اند. شعر جنگ هفت‌ساله (Zullichau)
وی را مجروح کرد [illegible] ولی بقیه دست از او کشیدند در ۱۷۶۰
و با وجود این مغلوب‌شدن نا امید گشته چنین نوشته است: «هیچ وقت از زندگانی
نخواهم دید مجبورم [illegible] به این ترتیب بار آورده ملامت و جنگ را
یکی از دو نحو به اتمام رسانیم یا شاه مقصود را در دربار یا [illegible]
شروع کنند به من [illegible] تحصیل مقصود از [illegible]
بعد جنگیدن ورود [illegible] بدبختی این کار دارم»
همین که از این پیشرفت او کم‌کم قبل از آن گفته دست روی [illegible]

زیرا که اعدااو جزء ده حکم فردریک [illegible] بسیار محاربات [illegible] بجویه [illegible] مستغنی [illegible]
[illegible] وقتی [illegible] طاب [illegible] شدة صاحبیمنی روس [illegible] استه [illegible]
[illegible] الزامات [illegible] فردریک [illegible] دیگر ولایت [illegible]
[illegible] قوت روس [illegible]
[illegible] مشغول [illegible]
[illegible] فردریک [illegible]
[illegible] قوت [illegible] (۱۷۵۹ - ۱۷۶۰) [illegible] دفعه [illegible]

[illegible] اکتفا اود.

[illegible] فردریک [illegible]
فردریک [illegible] وقتی [illegible]
[illegible] الوقت [illegible]
[illegible]
[illegible] فردریک [illegible] وقت [illegible]
[illegible] Brunswick [illegible]
[illegible]

[illegible] فردریک [illegible]
[illegible] قوه فرانسه [illegible] فردریک [illegible]
[illegible] انگلیس [illegible] فردریک [illegible]
[illegible] انگلیز [illegible] ۱۷۶۰ [illegible]
[illegible] ۱۷۶۳ [illegible] فردریک [illegible]
[illegible] مشغول [illegible]

(۱۷۵۷ [illegible]) [illegible]

و بودن یکی قطع و از دو حال سلطنه محسوب گردید دیگر فردریک دوکلین نظام اروپا که ثبات اروپا

کارهای فرانسه

بنا بر قول فردریک «قرنی از جنگ قطع از فرانسه بود» هم در اروپا هم در دریاها

در روسیه معروف گردید و بقول یکی از دول را بعد از آن رقیب سوم آنها برخی Bernis

«کارهای فرانسوی های جنگ [illegible] برای سوزاندن دشمن آمده بود» و نیز او گوید

فرانسه «جوهر افزون تر مستقل جو نزدیک بار ..» دولت فرانسه در این

جنگ جزای کوشش خواست قریب به میلیارد فرانک وصول کرده و در ایالات ها خرج کرد

داد و دولت بزرگ هم از را هم فرانک آنگاه باز بعد کرد. آنگاه بیم دوباره

چیزی عاید نشد زیرا که [illegible] سپاهیان سردار نداشتند و روسای قشون دربار و سواران

حیثیتی هم فقط در فرانسه بی ثمر بعد و نقشه های جنگ بد نوشته [illegible] در باشد

سوزی نادرستی و بیچاره بند یا [illegible] فرانسه کارآگر و نقشی

نزدیک از آنکس را از فرانسه و عادت گری خود با هیچ کار و دربار رقص های

بنام «کوچک آنوقت» برای فرانسه نبود از قوه فرانسه نظم موجود نبود.

و در دوره دوم اروپا وجا و ملل در خارج کشور رواج کامل یافت.

علاوه براین سرداران بیم رقابت و حسد که حضرت تحت سرداران در رفتار آنها

تاثیر عمیق در نظم قوه بود. کار حادث و حضرت که آنکه در آن صاحبان در آنها درجه

طالب و مقام [illegible] و بعد خود باعث اختلال امور میشد و منصب و وظیفه و درجات

نظامی را از هم بردند. تنها کثرت دو تن از افسران سرداران جوان بودند و

زمانی بر او شال در بروگلی Broglie از صاحبان منصب واقع بود. حیثیت صاحب منصب

لشکر را برابری خود شاه و ولیعهد و یکی: «دشمن این است.»

میدانست از دولت را با صاحبان از حس فداکاری و ملی ثابت بالا فاصله

۳۱۰

ناپلئون راجع به ما گفته است: «ما برادران فرانسوی در زمان از خیلی پیش وقت و شجاعت چنین
از قشون دشمن کم‌تر داشته‌ایم. شاه [illegible] ما پیشرفت و کامیاب است و در حفظ نقاط قرار [illegible]
و حمله [illegible] را به آنها حاکم کرده است.» هنوز فرانسویان [illegible] و [illegible] مقابل [illegible]
دریا از دست داده. در ۱۶ نوامبر ۱۷۶۰ ~~[illegible]~~ سپیده‌دم
قشون انگلیس [illegible] فرانسویان [illegible] [illegible] بقیه دست [illegible] دو
[illegible] Castries [illegible] جنگ بود [illegible] قرار داد. ~~[illegible]~~

~~[illegible]~~

~~[illegible]~~

~~[illegible]~~

فوج اردنه [illegible] از [illegible] تاریخ [illegible] برادران استقلال [illegible]
[illegible] شجاعت [illegible] است [illegible] [illegible] انگلیس قشون
فرانسه است [illegible] از [illegible] [illegible] را پیش فرستادند [illegible]
[illegible] رفته [illegible] انگلیس [illegible] و گفت اگر [illegible]
[illegible] نقش [illegible] [illegible] برگردند [illegible] تا [illegible] فرانسه رسید
دیگر [illegible] با فوج اردنه [illegible] و در جنگ [illegible] گرفتاریم»

فصل ششم

سیاست ~~[illegible]~~ استعماری

ناقضات در اروپا تا سنه ۱۷۶۳

کمپانی تجارتی ~~[illegible]~~ هندوستان.

تغییر امپراطوری انگلستان.

مقدمه: یک مدتی اوقات در اواخر دوره ~~[illegible]~~ اروپا جنگ قتال [illegible] آشفته میان فرانسه و انگلستان نیز از سال ۱۷۴۲ تا ۱۷۶۳ هم در اروپا و هم در خارج از قطعه اروپا جنگ بود از جنگ هفت ساله طول کشید قصر از نزاع عمده [illegible] دریا از [illegible] انگلیس [illegible] از جنگ [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] در حقیقت [illegible] نزاع [illegible] تا دوره [illegible] ~~[illegible]~~ دوره انقلاب فرانسه (۱۸۰۰) [illegible] ناپلئون شروع ~~[illegible]~~ و بعد [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] در سنه ۱۸۱۵ با جنگ ناپلئون [illegible] ختم شد.

قصر [illegible] [illegible] ۵۷ [illegible] در استعمار [illegible] تجارت بحری و [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] [illegible] دولت انگلیس [illegible].

[illegible] جنگ [illegible] دولت [illegible] [illegible] نزاع [illegible] وقت [illegible] [illegible] در جنگ [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] واقع گردید.

[illegible]

[illegible]

اما در خارج اروپا، در نبرد دو انگلیس در کانادا (در قرن ۱۹) و هند و کشتی‌ها [illegible]
روابط خطر حکومت فرانسه در عصر لوئی پانزدهم و جانشین او مانع حوزه قدرت فرانسه و [illegible]
به مونتکالم Montcalm در کانادا و دوپلکس Duplex در هند و دیگر [illegible]
از جنگ [illegible] دراز نبود انگلیس و بخراب [illegible] استعماری فرانسه و ضمیمه جزایر آنتیل
منجر شد (فوریه ۱۷۶۳)

انگلستان و عصر جدید تجارت.

[illegible] از لحاظ [illegible] ز بیرون انگلیس [illegible] با بر پایه انگلستان اتفاق افتاد
[illegible] را پایه [illegible] قرار داده و سیاست انگلستان تابع و منبع جغرافیا و اقتصاد
چون مملکت انگلیس جزیره است طبعاً اهالی آن از هجوم بیگانگان در امانند اگر چه در قرون
وسطی مورد هجوم واقع و مفتوح گردید ولی عادتاً از این خطر مصون ماندند. پس هرگاه مانعی
داخل بود از کار باز دارد و منصرف نماید هم رجال انگلستان متوجه توسعه قدرت دیگر در
دانند [illegible] در خارج جزایر انگلیس و [illegible] در اثنای جنگ
هر [illegible] قدرت خود را مصروف حفظ [illegible] می‌کند [illegible] تا [illegible]
وسایل را [illegible] به یک طریق در راه استعمارات کار خود دارد
در [illegible] قرن [illegible] طرفیت [illegible] دولت انگلیس از خارج جنگ [illegible]
تحقیقاً [illegible] داخلی [illegible] انقلاب ۱۶۸۸ [illegible] تفوق قطعی داد لیکن
[illegible] در قرن هیجدهم قوه [illegible] او [illegible] توجه [illegible] تجارت
[illegible] در قرون وسطی [illegible]
انگلیس [illegible] هم خود را [illegible] استعمارات و [illegible]
[illegible] در قرن [illegible] انگلستان [illegible]
[illegible] امریکا [illegible] در آن زمان [illegible]

۲۱۴

غیر مفتوحه محسوب میشد ولی ایالات دیگر نداشت . بر اثر قطع انگلیس بر روی اروپا [illegible]

~~[illegible]~~ در خلال آن این مستعمرات ما و راه بازار [illegible]

دست میداشت . و بر عکس آنها در [illegible] از رونق تجارت و صنایع و بحریه دارای نفوذی

بعد رقیب تجارت و صنعت و بحریه هلند میداشت . و از قول [illegible] فرانسه در حق

این معنا اتفاق می افتد که گفته : « سیاست انگلیسها در وفاق تجارتشان مستقل است

و جنگ و صلح هم آنها تابع افزایش و نقصان تجارت میباشد »

در اواسط قرن هیجدهم انگلیس [illegible] در صدد استملاک مستعمرات [illegible] بزرگ

فرانسه در آمریکا و هندوستان را در تصرف داشت . آنها در بعضی مستعمرات

فرانسه و انگلیس [illegible] . [illegible] Law و

سیاست صلح جویانه فلوری [illegible] اقتصادی فرانسه تجدید یافت و [illegible]

[illegible] و [illegible] [illegible]

[illegible] در [illegible] فرانسه محسوب میشد [illegible] اقتصادی و تجارت [illegible]

اگر امروز [illegible] ~~[illegible]~~ صنایع و بحریه [illegible]

انگلیس [illegible] [illegible] از [illegible]

و تجارت و صنعت فرانسه و انگلیسها در [illegible] . بر ~~[illegible]~~ [illegible]

[illegible] بدون [illegible] رقیب تجارت [illegible] و از [illegible]

[illegible] جنگ [illegible]

آغاز تجارت بحری و استعماری

انگلستان و [illegible] در [illegible] (سفید) در حدود [illegible]

[illegible] از اروپا [illegible] و افریقا [illegible] . [illegible] تاریخ [illegible]

در عهد [illegible] (۱۴۹۷) [illegible] (۱۵۲۲) [illegible]

[illegible]

[illegible] ایتالیا و [illegible] ژن و اسپانیا [illegible] بود و [illegible] انگلیس [illegible] شروع کرد

در پایان قرن ۱۵ ترقی عجیبی کرد [illegible] کاپ [illegible] در [illegible] پرتقال رسید و [illegible] راه

جزایر آسیا [illegible] . [illegible] سال بعد [illegible] ۱۵۱۲ [illegible] بر [illegible] اول

[illegible] کرده و [illegible] را تا [illegible] جزیره آمادی [illegible] کرد.

[illegible] اول و [illegible] بود

[illegible] (۱۵۸۲) و [illegible]

[illegible] را [illegible] تجارت [illegible]

در [illegible] پرتقال و اسپانیول بود [illegible] پرتقال بیشتر در

آسیا و جزایر [illegible] آن تجارت [illegible] و اسپانیول و در امریکا [illegible] عظیمی

و [illegible] دفعه داد

در عهد الیزابت دولت انگلیس [illegible] چهارم دولت [illegible] تقلید از اسپانیول

پرتقال کرده [illegible] تجارت [illegible] رواج [illegible] امریکا [illegible] اراضی برداشتند. آنها

[illegible] ترویج تجارت [illegible] بوسیله [illegible] و شرکت [illegible]

صورت گرفت و [illegible] اراضی امریکا را دولت [illegible] متصرف [illegible]

[illegible] تفاوت [illegible] در [illegible]

* مستعمرات [illegible] در [illegible] امریکا [illegible]

تشکیل شرکت تجارتی

شرکت [illegible] انگلیس [illegible] بود

[illegible] تجار [illegible] و [illegible] بدین [illegible]

سرمایه [illegible]

[illegible] و [illegible] تجارتی [illegible] و در اروپا

[illegible] یا مستعمرات رفته مشغول تجارت می‌شدند. کمپانیها بموجب قرارداد از دولت
حق انحصاری تجارت در مستعمره معینه و تعیین پلیس و تحفظ [illegible] لشکر بگیرند
و در مستملکات هم از پادشاه یا امیر محل [illegible] (باقی) امتیازات یا بخشش
حق استقلال داخلی بر یک بندرگاه را تحصیل میکردند. این کمپانیها در تجارت اوائل
حیثیت [illegible] خارجی بود [illegible] دلالی [illegible] مال التجاره [illegible]
[illegible] [illegible] حدود [illegible] و [illegible] استوار [illegible] (تا درجه)
[illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] از تعرض [illegible]

[illegible] این [illegible] [illegible] تجارت در [illegible] زمان عام [illegible]
بزرگ کمپانی [illegible] [illegible] اداره امور [illegible] شرکت [illegible] [illegible] از [illegible]
[illegible] ۱۶۰۰ [illegible] [illegible] تغییر [illegible] [illegible] امور [illegible]. [illegible] کمپانی [illegible]
[illegible] مال التجاره خارجی [illegible] در اروپا [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بازار
[illegible]. [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] معروف
[illegible] [illegible] [illegible] ابریشم [illegible] و ادویه [illegible]
[illegible] تجارت [illegible] [illegible] ۱۰۰ [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] و [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] (در تاریخ قرون جدیده دیدم) [illegible] شرکت [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] از نصف [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]

[illegible] شرکت [illegible] | [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اولین شرکت [illegible]
[illegible] تجارت [illegible] [illegible] ۱۵۹۹ [illegible] [illegible] سلطنت الیزابت انگلیس [illegible]
[illegible] کمپانی [illegible] [illegible] ۱۶۰۲ [illegible] [illegible] [illegible] تجارتی [illegible] تاسیس شد.

در ۱۶۰۱ کمپانی انگلیس در تحت ... بندر سورت را با ... در جزیره ... تجارتی عظیم
و مرکز عمده تجارت کمپانی شد.

فرانسه ابتدا در سنه ... جزایر اقیانوس هند گرفت و در ماداگاسکار در عهد ریشلیو بندر
((ولیعهد)) را ساخت و در عهد ... جزیره بوربون و جزیره فرانسه موریس ساخت که الآن
ریونیون Reunion و جزیره موریس نام دارد. کولبر ... کمپانی را در سال (۱۶۰۵)
تأسیس نمود و مصمم شد که ثروت ... را در آن ... کند و ... تجار ... علاقه
عموم ... را در آن سهیم سازد ... شاه و خانواده سلطنتی ... از امراء و ...
که از اعضاء اکادمی ... به ... رساله ... برای تبلیغ و تشویق
تهیه کند و وزیر ... سیصد ... جلد ... در ... عنوان ... اول ...
... جزو ... وضعی نوشت ... در ... اثرات و منافع این کار
شرکت ... و ... در کمپانی سهیم بود ... از قوانین این
در ... به ... الحاقی ... (...) ... بر سر ... ابتدائی ... داده
میلیون لیره قرار داد ... شاه ... از ... و خانواده شاهی و درباریان ... این مقدار
بر عهده گرفتند. ... جلد ... و جلد ... چهار صد هم
... این ترتیب ... تجارت هند
... در ... کمپانی ... در ... برای
... بر ... Lorient ... از ... و ... او
... (۱۶۶۶) ... در این ...
... کشتی ... و ... و ... ۲ ... و ...

برای اینکه است کمپانی در تسخیر بازار تجارت هندوستان اقدام داشت تا
از نفوذ حریف فرانسوی ها در آنجا ... [illegible] و دیگری
Pondicherry را متصرف شد ۳۵ سال بعد فرانسوی ها ... [illegible]
ساخت ... [illegible] فرانسوی ... [illegible]
آنجا قرار داد ... [illegible]
[illegible] .

در سال ۱۷۱۹ لاو ... [illegible] و ... [illegible]
... [illegible] انگلیس ... [illegible]
... [illegible] هندوستان ... [illegible] و دخول ... [illegible]
توسعه سیاست ... [illegible]

هندوستان در قرن ... [illegible] — هندوستان ... [illegible]
... [illegible] دوره ... [illegible]
... [illegible] هندوستان ... [illegible] از نژاد مغول ... [illegible]
پادشاه ... [illegible] مغول ... [illegible] در ساحل رود جمنا
... [illegible] شاه جهان ... [illegible] (۱۶۲۷ - ۱۶۵۸)
... [illegible] دستور عالی ... [illegible]
... [illegible] شاه ... [illegible]
... [illegible]
Austin ... [illegible]
... [illegible]

و نیز از عقب [illegible] هندوستان [illegible] شد

قدرت و شوکت سلاطین مغول کبیر در اواسط قرن هیجدهم زمان پادشاهی اورنگ زیب

(۱۶۵۸ - ۱۷۰۷) ~~[illegible]~~ و پس از [illegible] رو به [illegible] نهاد

پادشاه [illegible] از [illegible] در [illegible] کار [illegible]

[illegible] و جمیع [illegible] از [illegible] (۱۷). [illegible]

[illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] ۲۰ سال [illegible]

~~[illegible]~~ [illegible] استقلال [illegible]

[illegible] شد

[illegible] | [illegible] از [illegible] و [illegible]

[illegible] و [illegible] برآورده و ~~[illegible]~~ [illegible]

[illegible] آنها [illegible]

[illegible] ~~[illegible]~~ [illegible]

[illegible] به این ترتیب [illegible]

[illegible] از [illegible] واقع [illegible]

[illegible] ۱۷۵۴ [illegible]

[illegible] Duplex [illegible]

[illegible] از [illegible]

[illegible] داد. [illegible]

[illegible] ۱۷۲۵ [illegible]

تا سنه ۱۷۲۱ [illegible] از [illegible]

در [illegible]

کمک داد و در مقابل کارخانجات کلکته را [illegible] و خود [illegible] جواب [illegible]

شغل [illegible] کمپانی [illegible] و وجه [illegible] محسوب شدند.

[illegible] تجارت داخلی [illegible] را نیز کمپانی [illegible]

[illegible]

در آن موقع کمپانی انگلیس جزء [illegible] ~~[illegible]~~ بنگال

[illegible] قریب [illegible] ۲۵ کیلومتری [illegible]

از [illegible] قرب [illegible] استعداد رقابت بین شرکتها و موجب [illegible]

مستعمرات — اولین اقدامی که انگلستان [illegible] شروع تجارت بود

انگلیسها مرتبط [illegible] Walter Raleigh در عهد الیزابت (۱۵۸۴) مستعمره

ویرژینی را [illegible] مرکز سواحل [illegible] آوردند. فرانسویان در عهد [illegible]

([illegible]) [illegible] مستعمره انگلیس [illegible]

و شبه جزیره اکادی و [illegible] پورت رویال (که امروز اناپولیس نام دارد) [illegible] در خلیج فوندی اراضی

وسیعی متصرف شدند

مستعمرات انگلیس — انقلابات داخلی انگلستان و [illegible] موجب [illegible] مهاجرین [illegible]

انگلیس در سواحل [illegible] امریکای شمالی [illegible]. در زمان [illegible] اول [illegible]

[illegible] در فاصله ۱۶۲۷ و ۱۶۴۷ و [illegible] فرقه [illegible]

[illegible] فرقه انگلیکان [illegible]

اکادی [illegible] مستعمره [illegible] انگلستان جدید نام [illegible]

[illegible] ویرژینی سه مستعمره دیگر [illegible] مرتبط [illegible] انگلیکان و کاتولیک

[illegible] مستعمرات [illegible]

[illegible]

۲۲۰ [illegible] و انگلستان [illegible] قطعه از نواحی [واقع بود] آن سابق تعلق به اسپانیا داشت و در زمان شارل دوم

به جمهوری بروا Belda جزو مستعمرات انگلیس شد (۱۶۶۲) و در قرن

هیجدهم [illegible] ~~[illegible]~~ به مستعمره [illegible]

انگلیس [illegible] ۱۷۴۰ انگلیس [illegible] الگا [illegible]

[illegible] انگلیس دارای [illegible] مستعمره [illegible] جمعیت آن [illegible] میلیون [illegible]

از مستعمرات [illegible] از [illegible] امتیاز داشته [illegible] دارای حکومتی

[illegible] پادشاه انگلیس و دارای [illegible] از [illegible] [illegible] شهرهای

عمده [illegible] بوستون نیویورک [illegible]

انگلیسها در شمال کانادا اراضی [illegible] و در شرق جزیره [illegible] و کانادا را

[illegible] قسمت [illegible] [illegible] دریای [illegible] داشت اسپانیا [illegible]

[illegible] (۱۶۱۳) [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] کانادا [illegible] آنجا [illegible] شد .

[illegible] کانادا [illegible] از [illegible] مستعمرات کانادا

[illegible] ۱۵۳۵ [illegible] اول [illegible]

در سال ۱۶۰۸ [illegible] و در [illegible] کانادا [illegible] در

[illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] کانادا [illegible]

و [illegible] [illegible] آن [illegible] [illegible]

ترتیب [illegible] اول [illegible] [illegible]

[illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] کانادا [illegible] رودخانه [illegible]

[illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] [illegible]

۲۱۶

[illegible]

داشت اما جز معدودی ماهیگیران و صیادان و تله‌گذاران و تجار پوست یا مبلغین
مذهبی با آنجا رفت و آمد نمیکردند. معذلک از زمان عهد لوئی سیزدهم ریشلیو سیاست
فرانسه را متوجه بحری نامید اما سپس به مستعمرات ماوراء بحار میداد. مثلا
بیگانان ماهره تا ... روش ~~[illegible]~~ انگلیس زحمت شکست
گروه مستعمره کوچکی را تصرف کردند کاردینال ریشلیو استرداد آنها را از
شروط عهدنامه صلح ۱۶۳۲ قرار داد.
استقرار حقیقی کانادا ... شده او کانادا را ... فقط مستعمره ... از
اهمیت فرانسه ساخت و شهر ... ایالت ... و ... مرکز ... فرانسه
... صاحب ... از ۱۶۰۸ تا ۱۶۳۵ ... هزار دهقان ... از ... و
... و ... گیر ... . بومیان ... برخلاف سیاست اسپانیا
در ... طوایف ... اولیه ... بعد ... و در ... آدم
... ایشان ... و ... آنها را ... او را
... حقوق ... فرانسوی ... . در ... وظایف ...
آن گونه ... و ... در ... دریاچه ... سنگی داشته ...
اکتشافات | فرانسویان ... در این ... اتفاقی ... سیاحان و ... کاشفین
دیگر ... و ... امریکا ... و سواحل ... و نواحی
اطراف را سیاحت ... . و با ... و ... فرانسه ... مسیر
... و ... و ... و ... سلطه ... و ... دریاچه ...
... دریاچه ... و ... و ... و سرمای

سخت زمستان هر شبه بودن قبل میشد و تا آنان شدید هر پنج روز کرده مدام تا فتح

مرگ شد و بیداران [illegible] طوفانی و قس علیهذا.

با وجود این مسافرت بی‌حاصل فرانسویان از تعقیب ژوزف [illegible] پس از کارتیه دولاوال

ورزیدن خسته شدند و مقاومت ~~[illegible]~~ بر موانع غالب آمده و تعداد زیادی

بواسطه [illegible] زراعت در امریکا افزوده شد.

[illegible] کشفیات بود و امیرکه با پیدا [illegible]

وامیدوارت عینی [illegible] از [illegible] کلمب جمیع سیاحان اروپا

[illegible] و مقامات [illegible] وادار نمود و عبارت بود از [illegible]

راهی از جانب امریکا [illegible] در سال ۱۶۲۲ حاکم کانادا

[illegible] دو [illegible] صاحب [illegible] بیاید تا [illegible]

باتفاق [illegible] پرمارک [illegible] رودخانه [illegible]

حاکم [illegible] افزوده [illegible] و [illegible] در [illegible]

[illegible] با [illegible] در آن [illegible]

[illegible] و از جانب دریاچه [illegible] داخل رود [illegible]

و مجاور آن [illegible] تا [illegible] رود [illegible] (ژول [illegible])

(۱۶۷۳) در آنجا [illegible] اسپانیول [illegible] از [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] بازگشتند و [illegible]

فوائد [illegible] تصرف سواحل [illegible] رود [illegible] نقاط [illegible]

کاولیه دولاسال
واکتشاف لوئیزیان

کاولیه [illegible] Rouen روان از توانگران [illegible] ژزوئیت [illegible] قبل از
دولاسال (۱۶۴۳ – ۱۶۸۷) [illegible] در کانادا اقامت
گزید [illegible] رود اوهیو را کشف کرد (۱۶۶۹) [illegible]
[illegible] ژزوئیت [illegible] [illegible]
لوئی چهاردهم [illegible] . شاه [illegible] . در ۱۶۸۱ کاولیه دولاسال [illegible]
[illegible] ([illegible]) [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] تا آوریل ۱۶۸۲ [illegible]
[illegible]
[illegible] . کاولیه دولاسال [illegible]
لوئی چهاردهم [illegible] Seignelay [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] کاولیه دولاسال [illegible]
Beaujeu [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] . [illegible]

از آنجا که منصب سوری کاسی با ارتفاع دخل زیاده در آن روز از روی عثمانی سوءظن را مستوجب بود کشتی ۲ از آن رد شدند و بخصوص که خطر [illegible] کشف شد بود و از مراجعت مضایقه کرد. و کاولیه مجبور گردید که بعد از ۲۵۰ تن از همراهان تیرباران قتل گذارند (اوایل ۱۶۸۵) و خود فقط قسمتی از محمولات و آذوقه را به آنجا داده و بقیه را به مراجعت کرد. کاولیه در ساحل تگزاس مصب رود کلرادو در جنوب می‌سی‌سی‌پی سرگردان و متحیر مانده تا [illegible] را پیدا کرد که خود را به رود می‌سی‌سی‌پی رسانیده با کانادا ارتباط پیدا کند. دو سال تمام کوشید و عاقبت بعضی از همراهانش خسته و از طول مدت توقف و سوء خلق کاولیه به جان آمده بود کشته شد (۱۹ مارس ۱۶۸۷) و تقریباً تمام بقیه اعضای هیئت هلاک شدند.

ایبرویل
تصرف لوئیزیانا

تصرف حقیقی لوئیزیانا بعدها صورت گرفت. مدتی کشتی ایبرویل [illegible] انگلیسها [illegible] و [illegible] اعضای کشتی بود. در ایام جنگ اتحاد اگسبورگ ایبرویل با ۹ نفر جنگ بوده [illegible] از طرف انگلیس [illegible] در [illegible] در آنجا بود [illegible] در همان وقت با یک کشتی [illegible] به کشتی انگلیسی [illegible] دو تای را غرق و سومی را مجبور به فرار کرد (۵ سپتامبر ۱۶۹۷). [illegible] شرط [illegible] قرار داد [illegible] تصرف لوئیزیانا است. [illegible] اگر متملکات انگلیس [illegible] خواهد [illegible] سراسر [illegible] را [illegible] دیگر را بیرون خواهد راند [illegible] در سنه ۱۶۹۹ و ۱۷۰۱ [illegible] منصب می‌سی‌سی‌پی به تسلط و تصرف [illegible]. [illegible] لوئیزیانا در زمان لاو و دوره نیابت سلطنت بود (۱۷۱۲) [illegible] شهر نوول اورلئان بنا شد.

[illegible]

امریکای فرانسوی

از سوی اتفاق در مستعمرات امریکائی فرانسه مهاجرین بسیار قلیلی و برای اینکه بعد در

(۱۷۴۰) در سرتاسر کانادا بیش از ۸۰،۰۰۰ فرانسوی [illegible]

بعد بشمار میرفت آنهم در کانادا دو شهر مستحکم وجود داشت کبک و مونترال

معدود و در مصب رود سن لوران و جزیره کاپ بروتن قورخانه دریائی عظیمی موجود بود

بنام لوئیزبورگ در [illegible] تأسیس کرده و برای حفظ کانادا از جانب دریا [illegible]

فرانسه در [illegible] آن اهتمام بخرج داده و در ظرف بیست سال قریب سی میلیون لیره بمصرف

رسیده بود. این قلعه عظیم دیوار آن از سنگ تراشیده بارتفاع ۱۲ متر و خندقش بعرض

۲۵ متر بود و دویست توپ داشت. معتبرترین دژ نظامی (آنزمان دنیا) محسوب میشد.

اگرچه جمعیت مستعمرات فرانسه کم بود ~~[illegible] انگلیس~~ بواسطه ارتباط و حسن

موقع بر مستعمرات انگلیس تسلط داشت. و در کوهستان آلگانی [illegible] راه را بر انگلیس

سد کرده از ورود [illegible] باراضی داخل مانع میشدند. مهاجرین انگلیسی نیز حسن موقع فرانسویها را

دانسته خطر را حس میکردند بر خلاف فرانسویها که در امریکا [illegible]

جنگ ۱۷۴۴ تا ۱۷۴۸ — نزاع بین فریقین مستقیم شروع شد ابتدا انگلیسیها با اسپانیا که وارد جنگ شده

زیرا که تجار انگلیسی از [illegible] قرارداد صلح [illegible] تجاوز کرده [illegible]

بین دولتین انگلیس حق داشتند [illegible] در سواحل مستعمرات اسپانیا [illegible]

[illegible] در سواحل مستعمرات [illegible] قاچاق [illegible] از حق خود [illegible]

و تجار [illegible] را [illegible] [illegible] اسپانیا) [illegible] را

خاتمه دهد. فرانسه در [illegible] اسپانیا و [illegible] مجبور شده با انگلیس وارد جنگ گردد

و در ۱۷۴۴ اعلان جنگ داد.

(اوت ۱۷۴۵) تنها واقعه‌ای که در امریکا رخ داد تصرف قلعه لوئیزبورگ بود

و انگلیس با مقاومت [illegible] ~~[illegible]~~ آنرا مسخر ساختند.

قشون مدراس از طرف دولت انگلیس ماموریت داشت که حاکم انگلیسی در جنوب هند [illegible]

[illegible] (از الیصت اریلی) [illegible] . [illegible] انگلیسی [illegible] و [illegible]

و [illegible] در [illegible] کمپانی [illegible] از [illegible] انگلیسی

[illegible] دارا [illegible] خود [illegible]

دوپلکس | بهترین [illegible] که از طرف دولت دوپلکس و لا بوردونه La Bourdonnais

در هندوستان فرستاده شد .

ماهه دو لا بوردونه [illegible] از [illegible] کمپانی [illegible] از [illegible] ولا [illegible] .

(۱۶۹۹ - ۱۷۵۵) حکومت جزیره [illegible] را داشت [illegible] از [illegible] و بهترین [illegible]

در [illegible] تجارتی کمپانی [illegible] و [illegible] خود [illegible] دسته [illegible] ترتیب داد .

آما دوپلکس Duplex [illegible] از [illegible] و [illegible] از [illegible]

[illegible] که [illegible] از [illegible] کمپانی [illegible] هندوستان

دوپلکس در [illegible] سال [illegible] رئیس قونسول پوندیچری و [illegible]

[illegible] (۱۷۴۰) [illegible] تا آن وقت [illegible]

[illegible] مرکز تجارت واقع [illegible] هندوستان [illegible] از [illegible] تجارتی [illegible] دوپلکس

[illegible] از [illegible] کمپانی [illegible] و در هندوستان [illegible]

[illegible] . [illegible] از [illegible] و [illegible] [illegible]

[illegible] و [illegible] فوق [illegible] از [illegible] و [illegible] [illegible]

[illegible] دوپلکس [illegible] .

دوپلکس در سال (۱۷۴۱) [illegible] حکومت کل [illegible] کمپانی را

در هندوستان یافت

فتح مدرس

با وجود [illegible] ساده دو لشکر [illegible] [illegible] مدرس [illegible]

جنگ [illegible] در اروپا در هندوستان صلح و صفا [illegible] و میان کمپانیها

انگلیسی و فرانسه نزاعی نخواهد شد و بنابراین خیال دوپلکس این بود که [illegible] بعد از سالها

حاضر است و صرف وجوه [illegible] تجارت خود ادامه دهد (سپتامبر ۱۷۴۵). آنا دوپلکس

دولت [illegible] ابتدا [illegible] از انگلیسها [illegible] ولی

فرانسه [illegible] نخواهد شد. برای اینکه [illegible] از لابوردونه

در خواست [illegible] و با ۱۵۰۰ نفر [illegible] در ظرف چهار روز [illegible]

مدرس را تصرف کرد (۲۱ سپتامبر ۱۷۴۶). عقیده دوپلکس این بود که

آن شهر را [illegible] لابوردونه [illegible] انگلیسها مسلم شد از

[illegible] آن شهر [illegible] صرف نظر کرد و [illegible] ده میلیون غرامت جنگ اکتفا کرد علت این

عدم موافقت لابوردونه با دوپلکس [illegible] را

دوپلکس [illegible] انگلیسی [illegible] لابوردونه در

[illegible] در خشکی [illegible] و دوپلکس [illegible]

۱۷۵۱ [illegible] (۱۷۴۸) [illegible] لابوردونه را [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

در سنه ۱۷۴۸ انگلیسی‌ها کمکی عمده برخاسته و به سرداری [illegible] بزرگ
امیرالبحر بوسکاون به محاصرهٔ بندر پوندیچری فرستادند. اما با وجود چهار ماه محاصره و جهاد
روز جنگ و ۲۲۰۰۰ گلوله در ظرف یک روز بجانب شهر [illegible] آمد بر دوپلکس فائق
گشته و بالاخره ناکام شدند. چند روز بعد از ختم محاصره پیمان صلح اکس لاشاپل
امضا شد و بموجب آن مدرس به انگلیسی‌ها مسترد گردید و فرانسه عوض [illegible] مالک [illegible] گردید.

فتوحات دوپلکس

چون صلح استقرار یافت دوپلکس بسیاست مداخله در امور [illegible] شروع کرده بود بار
جنگ و لشکرکشی [illegible] از آن ناحیه تا شش سال لاینقطع ادامه داشت [illegible] از
۱۷۴۸ تا ۱۷۵۴.
در این موقع دو منازعه بین امرای بومی هندوستان شروع شده بود یکی راجع به [illegible]
در [illegible] کارناتیک بود و دیگری [illegible] نظام. دوپلکس [illegible]
آن شبه جزیره و دارای چنین [illegible] بود. دوپلکس از این فرصت استفاده کرد و
[illegible] امارت [illegible] را تقویت نمود و غلبه داد [illegible] از [illegible] کرد
دولت کارناتیک و دیگری را در [illegible] با [illegible] دکن مستقر گردانید. در عوض
[illegible] شهرهای [illegible] را پذیرفت و در [illegible] دکن [illegible] او را قبول
کرده و ولایت [illegible] را [illegible] (۱۷۴۹-۱۷۵۱)
[illegible] در این صورت [illegible] و [illegible] در امور دکن داشته، با دوپلکس [illegible]
و [illegible] و [illegible] و [illegible] گشتند.
در سنه ۱۷۵۴ [illegible] و [illegible] او را
[illegible] تا [illegible] شبه جزیره را از [illegible] تا [illegible]
[illegible] و [illegible] نبود. [illegible] فتوحات [illegible]

[illegible]

حرب اگر با بولار و عقده غ قتیل ادام گرفت مجمع خوانین و ملکی عبارت بود

از هزار ... و چهار هزار ... بود. معاون [illegible] ملکی ... بار که

مردی Bussy [illegible] حمله جنگ ... دیر بود با ... ۵۱۲ ... ۲ ... نقل

که در جنگ کارناتیک [illegible] ... ۲۲ ... [illegible] [illegible] از

حصن حصین [illegible] معروف [illegible] با بدرفت و آن قلعه را ... حساب

دیوار ... آن در انظار ... تعرف آورده (سپتامبر ۱۷۴۹)

ایالت ... را با ... اقتدار ... و ... و هزار ... سوار

... و ... عقده قتیل [illegible] ... هزار سوار

... را ... دارد. ملکی [illegible] ... شرف ... ملکی ... بود

... که ... و ... در هر مورد ... انگلیس

... و ... اقدامات ... شد. ... اورنگ

از ایالت کارناتیک ... ... جانشین ... لادونا

... معروف بود انگلیس ... ... و ... دادند

... دفعه (۲ ژوئن ۱۷۵۲)

غزل
در انحصار ملکی

آن ... در ملکی ... بود و ... را رکیده

... ...

و ... [illegible] ... ... گوینده

در عوض کشوری ... دو ... ... ملکی و ...

... ... (سپتامبر ۱۷۵۲)

۸۶۲

(۱۷۵۱-۱۷۴۹)

از طرف دیگر دولت انگلیس در حفظ نفوذ کمپانی هند شرقی خود فعال‌تر بود [illegible]

که در دربار انگلستان اثر داشت و [illegible] در روش سیاست دوپلکس

ناقد شمرده تهدید جنگ بین انگلیس و فرانسه شد. لوی پانزدهم و وزرای او که طالب صلح بودند

و مخصوصاً [illegible] اعمال دوپلکس را [illegible] و قرار با کمال تحقیر

به اقدامات او را «جنگ تجار» [illegible]. پس بر آن شدند که دوپلکس را از کار

معزول کنند. نظر [illegible] و تقاضای [illegible] و مساعدت [illegible]

دوپلکس به اروپا احضار گردید (اوت ۱۷۵۴)

لیکن مردی که کشوری بزرگتر از فرانسه را مستعمره ساخته بود [illegible] رتبه [illegible]

دعاوی بعلیه کمپانی کرده و هیچ نتوانست مطالبات خود را از کمپانی دریافت دارد و مدتی [illegible]

بگذرد و در نهایت فقر و فاقه در پاریس [illegible] (نوامبر ۱۷۶۳)

معاهده گودهو

کمپانی به جای دوپلکس مردی گودهو Godeheu نام را به هند فرستاد که [illegible]

[illegible] و [illegible] از جمله شرایط [illegible] از شرایطی [illegible] نمود. [illegible]

حکام مستعمرات انگلیس مشغول مذاکره شد و [illegible] معاهده گودهو را منعقد ساخت

برحسب این قرارداد کمپانی فرانسه متعهد شد از حقوق خود در امور داخلی ایالات هندوستان

دست بردارد. [illegible] این تعهد [illegible] لکن [illegible]

[illegible] در واقع کمپانی [illegible]

[illegible] آنها انگلیس [illegible] در مقابل

[illegible]

ترک آن [illegible]

(۲۶ دسامبر ۱۷۵۴)

جنگ هفت ساله
[illegible]

مورخ انگلیسی میل نام در هر سال بعد از وقایع تاریخی فتوحات هند را
برشته تحریر آورده می‌نویسد: «دو پایه اقتدار او در کشور ملی یعنی
اقتدار صلح و عشق [illegible] حتی خدا مانی بزرگ ضعیف است [illegible] آنان خداکاری
در روز آخر ضعف نفس و جبن بود موجب دوام صلح گردید. و شش ماه بعد از آن جنگ
شدت تمام شروع شد. انگلیس‌ها [illegible] جنگ [illegible] و مهارت کار کنند
در ماه ژوئن ۱۷۵۵ نزدیک جزیره سه کشتی فرانسوی حامل قشون و آذوقه برای کانادا مورد حمله دریادار
[illegible] انگلیس شده در ناگهان [illegible] Boscawen [illegible] کنند. چند روز
بعد بیش از سیصد کشتی تجارتی را انگلیس‌ها در بنادر خود توقیف و در دریا [illegible]
جنگ خونین و سنگین کردند.

بعد از تردید و تامل بسیار دولت فرانسه سه هزار نفر به سرداری لالی تولندال
آنا [illegible] لالی مردی دلیر [illegible] هندوستان گسیل داشت. Lally Tollendal (۱۷۵۸)
خشن و کم هوش بود و نسبت با اعتقادات و عواطف هندوها تحقیر زیاده می‌کرد و آنان را «اسپاهیان
فرومایه» می‌خواند. ابتدا او پیشرفت هم کرد و بجانب مدرس تاخت (دسامبر ۱۷۵۸)
اما خشونت و تکبر او تمام افراد را و حتی ژنرال [illegible] و [illegible]
بر او شوراندند. از طرف دیگر [illegible] لالی تولندال [illegible]. عاقبت قرار او
به ۷۰۰ تن [illegible] و دشمن با [illegible] هزار [illegible] در
[illegible]. بعد از [illegible] ماه مقاومت دلیرانه ناچار تسلیم
(۱۰ ژانویه ۱۷۶۱) [illegible] پوندیچری آخرین مرحله تسلط فرانسه بر شبه جزیره هندوستان
محسوب میشود.
در آن وقت [illegible] با اهمیت واقعه پی بردند و [illegible] عامه برضد لالی شد.

[illegible]

(۱۷۵۳ [illegible])

(۱۷۵۳ [illegible])

(۱۷۵۳ [illegible])

دارم به عهده تعقیر او [illegible] عدم لیاقت و [illegible] به درگاهی که مقدمات ... ور را برداری

دیگر ... در این دوسال حکم برگ نمره و ... تحت حفظ شاخ شاه و ملکت ولیکن

خاص محبوب و دوشیزه [illegible] در دربار، گروهی نهاده حیات دلدار بودند. چند سال بعد ولی

شارژ ... نظر به چیزهای بسیار که در جنگ او و نظر بی‌عدالت و قتل فرانسویان را

تبرئه کرده و روز [illegible] و حمایت دولت هیچ تیرگی و رفیق نشان نیافت

جنگ در امریکا

معاهده ... انگلیس در امریکای شمالی صلح اکس‌لاشاپل را تنها متارکه موقت و زمینه جنگ داشتند

در دوران تجهیز و نظام جنگ و تعیین ... خویش پرداختند ... فرانسه قطعی ... و

قرارگاه‌های ... و مستعمرات انگلیس را محصور کرده بود

... در ... و ... انگلیس ... از ...

... کرده ... راه ... کانادا ... غرب ... و ... به قلعه [illegible] در شمال آن معبر

Galissonière ... کرده ... آن ... از ...

... آن قطع ... انگلیس ... را متصرف شد

و ... راه ... در ... و ... جنگ

و ... ۱۷۵۴ در صدد ... بعضی

... در ساحل رودخانه ... و ... را

Duquesne ... را خود ... که ... قلعه ... دوکن

نامیدند.

در سال ۱۷۵۴ ... به عنوان ... رسالت تقلبی

... Necessité رفته و ... را ... تسلیم کرد. ... قلعه

ماندند ... و ... در سال ... از ... [illegible] ... از

... در ... [illegible] ... راه ... و ...

۱۹۶

[illegible]

۱۷۵۵ ... (۱۷۵۶) ...

(۱۷۵۵ ...)

(۱۷۷۱ ...)

موضع آنرا خود را حوالی جرای بود ولی دیر کرد در گنگتون از بکتب اد ... شده بود دو هزار تن از برابر
ناوگان [illegible] . فرمانروای [illegible] جانب را زمین گیر داد در اول ماه ژوئیه شهر [illegible] کانادا
[illegible] را [illegible] و [illegible] در آن [illegible] و مجبور [illegible] [illegible] در [illegible]
[illegible] و انگلیس [illegible] در صلح [illegible] جنگ در [illegible] شروع گردید .

دفاع از کانادا

انگلیس با وجود [illegible] در [illegible] [illegible] و [illegible] کانادا را
و [illegible] ... ۶۰۰۰۰ نفر فراهم آورده در کانادا فرمانروایان [illegible] سرحدی بطول ۱۵۰۰
کیلومتر را حفظ کنند و [illegible] تعداد [illegible] [illegible] قوای فرانسه [illegible]
از ۵۳۰۰ تن [illegible] و ۵ هزار نفر [illegible] و [illegible] [illegible] و دهقانان [illegible]
[illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] از [illegible] [illegible]
سال دهقانان را از [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] آذوقه [illegible] کانادا
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و
[illegible] [illegible] قوت [illegible] . کانادا در تاریخ
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] .
[illegible] [illegible] Vaudreuil [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] Bigot [illegible] [illegible] [illegible] آذوقه [illegible]
[illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] .

مون کالم

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] مون کالم
Montcalm [illegible] [illegible] [illegible] . مون کالم [illegible]
صاحب [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] و [illegible] بود . [illegible]
[illegible] بزرگ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] .

[illegible]

در آن واحد از سه نقطه خط دفاعی [illegible] مورد حمله واقع شد. پس از [illegible] اوهیو در جنوب [illegible]

دور شمال شرقی [illegible] رود سن لوران و در قلب [illegible] دریاچه شامپلن [illegible]

قلب [illegible] را با سرعت حرکت [illegible] همراه او [illegible] تا سه سال (تا سنه ۱۷۵۹)

[illegible] بود [illegible] باز [illegible]

در سنه ۱۷۵۷ [illegible] ویلیام [illegible] را [illegible]

[illegible] تسخیر کرده [illegible] فرانسه [illegible]

[illegible] کاریلون ~~[illegible]~~ اتفاق افتاد (۸ ژوئیه ۱۷۵۸) [illegible]

با [illegible] انگلیس غلبه [illegible] دشمن را

از میدان جنگ خارج [illegible] قوای خود [illegible]

از دست رفتن کانادا

آنگاه [illegible] به انگلیس [illegible] قلعه فرونتناک را [illegible] در سواحل اوهیو [illegible]

[illegible] قلعه [illegible] نیاگارا [illegible]

اتصال [illegible] کانادا و لوئیزیان [illegible] منقطع گشت و همچنین

[illegible] قلعه [illegible]

[illegible] انگلیسی

[illegible] ~~[illegible]~~ [illegible]

و بعد از [illegible] ماه مقاومت [illegible] تسلیم شد (۲۵ ژوئیه ۱۷۵۸)

[illegible] را انگلیسها در ۱۷۵۹ [illegible] ولف

[illegible]

[illegible]

[illegible] مونکالم [illegible] ولف

~~[illegible]~~ [illegible] اتفاق [illegible] ۱۳ سپتامبر

قشون‌ها از راه رود ... گذشته ارتفاعات (ابراهام) مشرف بر شهر کبک را بدست آوردند

بر ... مونکالم و سردار ... مجروح گشته عاقبت ... در مقابل جمعیت

کثیر انگلیس تاب مقاومت نیاورد. ... شهر کبک بدست دشمن افتاد

... گرفتند ... در ... کمیل دیگر ... مقاومت

در دروازه کبک ... (اوریل ۱۷۶۰) اما چون لوازم جنگ

فرانسه ... انگلیس ... را ...

Vaudreuil و ... بر ...

... کانادا را به انگلیسها واگذار کند (سپتامبر ۱۷۶۰)

جنگ در اروپا
مقارن همین احوال [illegible] فرانسه و انگلیس در هندوستان ... در دریا هم

... جنگ ... برای ... در ... در جزیره ...

در مقابل جزیره مینورک بر انگلیسها ظفر یافته ... راه ... بحری انگلیس در آنجا

... بدست آوردند (ماه ژوئن ۱۷۵۶) جنگ دریائی نظر به ...

امیر البحر ... فرانسه ... عده کشتی‌های انگلیسها بمقاومت ... [illegible] فرانسه ...

در ۱۷۵۹ فرانسویان ... انگلیس ...

... در ... [illegible] ... قوای بحری ...

... دریا ... انگلیس گشته یک جنگ در لاگوس ساحل اسپانیا

(۱۷ اوت ۱۷۵۹) و یک جنگ در ... (۲۰ نوامبر) روی داد ...

فرانسه ۶۴ کشتی ... شد.

... فرانسه و ... کانادا را ... جنگ را خاتمه دادند

... ۱۷۶۱ ... وزیر امور خارجه ...

(۱۵ اوت ۱۷۶۱) ... معاهده ... منعقد ساختند

... از آنجا نتیجه بجز انقراض قطعی و کامل مستعمرات فرانسه نداد. زیرا که در همین جنگ سه جزیره مهم متعلق باسپانیا بدست انگلیس افتاد و در عوض لوئی [illegible] خسارت آن دولت را جبران کند و بقرار الیف مستعمرات فرانسه یعنی لوئیزیان را باسپانیا تقدیم کرد چنانکه گفتیم. اتحاد فرانسه و اسپانیا در آن ایام همیشه بنفع اسپانیا و خسارت فرانسه میشد.

مقدمات این معاهده در ماه نوامبر ۱۷۶۲ در فونتن‌بلو تهیه شد و در پاریس بصورت عهدنامه قطعی درآمد (۱۰ فوریه ۱۷۶۳). لوئی پانزدهم تمام کانادا و سواحل [illegible] را بانگلیسیها واگذار داشته و علاوه بر ادعای سیاسی نسبت به هندوستان صرف نظر نمود. فقط پنج شهر را در آن دوره در تصرف فرانسه باقی گذاشت (پوندیچری - شاندرناگور - کاریکال - ینائون - ماهه) بعلاوه فرانسه مسترد شده مشروط بر اینکه [illegible] بصورت دوایر تجارتی و دکانهای نقد و فرانسه هرگز قشون در آنجا نگذارد. علاوه بر این انگلیسیها جزایر انتیل فرانسه و سنت‌لوسی را در [illegible] و گوره در سواحل سنگال افریقا را بفرانسه پس دادند. لهذا در سال ۱۷۶۳ از امپراتوری مستعمراتی فرانسه

علت جنگ فرانسه

فرانسه در سال ۱۷۵۶ نزدیک بود دارای بزرگترین و بهترین [illegible] مستعمرات عالم گردد در ده سال به اسباب [illegible] [illegible] تنگی [illegible] اروپا محصور گردید. عهدنامه پاریس (دهم فوریه ۱۷۶۳) تحت ترتیب و عنوان [illegible] معاهده [illegible] در فرانسه تا کنون [illegible] است و مبدء تغییرات در تاریخ عمومی مغرب [illegible] زیرا که این عهدنامه نشانه قدرت جهانگیری انگلستان است.

از علل مغلوبیت فرانسه نخست بی‌لیاقتی اولیاء امور سیاسی بود. بعضی گویند دو سیاست دولت [illegible] در حال [illegible] انقطاع است. صلح [illegible] [illegible] مقابل او [illegible] [illegible] صلح لازم است در [illegible] [illegible] جنگ [illegible] بعلت [illegible] در دل الاه [illegible] را باطل و بیجا میداد. تجزیه [illegible] [illegible] و فقدان اعتبار [illegible] [illegible] شاه فرانسه اعلان جنگ داد فرانسه [illegible] را دوا نمیشود.

قورخانه‌ای در وزن [illegible] دارا بود سفینه جنگی ۳۴۵ انگلیس در صورتیکه داشت [illegible] کشتی ۴۵ فقط ۲۴۷

تجهیز سفاین جدید [illegible] دفاع کرد ناچار قوفانه کرد راه ایشان را حرات یاحشار قواد آورد

همین در قوای عمومی نیز کمتر از حاجت داده و در تمام جریده ... رو و ... دریا بورد

شده بود در [illegible] نیزه داشت و او نیز [illegible] در آغاز جنگ پیروز هم

میورک وفات یافت . وزیر بحریه نام ... بود در سال ۱۷۴۷ پر از قول

ماثو ... وزارت بحریه برگزیده شد ... نام سوخس ... و جدول در کار ... مستعمرات

و بحریه بدین شرح داده ... از ذخایر و مواد قورخانه و ... ازا ... قورخانه

با وجود علت عمده ضعف ... در انگلیس ... قبل از ... ناتوان

سعید کشتی و هزاران ... را توقیف کرده و ... دوره در ... رنجی

محسوس بود . ... ارتباط بحری ... مقرر داشت ... گردید .

در تعلق به مستعمرات

علت ... از ... امور مستعمرات ... ازل ... اروپا

هیچ چیز ... شد ... شد و ... اتفاق

گردید ... از یک ... و از ... عقیده ... بود . ... معمول ...

کمی ... و ... دستگاه ... از ... اقدام کرد ... سرزمین ... شد

از ... امور ... که ... داشته ... از ... تا ... مستعمرات

پیش ... مقدار ... قیمت ... و ... نیز ... تملک

جنگ ... با دولت انگلیس ... داشت ... و ...

درجه ... و ... در ... او ... بود ... داد ... زیاد

... و ... حسن ... و قوت ... فاتح ... گرفته

... از مراکز صنعتی بسیار عظیم و معتبر روی زمین محسوب است

(۱۷۵۶ تا ۱۷۶۳) [illegible]

سرتیج فتح مون‌ران و [illegible] انگلیس

شوازول در [illegible] فطره مزاج و ترکی فرنیه : در ۱۷ [illegible] و سال [illegible] از ۶ پیت

فروکناب ترقی داریم جنگ [illegible] سه [illegible] باقی از انگلستان جزایر [illegible] سقیه

بین فرنسه [illegible] بار [illegible] انگلیس [illegible] گرفته شد

با از عقاید مستعمرات [illegible] کال [illegible] دوبلکس در ۱۷۵۱

در بنگال [illegible] بود تجارت [illegible] و قطع [illegible]

را جمع آورده [illegible] و واقعاً بین [illegible] را از گرایان

و [illegible] Biêtu [illegible] جنگ

شد ۱۷ [illegible] ۳۲۶ [illegible] کلیو کالم دوان

[illegible] کالم [illegible] بود [illegible]

[illegible] کالم [illegible]

[illegible] فوق‌العاده [illegible] بود [illegible]

[illegible] [illegible] از [illegible]

فاتح جنگ [illegible] و [illegible] هزار [illegible] را در آن

[illegible] عرصه [illegible]

گرفتن انگلستان | انگلیس [illegible] شرق و [illegible] تمام [illegible] جنگ [illegible] و [illegible] توضیحی

از [illegible] جنگ [illegible] انگلیس [illegible] فتح [illegible]

[illegible] امیرالبحر بینگ Bing [illegible] و [illegible]

جنگ [illegible] انگلیس [illegible] و [illegible] از ۳۴۵ به

۴۲۲ [illegible] پیت Pitt [illegible] شد

در ۱۷۵۷ [illegible] ۲۵۰۰۰ [illegible] و در ۱۷۵۹ [illegible]

[illegible] روانه کرد

بلیز نظامیان میخ واردنموده ... از انگلستان بیآمده در مستعمرات عده کثیری از بومیان
را بکار ... قوه ... چوبک ۱ تنی از انگلیس ها ... بومیان و ... تعداد و
بومیان [redacted] قوه ... از اروپایی جنگ ... داشت ... ارتش ... ترسو ... بلوچها را تلف
و مقدمه ... سپاه دو ... را نیز نظام ... علت ... آن بود ... توانسته حیات
و ... به پیشرفت ... [redacted] ... انگلیس ... [redacted] ... آزاد
بعد عقیده عموم را جنبی ... [redacted] ... ۵ ... در ارتش ...
... مستعمره ... [redacted] ... از جمله عده ...
... دو ... بومی انگلیس ۱۲۰۰۰۰ و بومیان ... ۸۰۰۰۰ نفر

... [redacted] ... کمتر از پنجاه هزار نفر ... دولت ...
[redacted] ... از این عده ... از بومیان [redacted] ...

تسلط انگلیس بر هندوستان

چون ... انگلیس ... از رقابت ... [redacted] ...
[redacted] ... سلطه خود در هندوستان ... ... مالسون
Malleson ... انگلیس ... [redacted] ...
... [redacted] ... انگلیس ... روش و
... انگلیس ... و آن ... قوه ...
مطابق نظام اروپائی ... در خدمت ... هندوستان و امداد ...
... از پنجاه سال ...
... هندوستان ... [redacted] کلایو

Clive و دیگر وارن هاستینگس Warren Hastings

کلایو فاتح بنگال

در واقع ... [redacted] ... مستعمرات ... [redacted] ...
جنگ ... انگلیس ... کلایو ... هندوستان ... کلایو (۱۷۲۵ – ۱۷۷۴)
در سن ۱۸ سالگی ... [redacted]

[illegible]

وارد دهلی می‌شود و پونه بچه (۱۷۴۸) لیاقت و داوری خویش را ظاهر ساخت . در این وقت ۲۳ سال سن داشت
سه چند مرتبه در کارناتیک با [illegible] ایالتی [illegible] عقب [illegible] و مبش زد [illegible] وقایع [illegible]
بنگاله را [illegible] دلفه [illegible] یک وقت عدم الظفر خویش را [illegible] روز دلخور رسانید .

در ماه ژوئن ۱۷۵۶ نواب بنگاله شهر کلکته را که مهم‌ترین مرکز کمپانی در بنگاله بود
در تصرف آورد و ۱۴۶ نفر اروپایی را گرفت [illegible] قصه قتل [illegible]
[illegible] در سیاه‌چال تنگ و تاریک [illegible] خارج فقط از یک منفذ [illegible] داشت
[illegible] شد ۱۲۰ نفر [illegible] که در [illegible] در بنگاله شب گرمی بود [illegible]
[illegible] و آن‌ها را [illegible] بوده تقریباً خفه شدند .

کلایو در انتقام‌کشی آن‌ها با سه هزار تن که ۹۰۰ نفر از آنها انگلیسی بودند برخاست
و در طی [illegible] شهر [illegible] را [illegible] (مارس ۱۷۵۷) و در خفیه با یکی از سرداران نواب
که میر جعفر نام داشت ~~[illegible]~~ [illegible] در ۲۳ ژوئن ۱۷۵۷ نواب را با [illegible]
[illegible] هزار [illegible] در [illegible] جنگ [illegible] قبل [illegible] میر جعفر و [illegible]
انگلیس [illegible] نواب [illegible] شد [illegible] میر جعفر [illegible]
کلایو میر جعفر را [illegible] نصب داشت [illegible] گرفت و [illegible]
[illegible] ۷۵۰۰۰۰ [illegible] کلایو [illegible] . دولت انگلیس [illegible] کلایو را
لقب بارونی در [illegible] Plassy و [illegible] داد .

[illegible] در [illegible] بازار [illegible] دولت انگلیس [illegible]
[illegible] کلایو [illegible] میر جعفر [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible]
[illegible] . کلایو از سال ۱۷۶۵ [illegible] سال [illegible]
[illegible] رفت [illegible] وقت [illegible] قرار [illegible]
[illegible] را [illegible] هندوستان [illegible]

اداره امور ... وصول مالیات با شرکت بود [illegible] عنوان حفظ [illegible]

[illegible] و تفتیش اعمال [illegible] و [illegible] با تحقیقات [illegible] آزاد بود [illegible] کمپانی [illegible]

[illegible] محسوب شده [illegible] را داشت تمام [illegible]

و [illegible] دولت [illegible] تحت [illegible]

کلایو [illegible] کمپانی [illegible] و [illegible] فراهم آورده بود [illegible]

[illegible] از [illegible] ۴۰ [illegible] قطع [illegible]

[illegible] شد و [illegible] المقدمات

از [illegible] و اعمال او [illegible] از جانب [illegible] (۱۷۷۴).

[redacted] [illegible] کلایو [illegible] از [illegible]

[illegible] و بیکاری و افراط [illegible] کشیده [illegible]

[illegible] (۱۷۷۴)

قانون تنظیمات کمپانی

در [illegible] شغل تحقیقات و تفتیش [illegible] حکومت کلایو

بود [illegible] تنظیمات کمپانی [illegible]

[illegible] قانون تنظیمات [illegible] و در [illegible] کمپانی [illegible]

حکمران [redacted] [illegible] [redacted] [illegible] [redacted] [illegible] اعمال حکمران [illegible]

[illegible] آن جمع [illegible]

[illegible] در کلکته [illegible] از حکمران [illegible]

استقلال داشت. ۴. [illegible] امور اداری و تنظیم

[illegible] سیاسی در [illegible] شد.

وارن هاستینگس

Warren Hastings

[illegible] وارن هاستینگس [illegible]

[illegible] (۱۷۳۲ - ۱۸۱۸) [illegible] از مقام منشی [illegible]

[illegible]

امیرزادگان بودند و وزیر و وکیل و کارداران بود و چون در ... اولاد تیپو
سیاسی تخصص داشته و هندوها را ... بودند و به واسطه می‌دانستند. بقال خود
دستور داده بود که (در غیاب خودش) حکومت کند و آنچه را که پول بفرستند) ب‌ ... و از این کشمکش
هیچ‌گاه اداری ... رو به راه و در داخله نگاه داشت و ... این یک حکمرانی او با ... گذشت به
سبب ... آن نسبت به عیاشی و قشون ... دربار ... نسبت به ... با سرداران
بنگال و قاجست رفتار نمود شده را به جای ... جنوب هند در ... چیزی شناخت و
تقدیم کرد ... او ... کرد. ... حکام ... عهد ... صاحب
خزانه مشهور ... شد ... بعد متحد گشتند انگلیس‌ها اقدام و تقوایل
قدرت آن شاهزاده خانه را به زندان افکند. و پس از آن ... دولت ... هزار
لیره آزاد شد (۱۷۶۲)
نیز دو بار ... جنوب ... رشته ... و صول ... میان صاحب‌اختیاران قدرت شد
... جنگ ... (۱۷۷۸ - ۱۷۸۱) و ...
... با حیدرعلی ... و تیپو صاحب ... (۱۷۸۰ - ۱۷۸۴)
تیپو ... اعلان جنگ ... با دعوی استقلال امریکا و حیدرعلی ... وارد آن
... مدد گرفت ... انگلیس‌ها در این وقت تقریباً ... داشته
در کارزار ... فایق شد ... جنگ ... لکن
صلح در سال (۱۷۸۴) ... اعلان ... ساخت. تیپو صاحب
... گرفته ... انگلیس‌ها ... و انگلیس‌ها نیز ... مستور داشته
بودند در ایام انقلاب کبیر فرانسه جنگ ... تا ۱۷۹۵ خاتمه یافت
دوباره ... جنگ ... داد قلعه تیپو صاحب ... و همه آنها
سرنگون و تمام محصور و مقتول گردید.

وارن هستینگز را در سنه ۱۷۸۵ بانگلستان احضار کردند. حزب ویگ بقیادت فوکس
Fox تقاضا کردند در محکمه [illegible] که [illegible] و در [illegible] رشوه دادن و [illegible]
دست برده. همه مجبور شدند تحقیقات بکنند. محاکمه در حدود ۹ سال طول کشید. در سنه ۱۷۹۵
وارن هستینگز تبرئه شد. چون خارج محاکمه [illegible] او را از [illegible] آورده و فقیر کرده بود کمپانی
چند نفر [illegible] مستمری برای او قرار داد.

قانون هندوستان: چون کمپانی [illegible] یک موسسه تجارتی بود که اداره سیاسی هم بعهده او بود و بر قوای [illegible] تحت [illegible] قیمومیت
شخص [illegible] حکومت انگلیس حکمرانی میکرد پارلمان انگلیس
Pitt [illegible] پیت
در [illegible] اعمال و احوال او مراقبت و تفتیش [illegible] ولی بنا به [illegible]
در وقت ریاست الوزرائی [illegible] پارلمان (قانون هند) را وضع کرد. [illegible] قانون اگرچه حق انتخاب
حاکم هند را با [illegible] کمپانی [illegible] گذاشت [illegible] ولی انگلستان نیز حق میداد هر وقت لازم بداند
او را معزول نماید. از طرف [illegible] تفتیش [illegible] هم معین کرد که جمیع اعضا او را شاه
منصوب میساخت. کمپانی [illegible] تمام معاملات
در امور [illegible] مطلع سازد. [illegible] تا اوخر [illegible] کمپانی [illegible] یعنی تا سنه
۱۸۵۷ باقی ماند در این وقت چند فوج از سپاهیان [illegible] شورش کردند و [illegible] بود
هندوستان از دست رود ناچار دولت کمپانی را ملغی ساخت.

فصل هشتم

شورش مستعمرات انگلیس

تأسیس دولت متحده امریکا تا سنه ۱۷۸۷

بیست سال بعد از عهدنامه پاریس دولت فرانسه انتقام خود را گرفته و انگلستان را مغلوب ساخت.
بموجب عهد او های مهاجرین امریکائی بعد از جنگ هفت ساله و با وجود اینکه انگلستان را [illegible]
دولت انگلیس بیزار شده قسمتی از قدرت خود را در دورهٔ جنگ [illegible] بر ایشان
زور تحمیل کرد سیزده مستعمره امریکا دست اتحاد بهم داده و بر دولت انگلیس شوریده و بعد
از جنگ بیش از بیست سال دو دولت [illegible] فاتح شدند. بموجب عهدنامه مورخه ۳ سپتامبر
۱۷۸۳ استقلال آنها اعلام شد و دولت جمهوری را در امریکا تأسیس کرده بعدها دولتی
دول آزاد و تازهٔ امریکا بموجب عهد از طرف دولت انگلیس رسماً شناخته گردید.

سیزده مستعمره امریکا

دیدیم که از اوایل قرن شانزدهم تا اواسط قرن هیجدهم بتدریج مستعمرات
سیزده گانهٔ انگلیس در سواحل شرقی امریکای شمالی تشکیل گردید. قدیم‌ترین آنها
عبارت بودند از ایالات ماساچوست Massachusetts و سه مستعمره انگلستان جدید
و پنسیلوانیا. سکنهٔ آنها غالباً از نژاد اروپائی و ساکنین آن قوی زراعت و صنعت
و تجارت بودند. در مجموع آب و هوا و سختی کار عادت داشته و در حفظ آداب
و رسوم خویش ثابت. [illegible] تعصب زیادی نداشتند و ملت مساوات و حریت سیاسی
تقسیم و تربیت در بین آنها رواج داشت. بموجب قانون در هر پنجاه خانوار یک
مدرسه باز کنند و بعضی مدارس عالیه نیز مثل هاروارد [illegible] دایر بود
که امروز مبدل بدارالعلم گردیده است.

۲۴۶

معتدلتر ثروت عمومی درجه عالی نداشت در اقوام [illegible] اما جوش و بین سعوادآباد در
آنجا ترقی زیادی نبود فقط در شهر بزرگ وجود داشت و کاری آن ایالت
محسوب نگردید فیلادلفی در بین شهرهای دارای جمعیت زیاد ... و بوستون
در امر جوش صاحب امتیاز بود بزرگترین ... این شهر اخیر مرکز تجارت و صیادی
بحری بود

آنها مستعمرات جنوبی ... حیث با قطعات شمالی تفاوت داشتند بنا بر اینکه
وضع اقلیمی و منابع آنها انگلیسیان و کاتولیک بعضی ... منطقه گرم
و اراضی حاصلخیز ... بود صاحبان املاک در وسط مزارع خویش مقام
داشته و بر رعایا ... نظر می کردند در قدیمترین مستعمرات جنوبی ... مارى لند
و ویرژینی باشد ... تمیز ... و دولت ... رواج داشت و در کارولین
... برنج و نیل ... زراعت ... فقط ... اروپائی معتدل بعضی
گروهی سیاهان از قطعه افریقا ... در سال ۱۷۷۵ جمعیت
این مستعمرات ... بیشتر از ربع آن یعنی
... و نفر از همین سیاهان بودند.

آنها ... مستعمره وسط در سابقا ... تعلق داشت بیشتر در صدد ... داشت
برپا نمودند ... در بر جمعیت ترقی ... کار ... بود و بیشتر ... داشت ... نمود.
بنده هم این ... محسوب ... و ... فقط ... بانک ها ... می کرد.
(کنکتیکت و رود آیلند) هر یک از این ... مستعمره استقلال خاصی داشت و ... زمانی در ...
تا سیر مستعمره ... از جانب شاه انگلیس ... می شد دارای حکومت مستقل ...
... اجزا و ... حکومت این مستعمرات در ... و عبارت بود از حاکم و ... ولت
و مجلس ... در هر مستعمره ... بود حاکم و اعضا ... از طرف پادشاه انگلیس معین گردد.

در جای مستعمره دیگر هم ، اعضاء [illegible] یا ارباب [illegible]
(مقصود دارندگان سهام اولیه [illegible] مستعمره است) آنان [illegible] در برخی از موارد
[illegible] ~~[illegible]~~
داوطلب تا اعمال وکالت می‌کردند در وظایف حکام مجلس وضع مالیات و اجازه
خارج [illegible] . قضات [illegible] به عهده [illegible] می‌کردند بنابرین از نقطه نظر
اداری و سیاسی مستعمرات امریکا دارای آزادی و استقلال بودند .
[illegible] | اما از نظر اقتصادی کاملاً [illegible] نداشت از لحاظ [illegible] ۳ [illegible]
و [illegible] به مستعمرات [illegible] می‌کردند [illegible] ~~[illegible]~~
[illegible] را [illegible] در [illegible] [illegible] تجارت با [illegible] مستعمرات
[illegible] و [illegible] انگلستان [illegible] در [illegible] [illegible] سرعت [illegible]
از [illegible] [illegible] انگلستان [illegible] [illegible] اسپانیا [illegible]
[illegible] و [illegible] : [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] تمام قوای نیرومند انگلستان را [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] .
[illegible] تمام مستعمرات [illegible] [illegible] [illegible] انگلیس [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] امریکا را [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] امریکا [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] تمام مستعمرات [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] انگلستان [illegible] در ۱۷۵۴ مجلس
[illegible] مستعمرات در [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] را قطع [illegible] .

۲۶

بهانهٔ شورش

قرضه‌ای که انگلستان در جنگ هفت ساله از بابت [illegible] حقوق کلنیهای آن دولت
مستعمرات گردید. چون [illegible] خطر [illegible] دیگر [illegible] دولت
جانب انگلستان را تهدید [illegible]. جنگ [illegible] انگلستان [illegible] و
آن دولت را به ۳۵۰،۰۰۰،۰۰۰ لیره رسانیده بود. ایالت [illegible]
بوده دیگر برای [illegible] بپردازند. [illegible] گرن ویل
Granville برای [illegible] جبران [illegible] انگلیس [illegible]
تا ممکن است از مستعمرات [illegible] بردارند. یعنی مستعمرات [illegible]
[illegible] انگلستان را [illegible] و [illegible]
آنان [illegible] قوانین [illegible]
تجارت [illegible] انگلیس را [illegible] وقت [illegible] پارلمان
[illegible]
[illegible] وقتی [illegible]
دولت [illegible] قانون [illegible] ایالت [illegible] (۱۷۶۵) [illegible]
[illegible] آن [illegible]
[illegible] مستعمرات گردید ۱۷۷۴ [illegible]
[illegible] جنگ [illegible] استقلال [illegible]

تجزیه و تحلیل

[illegible] تجارت [illegible] ایالات [illegible]
[illegible]
[illegible] آن ایالت [illegible]
[illegible] آزادی [illegible] انگلیس [illegible]
قانون [illegible] (اکتبر ۱۷۶۵). [illegible]

[illegible]

۲۴

بودن تا ۱۰۰ از ملت انگلیس خارج هستند و در مملکت تبعیه [illegible] حقوق را خودش [illegible] دارا شده

بودند. و نمایندگان ایالات ما وحشی معترف این نکته را بیان می‌کردند و [illegible]

در مجلس عمومی انگلیس و اعتبار آن [illegible] دیگر حق آزادی است ایالات

(نماینده اهالی و ایالات)

هیچ ایالتی به رضایت ایالات و نمایندگان اهالی وضع و وصول نشود و چون اهالی

نماینده پارلمان انگلیس نمی‌توانند هیچ قانون مالیاتی را بر عهده گیرند.

لیکن نظر دولت مرکز انگلیسها [illegible] غیر معقول رفته و در پارلمان حزب

دیگر [illegible] بیست طرفداران آن گردید. ولی بعد مجلس استبدادی او

از مقاومت جدی ایالات آمد به حد نکرد در مدت [illegible] قانون را لغو کرده

که در امریکا کمی بیدار شده و فروش کالا قهر وارد را [illegible] بعهده گیرد و پارلمان انگلیس

[illegible] مالیات تمبر را نقض کرد (مارس ۱۷۶۶) ولی در اثنای الغای مالیات

تمبر پارلمان حق [illegible] وضع مالیات مستعمرات را بخود اختصاص داد و در (ژوئن

۱۷۶۷) تعرفه جدیدی که بار سنگینی [illegible] صادره از انگلستان یعنی از شیشه آهن کاغذ

و شیشه و رنگ و چای [illegible] در امریکا اتفاق افتاد و اثنا [illegible] مالیات

جدید بسته اتفاق گشت در نتیجه تجارت صادرات انگلیس یک ثلث نقصان

یافت و مخارج اداری وصول مالیات مزبور سه چهار برابر عایدات آن بود

بعد از سه سال [illegible] مالیات [illegible] را لغو کرد

در مشروب عمومیت [illegible] (۱۷۷۰) در امریکا [illegible] از ورود چای

۳۴۰ [illegible] جلوگیری کنند دسامبر ۱۷۷۳

کمپانی [illegible] بستون رسید در امریکا [illegible] و [illegible]

[illegible] (۱۸ دسامبر) [illegible]

[illegible] واقعه [illegible] دولت [illegible] گشت.

میگفت در مستعمرات بایستی مالیات را وضع کند یا سرباز [illegible] آورند که

بر اثر محاصره بندر بوستون داد و مالیات ~~[illegible]~~ چای [illegible]

بندر بکلی بسته باشد. مقارن این حال پارلمان انگلیس قانون مربوط

به ماساچوستس را تغییر داد و حق انتخاب قضاة و اعضاء هیئت ~~[illegible]~~ را

از سکنه آنجا سلب نمود.

اتحادیه منع واردات بوستون و ماساچوستس از سایر مستعمرات مدد خواستند. برای اینکه

نمایندگان در فیلادلفیا جمع شده کنگره ترتیب دادند و رسماً از تو قانون اساسی

امریکا و حقوق ملت را اعلام نمودند. لب مطلب و اظهارات [illegible] بود:

«[illegible] آزادی اهل انگلیس و هر ملت آزادی عبارت از ~~[illegible]~~

حق اشتراک ملت است در وضع قوانین خود» پس کنگره رسماً مال التجاره

انگلیس را تحریم نموده و اتحادیه منع واردات را تاسیس کرد. در هر مستعمره هیئتی

مامور مراقبت اعمال تجار و [illegible] شد و برای کمک به این هیئت ها [illegible] تفتیش

قشون چریک گرد و ورزیده در نقاط مختلف ساختند.

در ۱۹ آوریل ۱۷۷۵ گروهی از قشون انگلیس که مامور تصرف [illegible] از

[illegible] بودند در لکزینگتون و کنکورد [illegible] قشون چریک [illegible] شده

[illegible] تلفات انگلیس [illegible] شد. از این تاریخ

جنگ شروع گردید و تا هشت سال ادامه یافت (۱۷۸۴-۱۷۷۵).

اعلان استقلال امریکائیها با اینکه قشونی نداشتند واشنگتن را [illegible] ترتیب دادند و بندر بوستون را

که انگلیسیها مرکز قوای خود ساخته بودند ~~[illegible]~~ محاصره کردند و قشون انگلیسها را خسته و

مجبور کردند که آنجا را ترک کنند [illegible] و در [illegible] کنگره [illegible] (۴ ژوئیه ۱۷۷۴) استقلال

[illegible]

میکشد در (با قصه شورش بر ضد انگلستان و تشکیل سلطنت مستقل داشت)» نیروی سوم در
جواب این اطلاعات قشون ایرهمن کابل را از املاک استخدام کرده ولی
لشکر را صاحبزاده بزرگ رسیده ابرانیان گیر داشت

(سنه ۱۷۷۶) در این حیص و بیص مستعمره ویرژینی استقلال خود را اعلان
سایر مستعمرات هم در دوره‌ای در تردید بودند از وی تقلید نمودند و در روز چهارم ژوئیه
۱۷۷۶ کنگره در فیلادلفی استقلال عمومی را اعلان کرد.

اعلامیه مزبوره مقدمه‌ای داشت نقل یکی از نامه‌های جان ویرژینی (جفرسن) توماس
ژفرسون و عبارت بود از یک طرح مختصر درباب حقوق بشری و اصول کلیه که بنا بر آن باید
هر حکومت مشروطه قرار گیرد. در این شرح اظهار شده بود که همه افراد بشر در خلقت یکسانند
و «خالق به هر فردی حقوق ذاتی داده که تغییر ناپذیر (تفویض ناپذیر) است مثل حق حیات و حق آزادی»
و علت غائی تشکیل حکومت حفظ حقوق مزبوره است و قدرت حکومت و نفوذ
کلمه او منوط برضایت ملت خواهد بود. «هر وقت حکومتی بر خلاف اصول
بالا حرکت کرد ملت حق تغییر و فسخ آنرا خواهد داشت و برقراری حکومت صحیحی
را لازم خواهد دانست» در واقع این خلاصه اصول حکومت‌ها و اعلام مبادی
سلطنت ملت بود که بعدها پایه سرلوحه قانون اساسی فرانسه و دیباچه
اعلان حقوق انسان و ملت +

جنگ

اگرچه اعلامیه مزبوره دارای اثر تاریخی است و واشنگتن شهر بوستون را در مارس
۱۷۷۶ تسخیر نمود بعد از جنگ ~~[illegible]~~ بیش از پنج سال
مدت جنگ طول کشید. و کمک فرانسه به امریکا یکی از عوامل بزرگی موفقیت امریکائیان محسوب میگردد.
در آغاز کار امریکائیها حکومت مرکزی نداشتند کنگره فقط بمنزله رابطه بین ایالات
بوده و قدرت نداشت که مستعمره را تحت فرمان داشته باشد. معذلک جمیع اهالی امریکا

اعلامیه استقلال را تصویب می‌کردند در ایالت ویرجینی فرمانده [illegible] تجارو

جنگ درجه اول [illegible] خط [illegible] در مقابل قوای انگلیس بود. از

طرف دیگر در انگلستان [illegible] حتی [illegible] و دول [illegible]

[illegible] رواج داده [illegible] در انگلستان [illegible]

در [illegible] قوای واشنگتن [illegible] مردمان [illegible]

و جمیع [illegible] بسیار [illegible] ۱۵۰۰۰ نفر از آنها [illegible]

مدت خدمت [illegible] تا [illegible]

حتی در کار [illegible] مدت [illegible]

[illegible] انگلیسی‌ها [illegible] واشنگتن را داشته

ثانیاً [illegible]

واشنگتن روز واشنگتن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

واشنگتن [illegible]

[illegible]

[illegible] واشنگتن [illegible]

واشنگتن [illegible] ریاست [illegible]

[illegible]

دروز یک قسمت [illegible] که در نواحی شمالی نیز قدرت انگلیس‌ها [illegible] کنگره در [illegible] وارد
نیاورد خود را از شنیدن [illegible] و شنیده‌ها از [illegible] دید.

تسلیم ساراتوگا Saratoga

از طرف دیگر [illegible] انگلستان در [illegible] [illegible] [illegible] و در وقت
طول [illegible] [illegible] [illegible] اراضی [illegible] خود [illegible]
[illegible] بسیار [illegible] و [illegible] [illegible] و [illegible] از [illegible] [illegible] [illegible]
و ~~[illegible]~~ [illegible] [illegible] نکرد. انگلیسیان [illegible] سختی
[illegible] [illegible] [illegible] در سال ۱۷۷۷ [illegible] [illegible]
[illegible] انگلیسی‌ها [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] انگلیسی‌ها [illegible] در نیویورک و دیگری در کانادا [illegible] [illegible] [illegible]
مستعمره را از وسط قطع کرده و با [illegible] [illegible] هووس [illegible] روابط [illegible]
شمال را از جنوب منقطع سازند. [illegible] از [illegible] انگلیس [illegible] ژنرال هاو Howe
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] تخلیه [illegible] [illegible] [illegible] آورد. و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
و [illegible] [illegible] (۱۹ سپتامبر و ۳ اکتبر)
لکن [illegible] [illegible] [illegible] انگلیسی‌ها [illegible] [illegible] [illegible] را
سمت جنوب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] کانادا [illegible] [illegible] [illegible] قشون کانادا [illegible] ژنرال [illegible]
از سمت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]. [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

و ناگهان دوچار طوفان عظیم و بادهای سیل آسا شده و در محل ساراتوگا
نزدیک شهر آلبانی قشون فرانسه با محاصره افتاد [illegible] پس از سه روز اردو
نفروخت. قطع امید نمود او در جنگ تسلیم شد (۱۷ اکتبر ۱۷۷۷)
از واقعه ۹ روز بعد از این شکست و تسلیم [illegible] شهر فیلادلفی
تخلیه شد.

دولت فرانسه و انگلیس

تسلیم شدن لشکر [illegible] یک عده [illegible] شد عظیم او [illegible] (فیلادلفیا) [illegible] [illegible]
[illegible] دولت فرانسه [illegible] معلوم [illegible] [illegible] گردید.
[illegible] دولت فرانسه [illegible] [illegible] [illegible] شد [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible]
[illegible] در [illegible] [illegible] و [illegible] در انگلیس [illegible] [illegible] بسته
و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] گرفته [illegible].
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سه سال [illegible] [illegible] استقلال
امریکا [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] فرانسه از [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] از [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] فرانسه ابتداء [illegible] [illegible] [illegible] اکتفا کرد. و [illegible] از [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] دولت فرانسه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ۱۷۷۸ [illegible] [illegible] [illegible] و
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] را از [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] داد. [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] (دولت)
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] (۱۷۷۷)

فرانکلن و اتحاد با فرانسه

بعد از فتح ساراتوگا طرفداران جنگ در دربار فرانسه پیشرفت حاصل کردند. نمایندهٔ نابغه
از طرف دولت آمریکا در فرانسه بنیامین فرانکلن بود. او در سال ۱۷۰۶ در
شهر بوستون متولد شد و در اوایل امر اوقات [illegible] تحصیل داشت. [illegible] تا آخر عمر از
[illegible] و [illegible] کار [illegible] و [illegible] تعلیم یافت و [illegible]
و [illegible] و [illegible] را [illegible] او [illegible] مردان خود ساخته
[illegible] و [illegible] خوش [illegible]. [illegible] در زمان ریاست
و [illegible] از طرف [illegible] و [illegible] ... رفت
او [illegible] الکتریسیته [illegible] برق‌گیر [illegible] و [illegible] او [illegible]

در سال ۱۷۸۰ نزاع امریکا و انگلیس [illegible] کاترین دوم (۱۷۲۹-۱۷۹۶)
[illegible] را [illegible] بی‌طرفی مسلحانه [illegible] امریکا [illegible] گرفت. در [illegible] او
[illegible] صورت [illegible] استقلال [illegible] کرد. [illegible] مردم او را [illegible]
و [illegible] [illegible] و [illegible] و [illegible] بر [illegible]
او [illegible] سؤال [illegible] و چون فرانکلن سابق [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] و [illegible] و [illegible]
و [illegible] فرانکلن [illegible] وزیر خارجه
[illegible] معاهده [illegible] (۶ فوریه ۱۷۷۸)

جنگ اسپانیا و انگلیس

نزاع امریکا و انگلیس [illegible] انگلیس [illegible] و [illegible]
وزیر خارجه [illegible] جنگ اروپا با انگلیس [illegible] اسپانیا [illegible]
[illegible] (آوریل ۱۷۷۹) و چون دولت انگلیس [illegible] حق معاینه و تفتیش
[illegible] امریکا [illegible] دولت [illegible] معاینه [illegible]

بی‌طرفی مسلحانه

هلند و دیگر دول [illegible] را از خود ناخشنود کرد [illegible] در اثر ربط تجارتی هم که
روسیه، دانمارک و سوئد [illegible] و چند دولت دیگر [illegible] را متحد ساخت و
[illegible] اتحاد بیطرفی مسلح ساخت و بدین ترتیب انگلیس تک تنها ماند (از ۱۷۸۱)
جنگ مدت چند سال در [illegible] ادامه داشت [illegible] در جزایر آنتیل و در
بحار اروپا و در اقیانوس هند [illegible].

جنگ در امریکا فتح یورکتاون

در امریکا [illegible] از جوش و خروش [illegible] نگاه [illegible]
[illegible] بر قشون انگلیس پیشرفت کرد [illegible]
جنوب [illegible] کارولین را
[illegible] (۱۷۸۰ - ۱۷۸۱)
در سنه ۱۷۸۱ [illegible] ۷۰۰۰ نفر [illegible] روشامبو [illegible]
[illegible] تحت فرماندهی [illegible] را [illegible]
[illegible] واشنگتن [illegible] در ساحل خلیج چساپیک نقطه یورکتون را
[illegible] ۸۰۰۰ نفر قشون انگلیس را در تحت فرماندهی
کورنوالیس محاصره نمود (۲۹ سپتامبر ۱۷۸۱) بعد از [illegible] روز محاصره
قشون [illegible] کورنوالیس [illegible] (۱۹ اکتبر ۱۷۸۱) [illegible]
[illegible] امریکا را استقلال بخشید.

جنگ بحری

در خارج امریکا محاربات فقط بحری بود [illegible] اوقات بحریه فرانسه [illegible]
نیروی [illegible] درجه عالی رسید و در آن [illegible] ۱۷۸۲ از [illegible]
با انگلیس و جنگ [illegible] بحریه او [illegible] رسید. در [illegible]
[illegible] ۱۲۲۷ و ۱۷۸۳ [illegible] (شد در ۱۷۸۳ [illegible])

۲۴۵ کشتی بود) [illegible] به آنجا آورده‌اند و ماهیچه‌های بزرگ‌ترش را
سپاه او گرفت، [illegible] انگلیس در کیش مقام را در اختیار داشت رو به [illegible]
را غیر کرد.
در یکی از جنگ‌ها در اول دوره‌ای که کشتی [illegible] بود سفینه انگلیسی
[illegible] را [illegible] کرد [illegible] خزانه را غرق کرد و آن را [illegible] جنگ [illegible]
و در سراسر جنگ هفت ساله بود (۱۷ ژوئن ۱۷۷۸)
[illegible] دریاسالار d' Orvilliers با ۳۲ کشتی به مقابل
[illegible] فاتح شد (۲۷ ژوئیه ۱۷۷۸) در [illegible]
[illegible] و [illegible] را گرفت (۱۷۸۲)
در دریاهای بزرگ [illegible] دریاسالار [illegible] و دریاسالار گیشن
[illegible] را [illegible] ۱۷۶۳ از دست فرانسه رفته بود مجدداً به تصرف آوردند. اما
[illegible] فتوحات [illegible] در سواحل هندوستان [illegible]
[illegible] (فوریه تا سپتامبر ۱۷۸۲) [illegible] قوای بحری
انگلیس را شکست داد. [illegible] مرکز شد
[illegible] انگلیس را در آغاز جنگ اشغال کرد [illegible]
با [illegible] فتوحات [illegible] Suffren
در [illegible] (۲۰ ژوئن ۱۷۸۳) [illegible] چیزی نگذشت که صلح برقرار شد
[illegible] کشتی‌های انگلیس [illegible] دریاسالار [illegible] در دریای [illegible] | صلح ورسای
[illegible] را در جزایر [illegible] شکست (۱۲ آوریل ۱۷۸۲)

(انگلیس) در اواخر جنگ استقلال [illegible] را ده سال تمام در تحت محاصره فرانسه و اسپانیا بود [illegible] حفظ

آنها از این راه در قوه بحری انگلیس [illegible] پس از بیست سال تیغ [illegible] از [illegible] شده بود [illegible]

در اواخر ۱۷۸۲ شروع به صلح کردند. فرانسه در [illegible] انگلیس را مجبور به قبول [illegible]

[illegible] بود و [illegible] ۱۵ و [illegible]

در [illegible] نظر فرانسه را [illegible] بود [illegible] امریکا [illegible] منعقد شد

[illegible] بدون رضایت فرانسه با انگلیس داده معاهده [illegible]

[illegible] صلح را امضا کردند (۳۰ نوامبر ۱۷۸۲)

آن صلح تمام [illegible] در ورسای صورت گرفت [illegible] سوم سپتامبر

۱۷۸۳. انگلیس استقلال امریکا را شناخت و [illegible] اراضی [illegible]

تا [illegible] و فرانسه را مجاز [illegible]

Dun Kerque [illegible] و بعضی از جزایر آنتیل و [illegible] را [illegible] و

جزایر مینورک و فلوریدا را به اسپانیا باز داد. [illegible]

[illegible] دو [illegible] ۱۷۸۳ [illegible]

نتایج جنگ امریکا

[illegible] امریکا [illegible] ضعیف

شدن انگلیس [illegible] دولت فرانسه بود [illegible]

نتایج [illegible] داد و [illegible] استقلال امریکا را [illegible]

[illegible] در امریکا [illegible] بازگشته [illegible] آزادی [illegible]

اعلان آزادی حقوق بشر [illegible] در [illegible] عامه [illegible] قبول [illegible]

[illegible] دولت [illegible] فرانسه [illegible]

[illegible] را [illegible] صورت [illegible]

مقرر داشته‌اند و عموم کسبه و بازرگانان از حقوق ملت و حکومت ملی دم میزدند.

از طرف دیگر این جنگ منبع تاراج بود و ثروت [illegible] میلیاردر [illegible] و تجار

عادت را [illegible] و [illegible] جدید را [illegible] و [illegible] کلاه گیس [illegible]

و پادشاه را [illegible] که [illegible] [illegible] انگلیس [illegible] ملت

تقاضا نمایند.

بحران حکومت آمریکا

بعد از استقرار استقلال امریکا تا سال [illegible] بحران جدی [illegible] در [illegible]

دیگر [illegible] از حقوق [illegible] [illegible]. ملت انگلیس [illegible]

هنگامی که حکومتی [illegible] در حالت [illegible] متزلزل شود.

در امریکا دو حزب هم بوجود آمد یکی جمهوری طلبان [illegible] استقلال ایالات متحده

بوده و [illegible] ثروت و سکنه [illegible] ایالات [illegible] اعتقاد داشتند

حزب دیگر [illegible] فدرالیست یا [illegible] نام داشته [illegible] ایالات

[illegible] استقلال [illegible] حکومت مرکزی نیرومندی [illegible] قائم ساخته [illegible]

[illegible] را وحدت بخشیده [illegible] [illegible] نقش [illegible]

در ایام جنگ جمهوری طلبان [illegible] [illegible] استقلال را اعلام [illegible]

[illegible] تشکیلات حکومتی [illegible] کنگره در ۱۷۷۸ مواد اتفاق ایالات را

تنظیم [illegible] تصویب [illegible] که در سال ۱۷۸۱ قرار [illegible]

[illegible] کوچکی [illegible] ایالات [illegible] دولت [illegible] تشکیل [illegible]

[illegible] امریکا [illegible] ایالات [illegible] استقلال مطلق و کامل داشتند [illegible]

کنگره مرکزی [illegible] [illegible] کنگره [illegible] [illegible]

و [illegible] وسیله برای اجرای [illegible] تصمیمات [illegible] ایالات [illegible] [illegible]

[illegible] ایالات [illegible] [illegible] احتیاج عمومی [illegible]

[illegible]

منجر نشد در برابر آن هم خطر ارتجاعیان دیگر هم که از حقوق عقب افتاده قرض را لغو

و حتی تغییری در قرض را هم در واقع دولتها هم نمی‌توانند جز با قسط بپردازند . هم از اعتماد

کنگره . متفقین بلاد ورشکست شدند تا قروض تعهدات شده را ادا و با برابر اصرار واشنگتن کنگره

معین شده حقوق کنگره را بپردازند . و بعض اکثر ایالتهای دیگر

دادگاههای امریکا در اولین قدم از بعد تعهدات دولت مدل اروپا با بریتانیا به اعتبار

خواهند و عمل بزرگ تا چند سال تجارت در داخل را آمد .

پس برای شده در مورد اتحادیه فوق را تغییر داده و حکومت مرکزی ثابت

تغییر دهند تا نظر حکومت جمهوری کنگره . تا سال تجارت اغراض خاص

آنان را دفع بود . و کارها را به نتیجه برسانند .

مجلس ۱۷۸۷ | و استقلال ایالت علمی بقدر ... برای گمرک ... داشت و تجارت داخل

امریکا در حقیقت ... در ۱۷۸۷ ... تقسیم شده

ایالت دیگر را دولت بود و اتحادیه تا تشکیل شود . انجمن نمایندگان در شهر فیلادلفیا

فراهم آمد (سپتامبر ۱۷۸۷)

تغییرات ... نمایندگان اتفاق کردند در اساس اصلاحات تغییرات حکومت

بر ... ایالت ... در نمایندگان خود در فیلادلفیا نوشته . تا ... تهیه

مقدمات و اصلاح حکومت ... مذاکرات بود .

انجمن مرکب از ۵۵ تن در فیلادلفیا

ایالت ... در ماه مه ۱۷۸۷

فراهم شد و به اتفاق واشنگتن را به ریاست برگزیدند . قریب چهار ماه ...

بحث و ... افکار عامه در ... تشکیل دادند .

بعد از ... انجمن ... طرح حکومت جدیدی ...

بر اساس اعتدال و نفوذ ... واشنگتن واقع شد . طرح ... در ۱۷۸۸

و بعداً جمیع ایالات رسیده و [redacted] طرز قطعی حکومت ثابت و از آن تاریخ تاکنون
استقرار دارد (۱۷ سپتامبر ۱۷۸۷)

[redacted] قانون اساسی ۱۷۸۷ حق حکومت و استقلال مخصوصی برای ایالات را محترم کرد

| قانون اساسی ۱۷۸۷ | در منابع و روابط بین ایالات متحده برای اجرای قوانین خاص خود اداره میشود.

~~[illegible]~~

برای اجرای قوه مجریه و قوه [redacted] مقننه و محاکم و قوانین قضائی مخصوص دارد.
قانون اساسی مرکز سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه تشخیص میدهد. قوه مجریه در دست رئیس
جمهور و [redacted] قوه مقننه مستقل کنگره است و قدرت عالیه قوه مجریه با امور خارجه و سیاست
دفاعی و سایر قوانین و قوه تأمین گردیده است.

~~رئیس الجمهور برای چهار سال انتخاب میشود و ... [illegible]~~
مدت ریاست رئیس الجمهور چهار سال است و انتخابات آن بعد از دو درجه انتخاب ... و در اول
دو درجه صورت میگیرد ... [illegible]
مسئولیت کامل با رئیس الجمهور است. وزراء در مقابل او مسئولند ... [illegible]
در مقابل ... [illegible] ... کنگره حق دخالت ندارد. رئیس قوای بری و بحری
و ... [illegible] ... مجلس سنا ... [illegible]
و ... [illegible] ... نایب رئیس الجمهور هم با اتفاق او
انتخاب میشود [redacted] اگر رئیس الجمهور وفات یابد [redacted] امور
[redacted] مربوط به او را اداره کند. ریاست مجلس سنا با نایب رئیس جمهوری است.
کنگره که قوه مقننه با اوست مرکب است از دو مجلس سنا و مجلس
نمایندگان ملت. اعضاء مجلس سنا از طرف قوای مقننه خاصه برای
[redacted] انتخاب میشوند و ... [illegible] ... برای
... [illegible] ... مجلس ~~[illegible]~~ ... [illegible]

مدت وکالت سناتورها شش سال است و عده اعضا در ایالات نسبت
جمعیت متفاوت است. کنگره در تاریخ معین منعقد میگردد. رئیس الجمهور حق
انتخاب یا تمدید مدت کنگره را ندارد. آنها میتوانند اجرای قوانین مصوبه را موقوف بنفع
تقاضا شود تجدید کند.

قوه مقننه در دست دیوان عالی مرکب از نه قاضی است که رئیس الجمهور انتخاب
مادام الحیات انتخاب میکند. این دیوان عالی از مختصات دولت متحده امریکاست
هنگام وقوع اختلاف بین ایالات یا بین رئیس جمهوری
و کنگره حکم او قاطع و نافذ است. مثل اینکه در تقسیم قدرت و قانون را که برخلاف
منافع دولتهای حکومت اجرا نماید یا تقاضای یکی از افراد ملت ملغی نماید
و موقوف الاجرا میسازد.

قانون اساسی ۱۷۸۷ امریکا مثل انگلستان حکومت پارلمانی تاسیس ننمود بلکه
حکومت جمهوری ایجاد نمود و رئیس الجمهور را قدرت و سلطنتی ~~[illegible]~~ بمراتب از اقتدار
سلاطین ممالک مشروطه اروپا بیشتر تفویض نمود.

از آغاز سال ۱۷۸۹ قانون مزبور مجری شد و واشنگتن
بدون مانع باتفاق آراء بریاست جمهوری یافت.

فصل نهم

سیاست شرق

تاریخ لهستان و عثمانی تا سال ۱۷۹۵

اروپای شرقی در نیمه دوم قرن هیجدهم از انقلاب بزرگ [illegible] جدیدی بی اطلاع [illegible] جهتی که اعمال تاریخ نظیر آن را نشان نداده است. مقصود تجزیه و تخریب دولت لهستان است. نظر [illegible] هیچ وجه واضح نگشت [illegible] و [illegible] هم [illegible] تجزیه شده با تفاوت دولت اطریش و [illegible] از انقلاب [illegible] را طرح کرده. ابتدا در سال ۱۷۷۲ کیان آن دولت را تجزیه کردند و از آن طرف شرقی آمده در سنه ۱۷۹۳ و ۱۷۹۵ هنگام انقلاب فرانسه [illegible] آن [illegible] تجزیه و بنای حق تعیین نمودند.

مقارن این اوقات عثمانی هم دچار بحران [illegible] در نتیجه جنگ‌ها [illegible] از [illegible] روس تقریباً عثمانی در ... در Kainargie [illegible] (۱۷۷۴) مجبور به امضای عهدنامه شومی شده که قسمت [illegible] روسیه از عثمانیان تحت الحمایه آن دولت قرار گرفته. عثمانی دوباره با روسیه و اطریش جنگ شومی نمود (۱۷۸۷ - ۱۷۹۲) و [illegible] سرکشی [illegible] از سال ۱۷۸۲ بعد از [illegible] هم [illegible] نقشه تجزیه ممالک عثمانی را تنظیم کرده بودند [illegible] نظر [illegible] توجه عموم دول به انقلاب کبیر فرانسه [illegible] اجرای نقشه مزبور معوق ماند.

جمهوری لهستان | جای [illegible] تاریخ قرون وسطی [illegible] دولت لهستان در دنیا قرن [illegible] در [illegible] اروپا [illegible] و [illegible] دولت [illegible] داشت [illegible] در [illegible] در ۱۳۸۶ ولادیسلاس ژاژلون ملک لهستان یعنی اراضی اطراف رود

ویستول مرکزی آن ورشو بود . دارای فرقه کاتولیکی بزرگ لیتوانی

لیبه تا اودر بود رعیت نیمن و ویلیت و شهر عمده آن و عنایات تحت استقلال

خویش آورده . دیگر کاتولیکی لیتوانی از حیث وسعت بزرگتر از کشور اصلی پولونی

بود متدینک اما این قطعه اخیر جمیع خاک لهستان نیست . از اول در قرن ۱۸ از آن

المتفرعات بود . در قرن پنجم و هفتم مفتوحه او بود موقعی که در دهها

شمالی و شرق متدینک در اواسط قرن پنجم حدود لهستان تا کوارلاند بود در شمال

بحر بالتیک از جنوب سد کارپات ودود و نیستر و قطعه غربی این ملک از

هونگری و عثمانی مجزا میشد . از جانب شرق مسافت بعیده که در داخل روسیه حالیه پیشرفت

و از رودهای دونا و دنیپر گذشته تقریباً بسمولنسک میرسید . از سمت

مغرب در طرف آلمان خط سرحد قرار دادی او بماورات رود اودر پیش رفته با لهستان

سیلزی براندبورگ و برانیا ملحق میشد در واقع ملکت پولونی در وقت که لهستان

مستقل بود .

این ملک در مرحله انحطاط تشابهی به مملکتی بود چون علی الخصوص در آنجا مقیم

تفرقه میکرد از در مرکز لهستان و در مغرب (یعنی

پولونی لهستانی) آلمانی در شرق روسها و لیتوانیها اکثریت داشتند و قوم

یهود در تمام نقاط مجمع این لهستان تقریباً سفید متفرقه بود

مرکوزی مذهب عامی داشت آلمانی پروتستان و روسها اورتودکس و لهستانیها

و لیتوانیها کاتولیک بودند و فقط کاتولیک ارتدکس کلاً دارایی مطلقه

در اواخر قرن پنجم از سال ۱۷۱۹ تا ۱۷۳۳ تقسیمات اکثر غیر کاتولیک

بعد از شورش های علیه از جمیع حقوق و دارایی محروم شده .

اوضاع جامعه لهستان — دهقانان

جامعه لهستان از منزلت دو طبقه بود نجبا و دهاقین. دهقانان
مملوک و مطیع و منقاد نجبا بودند که بقول فردریک دوم ((مثل
چارپایان با آنها رفتار می‌کردند)) بعد نوع سخن دیگر که بحق دانسته رعیت را
محکوم می‌کردند تمام مالیات را بر رعایا تحمیل می‌نمودند و هیچ حقوقی برای آنان قائل نبودند
رعایا [illegible] از طبقه و زنان مخصوص [illegible] فروخته [illegible] منزل آنان در کوخ‌ها [illegible] بود
[illegible] نیم گرد و [illegible] بود و دارای کفشی از پوست درخت
بود. و چنانکه مورخ انگلیسی کوکس [illegible] در سال ١٧٧١ از آن مملکت دیدن کرده نوشته است: «
[illegible] فقیرتر و ستمدیده‌تر و بدبخت‌تر از آن رعایا در عالم وجود ندارد »
مورخ هم فقر و فلاکت لهستان را در اوائل [illegible] بود در سال ١٦٧٥ یکی از اتباع
ترک Berry در حرفه و [illegible] ۱۷۱ روزه مسافرت خود [illegible]
نوشته [illegible] این مردم [illegible] از ممالک ترکیه و رعایای لهستان بدبخت‌ترند »

نجبا

نجبا مالک اراضی و طبقه آزاد مملکت محسوب می‌شدند عده آنها
یکصد و پنجاه هزار می‌رسید اگرچه همه نجبا امتیازات [illegible] داشتند لکن در عمل آنان را به سه
دسته تقسیم می‌کردند. نجبای درجه اول [ماگنا Magnats] و نجبای درجه وسطی و
نجبای درجه ادنی.
ماگناها بیشتر در [illegible] مالک بودند و عده آنها [illegible] دودمان می‌رسید از جمله
[illegible] خاندان [illegible] رادزیویل که از نسل [illegible] بودند و
پوتوکی و لوبومیرسکی مالک ایالات وسیعه بودند. [illegible]
[illegible] صاحب قدرت بودند از دولت [illegible] و حکومت و [illegible] و قشون [illegible] بودند

کنراد [illegible] یا مالک یازده قلعه و یازده شهر بوده و لوبومیرسکا است و ...

شهر داشته [illegible] را از [illegible] سیصد هزار [illegible] بالغ میگردید :

نجبای متوسط از سی هزار خانوار بیش نبودند که [illegible] یک الی دو قریه در

تصرف داشتند آنا نجبای درجه اول [illegible] در شمار [illegible] بسیکلیونی دیگر [illegible]

نمیرسید جز عنوان نجابت و امتیاز [illegible] و رحمت [illegible] و [illegible] بعض

بکلی چیزی نداشتند [illegible] آنها سفر [illegible] و [illegible] و چند قطعه [illegible] بود [illegible]

کشت [illegible] کاری [illegible] بود [illegible] را [illegible] بر [illegible] کفش [illegible]

[illegible] بجا [illegible] این نجبا گفته اند و اگر [illegible] حکم [illegible] جشنیه [illegible]

در [illegible] قرار خواهد گرفت . این طبقه نجبا [illegible] سیصد و [illegible]

و [illegible] و [illegible] و [illegible] را تا [illegible] کرمی بستند .

روحانیون | روحانیون طبقه [illegible] کشیش [illegible] آن بزرگ [illegible]

آنا [illegible] از کشیش ها درجه اول بودند [illegible] از کشیش ها [illegible]

[illegible] در حقیقت [illegible] کشیش های بزرگ [illegible] نجبای

طبقه اول [illegible] طبقه [illegible] وجود نداشت [illegible]

[illegible] در [illegible] بزرگ [illegible] در [illegible]

و [illegible] در [illegible] تجارت [illegible] یهودی ها [illegible]

تشکیلات سیاسی | [illegible] دولت [illegible] جمهوری [illegible] بود و پادشاهی [illegible] جمهوری [illegible]

صاحب [illegible] سلطنت [illegible] بود [illegible] در [illegible] سال (١٥٧٢)

نجبا سلطنت را [illegible] پادشاهی [illegible] از [illegible]

[illegible]

برادر شارل نهم که بعدها هانری سوم شد (۱)

اصول طرز انتخاب چنین بود و تمام نجبا سلحشور و سوار در میدان ولا Vola

در حومه ورشو جمع میشدند. در وسط میدان خیمه دایره وار حفر کرده بعد نمایندگان

طبقه ... و سایر نجبا در آنجا حضور می یافتند. این دایره را کولو Kolo میگفته

در حضور این جمع بزرگ اسم نامزدهای سلطنت قرائت میشد و نجبا به صفوف منظم اطراف

دایره حاضر شده مصر به انتخاب خود را اظهار میکردند. مثلاً در سال ۱۷۳۳

در موقع انتخاب استانیسلاس لکزینسکی هشت هزار تن از نجبا اظهار رای کردند.

در سال ۱۵۷۲ دوک دانژو به سلطنت انتخاب میشد چون عده رعایای

پروتستان زیاد بود و اهل لهستان در موقع آزادی مذهبی را پیش از زمان آن

به بحث میگذاشتند مخصوصاً از دوک دانژو (ژانویه) تقاضا کردند در مقابل کاتولیکها

که در کشتار ... آزادی و مساوات مذهبی رعایا را محترم شمارد. از تحقیق در قوانین

در انتخاب پادشاه شرایط و قرارداد بسته میشد و بعدها در هر انتخاب منتخبین

خود شرایطی میکردند. ولی به ترتیب هر دوره پادشاه ... لهستان ... و حقوق

زیرا که در هر دوره پادشاه مجبور به قبول شرایط و قیودی میشد و بدین ترتیب روز بروز

قدرت پادشاه محدودتر شد تا پس از دو قرن به درجه صفر رسید. پادشاه هیچ

حق وضع قوانین و اعلان جنگ و انعقاد صلح و تجهیز قشون و وضع مالیات

نداشت و تمام این اختیارات در دست مجلس دیت بود. حتی پادشاه نفوذی در دربار

و عمال دولت هم نداشت زیرا که وزراء و عمال نیز مادام الحیات انتخاب میشدند.

در واقع پادشاه عنوان و زینتی بیش نبود و چنانکه گفته اند پادشاه ... تصویر و نقش

---

(۱) مرجع تاریخ عمومی ... صفحه ۶۹۱

به روح و نظام ملت اا اقلیت .

مجلس دیت

در ردیف پادشاه دو مجلس بود یکی سنا دارای ۱۴۰ عضو که پادشاه از بین
[illegible] و [illegible] وجوه و اعیان بزرگ مملکت انتخاب میکرد دیگر مجلس نوابی که از نمایندگان
نجبای درجه دوم دوره اول تشکیل میشد اعضای این مجلس ۱۷۰ نفر بودند هر دو سال یکی
[illegible] در انجمن‌های محلی موسوم به دیه‌تین Dietting انتخاب میگشتند و هر یک
اعتبارنامه در دست داشته و بر وفق آن رأی میدادند مقدمه اعمال و وظائف [illegible]
مجلس سنا و مجلس نوابی هر دو سال یکبار مدت شش هفته [illegible] انجمن کرده و
شرکت [illegible] مسائل مملکت شور میکردند و اتفاق آنها را دیت مینامیدند پادشاه
عادت [illegible] از طرف دیت انتخاب میشد [illegible] نمیکرد و اجرای تصویب
قوانین و اداره امور [illegible] حق [illegible] حقیقت دیت علی‌الخصوص [illegible] [illegible] آزادانه
دامنه [illegible] شده [illegible] ۲ [illegible] ۱ مینوشتند .

در اواسط قرن [illegible] بعد از ۱۶۵۲ رسم برای جلوگیری از تصویب
[illegible] دیت باتفاق آراء [illegible] مخالف یک نفر برای منع یا لغو قوانین
کافی بود [illegible] وقتی یکی از نمایندگان [illegible] مخالف بوده اظهار داشته
و از حق وتو Veto استفاده میکرد مجلس را مختل میگشت و دیگر [illegible]
کار نمیکند [illegible] وقت [illegible] مجلس گسیخته شد . از ۱۶۵۲
تا ۱۷۶۴ از [illegible] دیت تشکیل یافت ۴۸ مجلس آن گسیخته گردید
و فقط [illegible] مجلس [illegible] بنتیجه رسید [illegible] ترتیب طبقه حکومت و اداره
مملکت [illegible] بعد . بر [illegible] گذاشته [illegible] بهانه گسیختن دیت نجبا

[illegible]

انجمن اتحادیه لهستان به دارا بودن حق وتو veto در کار بود

و اکثریت نمایندگان [illegible] کار را قطع می‌کرد.

قزاق | دسته قزاق بوده و ملک دهقانی [illegible] شد اما در عهد [illegible] که دیدیم [illegible]

دو پادشاه لهستان قوای نظامی داده. و استقلال یافته بود. در ۱۶۲۴ مقرر داشت که قشون ملک دولت

از ۱۸۰۰۰ نفر و قشون دولتی بزرگ از [illegible] تجاوز نکند. بعداً

hetmans

دو نفر فرمانده‌ها لشکری بودند به هتمان از طرف دولت [illegible] العمر انتخاب می‌شد

[illegible] جز [illegible] نقاط را مافوق خود می‌شناختند. مجلس فقط میان منصب صاحب‌منصب

[illegible] و [illegible] از طریق [illegible] و بعضی ازواج [illegible] نفر سرباز [illegible]

[illegible] می‌افتاد. [illegible] (مدت سواران) [illegible]

[illegible] نظام [illegible] [illegible] فقیر و [illegible] [illegible] از اتباع [illegible]

[illegible] دهقانان و [illegible] از ماوراء [illegible] [illegible] هستند. [illegible]

از ۱۰۰ نفر [illegible] و رئیس این صنف در [illegible] [illegible]

[illegible] بود. در قورخانه و جباخانه اگر [illegible] تفتیش کرد [illegible]

[illegible] کهنه [illegible] زنگ زده موجود است [illegible] چوب و [illegible] (ادوات) [illegible]

[illegible] است. [illegible] لهستان در موقع هجوم دشمن فقط [illegible]

بجا بود [illegible] خیال [illegible] می‌گرفتند.

لهستان و [illegible] | [illegible] لهستان [illegible] بود. [illegible]

[illegible] [illegible] و [illegible] [illegible]

[illegible] صنف را تجزیه کند.

~~[illegible]~~ با پروس فردریک گیوم بست. پس از ۶ ماه بیش از [illegible] تقسیم

لیز ۵ ژانویه ۱۷۶۲ ~~[illegible]~~ (اقدامات دولتی) روسیه و پروس بود. روحانیون تزاری شده

اروپا و بیرون آورد برای توحید ملک خود و [illegible] ~~[illegible]~~ پروس لهستان

• پروس و اتریش بزرگ ... [illegible] او واقع بود.

[illegible] بر امکان تجزیه بزرگ لهستان را بر حال پیچ و خم ... واقع قرار دار

نیات او سعی نکند. [illegible] آنا در همین اوقات مجبور از ناگهان ۲ ... احتیاط

کرده بود تعدادی شد از هر تغییری در تشکیلات ... دولتی را اعتراض کند. کاترین

و فردریک دوم در زمان معاهده ... شده بعد از وفات اگوست سوم (اکتبر ۱۷۶۳)

با یکدیگر قرارداد بسته و متفق از هیچ اصلاح و تغییری در اوضاع [illegible] لهستان وارد شود

(۱۱ آوریل ۱۷۶۴) . همچنین مقرر داشته که تاج سلطنت لهستان را یکی از نجبای آن

لهستانی ... به کاترین ... روسیه ... استانیسلاس پونیاتوسکی

[illegible] تفویض کند که لیز ... مشغول ... و آن ... یکی از ... بود.

(مه ۱۷۶۴) برای اجرای مقصود کاترین [illegible] چند فوج ... را وارد ... پیش رفت

(۷ سپتامبر ۱۷۶۴) و بدین ترتیب ... سلطنت ... گردید

روسها در لهستان | استانیسلاس پونیاتوسکی برچند دست نشانده کاترین بود لکن از اقوام

خانواده بزرگ ... [illegible] ... بود. ... طبقه نجبای لهستان ... از تعقیب

اصلاحات ... شروع کرده بود منع کرد. نخستین اصلاح ... ۱۷۶۵ یا ... دو ...

از ... دست ... و ... دولت را ... قرارداده . آنها حزب

وطن خواهی ... اصلاح ... مخالف ... بزرگ ... پادشاه جدید ... دست ...

که دولت صاحب قدرت بود . با دخالت دولت مزبور در امور عمیق تقاضای استقلال داشت کوشید

در صورت زمانه را از حقایق مستحضر سازد که این دولت ابرها ... شوراء دول ... عقود را

تفویض شد بعنوان مخالفت با روسیه وزیر وطن خواه لهستان ~~...~~ را تقویت

نموده در جلوگیری اصلاحات تشویق کردند . شوراء دول هم مطیع بنوده مخفی گشت

سیاست روسیه طبقات قدیمه لهستان که ۱۵۰ سال بانه در ... الطلب است

بصورت و تمول ... این مملکت . معذلک بجای لهستان انجمن اتحاد

تغییر داده و اصول اصلاحات را گذرانیده و مستقر نمود .

بر کاترین و فردریک هم بعنوان حفظ و دفاع ملل متنوعه لهستان از

غیر ارتودوکس ۲ دیسیدان‌ها دخالت کردند و گفته‌اند به قوانین حقوق ملل متنوعه را

... معزول گردد . و بعده قشون روس وارد لهستان شد و قبول فردریک

که بوقت ... لاصحت و برای اتفاق قوس در ... وارد مملکت شده

در وقت نفوذ ... سفیر روس کنت رپنین

Repnine که مردی خشن و تندمزاج بود ... دولت روسیه

روسی بشه ... ~~...~~ ... الزام

کرد در موقع تغییر ... اراده . کاترین هم بشنید .

۱۱ سولتیک Soltyk کشیش بزرگ کراکو که مرکز دینی لهستان بود و با کمال جرأت

برخاست و به مداخلات اجنبی اعتراض نمود و پیشنهاد کرد در تقاضای کاترین

و فردریک را رد کنند . سفیر روس او را با چند روحانی دیگر دستگیر کرده با

نظامیان روسی تحت الحفظ از لهستان خارج ~~...~~ و به ... تبعید نمود

حمل کنیز از سناتورها و زمین ۳ از دولت خارج شدند. سفیر روس حکم داد که ۲۷۰

باقی نمایندگان با یک قوانین را که بعد تجویز را ملغی سازند و مقررات

زمان را نقض کنند و حق اعتراض یعنی لیبروم وتو Liberum veto

را مجدداً مستقر سازند. پس از این سفیر روس نیز حق اعتراض را (برای قانون [illegible])

نماینده عاقبت ~~[illegible]~~ نمایندگان از بیم جان و مال رضایت کردند. (۲۴ فوریه ۱۷۶۸)

اتحادیه بار | وقایع سابق الذکر از هر حیث رعب و رضایت وطن دوستان ~~[illegible]~~ آ[illegible] العاده

قوانین را که بعد جبراً تصویب و رضایت آزادی اجتماعات در لهستان [illegible] را [illegible]

در شهر بار قرب سرحد اطریش جمعی بنام حفظ دین و آزادی تشکیل شد (اول مارس ۱۷۶۸)

مقصود این جمعیت تجدید و نسخ قوانین ~~[illegible]~~ بود و خلع استانیسلاس پونیاتوسکی بود

لکن در آن اوقات دولت اولی [illegible] روسیه از تعدی [illegible] نهضت [illegible] و [illegible]

[illegible] شد و خونریزی فوق العاده در گرفت و ~~[illegible]~~ پناه برد و [illegible]

عرضه [illegible] و روسیه بنام حفظ [illegible]. و تعمیر [illegible] (معتقد جمعیت بار) قشون

Balta

به لهستان فرستاد.

خطر عثمانی و روسیه | در ایام هم قشون روس [illegible] جمعی از [illegible] از سرحد گذشته شهر بالتا در

قلمرو عثمانی بود پناه بردند. روسها آنان را تعاقب کرده و گروهی از مسلمانان را

بکشتند و [illegible] (سپتامبر ۱۷۶۸) از این جهت [illegible] صدراعظم دولت عثمانی

از [illegible] دولت [illegible] را [illegible] و دایر [illegible] لهستان را [illegible]

در این موقع [illegible] و در [illegible] و [illegible] نام داشت و [illegible] وزارت [illegible]

[illegible] داد و [illegible] ~~[illegible]~~ سلطان [illegible] را به [illegible] آورده [illegible]

[illegible] کند (۶ اکتبر ۱۷۶۸)

قوش ترک

ورشان در باب فواید [illegible] از ~~[illegible]~~ دخول خوانین نجیب قصور نکرد چنانکه خطا نرفت
آنها امید فتح هم از انها داشت چنانکه میتوان نوشت است [illegible] دا

سال که آمد خان خوانین حرزه) سلطان عثمانی مصطفی ثالث که مردی هوشیار و کاردان بود
داوت در خیال حفظ کمال سرحد داشت با وجود کمال سعی و کوشش از عهده تحقیق و تنظیم
قشون بر اتکه [illegible] غیر از [illegible] چاپه فقط ینگچری در مراتب ایام
[illegible] بود [illegible] وقت [illegible] عادل شده بود که افراد آن در [illegible]
[illegible] وقت [illegible] حقوق [illegible]
[illegible] در [illegible] افراد [illegible] و عدم [illegible]
[illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] وقت [illegible]
[illegible] حتی سر [illegible] بر سر [illegible] داشتند . [illegible]
در قرن ۱۲۳۴ [illegible] تنظیم قزل ترک بود در [illegible]
در موقع پاک کردن توپ [illegible] توپچیان چون [illegible] آلت پاک کردن توپ
از موی خوک ساخته اند نظر بنجاست این حیوان در دین اسلام [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] گفته [illegible]
[illegible] تا دشمن از عبور تنگه [illegible] دفع شود آنها او [illegible]
[illegible] اگر خدا [illegible] بدشمن خواهد رسید و ~~[illegible]~~ از [illegible]
وضع توپچی [illegible] در [illegible] نظر [illegible]
استقرار [illegible] و سهولت [illegible] [illegible] علت [illegible]
[illegible] ~~[illegible]~~ [illegible]

[illegible]

آنها نیز مجموع ... [illegible] زیرا که عملیات جنگی اگر کشتی را ... بیاریم ... از اینجا

و ... [illegible] کاسته شود تا ... بهتر ... در آن انگلیسی ...

در بخصوص ... قدیم است فردریک ... [illegible] «دو کوری جیمز ... اول

شکست ... »

جلب — نوزاد ... اتحاد ... حفظ ... انگلستان ... از ... فرانسه را

... افزایش (۱۷۷۱) روسها با ... [illegible] مقام ...

گرفتند و ... دریای ... آورده ... قوه ... آزوف

و ... [illegible] جزیره کریمه را ... و ...

... تجارت ... [illegible] اسمعیل ... گذشته

(۱۸ ژوئیه ۱۷۷۰)

... سفاین روس از بحر بالتیک گذشته در انگلستان تجدید آذوقه ... کرده

وارد دریای مدیترانه شد رئیس ... الکسیس اورلوف ... : «اگر ...

غیر عثمانیان ... » ... [illegible]

چونکه قشون بحری روس به سواحل یونان رسید ... یونان را در

... موقع ... [illegible] جنبش ... قلمرو دولت عثمانی

... منجر به تجزیه آن دولت بزرگ شد. اما شورش یونانیان

... اورلوف روی ... از شورشیان حمایت ... قشون عثمانی

... [illegible] سفاین روسی بحریه عثمانی

در ... [illegible] ازمیر (خلیج چشمه) جنگ سخت ... .

جنگ چشمه

اگر به گفته [illegible] ۵۰ کشتی جنگی و [illegible] روس که از ۲۰ [illegible] بیشتر نبود شکست

خوردند با نقص نقشه جنگی گریخته در شب [illegible] تا بندر چشمه [illegible] ۱۷۷۰ [illegible]

[illegible] شب روسها [illegible] [illegible] [illegible] مواد محترقه [illegible] در [illegible] قرار [illegible] در آن

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] (روسی)

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در آن [illegible] [illegible] و چون [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] ۵۰ کشتی ده عدد [illegible] آب [illegible] قریب [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] توت Tott [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] (مولداوی و والاشی) [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

پس از [illegible] ژوزف دوم [illegible] بعقد [illegible] کرده و طرح [illegible] و روس را اگر به
[illegible] مجبور به تخلیه دولت مستقره نمایند (ژوئیه ۱۷۷۱)
این قرارداد اطریش با عثمانی فردریک دوم را بسیار وحشت انداخت زیرا که با اراده
این صلح [illegible] روسیه [illegible] عثمانی [illegible] در ۱۷۶۴ [illegible] مجبور شود وارد
جنگ بزرگ گردد.
[illegible] اضطراب دیگر فردریک این [illegible] اطریش [illegible]
با هم قسمت کنند و قوای [illegible] پروس [illegible] حال [illegible]
در [illegible] تعادل [illegible] گردد. تنها راه دفع این خطر آن [illegible] که روسیه
و اطریش [illegible] از طریق تقسیم لهستان [illegible] و [illegible]
پروس با لهستان [illegible]
فردریک این [illegible] را اول بوسیله برادر خود [illegible] پروس [illegible] روسیه کرد و بعد
[illegible] ترز را [illegible] بقبول آن وادارد. چون [illegible] ترز
روسیه حس شرافت و غیرت [illegible] آنکه [illegible] حاضر [illegible]
(شریک [illegible] [illegible])) و می نویسد: «من این سیاست را نمی فهمم که چون دو دولت
[illegible] خود در صدد خفه کردن دولت [illegible] [illegible] دولت [illegible]
هم بنام احتیاط [illegible] و رعایت شئون عالیه خود [illegible] دولت [illegible]
[illegible] شود» و [illegible] من معتقد هستم [illegible] شرافت خود
و «احترامات اروپا» را [illegible]
لکن ژوزف دوم [illegible] فردریک [illegible] ژوزف [illegible]
[illegible] از شرم و عزت نفس [illegible] می تواند نفع برد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

افزود

بر [illegible] او را موافق کرد ابتدا با اصرار تقسیم لهستان [illegible] و گفت

مگر نیست در این چنین وضعی [illegible] با برگردد [illegible] بود

[illegible] تجزیه لهستان [illegible]

[illegible] را [illegible] چون [illegible]

[illegible] او و گفت : « خیر آقا من قبول ندارم [illegible]

[illegible] اگر [illegible] نمیداشت [illegible]

[illegible] . من درباب لهستان صحبت نکنم و شما [illegible]

سخن به میان بیاورید ! »

۱۹ فوریه ۱۷۷۲ [illegible] عاقبت در

[illegible] « [illegible] »

[illegible] چنین گفت : « [illegible] »

[illegible]

[illegible]

[illegible] آن وقت جایز است .

[illegible] « [illegible] »

[illegible]

[illegible] : « [illegible] » [illegible]

[illegible]

[illegible] .....

[illegible] « [illegible] ! » [illegible]

[illegible]

ارتودکس

لذا در استهزاء چنین نوشته: «در این زمان بموجب افکار مذاهب سه‌گانه کاتولیک و ارتدکس
و پروتستانت حوادثی شد زیرا که مذاهب مختلفه در سرزمین لهستان [illegible] قدرت نموده و
ترجیح [illegible] می‌یافتند ولی اتحاد مذهبی [illegible] قضایای عمومی اگر اسباب [illegible]
انقراض [illegible] البته منجر بخرابی و سعادت [illegible] ممالک را جانب گردید.»

اولین قرارداد تقسیم ۱ — قرارداد تقسیم در سن پطرزبورگ تاریخ ۲۷ ژوئیه ۱۷۷۲ بامضاء رسید
بنام [illegible] تقسیم لهستان [illegible] «بنام مقدس اقانیم ثلاثه ....» و حقوق
[illegible] ملت لهستان از [illegible] فاسد و [illegible] ترتیب این کشور لهستان
مابین سه نفر تقسیم شد: ماری ترز قسمتی از زمین و [illegible] را
با ۲۶۰۰۰۰۰ سکنه و فردریک دوم پروس لهستان را با [illegible] و [illegible]
با ۷۰۰۰۰۰ جمعیت و کاترین دوم قسمتی از لیتوانی واقعه در ساحل رود
دوینا و دنیپر را با ۱۶۰۰۰۰۰ سکنه تصرف [illegible]
متحدین [illegible] لهستان را مجبور به تصویب این قرارداد نمودند [illegible]
مقاومت [illegible] قوه روس [illegible] جمع [illegible] روز [illegible]
[illegible] قرارداد را امضاء کردند و [illegible] شد
[illegible] و تقسیمات [illegible] لهستان را [illegible]
[illegible] حیثیت را [illegible]
[illegible] لهستان را بالقطع تقسیم شد

سوم تقسیم — چون کار لهستان [illegible] سئوال [illegible] قرارداد [illegible]
گذشته و در [illegible] [illegible] مرتع [illegible]

وارد عهدنامه شد. روس‌ها در عهدنامه‌ای که در قریه ~~[illegible]~~ قینارجی Kaïnardji در حوالی

سیلیستره (بلغارستان) صلح آن در ۲۱ ژوئیه ۱۷۷۴ . روسیه از جمیع اراضی

متصرفه خود صرف‌نظر نمود بجز آزوف . شبه‌جزیره کریمه از امپراطوری عثمانی

مجزی و مستقل گردید . سلطان متعهد شد که در اداره و حفظ علیویان و

حمایت کلیسا قبول مساعدت نماید و اقدامات دولت روسیه را در حق کلیسا

ارتدکس ایالت رومانی یا درباره کلیسای یونانی مقیم پایتخت

قبول و استقبال کند . از مقررات دیگر عهدنامه مواد ۷ و ۱۴ [illegible]

این فوق‌العاده در سیاست اروپائی نتیجه داشت . در نظر اقوام مسیحی عثمانی [illegible]

از قرن شانزدهم به بعد ملوک عثمانی محبوب شدند . دولت روسیه حامی و طبیعی و

منجی آینده بشمار آمد . صلح روس نیاز [illegible] روسیه اکنون در امید بالا

دولت بستند . بموجب قرارداد قینارجی روسیه کمر در ایالات عثمانی دخالت کرد

و از این تاریخ نفوذ آن دولت در بالکان شروع شد و در قرن نوزدهم فشار غرب و آن را

ظاهر کرد .

آنگاه از این حق [illegible] بطریقی از سلطان عثمانی دریافت کرد و ناحیه بوکوین را

که جزء ایالت رومانی محسوب [illegible] داخل [illegible] معروف [illegible] و همان [illegible]

یک ترب [illegible] بعد [illegible] رسید .

طرح روسی تجزیه عثمانی

بعقیده کاترین دوم قرارداد قینارجی برای تنفس و توقف بود [illegible] روسیه [illegible] خود [illegible]

[illegible] باعتقاد ژوزف دوم [illegible] دربار بیاره و لهستان [illegible]

[illegible] برای [illegible] چون در حق قرارداد [illegible] بقیه نقشه [illegible] مطلع [illegible] در ضمن عقد

خارجی [illegible] عثمانی [illegible] سلطان [illegible] بطوری [illegible] که [illegible] ولی

نقض عثمانی را بخوبی [illegible] ~~[illegible]~~ (بلگراد و قسمتی از ایالت [illegible]) را
در جیب خود [illegible] (۱۷۰۰) [illegible] اشتراک منافع [illegible] و [illegible] را بهم [illegible] کرد
برای [illegible] ۱۷۸۰ [illegible] ۱۷۸۱ عقد
[illegible] و [illegible] به اصطلاح [illegible] (قرارداد [illegible]) یعنی طرح
تجزیه عثمانی را منعقد ساختند . بنابراین قرارداد متصرفات عثمانی در [illegible] و [illegible]
روسیه تعلق گرفت [illegible] مجمع الجزایر . والاخی [illegible]
[illegible] (۱۷۱۸) [illegible] ~~[illegible]~~
متصرف [illegible] والاشی تا آلوتا [illegible]
بلگراد و شمال صربستان و بوسنی . [illegible] مولداوی و والاشی را
[illegible] قرارداد [illegible] (این [illegible]
[illegible] ۱۹۱۲ [illegible] عثمانی [illegible] صربستان
[illegible] و [illegible] تجنیس [illegible]
[illegible] و [illegible] را [illegible]
[illegible] متصرفات عثمانی را در آسیا و [illegible]
[illegible] مصر [illegible] .
[illegible] . [illegible] بعضی از [illegible]
[illegible] را [illegible] انگلستان [illegible] نمایند [illegible]
[illegible] امپراطوری عثمانی را در مقابل [illegible]
[illegible] . [illegible] خیال خود [illegible]
۱۷۸۷ [illegible] . [illegible]

[illegible]

۲۶۹ و کاترین با ... روسیه ... سباستوپول پیش آمد طاق نصرت ... در
معبر او برافراشته که در [illegible] روی آنها عبارت «طریق ملک بیزانس»
نقش شده بود [[illegible] اشاره به دولت قدیم] بیزانس است و [illegible] روسیه و اتریش ...
در عثمانی تا آن ساعت ... (...) ... بدین ... ترک ... هم
... کرد.

جنگ دوم ترکیه

عثمانیها در مقابل این تظاهرات خشم انگیز اعلان جنگ دادند. (۱۱ اوت ۱۷۸۷)
... در جنگ ... بر قوای اطریش غالب شده ... در قلمرو ... و ترکها از دانوب عبور کرده
بولایت تمسوار ترکتازی نمودند (اوکتبر ۱۷۸۸) ولی روسها در مصب رود
... ترک ... را شکسته و ... حصن حصین اوچاکف
را تسخیر نمودند (۱۷ دسامبر ۱۷۸۸) . بعد از چندی اطریشیها انتقام خود را گرفته ...
متصرف شدند (اوت ۱۷۹۰) روسها بوکارست [illegible] و سووروف
... یک ... اسمعیل را ... هزار ... عثمانی را کشته
و معبر رود دانوب را ... آوردند.
این فتوحات ... روس و اطریش ... انگلستان و پروس را بهم نزدیک کرد
... پروس ... از ... بخارا ... قلعه ... یک ...
... روسیه [illegible] بهم کرد ...
شده ... (... ۱۷۸۸) و پروس ... لهستان را
... روسیه ... آوردند ...
آن انقلاب فرانسه ... شد تمام نقشه‌ها ... و قرارداد ...
بهم زد . ... از جنگ ... شده ...
... (اوت ۱۷۹۰) . اطریشیها ... پروس و ...

رعایای بزرگ [illegible] به عثمانی در سیستووا Sistova صلح منعقد (اوت ۱۷۹۱)

علت عمده آن [illegible] تغییرات [illegible] در [illegible]

در آن [illegible] کاترین [illegible] در ترکیه با عثمانی معاهده نمود (ژانویه ۱۷۹۲)

و تقریباً تمام اوچاکف [illegible] تمام [illegible] بجانب اوضاع لهستان

معطوف ساخت و در نتیجه [illegible] اراضی و نواحی وسیع را تصاحب کرد.

دومین تقسیم لهستان

تجزیه سال ۱۷۷۲ اگرچه لهستان را آگاه ساخت [illegible] تشکیلات ملت [illegible]

و [illegible] تغییرات [illegible] در سنه ۱۷۸۸ مجلس [illegible] معروف [illegible]

[illegible] را تقویت نمود و [illegible] داد [illegible]

[illegible] (اوت ۱۷۹۱). بعد از [illegible]

[illegible] در ۱۷۹۱ قانون اساسی را [illegible] و دولت لهستان را حکومت سلطنت

موروثی [illegible] ساخت و [illegible] ضعف [illegible] را حق اعتراض یا

لیبروم وتو (Liberum Veto) [illegible] ملغی ساخته [illegible]

کاترین معترض شد [illegible] قرارداد ۱۷۷۲ [illegible]

لهستان [illegible] چون [illegible] لهستان [illegible] پروس با کاترین

موافقت نمود زیرا که [illegible] لهستان [illegible]

[illegible]. مقصود [illegible] دو [illegible]

اراضی [illegible] ولی [illegible] قسمت [illegible]

رد کرد (۲۴ مه ۱۷۹۱)

لهستانی‌ها از دو جانب با قشون روس و پروس مواجه شدند [illegible]

که [illegible]

تارگوویتز Targowitz را

ه دوباره احیاء طرز حکومت قدیم اتاویهٔ تغییر ناپذیر (سنه ۱۷۹۳) در نتیجه
چون سال ۱۷۹۲ فرا رسید بار دیگر لهستان میان روس
و پروس تقسیم شد. شهرهای دانزیگ به پروس رسید و قسمت اعظم ایالات
لیتوانی نصیب روسیه گردید.
برای اینکه تقسیم دوم را نیز صورت قانونی دهند روسیه دارودسته اتاویهٔ تارگوویتز
Targowitz را مجبور به تصدیق و امضای تقسیم نامه کردند و مجلس دیت مرکب از نمایندگان
از فرقه تشکیل شد. نمایندگان از زیر تکلیف امضا بدهشت افتادند
سربازان روسی مجلس را محاصره کردند و توپ ها را بجانب محل جلسه استوار نمودند
معذلک نمایندگان سه روز تمام مقاومت ورزیدند. محاصرین راه آذوقه را
بر وکلا بسته و آنها را در فشار گرسنگی انداختند. عاقبت در شب ۱۲ ژوئیه صاحب‌منصبان
روسی بمجلس هجوم آوردند و یکی از صاحب‌منصبان فریاد زد: «اتاویت قرار داد را
امضا میکنید یا نه؟» هیچکس جواب نداد. روسها این سکوت را موجب
رضا شمردند.

سومین تقسیم لهستان

چندی بعد وطن‌پرستان در کراکوی شورش کرده و اسلحه برداشتند (۲۴ مارس ۱۷۹۴)
دو دفعه دهقانان بحمایت اشراف و نجبا برخاسته و داس
زره‌ها را برداشته بجنگ در آوردند. رئیس شورشیان کوسیوسکو Kosciusko
بود از صاحب‌منصبان دوره امریکا باتفاق لافایت در جنگ داد شجاعت داده و شهرت
بزرگ یافته بود. سه قشون از روسیه و پروس و اطریش بر لهستان هجوم آوردند. جنگ
سه ماه دوام یافت و عاقبت کوسیوسکو در ماسی‌یوویتز شکست سختی خورد (۱۰ اکتبر ۱۷۹۴)
چون روسها بریاست سووروف Souvarof قصبه پراگ را در

ژنرال روسی ورشو را حمله گرفته و دوازده هزار نفر را بقتل رسانیده جنگ خاموش شد
(۴ نوامبر ۱۷۹۴)

در این وقت بار سوم لهستان تجزیه شد و قسمت بزرگ آن ملک با پایتخت و سرحدات
مزبور تقسیم گردید. پروس شهر ورشو را با خاک مجاور متصرف شد و روسیه بقیة السیف
ولایت لیتوانی را گرفته و اطریش کراکوی را ضمیمه ملک خود نمود (۳ ژانویه —
۲۴ اکتبر ۱۷۹۵)

نتایج تقسیم لهستان

چنانچه خواهیم دید تجزیه لهستان از لحاظ سیاست فرانسه اهمیت زیاد داشت
زیرا در وقتی که سه دولت بزرگ شرقی مشغول مرام خود تقسیم شده و مجال دادند
در انقلاب کبیر فرانسه قوت یافته دیگر دولتها متفرق گردد. بعلاوه دیگر از جمله که اول
روسیه و پروس و اطریش در شرق با هم بعضا متحد شده. و اتحاد در جبهه جلو تعدی را
تکمیل دادند. این اتحاد در مدت دراز طول کشید تا هنگام الحاق فرانسه مصوب شد
و حال در سنه ۱۸۱۵ با قبول معاهده ویانه اروپا تسلط کامل یافتند. بعد از آن
نتایج قرارداد منفرد و باز پیوسته گردید تا سنه ۱۸۷۸ که نقش انقلاب
منتشر گردید.

فصل ۲)

خصوصیات ~~[illegible]~~ کلی قرن هیجدهم

~~[illegible]~~ جنبه ذهنی - ~~[illegible]~~ متمایل - مصادر اروپائیه - ~~[illegible]~~ - صنایع - علوم

ادبیات - افکار فلسفی و اجتماعی « استبداد منور » ادوار و اطوار

~~[illegible]~~

~~[illegible]~~ جنبه ذهنی در قرن هیجدهم؛ ~~[illegible]~~ قرن هیجدهم [illegible] و به طبقه تقسیم شد

و طبقه ممتازه [illegible] و طبقات دیگر [illegible] انگلیس بار با [illegible]

برای طبقه سوم داده شد . در عهد لوئی پانزدهم به تغییر [illegible] طبقه [illegible] داد

[illegible] لوئی [illegible] و صنایع [illegible] صنف [illegible]

[illegible] آمد [illegible] اروپا [illegible] ؛ مستوفیان [illegible]

[illegible] صنف [illegible] و [illegible] جزء و کل

[illegible] صنف و [illegible] . از صنف [illegible]

اگر چه در اوضاع اجتماعی [illegible] تغییر [illegible] و از فکر مردم

تبدیل و تحول عمیق [illegible] افکار و عقاید [illegible] منتسکیو ولتر

[illegible] و مطالب دایرة المعارف [illegible] و غیره مفاهیم جدیده

[illegible] و عدم تعصب دینی [illegible] را انتشار [illegible] و [illegible]

[illegible] و نقایص حکومت مطلقه را اثبات [illegible] و [illegible] و [illegible] حکومت

[illegible] و [illegible] ادوار

[illegible] نظر [illegible] فیلسوفان

[illegible] ۱۷۸۹ [illegible] انقلاب [illegible]

1

اوضاع اقتصادی [illegible] — ساده [illegible] — [illegible] — علوم

وضع دهقانان

اکثریت [illegible] قریب هفت هشتم اهالی در خارج شهرها میزیستند. راجع بوضع

[illegible] سکنه دهات [illegible] نمیتوان نظر جامع و دقیق اظهار داشت زیرا

[illegible] نمیتوان [illegible] کلیت [illegible] در این باره [illegible] قبل و در دوره

[illegible] شهر [illegible] [illegible] ارقام [illegible] آلزاس و [illegible]

و [illegible] در اروپا [illegible] در [illegible]

[illegible] زیستند. اما [illegible] اروپا [illegible] و [illegible] انگلستان در [illegible]

[illegible] عبارت [illegible] در کمال فقر زندگی

کرده [illegible] و گندم [illegible] غذا [illegible] داشتند و در بعضی

نقاط [illegible] در [illegible] اروپا در سال ۱۷۲۰

[illegible] کوشش [illegible] اکثر دهقانان در نهایت [illegible] [illegible] خانه‌های

[illegible] آنها [illegible] [illegible]

دهات [illegible] در اطراف [illegible] [illegible] و [illegible]

[illegible] از [illegible] [illegible]

در بعضی نقاط [illegible] [illegible] در [illegible] اکثر [illegible]

و [illegible] باز [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible]

[illegible] منزل [illegible] در بعضی [illegible] و دهقانان [illegible]

معتبر ساده داشته ولی بعد نقش گیاهان ملایم در قرون وسطی [illegible] ... لاله را

بجای چوب از گل [illegible] و ظروف را [illegible] از چوب [illegible] آن در

بعض نقاط [illegible] [illegible] رنگ [illegible]

[illegible] و تخت و [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] را از ظروف

چینی [illegible] گذاشته‌اند. [illegible] روستائیان [illegible]

می‌پوشیدند و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

در [illegible] از [illegible] [illegible]

[illegible] کفش چوبی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

۱۷۸۸ [illegible] [illegible] [illegible] انگلیس [illegible] [illegible]

آنها را [illegible] « نام نهادند. در بعضی ولایات [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] ولایت دیگر [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] انگشت [illegible]

[illegible] اگر [illegible] [illegible] [illegible] در [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] در [illegible] اول [illegible]

[illegible] قحط [illegible] رخ داد از ۱۷۲۴ تا ۱۷۵۶ [illegible]

[illegible] [illegible] قحطی [illegible] [illegible] در [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] قحطی [illegible] در [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] »

Montyon

درسال ۱۷۷۰ ایالت اورنی [illegible] گرفتار قحطی شد و مونتیون از

ایالت مزبور شرح نظیر گفتار [illegible] [illegible] درباب [illegible] نوشته است

زراعت

[illegible] سرراز ۱۷۶۰ وضع دهقانها رو بهبودی [illegible] جمعیت فزونی

از اواخر قرن هیجدهم رو بافزایش داشت [illegible] در ظرف سی سال (۱۷۶۰ - ۱۷۸۹)

از [illegible] به [illegible] [illegible] رسید . [illegible] [illegible] [illegible] و منافع [illegible]

مالکین زراعت [illegible] بعضی از نجبا و اعیان بزرگ [illegible] در [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] گشتند و [illegible] دهقانان و [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] پیدا کردند . در چندین ایالت [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] در [illegible] [illegible] [illegible] وزیر [illegible] [illegible]

Bertin (۱۷۶۱) [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible]

ترتیب دهند . [illegible] Parmentier [illegible] [illegible] زمینی را رواج

[illegible] [illegible] [illegible] دهقانها را از [illegible] قحطی نجات داد . [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و دهقانان

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] زمین [illegible] [illegible] ابزار و [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] از قطعه [illegible] [illegible] [illegible]

از [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] زمین را [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] وجود داشت اگرچه [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] بود و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] از [illegible] [illegible] دیگری جز [illegible] [illegible] وجود داشت [illegible]

ده‌های کوچک و ویرانه از هنگام انقلاب خانه‌ها هستند و همه در دوران [illegible] با دهکده‌ها رشد
در اطراف دیگر دهقانان از املاک جدید ترتیب و صنایع انسانی در بهبود
زراعت جدید و کشاورزی دیگر تا در این دوران [illegible] شغلی تازه هیچ قسمتی از
سعودت خارج شده و [illegible] [illegible] وقت است [illegible] املاک جدید وضع نکردند
داده و اشخاص حمایت نکرده مثل از این مالیه بدون وقفه بیعت از املاک
آمده و رفته و کشت و ابتدا به دست آمده. از دو دیگر دهقانان هم بدوران می
رود مرز بعضی خانه‌ها و باغ‌ها از هم جدا است. آرام آهسته هم از
[illegible] علم اقتصادی بزرگ انگلستان است در ۱۲۰۴ [illegible] گردش در فرهنگ
فروخته شده و جنبی می‌گرفت: [illegible] دهقانان از هر اثر مانده اندازه غنی داشته
و [illegible] با املاک جدید [illegible] کرد در تأثیر فقر خود جامعه شهر و شهرها رواج
جنبش و دست‌ها دیدند شاید و انقلابی راه در دلیل و در هر دو، آباد و بی‌خبر
آن بعضی انگلیس مرتع و باغ املاک را گذاشته روستاییان برفت و شهرها را
آتش زدن را پریشان شده. بعد شاه زدند هم در سال ۱۷۷۶ متعدد و دشت
در هر قصر از دهی ام زراعت دهقانی تسلیم شود تا ۱۵ سال از بدو جنگ ال‌ای سه سال
جامعه لبنانی روستایی و ملت فقیر بیش از حالت ثروت بیکار زمین را
تا برداشت کردند

محصول سکه طلا از سه ملیون [illegible] تا او در گرو می‌نهند ثمن کل [illegible]
تا امروز بیش از سه مثل در شهر منزل دارند. علت آن بود صنایع و کارخانه‌ها
وسعت پیدا کرده است و شهر امروز هزاران هزار [illegible] سوداگران را از عالم آزاد کرده

[illegible]

سکه شده بود بعد از آنجا در عمارات شهری خود منزل داشته و دیگر ابنیه
نیکوترین در عقد آن ~~[illegible]~~ که و ناروس خود تهیه و کسبه و زرگران و
از عوائد خود معاش میکردند و صاحبان ملک عالی عراقی و قنات و
تجار و صنعتگران و پیشه وران که در معرض عواقب اللہ از مرحمات روزانه
مردم محسوب میکردند مثل خباز و قصاب و خیاط و بنا و نجار و نقش سازی و غیره.

~~[illegible]~~

جمعیت شهر ایران ... پایتخت بعد ... مملکت اعظم محسوب میشد در سال ۱۷۵۰
..... و سکنه داشت در ایام انقلاب ... هزار ... کرد . شهر
... در دوره صفویت ایران ... بزرگترین ... بود ... صد هزار
نفر جمعیت داشت ~~[illegible]~~ جمعیت عظیمه دیگر شهر ~~[illegible]~~ بنادر عباس و
... و ... و ... از ... ۵۰ هزار تا ... نفر
... ... آن ... بود در ... آن
... ... و ... و ... و ... و ...
... و ... و ... و ... و غیره.
... ... و ... و ... و ... و ...
... ... در ... ... آن ... و ... اینکار
... ... و ... ... تازه
... ... و ... ...
... ... و ... و ... و ... و ... در ... (

• از ترقیات آن دایم حکایت می‌کند

پاریس

در دوره‌ی مدرن از ساختمان جدید تغییرات پیدا آمد. از باستیل تا [illegible] سنت [illegible]
خندق‌های قدیم را انباشته و خیابان‌های بزرگ موسوم به بولوارها ساختند. این خیابان‌ها
شجردار دارای دکاکین شیرین و زینتی و رستوران و بازیگرخانه‌ها شده‌اند و قهوه‌خانه‌های
معروف آن [illegible] خانه‌ها ~~[illegible]~~ نیز با ساز و آواز [illegible] تفرجگاه
طلاب [illegible] می‌گویند. قهوه‌خانه‌ها از ازمنه‌ی مشهوره مانند [illegible]
امروزه اروپا شایان است. در آن عهد تا کنون درست [illegible] شراب و سایر مسکرات
در آن فروش می‌شد. مردم معتبر پاریس در آنجا جمع می‌شدند از ۱۷۲۴ تا ۱۷۸۸
عده‌ی آن‌ها از چهارصد به یک هزار و هشتصد رسید. در عهد امپراطوری [illegible]
و [illegible] در آنجا [illegible] معروف است [illegible] و [illegible]
[illegible] بسیار در آن با گذشت. باغ پاله رویال [illegible]
[illegible] دارای ساباط و دکاکین بسیار قشنگ و [illegible]
[illegible] و [illegible] پاله رویال قهوه‌خانه‌ی معروف [illegible]
[illegible] تماماً خراب گردید. بعض از [illegible] و [illegible]
[illegible] قصر عالیه [illegible] عمارت [illegible] و عمارت [illegible]
و عمارت لوور [illegible] امروز [illegible] شده است
[illegible] تا [illegible] قبرستان [illegible]
[illegible] ۱۷۸۶ [illegible] انقلاب [illegible]
[illegible] ~~[illegible]~~ [illegible]
[illegible] و [illegible] شد [illegible] • [illegible]

[illegible]

بایه [illegible] در کنار معبد [illegible] سنگهای بزرگ گذاشته بعد به پایگاه برده
کالکه [illegible] گذرد [illegible] به پا [illegible] آن گشته [illegible] کالکه [illegible] بسته
[illegible] روز [illegible] در انتهای کوه [illegible] کوه را در سنگ
کنده و [illegible] کرده [illegible] را [illegible] شب [illegible] وسیله [illegible]
[illegible] روشن شده و از نواحی بعیده [illegible] عابرین [illegible] پایگاه
[illegible] از [illegible] وسیله نقلیه از قبیل کالکه و
[illegible] در معبر نصب کرده و [illegible]
[illegible] وسیله [illegible]
[illegible]
[illegible] متاع [illegible]
[illegible] اقسام [illegible]
منقش [illegible]
[illegible] آلات [illegible]
خارجیان از [illegible]

نویسندگان [illegible] طبقه [illegible] در [illegible]
[illegible] نویسندگان دیگر [illegible] طبقات [illegible] و [illegible] اصناف [illegible]
[illegible] اشتراک در مسائل ادبی [illegible]
و مردان گوناگون از هر حرفه و پیشه و هر طبقه و [illegible] با یکدیگر [illegible]
[illegible] و ارباب سیف و قلم و [illegible]
و توانگران و نویسندگان از هر نوع و هر قسم فلاسفه و علمای [illegible] و دانشمندان

و هنگفتران دفتیه نظیر واژه مجمع آثار ... طبقه [illegible] تمام مستورین
با شکفتن پیدا شد [illegible] احترام فضل و هنر تا اندازهٔ حدود
و اعتبارات طبقهٔ سابق را محدود ساختند. در دورهٔ اخیر ادبا و
سخنوران دوره اول عصر ... مقام را احراز نشدند. تفاوت بین نویسندگان
قرن پنجم و قرن نهم اکثر از آن جهت در به زحمت الفاظ و تعبیرات
لطیفه ادبا بعد دانا ... قوی ذوق با حروف ... عربی ... الاسعدی
... و در مطالب ... افکار ... الوان آورده
... قرن ... اساس ... اقتباس ... از قبیل ... الحلقه ...
... از این طبقه ... [illegible]
... [illegible]

متصدیان امور مالی

... ثروت ... از ادبا ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]

[illegible]

و مالیه مملکت را از کیسه ... مرکز ثقل را تغییر داد یعنی بسیاری از مشاغل را فقیر و [illegible]

از میزان ... را ... کرد و [illegible] اروپا هم پیش از پیش مورد توجه

طبقات عالیه شد و دختران آنها [illegible] داده [illegible] و [illegible]

وسیله [illegible] و دوائر [illegible] احیاء گشته [illegible] مردمان

از [illegible] آن [illegible] صنف [illegible] مالیه [illegible]

بیکار [illegible] و [illegible] در وزارت [illegible]

مالیه [illegible] گشته و [illegible] در طرق [illegible] از وقایع

[illegible] طبقه [illegible] را [illegible]

[illegible] (یعنی [illegible]) [illegible]

[illegible] مالیات [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] مستوفیان [illegible] و [illegible]

[illegible] و [illegible]

[illegible] مستوفیان

[illegible] «مستوفی [illegible]» لقب داده [illegible] و مردم

[illegible] [[illegible]]

[illegible] در ۱۲۲۰ [illegible] مستوفیان [illegible] داده [illegible]

[illegible] و [illegible] حقوق [illegible] و [illegible]

[illegible] و [illegible] و [illegible]

[illegible] در سال ۱۲۲۵ [illegible]

میهن معنوان ال الدوله [illegible] پرداشته و در سنه ۱۷۵۵ [illegible] پذیرفته و صدور
میهن تادیه کند. در آغاز انقلاب تاریخ سکه و [illegible] میهن ام رسید. بعضی
از آن منسوخ شده صاحب ثروت بگفت شده و در آن وقت [illegible]
در دو لفظ و بسیار گزاف می‌بود [illegible] میهن شده و امروز معادل
۲۵۰ میوه [illegible] بالطبع [illegible] عالی و [illegible] فوق العاده [illegible] زرادکان
[illegible] در شهد [illegible] عالی و [illegible] صنعتی
گزارش در [illegible] گردید [illegible] و [illegible] متعالی و [illegible]
[illegible] (([illegible])) می‌نامید. صنعتگران آلتوقی و [illegible]
و [illegible] صنایع [illegible] در [illegible]
بزرگ [illegible] [illegible] از [illegible] کرده‌اند
[illegible] را [illegible] کار [illegible] ترقی [illegible] و [illegible] و [illegible]
[illegible] بیش از چهار [illegible] از [illegible] بزرگ [illegible]
[illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] در آن بود [illegible]
[illegible] گذشته بعضی دیگری از آن رجال [illegible] هلوتیوس
[illegible] از [illegible] که او در اول دو [illegible] از [illegible]
از [illegible] اول را [illegible] گرفته [illegible]
[illegible] سیصد هزار [illegible] صنعتگران [illegible]
[illegible] و [illegible] انجمن [illegible] در آن [illegible]
[illegible] (([illegible])) می‌خوانند. خود هلوتیوس [illegible]
[illegible] به (([illegible])) بود [illegible] از عقاید [illegible]

[illegible]

حکایت میشود بار پارلمان در سال ۱۷۵۹ یکنفر دیگر در وقتی اعلان کند
لاووازیه Lavoisier که موجد ۳ شیمی جدید است از وزرای مالیه
رجال بزرگ مالیه محسوب میگردید.
مستوفیان تقریباً اینجا حاضر کرد و شاه نه تنها خود را در امور مالیه
به نه مختار ... بلکه گاهی اداره امور وزارت مالیه ... دارائی (داخله) ...
یا از ... حرفهای مرسوم به پاره ... مامور شده ... لاکن
محاسبات اورا ... کند ... پادشاه در قبول عامه ...
... در ... بین معقولات عامه ... ۱۷۶۹ ... بار ...
استبدادی ... Necker که بود از جمله ... حزب ...

کلوب آنترسول

مجامع ادبی و صنعتی که در منازل رجال تشکیل میدادند موجب تشبیه
و روابط نجبا و فیلسوفان و متفکران و مستوفیان گردید. این مجامع
یا سالون در ... مختصات ... قرن هیجدهم ... از ... قرن ... بلکه در
قرن ... مجامع ... را ... تشکیل میدادند. ... انجمن ...
بحث ... در انجمن ... مطالب در انجمن رجال ... خصوصی ...
... در قرن ... از ... Conrart ... کونرار و کلوب آنترسول ...
[... Entresol ... انترسول ... در قرن ...] ...
مجمع ... کونرار ... شرح ... عواطف ... و ...
وقایع اشعار و حسن استعمال اصطلاحات ادبیه و معانی لغات و غیره ...
... مصروف تحقیق و تنقیح ... صدر اعظم فرانسه ...
در تاریخ قرن ... از این مجمع ... استفاده کرده و آنرا مبدل ...

165

بحث می‌کرد. سالون‌ها در فرانسه تحت [illegible] آکادمی انتقاد تیاتر جدید تألیف
کورنی که عرضه می‌شد بود.

در کلوب آنتره‌سول (طبقه اول عمارت) سخن سرایان یک عمر
بعد هر سال عده‌ای از منتخبین آن کاردینال فلوری [illegible] در آن مجمع داخل بالکون
عصر جمعه و یک‌شنبه [illegible] ۱۷۲۵ تا
۱۷۳۱ آبه آلاری خود را در اطاق کوچک خود واقع در طبقه اول [illegible]
قریب بیست دانشمند هفته یک دفعه از ساعت پنج تا شش [illegible] پذیرائی می‌کرد. اعضاء
این کلوب عبارت بود از [illegible] مارکی دارژانسون [illegible] مارشال دو کوانیه هوراس والپول
انگلیسی آبه دوسن پیر [illegible] و مونتسکیو [illegible] در آن مجلس
سخن از مسائل ادبی و لطائف غزلیات [illegible]
در [illegible] هلاند و [illegible] قرار [illegible]
[illegible] تاریخ [illegible] ترتیب [illegible] اصغا می‌کردند.

[illegible] موضوع مباحثات کلوب آنتره‌سول عبارت بود از تاریخ سیاسی و فلسفه
و صنایع و بعضی از علوم [illegible] ادبا که معروفترین
[illegible] قبل از ۱۷۵۰ [illegible] مادام دو لامبر و مادام دو تانسن بود.
بعد از سال ۱۷۵۰ [illegible] مادام ژوفرن و مادام دو دفان و مادموازل
دولسپیناس [illegible] نام هلوسیوس [illegible]
Epinay و نکر Necker معروف شدند.

[illegible]

مارکیز دو لامبر (۱۶۴۷ – ۱۷۳۳) در تاریخ تشکیل محافل ادبی از سایرین مقدم است زیرا

سه‌شنبه چند تن از دوستان محرم خود را به صرف غذا دعوت میکرد که از آن میان عقیده می‌بینیم

~~[illegible]~~

از جوانها که در نقاشی حق آکادمی علوم بعد هم در علم هم در ادبیات دست داشت و از ادا

در آن عصر در ادبیات و عنایات را نگارنده نثر دلفریب دیگر ماریوو Marivaux

که در فونتنل تا آخر عمر بسیار ظریف و با یونس بعد بعد از صرف غذا سایر اعضاء محفل

از طبقات اشراف نقاشی‌ها و درباریان و روحانیان و متوفیان و ادبا حضور یافته

پس از وفات مادام دو لامبر مادام دو تانسن بازار او مشغول پذیرائی (۱۶۸۱-۱۷۴۹)

این زن دختر یکی از اشراف دوران پارلمان گرنبل و خواهر کاردینال دو تانسن بود از ازدواج

بی‌بهره طلب و که بعد در صدد وصلت در اوضاع سیاسی برآمد و دوره‌ها اداره کرد

اعضاء و مرتب محفل او مونتسکیو – ماریوو – هلوتیوس دفون‌تنل و ماریو بودند

مادام ژوفرن (۱۶۹۹-۱۷۷۷) که زنی توانگر بود جانشین مادام دو تانسن

این زن بسیار نیکوسیرت و صاحب فطانت بود و شعار خود را کلمه ~~[illegible]~~

علاوه یا (تخیلی و مجهول) قرار داد منزلش در کوچه سنت هونوره بود و به

هر بار به صرف غذا دعوت میکرد دوشنبه‌ها صنعتگران و چهارشنبه ادبا و فلاسفه

محل او در اواخر عهد [illegible] (بین سنوات ۱۷۵۰ و ۱۷۷۵) بمناسبت شهرت [illegible]
و مرکز حکما و علما و [illegible] آمد. معاریف [illegible] دالامبر
و دیدرو و [illegible] و بارون دو هولباخ [illegible]
و [illegible] خدا [illegible] و روزهای پنجشنبه در منزل [illegible]
[illegible] و [illegible] لقب «[illegible] حکمت» [illegible]
آن [illegible] شرح [illegible]
[illegible] و [illegible]
«[illegible]» [illegible]
[illegible]
[illegible] گردید.
[illegible] (۱۷۸۰ - ۱۶۹۲) [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] که دوست او را در لفظ و شیوه بقدری ساخته بود که او را «دوستدار حقایق» می‌خواند
مارکی دو [illegible] دارژانسون و شوازول و بوسکوویچ پیش از دیگران داخل محفل او شدند.
مدت ده سال مادموازل دو لسپیناس کتابخوان او بود (۱۷۳۲ - ۱۷۷۶) روزی
معلوم شد که بعضی از حضار خاصه علاقه صحبت مادموازل دو لسپیناس را بر کلام او
ترجیح میدهند ازین سبب آتش حسد او شعله‌ور گشت و خانه خود را [illegible] (۱۷۶۴)
لکن دوستان مادموازل دو لسپیناس [illegible] دنبال او رفتند و خانه او را ترک گفتند
چون مادموازل تهیدست بود هر [illegible] غذا میهمانان [illegible] ایشان را مجانی غذا میداد و از
[illegible] ... پذیرائی میکرد [illegible] دختر [illegible] مادام [illegible] ژوفرن از
جمیع [illegible] معتبر بود و در عالم ادبیات بحدی نفوذ [illegible]
[illegible] «[illegible] آکادمی» [illegible].

[illegible] اجتماع و گذارش صحبت [illegible] بود بعلاوه [illegible]
خصوص [illegible] سخن [illegible] بکمال تسلط و قدرت
[illegible] در حسن جریان آن مراقبت میکرد. [illegible] مادام [illegible] ژوفرن [illegible]

[illegible] که یکی از حضار از صرفوی و صحبت [illegible] نگفت (ابی رجب) ولی کلامش را

بر نطق او اگرچه حوصله‌ترین و پیاده‌ترین مردم بود از سخن باز نمی‌ایستاد زیرا که او این همه

ادب و حسن معاشرت در رواج [illegible] بود و [illegible] معروف‌ترین مردم [illegible] عادت داشتند

خود بعضی نیز در محافل کلام دیگران را قطع می‌کنند و سخن در میان سخن [illegible] می‌آورند

عموم حضار با احترام تمام گوش میدادند و جز نوبت خود سخن آغاز نمیکنند. در واقع نیز زیاده

کمال حسن معاشرت در رواج بوده [illegible] و [illegible] آثار [illegible] فراوان از اوقات مردم در تمام

عصر با این اندازه مقرون با ادب و لطافت و دارای اخلاق عالیه بوده است.

آداب و رفتار | همچنین در تمام عصر مردم بایستی طالب حیات اجتماعی و لطف و لطافت [illegible]

و خوشگذرانی و مخالف با تضییقات سیاسی و اخلاقی بوده‌اند [illegible] حفظ [illegible]

رفتار و صمیمیت تام در میان مردم رواج یافت و مبالغه در رفتار و [illegible] قول [illegible]

و بعد در نهایت تمام ترویج گردید چنانکه [illegible] کلام [illegible] را [illegible]

گفته است بر تمام مردم [illegible] زیرا که [illegible] کامل و جامع [illegible]

خوش [illegible] گرید [illegible] و موقع کسب لذات [illegible] اگر عاشق

و طریق التذاذ جوئی دریافت ذوق خاص او شعور دیگر گشت»

در نصف اول قرن سیزدهم بواسطه بی‌اعتنائی نایب السلطنه دهری بازار مردم در دوره

رسم جنون لگام گسیخته مرشد و هیچ چیز را مانع اجرای هوسهای خود ندانسته بود از سال ۱۷۶۰

در دوره سلطنت به تدریج بنا بر تأثیر گفتار یکی از فلاسفه نامی بزرگ موسوم به ژان ژاک روسو

مردم به جانب تقوی و پرهیزکاری بازگشتند در زمان لوئی شانزدهم که پادشاهی شرافتمند بود

امور دنیا تقوی و سادگی طبیعی را با ذوق و لطف دوران داشتند دوران دیگر

در توده ملت و روستائیان (از طبقه کسبه و دهقانان) هیچ زمانی تقوای طبیعی را ارزش نبوده دیگر از نظر

اخلاق مردمان قرن سیزدهم در ذوق کل ایشان مقصود جمیع مردمان مطالب

و شهرت طلب است ولی قید تظاهرات را به حد بزرگی شمرده.

صنعت معماری

ذوق و خلق جدید طبقه عالیه قرن سیزدهم در صنایع مستظرفه منعکس گردید معماری

باید گفت در معماری از این عصر مستثنی بود و قبول تأثیرات جدید نمود زیرا که عمارات

قرن سیزدهم سبک باشکوه قصور عالیه این جهت موجود نه معماران در طرح هیچ وجه گرد تجدد گشته

و شعله پهلوی خود اکتفا کردند از جمله معماران معروف یکی گابریل بود (۱۷۱۰-۱۷۸۲)

که قصور مجلل لوور و ورسای را ساخت (امروز میدان کنکورد معروف است) و مدرسه نظام

Bordeaux

و تریانون کوچک را در ورسای و عمارات میدان لوئی را در شهر بردو ساخت

دیگر لوئی (۱۷۳۵ - ۱۸۰۰) بود که گالریهای عمارت پاله‌رویال را در پاریس

و تئاتر بزرگ شهر بردو را بنا نهاد. ص ۳۲۵ کتاب دیگر سوفلو (۱۷۱۹ - ۱۷۸۰) که بنای کلیسای

سنت ژنویو را که امروز به پانتئون معروف گردید. دیگر از معماران هیره

را باید شمرد (۱۷۰۵ - ۱۷۶۳) که موجد میدان استانیسلاس در شهر نانسی

محسوب میشود. [illegible] از دسته‌ای تابع سبک معماری عهد لوئی چهاردهم بودند پیرو [illegible] تقلید

ستونهای لور و دوره‌ای کلیسای انوالید بنا [illegible] ستون دار لیبار [illegible]

~~[illegible] ساختمان عمارات کوچک [illegible] و [illegible]~~

~~[illegible] [illegible] [illegible]~~

بیشتر عمارات کوچک [illegible] [illegible] مقر [illegible] و مجموعه‌ای

[illegible] ستونهای [illegible] ساختمان [illegible] عمارت [illegible] و [illegible]

و [illegible] [illegible] [illegible] معماران [illegible] طرز [illegible] بکار [illegible]

[illegible] معروف به تریانون کوچک [illegible] آن [illegible] [illegible]

[illegible]

در بنا [illegible] کلیات معماری تقلید قرن هیجدهم است [illegible] ترتیب کوشک‌ها مأخوذ
از لوور است و [illegible] منفک [illegible] ابنیه قرن — [illegible] دیده می‌شود آن طاق‌های
مبل و خشک و خشک که در ابنیه قرن سابق [illegible] رسیده در این قرن تغییر
یافته و ظرافت [illegible] در [illegible] ساختمان‌ها بکار رفته مخصوصاً و کتیبه عمارات را
دقیق‌تر [illegible] مرتفع‌تر ساخته و لطایفی در آن بکار برده [illegible] و در تزئین آنها
سعی بلیغ نموده تغییرات معماری قرن هیجدهم از این حدود تجاوز نکرده است.

آنچه بنظر بیشتر [illegible] کوشک چینی [illegible] در شبیه عمارات سلطنتی
و ظرافت و حسن تناسب آن کوشک [illegible] زندگانی خصوصی ساخته شده و شاه می‌خواسته
دارای عمارت خالی [illegible] که [illegible] از رسوم و تشریفات رسمی محفوظ [illegible]
خوب بداخل عمارات نگاه کنیم اثر ذوق و سلیقه ایرانی را از اثاث البیت
و تزئینات در و دیوار استنباط می‌کنیم. ابنیه قرن هیجدهم دارای اطاق‌های
بزرگ و تودرتو بوده و بکار پذیرایی [illegible] و بار عام [illegible] و غیره
و جشن می‌آمده اما کوشک‌ها عیب اینها را نداشته و در مواقع عادی شاه

خانه‌ها در اطاق خود محبوس می‌ماندند و چون شخص غریبی به منزل وارد می‌شد در اطاق
می‌نشست [illegible] راه آمد و شد تا [illegible] مسدود می‌گشت. بعد می‌رفتند [illegible] نفس
دیگر از اطاق خود بیرون می‌آمدند. تمام درهای [illegible] می‌شد. در قرن اخیر به این
عمارات عالیه [illegible] ایوان [illegible] در آنها [illegible] و در زمستان [illegible] وسیله
از جهت گرم کردن اطاق‌ها [illegible] بناها را کوچک‌تر ساخته و [illegible] از
یکدیگر مجزی و دارای ایوان‌ها و راهروها و [illegible] هوای [illegible]. این بناها را
عمارات کوچک نیز [illegible] [illegible] چند قطعه از این عمارات
کوچک [illegible] ساخته [illegible] در آن [illegible] وضع مردم [illegible]
از [illegible] راحت و آزادی بهره‌مند باشند.

تزئینات دیوارها

بدین ترتیب در طرز تزئین اطاق‌ها و سبک اثاثیه خانه تغییراتی داده
[illegible] و تزئینات سبک رومی [illegible] [illegible] در عهد لوئی چهاردهم
زیور عمارات [illegible] منسوخ گردید. در عوض [illegible] و اثاثیه [illegible] (کاشی‌های
[illegible] و [illegible]) [illegible] نقش‌های
[illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] معمولاً همه چیز را
به طرز منحنی ساخته حتی [illegible] قوس‌دار [illegible] این سبک را (رولکای) یا طرز (روکوکو)

ناسیونال
~~[illegible]~~ توان گفت که از زمان [illegible] سبک اروپائی

[illegible] طرز بافتن [illegible] نوشته است و در این جنس کالای [illegible]

[illegible] و در آلمان [illegible] سبک نازیبا [illegible] گردید

[illegible] معروف [illegible] در شهر درسد آلمان است .

[illegible] ذوق [illegible] تمیز و متنوع [illegible]

[illegible] در [illegible] [illegible]

[illegible] و [illegible] و غیره [illegible]

[illegible] و [illegible] خفیف و [illegible]

و [illegible] اول گردید [illegible]

[illegible] گردید . [illegible]

[illegible] و [illegible] را [illegible] و [illegible] را [illegible]

و [illegible] در تحت [illegible] گذاشته

[illegible] ۱۷۶۰ [illegible] و [illegible]

[illegible] خطوط مستقیم و [illegible] . [illegible]

[illegible] و [illegible] و [illegible] را از

سبک آن قدیم اخذ کرده و معمول داشته.

نقاشی و مجالس — نقاشی و مجالس در قرن سیزدهم کاملاً مجلل و بطرز فوق العاده از زمان بعد در این قرن هم

در اوایل عهد ... از لزوم نقاشان و مجلدان ... تقلید صنایع عهدهای گذشته را ترک کرده و

و در واقع طرز ... و تجلید ... و نقاشی ...

و به لطف ... تکمیل ... فوق العاده داشته در این قرن ...

... صنعت ...

... (تجدد کبیر) را درک ... شده بوده که از نقاشان معروف آن عهد

... فراگرفته ... گفته است: ...

... را تماشا کن ... که اگر ... از دور

... خراب و نقشت ...

در ... این قرن ... و مطالب ...

... قدیم ... از جمال مطلق و افکار ...

... ضعیف ... لکن ...

... جمال ... و ... و ...

... اگرچه ... سابقه ...

نقاش را از حکایات و افسانه‌های اساطیر یونانی مأخوذ میداشته نقش تمثال ارباب انواع
[illegible] را از قبیل ژوپیتر و ژونون و مینرو ترک کرده و بجای آنها نقش ونوس و کوپیدون
و دیگر ارباب انواع را که مظهر فرشتگان و پریان باشند میساختند در واقع ارباب انواع
نقاشان قرون سابقه مظهر وقار و قدرت بودند و ارباب انواع نقاشان قرن هیجدهم
مظهر خنده و ظرافت [ظرافت و جمال] گشته بودند. همچنین در این عصر در عوض ~~[illegible]~~ [پرده‌های] بزرگ
که برای عمارات عالیه ساخته میشد و دیوارهای ~~[illegible]~~ بنا در اطاقهای کوچک نیز [illegible]
بجای تصویر جنگهای اسکندر کبیر و سلحشوران زره‌پوش و سواران با لباس و کلاه‌خود
طرز یونانی و رومی نقاشان قرن هیجدهم تابلوهای کوچک و ظریف مخصوص [دیوار] عمارات ~~[illegible]~~
و سردرها میساختند و موضوع نقش آنها عبارت بود از مناظر و وقایع سبک و بیقرار
مثل [illegible] عیدها و مجالس طرب و تفریح در مزرعه‌ها و احوال چوپانان و دهقانان.
اگرچه [illegible] نداریم [illegible] در قرن هیجدهم [illegible] نقش خیال [illegible] استادان [illegible] موجود [illegible]
و وضع تند کاری‌های این تصاویر نقش [illegible] مأخوذ از سبک و سلیقه زمان بود و کارهای خوب
به نفس الامر مطابقه میکرد و بیننده را مجذوب خویش میساخت

نقاشها

مختصر و دستان از یک نقاش در عهد نیابت سلطنت واتو Watteau نام داشت

(۱۶۸۴ - ۱۷۲۱) در ریخ اوری نقاش مجالس جشن و مناظر بزم لقب

داده‌اند. پدرش از اهالی والانسین و کارش پوشیدن سقف عمارت بود. واتو در سن ۱۸ سالگی

به پاریس آمد و مشغول نقاشی پرده‌ها گردید پس از چندی یکی از آثار پرده‌ها نقاشی تئاترها و اعیان تصاویر

بزرگان و پیشوایان را دید. از حسن اتفاق یکی از مستوفیان بزرگ موسوم به کروزا Crozat

تشویق او همت گماشت و خزینه برای او مقرر داشت. یکی از آثار مشهور او موسوم به

معروف به اصحاب صنعت است و در سن ۳۳ سالگی ساخته (۱۷۱۷) ...

معروف (کشتی نشینی بجزیره سیتر) است و ... واتو پس از (۲) سال ... مشهور گردید

آن چه حال مع جوان را دوست گفت. واتو در صنعت یگانه روزگار بود در واقع شاعرانه

نقاشی محبوب شبیه تأثیر یک روش ... از معاریف نقاشها است در آثار واتو

... بسیار در کیفیت نقاشی روغن ملاحظات و تحقیقات نمود. اشخاص او که شکل

دوره اندام ظریف و لطیف و مناظر را بسیار خوش طرح کرده است در واقع حقایق

عالم خارج را با رقایق عالم خیال آمیخته است اگرچه جمعی از مقلدین او بودند

ولی آنها را بمطبوع استادی خود می‌گویند فقط یکی از آنها پاتر لانکره

(۱۶۹۰ - ۱۷۴۳) تا اندازه‌ای به بزرگ صنعت و هنر نمائی واتو ... اکابر بود

مطالب شاعرانه آن نقاش بزرگ گاهگاه واقف نگردیده است.

فرانسوا بوشه (۱۷۰۳ - ۱۷۷۰) از اهالی پاریس و چهره‌پرداز مادام

دوپمپادور بود این استاد اگرچه از دو تن موجبات ... محبوبیت ... در زمان خود معروف‌ترین

نقاش دربار بود و جشن و تفریح [illegible] کرد سهولت مهارت فوق‌العاده در عمل نقاشی داشت و قوه

تخیل او نامتناهی و بی‌نظیر بود علاوه بر [illegible] نقاشی تابلو بخصوص چندین فن دیگر نیز

از قبیل گراورسازی و نقشه‌کشی و رنگ‌آمیزی و طرح [illegible] نقاشی دیوارها کتب میدانست

و در نقاشی پابند موضوعات خاصی نبود گاهی وقایع مذهبی و زمانی چند زمانی دیگر

یونانی میساخت و نقوش مقدس دینی با تصاویر [illegible] و قصه‌های اساطیر در نظر او

یکسان [illegible] زندگانی دهقانی و تفریح کنندگان خارج شهر را بخوبی رسم میکرد

هزار تابلو و ده هزار تصویر از آثار کلک [illegible] بیادگار گذاشته و خود از

پرکارترین و پرتواناترین نقاشان [illegible] و سبک‌روح‌ترین و کم‌عمق‌ترین

استادان قرن هیجدهم معرفی شده.

شاگرد فرانسوا بوشه فراگونار نام داشت (۱۷۳۲ - ۱۸۰۶) پرکار از

جمله دوران ... گرایش ... لیکن شاگرد موجبات از استاد خود بالاتر شد

خیال سرکش و هر جا به او فرصت دست و پنجه نیاز چابک

و دلنظیر بود در حسن رنگ‌آمیزی و سایه و روشن و در فن ظریف طبیعی می‌پرداخت و

شیوه خوش و دلپذیری در نزد دلدادگان خیال جلوه

می‌داد چنان مهارت و استادی ظاهر ساخت که وی را پایه

استادان بزرگ برد و او نزدیک‌ترین نقاش است به بوشه و واتو سابق الذکر.

فراگونار علاوه بر بوشه استاد دیگر داشت موسوم به شاردن (۱۶۹۹ - ۱۷۷۹)

در کار عالی و ظریف استاد حقیقی بود و او را مقدس‌ترین و صدیق‌ترین

صنعتگران قرن هیجدهم می‌دانند. بیشتر کار او پاریسی بود شاردن استادی چیره

دست بود به تمام وضع زندگانی طبقه متوسط و توانگران پاریس را

مطالعه و ملاحظه کرد و وقایع حیات این طبقه را با چشم ساده و حقیقی ادراک

وی را از این لحاظ جزو اساتید بزرگ و مصوران حقایق خارجی می‌خوانند

و در عصری که تصاویر سبک و خوش ظاهر پسند عام بود آثار متین و استوار

شاردن شهرت کاملی یافت ~~...~~

و حب دوام قرن هیجدهم تقوی و پرهیزکاری در طبقه عالیه بازگشت کرد و مردم

از لنکره و ترویه و بیه‌نیر ~~[illegible]~~ عدول کرده سبک شاردن نقاشان بازیچه

پیشت از جمله گروز (۱۷۲۵ - ۱۸۰۵) در آثار گرانبهای بود آثار

شاردن را با سادگی و صدق خارش دروا رفوزه کشت و تصاویر معروف او از قبیل کوزهٔ شکسته

و زن شیرزده و منبه و نقاشی‌های ... (پدر خانواده در حال خواندن انجیل)

عروس روستایی بازگشت طفل هرزه و غیره که در آن زمان عجب مردم را مجذوب

درآورده و خلق عظیم را تماشا ساخت امروز نظرها متصنع و خالی از سادگی صادقانه ...

آثار مهم دوره مادام بارشان ساختن تصاویر ... معروف‌ترین آنها ریگو و

لارژیلیر بودند و اگرچه از ریاستیه ... شده‌اند ~~[illegible]~~

(ریگو در ۱۷۴۳ و لارژیلیر در ۱۷۴۶ فوت شده‌اند) لکن بهترین آثار خود را در عهد لوئی

چهاردهم ساخته‌اند بنابراین از نقاشان عهد لوئی پانزدهم محسوب‌اند دیگر ناتیه Nattier

(۱۶۸۵ - ۱۷۶۶) که مجذوب زیبایی زنان درباری بود آثارش اگرچه مطبوع

قدری نرم و ضعیف هستند لکن از دقت و رقت خالی نیستند. دیگر از آثار دوران

بزرگ ... موریس کانتن دو لاتور است (۱۷۰۴ - ۱۷۸۸) در ... کانتن

تو داشت هنر ... و ... ~~[illegible]~~ بود

لبن نقاش در معرفت النفس هم مثل نقاش به‌دست داشت و بقول خودش چون بکشیدن

صورت اشخاص می‌پرداخت در ~~باطن~~ ضمیر آنها رسوخ می‌نمود و در حالیکه خوشحال

التفات به آنچه قلب آنها را می‌خواند. فی الحقیقه در تصاویر او از معاصرین تاثر

رسم کرده است روح اشخاص را گرز خطوط و نقوش نمایان ساخته است.

حجاران

معروفترین حجاران قرن هیجدهم عبارتند از گیوم کوستو (لولوان) بوشاردون پیگال

فالکونه هودون کلودیون لولوان دیگری آلوکستو جیزرمت هودونرا در عهد سلطنت

مدت حجاری‌ها که زمینه و دوران تحت دوران با عظمت و شکوه است. لولوان در

بعد از ترلیوت (۱۶۶۶ - ۱۷۴۴) شاگرد ژیراردون بود. لبن پیکار مجسمه معروف

اسبهای آفتاب را در حیرت‌انگیزترین حجاری فرانسویان است ساخت در عمارت روکال

در امروز مطبعه جای است جای داد.

گیوم کوستو (Coustou) (۱۶۷۷ - ۱۷۴۶) از اهالی لیون و شاگرد و برادرزاده

کوازوکس بود. از جمله آثار مشهور او مجسمه زیبای رون است و در اواخر عمر مجسمه

اسبهائی را که اکنون در خیابان شانزلیزه پاریس نهاده اند و عامه افراد اسبهای مارلی

می‌گویند ساخت. اما حجارانی که تمام عرشان در قرن هیجدهم واقع شد

بنا بر تاثیر محیط دارای آثار ظریف و متنوع هستند و مجسمه‌های کوچک و دقیق و مجسمه‌های

بزرگ و عظیم از دست آنها بیرون آمد. از جمله بوشاردون از اهالی شامپانی

(۱۶۹۸ - ۱۷۶۲) که شاگرد کوستو محسوب میشد مجسمه سواره لوئی پانزدهم را ساخت که در انقلاب
کبیر منهدم گردید. اشکال اساطیری حوض نپتون را نیز در پارک ورسای او ساخته است و مجسمه
مسیح و مریم را در کلیسای سن سولپیس پاریس. و مجسمه فرشته عشق در مشغول تراشیدن کمان از چوب
و مجسمه‌های فواره کوچه گرنل را نیز او درست کرده است

پیگال (۱۷۱۴ - ۱۷۸۵) و فالکونه (۱۷۱۶ - ۱۷۹۱) دو هنرمند قرن
هیجدهم هستند شاهکارهای تاریخی بیادگار گذاشتند. پیگال قبر دوک دارکور را در کلیسای
نوتردام پاریس و مقبره مارشال دوساکس را در کلیسای سن توماس در شهر استراسبورغ
بنیاد نهاد. و فالکونه مجسمه عظیم پطر کبیر را سواره در شهر سن پطرزبورگ ساخت. همچنین چند
مجسمه دیگر از او در موزه‌ها باقیمانده است که نمونه ارزش استادی او بشمار است و گوئی موجودات
زنده هستند.

اما هنرمندی که باید نام او را در صف نابغه‌های بزرگ قرار داد هودون است (۱۷۴۱ - ۱۸۲۸)
در زمان ورسای و شاگرد پیگال بود. علاوه بر مجسمه‌های نیم تنه که به حد کمال از مشاهیر زمان خود
ساخته دو مجسمه دیگر ساخته است که از تمام آثار او معروف‌تر و در عالم خود بی‌نظیر و به
رتبه اعلی رسیده. مجسمه ولتر از مرمر ساخته و مجسمه کاترین دوم عریان و در موزه لوور
نمونه آن از مفرغ موجود است. دیگر مجسمه ولتر که در حال استهزاء است
و در تئاتر کمدی فرانسز دیده میشود از مجسمه جذاب‌ترین مجسمه‌ها است که تاکنون از مرمر ساخته شده است

صنعت در اروپا | مجاوران نقاشان و بطور کلی تمام صنعتگران و هنرمندان فرانسوی قرن هیجدهم از خط
در فرانسه معروف بوده‌اند که حیث هنرمندی آنها در تمام اروپا منتشر بود. چون شاهان اروپا خواهان
فرانسه هم [illegible] کتاب و مشتری [illegible] آنها بودند. کاملترین مجموعه‌ها را دارند
و لاکلره [illegible] و استادان خود [illegible] بعضی از استادان فرانسوی را
دعوت می‌کردند. در واقع نفوذ صنایع فرانسه سرتاسر اروپا را گرفت و تاریخ آن روز دیگر
از لحاظ تمدن و پیشرفت بزرگی در آن دوره هم در فرانسه سبک معروف به لوئی پانزدهم در
کمال رسید. اشعه ذوق و هنر فرانسوی در اطراف و اکناف اروپا انتشار یافت و آنچه
در فرانسه در قرن هیجدهم [illegible] شد چنانکه یکی از مجاوران فرانسوی در آن کار مشغول بود
در تاریخ هنر فرانسه [illegible] پاریس امروز همان مقام را [illegible] در زمان رنسانس
صنایع ~~[illegible]~~ [illegible] اکنون فرانسه تمام عالم صنعتگر را [illegible] می‌دهد »
فقط انگلستان دارای صنعتگران و نقاشان چیره‌دست بود مثل رینولد
(۱۷۲۳ - ۱۷۹۲) و گینزبورو (۱۷۲۷ - ۱۷۸۸) و بیش از اینها هوگارث بود
می‌توان به هوگارث (۱۶۹۷ - ۱۷۶۴) که صاحب هنر شگفت‌آور و دارای نظریه
ثاقب و نقاد بود اگرچه [illegible] فرانسوی لکن از جنبه تاریخی و تحلیلی آثار
او رسوم ~~[illegible]~~ انگلیسی‌ها در آن زمان [illegible] بسیار خوب [illegible] شده بوده است

و عودی متداول و غیره بود.

فن موسیقی

در تاریخ موسیقی قرن هیجدهم را از دوره تجدید علم محسوب میشود. چنانکه در ادب - نقاشی و معماری

فرانسه اولین مقام را حائز شد در موسیقی آلمان صاحب مقام ارجمند است. زیرا که در این عهد چهار نفر از اکابر

معروف موسیقی در آلمان ظهور کرده‌اند. هندل - باخ - گلوک - هیدن - موزار -

هندل (۱۶۸۴ - ۱۷۵۹) و باخ (۱۶۸۵ - ۱۷۵۰) در موسیقی مذهبی متخصص

بودند هندل غالباً در لندن اقامت داشت و وقت خود را به ساختن اپرا صرف کرد و باخ در آلمان در شهر لیپزیگ

آلمان زندگانی میکرد.

گلوک (۱۷۱۴ - ۱۷۸۷) از اهالی بوهم اپراهائی ترتیب داده است که تقریباً

تمام آنها از قطعات معروفه جاودانی شاهکارها است. گلوک در سنه ۱۷۷۲ بنا به دعوت ملکه ماری

آنتوانت به پاریس آمد و در آنجا قطعه از آثار معروف خود را نمایش داد. اما بعضی از ستایندگانش

را برخی دیگر دسته دوم به پیکسینی Piccini را بر او ترجیح دادند کم کم نزاع بالا

گرفت و هر دسته در پاریس تشکیل گروهی از اهل شهر داد و در پاریس طرفداران گلوک شدند

دیگری هواخواه پیکسینی گشتند. اتفاقاً در همین ایام هم نظیر این جدال

تجدید شد که دسته طرفداران موسیقی واگنر و گروهی هوادار موسیقی سبک ایتالیائی شدند

هیدن (۱۷۳۲ - ۱۸۰۹) از اهالی موجد سبک (سن فونی) است

و با ترکیب چند آلت مختلف موسیقی که جالب است در مجالس. شهرتی را توجه جلب کند

موزار (۱۷۵۶ – ۱۷۹۱) در شهر سالزبورگ تولد یافت نابغه موسیقی

محسوب میشود در تنوع آثار و کمال هنر بی‌نظیر است. در آغاز کودکی شاهکارهای مسلم بظهور رسانید

که او را از عجایب روزگار و نوابغ زمانه معرفی میکند. در هشت سالگی قطعات تالیف او در میان عامه انتشار یافت.

چون در سن سی و پنج سالگی جهان را وداع گفت عده کثیری از قطعات موسیقی مذهبی و غیر مذهبی علاوه بر

ده قطعه تئاتر بیادگار گذاشت از جمله عروسی فیگارو دون ژوان و نی سحرآمیز که معروفترین

آثار او بشمار می‌آیند...

علوم

حرکت قویه علمی در قرن هیجدهم شروع شد بهمان کیفیت در قرن نوزدهم نیز دوام داشت

طبقه علوم مقرون گشت و علماء این دوره در یک رشته تخصص نداشتند و هنوز تقسیمات و تخصیصات امروزه

در مواضیع علوم وارد نگردیده بود. جمیع علوم را شعب و فروع یک علم کلی میدانستند و آنرا

حکمت میگفتند اغلب اشخاص این دوره معروف بفلسفه و حکمت بودند از جمله علماء بعضی

محض محسوب میگشتند. مثلاً دالامبر ریاضی‌دان و مهندس و طبیعی بود. و دکتر

که وسیله ~~[illegible]~~ نشر اقوال و عقاید نیوتن انگلیسی در میان فرانسویان گردید در علم

فیزیک کار میکرد و ~~[illegible]~~ لابراتواری (معمل) داشت و در آنجا شخصاً تجربه

و ادوات ساز فیزیک ~~[illegible]~~ مشغول بود. مطالب علمی و تجربیات فیزیکی در این

زنان مردم و تعداد اول بود و غالب اشخاص به مطالعه دقایق [illegible] از جمله [illegible]
می‌پرداختند دقایق ادبیات نیز [illegible] هستند. [illegible] از آزمایش‌ها اشتغال
می‌ورزید و [illegible] باتفاق مارکیز دو شاتله مدتی در باب طبیعت آتش تجربیات کرد. در این
دوره هم [illegible] قرن [illegible] علاوه بر [illegible] شخصی و [illegible] اشتغال [illegible] کارهای علمی
مشغول هستند [illegible] در توجه عامه [illegible] محبوب [illegible] خود از ارکان [illegible]
تربیت [illegible] بود. [illegible] علماء [illegible] را [illegible] وسیله‌ای برای نشر معلومات خود جز رسایل
و کتب نداشتند

[illegible] هم روز بروز بیشتر ترقی [illegible] می‌شدند. در دوره فرهنگ هم آکادمی [illegible]
[illegible] حق فرهنگ اول به اصلاح [illegible] و [illegible] آن را تغییر داد
[illegible] از [illegible] تا سیاست [illegible] فرهنگ تاریخ داشت. فرهنگ [illegible] از
[illegible] را وظیفه داده و [illegible] آکادمی [illegible] یکی از [illegible]
نام [illegible] دولت [illegible] آکادمی [illegible]. دولت انگلیس در سال
سیاحت سیاح معروف جیمس کوک را فراهم آورد (۱۷۲۸ - ۱۷۷۹)

دوره سوم (از سال ۱۷۵۶ تا سنه ۱۷۷۱) دریای نواحی قطب جنوب را سیاحت
نمود و اوقیانوسیه کبیر را در [illegible] و جزایر زلاند جدید و قسمتی از نواحی استرالیا را
کشف کرد. دولت فرانسه در [illegible] مبلغی برای انجام تحقیقات آکادمی
تخصیص داد و هیئت‌هایی را که از طرف آکادمی علوم به اطراف گماشته شده بود
[illegible]. از جمله هیئتی به قصد شناختن شکل حقیقی کره زمین در ۱۷۳۵

مأمور شده و اکتشافات آنها کمک وجود حرکت علمی را در باب شکل کره خاک خاتمه بخشید

زیرا که ~~نیوتن~~ بنا باعتقاد نیوتن که زمین ~~[illegible]~~ در قطبین مسطح و در استوا برآمده است

آن کاسینی برحسب تحقیقات سابق در فرانسه شده بود قول نیوتن را ~~[illegible]~~ مردود دانست

(۱۷۲۰) . در سال ۱۷۳۵ هیئتی از اعضای آن که کوندامین بود (۱۷۰۱ - ۱۷۷۴)

مأمور شده ~~[illegible]~~ به پرو در امریکای جنوبی رفتند و در نواحی خط استوا یک قوس نصف النهار را اندازه بگیرد

کار این هیئت ده سال طول کشید. در سال ۱۷۳۶ هیئت دیگر مأمور شده در لاپونی مشغول

اندازه گیری یک قوس نصف النهار شود. یکی از اعضای این هیئت موپرتویی سابق الذکر ~~[illegible]~~

و دیگر کلرو Clairaut (۱۷۱۳ – ۱۷۶۵) بود که از ریاضیون مشهور تاریخ

و در نزد ش به کمال در سن جوانی جایزه تحقیقات علمی [illegible] و در ۱۸ سالگی بعضویت

اکادمی علوم نایل آمد. بهر صورت کار این هیئت عمل یکسال بجه.

غیر از کلرو سه نفر از ریاضیون ~~[illegible]~~ نزد نیز نیوتن را در قوانین

در ذکر و وظیفت بصورت ریاضیه و نتایج قوانین نیوتن قرار دادند. یکی لاگرانژ (~~[illegible]~~

۱۷۳۶ – ۱۸۱۳) ~~[illegible]~~ که بعد از موپرتویی ریاست اکادمی برلن یافت. دیگر مونژ

~~(۱۷۴۶ – ۱۸۲۷)~~ (۱۷۴۶ – ۱۸۱۸) و سوم لاپلاس (۱۷۴۹-۱۸۲۷)

آن باید گفت در کارهای مهم این علما [illegible] ذکر شد بیشتر در زمان انقلاب کبیر فرانسه

رسیده و در حقیقت جزو قرن نوزدهم است [illegible].

فیزیک

دو علم ترقی فوق العاده کرد فیزیک و شیمی . مطالعات در باب طبیعت
حرارت شد منجر باختراع آلت میزان الحراره گردید . در اثر اکتشافات سابقه
مدرجات بهتر بود . در اروپا سه قسم میزان الحراره ساخته شد فارنهیت
در انگلستان (۱۷۲۴) و رئومور در فرانسه (۱۷۳۰) و سلسیوس در سوئد (۱۷۴۲) سه آلت
میزان الحراره اختراع نمودند که مختصر اختلافی در تقسیمات است سانتیگراد را یعنی
که ۰ درجه جیوه در وقت ... دیگر شد اول است . در همین اوقات برادران مونگولفیه
در ایران ... کارخانه ... از اهالی آنونی بودند در صدد تجربه نحوه صعود اجزاء
برآمدند و اولین بالون را اختراع کردند ولی بالون عبارت بود از کیسه که کاغذی
در درون آن بوسیله سوختن پشم و کاه مرطوب تدریجا ترکیب هوای گرم شده و هوا صعود می نمود
تاریخ صعود اولین بالون در شهر آنونی روز پنجم ژوئن ۱۷۸۳ است . پنج هفته بعد از این تاریخ پیلاتر
دو روزیه (۱۷۵۶ - ۱۷۸۵) ... با بالون بطیران گردید (۲۱ نوامبر ۱۷۸۳)
و همین شخص اول بود که ... است که از بالون در نتیجه طیران کشته شد .

بخار

در قرن هیجدهم اول کسی که بفکر استفاده از قوه بخار افتاد
دنی پاپن فرانسوی بود که در زمان لوئی چهاردهم (۱۷۰۷) اولین ماشین را ساخت در قرن
هیجدهم ... از اهالی اسکاتلند (انگلستان) ... وات مطالعات بسیار در
طبیعت بخار نمود و کیفیت ... تکاثف بخار را بواسطه برودت و کیفیت
... آن را کشف نمود و در ظرف دو سال اجزاء و مشخصه ماشین بخار را اختراع

کرد. آنرا یکی از عوامل تولید ثروت و پیشرفت اقتصادی قرار داد در ابتداء
ماشین آتش بخار که بسعی ... و ... جز معادن یا ... تا بعد
بکار برده شد. ... یکی کوشید دیگر ... در ژوفروا
نیز اختراع را تکمیل نمود ... در سنه ۱۷۶۹ ... قوه بخار را برای تحریک
ارابه در خارج استعمال نمود و همین در سال ۱۷۷۶ با بخار کشتی حرکت داد
لکن ارابه اختراعی کوشید ... اتومبیل ... سرعتش از
پیاده ... کمتر بود یعنی ساعتی چهار کیلومتر طی طریق میکرد. کشتی بخار
ژوفروا در رود دوب و ساؤن ... حرکت نمود (۱۷۸۳) لکن فقر مجبورش
ساخت که از اختراع خود دست بکشد بعضی از ... هم با انتقاد او پرداختند و
انقلاب فرانسه هم او را از اشتغالات خود بازداشت. تعقیب ... باید
دولت ... اختراع ... کشف جدیدی در فن علوم و ...
... توسعه و استفاده ... از اصول و قواعد ...
کرده. بعینه ... هرشل (۱۷۳۸-۱۸۲۲) اولین تلسکوپ بزرگ را
اختراع کرد. اگرچه ... لکن چون اجرام ... بزرگ ...
سحابی را ... ملاحظه کرده و ... هزاران کوکب
جدید در آسمان بیابند.

۳۲۰ **برق**

اکتشافات - در تاریخ علم در قرن نوزدهم در باب قوه برق بطور پیشرفت . علماء
بواسطه تجربیات علمی موفق بکشف حقیقت این امر شدند و عبارت از وحدت
نسبت الکتریک و برق آسمانی است . در اواخر قرن هیجدهم اوتو فون گریک
مخترع ماشین تخلیه هوا ماشین دیگری را نیز اختراع کرد که بواسطه آن تولید قوه الکتریک میکرد
و آن ماشینی که از گوگرد بود در تیغه‌ای از ابریشم دسته بسرعت حرکت میکرد و ذرات (لاووازیه)
اجسام خفیفه را جذب میکرد لیکن جذب و انجذاب را قدما نیز درک کرده بودند . تدریجاً
علماء کره گوگردی را مبدل بکره بلور نمودند و قطعات چرم یا پوست را برای اصطکاک
بکار بردند و در وقت تغییرات شراره‌ای طولانی‌تر احداث نمودند . از طرفی
علماء کشف کردند که بعضی از اجسام مثل فلزات الکتریک را هادی هستند
و اجسام دیگر مثل شیشه و چینی هدایت نمیکنند و اجسام عایقه محسوب میشوند
در سال ۱۷۴۰ یکی از علماء بلند در شهر لیدن آلتی برای جمع و حفظ قوه الکتریک اختراع
کرد که دارنده بطری لیدن گرفته لیکن آلت تولید شراره‌ای الکتریکی میکرد و قوت آن
برای کشتن حیوانات صغیره کفایت میکرد . در امریکا فرانکلن متوجه شد که
شراره الکتریکی با برق ابر شباهتی دارند پس تجربه پرداخت
در روزی که هوا منقلب بود بادبادکی بهوا فرستاده که بر آن
میله‌ای از فلز نصب بود ناگاه دید شراره‌ها چند از میله بادبادک نمودار شد
(۱۷۵۲) فرانکلن پس از این تجربه آلت برق‌گیر را ساخت (۱۷۶۰)
در اوایل از جنس آلات الکتریکی در حیات بکار رفته است
التغییراتی

شیمی ~~[illegible]~~ بنیان‌گذار علم شیمی جدید لاوازیه فرانسوی (۱۷۴۳ - ۱۷۹۴) که
از ~~[illegible]~~ در زمان او و قبل از او علمای شیمی بسیار بظهور
آمده و خدمتی انجام داده و آسیه را بسنجند کشف کرده از جمله پریستلی Priestley انگلیسی
(۱۷۳۳ - ۱۸۰۴) اکسیژن را کشف نمود و شیل سوئدی (۱۷۴۲ - ۱۷۸۶)
کلور را اختراع کرده و در سالهای آخر ایام سفیدکردن [illegible] موجبات بکار رفت. اما هیچیک
از علما طریقه عمومی کشف نکرده بوده که تشخیصات علمی بر طبق آن انجام گیرد. لاوازیه
افتخار کشف قواعد کلی این طریقه علمی را یافت. مبنای تحقیقات لاوازیه قضیه
زیر است که «اگرچه ماده را میتوان صورةً تغییر داد لکن هیچوقت ~~[illegible]~~
وزناً قابل تغییر نیست» بر ترازوی دقیق را اسباب عمده تفحصات و تفتیشات
علمی قرار داده. لاوازیه در سن ۲۷ سالگی شروع بتحقیقات [illegible] راجع بترکیب
[illegible] هوا و احتراقات و ترکیب آب نمود [illegible] متوالی دربارهٔ
تنفس حیوانی تحقیق و تجربه کرد عاقبت میزان ترکیب هوا ~~[illegible]~~ را
دریافت و ماهیت اکسیژن را در عمل احتراقات [illegible] معین نمود (۱۷۷۰ - ۱۷۷۵)
پس بتجزیه و ترکیب آب نایل گردید (۱۷۸۴). دیگر از خدمات لاوازیه این بود
که شرکت کوشید در مورد جدول های جامع را ترتیب داده جمیع کلمات و لغتها
آن تسمیه را پذیرفته و بمنزله زبان بین‌المللی علمای شیمی شد. این اقدام از آنجائیکه
وسیله تفهیم و تفاهم گردید و علما را از زحمات بیکار گیر مستغنی ساخت خدمت از
بزرگ و مفیدی بعلم شیمی کرد.

علوم طبیعی

تحقیقات مهمه در علوم طبیعی نیز از قرن هیجدهم شروع گردید. یکی از دانشمندان سوئد
موسوم به لینه Linné (۱۷۰۷ – ۱۷۷۸) که [redacted] او را «مقنن و
مجدد نباتات شناسی [redacted]» لقب داده اند در تعقیب زحمات تورن فور فرانسوی
(۱۶۵۶ – ۱۷۰۸) طبقه‌بندی نباتات را انجام داد و در کتاب خود موسوم به «[illegible] علم
نباتات شناسی» (۱۷۳۷) تسمیه نباتات را معمول ساخت و چون مطبوع واقع شده
در همه جا رواج گرفت و هنوز هم متداول است. یکی از دانشمندان فرانسوی موسوم به برنارد ژوسیه
(۱۶۹۹ – ۱۷۷۷) هم زحمات زیادی در علم نباتات شناسی کشیده و برادرزاده‌اش لوران ژوسیو (۱۷۴۸ – ۱۸۳۶)
در تعقیب کار او طبقه‌بندی جدیدی طرح کرد و چون بیشتر مقرون بمنطق بود دانشمندان آنرا دسته‌بندی
طبیعی نام کرده اند. لینه خود نیز موافقت داشت [redacted] که از لحاظ علمی و نظری ~~طبقه‌بندی~~
ترتیب بر طبقه‌بندی او تفوّق دارد.

معروفترین علمای طبیعی کنت دو بوفن [redacted] (۱۷۰۹ – ۱۷۸۸) بود. یکی از اعضای
پارلمان دیژون و از فرزندان دهقان و عالیقدر بود. بوفن بکمک چند نفر دیگر کتاب
تاریخ طبیعی خود را در ۲۹ جلد تألیف نموده و موالید ثلاثه [redacted] حیوانات
و نباتات و جمادات را دسته‌بندی و توصیف نموده. بوفن در اواخر سال عمر خود که پیش از آن انقلاب
فرانسه شروع شد کتاب دیگری بنام «ادوار طبیعی» در فلسفه تاریخ کره زمین است
نشر نمود. از خدمات او [redacted] تأسیس و تنظیم باغ [redacted] است که امروز
بباغ نباتات شهرت دارد. این موسسه که از آثار بوفون است در زمان انقلاب
ترقی کرد و یکی از مراکز مهم علمی عالم شد. صیت دانش و شهرت فضایل او که به
رسید و در دوره حیات او مجسمه‌اش را ساخته و هنوز هم در مدخل باغ نباتات پاریس دیده میشود.

II

ادبیات   افکار علمی و اقتصادی   استبداد منوّر   اداره نظّار

انتقادات ادبیات فرانسه در قرن ۱۸

نفوذ منطقی فرانسه در قرن هیجدهم هر قدر در اروپا زیاد بود تأثیر ادبیات آن برادب جنبه واقع شد. ولی در قرن هیجدهم بمنزله مغز اروپا محسوب میگردید ونه به فرانسه تقریباً جنبه بین المللی یافت یکی از نشوای ایطالیائی در ۱۷۵۸ گوید: «در خاک فرانسه وسیله ارتباط افراد ملل است زیرا که هرجا بروم فرانسه بخوانند و فرانسه می نویسند» رمان نویسهای قرن هیجدهم تفاوت اساسی با نویسندگان قرن هفدهم دارد ادبیات قرن هفدهم جنبه معرفة الروح داشت ادبا بیش از توجه کامل بصحت و انسجام الفاظ وحسن تراکیب سعی میکردند که کلیات احوال روحی بشر را که در تمام ازمنه و امکنه یکسان است تشریح کرده وصفات ذاتیه نفس و میول و شهوات انسانی را در مولفات خود توصیف وتعریف کنند. امّا در قرن هیجدهم این قسم تشریحات روحی و تعاریف راجع بشهوات و خوشی های نفسانی چندان مورد توجه ادبا نبود بلکه درجه دوم را حائز میگشت فقط بعضی از نثر نویسان مانند لوساژ (۱۶۶۸ - ۱۷۴۷) مولف ژیل بلاس و آبه پروست Prevost (۱۶۹۷ - ۱۷۶۳) مولف مانون لسکو وبعضی از نویسندگان تیاتر این قسم تشریحات روحی را معمول میداشتند من جمله لوساژ

Turcaret

سابق الذکر که در تیاتر تورکاره وصف احوال مستوفیان مالیه نموده و ولتر در تیاتر

زائیر (۱۷۳۲) ~~[illegible]~~ و مروپ Mérope (۱۷۴۳)

ماریو Marivaux (۱۶۸۸ - ۱۷۶۳) در تیاتر آثار مختلف ساخته است

لکن مانند نویسندگان چندان توجهی بتوصیفات روحی و بیان حالات و شهوات انسانی

نداشته. بومارشه در تیاتر عروسی فیگارو (۱۷۸۴) بیشتر توجهی بانتقاد [illegible]

و بیشتر بوصف و توضیح مسائل سیاسی و اجتماعی بود. ادبا و نظریون و بعضی

نویسندگان ادب را از حیث ادب نمیخواستند بلکه آن را وسیله ابراز عقاید

سیاسی میدانستند و آن را با تعلقات او کاملاً و روابط او با ممالک

مورد مطالعه قرار میدادند و بحث خود را بیشتر متوجه تشکیلات و تنظیمات

کشور میساختند. جمیع عقاید سیاسی را که در [illegible] گذشتگان بود و منشأ

وحی منزل مطاع و متبع بشمار نیامد بلکه آنها تجزیه و تحلیل کردند

و بنظر انتقاد بهادی آن عقاید گذشته صحیح را از سقیم و زشت را از زیبا

جدا کردند و بنای اصول منسوخ سیاسی و اصول جدید بنیاد کردند که در [illegible] تشکیلات تازه‌ای از نو

II

[illegible]

دولت [redacted] قدیم

تا آن زمان عموم مردم براین عقیده بودند که سلطنت ودیعه‌ایست الهی و شاه نایب
خدا و ظل الله است بنابراین قدرت پادشاه مطلق و دست سلطان در
جان و مال مردم باز و اراده‌اش [redacted] او بر آزادی و حقوق مردم مختار و مسلط [redacted] است. [redacted]
اصل عدم تساوی حقوق در افراد ملت و طبقات جامعه مقبول عام بود یک طبقه را
دارای امتیازات مخصوصه و طبقه دیگر را الکلم متحمل بار گران مالیات و ظلم و جور میدانستند
~~نجیب‌زاده~~ [redacted] هر کس در طبقه نجبا متولد [redacted] از هر تعرض مصون و هر کس
در زمره رعایا وارد بوده [redacted] بهر ذلت و اجحاف محکوم [redacted] میگردید. همچنین لزوم
وحدت عقیده بود که جمیع افراد مملکت باید در اصول عقاید یکسان باشند
و هر پیرو مطلب دیانتی خاصه در معتقدات مذهبی تابع الناس علی دین ملوکهم باشند
در مملکت جز یک دین نباید رایج شود و ارباب [redacted] صنایع معتقد بودند که دولت باید
در کسب و کار مردم مراقبت کامل نماید و مزدوران و صاحبان کارخانه را مجبور برعایت
نظامات دقیقه میکردند و وارد شدن مال التجاره و اجناس خارجی را موجب فقر
کشور دانسته و با وضع قوانین گمرکی ورود اجناس خارجه را تنگ بلکه غیر ممکن [redacted] میساختند.
مطابق این اصول در فرانسه و در سایر ممالک اروپا حکومت پادشاه بعنوان ودیعه مطلقه الهی
در انظار جلوه میکرد و در نظام اجتماعی امتیازات طبقاتی و عدم تساوی در حقوق و وظایف
[redacted] معمول بود و در مسائل مذهبی تعصب و عدم تسامح و منع مشغولیت دینی رواج داشت

و در موضوع اقتصاد و تجارت نظریات بزرگ در میان نبود.

مبادی اصول جدیده

از افراد فرقه بیغیم مردم نیز اصول ضد آزادی و اظهار مخالفت میکردند
در بطه فقر عمومی ملت فرانسه در اواخر عهد لوئی چهاردهم و نهضت آزادیخواهی ملت انگلیس
در عهد سلطنت اخیر استوارت خاصه در زمان جاک دوم فرانسویان چشم از خواب گران
گشوده و اوضاع اجتماعی بنظر انتقادی نگریستند. چنانکه در تاریخ قرون جدیده گذشت وبان
Vauban جنرال بر اصلاح عدم تساوی مالیات کرد و تمام افراد ملت را موظف بشرکت در
تادیه مالیات شمرده و رسم امتیاز و معافیت را منافی عدالت و حقانیت محسوب نمود.
فنلون حکومت مطلقه را «منافی نیت با حرمت افراد بشر» معرفی کرد. بعلاوه
دانشمندان موافقت داشتند در باب قوانینی وضع شود که با رضایت ملت بطور ثابت حدود
وظایف عمومی را معلوم نموده و هیچ قوه در نقض آن قوانین قدرت نداشته باشد بلکه
جمیع مراکز قدرت مملکت تابع آن قانون و ناظر امور گردند. فنلون با بسیاری دیگر دوران
آرزوهای سیاسی او مقرون به نتیجه نشد و شاگرد او دوک دو بورگونی به تخت
سلطنت فرانسه نرسید. تشکیلات حکومت انتخاب را طرح ریزی کرد. در انگلستان
لاک فیلسوف معروف در کتاب حکومت مدنی ۱۶۹۰ مبادی اقدام منتقده
حکومات را تشریح نموده و لزوم وحدت را اظهار داشت که آزادی و برابری از حقوق
ذاتیه بشر است و دول بمنزله نمایندگان و خدمتگذاران ملت هستند با بانی حقوق خود و تعیین

و همین فیلسوف سلطنت حقیقی ملت را ثابت دانسته و ملت حق میدهد
که هرگاه دولت بر خلاف وظایف خود رفتار کند لاجرم اطاعت ننماید یعنی
بر ضد دولت انقلاب کند.
بنابراین عقاید مهم است و در قرن هیجدهم در مغرب اروپا ... از قرن هیجدهم
رواج یافته بود افکار جدید انقلابی عبارت از قبول عدم حقانیت امتیازات
طبقاتی و سلطنت مطلقه و تفتیش عقاید در تحقیق اصول جدید از قرن هیجدهم اعلام
مانند لزوم برابری مردم در تحمل بار مالیات و لزوم شرکت ملت در امور
دولتی و مخصوصا این اصل مهم که منبع قدرت در مملکت ملت است و این

دانشمندان علمای اقتصاد

چون هیچیک از نوشته‌ها در قرن هیجدهم موجد افکار جدید نبود (در قرن اخیر)
از زمان رنسانس بعد بلکه نظر ... صلح و صفا و عهد و دوام فرانسه و انگلیس
در مدت یکصد سال قرن ... که ... آزادانه متداول بود بیش از پیش
حس انتقاد دانشمندان تحریک شد و افکار لاک سابق الذکر هم بنوبه خود
شد در طبقات عامه رسوخ یافت.
جانشین متفکرین قرن هیجدهم مانند دوبال و فنلون و لاک در قرن هیجدهم
دسته از دانشمندان شدند: یکی فلاسفه و دیگر علمای اقتصاد فلاسفه هم خود را به بحث
در مسائل سیاسی و اخلاقی و مذهبی و اجتماعی مقصور ساخته مهمترین آنها عبارت از
مونتسکیو - ولتر - روسو بیش از همه نافذ گشتند. معروفترین علمای
اقتصاد کسانی Queenay و Gourney معتقد به مبادی ثروت

و شرایط کار و صنعت و تجارت و تقاضاهای آن را مورد دقت قرار دهند.
آنها لغویین یا نویسندگان دایرة المعارف را هم می‌توان در دسته فلاسفه و هم در
صنف علماء اقتصاد محسوب داشت [illegible]
مهمترین این دسته لغویین دالامبر و دیدرو Diderot بودند که پیشرو نهضت
بر ضد اصول قدیمه و علمدار رواج عقاید جدیده شمار می‌آیند.

با به الاشتراک این سه دسته یعنی حکماء و اقتصادیون و لغویین Encyclopédistes
اعتقاد و رواج و یقین جازمی بود در بقدرت و عصمت و نزاهت ذوقی عقل داشتند
بنا بر طریقه فلاسفه مدرسیون قرون وسطی که مسائل را از لحاظ تجرد و اطلاق مورد
بحث قرار میدادند این علماء هم در قرن هیجدهم مطالب را بدون توجه بجنبه عمل و احتیاجات
جزئی و تجارب استقرائی قطع و فصل میکردند و معتقد بودند از حیث تجویز
عقل و صحت منطق نقصی ندارند آن مطلب را حق میدانستند و بحکم
عقل نظری هر مطلبی را تعمیم میدادند. این عبارت تورگو که بعد از وزارت رسید و از
نویسندگان دایرة المعارف بود کاملاً احوال علمای این قرن را توضیح میدهد: «
حقوق افراد یک جامعه را تشکیل میدهند متکی بر سوابق تاریخی نیست بلکه متکی بر طبیعت و
بشریت است.» تمام دانشمندان این عصر رهنمای خود را فقط عقل میدانستند و برای
بودند در جمیع اصول ما یقین را لغو کرده عقل را بر تخت نشانند. مادام
دو لامبر درباره این قرن می‌نویسد: «در حکمت یعنی حقوق حقیقی عقل را انتشار داد
و قدرت از دست رفته عقل را باو بازگردانیدن و طوق عرفیات و سلطه صاحبان

حکم و ریاست را از گردن افکار بردوشتی »» در واقع این عبارت رای تولان
شعار شکافتن قرن هیجدهم دانست.

مونتسکیو — از حیث قدمت زمانی نخستین فیلسوف قرن هیجدهم مونتسکیو است (۱۶۸۵-۱۷۵۵)
که در حوالی بوردو متولد شد و ملقب به بارون دولابرد Brède ملقب گشته و از طبقه نجبا محسوب
و ریاست پارلمان بوردو نایل گردید. اشتهار او در ابتدا بواسطه مجموعه رسائل ایرانی
صورت گرفت (۱۷۲۱) بعنوان مکاتبه دو نفر ایرانی که به پاریس آمده و دوستان خود را ایراد
یکی از مونتسکیو انتقادات عمیقه از اوضاع اجتماعی فرانسویان نموده و از بابت
این دو نفر ایرانی مجهول رسوم و آداب و عقاید و تمدن فرانسه را استهزاء و انتقاد کرده
۱۳ سال بعد از این تاریخ کتاب دیگری در فلسفه تاریخ بنام تحقیق در علل عظمت و انحطاط رومیان منتشر
ساخت (۱۷۳۴) در حقیقت این کتاب مقدمه بود از یک تالیف بهتر و عظیم‌تر و شاهکار
مونتسکیو محسوب میشود و موسوم است بروح القوانین Esprit des lois
برای تدارک این تالیف منیف بیست سال تمام بلا انقطاع رنج کشید قسمتی از اروپا را
سیاحت کرد مدتی در ایطالیا و دو سالی در انگلستان رحل اقامت افکند تا اینکه کتاب را
در سنه ۱۷۴۸ باتمام رسانید روح القوانین کتابی است در فلسفه سیاسی و تجزیه دقیق
و منظم کلیه اشکال حکومت‌ها و شرایط و تعدادت تولید و استقرار هر یک
از این اشکال حکومت‌ها. بنا بر رای مونتسکیو بهترین صورت حکومت طرز حکومت
انگلیس است که حافظ آزادی سیاسی افراد است در شاه این مملکت هیچ
عملی نمیتواند نسبت بهیچ یک از افراد بکند چرا که قدرت او در تحت تفتیش و نظارت
دیگری است » همچنین بموجب رای مونتسکیو بایستی در ممالک منظمه سه قوه متمایز
و مستقل از یکدیگر وجود داشته باشد مقننه اجرائیه و قضائیه ولی تمایز

و استقلال را وثیقه حتمیه آزادی میدانست . درحقیقت افکار منتسکیو درست مقابل
و مخالف طرز حکومت فرانسه بود لذا قوای سه گانه را آن [illegible]
منتسکیو ناشرانی مجزا شده نمایندگان ملت با این سلطنت فرانسه را محدود ساخته
و تحت مراقبت و نظارت قرار دهند :

کتاب روح القوانین اشتهار فوق العاده گرفت در ظرف ۱۸ ماه بیست و دو
دفعه طبع رسید و به تمام السنه اروپائی ترجمه شد . اسمیت فاگه درست گفته است که :

در این تألیف کتاب ساده نیست بلکه قانون و سنتی بزرگ تاریخی محسوب میشود
که در افکار و اعمال اهل عالم بتدریج رسوخ یافته و تا مدتها بعد در
نفوس حلول آثار او حدود آن خواهد ماند ۲۲ . این تألیف
سفر اندازه مؤثر شفقا و یک چهل سال بعد نخستین مجالس دوره انقلاب رتق
و فتق را از آن مأخوذ داشتند و از ۱۷۸۹ تا امروز بر قانونی
در دوره فرانسه وضع میشود مبتنی بر اصل اصلی انفکاک قوای ثلثه است .

ولتر
اغاز کار او

بر خلاف منتسکیو در تالیفاتش بقصد التیام و عمران فرانسه ابو ولتر
(۱۶۹۴-۱۷۷۸) جز تخریب کاری نداشت ~~[illegible]~~ پدرش یکی از
ثابتان امور شرعیه پاریس بود در طفولیت ولتر را آروه Arouet میگفته
در ایام جوانی از سخت گیری اولیاء امور بستوه آمده در عهد در سال
بجرم هجو نایب السلطنه یازده ماه در باستیل محبوس شد بنابر روایات غیرموثقه ولتر را
علت هجوی دارد لوی چهاردهم که بحبس انداخته لکن این روایات اصل ندارد
دگرنه هجو لوی دیگری بوده است . بار دوم ولتر از زندان برآمد نایب السلطنه
هزار و دویست [illegible] مستمری برای او مقرر داشت . هشت سال بعد مجدداً مدت شش ماه
در زندان باستیل توقیف گردید زیرا که روزی یکی از نجباء موسوم به شوالیه دوروهان

[illegible]

دشمن او جواب داد، با دیگر رعیت ده روز اقامه دعوی بر ضد نجبا نوشت تقاضای
جبران یا تصفیه امر بوسیله استعمال اسلحه کرد. (۱۷۲۶) . چون بار دوم از حبس رهائی
یافت بانگلستان رهسپار گردید و دو سال در آنجا اقامت گزید و مانند مونتسکیو آزادی
ملت انگلیس را تمجید کرده و اعجاب تام نمود. و چون بعد از بازگشت مجموعه
نامه‌های فلسفی (یا [redacted] رسائل مربوط بانگلیسها) را نشر کرد (۱۷۳۴) در آن رسائل
تمجید و توصیف بسیار از تشکیلات انگلستان کرده و گوید: «شاه انگلیس برای اعمال نیک [redacted] قدرت
تام دارد و چون قصد شر میکند دست آن خود را بسته می‌بیند» . همچنین ولتر
اصول عقاید لاک انگلیسی را در این مجموعه وارد کرده حکومت مطلقه عصبیت مذهبی و
نفوذ و سیادت فوق العاده روحانیون را انتقاد کرده است. لیکن کتاب را
مخرب و منقض مذهب دانسته ~~[illegible]~~ و بنام حفظ
اخلاق و احترام مذهب و صیانت قدرت پادشاه پارلمان امر داد در آن را
علناً آتش زدند. نزدیک بود باز ولتر دوچار حبس شود لکن فرار را
اختیار کرد.

ولتر در این اوقات عنوان ادبی در طبقات عالیه داشت و در محافل
علمی و ادبی نام حکیم داشت بچشم حقارت می‌نگریستند و از طرفی می‌ستودند
تا چند سال هم در دربار بقدری گذشت که در بار او اسباب سؤال بود در این مدت ولتر
گاهی مورخ دربار بود و گاهی از ندما و گاهی ندیم فردریک کبیر بود (از ۱۷۵۰ تا ۱۷۵۳)
و بعضی اوقات در صدد وصول بمقامات عالیه مملکتی برمی‌آمد ولی در این باب
تیر آرزویش بهدف مراد نرسید و با اینحال باز بنوشتن تیاتر و بحث در علوم
و تواریخ می‌پرداخت و در هیچ موقع شغل فکری خود را از نظر نگذاشته واکه

[illegible]

بنابر قول بروتن تیر «ولتر میدانست هرانی و ورود بالاش عالیه چون دارای عایدات
آزادی نیست بدون ثروت لازم است و ثروتمند شود.» پس دست بمعاملات مختلف زد و
توفیق کامل یافت چنانکه در پایان عمر سالی یکصد و شصت هزار لیره عایدات او شد.
توقف ولتر در پوتسدام (دربار فردریک) اسباب شهرت او شد ندیمی پادشاه پروس
مرجع گردید هزاران نام بلند و آوازه فردریک قسمتی هم بولتر تعلق گیرد بعبارة اخری
ندیمی و رفاقت با پادشاه و اینکه شعر فردریک موجب ازدیاد شهرت او شد
بعلاوه بطبع در همین ایام ولتر کتب معتبره خود را نوشت مردم از قرن لوئی چهاردهم
کتب در ادوات و رسوم و دهان تازه بیشتر در نفوس عوام تاثیر بخشیده است
در آن وقت نفوذ ولتر در سرتاسر اروپا منتشر شد و بر نفوس و عقول مردم تسلط یافت
بطوری که او را «ولتر شاه» لقب داده بعضی دست به بالکیه در قلم و سخن مقام
چه شاهی دارد ولتر در آن وقت متجاوز از شصت سال داشت.
چون میان ولتر و فردریک کدورت شد و لوئی پانزدهم نیز از وی ظنین بود
ناچار در ملک خود که در سرحد سویس و فرانسه واقع است مسکن گزید و بیا حیله
از دستبرد یا هر دو دولت لوئی پانزدهم در قصر توقیف اداره و شغله مشغول شاعر (۱۷۵۵)
در مدت اقامتش در این گوشه انزوا در مدت ده سال با تمام عمرش و داشت هر برد
با رنج ضعف پیری پشت کار و فعالیت فوق العاده ظاهر ساخت در واقع کارش
جنگ دائمی با انحراف و تبذیر حالت و جاه و طلب شاه شکنجه و سیاست عقوبت
و نتایج تعصب دینی و ظلم که قصادها بود. یکی از کتاب پروتستان شهر
تولوز که بیرحمانه متهم بقتل شده بود بامر پارلمان تلکم با عدام شد (۱۷۶۲)
چون این خبر بولتر رسید ابتدا او تکمیل کرده با تمام اخبار چون عاقبت یقین حاصل کرد

۱۳۶

[illegible]

برای دفاع از مقتول و اعاده شرف و حقوق او با پارلمان بنای جدال قلمی گذاشت
و از اهتمام در (۱۷۶۵) پارلمان را منقلب و مجبور به ابطال تصمیم خویش کرد و همچنین
۱۳ سال بعد در موضوع تبرئه و اعاده حقوق و ارجاع شرافت لالی تولندال با دیگر
فرزندان او شرکت جست (۱۷۷۸)

در ایام پیری و اکثر کتب مفصل که نوشته است بیشتر هم جزو دایرة المعارف
بزرگش نامه و مکتوب بوده و آنچه از او باقی مانده و طبع شده است امروز قریب ده هزار
مکتوب است علاوه بر نامه رسایل بسیار هم نشر داده است و در آنها حوادث عصر
و پیش آمدهای زمان میپرداخت. در واقع کار یک نفر جریده نگار را کرده است اما جریده نگاری
که امروز بشدت لهجه و [redacted] تیزی قلم و بیان او چشم روزگار [redacted] ندیده است.
قصه و تئاتر ترتیب داده شاهکار معین و رساله ترتیبی در سیاست یا در حکمت منو
[redacted] همّش مصروف و مقصور بجدال و دفاع بود و [redacted] خود بارها در دفاع [redacted]
و نوشته که من مخرّب زاده ام» در مسائل مذهبی بر ضد دین مسیح بالا میکوشید و کلیسا
و دست باز [redacted] ولیکن در دست چشم خود ادوار را پوشیده [redacted] چنانکه در ردّ دین کارش
متعصب کشید و از هیچ وسیله برای انجام مقصود خود [redacted] روی گردان نبود حتی تهمت
و دروغ و جعل و افترا. از اینها گذشته ولتر ذاتاً لامذهب و بیدین نبود بر خلاف
عموم الظاهر خود را موحد میگفت [redacted] و بخدای یگانه [redacted] اظهار
ایمان میکرد و خود را پیرو (دین طبیعی) میشمرد که در واقع هیچ دینی نیست و
در جمیع ادیان مؤلف و مشترک بود. در باب سیاست اعتقادی باصول
دموکراسی نداشت و دیگر از مردمت (۱۷۵۹) مینویسد که [redacted] ملت
احمق و وحشی مانند چارپایانی سزاوار یوغ و [redacted] سیخک و یغجه است»)
~~[illegible]~~ منتها مردم را بحکومت باراده قدرت ملک و با اختیار تعدیل تشویق و تعلیم میکرد.

روسو

در مقابل ولتر که جز تغییر فرم‌ها و افزایش دیوانه‌های اجتماعی کاری نداشت ژان ژاک روسو (۱۷۱۲ - ۱۷۷۸) پیدا شد که بانی طرز حکومت و اساس تشکیلات جمهوری در جامعه گردید.

مونتسکیو و ولتر هر دو از طبقات ممتازه بودند و در پیشنهاد اصلاحات بتغییراتی چند در اصول سیاسی و محدودیتی در حکومت مطلقه اکتفا کردند اما روسو که پسر ساعت سازی از اهل ژنو بود و از طبقه رعایا محسوب میگردید و ایام جوانی را بفقر و فاقه بسر آورده بود بنا بر رنج‌ها و صدماتی که دیده بود دلزده شده بود برای عقیده‌اش که باید اساس جامعه را اساساً زیر و زبر کرده و طرح نوی درانداخت. روسو در سن ۳۷ سالگی جواب مسابقه‌ای که آکادمی دیژون داد که موجب اشتهار وی گردید در این جواب مبسوط ثابت کرد که ترقی فنون و علوم اسباب فساد اخلاق نوع بشر گردیده است. پس از کتاب (در عدم تساوی بشر) (۱۷۵۵) و در تألیف معتبر خود موسوم به میثاق اجتماعی Contrat Social (۱۷۶۲) عقاید سیاسی خویش را انتشار داد.

در این تألیفات روسو مثل لاک بحریت و مساوات افراد بشر قائل گردیده و ثابت نمود که تشکیلات سیاسی و اجتماعی باید از لحاظ حفظ حقوق افراد دایر گردد و از طرف دیگر افراد نیز باید خود را تابع اراده اکثریت بدانند. در واقع حکومت حقیقی را از آن ملت میدانست.

لذا دیگران روسو را مبلغ اساس جمهوری گرفته‌اند بیش از یکسال بعد در ایام انقلاب کبیر عملی آمد. امروزه اساس جمیع عقاید سوسیالیست‌ها افکار روسو است. آثار دیگر خود روسو تأثیر عمیق و عمیق کرد. افکار روسو در باب تعلیم و تربیت اطفال کتابی بنام امیل است با اسلوب بسیار نوشته که در ۱۷۶۲ سال انتشار میثاق اجتماعی منتشر ساخت اثر عجیبی بخشید. در این کتاب روسو لزوم تقوی و محاسن پرهیزکاری و احترام خانواده را خاطرنشان کرد و نشر انقلاب اخلاق و بازگشت تقوی و صفات حمیده در طبقات زن ...

آزادی روسو

همچنین کتابی در دو جلد است (انتقادات و اعتراف دینی کشیش ~~[illegible]~~ ساووا)
و هشتم کتاب امیل محبوب متفکر جمعی کثیر را ابداً بجانب دیانت بازگردانید و
عکس العمل بر ضد ارتداد و خداپرستی و مادیت دیدرو و هلوسیوس
و سایر ~~[illegible]~~ مؤلفین دایرة المعارف ایجاد و تحریک کرد.

علمای اقتصاد

در فرانسه علمای اقتصاد کسنی و گورنی هم مثل فلاسفه سابق الذکر ~~[illegible]~~ بنقض
و تخریب بنای تشکیلات اجتماعی قیام نمودند با این تفاوت که حکمای مذکور از لحاظ عقل
نظری و کلیات مجرده حکم میکردند و این علماء از نظر تجربه و استقرا و در جزئیات
حوادث و اوضاع مملکت اظهار رای ~~[illegible]~~ میکنند.

کسنی (۱۶۹۴ - ۱۷۷۴) پسر یکی از دهقانان پاریس بود [illegible] را
در یکی از قرای [illegible] تربیت [illegible] آن اشتغال داشت بسر برد. چون در علم
جراحی مهارت کامل داشت در دوره لوئی پانزدهم منصب [illegible] و پس طبیب
مخصوص مادام [illegible] گردید. شاه ~~[illegible]~~ با او («فکر کننده من») خطاب میکرد و غالباً بصحبت
او میل نموده ساعات دراز با وی گفتگو میکرد. دو کتاب عمده کسنی حاوی
اصول عقاید اقتصادی او است ~~[illegible]~~ موسوم به جدول اقتصادی (۱۷۵۸) و قواعد
کلیه حکومت اقتصادی در مملکت فلاحتی ۱۷۶۰. در [illegible] نوشته که در [illegible]
غالب اوراق او بدست لوئی پانزدهم تحریر گردیده است. خلاصه و اصل عقاید
اقتصادی کسنی عبارت بود از اینکه: زمین مخزن ثروت است ~~[illegible]~~
و جز از طریق کشت و زرع اراضی و حفر و استخراج معادن هیچ ثروتی [illegible]
بدست نخواهد آمد. ~~از اینجهت مسلک او را فیزیوکراتی یا (سلطنت ارض)~~
~~نامیده اند~~ از این رو یکی از شاگردانش موسوم به دوپون دونامور مسلک او را
فیزیوکراسی یا (~~حکومت~~ ارضی) نامیده است و پیروانش را فیزیوکرات گفته اند.

(۱۷۱۲ - ۱۷۵۹)
گورنه که یکی از تجار سن مالو بود و تا چهل سالگی بشغل تجارت اشتغال داشت و بانی مسلک

لغت بسیار کرد مدت اروپا را تفرج کرد. موریا Maurepas وزیر بحریه وی را ناظر تجارت ساخت
(۱۷۴۹ م) گورنه با کسنی آشنا شد و تابع عقیده او گردید با این تفاوت که علاوه بر منبع
ارضی هر کسی صنعت را نیز منبع عایدات میدانست و صنعت را هم جزو منابع ثروت ~~[illegible]~~ قرار داد

گورنه کتابی تألیف ننموده لکن یکی از شاگردانش موسوم به تورگو Turgot افکار وی را انتشار داد.

کسنی و گورنه و شاگردان و پیروان ایشان معتقد بودند و لغت فیزیوکرات ~~[illegible]~~

پادشاه مثل تورگو و غیره برای عقیده شفق گشته که ~~[illegible]~~ نحو گمرکات و صعوبت

اجرای نظامنامه‌ها ... جزئی و تجارت و ~~[illegible]~~ اصناف کار را تعدیل شده موجب تحدید آزادی

و تخریب ~~[illegible]~~ صناعت است. علماء اقتصاد عموماً تحقیقات خود را به

نتیجه ~~[illegible]~~ منتهی میکردند که باید آزادی تجارت و صنعت و فلاحت داده شود و از روی افکار خود از این

خصوص بود عبارت ذیل خلاصه [illegible] نظر گورنه را میگفت: «در حکومت وزراء زیاد

باید زیاد باطل کرد و تکلیف حکومت فقط این است که طاقت زیاد وضع ننماید.» گورنه میگفت:

«~~بگذارید [illegible] مردم آزادانه کار بجویند و مشغول باشند~~ بگذارید آزاد باشند و بگذارید»

و قصدش آزادی صنعت و سهولت عبور از گمرکات و مرور است.

لغویون
عقاید فلاسفه سابق الذکر و ~~[illegible]~~ علما و لغویون (Encyclopédistes)
بوسعت کتب و رسالات نشر گرفت و توسعه این اعتقادات به نسبت تکثیر

پارلمان هم در صدد منع و توقیف آنها بود تفاوت نکرد هر قدر بیشتر پارلمان
سختگیری میکرد مردم و مخالفین ادبا و علما بیشتر توجه میکردند و منع و ناشران آن میشدند
دائرة المعارف هم در چاپ دوم افکار علما و مولفین خود را در جامعه رواج بخشید

مولف حقیقی دائرة المعارف دیدرو بود Diderot (۱۷۱۳ - ۱۷۸۴)

بود که ابتداء بکار نیز تألیف عظیم اقدام و با وجود مشکلات مالی و ضرب سالیان دراز با حوادث و مقاومت
موانع دیگر خود را تعقیب کرد و هم خود مقاومت مستعده نوشت و در آن دو ایج هم سایرین را
وادار بشرکت و مساعدت کرد. دیدرو از اهالی لانگر بود و پدرش در آنجا شغل چاقوسازی داشت
شرح تمام آثار جنوب دارای ظرافت بیان و قدرت اختراع دانشمند و سهولت افکار مطالب
شگفت و رقابت با سایر فلسفه بود او نیز مثل ولتر در دفع و رفض عقاید قدیم
جانب دار متعصب داشت این تفاوت دارد صراحت لهجه نشان میداد و ولتر جای
از تیرهٔ گذشته خانه در لفافه تملق و مکابله عداوت خود را پوشیده میداشت
دیدرو در سنه ۱۷۴۹ مکتوبی بعنوان نوشت : «این مکتوب است در باب کورها
برای استفاده اشخاص که چشم دارند» در این رساله به بیدینی و مادیت اعتراف کرده
و بهمین ملاحظه چندی در قلعه ونسن محبوس شد.

دائرة المعارف بنا بر [illegible] ملاحظه در شرف انتشار آن را ایراد

عبارت بود از «فهرست مجهودات و مساعی فکر بشر
که در قرون ماضیه برای کشف اسرار طبیعت کرده است» بعلاوه اجزای فرهنگ
جامع و مفصل بود که جمیع معلومات آن عصر در
در خصوص جزئیات و کلیات مطالب و موضوعات خود و نازک کاری از
طرز ساختن سرخاب و غازه تا ترتیب لشکرکشی و تنظیم طبقات
اجتماع را ذکر میکرد سایر تاریخ و خواص علوم و اصول رسوم ادیان
و صحیح و سقیم رسوم و آداب وغیره را تشریح و تعریف میکرد. معاون دیدرو
دالامبر d'Alembert نام داشت و مؤلف فرهنگ مقدمهٔ و قوانین
اصول راجع به ریاضیات و فیزیک کار است. لکن باید فهرست و علاوه
نزدیک و نزدیکان معاصرین با آنها کمک میکردند و در هر جا شخص را که یافته در هر کار از
سبب تخصص داشت در راه خدمت خود دعوت می‌نمود مونتسکیو و ترگو و روسو
و بوفون و کیسنی و تورگو و نکر و مارمونتل Marmontel
و هلوتیوس Helvetius و هولباخ وغیره مقالات متعدده بدائرة المعارف دادند
بالطبع اجزاء این تألیف بزرگ با یکدیگر اختلاف بسیار داشتند دالامبر
در نامه که بولتر نوشته دائرة المعارف را از حیث تباین اجزاء و سستی

مدرن تجارت بجامه بازرگان (یا خرقه درویش ها) تشبیه کرده است که چند قطعه از پارچه
گرانبها در آن دوخته اند و مابقی قطعات بی قیمت را چیزی نه [illegible] لیکن کتاب
بعدها منتشر شد [illegible] تاریخ شروع سال ۱۷۵۱ بود و هشت و یک سال
به درستی (۱۷۷۲) انتشار رفت علت از طول زمان این بود [illegible]
[illegible] گردید یا میلکان) نشر در جلد اول بجرم اینکه در مردم را بتعصبات [illegible]
و خرافات [illegible] [illegible] دفعه دیگر [illegible] حادثه آئین Amieno
در آن وقت دیدرو مدت هشت سال از طبع کتاب ممنوع شد. دیدرو این تألیف را
[illegible] تا طرح داشت [illegible] آن [illegible] [illegible]
داخل ترقی [illegible] داشته باشد قطع و معدوم شود و همه چیز در [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] قوای بشری و [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] داشته . دیگر
قدرت سلطنت پادشاه و آزادی [illegible] [illegible] [illegible] را از نشر
افکار و طبع کتاب [illegible] جلوگیرفت دیگر [illegible] دیدرو [illegible] [illegible] آزادی
صنعت و تجارت [illegible] [illegible] در [illegible] دائرة المعارف [illegible] و در
جامعه نشر کردند.

استبداد منور

معتقد بودند مولفین دائرة المعارف و علمای اجتماع با انگلیسیها دشمن بزرگ و خصم صریح حکومت استبدادی بودند بجهت بودن پادشاه. در ممالک مختلفه فرو نشستند و علمدار مرام دموکراسی بشمار می آمدند غالب آنها پیروان مذهب ... دکتر بهرامی مفید به ملت • بواسطه جنبش قادر به اداره کردن خود نیست و بهتر آن است همیشه در زیر حجر باقی باشد. زیرا که بنا بر قول ولتر « در ممالک وجود جهال واجب و لازم است ». مونتسکیو طرز حکومت انتخابی انگلستان را بهترین اقسام حکومت ها می شناخت و دیگری هم به این نوع حکومت تمایل داشت لکن روسو ابداً آن حکومت را نمی پسندید ملت انگلیس را در قبول این شیوه گول و احمق می شمرد. و حکومت انتخابی را یکی از شقوق و فروع ملوک الطوایف دانسته و مبتنی بر ظلم و بیخردی محسوب میکرد. آرا جمهوری و فرمانروائی ملت را برای ممالک صغیره مناسب می دانست و در ممالک بزرگ جدید حکومتی خود اداره کنند. در حقیقت شعار علما و مولفین را می توان این عبارت قرار داد: « همه چیز برای ملت و هیچ چیز توسط ملت » یعنی وظیفه پادشاه آن است که صلاح و خیر ملت و ترقیات را برای ملت حفظ نماید لکن بنا بر حفظ ملت را وسیله کسب این خیرات بکند و آن را در امر دخالت ندهد زیرا که جهل او موجب خرابی است مرام آنان سلطنت پادشاه عادل بود شاید به تعریف مارکی دارژانسون « قدرت مطلقه سلطنت را با نیروی عقل و فرط خرد قرین سازد » بعبارة اخری

۳۴۴

* پیر طاب [illegible] فرانسوای سوزالکس» بعد زودکر خاندو کول دوپون دونمور

Dupont de Nemours «منتقد عدکادون درباره آوردن یک گفتن دو ساله از یک ملت است»

و در حصول [illegible] ترقی و ترقی بوسیله قدرت سلطنتی روزگار میرسد تا باعطای ترقی عقیده مردم.»

فیلسوف [illegible] فرانسه طاب بود که پس از دوران سلطنتی نام و ناتوان شدن خاندان فرانسه

بعد از انگلیس‌ها و دانانی نیز نیکوی داشتند لکن باید در رفت سلطنتی زور در اصلاح امور و ترقی

ملت خود سعی نماید ملکه در زمان خود پادشاهان دیگر مثل پرتغال و اسپانیا و ایالت

ایطالیای شمالی و اتریش و پروس هم عادتمند و خوشمندانه با اصلاح امور خود پرداخته و مشتاق حکم

و دوره اصلاح را گذاشت. در پرتغال ژوزف اول (۱۷۷۷ - ۱۷۵۰) خود چندان لیاقتی نداشت لکن وزیر

نقره و خشک او موسوم به کارواله (کار) مشهور به پمبال (Pombal) کارهای بزرگ کرد.

در ناپل و در اسپانیا دون کارلوس Don Carlos فرزند فیلیپ اول که

ابتدا پادشاه ناپل بود و از ۱۷۵۹ تا ۱۷۸۸ شارل چهارم لقب داشت و پسر

بزرگ او در ناحیه سلطنت جزو شارل سوم خوانده (۱۷۵۹ - ۱۷۸۸)

وزیرش دو عبارت بودند از آراندا و فلوریدا بلانکا. در توسکان ارشیدوک

لئوپولد (۱۷۶۵ - ۱۷۹۰) برادر ژوزف دوم سلطنت راند و بیرون از جزئی جانشین آلمان

حق و سیر اصلاحات پیش گرفت.

[illegible]

ما به الاشتراک این سلاطین مستبد و مصلح در تمام ممالک اروپا چند چیز بود یکی افزودن
قدرت پادشاه. دیگر تکثیر ثروت و عوائد مملکت و دیگر کاستن قدرت و نفوذ روحانیون. در اسپانیا
حالت ترقیات اقتصادی بسیار هم توفیق یافت. تجارت غلات را آزاد کرد ~~[illegible]~~ تجارت گندم را
تجارت تشویق داد و بانک ملی تأسیس نمود. بانک سن شارل ۳ تأسیس شد و کارخانه‌های
مهم ابریشم و پارچه و شیشه ساخت و جداول و قنوات کند. و جاده‌ها کرد و جریب آن نیز
فراهم شد. مخارج عادات عمومی سربار شد و سکه مملکت از هفت یازده میلیون بالا رفت
اقداماتی که در برضد روحانیون در سایر کشورهای معمول شد اینجا هم به عقیده کشیشان
محدود گردید و اسکولاستیک روحانیون در دست این پادشاهان کسب گرفته شد و حتی تأثیر در آثار صنعتی
بعد حکم این‌ها به دوره شد و در اسپانیا پادشاه. متولی موقوفات کلیسا
گردید. یکی از مهمترین و معروفترین کارهایی که در برضد طریقه ژزوئیت قلع و قمع طایفه ژزوئیت بود.

الغای فرقه ژزوئیت

پمبال ~~[illegible]~~ پرتقال در دوره استبداد و اصلاح امور نظیر پطرکبیر در روسیه بود و اصلاحات را
بطرز بسیار تندی پیش می‌برد. این وزیر شروع بقلع و قمع ژزوئیت‌ها کرد. هر کسی
با اطاعت او تن نمی‌داد به خاک راه یکسان گشت. از قضا این وزیر بر علیه وی توطئه
در سوقصد در حق وی شد. ~~[illegible]~~ تیر زده شده بود و توفیق یافت ولی او را بهانه قرارداده
در سنه (۱۷۵۵) اشراف پرتقال را متهم ساخت و طایفه ژزوئیت را سرکوب کرد.
بعلاوه افترا و تهمت این فرقه را هم دخیل در این توطئه شمرده و همه را دستگیر
نمود و همه را نفی بلد نمود (۱۷۵۹) و دارایی آنها را بنام شاه ضبط کرد.

یکی از نزدیکان ژزوئیت موسوم به پر مالاگریدا Père Malagrida
در سن ۷۲ سالگی بعد توقیف شد و بکم وزیر اعظم محکمه تفتیش در قضایای آن
دست زن نمود و منتخب ~~...~~ فرستاده شد محکمه او را محکوم نمود و وزیر او
داد در زنده زنده او را بسوزانند (۱۷۶۱)

در اواخر این کتاب دیدیم که قلع و قمع ژزوئیتها در پرتقال و فرانسه چه اتفاقی افتاد
کرد و چگونه فرقه ژزوئیت ملغی شد. دشمنان فرقه ژزوئیت دولت اسپانیا را هم وادار ساختند
که مانند پرتقال و فرانسه با ژزوئیت‌ها معامله کند. در سال ۱۷۶۶ در شهر مادرید شورش
برخاست مردم با مقررات نظمیه که پوشیدن کلاه و ... را ممنوع
میداشت مخالفت ورزیدند و طغیان نمودند. دولت ژزوئیت‌ها را محرکین انقلاب شمرد
و آراندا صدر اعظم اسپانیا آنها را توقیف و تبعید نمود. شاهزادگان
بوربون که حکمران ناپل و پارم بودند بتقلید اسپانیا و فرانسه (شارل سوم و فرد
یناند) آنها هم و در دفع ژزوئیت‌ها سعی بلیغ کردند (۱۷۶۸)
پاپ کلمان سیزدهم Clement اعتراض کرد لکن دولت فرانسه و اسپانیا
تو قطع روابط او را وادار به ... از ولایت آوینیون Avignon و بنونت
Bénévent باشد متصرف شدند ولی اما پاپ هم زنده بماند را وداع گفت (۱۷۶۹)

سلاطین و شاهزادگان خانواده بوربون مجمع بزرگ را که اکثر از ~~کاردینال‌ها~~ (

برای انتخاب پاپ از کاردینال‌ها تشکیل شد مجبور ساختند که منفور از کشیشان

فرانسیسکن Franciscain را ~~[illegible]~~ موسوم به لوران گانگانلی

Laurent Ganganelli را که معروف به مخالفت با فرقه ژزوئیت بود

به پاپی انتخاب کرده کلمان چهاردهم نام بدهند. آن پاپ جدید در عین حال

ابراز خصومت با ژزوئیت‌ها اگرچه چندی که در پاپی مجبور گیر از روی شوق

در صدد انفصال از اطاعت پاپ برآمدند ناچار کلمان چهاردهم رسماً فرقه

~~ژزوئیت~~ را ملغی ساخت (۲۱ ژوئن ۱۷۷۳) ژزوئیت‌ها از این به بعد رانده

شدند فقط در روسیه و فردریک پادشاه پروس کمال ... و در روسیه

کاترین که آن مخالف پاپ گرده بیشه ... پناه جستند. در روسیه

۲۷ سال بعد از زمان در قرن یعنی در آغاز قرن نوزدهم فرقه ژزوئیت دوباره رسمیت

پیدا کرد (۱۸۰۱)

موضوع سلطه و اقتدار اسناد و ... وارد حیران از طبقات حکومت

اسناد ~~[illegible]~~

~~[illegible]~~ ساقی نیز محسوب داشت ... اسناد در هر کشور حوزه‌ها

در گشته در حوزه ایالتی بزرگ ... آن ... در آن دایره بهره جمع و تفتیش مجاز بود

بلکه ~~[illegible]~~ عقاید خود را هم در دائرة المعارف انتشار میدادند. در تاریخ اروپا بویژه

تشخیص کشوری که هر قدرت و اختیار از استاد درجه ۲ را [illegible] چه بوده در

حق فراهم آورده شد و بدون حقوق افراد ~~[illegible]~~ هم داشته‌اند [illegible]

حاکم قضائی تا سیر کرده و گاهی در موقع اجتماع حقوق [illegible] صادر میکردند. در توزیع مالیات

مستقیم و تهیه پلیس و ادارات ~~[illegible]~~ بلدیه و قراء و کارخانه‌ها

و جریان تجارت و جمیع امور عمومی شهر ~~[illegible]~~ [illegible] یا بنای عمارت و طرق

~~[illegible]~~ و چه در سرحدات و چه داخله قدرت و اختیار مطلق داشته‌اند

تا بعدها آنان را سلاطین کوچک میگفتند و در حقیقت پادشاه هم [illegible]

نه فقط [illegible] را [illegible] و [illegible] میکردند نه تنها بکارهائی دست میزدند

در امور [illegible] دست آن نیستند مگر گاهی [illegible] پادشاه را زمین زده

و بکارهائی می‌پرداختند که جز قانون جبر در عصر ما هم تجاوز آن نتواند بود مثل

تغییر میزان و طرز پرداخت [illegible] [illegible] قدرت به انتهای

~~[illegible]~~ استاد انگلیسی [illegible] Law لاو [illegible] میگفت:

خود هنگام تصدی شغل مفتش کل مالیه چیزهائی ~~[illegible]~~ دیدم در بادی [illegible]

~~[illegible]~~ [illegible]

[illegible] نفر [illegible] در [illegible] فقط [illegible] نفر

تحصیلدار این مبلغ به سعادت و نیکبختی این ملت و ترقی و ارتقاء ما وسیله را

سبب می‌شوند »

علت عمده نفوذ ذوق اعلام امتیاز در قرن هیجدهم لیبرالیسم مدت مدید در

امور خود با تجربه یا عادت همانند گذر [illegible] معزول [illegible] ریشه‌دار نشده ایالت شامپانی

مدت هشتاد سال یعنی از سال ۱۷۱۱ تا ۱۷۹۰ در حکومت انقلابی حیران و ناطق

ساخت شغل غیر از آن را نخواهد دید و دیگر این ملت را حتی در پایان آن هیچ تا آن روز

قدرت کن هر یک نیز دنبال می‌رفته حوزه ایالت والانسین در مدت ۱/۲ ۱۰

سال یک این را داشت (۱۷۸۷-۱۷۷۵) و ولایت تور در ۱۲ سال یک

ناظر [illegible] داشت (۱۷۸۴ - ۱۷۶۶) تورگو مدت ۱۲ سال این

لیموزن بعد (۱۷۷۴ - ۱۷۶۱).

تورگو (۱۷۲۷ - ۱۷۸۱) مرد نظار و سیاست مدت ناظر و حکومت داشته زنده اند. تورگو پیرو روش آثار بر طبق

بود و ابتدا [illegible] بیخود بسته او را در سلک اهل کلیسا داخل کنند ولی تا جزو مستشاران پارلمان

پاریس شد بعد مجبور شد و الی گردید ۱۷۶۱. در سن ۳۴ سالگی حوزه نظارت تا

لیموژ [illegible] ازطرف مرکز نزدیک یا دعوت. تورگو تا جدی در روش قدم در راه شغل فوق بعد

چون در علوم و اقتصاد در مطالعات کافی داشت و به تشکر کسی Quesnay و گورنی

Gournay که بعد [illegible] در راه تحقیق نظارت رسید در ۱۷۶۶ کتاب بحث

بخوانش ... قبل از این چهار و بعد از آن آخرین مقدمه تالیف کرد موسوم به :

مباحث در تشکیل و توزیع ثروت . تورگو سعی نموده در حوزه نظارت خود بعضی از اصول

[illegible]

حوزه ماموریت خودش را [illegible] تجربه کند. دولت لیموزن هنگام ورود تورگو یکی از فقیرترین ولایات
فرانسه بود که ظرف سیزده سال تحت تورگو و مدیریت عاقلانه او [illegible] شد.

تورگو در لیموزن

[illegible] گزارش رسمی و شرح خدمات کارهای او در تورگو در لیموزن کرده است برای [illegible]
بیان لطیف و دقت کامل نظارت کافی است. تورگو [illegible] فقر و فاقه روستائیان [illegible]
سیب زمینی در آن زمان از [illegible] جدید بدور آمد شروع شد. [illegible] در [illegible]
نهال [illegible] درختان میوه‌دار [illegible] [illegible] و نقشه [illegible] به رعایا داد. از [illegible]
[illegible] خودش در [illegible] را تغییر داد. در سال ۱۷۷۲ قحطی رخ داد در [illegible]
[illegible] تورگو [illegible] دارالمساکین بسیار ساخت که فقرا
[illegible] مالکین اراضی را مجبور ساخت [illegible] زن‌ها [illegible]
فراهم آوردند. [illegible] را [illegible] فقرا را [illegible] . [illegible] از ۷۰۰
کیلومتر راه شوسه ساخت [illegible] رعایا را [illegible] و ضعفا [illegible]
در آن زمان [illegible] رعایا [illegible] بودند [illegible] کرده [illegible] تورگو
[illegible] و [illegible] داد [illegible] را از راه [illegible] مالیات [illegible]
[illegible] که [illegible] طرق را [illegible] و [illegible] مالیات [illegible]
[illegible] بکوشد.

[illegible] تورگو [illegible] ترتیب توزیع مالیات را تغییر داد. در [illegible]
لیموزن [illegible] مالیات دل بخواه بود یعنی [illegible] مالیات [illegible]
[illegible] مالیات [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] زمین [illegible] آن زمین مالیات [illegible] [illegible]
[illegible] مردم [illegible]. [illegible] قبل از تورگو [illegible] لیموزن [illegible]
[illegible] Tourny [illegible] تورنی [illegible]
[illegible] مالیات دل بخواه [illegible]
[illegible] مالیات [illegible] یعنی قیمت [illegible] مردم را [illegible]
[illegible] و [illegible] وسعت و وضع [illegible] اراضی [illegible]

تورگو برآن شد که کارهای سلف خود را تعقیب نماید تا بواسطه مراقبتی که لازمه آن بود بتدریج از سنگینی بار [illegible] بطور
معتنی بهی بار سنگینی رعایا تخفیف یافت. و تورگو قبول عامه و وجاهت فوق العاده پیدا کرد

چنانکه وقتی که بمقام صدارت رسید معاصرین او پیش بینی میکردند از آن روز [illegible] امیدوار بودند و [illegible] عادت
دهقانان در حق او گفته اند در همه تاریخ رعیت را از فقدان [illegible] موجب [illegible] میتوان گفت:
«بدبختانه [illegible] تورگو را اختیار کرد تا برای ما موجب غم و حسرت است که او را
از دست میدهیم.»
وجاهت تورگو در اوایل وزارت [illegible] و دیگر هم در حوزه نظارت کل
کارهای درست [illegible] متوجه اصلاحات بود شده در ولایات [illegible] و حوزه [illegible] و حوزه [illegible]
[illegible] تجدید توزیع مالیات رعایا تاسیس یافت و در ولایات [illegible] و [illegible]
[illegible] دیگر [illegible] طرق [illegible] احداث گردید [illegible] توده ملت از [illegible]
سلطنت نظام [illegible] بعد [illegible] چنانکه [illegible] طبقات [illegible]
در ۱۷۸۹ [illegible] گفته: «در عدالت [illegible]
[illegible] ملت [illegible] مردم را از [illegible] نظام [illegible]

بنا بر [illegible] فلسفه و [illegible] اقتصاد و مؤلفین دایرة المعارف [illegible]
و نهضت افکار عمومی را [illegible] حکومت استبدادی [illegible] فقط بتبلیغات
[illegible] منسوب [illegible]. در واقع [illegible] مجمع [illegible] افکار عامه [illegible]
[illegible] موجد [illegible] آن افکار. [illegible] اوضاع مالیه [illegible] خارجی و جنگهای
[illegible] اولیاء امور استبدادی معایب حکومت مطلقه را
در انظار عامه تجسم داده و مردم را [illegible] از [illegible]
[illegible] کاملا [illegible] قدیم [illegible] خود را [illegible]
[illegible] خلاف [illegible] دارندگان [illegible]:
«دولت در انظار مردم احترام و عظمتی ندارد [illegible] خود دولت بانواع [illegible]

نفوذ سبب احترام خویش را از دست می‌دهد. (۱۷۵۱) روحانیون و [illegible] و پارلمان‌ها
و طبقات عالیه دولتی همه از ضعف دولت آگاه‌اند و از اطاعت دولت
گردن می‌کشند. و حق دارند.» — دوم او در سنه ۱۷۵۴ می‌نویسد: «[illegible] دربار برای
ملت نفرت‌انگیز است و هر روز بر این نفرت افزوده می‌شود. هر روز حالت تنفر بر می‌دارد که
تباعد و تنافر طرفین می‌افزاید.»

روز به روز طبقات مختلف ملت هشیار می‌شوند که امتیاز بعضی طبقات ظلم فاحش
و بی‌انصافانه است. مارکی دارژانسون خود چنین سؤال می‌کند: «چرا دولت
این طبقه نجبا را در صورتی که این طبقه ننگ ملت محسوب می‌شوند و بیزار از نبود آن
درست [illegible] و در کشور ~~[illegible]~~ عمل نمی‌گذارند ولی تمام عمل را می‌خورند»
و نیز او می‌نویسد: «تا زمانی که این امتیازات اختلاف میان [illegible] وضع و شریعت
نجیب و غیرنجیب برداشته نشود، ملت سعادت نیابد. آسایش و سکون حاصل نخواهد شد.»
روستاییان هم از یکدیگر معترضانه سؤال می‌کنند: «چرا هر کس غنی‌تر است کمتر
مالیات می‌دهد و آنانکه مستمندتر و فقیرتر هستند بیشتر می‌پردازند؟ آیا بهتر
~~[illegible]~~ ~~[illegible]~~ به قدر وسع و استطاعت خود باید مالیات بدهد؟»
از طرف دیگر ملت متوجه قدرت و لیاقت خود شده و در کوچه‌ها آن بارها نظیر این عبارات
را می‌گفتند (۱۷۷۰): «اگر قیمت نان را تنزل ندهند و امور مملکت را منظم نسازند
ما هم بیدار [illegible] زیرا که هنگام انقلاب است. تنها ازین راه که بیک سرنیزه [illegible]
برای سعادت خواهی و سود ما است.» غالب متفکرین ظهور حادثه
عظیم را پیش‌بینی می‌کردند. دارژانسون می‌نویسد: «انقلاب عجیبی عنقریب رخ می‌دهد»

ولتر می‌نویسد: «انقلاب لازم و حتمی و قطعی خواهد پیوست» (در ۱۷۶۴) و در جای دیگر
می‌نگارد: «بعضی قرائن نشان می‌دهد که اوضاع انقلاب عظیمی مستقر خواهد شد
و واقعهٔ وقت جنگ بسیار غریب و غوغای عجیب خواهد بود».

فصل یازدهم

لوئی شانزدهم

بحران مالی

جانشین لوئی پانزدهم نوه او لوئی شانزدهم شد. در اوایل پادشاهی چون به استعداد و وارستگی
محبوب گردید. سلطنت او هیجده سال طول کشید (از ۱۰ مه ۱۷۷۴ تا ۱۰ اوت ۱۷۹۲)
که در وسط آن انقلاب ۱۷۸۹ آنرا به دو قسمت متساوی تقسیم نمود. در دوره اول سلطنت
در مدت پانزده سال لوئی شانزدهم شخصاً بدون نفوذ سلطنت مطلقه داشت و بعد
تورگو وزیر در صدد اصلاحات برآمد. لکن نظر به مخالفت اعضاء خانواده سلطنتی
و طبقه ممتازه لوئی شانزدهم مجبور شد پس از دو سال از کلیه اصلاحات صرف‌نظر نماید
(۱۷۷۴-۱۷۷۶). چهارده سال بقیه این دوره را لوئی شانزدهم در نیالمان وزرای متفرق
وقت را سپری ساخت و عیش و رفتار شاهان قدیم را تکرار کرد. مخارج گزاف دربار
و مصارف بی حد و حصر دربار شاهی قروض عمومی را بر دیون زمان لوئی پانزدهم افزود
و بالنتیجه اختلال امور مالی به حد اعلی رسید و در سنه ۱۷۸۹ شاه مجبور شد مجلس
نمایندگان طبقات سه‌گانه ملت را دعوت کند. انقلاب کبیر از اینجا ناشی شد.

لوئی شانزدهم

لوئی شانزدهم هنگام جلوس بر اریکه سلطنت قریب بیست سال داشت. و دارای استعداد
Marie-Antoinette نوزده سال داشت. لیکن زن او دختر پادشاه اتریش و جوان

چون خبر [illegible] به ولیعهد و زنش رسانیدند متفقاً فریاد برآوردند: «آه خدایا! ما را
نگاه‌دار! ما برای پادشاهی خیلی جوانیم». فی‌الحقیقه این شاهزاده از کار مملکت
داری و رسم جهانبانی هیچ خبری نداشت و به راستی کودک بود و مربی او دوک دولا وگویون
Vauguyon هم به جز [illegible] ترتیب نکرده بود فقط بعضی اصول را در
دماغ وی راسخ کرده بود [illegible] عقاید استبداد و مقدسه بودن ذات [illegible]
شده: «هر قوه و قدرتی در مملکت متعلق به پادشاه است و هیچ فرد یا جماعتی را
حق آن نیست در برابر فرمان شاه دم از استقلال بزند».

لوئی جوان تازه [illegible] و متین و سنگین بود و اشتهای وافر و میل مفرطی به کار
و عشق به صنعت قفل‌سازی و [illegible] داشت. هوشمند و رحیم و خوش‌خو و مایل به نیکوکاری بود
و با [illegible] عبارات در مقابل [illegible] آبه تِرِّی Terray گفته بود که:
« [illegible] به دست آوردن دل ملت است».

لکن این شاهزاده با وجود این خصال حمیده [illegible] بود و زنش او را «مرد بیچاره»
می‌خواند. پوشش کهنه و ضعیف داشت و بسیار خجول و محجوب بود از اینکه بنا بر قول برادرش
کنت دو پرووانس Provence و [illegible] مالزرب Malesherbes شاه
[illegible] سلطنت [illegible] کنت دو پرووانس
[illegible] [illegible] باید نگفت [illegible] شاهزاده [illegible]
خطا [illegible] و نگفت: «آه چه بار سنگینی!
[illegible] تعلیم نداده‌اند!» مالزرب می‌گوید: «شاه چون توجه می‌کرد

که هریک از اعمال و اقوال او در سرنوشت بیست و پنج میلیون مردم مؤثر است
وحشت میافتاد)! با برانی ترس و هیبت در شانزدهم کمتر تصمیم
قطعی میگرفت و در تمام مدت عمر تحت تأثیر دیگران واقع بود. در ابتداء
سلطنت نفوذ پرخامه و تحصیلی نه تورگو در کار بود و عاقبت نفوذ مضر
و نامبارک ماری آنتوانت همسر او حکمفرما شد.

ماری آنتوانت

ملکه ماری آنتوانت دختر امپراطریس ماری ترز ملکه اطریش بود. عروسی او با لوئی شانزدهم
در سال ۱۷۷۰ واقع شد و منظور از این وصلت این بود که اتحاد و دوستی را
که موجب عهدنامه ورسای (۱۷۵۶) صورت گرفت و مخالف اطلاعات زمانه بود
مستحکم تر کنند [illegible] را با عهد مرتفع سازند. ماری ترز
برخلاف شوهرش بسیار تند و چالاک بود. اما اخلاق ثابت و راسخ در
طبیعت او وجود نداشت و از این جهت بهیچوجه شباهتی با مادرش ماری ترز نشان میداد.
نادان و بوالهوس و در مقابل موانع و حوادث ناشکیبا بود. اگرچه شرافت و عفت
داشت ولی از بس هوس ران و لذت جو بود فریب مصاحبان را میخورد. با کمال بی‌اعتنائی
خود را در کارهای بدنام کننده و معاملات نامناسب داخل نمود. شبی در اپرا
در مجلس بال با آنکه دارای [illegible] بود او را در میان رقاصان شناختند. او هم مانند شوهرش
قبول تأثیر اطرافیان [illegible] و [illegible] را قبول میکرد. گروهی از درباریان بخصوص
[illegible] les Polignacs یعنی پولینیاک ها از اسراف و تبذیر
دربار سود فراوانی بردند. ماری آنتوانت بر اثر تحریکات این اشخاص دشمن
اصلاحات ملک شد. و چون دیدند که از نتایج امور مستقیم بدبختی مالی و
فقر خزانه دولت افزود و زمان اشتعال انقلاب کبیر را پیش انداخت.

لوئی شانزدهم هنگام جلوس بر تخت سلطنت از ناپختگی خود [redacted] آگاه از روز
[redacted] داری می‌دانست یکی از درباریان پیر و وزیر سابق مجرب را موسوم به Maurepas
نام داشت و در آن وقت که ۷۳ سال از عمرش می‌گذشت به صدارت نصب کرد
مورپا اگرچه بنا بر روایت معاصر شخصی مشهور به ~~...~~ و او را شخص سبک‌سر می‌دانند لکن
صاحب نظرات و وزیری کامل بود از مضایق امور بمهارت خارج میشد و وجه حل
معضلات را بسرعت می‌یافت. چون بمقام صدارت رسید جز نام چیزی نپذیرفت حقوق
و مزایای [redacted] را خواسته در حقش برقرار دارند رد کرد و لوئی شانزدهم گفت: از من
خدمتگذاری و فرمانبرداری اعلیحضرت بجز لاغیر. وزراء دیگر هم مستقیماً خدام پادشاه بوده ولی
هرگز از قول اعلیحضرت به آنها دستوری نخواهم داد و واسطه اوامر شاه به وزراء نخواهم گشت
از جانب وزراء هم ~~...~~ مطلبی بعرض نخواهم رسانید [redacted]
معلوم که طرز عملش ثابت می‌کند که او واجد مقام صدارت است و بر وزراء دیگر تسلط دارد.
در ابتدای امر مورپا دو پیشنهاد بپادشاه کرد یکی تجدید افتتاح پارلمانها که بنا بر [redacted]
امر موپو Maupeou منحل شده بود دیگر عزل وزراء لوئی پانزدهم. و مقصود وزرائی که امر
جلب توجه مردم و انگلستان [redacted] اضطراب عامه بود. لکن افتتاح پارلمانها بطوریکه
بعد معلوم شد خطا بود و نتایج بسیار سخت داد. در شب بازشدن پارلمان پاریس
(۱۲ نوامبر ۱۷۷۴) مردم چراغانی و آتش‌بازی کردند و [redacted] تا صبح برقص و شادی مشغول شدند.
بجهت عزل وزراء لوئی پانزدهم نیز چندان انظار عامه را جلب نکرد
مورپا صدراعظم [redacted] بار دوبو و دیگویون و آبه ترای [redacted] تنی از معاریف را که تا حدود
مقبولیت عامه و [redacted] نیکی در داشتند بوزارت نصب کرد و شاه جدید هم بعد از جلوس بنا بر قول
یکی از طرفداران زمان در اطراف خود [redacted] جمعی از مردمان نیکنام برآورد و خود در میان نشست.

نیز وزارت جدید خارجه نیز از ... ورژن Vergennes سفیر سابق فرانسه مقیم اسلامبول

که از سیاسیون چابک شمار میآمد و اداره وزارت خارجه معتبر دانسته ... سلطنت استبدادی فرانسه مجبور بگرداند

دیگر سارتین وزیر بحریه و مالزرب وزیر دربار و کنت دوسن ژرمن وزیر سربازان

کارآزموده و خشن بود وزیر جنگ و تورگو در ابتدا ابتدا وزیر بحریه شغل کارش پس منتقل

مسئول مالیه گردید (اوت ۱۷۷۴)

وزارت تورگو — شهرت تورگو ~~بصیرت~~ بصیرت رسیده مردم در اروپا عده‌ای را با جلالت و شوق زاید الوصف تبجیل تبریک گفتند

مادام دو دفان تورگو را « سولی Sully جدید » می‌خواند و همه انتظارات فوق العاده از او

داشت. تورگو از حوزه نظارت خود ~~...~~ بجای آنکه برسد وزارت را تشخیص داده و ...

در حوزه محدوده خود شروع کرده بود در سرتاسر مملکت تعمیم دهد لهذا بنا بر عقیده علمی فیزیوکراتها

آزادی تجارت را اعلام دارد و معتقد بود با این وسایل میتوان رشته گسیخته مالیه مملکت را اتصال داد.

وضع مالیه مقصد تورگو — چون وضع مالیه فرانسه که گذشتی ... جنگ ... بود در حین شکست آن ...

مصارف عادی در سال ۲۲ میلیون از عایدات فزونی داشت ~~...~~ لیرکورنا

که مصارف فوق‌العاده را علاوه عادی محسوب داریم ممکن معادل ۷۸ میلیون از عایدات آتیه دوام

پیش خور کرده بود بعلاوه قروض دولت مبلغ ۲۳۵ میلیون لیره عند المطالبه بالغ گشت بود (۱)

و حساب کنیم که به ... ۶۰ میلیون لیره میرسید. چنانچه سابقا گفته شد این تزلزل

به اوضاع مملکت را منجر با سال‌ها ورشکست می‌داد.

تا ... تورگو چون بوزارت رسید در دستور العمل که خود بعرض پادشاه رسانید این عبارت را

قید کرد: « نه اعلان ورشکست نه افزایش مالیات نه استقراض » امیدوار بود که مملکت را

از گرداب فقر به وسیله اقتصاد نجات بخشد یعنی صرفه جوئی و کاستن مخارج تا حدی که میزان آن

کمتر از جمع عایدات گردد ... افزایش ثروت ... بقدری مدد وضع مالیات جدید از اعظم

... جمع سابق مبلغ بیشتری عاید مملکت نمود ... فزونی ... ثروت مردم ...

و ترتیب ممکنست مربوط بآزادی زراعت و صناعت و تجارت را صمیمانه [illegible] آزادی پیشرفت

صرفه جوئی

تورگو با کمال ثبات و فصاحت لزوم صرفه جوئی را بشاه لزوم خاطرنشان کرد و بعد علاوه کرده بود که ملاحظه خزانه نیز وجهی در مبادرت بترفیع مخارج از کار می آید ۲۰ و بار دیگر گفت: کلانها سه مقرب درگاه خود را غنی ساخته و ملت را [illegible] ریشه سلطنت [illegible] فقیر نموده [illegible] نشده شاه را بقطع تمام مستمریات و مشاهرات بیکره وادارد لکن ۲۴ میلیون از جمع مواجب و مستمری کم کرد و از این راه مبلغی معادل [illegible] کسر دخل عادی مملکت صرفه جوئی شد. از این جهت دچار میلیون دو میلیون از حذف مخارج دربخانه شاهی و قرض [illegible] آمد این قرض بعضی جزئی تشریفات سلطنتی [illegible] ممنوع شد.

اصلاحات
زراعت غلات

نخستین مصوبهٔ تورگو راجع بغله جات بود فرمانی در تاریخ ۱۴ سپتامبر ۱۷۷۴ در باب تجارت حبوبات بامضای شاه رسانید. دولت فرانسه از چند قرن پیش برای جلوگیری از قحط و غلا رسوم و قوانینی جاری کرده بود و بنابر قول مسیو فونسن M. Foncin منتهی لا یحبس گندم میشد. بلیس از اطراف [illegible] و انبار گندم [illegible] جز در ساعت معین و [illegible] معین بخرید غله مبادرت نمیکردند و آنقدر حجم سنگینی تعلق میگرفت. از طرف دیگر گمرک مانع بود در اوقات گندم را از ایالتی بایالت دیگر حمل نمایند. در نتیجهٔ این تضییقات بعضی سنوات گندم در انبارهای ایالتی که محصول خوب بعمل میآید میپوسید و در ایالت دیگر که محصول خوب نبود دچار قحطی شد. [illegible] حاصلخیز دهقانان بیش از حد کفاف خود زراعت نمیکردند زیرا که امید فروش مازاد غله خود را نداشتند. فرمان ۱۴ سپتامبر ۱۷۷۴ جمیع نظامات سابق را ملغی ساخته تجارت داخلی و نقل گندم را در سرتاسر مملکت فرانسه آزاد بخشید.

لیکن [illegible] زبان [illegible] طبقه را برنجانید یا رعایا و دیگر درباریان. [illegible]

~~[illegible]~~

از بیم قحط و غلاء لغو آزادی تجارت غلات را مضر میدانست. اما در دوران وزارتش اعلامیه‌ای
[illegible] بود. [illegible] از آنجهت مخالفت داشتند که ترتیب سابق
از معامله خرید و فروش غلات منافع هنگفت می‌بردند ولی فرمان [illegible]
[illegible] در بهار سال ۱۷۷۵ در قیمت گندم ۵۰ درصد ترقی کرد موج نارضائی [illegible] مردم را
به شورش برانگیختند. از اول تا پنجم ماه مه ۱۷۷۵ دستجات منظم در حدود اطراف
پاریس و ورسای و عاقبت در خود پاریس تحت عنوان [illegible] به غارت دکاکین خبازی مبادرت کردند. دولت
۲۵۰۰۰ نظامی در پاریس تمرکز داد و گرچه موقتاً بلا استیناف [illegible] جلو آن را
گرفت [illegible] را [illegible] و بعضی خانواده‌ها را [illegible] این واقعه به
(جنگ آرد) مشهور است.

[illegible]

۱۷۷۶) [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
خرید و فروش غلات در تمام [illegible] و [illegible] داد.

[illegible]

۱۷۷۶ [illegible]

[illegible]

تا نحوه سلطنت یعنی اجبار رعایا به مفت و در مدت طولانی و بدون
مزد رفته است در دوره بیگاری بار گران بر عهده رعایا محسوب میشد
اگر ظلم با بویه میکردند جمیع مردم در زحمت بیافتادند دوار تبعیض میکنند عده قلیل [illegible]
بار این بحث بار گران بیگار سوار میشد. بسیار اتفاق می افتاد که یکنفر دهقان را سه روز
متوالی مجبور بکار میکنند و گرسنگی و تشنگی میسوزند بعضی او را به لگام میکشند در
زمان مرور با نزدهم در یک حوزه نظارت ۲۷۰۰ نفر را در ظرف پانزده روز لگام کردند
با بر زبان الغاء بیگار بر رعیتی هم کار گماشته میشد اجرت خود را دریافت میداشت
بالاخره این اصلاحات دولت ناچار بیم ول بود با ارزش [illegible]
تورگو املاک بیجریه وضع کرد که بطور تفاوت از
طبقات ممتازه و عادیه دریافت شود. این ترتیب قسمتی از مردم را از مقداری
عمل کرد.

[illegible]

پیشنهاد جدید

تورگو اصلاحات دیگر نیز در امور کرد و اصلاحات بهتر بنا بر این آمد که جلد حذف گرگات
فنون که شصت سال قبل پیشنهاد کرده بود تشکیل انجمن های
انجمن های ترویج اعضا و آن از جانب ملت انتخاب میشد و بترتیب از طبقات دولایه
شروع شده و به یک انجمن مرکزی در پاریس به بلدیه ها منتهی میگردید. چون تورگو عبارت
دستور فنون را نداشت تا اندازه احتیاط و حزم بخرج داد و حدود اختیارات این انجمن ها را
بتوزیع مالیات و تنظیم نظمیه و امور عام المنفعه محدود ساخت. این
تشکیلات اگر چه ناقص بود ولی باز ملت فرانسه را تا حدی بترتیب امور عمومی عادت میکرد

مخالفت با تورگو

ولی بیچارگی از دو [illegible] نیامد تورگو مجال نیافت که اقدامی کند
بیست ماه از دوره تصدی تورگو نگذشته بود که حس کینه باد دشمنی آغاز نهادند زیرا که این وزیر
تند رو

[illegible] حقارت آمیز نگاه می‌نمود [illegible] داشت [illegible] شرکت [illegible] با اشراف [illegible] بود و

[illegible] در کلام [illegible] گفت [illegible] عدالت [illegible] آب [illegible] از دوستان [illegible]

با کمال ادب [illegible] نسبت [illegible] و بر خلاف [illegible] و لطف [illegible] می‌کنند

(بسیار معقول [illegible] در کارها [illegible] مردم [illegible] عقاید [illegible] توجه [illegible] می‌کنند

[illegible] نسبت [illegible] : [illegible] گفت [illegible] باشد [illegible] از دوستان [illegible]

[illegible] روشن [illegible] مثل اشخاص [illegible] محبت [illegible] عمومی [illegible]

[illegible] گفت [illegible] این [illegible] با تعلیم [illegible]

[illegible] صرفه [illegible] اشخاص [illegible] نفع [illegible] و [illegible] جمعی [illegible] زنان

[illegible] و [illegible] را [illegible] دلالان [illegible] آزادی [illegible] آورد

[illegible] ارباب صنایع و [illegible] مهاجرت [illegible] موجب [illegible] صنایع [illegible]

[illegible] اشخاص [illegible] . [illegible] گردید

[illegible] بازار صنایع [illegible] موجب رواج [illegible] محدودیت [illegible]

[illegible] . [illegible] ثابت [illegible] در [illegible] را [illegible]

[illegible] آزاد [illegible] جمیع [illegible] و [illegible]

[illegible] معرفت داشته [illegible] راه [illegible] .

اعتراضات پارلمان [illegible] انتخاب پارلمان [illegible] دولت [illegible]

[illegible] پارلمان [illegible] رواج [illegible] فرمان

[illegible] و [illegible] آن را [illegible] در

[illegible] پارلمان [illegible] ۱۴ [illegible] در

[illegible] اعتراضات [illegible] پس [illegible] برگردید [illegible] عدالت

[illegible]

« هر قانونی که در مبانی خیر عمومی و صلح و انصاف نخواهد بود در ممالک منظم
افراد مردم را نسبت به [illegible] از وظیفه قرار دهد و تبعیضات و تمیزات اندازه را از میان
بردارد آن قانون با بزرگترین موجب اختلاف در [illegible] خواهد گشت زیرا که قوای
مطلقه افراد منجر به اختلال امور و سرگردانی کشور خواهد شد. پس لازم است که مساوات
غیر عادلانه و قبول نکردن آن را [illegible] معمول میدارد اولین نتیجه اش بر هم زدن نظامات جاریه
مملکت و تحمیل مالیات بر تعداد کثیر ارضی است!»

« وظیفه شخص بر [illegible] گشته آن که اعمال مربوط به تعلیم و تربیت و آداب دینی را
بجای آورده و بنیادهای را با خیرات و مبرات دستگیری کند.»

« نجبا حق خویش در دفاع ملک نثار اداره و پادشاه را به سلاح اعزاز و تفخیم [illegible] محترم میدارند»

« افراد طبقه سوم که طبقه روحانیون و نجبا نیستند [illegible] قوانین [illegible] به حسب دارائی کمک
کنند وظیفه خود را با ادای مالیات و تهیه مصنوعات و کار معین و اعمال [illegible] بیاورند»

شاه در جواب این اعتراضات مجدداً پارلمان را دعوت به تصویب [illegible] ثبت قوانین
ساخت. پارلمان هم بر شدت اعتراض افزود. برای غلبه بر پارلمان [illegible] شاه
حسب المعمول [illegible] در جلسه حاضر شد و بر کرسی عدالت قرار گرفته دستور ثبت
فرمان ها را داد (۱۲ مارس ۱۷۷۶)

عزل تورگو

این مسئله آخرین غلبه تورگو بود. سفیر سوئد
مقیم دربار پادشاه خود چنین نوشته (۱۴ مارس ۱۷۷۶): « مسیو تورگو
با [illegible] بسیار شدید قوی پنجه طرف است که بیشتر مرکب است از وجوه اعیان مملکت و تمام
پارلمان ها و مرکز دارائی و جمیع اعضاء مالیه و کلیه نسوان دربار و جمیع متقدسین در مذهب»
[illegible] پیشوای عده کثیری [illegible] به تورگو [illegible] آنتوانت و گفت دو برادر پادشاه بعلاوه:

رسالهٔ مدتی وقت صرف شده و [illegible] آن را حزب کمونیست هم پروپاگاند میکردند و طالبان را
بین مردم بود. [illegible] رساله شاه را فریب خورده! ترور گو [illegible] داشته و ثابت میکرد
که [illegible] رزم‌آرا فریب این پیغمبر دروغ را خورده و در دولت او بازیچه پیش رفت و [illegible]
خطر عظیم افتاده است. اتفاقاً کسی تا نیمه این پیش بینی [illegible] کارگران و انقلاب
توده مینمود و [illegible] این مطلب تا آن وقت [illegible] پیش پا می‌بود مردم تعقیب
کرده و [illegible] اضطرابات شده‌اند و نگفته این عقاید در جمع ازادی صنعتی است
در ترور گو [illegible] کارگران داد.

از طرف [illegible] صدر اعظم از نخالات شنیده که ترور گو در غیاب وی را
نبهادان دستی منسوب ساخته است از این جهت با ناتوانی ترور گو بهانت اگذیر.

شاه در اتبار رخ نیست از وضعیت حسن نظر و در وقت داشت دنگیف: در حزب
و مسیر ترور گو کسی که استدلال هست نیست کمی کم کم نفوذ این [illegible] دشمنان قوی
پنجه شاه را بغرل ترور گو وا داشت. وزیر خود نیز به نجو خویش مرد فرستاده
مدتی با گروه دشمنان بازی کرد و معیت تام شاه را از قبول سعایت اعدائ مانع
شد و راه نفوذ دشمنان را در دربار شاه مسدود کرد. آنجا که دیدم ترور گو در مکالمه
تند و بی پروا بود و رعایت مقتضای حال را نمی‌کرد پس در حضور شاه هم نظایر
عقیده و افکار سنجیده خویش را با عبارات درشت بیان می‌کرد بخود گفته برخلاف
[illegible] رزم‌آرا را بزرگ کرده سنش ۳۲ سال است و تجربه ندارد
و محتاج به هادی و مشاور است و در پایان کلام خود این جمله را که از حوادث آتیه
پیش بینی میکرد و در مطابقه با واقع از کرامات شمرده میشد بزبان آورد (الحرا):

» فروش نکنید که ضعف نفس موجب شد که سر شارل اول بر سیاستگاه
زرد گردد.» (۲۰ آوریل) به دنبال این مکالمات ماری آنتوانت

ابلاغیه عزل وزیر و معزول کرد (۱۰ مه) پیرشاه . در روز ۱۲ مه ۱۷۷۶ وقتی که تورگو استعفا را
شرفیاب شد ، با خشونت تمام وی را رد کرده و فرمان داد که وزارت را گذاشته
بعد و دیگر به دربار و در حضور حاضر نشود .

نکر

چون تورگو معزول شد کارها را دوم دوبه اجمال ماند و اکثر منفوخ شد وزارت مالیه را
یکی از دشمنان وی در صرفه‌ از امور خود بود و نکر Necker نام داشت بردند . نکر بنجابل
در بانک شهیر ؟ مردی ثروتمند و محاسبی چابک بود . زنش محفلی داشت که هر روز جمعه منعقد
میشد و از این جهت نکر کسب شهرت کرده که فوق لیاقت ذاتی او بود . نکر در یک
مورد با تورگو توافق عقیده داشت : و آن در صرفه‌جوئی بود . از سال ۱۷۷۸ ببعد
جنگ با انگلیس مستلزم مخارج گزاف شد و دولت ناچار مجبور به استقراض گردید در سال ۱۷۸۱
جمع کل قرض به ۴۵۰ میلیون لیره بالغ شد .

صورت محاسبه

دشمنان نکر از طرق مختلف میخواستند اعتبار وی را در مردم شکست دهند نکر
هم برای جلب اعتماد عامه بر آن شد که خلاصه از ارقام جمع و خرج سال ۱۷۸۱
را تهیه و منتشر سازد . در این صورت حساب نکر جمع عایدات را ۲۶۴ میلیون و
مخارج را ۲۵۴ میلیون تعداد کرد . بدین ترتیب در ظاهر دولت ده میلیون اضافه عایدی داشت لکن
لکن مقایسه یکی ظاهرسازی بود و عواید و مخارج فوق‌العاده جنگ را منظور نداشته بود در اگر
در محاسبه که آن مخارج را هم برآورد میکرد کل به نود میلیون لیره بالغ میگشت .
این صورت حساب مطلوبیت فوق‌العاده حاصل کرد فقط در روز اول انتشار
شش هزار نسخه آن بفروش رسید و چند هفته بعد صد هزار نسخه آن مصرف شد (ژوئن ۱۷۸۱)

لینه قبلی وضع راست در آن عهد تازگی داشت. تمام دربار و خود صدراعظم نخست غضبناک
شده چرا وزیر مالیه اسرار مملکتی را در دسترس عوام الناس گذاشته است. و علت
عمده این غضبناکی آن بود که در صورت حساب نزد اقدام [illegible] و مواجب درباریان
افشا شده بود. ملت فرانسه اطلاع یافت که درباریان که داوزا اکنون آنها را
زنبور کاهو میخوانند چه پول گزافی میکنند و سودی برسانند سالی چه بیست ملیون لیره از
مال او را تلف میکنند و این مبلغ تقریباً بیزاند بود که برای تجربه و مستعمرات خرج میشد.
مخصوصاً بعد از نشر این صورت حساب زنبوران کاهو یعنی درباریان و خود صدراعظم (مورپا) کمر
بعزل و تخریب او را آن وزیر بستند [illegible] و یکی از حملات بعضی او را بهانه تخریب او را گرفتند.

انجمنهای ایالتی

نکر تنها با بودجه مشغول نبود مانند تورگو [illegible] اعتقاد داشت که ملت فرانسه را باید
تا درجه‌ای شریک امور و سهیم در مهام مملکت کرد تا هم بار سنگینی که بر دوش نظام
ایالت افتاده است تخفیف بپذیرد و هم قدرت فوق العاده نظار زنبور تقلیل یابد.
بر طرح پیشنهادی رفته که بنا بر آن در ایالت انجمنی تشکیل بدهد و صدور احکام را که صحیح ادارا
تقریباً بحال قرار داد. سابقاً تورگو برای انجمن ایالتی پیش بینی کرده بود. لکن حجب و حزم
بیش شاه زنهم مانع تصویب داوطلبانه این قبیل تصمیمات مستبدانه بود و در باب پیشنهاد
تورگو [illegible] بود شاه چنین نوشت: «معتقدم شما را میفهمم اما بنظر من
این مطالب جز صورت ذهنی ندارد و در خارج موجود نتوانند شد و شخص [illegible] تا عاقبت
امور سنجیده نباید در کارهای خطرناک شروع کند.» در خصوص پیشنهاد نکر
شاه موافقت تام نکرد و فقط اجازه داد که در یکی از ایالات انجمن محلی امتحان تشکیل شود
مرکب از نمایندگان سه طبقه روحانیون و نجبا و رعایا (۱۷۷۸). این انجمن که در بری
Berry تشکیل یافت از جمله آثار که پیشنهاد بود که بهترین اعمال آن محسوب میشود:

نکر پیشنهاد کرد که «دولت بار مالیات و سایر تکالیف را بالسویه بر افراد وارد و تحمل کند و
دولت باید بیکار و بیهوده و معمول است مالیات زمین وضع کند و به جای مالیات از هر نوع
و جایی که معلوم است نیز [redacted] پیشنهاد اصلش از تورگو است. اما پیشنهاد ثانی او از اینکه
اعضاء این مجالس را پادشاه انتخاب [illegible] طبقات سه گانه خواهند ~~[illegible]~~ پیشنهاد کرد که
در مدت بعد از انتخاب عمال ملت با اکثریت مردم صورت بگیرد». مقامات عالیه
ناگهان دیدند که فکر قدرت مالیاتی و حق شرکت ملت به وسیله نمایندگان خود در امور مملکتی
توسعه غریبی یافته و در نفوس ملت نفوذ فوق‌العاده پیدا کرده است.

در سنه ۱۷۷۹ انجمن ایالتی بری در مونتوبان Montauban تشکیل شد و تجربه
رسید و این قبیل انجمن‌ها اعلان جمع دارند پس نکر بکفایت در صورت حساب سابق اندازه را
انتشار داده از تمام طبقات تقاضا کرد و تشکیل انجمن نزد سایر نواحی تمام ایالات مجاز نیم
و تقسیم بدهد. در این وقت موریا صدراعظم زحمت خفیف شده. مجبور به عزل نکر شد تا
مورد استعفا قرار داده [illegible] و ابراز او را در انگلیس در مملکت شد. پارلمان‌ها مقاومت فوق
العاده خود را کرد و عزل او را در داخل و هم خارج رضا دادند. شاه پیشنهاد نکر را رد
کرد و او استعفا داد (۱۹ مه ۱۷۸۱)

کالون بعد از استعفای نکر اصلاحات کشوری در طاق نسیان ماند. در اواخر ۱۷۸۳ بنا
به اصرار کنت دارتوا D'Artois برادر آنتوانت شاه یکی از طرفداران قدیم، در کالون
Calonne نام دولت به تفتیش کل مالیه او و چون او به سبب خود تشویق خدمت مالیه شروع کرد.
کالون مردی هوشیار و صاحب دماغ روشن و فطانت کامل بود. اما بعد
در مجلب القلوب عموم واقع شد. با طبع درباریان از وجه خود وزیر نکر شده بود
~~[illegible]~~ به او نگفتند چون مدت آخر این اقدام از وجه بیش. بر[illegible]

از آنها تقاضا می‌کرد حاجتش را نگه دارد. از استقرار مبلغ مستمری دربار از
۲۸ میلیون [crossed out] به ۳۲ میلیون بالغ شد. پول نشر روزنامه جاری گردید در دوران
استقراض بدست می‌آید. برای اینکه [crossed out] لطمه به استقراض وارد نگردد لطمات فرج می‌کرد از
کالون نشر آثار درمانی حیله‌گر و خائن بلکه گوشه دیانتی و اسراف حتی با این طریق [crossed out]
استدلال می‌کرد «شخصی که می‌خواهد قرض کند باید مع الاظهار اعتبار بخرج بدهد و بی‌حدی پول
بپاشد و چشم مردم را خیره کند» در ظرف سه سال با اینکه صلح کامل حکمفرما بود
کالون مبلغ ۴۸۷ میلیون قرض کرد و این مبلغ بیش از آنچه مبلغ بود که نکر Necker در تمام
مدت جنگ امریکا [crossed out] از مردم وام گرفت.

بحران مالیه

چون خزانه تهی شد و امکان استقراض باقی نماند در تاریخ ۲۰ اوت ۱۷۸۶ کالون
با شجاعت فوق العاده پیشنهادی بعنوان [crossed out] «طرح نقشه بهبودی اوضاع مالیه»
به پادشاه تقدیم نمود و مالیات ارضی را تمام افراد مملکت بلا امتیاز در آن شرکت جویند وضع
کرد و در این پیشنهاد انحصار توتون و نمک را بجز اختصاص دولت انحصار تجزیه و گمرکات داخلی
و از آزادی جریان غله و تعمیم انجمن‌های ایالتی را در سرتاسر مملکت پیشنهاد کرد لوئی شانزدهم چون
نظر به این لایحه انداخت متعجبانه فریاد زد: اینکه سرتاپا اقوال نکر Necker است.»
کالون جواب داد: «اعلیحضرتا با این اوضاع بهترین پیشنهادی است که تقدیم شده»
وزیر کاملاً میدانست که [crossed out] مالیه در چه حالی است و چه نتایجی بر آن مترتب خواهد شد
چنانچه بعد به لوئی شانزدهم گفت: «اعلیحضرتا نجات مملکت بوسیله اصلاحات
جزئی و فرعی میسر نخواهد شد باید اصلاحات را از شالوده و پایه گرفت
و بنا را از نو آورد تا منتهی به ویرانی نشود»

[illegible]
[illegible]
[illegible]

مجلس بزرگان

وزیر مالیه چون میدانست که پیشنهادش [illegible] در پارلمان مورد اعتراض خواهد
[بود] تصمیم گرفت که مجلس بزرگی از اعیان و اشراف (Assemblée des Notables) فراهم آورده و لوایح خود را
بتصویب آن مجلس برساند و گمان میکرد که چون اعضاء این مجلس را خود انتخاب میکند
نسبت باو وفادار خواهند بود.

مجلس بزرگان در ۲۲ فوریه ۱۷۸۷ در ورسای انعقاد یافت. کالون
در نطق افتتاحیه خود طرز اداره مالیه را مورد انتقاد قرار داد و از اسراف و تبذیر
و سنگینی آن بر دوش طبقه مولده که عاقبه وارد است سخن گفت و از معافیت بعض
طبقات که موجب تحمیل مالیات بر دیگران میشود انتقاد کرد و اظهار داشت که «شرکت
در پرداخت مالیات دین عمومی افراد ملت است.» مجلس بزرگان از میان پیشنهادات
وزیر انجام آن به تشکیل انجمن‌های ایالتی و الغای سخره و آزادی غلات را مورد تصویب
ولی با کمال تعجب وزیر مالیه و مردم پاریس مجلس از مذاکره درخصوص وضع مالیات جدید
مضایقه کرد و گفت تا زمانیکه معلوم شود که حقیقت خزانه چقدر است و علت این کسر جیب
دست بهیچ کار نخواهد زد. بعضی از اعضاء منجمله لافایت سخن را بجائی کشیدند که
از دولت تقاضای انتخاب مبعوثان طبقات ثلاثه ملت کردند. پیشنهادهای
جدید تمام صاحبان امتیاز را با وزیر مالیه دشمن ساخته بود پس ماری آنتوانت و
کنت دو پروانس در حضور شاه مقاومت و مخالفت مجلس بزرگان را تائید
کردند و کالون را دیوانه خطرناکی که [illegible] مملکت را بزوال میکشاند معرفی نمودند لوئی شانزدهم
بالاخره متابع کالون را معزول نمود. (۸ آوریل ۱۷۸۷)

بریین
مخالفت پارلمان

شاه، بار دیگر وزیر مستعفی [illegible] بنا بر مقتضی ماری آنتوانت اسقف شهر تولوز را
لومنی دو بریین Loménie de Brienne نام داشت و از قائدین ~~[illegible]~~ معترضین
مشاور بود به وزارت منصوب کرد. لیکن وزیر جدید چون دید و شاه لزوم اصلاحات را درک کرده
همان پیشنهادهای ~~[illegible]~~ کالون را تکرار نمود. و علاوه بر مالیات ارضی جدید مالیات دیگر نیز
بنام مالیات تمبر وضع کرد. لکن مجلس بزرگان مخالفت با آن نمود و بریین ناچار
آن را منحل ساخت (٢٥ مه ١٧٨٧)
طریقی جز تقدیم لایحه به پارلمان بنظر نرسید. اما پارلمان هم خود را نماینده ملت
خواندند و تقاضا کردند صورت دخل و خرج مملکت را باطلاع او برسانند [illegible] انعقاد
پارلمان اظهار نمود که شاه حق ندارد به تنهائی وضع مالیات جدید کند و بنا بر تقاضای
مجلس بزرگان لزوم احضار [illegible] ملت را از ~~[illegible]~~ طبقات ثلاثه دولت
نامید (٣٠ ژوئیه ١٧٨٧). بریین عصبانی پارلمان را بشهر تروا تبعید کرد اهالی شهر
پارلمان پاریس را [illegible] تحسین [illegible] کردند. در پاریس شورش شروع شد. مردم ملکه را
دشنام میدادند و او را مادام ~~[illegible]~~ (کسر بودجه) Madame Déficit یا ~~[illegible]~~ (بانوی قرض)
میخواندند و در روزنامه‌ها [illegible] خطاب میکردند و ~~[illegible]~~ [illegible] آنها [illegible]
در شهرها [illegible]. سفیر اطریش [illegible] نوشته است: «اگر هزاران
نفر مردم [illegible] بکشند [illegible] احترام شاه کاملاً متزلزل شده
و فقط با زحمات بسیار و مدت دراز ممکن است آن را [illegible] استوار نمود»
دولت پیشنهاد مالیات را مسکوت گذاشت و پارلمان را بپاریس بازگردانید (سپتامبر ١٧٨٧)
~~[illegible]~~ ولی در همین حال پول لازم بود و دولتی [illegible] مبلغی [illegible] بایستی قرض کند.
لایحه استقراض ٤٢٠ میلیون تهیه دید که باقساط پنج ساله از ملت وصول شود

شروط بر زندگی در آخر سال پنجم دولت مجمع طبقات سه‌گانه ملت را دعوت نماید.
روز ۱۹ نوامبر ۱۷۸۷ شاه در مجلس پارلمان رفتند و فرمان ایجاد قرضه را که
جلسه نه ساعت طول کشید. اعضای پارلمان از شاه استدعا کردند مجمع طبقات
ملت را در سنه ۱۷۸۹ دعوت کنند نه سنه ۱۷۹۲ لکن شاه با خشونت برخاست
امر داد در فرمان را به ثبت رسانند. در این وقت پسر عموی شاه دوک دورلئان (
فرصت برآورده گفت: «این قانونی نیست!» شاه جواب داد:
«خیر قانونی است زیرا که اراده من تعلق گرفته است»
پیرو این خروج پادشاه پارلمان اعلام نمود در ثبت فرمان مزبور مخالف قانون و باطل است
بعد از دو تن از مستشاران پارلمان را به زندان توقیف کرده و دوک دورلئان را
نفی بلد نمودند و امیدوار بود در این طریق مخالفین را از میدان بیرون کند و خاموش سازد.

بیانیه ۳ مه ۱۷۸۸

تا مخالفت سخت‌تر شد پارلمان از دستگیری دو تن از اعضای خود اعتراض کرد و اوراق
صیانت حقوق افراد ملت اخطار نمود در صدور دستخطهای ممهور خارج حقوق
«ارتقای طبیعی مردم است». این دستخطها در آن زمان معمول بود و به وسیله آنها مردم را بی‌محاکمه
زندانی ساختند چنانکه غالباً در آن سال گرفت. بنابراین تصمیم گرفت در شهر موپو
Maupeou در نیمه سال قبل پارلمان را منحل سازد. چون پارلمان از این مطلب وقوف یافت
در تاریخ ۳ مه ۱۷۸۸ بیانیه صادر کرده در منزله اعلان جنگ سلطنت مطلقه و اعلام حقوق ثابت بود.
در این بیانیه اظهار رفته بود که ملک فرانسه دولتی است که در تحت فرمان پادشاه و مطابق
قانون حکمرانی کند. در پایان این قوانین چند قانون اساسی است در ملت را موظف بر اخذ
مالیات هر ساله لکن این وجه باید آزادانه به وسیله مجلس مجمع طبقات تعیین و تأدیه شود و لیکن
مجلس هم باید منظماً از طرف دولت انتخاب کرده ....
یکی از حقوق ثابته که این اساس ... است که

مردم را بهیچ امری غیر از توقیف او و بعض دیگری با تشنج فرود تیم قضات مجلس نمود»
(کلمه) پاریس لیزی پایتخت را با شوق و شعف [illegible] استقبال کنند و پارلمان را [illegible]
حاضر ارزد. حوالی ... بعد از اینکه بخش آمد و وقتی دیگر از اعضاء پارلمان را از سر دست معترضین بعد از توقیف داد
دو تا نفر [illegible] در دپرمسنیل d'Eprémesnil و مونت‌سابر Montsabert
نام داشتند به پارلمان پناه بردند و پارلمان اعلام کرد ولی هرکس «تحت حمایت شاه و قانون هستند»
و تصمیم گرفته جلسه خود را دائمی سازند. بلافاصله صاحب منصب مأموریتی با پنجاه
وارد شد و گفت معترضین را نشان بدهید. تمام اعضاء هم‌صدا فریاد زدند: «ما همه
دپرمسنیل و مونت‌سابر هستیم» بعد از اینکه جلسه پارلمان مدت سی ساعت دوام
یافت دو نفر نامبردگان با پشت عاقبت خود را معرفی کرده و تسلیم شدند (پنجم و ششم مه ۱۷۸۸)
دو روز بعد شاه پارلمان را مجبور به ثبت چندین فرمان کرد در باب تشکیلات قضائی
دادگاه‌ها [illegible] و پارلمان را «مرخص می‌نمود» و بجای پارلمان مجلس عام تقرر یافت.
لکن فریاد اعتراض و مخالفت از هر جانب برخاست. در ولایات پارلمانهای محلی
با پارلمان پاریس همدست و اعلام کردند که ثبت اجباری فرامین خلاف قانونست. چنین
شورشهایی در تولوز و دیژن و بسیاری و برتانی شروع شد. در ایالت دوفینه
Dauphiné کار بالا گرفت در ۲۱ ژوئیه ۱۷۸۸ عده‌ای از نمایندگان نجبا و روحانیه
و رعایا در قصر ویزیل Vizille نزدیک گرنوبل جمع شده و از کلیه سایر ایالات را
بوسیله اخطاریه دعوت کردند که با استبداد مقاومت ورزیده و از پرداخت مالیات خودداری
نمایند تا زمانی که دولت مجبور بدعوت مجلس طبقات ملت گردد.

دعوت مجلس طبقات / سقوط برین

در خزانه دولت بیش از ۴۰۰،۰۰۰ فرانک وجه نقد موجود نبود. برین با سرمایه [illegible]
حبس از روحانیون کمک وجه را نداد و در مساعده مبلغ پرداخت دست کشیدند [illegible]

مگر دوره‌اینوه هم به مجلس بزرگان و پارلمان ۲ تا سی جسته و تقاضای انتخاب سوئد کرد و
دربار هایتی این تقاضا را پذیرفت یا اعلان ورشکست داد ناچار گوستاو [illegible]
پشت آن اعلان بود در مجلس سوئد در اول سه ۱۷۸۹ تشکیل گردید . معذلک
چون نظم اعتبار و احترام این وزیر از دست رفته بود بیکس پیدا شد در جهی قرض به
پرسه ۱۶ او ورشکست اعلان شد .

بر شاه . گوستاو را معزول کرد و مقام کاردینالی بخشید و نکر وزیر اسبق را بدون
کار آورد (۲۵ اوت ۱۷۸۸) صرافان و تجار بزرگ فوراً هفتاد و پنج میلیون
به دولت تقدیم کردند .

تشکیل مجلس سوئد تحقیق رسمی بود و در جراید مردم گذاشته شدند با شوق
در جوانتر دوری از ب مذاکرات و مباحثه نمود و طبقه رعایا چند نفر نماینده مجلس باید
بفرستد ؟ و ترتیب انتخاب سوئد چگونه است ؟ دولت نظر پارلمان را اوست
داد جواب داده ترتیب سنه ۱۶۱۴ باید اتخاذ بشود یا نه . در سال ۱۶۱۴
هر یکی از طبقات سه‌گانه جدا جدا نامزد ۴ و خود را معین کرد . ولی اکنون معتبر با
با انزوای طرفی رعایا ~~[illegible]~~ ۹۸ صدم ملت بودند یک ثلث مجموع نمایندگان را ~~[illegible]~~ میدادند
و مقتدر بر هر دیگری رعیت و دیگر از بخار ورود حاضر واقع نگردید و هیچ دوره را
نشد و هیچ اصلی صورت ● نگرفت . برعکس اینکه مجلس سوئد حقیقتی داشته باشد
دیگر صورت استهزا نشود باید از رعایا در برابر عده سابق انتخاب شود بجای اول
رعیت باندازه دو طبقه روحانیون و نجبا وکیل بدهد . برای حصول این مقصود قرار گذاشتند
در هر سه طبقه مختلطاً رای بدهند نه جداگانه و اکثریت را بطور ● سرشمار افراد
معلوم کنند نه بطور طبقاتی . اتفاقاً این ترتیب انتخاب هم مضاعف شدن

نمایندگان رعیت به اکثریت سرشماری افراد باشد. دو سال قبل نکر
شبیه همان ترکیب انجمن ایالتی در ولایات معمول شده بود. معذلک نکر در این موقع جرئت
نکرد در همین طرز را برای انتخاب مجلس عمومی قرار بگذارد. فقط برعایا حق داد
دو برابر نماینده هر دو طبقه دیگر وکیل انتخاب کند (۲۷ دسامبر ۱۷۸۸) از همین
تاریخ دعوی رعایا بر تقسیم انهدام اساس سلطنت استبدادی و طغیان آتش انقلاب
شروع گردید.

فصل دوازدهم

فرانسه در ۱۷۸۹

دربار - دولت - ادارات - مالیه - عدلیه - اوضاع اجتماعی.

اوضاع اجتماعی - روحانیون - نجبا - بورژوا - دهقان

I

دربار - دولت - ادارات - مالیه - عدلیه

قبل از گفتار از اهمیت حوادث انقلاب کبیر فرانسه و نتایجی که از آن حاصل شد باید بطور تحقیق اوضاع این مملکت را در ۱۷۸۹ مطالعه کرد و به طریقه تشکیلات سیاسی و احوال اجتماعی آن آگاهی حاصل نمود.

از حیث خاک مملکت فرانسه تقریباً حدودش مطابق حدود امروز بود بعلاوه آلزاس و لورن و بعضی مواقع سرحد شمال از قبیل قلعه لاندو در خاک اطریش آنرا احاطه کرده بود و فیلیپ دیل در اراضی بزرگی از آن احاطه داشت لکن در ازمنه جدید ساووا Savoie و کنت نشین نیس جزو فرانسه محسوب شد.

از لحاظ سیاست فرانسه دولتی استبدادی و متمرکز بود جمیع رشته‌های قدرت متمرکز در شخص پادشاه و منتهی به او بود. کنت دو سرژان در سال ۱۷۸۴ چنین می‌نویسد: «در فرانسه نه طبقه روحانیون هست نه نجبا و نه طبقه سوم سلطان فرمان میدهد و افراد مملکت همه رعیتند و اطاعت می‌کنند» (۲۰). اگرچه ظاهراً مطلب متقارن بود و گفته می‌شد یعنی شاه قدرت مطلقه داشت و اساساً تمام مراکز قدرت منتهی بشخص سلطان می‌شد لکن در طرز تشکیلات اداری مملکت در اساس اختلال و ایالت در کمال تفرقه و تشتت بود.

بنای بحث جامعه فرانسه را بر عدم تساوی بود: ملت را به طبقه تقسیم می‌کردند: روحانیون
نجبا و طبقه سوم. دو طبقه نخستین صاحبان امتیاز بودند و سوم هیچگونه امتیازی نداشت و تقریباً
تمام بار دولت را بر دوش او گذاشته بودند چنانکه یکی گفت در فرانسه در ۱۷۸۹ که پایان حال
بود ۷۵ سال قبل هنگام وفات لوئی چهاردهم.

شاه و قدرت او

~~شاه فرانسه~~ سلطنت فرانسه ~~[illegible]~~ در اعقاب ذکور به حسب ارشدیت موروثی بود
نسوان خاندان شاهی از عهد [illegible] قرون وسطی بعید بموجب رسمی که آن را قانون
سالیک می‌گویند از سلطنت محروم بودند.

شاه مقرب الهی صاحب تاج و تخت می‌شد و سلطنت را در دست پادشاه ودیعه الهیه
فرض می‌نمودند بنابراین ~~[illegible]~~ هیچ از مردم احدی
را نمی‌رسید حق فرمان در اعمال شاه، چون و چرا کند و برای قدرت او حدی فرض نماید. و چنانکه
مورخ فرانسوی در ۱۰ اکتبر ۱۷۸۷ در پارلمان پاریس اظهار داشت «شاه مسئول بخشایش است
جز خدای تعالی» بنابراین از اوایل عهد لوئی سیزدهم تا این دوره ۱۷۵ سال بگذشت
دولت [illegible] مجلس عمومی ملت را دعوت نکرده بود و مردم باور نمی‌کردند که در صورت
تغییر مجلس عمومی جز [illegible] شرح دردهای خود کاری بتوانند انجام دهند.

بالجمله حکومت شاه مطلقه و به اراده او فقط حکم قانون داشت و مثل امپراطوران
روم شخص سلطان «قانون زنده» محسوب می‌شد. بنابر قول لوئی چهاردهم «دولت یعنی
خود ما است اراده افراد رعیت در شخص قاهره من منظور است.» لوئی پانزدهم
در یک نطق در مجلس پارلمان گفت: «این مطلب قانونی است زیرا که من خواستم»
در واقع [illegible] حاکی از اساس حکومت استبدادی سلاطین فرانسه بود. سلاطین
آنچه گذشت شاه به میل خویش اموال ملت را خرج می‌کرد و عطایای گزاف می‌داد و صلح می‌کرد

[illegible]

بحال عقب افتاده در می‌رسید .

عدلیه مستبد زمانه هر بعده ... بعقاید مردم نیز حاکمیت داشت و هم مال رعیت

در عقیده رعیت [illegible] تابع اراده پادشاه است هیچ کتاب یا جریده‌ای بدون سانسور

[illegible] انتشار نمی‌یافت . شاه [illegible] می‌توانست دارائی اشخاص را ضبط کند

و بوسیله احکام ممهور بدون آنکه رسیدگی بشود دستور می‌داد دریکی از قلاع کسی

[illegible] مدت نامعینی حبس می‌نمود . در ... بهمین ترتیب یکی از درباریان لجوج را

مردم به ... مدت ده سال در سیاه چال ... محبوس ساخت و اجازه

ارتباطش با خارج را نمی‌دادند . در عهد ... حبس استبدادی از این طریق ... نفر

صدور احکام ممهور ... در عهد آن ... معمول بود از ۱۷۷۴

تا ۱۷۸۹ قریب هزار طغرا از این احکام بامضا رسید .

دربار — اگرچه پایتخت ... پادشاه در ورسای منزل داشت در اطراف ... بود

دربار با تجملات فوق العاده ... عده این درباریان ... با خانواده‌ها بیش از ... بالغ

بر ۱۵۰۰۰ نفر از آن ... خدمات ... می‌شد . ... بیش از ... هزار یا ... هزار

نفر ... عنوان درباری داشتند و ... شاغل دیوانی

شاه یک ... دیگر ... کشیک داشت [illegible] را در آغاز

سلطنت ... تقلیل داد به ۹۰۰۰ نفر رسانید و عبارت بود از سواران یعنی

قراولان سوار ... و ... سواران و پیاده نظام یعنی قراولان فرانسوی و قراولان سویسی

آن ... کشیک ... از چهار هزار نفر ... و اولاد شاه و برادران و

خواهران و عمه ... و ... جزء این ... محسوب می‌شدند

... [illegible] ... خاص داشتند و عده آنها جمعاً ... هزار نفر

برسید و از این مخارج هنگفت ثروت ملکه و بقیه‌ی ثروت کنت دارتوا
و زنش شوهرش تامین میشد . دختر بزرگ لوئی شانزدهم که اورا شاهزاده خانم می‌گفتند
و عده‌ای دیگر هم داخل اینها شد در سن دو سالگی هشتاد نفر خدمه داشت مری آنتوانت
Mercy-Argenteau سفیر دولت اطریش در این باب می‌نویسد «خدمه‌ی دختر شاه خیلی
متکبر و مصرف شده منع کرده است که نمیگذارند دختر شاه نیز بپذیرد که
بجز غرور در این راه نیاید و بقناعت عادت کند»

تجملات دربار. استخراج ثروت اصطبل شاهی حاوی هزار و دویست اسب
و عرابه و کالسکه مختلف بوده و هر سال مبلغ ۷۷۰۰۰۰۰ لیره بمصرف اصطبل میرسید
و این بیش از اندازه‌ای است که برای موکب لشکری و قراردادن اسب شاهی فراهم میشد .
مخارج سفره شاه هم از دیگر جزئیات لوئی شانزدهم صرفه جوئی کامل و دقیق کرده و در دوام آنرا
صرف سفره هر سال ۲۹۰۰۰۰۰ بود و جمع بیست از این مبلغ مخصوص صرف
شخص شاه میشد و ما بقی بکار اطعام گروه کثیری از ملتزمین سلطنتی روزی که بنوبت
درد این نهایت شدت رسیده بود خدمه‌ی شاهی با کمال وقاحت دست برقت
گشوده بودند . زنهای خدمتکار سالی ۵۰۰۰۰ لیره از طریق فروش ته شمعهای قصر
شاهی دخل میکردند . بقیه خوار و خفیف کفش مخصوص ماری آنتوانت میگذاشتند
در وسط این تبذیر و اسراف جمع کل خارج موکب لشکری در ۱۷۸۹ به سی و سه میلیون
فرانک رسید .
خارج دربار سلطنتی بهمین جا نبود در حقیقت مملکت فرانسه بیش از اینها نثار دربار و درباریان
میکرد زیرا که برادران پادشاه و عمه‌ها و خاله‌ها نیز هرکدام دربار مجزا و سالیانه مبلغ هنگفتی
انعام و مستمری به درباریان و دوستان ملکه و خانواده‌های ایشان پرداخت میشد و از

۳۷۵ خانواده‌اش زیاد عائله‌ای داشت در لطایف الحیل مرافعه مکرر دیده شد دوستان [illegible]
Polignac در اعطاء آن‌ها ۷۰۰۰۰۰ لیره بخشش آورده و [illegible] قسمت مکرر
و کار خارجی در زمان بازی کرده بود در نفوذ امور خارجه هم ضرر وارد آورده [illegible] موافق حساب
در آورده دیگر وزیر مالیه شاه از سنه ۱۷۷۴ تا ۱۷۸۹ مبلغ ۲۲۹ میلیون لیره مخارج
حقوق و هدایا و خرج علاوه بر [illegible] بود. رفتار لوئی شانزدهم و لوئی شانزدهم در دربار [illegible] پادشاه مصداق
قول و سوء گفتار [illegible] بود که می‌گفت: «دربار قبر ملت است»

حکومت مرکزی

تشکیلات — وقتی که لوئی شانزدهم به تخت سلطنت رسید [illegible] شاه شش وزیر و چهار هیئت داشت
از این قرار: وزیر عدلیه که در غیاب شاه ریاست هیئت [illegible] داشت — شغلش [illegible]
— وزیر دربار — وزیر خارجه — وزیر جنگ — وزیر بحریه. در زمان لوئی چهاردهم [illegible]
شش گانه با هم برابر بودند در [illegible] لوئی شانزدهم در تحت تسلط [illegible] رسید در عهد لوئی
شانزدهم به موجب [illegible] رئیس الوزراء منصوب می‌گشت در بعضی از وزرا تسلط داشت. گاه
یکی از وزراء در [illegible] در حضور شاه مقرب‌تر و بیشتر مورد اعتماد بود بر دیگران [illegible] تفوق می‌یافت
و مقام رئیس الوزراء گرفته حال را احراز می‌کرد. [illegible] در ۱۷۸۷ [illegible] وزیر [illegible] بود.
حقوق هر وزیری در سال ۲۲۶۰۰۰ لیره بود و مبلغ مواجب ده وزیر ارزنده است.
هیئت‌های چهارگانه عبارت بود از شورای دولتی یا شورای عالی که کارش رتق و فتق امور
کلیه خاصه امور خارجه بود و شورای مالیه. شورای مکاتبات که کارش تحقیق [illegible]
مکاتیب و اخبار [illegible] ولایت بود و شورای دیوانی که وظایفش مرکب بود از
از وظایف شورای دولتی در عصر حاضر و وظایف دیوان تمیز در واقع محکمه عالی
بود برای رسیدگی به امور اداری و امور قضائی و [illegible] آن را Conseil des parties
می‌گفتند. Conseil des parties

حکومت مرکزی شمش به به دروازه بیست و ... کار جمیع امور از آنجا صادر و به آنها

منتهی میشد و شاه به مغز و قلب مملکت بود.

حکومت ایالات

امروز تشکیلات ولایات و ایالات فرانسه در کمال سادگی است ولی در سنه ۱۷۸۹

[redacted] تشکیلات حکومتی ایالات در نهایت پیچیدگی و ابهام بود زیرا که بیک اعتبار

مملکت فرانسه بچندین [redacted] دایره حکومتی منقسم میشد و بیک اعتبار بچندین حوزه نظارت (انتقام)

میرفت.

فرانسه دارای ۳۰ حاکم نشین بود و هر یک از آنها تقریبا ~~...~~ با تقسیمات قرون وسطی

مطابق بر گشته و ... (قدیم) ... خوانین [redacted] ... حکومت نشین تقریبا با یک ... حدود

آنها از حیث ... تجاوز میکرد حکام تا ... از نجبا انتخاب میشدند و از عهده

... بسبب ... و ... ~~... [redacted] ...~~

جز ... مملکت ... و ... در ... میگذرانیدند.

... حوزه ... نظارت ... رسید و ... حوزه ... در حوزه

نظارت ... داشت. نظار از طبقه متوسطین [redacted] بودند و ... بودند

~~...~~ ... و ... حوزه ...

... [redacted] ... و ... ادارات ... را در [redacted] اقطار

... مملکت ... [redacted] ... را مرکز ... میکرد

چنانکه گفته شد حدود اختیارات نظار بسیار وسیع و شامل جمیع شئون ...

بقول ... « ... شاه بوده و در ایالات حضور داشته اند »

و بگفته ... : « [redacted] ... کشور ... نظار » بود.

حوزه‌ی نظارت مثل ایالات امروزه فرانسه دارای تقسیماتی بود با نیز تفاوت و ایالت
مسلماً به صورت و بلوک که چند تقسیم شده اند و این اجزاء حوزه‌ی نظارت از هر حیث با یکدیگر اختلاف
داشتند چه از لحاظ طبیعت خاک و چه از حیث اهم و وسعت و غیره. در هر حوزه چند قریه مستقل بود که ان
مرکز اداری خود را داشت پاروس Paroisse میگفتند و نیز بلوکات امروز است در هر قسمتی از قطعات
حوزه نظارت نماینده‌ای از جانب پادشاه حکومت میکرد و نفوذ و اختیار نامحدود از آنجا
مثل آن درجه قدرت و نفوذ نظارت را داشتند. در بعضی نقاط محدود بلوکات چنان سعی
شده بود قریه‌ها در صدد تضعیف دیگری و ضعف در بلوک دیگر واقع میگردید و در بعضی
حوزه‌ها رسماً حدود معین در میان قطعات آن موجود نداشت چنانکه در موقع لزوم بعضی
قراء را پر زمینه تحقیق میکردند معلوم نمیشد جزء کدام ولایت محسوب میشود اما آن در قلمرو کدام
حکم قضایی که واقع شده و مالیات را مطابق رسوم و معمول کدام حوزه نظارت باید بپردازد

عدم توحید

فرانسه اگر چه یک مملکت مرکزی بود و یک وحدت داشت امروزه مثل اتحادیه با آزادی تمام در سراسر
خاک فرانسه جریان ندارد. قوانین و نظامات و حقوق افراد نسبت به یکدیگر یعنی میزان و تمام
مالیات و طرز وصول و ایصال آنها و اوزان و مقادیر در جمیع ایالات یکی شد.
~~...~~ آنا در ۱۷۸۹ کار بر این منوال نبود اوزان و مقادیر در هر ایالتی
بلکه در هر بلوکی اسم و میزان و مقدار خاص داشتند. مثلاً جریب از بقایای ساحت محسوب میگردید
در بعضی جاها معادل ۳۴ متر مربع بود و در ... از ایالات ۵۱ متر و در ایالت دیگر ۴۲ متر مربع
چنانچه در عرف دهقانان فرانسه یکی از این بقایا معروف به ... و طناب و
ذراع و غیره را بکار میبرد .....
در ایالاتی که ایالات متجانس ~~...~~ نامیده و تقریباً یک ربع خاک فرانسه
مساحت داشتند توزیع مالیات بوسیله متخصصین بهار ایالات ... و در ایالات ...

با ولایات ما بین ولایت مستقلاً و بعداً ما بین پادشاه توزیع می‌گردید . ما ایالات یک

دهقت قسم بود و در قطعه از فرانسه یکی از این دو طرز معمول می‌شد . در شمال و جنوب

ایالت اوورنی این ایالت هر دو طرز متفاوت ~~[illegible]~~ مخلوط معمول می‌گردید چنین

~~[illegible]~~ .

اگر خطی فرض کنیم ~~[illegible]~~ از ژنو شروع شده و به سمت رود شارانت منتهی گردد

ولایاتی که در جنوب این خط واقع شده بعد ~~[illegible]~~ قانون متداول ~~[illegible]~~ داشتند که از روی قوانین

رومی تدوین گردیده بود و آن ~~[illegible]~~ ناحیه را ولایات قانون مدون می‌خوانند . بالعکس

در شمال خط مزبور تقریباً اختلاف موجود بود که به قول ولتر که در اغلب ولایات گذرد

به همان اندازه که اسب چاپاری عوض میکند همان اندازه هم قوانین و نظامات قضائی تبدیل می‌یابد

این ناحیه را که عبارت بود از اراضی رود لوار Loire و رود سائون Saône

و رود سن [illegible] حقوق اعتیادی میگفتند و در آنجا ۲۸۵ مجموعه قوانین عادیه وجود

در ایالت اوورنی Auvergne دو قسم قانون مجرا بود در ~~[illegible]~~ شهر ~~[illegible]~~ و در یک

قوانین مدونه و در شهر ~~[illegible]~~ کلرمون قوانین عادیه جریان داشت در صورتیکه هر دو شهر

مزبور جزو حوزه یک پارلمان بود در پارلمان پاریس باشد .

در اراضی رود لوار و رود سن سرزمینه ایالت بود و مجموع [illegible] ~~[illegible]~~

نیز زمینه آلمانی را گرفته و از ناحیه مال الاتابه [illegible] در جریان بود و ۱۹ ایالت

دیگر در ایالت غربیه در هم بود هر یک گروه خاصی داشتند و از اهالی [illegible]

ایالت [illegible] در [illegible] حقوق گروه‌ها [illegible] می‌کنند همان قسم [illegible]

در صورت [illegible] بستگی [illegible] خارجه [illegible] می‌شود

این خطوط گرگه ~~[illegible]~~ اختلاف قانونی و تفاوت ادوار و تقاضا

یادگار قرون وسطی و یا تقاطع [illegible] فئودالیته [illegible] . اگرچه سلطنت کاپتین

در فرانسه قدرت سلطنتی را در تمام ایالات بسط دادند و صاحب اختیارات کاملاً فاتح
و فاتح شدند، ولی معذلک بعضی رسوم و آداب را که ایالات بحال خود باقی گذاشته و محترم نگاه میداشتند
چنانکه در اواخر قرن هیجدهم چون نظری باوضاع فرانسه بیفکنند هنوز گفتی می دیدند از بعضی
اعتبارات شباهت تمام بقرون وسطی دارد و از لحاظ استقلال داخلی ایالات گوئی
مملکت فرانسه از حیث چندین مملکت مستقل تشکیل یافته است. در واقع از لحاظ فرانسه نمونه از تمام قاره
اروپا بود، با این تفاوت که قطعات اروپا قطعات مستقل هستند ولی فرانسه مملکت واحدی و فرانسه
قطعات مستقل خویش را ایالات و ولایات می گفتند. بنابر قول میرابو در آن زمان
مانند اکنون عهد انقلاب است فرانسه در سنه ۱۷۸۹ که مجموعه از ملل و اقوام متفرقه و
غیر متحده بود.

بیشتر این اقوام صاحب ملل متفرق و تشخص سیاسی با مرارت تمام عادات
قدیمه خویش متشبث شده و امتیازات و اختصاصات محلی خود را محترم شمرده و نگاه میداشتند
بهر قیمت باشد استقلال خود را حفظ کنند و مملکت مستقل کوچکی گذارند و داخل
مملکت بزرگ فرانسه. مثلاً اهالی آلزاس اگرچه ظاهراً خود را فرانسوی می شمرده ولی در
دستورالعمل به مبعوثان خود نوشته و سپرده تقاضا کنند که جز پروتستان آنها مادری بابت
آلزاس اخراج نشود. مملکت لورن پس از آن به لحاظ رسیده و گفتند ما مال فرانسه
فقط نسبت والی پادشاه اطاعت می کنیم. مردمان دوفینه می گفتند ولایت ما
در مملکت فرانسه واقع است ولی از مملکت فرانسه نیست. انقلاب کبیر
تمام این اختلافات را برطرف کرد و فرانسه را توحید بخشید.

قضاوت — Seigneur, Bailly, Sénéchal

تشکیلات قضائی هم در پیچیدگی و ابهام کمتر از تشکیلات اداری نبود از این لحاظ
هم آثار قرون وسطی شبیه یافتند حاکم متعلقه سینیور و بایی و سنشال
که از طبقات اعیان و وجوه قرون وسطی محسوب میگردید هنوز دایر بود. در اغلب ولایات

محکمه سینیوری بزرگ حاکم محلیه ادارات پلیس است در عصر حاضر قضات این محکمه جرایم کوچک
و خلاف‌هایی که مرتکب‌ها مجازات میکردند مثل دشنام دادن ضرب زدن مستی و غوغا
و منع و حکام متعلقه به [illegible] و سایر حقوق مطلق دعاوی رسیدگی کرده
در خصوص دعاوی مربوط به ایالت حاکم خاص بود بنام حکام اعلائیه

ترتیب حاکم داوری که کلیات آن با ترتیب امروز [illegible] یکسان است عبارت بود
از حاکم [illegible] ابتدائی و پارلمان‌ها
حکام ابتدائی در تمام فرانسه انها بلکه سرسیه شبیه [illegible] هایت [illegible] بود
که اکنون [illegible] داریم. از مطابقه این دو عدد معلوم توان کرد که با وقت حاکم دارای
زمان امور قضائی و دعاوی حقوقی با چه کندی پیشرفت میکرده است.

پارلمان‌ها سیزده عدد بوده که دفعه درعهده حکام ولایت محلیه و استیناف رسیدگی
به دعاوی میکردند. حوزه قضاوت آنها با اندازه متفاوت و مختلف بود. دایره صلاحیت
پارلمان پاریس که از پادوکاله تا لوت Lot میرسید بعبارت اخری از ولایت شمال
تا ولایت کانتال [illegible] یعنی پانزده ولایت حالیه
آن را یکسره فرا گرفته بود جزو حوزه قضاوت پارلمان پاریس [illegible] محسوب میگشت
حال دایره داوری پارلمان دوان منحصر بیک ولایت بود که موزه‌ها باشد و پارلمان
متز Metz جزو همین شده و اطراف آن حق دخالت در جای دیگر نداشت.

~~قضات مسئول حاکم [illegible] استقرار داشته~~
قضات این حاکم املاک منصب خود بودند خواه بوسیله خریدن شغل از پادشاه ملک شخصی
خواه بحکم رسم [illegible] Palette از پدر خود ارث قضاوت می‌بردند. خرید و فروش مشاغل
منحصر بحکام عدلیه نبوده در جمیع ادارات کشوری و لشگری معمول و متداول بود.
بعضی رسوم و عادات قدیمه جریان داشت که برای قضات نفعی محسوب میگشت

شد معمول بود که مدعیین قبلاً نزد قاضی آمده پیشکشهائی تقدیم می‌کنند و لغو جلب توجه
قضات بجانب خود بعضی هم بیارزند در اصطلاح آن زمان «ادویه» نامیده
میشد و مقصود چرب کردن کلاه یا رشوه است.

در باب جنایات قوانین موجوده سختگیری و مجازات را بدرجه توحش و بربریت
رسانده بود. اسمی در امر زمان برگ میزان انفراد در ردیف شکنجه و خلاف قرارداد
و مجازات آنها بجنبه فراهم میشود. در آن عهد جنایت عظیم ولی اکنون خفیف شمرده
شد تخطی نصیبها. غیر یا کشتی صید دیگران و اکنون مجازاتش ۲۵ فرانک است
در آن مورد مرتکبین را حبس ابد یا اعمال شاقه محکوم میساخت و بنا بر مطلوبات یکی
از دستور العملهای مشهور آن وقت «حاکم عدلیه در باب تردید آن را در مقابل
قتل خودکشی براه عدم می‌فرستند». در آن موارد بر کسی متهم میشد اصلاً
بجرمش میدانستند. شکنجه در ابتدا و در استنطاقات که متهمین را وادار
میکردند تا بجرم خود اقرار کند در سال ۱۷۸۰ ملغی شد. اما شکنجه قبل از
اجرای حکم محکوم کماکان باقی بود و اگر چه در ۱۷۸۸ الغاء آن را
منع نمودند [illegible] لکن علناً ~~[illegible]~~ متروک نشد.

مالیه

در آغاز افتتاح مجلس مؤسسان اوضاع مالیه فرانسه چنین بود. مخارج هر ساله بالغ بر
تمام سال بیع ۴۷۰ میلیون ~~[illegible]~~ و عوائد به ۴۷۵ میلیون [illegible] رسید
و کسر قرض به ۵۵ میلیون بالغ گشت لکن بعضی از مطلعین مدعی بودند که کسر حقیقی ۹۰ میلیون لیره
منافع قروض دولت را اگر حساب کنیم در سال به ۲۰۶ میلیون لیره یعنی قریب نصف کل
عایدات میرسید.

این وضع نابهنجار و حال ناگوار تنهائی. [illegible] لوئی شانزدهم نبود بلکه نتیجه حتمیه منطقی دوره‌ای
[illegible] رفتار با دست‌های او بود در عهد فرمانروائی اول معمول داشتند و جز [illegible] تمام سلطانی
خزانه مالیه را بهمین قسم اداره می‌کردند. در حقیقت امر در صفحه عمر این سلطنت اگر بخواهیم برای آن
بهانه است در کف دارد و در حضور مجمع بزرگان ۱۷۸۸ اظهار داشت و گفت: «[illegible]
مصارف شاه را با پای تقاضای عوائد او تطبیق آورده بلکه تقاضای احتیاجات [illegible] را
به منابع درآمد تطبیق داشت»

نتیجه این قسم عمل آن بود که در هر سال کسر خرج از کسر دخل سنگین‌تر می‌شد و دولت
همیشه کسر عمل داشت و برای جبران این نقصان شاه به فروش شغل و مناصب می‌پرداخت
و قرض را زیاد می‌کرد. در دوازده سال از سلطنت لوئی شانزدهم [illegible] (از ۱۷۷۶ تا ۱۷۸۸)
مبلغ ۱۱۴۰ میلیون لیره به قرض از خارج گرفت.

با این وضع کسی حاضر نمیشد. وجهی قرض بدهد و دولت هم قادر به ازدیاد مالیات نبود.

مالیات مستقیم

مالیات دو قسم بود مستقیم و غیر مستقیم. [illegible] مالیات مستقیم عبارت بود از مالیات
ارضی و مستغلات و از قرون وسطی و خصوصاً [illegible] باقی مانده بود و عشریه [illegible] نیز
جزو مالیات اخیره داده می‌شد که ملاکین [illegible] جمع آوری می‌کنند.

خمس

مالیات ارضی و مستغلات در همه جا یکسان نبود. در ولایات جنوبی از اراضی و خانه
می‌گرفتند [illegible] و این را مالیات مستقیم حقیقی می‌خواندند و نام [illegible] هم داشت و از کلیه
ارزش دارائی شخص محسوب اخذ می‌گردید. در سایر ولایات همین مالیات را به نسبت دارائی
برآورد و تخمین حدس زده می‌شد بدون هیچ ممیزی و تحقیق [illegible] تعیین می‌کردند و غالباً بجز
عده‌ای [illegible] آنرا تغییر می‌دادند. اگر مودی مالیات را می‌پرداخت معتبر و ثروتمند
یا اگر مرغ در حوالی منزل او دیده میشد حکم به تمول او می‌دادند و مالیات [illegible] او را بالا می‌بردند.

ليزاماليات را در تاي talle برگرفته از [illegible] و عليات و كسب و كار برگرفته. بعد ها دوره هانوين از آن معاف شدند. لكن مالياتهای ديگر در سرشماری در [illegible] (يا عشريه) باشد قانوناً عموميت داشت.

سرشماری با طبقه شاهی مالياتی بود كه از ١٦٩٥ بعد وضع [illegible] شد و در آن ٥٦ تمام فروندان را به حسب درجه طبقه تقسيم كرده هر طبقه به نسبت مكنت خود ماليات می پرداخت و ليعهد در طبقه نخستين شاه بود و سالی ٢٠٠٠ ليره ماليات می پرداخت. رعايای طبقه بيست و دوم چيزی نمی دادند. اما در اداره آن را به قدری لزوم طبقه بندی اثری نماند و اوضاع اختلال پيدا شد. بنابراين طرز تازه تری برای افزايش ماليات گذاشتند. ماليات طبقات تو نوبه را بطور ماليات تامی مالك الذكر خود برداشتند و در واقع از عوارض دوره خراج محسوب می گرديد و عاقبت از هر كس به نسبت مالی كه داشته و به ملك و مستغل او ماليات می گرفتند.

ماليات عشريه يا خمس در حيث مصدر باشد از عايدات و تمام دريافت می گرديد نخست ليزماليات ونان Vauban بود در زمان لويی چهاردهم عشريه وضع كرد و بعد ها افراد معاف كرده. و [illegible] عشر عوايد افراد [illegible] را گرفته.

اگرچه گفتيم در ماليات طبقات و خمس عموميت داشت لكن ليزتيم بر حسب قانون و به عوض همه اجرا بود عملاً جز طبقه رعيت ديگر كسی را به دادن وصول نرسيد. شده وقتی نيز در سال ١٧١٠ ماليات طبقات خود را از دولت خريده يعنی ٥ دفعه دخل معمول ماليات شش سال آنها را يك جا پرداخته و معاف گشتند. (يا ماليات منتخبی) هم دولت در آن قبه گذاشت. ماليات طبقات خود را از دولت اجاره كرد. بعد هر سال از ليزماليات بعضی معين به تناسب كسر آن شد اجزا را داده و از قرض و عوارض ماليه و تغييرات ماليات طبقات و خمس يك سوال از اينجا در عايد وصول نرخ منحصراً باقی ماند.

[illegible]

بلکه پیشه وری نجبا را اکثر از ادارات و مبهم رعایا و کسبه را بیشتر از میزان محسوب میداشتند
مستوفیان طبقه سوم ولایت بنحوی که در دستورالعملها رجوع شده یاد داشت کرده بودند در سنه ۱۷۸۹
مالیات طبقه ۳ ماخوذه از نجبا یک صدم عواید آنها بود و مالیات طبقات رعایا قریب
ده صدم وصول کرده اند. شاهزادگان خانواده سلطنت بیش ۲۴۰۰۰۰ لیره از بابت
مالیات خمس بپردازند بیش ۱۸۸۰۰۰ نمی دهند. در ولایت شامپانی مالیات
خمس را متفاوت وصول میکنند ده درصد از نجبا و هشت درصد از کسبه و رعایا.
در ولایت ... ۲۵۰۰ لیره در حقیقت باید
مالیات خمس بپردازند چهار صد لیره می دهند. آنها ... ۷۶۰
لیره می پرداخت در صورتیکه بیش از ۷۰ لیره بابت تعلق نمی گرفت
جمع حوالت اخذ مالیات مذکور در ... مالیات ارضی و تعدد
(تای) و ... مالیات طبقات و عوارض خمس به پنجاه الی پنجاه و پنج
صدم کل عایدات ... طبقه غیرممتازه را از دستش میگرفته. لااقل
نصف مداخل کسبه و تجار و عملجات و دهقانان ... کلیه مالیات میرفت الا دخل
... تحصیل ... نصف.

مالیات غیرمستقیم

مالیات های غیرمستقیم عبارت بود از مالیات نمک و رسم شراب مطبوعات
... تهیه اخراجات را حواله وصول میکردند و معهده نظارت ... بود از ش.
اجاره میکردند (شش سلطان ... در بین الاقوام مالیاتها را مقاطعه میداد) از این جهت وصول
اخراجات با کمال وقاحت و سختگیری عبارتیکه ... عمل مراقبت تام میکرد و بسیار
منفور ... صد از ... عوارض گرفته ... .

و مالیات‌ها [illegible] کلمه قبل از عرب آمده

وصول مالیات نمک در ازل کابل Gabelle می‌گوید

به خاطر ظلم و [illegible] در قرون وسطی مشهور شده ما در روزانه [illegible] ظرف [illegible] را

که ماهیانه برای نمک سود [illegible] گفته می‌شد پس ماده که [illegible] از ۱۴۱۲ ایالتی [illegible] در دوران

نمک مجانی از دولت [illegible] قیمت نمک با اختلاف ولایات مختلف بوده در

نقاطی مالیات نمک را باز [illegible] یا بعضی از این معاف شده بودند نرخ

نمک فرق می‌کرد بعضی ولایات که مالیات نمک سنگینی بود نمک گران‌تر از

ولایات معاف [illegible] در این مالیات [illegible] نمک تر محسوب نمی‌گردید. در ولایات معاف

مالیات [illegible] من نمک از ۵ تا [illegible] سانتیم بود آنها در نقاطی مالیات

نمک سنگینی بود [illegible] نمک [illegible] سانتیم می‌رسید. از روز [illegible]

این مبلغ در ازاء ۲۵ [illegible] هر شخصی که عمرش از [illegible] سال تجاوز بود مالی

سالیانه [illegible] لااقل نمک بخرد (در بعضی ایالات نیز) و این را نمک وظیفه می‌گفتند

[illegible] تخلف از خرید جرمی بود [illegible] و

مرتکب را اگرچه در کمال [illegible] نقره یا ناقره هم بود سخت تعقیب می‌کردند.

پارلمان [illegible] در آغاز انقلاب که درباره آن ایالات [illegible] اظهار داشت: «هر روز [illegible]

[illegible] به جرم نخریدن نمک توقیف یا سیاست [illegible] یا [illegible] می‌شوند»

این نمک وظیفه را مردم بایستی فقط در سفره غذا بکار ببرند [illegible]

«نمک کوزه و نمکدان» هم می‌گفتند اگر کسی این نمک را در نمک سود گوشت ذخیره زمستان

بکار می‌برد گوشت [illegible] ضبط و شخص او را به پرداخت [illegible] مجبور می‌کردند. قسمی

نمک [illegible] موجود بود [illegible] آزاد [illegible] می‌فروختند و مخصوص اینکه این نمک [illegible] را

رعایا بجای نمک گران طعام مصرف نکنند مقداری مواد سمی در آن میریختند چنانکه
امروز برای فروش الکل چراغ و غیره نظیر همین کار را میکنند و [redacted] آنکل را مخلوط مواد غیرقابل
آشامیدن میسازند .

مفتشین نمک که عده آنها به سی هزار نفر میرسید حق دخول منازل مردم و تفحص
اطراف و اکناف خانه و تفتیش و تحقیق را داشتند تا یقین کنند در هیچ خانه جز نمک دولتی
نمک [redacted] موجود نیست و آن نمک را هم از برای [redacted] خوردن مصرف کرده شده و تحقیق میکردند .
قاچاقچی را بسختی مجازات میکردند . کالون وزیر مالیه در ۱۷۸۷ با مجلس بزرگان اظهار
میداشت هر سال قریب سی هزار نفر را حبس میکنند و پانصد نفر را اعدام یا اعدام
و اعمال شاقه محکوم میسازند و تمام اینها [redacted] بجرم قاچاق نمک است [redacted] که دولت آنرا
میگیرد . (از نتایج این مالیات بقدری وحشتناک است که هیچ شخص عاقلی نیست که برای
انقلاب این طرز تحقیق حقوق را انتظار بکشد)

در وصول رسوم شراب (یا مالیه) هم همین اندازه سختگیری میشد [redacted] ادارات
رسمی میشد و در موقع فروش [redacted] و در دکانهای [redacted] جمع و نقل [redacted] رسوم و عوارض وصول میشد
در فاصله کارخانه تا دکان در مسیر ۱۸ جور نقطه مالیات را از شراب میگرفتند
[redacted] مثلاً در ورود شراب بشهر یک مالیات و در دکان [redacted] شرابفروش یک مالیات
دیگر باید پرداخت . یک قرابه شراب که در [redacted] مونپلیه Montpelier
۱۵۰ فرانک تمام میشد چون در پاریس بدست [redacted] مشتری میرسید ۱۲۳ فرانک
مالیات به او تعلق گرفته بود . از این مالیات سخت تر و زشت تر تفتیش مصرف شراب [redacted]
بود خانواده اعم از بزرگ یا کوچک دولت حق میداد در سال قرابه شراب در سال
مصرف کند اگر کسی بیشتر مصرف میکرد [redacted] آن شراب زائد را لاابالی نوش بگیرند

و ریش خانواده باقی بعضی جرگه به روزگار اروپا بطرف عادت قاچاق بود.
رسم شراب هم اثر عوارض بلند [illegible] در هر جا قسم خاص بود در بعضی
بلوک شده و روستاها از پایین [illegible] ملک ها اثر شهر بورگونی لکن ساحل چپ مالیات
ابداعیه (رسوم شراب) ملغا شد و مردم ساحل راست معاف بودند.

بخش عمومی

آنچه بیان شد اگرچه نسبتاً مختصر است لکن مشتمل است از هر موارد و برای درک اختلال جور
و ظلم تشکیلات سیاسی و اداری و مالی [illegible] و دوام استبداد و ابهام امور
و عدم تعدی کافی است. و خاصه اوضاع مربوطه بود و اشخاص هم که از اوضاع [illegible]
منتفع می‌گشتند فریاد برآوردند و چاره اوضاع را خواستند و نمیشد از طبقه نجبا آنانکه در دربار
مکنت داشتند و بر ملت وارد بودند و معاشر بودند کاملاً زیر ظلم و حقوق را درک میکردند
مسیو [illegible] نجبای ولایت آلبر در دستورالعمل نامه خود نوشته بودند که: «[illegible] حقیقت تنگ
وضع [illegible] گفته شود و انحطاط ملک و فقر زارعین و فاقه مالکین نتایج
طرز ایالات کنونی است .... در بر اساس استبداد و ظلم فاحش و تعدی زشت و تنگی مملکت است»

II

اوضاع اجتماعی - روحانیون - نجبا - بلدی - دهقانان

تشکیلات اجتماعی در سال ۱۷۸۹ عیناً نظیر [illegible] قبل یعنی [illegible] ملوک الطوایفی
[illegible] در قرون وسطی بود. و اصل اصلی جمیع تشکیلات عدم مساوات بود. ملت
فرانسه به سه طبقه بزرگ منقسم میگشت روحانیون نجبا و رعایا (طبقه سوم) دو طبقه اول
ممتاز بودند و ~~امتیازات [illegible]~~ ولی امتیازات
یادگاری [illegible] بیشتر حق [illegible] ؛ امتیاز حقیقی و مهم [illegible] معافیت از

مالیات تامی (ارضی و مستغلات) . روحانیون حق وصول مالیات دیم و عشریه یا عشریه
محصولات را داشتند و بجا هم عوارض مالیاتی قرون وسطی را چون از رعیت می گرفتند .
طبقه سوم مرکب از توانگران و عملجات و دهقانان بود و بعضی از توانگران
امتیازاتی داشتند و سنگین ترین بار مالیات بدوش توده ملت یعنی کارگران فقیر و دهقان
بینوا می افتاد .

نظر بعقیده احصائیه دوران زمان دولت فرانسه جمعیت فرانسه حقیقی بود و عموما
قطع بتخمین بیست و پنج میلیون نفری میرسیدند . طبقه روحانیون و نجبا هر یک دارای عده ای تا صد و پنجاه
هزار جمعیت بود و حقیقتا ... ۲۷۰۰۰۰ میرسید . نجبای مقتدر هم توانگران و کسبه را در ...
هم رفته دارای امتیازاتی کسانی که بعضا اگر محسوب بداریم مجموع افراد طبقات ممتازه به ۶۰۰۰۰۰
بالغ میگردید و بقیه افراد عادی و بی امتیاز از بیست و چهار میلیون تجاوز میکرد .

روحانیون — روحانیون بزرگ شرافت و مقدس شاغل که داشتند اول طبقه اهل مملکت محسوب میشدند
وجود صنف تقسیم میگشتند کشیش های تارک دنیا و غیر تارک دنیا (مقصود از غیر تارک دنیا اکثر رتبه های
پایین از [illegible] فرق دینی [illegible] بشمار می آمدند) کشیش های تارک دنیا هم از
رجال و زنان بالغ بر شصت هزار نفر میشدند و بعد با تنزل میرفته از سنه ۱۷۷۰
تا سی سال قریب ده هزار نفر از مجموع عده آنها کم شده بود . کشیشان غیر تارک دنیا یعنی روحانیون
قرار دولت به ۷۰۰۰۰ نفر میرسیدند .

~~[illegible]~~ : از این طبقات هشت زرین فقط روحانیون را
مرتبه اول طبقه بشمرد زیرا که فقط روحانیون دارای تشکیلات منظم و ارتباط منظم بین الافراد
~~[illegible]~~ میبودند . نماینده گان تام روحانیون هر پنج سال یکمرتبه مجلس عظیم تشکیل داده و دو باب

[illegible]

II

[illegible]

سایر مخارج مذهبی و کارهای اجتماعی فرقه و نیز حساب دستوری مخصوص و قرار توزیع مالیات
۱/۲۴ درآمد را، تقاضا میکرد میدادند. در اواخر مجلس عام روحانیون انگلیس تنها
حق نماینده آنها در دربار حاضر بود و از منافع آنها در حضور شاه دفاع میکرد.

طبقه روحانی مالکیت عظیمی در دست داشت. در تحقیقات کشیشها رسیدگی نمیکنند ملکوتی
مرتد دانسته و به نام کفر و تکفیر به آنها حکم را نقض کند.

ثروت روحانیون

روحانیون دارای ثروت هنگفت بودند. تحقیق نمیتوان میزان آن را معین ساخت
در سال ۱۷۹۱ کمیته مالیه در دوره حاکم از درآمد ثروت و دارائی
روحانیون کلیسا را در قیمت منقول و غیرمنقول اموال روحانیون را به سه میلیارد
تخمین میکرد. بنابر مشهور املاک کشیشها یک خمس ثروت فرانسه بود در بعضی ایالات
مثل ارتوا کشیشها مالک سه ربع اراضی بودند و در فرانش کونته و الزاس
نصف اراضی را در تصرف داشتند و در ولایت Velay ولی
تقریباً تمام املاک را به دست داشتند. بنابر تحقیقات بعضی تفتیش اموال
کشیشها در سال ۱۷۹۰ به عمل آمد عایدی سالیانه روحانیون کمتر
از ۷۰ میلیون نبود و بنابر قول لاوازیه Lavoisier عالم معروف در اقتصاد
از نظر معتبر به حساب میآید منافع سالیانه آنها به ۸۵ میلیون میرسید.
علاوه بر این عواید کشیشها از طریق وصول مالیات عشریه در ازای تمام محصولات
و محصولات دهقانان میگرفتند مبلغ هنگفتی میان ۸۰ الی ۱۰۰ میلیون فرانک داخل
میکردند. به خانه کشیشها عوارض مهم دیگری که از قرون وسطی بود از اموال و رقاب رایج

میگرفتند و در سال به ۵۰ میلیون بالغ میشد پس جمع کل مداخل روحانیون قریب دویست

یا دویست و بیست میلیون لیره بود.

بودجه روحانیین

از این مبلغ قسمتی مصروف ترمیم و نگاهداری ابنیه خیریه و بیمارستانها و مؤسسات امدادیه و مدارس و کتبخانهها و هدایای دیگر و صدقات و خیرات و مبرات کثیره

گشتن بود. بعلاوه این طبقه مبلغی به اسم بعنوان عشریه هر پنج سال از سنه ۱۵۶۱

پس از آن بجای منافع قروض عمومی تأدیه میکرد. و مخارج دیگر را نیز از این وجه میداد. از سال

۱۷۱۵ تا ۱۷۸۹ روحانیون به عوض این وجه مقرره فقط ۵۷۵ میلیون لیره پرداخته بعلاوه

بجای مالیات عشریه [illegible] و مالیات سرشماری و مالیات خمس عشریه هم در روحانیون

بجز از هر جا مداخل در سال به ۱۲ میلیون لیره بالغ میگردید.

از مداخل طبقه روحانی آنچه نقد بود بصنوف عالیه ~~که عبارت از آرشوک ؟~~

~~داوک ؟ باشند و عده از آنها در دربار شاهی مقیم بوده اینان به~~ یعنی اسقف ها و مطران ها

و صومعه داران و دیگران که مقیم دربار شاهی بوده و به روشنائی دیر (آبه) و کاهنین

تازه (Chanoines) داخل میرسید و عده کلی از صنوف تازه روحانی

از هیچ یک شش هزار نفر تجاوز میکرد. ~~[illegible]~~ بطور

متوسط هر اسقفی در سال صد هزار لیره عایدی داشت و بعضی از ایشان نظیر پرنس های

بزرگ بود. اسقف استراسبورگ شش صد ... ۶۰۰ لیره منافع داشت و

۱۸۰ رب در صومعه Clairvaux دیگر کل که حدود است.

[illegible]

داشت و سواران نیزه دار از پشت سر خود میانداخت. دهقان را (مون سنیور) می‌خواند

رعیتی دیگر بس داشت. سالها قریب سی‌صد هزار لیره دخل می‌کرد و رعیتی دیگر کلونی

عایدات او از حوالی هزار لیره تا دو می‌رفت. بیادمی ارزانی روحانی دیگر

سفارش می‌کنند یعنی نوکر و باربان و نجبا محسوب میشوند. آنها را بیرون از دولت

دیگر گذاشته و منافع موقوفه را آنها تیول دائم بود. در آغاز انقلاب صنوف

عالیه روحانیون تقریباً همه از میان نجبا و با رأی پادشاه منتصب روحانی منصوب

میشدند و ۱۳۰ اسقف نشین فرانسه تیول خانواده‌های متنفذ بود که موروثاً

از عمو به برادرزاده میرسید.

اما روحانیون عادی یعنی ۶۰۰۰۰ نفر خوری و نایب کشیش روحانی فقیر

بنده و از میان طبقه سوم که شاغل روحانی می‌پرداختند.

دولتی مرتبه هم عایدات اگر بود بجیب دیگری می‌رفت که از روحانی اعلای

وحضرات دیگر انجام نمی‌دادند. وزحمت این خدمات را بنواب و وکلای خود

واگذاشته و مبلغ مختصر از عایدات خود را بعنوان مزد بآنان میدادند. این مبلغ مختصر را

(«قوت لایموت») می‌نامیدند. کشیش‌های مرسوم بجای سالی ۷۰۰ لیره و نایب کشیش‌ها

سالی ۳۵۰ لیره از بابت قوت لایموت مواجب داشتند لکن بموقع تمام آن مبلغ

بآنان داده نمیشد. با وجود فقر و تنگدستی این کشیشان داشتند و بقول

یکی از آنها «ما سگ‌های دهات هستیم که پاسبانی صومعه کلیسا را می‌گیریم» با تیر اکثریت تیادی

طبقه روحانی را بپروارند از قبیل عشریه و پیشکش شاهانه و غنیمه شد یکی از عوارض آن

وصیت ایران از ۸۰۰ لیره عایدی سالیانه خود ۶۰ تا [illegible] ۱۲۰ لیره می پرداخت

طلبهٔ در وقف و عایدات کشیرهٔ ای در جهت کمی و بعض سنه‌ای نسبت [illegible] بروحانیون

ممتاز و عالی مرتبه داشتند و بقیه ادانی اقشاره در [illegible] دریای توانگری شناگر نشده

واز رنج و تنگدستی یا بپاپرها ذره تا شرمی شوند » . و چون این کشیش ان پست مرتبه

[illegible] با رعیت سروکار داشتند و از بدبختی و تنگدستی آنان مطلع بودند غالبا امداد

و مساعدت رعیت بودند و نماینده‌گان نیز [illegible] زمره روحانیون در تخریب

بنای استبداد با [illegible] طبقه سوم همراهی تام داشتند.

نجبا | نجبا در طبقه دوم هست دارند به دو دسته تقسیم میشوند ارباب سیف و ارباب قلم

دسته اول از نژاد نجبای قدیم و ترک یا از اعقاب ... بوده غالباً بالقاب [illegible] بزرگ

~~...~~

مثل دوک مارکی کنت وغیره ملقب بودند . دسته دوم ~~...~~

نجابت از القاب بعضی ... ~~[illegible]~~ و ... و اعمال دولتی بیشتر به آن راجع بوده ~~...~~

~~... ... ...~~

نجبای ارباب سیف منقسم بدو شعبه [illegible] گشتند بزرگان یا نجبای درباری

خردان یا نجبای ولایتی.

نجابت هم مانند روحانیت از امتیازات بیشماری بهره‌مند بوده و طبقه نجبا نیز

کشیشان طبقه ممتاز محسوب میشد زیرا [illegible] نجبا از مالیات شخصی تای Taille

(مالیات اراضی و مستغلات) معاف بودند علاوه از اعمال تعدیم قرون وسطی

۳۴۲۳ بعض حقوق و امتیازات بارث که بعد متعدد و آن ادوار بعنوان
دیگر امیر ولایت حافظ عرض و ناموس رعیت بود حقی برای نجبا ثابت شود بعد
و تا اینجا برای هم آنان حق را از رعایا و ولایت برداشتند از قبیل حقوق معمول
دهقانی از محصول دهقان بگیرند و عوارض جنایت و [illegible] راه‌ها
و هرگاه جز ارباب کسی قوه نگهداری ازا نداشت.

نجبا علاوه بر این فواید مادی را می‌بردند منافع معنوی مثل تفاوت
معافی و قیادت لشکر و سفارت و حکومت نیز [انحصاری کرده] در فواید مادی
عدم ازدواج طبقه نجبا کم بعد [illegible] تفاوت و مشاغل عالیه حق انحصاری
برزگان [illegible] محسوب شده و عده قلیل بعد.

برزگان

عده نجبای بزرگ از ۱۰۰۰ تجاوز نمی‌کرد از دوران پیش نیز نجبا کوچک
نیز بعد ترک مزارع و قراء خود و مسکن آوردن در شهرها و غیره در عهد هم چهاردهم
[illegible] پیش [illegible] خاصه [illegible] شدت [illegible] و بنابر قول [illegible]
در نتایج [illegible] تغییر زندگانی را پیش بینی میکرد و نجبا دست از کار کشیده دور
[illegible] و مادر [illegible] و رنگ [illegible] و سربار دیگران و مورد تحقیر
[illegible] برخی از این نجبای معظم در اواخر عهد

ملی، نظام و دوره سلطنت این شاه بود باز نفوذ املاک خود افزوده مجموع اراضی
شده در تصرف داشت وسیع زراعتی خود مراقبت می‌نمود اما میزان سرقت را
مشاهده نکرده.

این بزرگان در عصر املاک وسیع و منابع و عقار معتنا به داشتند علاوه‌بر
بسیار عظیم نظر می‌آمد اما در داخل این املاک وسیع چون ناگشته و نامزروع باقی مانده
بوده و مصاحبان خود محدوده و سیاحان فارسی اظهار تعجب می‌کنند که در این [illegible] و
«در فارس خانواده بزرگ و با قدرت و با [illegible] خوش حال» چیزی دیده نمی‌شود.
با این وضع بزرگان نجبا در کمال پریشانی می‌زیستند و درونی بار قرض خمیده بود
شده و یک دوره [illegible] شاهزادگان [illegible] ثروت او را به ۱۱۴
میلیون تخمین می‌زدند ۷۴ میلیون قرض داشت. و برای حفظ آبروی خود ناچار
مطالبات الحیل غارت شاهانه را توجیه کرده در دولت [illegible] و تنزل
و ستمی [illegible] می‌کرد. و از اینجا معلوم می‌شود در جوار تجار بزرگ تا این درجه تمایل
حفظ سلطنت استبدادی و انقیاد قدرت مطلقه شاهی بود.
مقام طلایی و معادل عظمی تجار بزرگ ریشه و [illegible] کهنه جمع
کثیری را تحت کم کرده تجار و دلالی [illegible] می‌کوشید این اتحادیه سرچشمه فیض را
مسدود ساخته و مقام شاهی بعضی [illegible] را احتکار نمود و [illegible] ترقی
و [illegible] دریافت [illegible] ذات [illegible] دیگران مسدود ساختند. بجای
رعیت [illegible] و تجار و کسبه نیز با زرگان در داخل میانه [illegible] داشتند زیرا که از آنها

تحقیر و نفرت می دیدند . و مقارن هم ازین طایفه در ختم معبد زیرا که
میگفتند این ملاکین بزرگ مزارع و مستغلات و اراضی وسیعه متعدده و هم برای اگر
و آنها را هر سال به سبب قحط و غلا دچار ساخته اند . و همچنین رعایا از بردن
عوارض مع وظایف خاص مهم بیش از پیش رنجش داشتند و بیچاره دهقانان نظر
بحوایج مربوط به حال خود نتوانستند از یک دینار این عوارض بگذرند و غالباً
این عوارض را با چاره و علم و شرکت در پای نفع خود انجام قبول میکرد . زیرا که
در وسط وصول عوارض از دهقانان می نمودند . و متعلقات دیگر نیز مستأجرین
بالای دهقان با مهر و مال الاجاره خود به سختگیریها و بیرحمی آن
بود و آن سهل می داشتند ولی تحقیری بیشتر که ملاکین و نجبای بزرگ به دهقان و دل
رعیت منتفر میساخت .

معهذا در دسته نجبای بزرگ مردمانی صاحب فکر وجود داشت بسیاری از آنان
به اصول عقاید فلاسفه و علمای اقتصاد گرویده بودند و چندی تن از آنان مثل مارکی
لافایت Lafayette و دوک دو بیرون و مارکی دو سگور Ségur
و غیره ده سال پیش ازین تاریخ به امریکا رفته و در آزادی امریکائیان از ظلم انگلیس
کمک کرده بودند و پس از مراجعت به وطن مانند در نشر اصول آزادی و مساوات
و لزوم تغییر اوضاع حکومت و احوال جامعه جد و جهد میکردند .

نجبای ولایتی

نجبای ولایتی که عده آنها به صد هزار نفر میرسید اکثر فقیر و محتاج بودند

بیشتر از ده یا بیست خانوار نبودند. بعضی از آنها در سال ۳۰۰۰ الی ۴۰۰۰ فرانک هم

عایدی نداشتند. عائله آنها غالباً متعدد و نان‌خوار آنها بسیار بود. بعلاوه

بکثرت اطفال دوچار میشدند و بدون ترتیب و تربیت بزرگ میشدند اینها هم ترقی نداشتند

زیرا که درجات عالیه لشکری مخصوص نجبای درباری بود ولی جوانان نجیب

در رتبه صاحب‌منصبان پایین ترقی نمیتوانستند کرد. لیکن نجبای ولایتی غالباً در

قراء خود مسکن داشتند و کمتر دیده میشدند استبداد را ترجیح داده و با رعیت

بکثیر دوری گرفته رفتار میکردند. در بعضی نقاط هم تقلید نجبای درباری حقوق

خود را با جابره میگرفتند و از این سبب میانه آنها و رعیت نگران بود در سایر نقاط

موافقت و مرافقت کامل میان آنها و اتحاد رعیت برقرار بود. حتی در بعضی

ولایات علاوه بر وجود خودشان رعایا احترام و محبت فوق‌العاده به نجبا

ابراز میکردند. چه در این نقاط نجبا با کمال عطوفت با رعایا رفتار

نموده و از احوال و اوضاع زندگانی آنها پرسش کرده اولاد و دهقانان را تربیت مینمودند

و در ایام مصیبت و سوگواری بعد آنها بر میخاستند و از هیچ مساعدت کوتاهی نمیکردند

لیکن نجبای ولایتی ~~[illegible]~~ نجبا از حیث اعتقادات دیرین خود را از دست دادند
شرافتمند بودند اکثر آنها تغییرات کامله اوضاع اجتماعی بعد کمی از آنها نیز
عیوب ملت استعداد را داشتند در هر ملک آنرا چنین بعضی معروف
معنویه الاشرافی گردید .

نجبای اداری

مطابق حساب نکر Necker در فرانسه ۴۰۰۰ شغل قضائی و اداری وجود بود
که دارندگان آن شاغل یعنی جمیع هزار نفر ~~[illegible]~~ الی شش هزار نفر برتبه نجابت
میرسیدند لیکن ~~[illegible]~~ مستقیماً امور را نجبای اداری تمام میگفتند ~~[illegible]~~
این نجبا از طبقه تجار و کسبه که ترقی کرده و بنجابت جدید نایل گشته ~~[illegible]~~
~~[illegible]~~ و میان خود تفاوت درجه هم داشتند و مثل نجبای سیف دو درجه
عالی و دانی یا بزرگ و کوچک انقسام می یافتند از و مستقر اعضای پارلمان
و محاکم عالیه درجه اول و صاحبان شاغل نازک تر محاکم عدلیه و ادارات عالیه
درجه دوم محسوب میگردید
چون مقامات و شاغل موروث بود از آنکه از جانب شاه بمقام نجابت میرسید
لیکن رتبه در خانواده ابقاء می ماند اعضای پارلمان و محاکم عالیه و دیوان محاسبات رفته رفته که
در قرن شانزدهم بنجابت ~~[illegible]~~ تحصیل شده بودند کاملاً برقرار بودند و از اعقاب آنان محسوب میشدند
تمامی خانواده های قدیم مستقر در پارلمانها و اینها اعقاب تازه بمقام رسیده
تفاوت بود بر یکدیگر برتری داشتند و در ... صاحبان ...
... در ... از صاحبان قلم بشمار ... در سنوات اخیره خاصه زمان دولت

بعد از این مجلس پارلمان با اعتراض دولت مخالفت ورزید و با وجود حقی که از ولایت داشت

اولیت جدید وضع کرده تقاضا داشتند و مسعود طبقات ملت زودتر انتخاب شوند

این دو مطلب مجلس پارلمان و تشکیل حکومت استبدادی و مخالف سلطنت مطلقه را بوجود آورد . یکی

در مورد صنفی که مجلس پرداخت با جنبش و اصلاحات ترک کرده ثبت ودین واقعی (ارفاع ۳) و دیگر اینکه

زیرا که واضح بزرگ امتیازات و حقوقات خود بودند و بحکم انتخاب دیگر طبقات سیاسی

کرده نماینده که به دستورالعمل از جانب موکلین خود ورود داشت اعضاء پارلمان دولتی

در دولت ... بالغاء امتیازات مجلس مخالفت اظهار کردند در صورتیکه اگر مجلس نمایندگان

و این صنف حتی دوک دو هارکور بالغاء امتیازات خود امروز موافقت می نمودند. حقوق

مجلس و این هم در مجلس طبقات شده بزرگترین مخالف و سخت ترین دشمن طبقه سوم بشمار می آمدند.

آنگاه مجلس ... اظهار حرارت بملت گرفتاری خود داشته و با زبان دیگری کمال

موافقت را می نمودند.

طبقه سوم طبقه سوم در مجموع امتیازی نداشت در واقع توده ملت را تشکیل میداد میان افراد و اصناف

در طبقه سوم اختلاف و امتیازی که در طبقات روحانیین و نجبا بنظر میرسید وجود نبود.

زیرا که این طبقه به چند صنف تقسیم میگردید: بورژوا (تاجران)- صنعتگران - کارگران و برزگران

صنف بورژوا ~~[illegible]~~ بود که مردمانی هستند که معاش می‌کنند یا شغل آزاد از قبیل
تجارت و طبابت و وکالت عدلیه داشتند. با ازدیاد ~~[illegible]~~ حقوق محروم بودند تا وقتیکه
ثبات امور شخصیه و صاحبان ملک و خانه هم عده آنها و ثروت [illegible] به حد رسید [illegible] (؟)
از این صنف محسوب می‌شدند از قبیل مردمانی و [illegible] مالیات تجار بزرگ هم از همین صنف
به شمار می‌رفتند.

بورژوازی

صنف بورژوازی در قرن هیجدهم به ثروت و مال زیاده شده بود. با وجود این جلو ترقی تجارت
روز بروز ~~[illegible]~~ وسعت و رشد [illegible] یافت و در ۱۷۸۹ ~~[illegible]~~ به ۱۱۵۳ میلیون به سطح تجارت
در اطراف ثروت و مال صاحب ثروت سرمایه [illegible] شد ~~[illegible]~~
~~[illegible]~~ ۰ از این ترقی اقتصادیات فقط طبقه بورژوا منتفع گردید و همین طبقه بود
در [illegible] شگفت شد. ترقی داد و دست تجار بزرگ [illegible] از قبیل ~~[illegible]~~ تشکیل [illegible] و اوراق [illegible]
و همین مستقلاً اختلال امور مالیه دولت با [illegible] این طبقه اطلاع می‌یافت و [illegible]
بر وفق نفع مسلط حقوق و در تشکیل قوانین دولت همین طبقه مربوط بود. و بنا بر این
همه قضاوت داشته‌اند در [illegible] و منافع ملک [illegible] دست برده در امور اداری شرکت می‌جستند.
از افراد این صنف اکثر دارای معلومات عهد و کتب علمی و اقتصاد و [illegible] را

شد مونتسکیو و ولتر و دیدرو را خوانده بعد از مغلوب اخیر طرفدار سلطنت و

مساوات افراد محسوب میشد. [illegible] مردم خودرا بجا برابر ساده و عدم دخالت دولت خود را

والقاب و مراتب اشرافی را و دولت بجای [illegible] در مملکت انقلاب اجتماعی

صورت گرفته و طبقه بورژوا را بجا [illegible] رساله ای آبه سی یس Siéyès

در ۱۰ ژانویه ۱۷۸۹ منتشر ساخت و شهرت فوق العاده یافت مرام و نیات صنف

بورژوا را خیلی بیان می کرد: «طبقه سوم چیست؟ همه چیز. — تا حال این طبقه در سیاست

چه مقامی داشت؟ هیچ — حال چه میخواهد؟ اینکه او نیز چیزی محسوب شود!»

صنعتگران

عده بیشتری صنف صنعتگران بعد یعنی استادان یا کارگران [illegible] خرده‌پای [illegible] که بعدها شاگرد

عده زیادی از [illegible] میلیون الی [illegible] میلیون تجاوز نمی کرد و اکثر در شهرها منزل داشتند و تقریبا یک عشر

مردم فرانسه را تشکیل می دادند. علت کمی عده عمله و صنعتگر بیان تنگ میدان صنایع و حرف بود

صنعتگران غالبا بطرز قدیم در اصناف [illegible] محدود و معینی داخل بودند چنانکه [illegible] تورگو در ایام

وزارتش سعی کرد صنف اصناف را از هم بپاشد [illegible] بعنوان سابق بازگرداند

[illegible] کی الغا نمیگردد [illegible] اصناف [illegible] انتظامات و رسوم سخت و تنگ خود روح

ابتکار و اختراع را خفه کرده و صناعت را از انبساط باز داشته است و به موافق بعد

که بار دوش آنها گرانتر از تعهدات اصلی بود. بالاخص و مهمترین حقوق فئودالی حق کار باشد

مجانی [illegible] در این کارگاه آزاد هم وجود داشتند. [illegible] از جمله

مزد [illegible] خاص در ملکیت [illegible] آنان [illegible]

بزرگ‌مالکان — فرانسه در سال ۱۷۸۹ اکثر بزرگ دهقانان بودند و قریب به عشر (۱/۱۰) ([illegible])

در سراسر دهات زندگی کرده و مستقلاً از ثروت اراضی انتفاع می‌بردند. یک عده بین آنها [illegible]

ده [illegible] کامل برگ (سرف) با قید عبودیت [illegible] فروش [illegible] و [illegible]. دهقانان اکثر

[illegible] روزمزد یا [illegible] خرده‌پا در تمام سال اجیر مالکین بودند و نان و جامه

و مسکن [illegible] در ولایت [illegible] غذا [illegible] در سال ۳۶ لیره ارزش داشت و در

ولایت بری ۲۵ لیره برآورد شده. [illegible]

رعیتی روزمزد روز بعد مزد خود را می‌گرفتند و [illegible] بیش از [illegible] روزانه [illegible]

آن دهقانان [illegible] می‌شدند [illegible] را با مالک قسمت [illegible] ادای مالیات و [illegible]

مالکین [illegible] و [illegible] بعضی از رعایا مالک [illegible]

آن عده [illegible] که [illegible] به [illegible] می‌رسید [illegible] حق استفاده از اراضی را

بعد [illegible] مجبور بودند و در سال [illegible] مالک [illegible] داده یا حقوق [illegible] را می‌پرداختند

و اینجا حالت از آن اضافه رعیت به دست تو دفتر ثبت شد.

بهره مالکانه | کاردیال در پیشاور در سال ۱۹۴۰ میگوید: «رعیت تا مالک است» و این عبارت

در سال ۱۷۸۹ نیز صادق بود. تمام عوارض و حقوق دیوانی بر او تحمیل میشد چه مالک زارع

و چه سهم مالکانه بیشتر در ۸ صورت بیش از ۵۵ درصد عایدات محصول را با تحمیل عوارض

بیش از نصف مالیات ... شاه تعیین کند. علاوه عشریه روحانیون (۱۰ ام) بر آن

وارد ... مالک ... بعض عنوان حقوق ارباب تادیه کند. از تمام این عوارض صعب تر

و دشوارتر ... دو تا را ... و دیگری را با مالیه میگفتند. و بیش از سایر

موارد در وصول آن سختگیری میشد.

مالیات ... به نسبت محصول اخذ میشد تقریبا نظیر عشریه بود

تا وقتی که ارباب حاصل زراعت را جزء بجزء ... میکرد و حساب ... (۱۰ ام) ...

دیگر و دهقان مجاز نبود ... گذشته محصولات را به خانه ببرد اگر ...

باران و طوفان ... میشد محصول ... بالنتیجه عبارت بود از عوارض

... آسیا و تنور و چرخشت ارباب ... دهقان حق

... گندم را جز در آسیای مالک آرد کند نان را جز در ... مالک بپزد

و اگر در روز [illegible] معصر و [illegible] مالک [illegible] بگیرد رعایا باز [illegible]

وظایف [illegible] عدیده [illegible] در بعضی نقاط [illegible] ۵ از [illegible]

[illegible] و [illegible] [illegible] شده دو دفعه [illegible] قطع کرده [illegible]

[illegible] ۲ [illegible] از [illegible] گندم را [illegible] و [illegible]

هر که [illegible] دیگر گندم را [illegible]

[illegible] بر رعیتی [illegible] سر ربع [illegible]

[illegible] از یک ربع [illegible] غیر مستقیم [illegible]

[illegible] در سوات [illegible] در واقع [illegible] از یک خمس [illegible]

[illegible] صرف [illegible] کند .

فقر عمومی

به علاوه بعد از [illegible] ۲ [illegible] قحط و [illegible]

[illegible] طبقات [illegible] [illegible] را [illegible]

سال ۱۷۸۸ [illegible] در زمستان سال ۱۷۸۹ از [illegible] . در ماه ژانویه

[illegible] (([illegible])) [illegible] . [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

در مملکت فرانسه صد هزار گدا بوده و در شهرها و دهات می‌گشتند و گاهی با اجتماع و دسته‌جات تشکیل می‌شدند

در پاریس از ۶۵۰۰۰۰ نفر اهالی ۱۲۰۰۰۰ نفر را از جمله فقرای گرسنه و مهیای شورش شمار می‌کنند

دستورالعمل مبعوثان هم پر از شکایت و داد و فریاد بود. مبعوثان ایالت برتانی می‌گفتند:

« ما حقیقتاً بنده و مملوک ارباب هستیم عوارض و بیگاری‌ها ما را غلام مالکین ساخته است

بلای عظیم و آفت مهم ما طرز فئودالیته است و باید هر قسم هست آن را ممنوع سازیم و دقیقه

آخر جایز ندانیم ». دهقانان شامپانی نوشتند: « اگر شاه کلبه‌های حقیر و مسکن‌های

بیچارهٔ ما و خوراک ما را می‌چشید واقعاً متأثر شده و بی‌نهایت در ملاقات

ما کوشیده و به ما رحمت آورده از بار ما کاسته می‌شود ». بی‌شک تقاضای برزگران

و دهقانان الغای عوارض ارباب و تخفیف مالیات ... بود.

النفس ... که در پنجم مه ۱۷۸۹ در کلیسای سن لوئی ورسای دعای

افتتاح مجلس طبقات ثلاثه را قرائت می‌کرد از شاه بدون جرأت روی منبر شاه را خطاب کرده

در روی تخت خود جرئت نموده گفت: « اعلیحضرتا ملت شما بر دوره سلطنت والا از صبر

و طاقت خود امتحانات غیرقابل انکاری داده است. این ملت مانند شهدا در حال جان

دادن هستند و رمقی دراز ... جز افزودن رنج و جان فرسایی برای آنها نتیجه‌ای نداده »

فصل سیزدهم

سلطنت در زمان انقلاب

مبعوثان ملت – مجلس مؤسسان – الغای طرز حکومت سابق

قانون اساسی سال ۱۷۹۱

مجلس مقننه – مقاومت شاه –

تأسیس حزب جمهوری طلب

سقوط سلطنت

سلطنت پادشاه فرانسه در زمان انقلاب سه سال و سه ماه بود از ۴ مه ۱۷۸۹ که مجلس مبعوثان ملت مفتوح شد تا ۱۰ اوت ۱۷۹۲ که سلطنت ساقط گردید.

این مدت را به دو دوره باید تقسیم کرد.

نخست – از ۴ مه ۱۷۸۹ تا ۳۰ سپتامبر ۱۷۹۱ یعنی دو سال و چهار ماه که مجلس مبعوثان طبقات ثلاثه مبدل بمجلس مؤسسان شده و رفته رفته طرز قدیم حکومت را منهدم ساخته طرح جدیدی ریختند.

دوم از ۳۰ سپتامبر ۱۷۹۱ تا ۱۰ اوت ۱۷۹۲ یعنی یازده ماه که مجلس مقننه مفتوح گردید و قانون اساسی را که مجلس مؤسسان در ۱۷۹۱ وضع کرد بموقع آزمایش و عمل گذاشتند

I

مجلس طبقات ثلاثه و مجلس مؤسسان

الغاء طرز قدیم حکومت

مبعوثان طبقات ثلاثه که در ۴ مه ۱۷۸۹ گشایش یافته بود روز ۱۷ ژوئن اسم خود را مجلس ملی نام نهاده سپس در ۹ ژوئیه مجلس خود را مؤسسان لقب دادند.

در مدت سه سال. انحلال طبقات ممتازه و محلی و سازمان [illegible] دو انقلاب سیاسی و اجتماعی شده.

اما انقلاب سیاسی عبارت بود از انهدام سلطنت مطلقه و تأسیس سلطنت مشروطه و تحدید قدرت شاه. تاریخ این اقدام روزهای ۱۷ و ۲۳ ژوئن ۱۷۸۹ بود که نمایندگان طبقات ثلاثه مجلس ملی تشکیل داده و ~~[illegible]~~ و حاکمیت خود را اعلام داشته و حاکمیت ملت را با قدرت پادشاه مقابله کردند.

اما انقلاب اجتماعی عبارت بود از الغاء امتیازات طبقات ممتازه و تعمیم مساوات میان فرانسویان. تاریخ الغاء این امتیازات و حقوق طبقات ممتاز شب ۴ اوت ۱۷۸۹ بود.

تفصیل تشکیلات جدیده و اساس انقلابات فوق را مجلس مؤسسان فرانسه در ظرف دو سال به رشته تحریر درآورده و در ۱۷۹۱ تحت عنوان قانون اساسی فرانسه تحریر نوشته شد.

این انقلاب بدون جنگ و خونریزی انجام نپذیرفت مستبدین در همه جا مخالفت برخاستند بر [illegible] دو مرتبه مداخله در کار کردند ابتدا در ۱۴ ژوئیه ۱۷۸۹ گارد ملی تشکیل داده و [illegible] را [illegible] به پاریس باز گردانیدند بعد در ۱۰ اوت ~~[illegible]~~ [illegible] سال [illegible] را [illegible] و با تخریب مجلس ~~[illegible]~~ [illegible] [illegible].

با تغییر تشکیلات سیاسی و اجتماعی ~~[illegible]~~ [illegible] فرانسه هم عوض شد [illegible] فرانسه را [illegible] در قرون ماضیه [illegible] اولی [illegible] گرفته و [illegible] مرحله [illegible] فرانسه [illegible] شده و در ۱۴ ژوئیه ۱۷۹۰ عهد اتحاد [illegible] فرانسه را از نو تشکیل دهند.

انتخابات

انتخاب مبعوثان طبقات ثلثه در ماه ژانویه ۱۷۸۹ شروع شد ولی در تمام
نقاط فرانسه و اکثراً واحد صورت گرفت. شعبه‌ها بعد چون یکدفعه مبعوثان طبقات
انتخاب شدند انتخاب عمومی دیرتر شروع شد و تا ماه مه ادامه. در دفترهائی که صورت
حوزه‌های انتخاب در آن درج بود عده از هر درجه و رتبه سلطنتی بطور مشخص ذکر
در دفتر برای بعضی حوزه‌ها ... نمایندگان داشتند و برای
حوزه‌ها از قرار اطلاع معلوم که ... اهمیت بسیار داشتند.
در ... روحانیون و نجبا مستقیماً نمایندگان حوزه را انتخاب کردند طبقه سوم انتخاب دو درجه را
معمول داشت و بسیاری از افراد طبقه دهاتی در شرکت نجستند فقط اشخاصی را که دارای
... مالیات مستقیم می‌پرداختند و سن آنها کمتر از ۲۵ سال نبود. ابتدا
مردم ... در کلیسا جمع شده و نمایندگان انتخاب کردند و این نمایندگان ... از میان خود
عده‌ای را بسمت مبعوث برگزیدند. عده مبعوثان طبقه سوم بنا بر فرمان شاه مورخ ۲۷ دسامبر
۱۷۸۸ دو برابر نمایندگان روحانیون و نجبا بود. مجموع مبعوثین ۱۱۹۶ نفر
بود که ۵۹۸ نفر از آن از افراد طبقه سوم صورت گرفتند. لیکن ظاهراً ... ولی
در باطن ... از روحانیون هم که گرایش آزادیخواهانه داشتند و اتفاقاً به طبقه سوم نزدیک بودند (۲۵۰ نفر)
بعد فی‌الحقیقه جزو طبقه سوم محسوب شدند و بنابراین عده مبعوثان
رعیت ... الغای امتیازات روحانیون ... بودند.

[illegible] (در حاشیه، در کادر)

در [illegible] انتخابات [illegible] انتخاب کنندگان [illegible] در کلیسا؟
جمع شده و کاندید را به استعلام عادی [illegible] ملت [illegible] در تقدیم دیگر
خود گفته [illegible] از قدیم الایام عادی بوده و [illegible] طبقه [illegible] شده [illegible] از هر کلی
خودی گرفته . بدین ترتیب تقریباً (۵۰۰۰۰) دفتر نوشته شد در بعضی نقاط هر سه طبقه را جداگانه
و بعضی در وحدت مجتمعاً یک کاندید به ترتیب [illegible] داده بودند .

هر سه طبقه در مطالب ذیل تقریباً اشتراک داشته :

اولاً مناصب و [illegible] های ملت را از قدرت فوق العاده [illegible] و [illegible]
[illegible] را در حدود عقاید [illegible] محدود ساخته و [illegible] قانون و حقوق شاه و ملت را تعیین کند وضع کنند .
و قانون [illegible] جمیع [illegible] و روابط اتفاقی قرار داد . [illegible] محدود ساعی
[illegible] تجلیل [illegible] [illegible] خود را [illegible] در [illegible] تا قانون
[illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] بپردازند
[illegible] قانون [illegible] آزادی [illegible] و حریت عقیده و [illegible] را تأمین داد .
[illegible] مجهول و [illegible] را [illegible] ملغی سازد .
[illegible] ملت [illegible] و ملت [illegible] وضع قوانین [illegible] و مالیات
وضع کند [illegible] . [illegible] آنها حق [illegible] داشته باشند . و مالیات [illegible]
[illegible] [illegible] ملت توزیع کرد [illegible] تقریباً باتفاق [illegible]
[illegible] [illegible] حق [illegible] و مالیات [illegible] وضع [illegible] بر آنها
وضع کرد [illegible] [illegible] را [illegible] خود [illegible] که از حقوق [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] بهره‌مند باشند .

[illegible]

این اقدامات از طرف مردم با نهایت متانت و عدالت میشد. انتخاب کنندگان موظف بودند
توجه میکردند که نسبت بیکدیگر کمال اتحاد را داشته باشند. با اتفاق کامل و حرکت دائم برای
نیل بمقصود کوشیده اما در نهایت نظم و با نظم و ترتیب کامل. بهیچکس بخاطر نمیگذرانیدند
انقلاب و سختی در پیش است. طبقه سوم که الغای حقوق و امتیازات طبقات ممتازه را تقاضا
داشت ابدا این خیال را نمیکرد که ترتیبات این تقاضا انجام بگیرد بلکه تمام کمال میداد و بتدریج انتظار
جمیع این فرمانها محبت مردم نسبت بشاه افزون داده و دل داشته و با بیانات بسیار موثر اظهار محبت خود را
ابراز میکردند و از آنجمله در معروف شهر ... مثلا مجلس ... عموم مردم با یکرای
دهقانان اوراق ... چنین نوشته. و در ... و ... در
مقام اعلیحضرت ... اعلیحضرت عادل ترین مردم عالم است و ما او را
لویی عادل لقب داده و ... پدر خود ... دادیم » معروف ... بنده ...
میگفت: « اعلیحضرت ... تنزل ... را قبول نموده است »
... امیدوار بود ... ختم شد و سعادات و خیرات تجدید خواهد شد. معروف
او کرد ~~...~~ میگفت: « در ... سه ...
نظیر ... است. »

شاه

این محبت عموم بپادشاه، و امیدواری مردم به ... بعد اعلیحضرت ... شاه را
با مساعدت موافق شده است. و نکر Necker وزیر هم قبل از شروع با انتخابات
صورت ... مذاکرات شورای دولتی ۲۷ دسامبر ۱۷۸۸ را منتشر ساخت و ...
حاضر است ... طبقه سوم اضافه داده شد برابر عده نمایندگان روحانیین و نجبا وکیل
انتخاب کند. این صورت ... مذاکرات حاوی اطمینانات پادشاه بود از ...

شاه. قول فرموده بود که جمیع طبقات ملت متفقاً [illegible] و در ضمن رفع [illegible] داده

راحتی بیشتر و ادارات مملکت اصلاح گردد و آزادی افرادی ملت تأمین شود و غیر ذالک.

و به هیچ وجه این مطالب عملی و [illegible] ملت بود چون میل شاه و [illegible] کل [illegible]

و هیچ موجبی برای انقلاب موجود نبود [illegible] بین [illegible] همه‌گونه [illegible] و دوستی [illegible]

خوش و عملی اصلاحات و تغییرات [struck through] فاتحه بپذیرد

[struck through] اگر فرزند [illegible] باو [illegible] از [illegible] بوده

بهمین قسم نگذشت که [illegible] در نتیجه جوان بود ۳۵ ساله اخلاق و صفات حمیده او

بسیار پاک و صفای کودکانه بود اما [illegible] تو عاقبت او هیچ وقت از رحمت دولت

خارج نگشته و جوان فعال و متوسط و باتقوی بود. افراط در الکل و شرب مخصوصاً بعد از مراجعت

از [illegible] تن او را فربه و مغز او را تیره ساخته بود مرض [illegible] تو [illegible]

[illegible] چنین نوشته است [illegible] افراط شده در الکل و شرب [illegible] گاهی

عقل او سر او میرفت [illegible] عزم داراد لوئی [illegible] از استبداد [illegible]

هیچ از پیش سست و ضعیف گردیده بود برادرش کنت دارتوا گوید: «اگر

بخواهید اخلاق شاه را بدانید چند گوی عاج روغن زده را فرض کنید که چگونه

با هم فراهم نیامده و دائماً رو بگریز دارند اخلاق و [illegible] لوئی [illegible] است»

کلام بزرگی در او موثر نیفتاد با تغییر مخاطب و هم صحبت عقیده و آرای او تغییر میکرد

دختر [illegible] نیز می‌نوشت آزادی‌خواه و طرفدار اصلاحات بود چون

نفوذ مادی اطرافیان [illegible] مستبد و خصم هر تغییر و اصلاح [illegible]

و بیچاره [illegible] برادرش کنت دارتوا مصاحبه میکرد [illegible] عقل سلیم و قلب صاف او

مغضوب ملکه میگردید. بدین جهت هر یک از درباریان می توانستند بار اوامر فاحشه خود
شده را از عقاید و تعصبات خود منحرف سازند. اوایل روز [illegible]
که از ملکه رفتند میگفت ۱۵ ش. عمر خود را در این طور گذرانده است
لوئی ضعیف قلب و ذهن بود، ولی منبع تمام مصائب و [illegible] او نبود. لیکن تردید
رأی و عدم ثبات یک عقیده و جنگ [illegible] سلب اعتماد عمومی گردید [illegible] مردم
فرانسه تردید را از روی [illegible] و [illegible] شناخته بودند. بعد از [illegible] و [illegible]
در سنه ۱۷۷۴ جانشین پدر [illegible] سر او هم مثل سر شارل اول پادشاه انگلیس
بر باد رفت.

افتتاح مجلس مؤسسان طبقات ثلاث

~~[illegible]~~ مجلس مؤسسان [illegible] در صدد [illegible] ~~[illegible]~~
[illegible] و [illegible] ~~[illegible]~~ گردیده بود. [illegible] روز ۳ مه نمایندگان
[illegible] را بحضور [illegible] و معرفی کردند. [illegible] یک کلمه [illegible] [illegible] از [illegible]
نمایند [illegible]

روز سه شنبه پنجم مه ۱۷۸۹ در تالار بزرگ هتل منو در شهر ورسای مجلس مؤسسان را
مفتوح ساخت. با عبارات کوتاه [illegible] و [illegible] گفت من شما را فراخ
آورده ام در مرادایی [illegible] تا [illegible] را تنظیم کنیم. [illegible] [illegible] که من وظیفه شاهی
خود را خوب میدانم و قدرت خود را محفوظ میدارم و شما را با اجتناب از پیروی گفتار متجددین
توصیه میکنم. و یک کلمه از مطلب و مقصود عمومی [illegible] قانون اساسی [illegible] بر زبان نیاورد
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] قانون ~~[illegible]~~ [illegible] و سه ساعت تمام در [illegible]
مالیه [illegible] نطق نمود.
وکلا ترنج [illegible] و حیرت شده و از [illegible] تاریخ افتراق بین نمایندگان
طبقه سوم و پادشاه شروع گردید. [illegible] درباریان [illegible] با اعتراض
[illegible] و عبارات [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بدون [illegible]

تاریخ جامعه

صندوق داری شاه فرستاده نیز به وظایف منتشر در دست خارج : ۵ بیانیه ۲۳ شاه ژوئن

هیوان ۳ ... و دیواری آفت جان ما خواهد بود جز ...» . و از این وقت میان

طبقه سوم و نجبا هم دوباره خصومت افتاد و طوفان و تشنج و جدال میان نجبا و رعایا

و درباریان از هر طرف بجوش آمد .

مجلس ملی ~~عنوان مجلس ملی~~ که روز بعد از افتتاح مجلس نزاع شروع شد بابت

رسیدگی به اعتبارنامه و شرایط قانونی و انتخاب وکلا . مبعوثان طبقه سوم پیشنهاد کردند که

تحقیق و رسیدگی بطور مشترک صورت بگیرد و نمایندگان نجبا و روحانیون را از اطاق های

جدا ~~...~~ حاضر شده دعوت کنند که در مجلس آنها آمده شرکت در رسیدگی و شور

وارد گردند . نمایندگان نجبا باتفاق آراء این پیشنهاد را رد کردند . وکلای روحانیون

جواب صریح ندادند و خود را میانجی دو طرف ساختند .

رد یا قبول این پیشنهاد کمال اهمیت داشت . اگر شرکت هر سه طبقه داخل

شور و گفتگو میشدند همه امتیاز طبقاتی ملغی شده مساوات قائم میشد زیرا که در این

صورت رأی باکثریت افراد بود نه بنا بر رأی طبقات و چون طبقه سوم باندازه مجموع طبقه

روحانیون و نجبا نماینده داشت پس در این ترتیب اکثریت با رعایا میشد .

اما مبعوثان نجبا از ترس این برتری طبقه سوم بود که پیشنهاد فوق را رد کردند زیرا

در آن ... اختیار ... تثبیت شده بود که باید با شرکت طبقات دیگر امور مهم را

بگذرانند و بطور سرشار در مسائل معضله مثل امور مالی و غیره اتخاذ رأی نمود . بلکه

سبب اصلی رد کردن نجبا این بود که حق خواهی و غرور باینها اجازه نمیداد با

وکلای رعیت همشان و هم ردیف باشند .

بعضی از نمایندگان هیئت کلیسا و [illegible] [illegible] بجنبید .
روز دهم ماه ژوئن طبقه سوم دعوت [illegible] پیش از این [illegible] از اوضاع [illegible]
[illegible] گذشت [illegible] ناچار [illegible]
مشغول [illegible] نمایندگان [illegible] شد . بعضی از کشیش‌ها [illegible]
[illegible] نمایندگان بواسطه [illegible] رعیت پیوستند . روز چهارشنبه ۱۷ ژوئن
بنابر پیشنهاد آبه سییس Sieyès وکلای طبقه سوم [illegible]
با اکثریت ۹۶ [illegible] مجلس ملی تشکیل شد
بر [illegible] مجلس [illegible] مالیات‌های سابق را [illegible]
[illegible] نمود و [illegible] مجلس [illegible] اختیار [illegible] دولت [illegible]
تا [illegible] مجلس [illegible] .
[illegible] قدرت مطلقه سلطنت [illegible]
[illegible] سلطنت [illegible] اختیار [illegible] .

منازعه شاه و مجلس

شاه بنابر تحریک درباریان در صدد [illegible]
[illegible] مجلس [illegible] .
[illegible] مجلس [illegible] ژوئن [illegible] نمایندگان [illegible] ۹ صبح [illegible]
[illegible]
[illegible] مجلس [illegible]
[illegible] شد . [illegible]
[illegible] Jeu de Paume [illegible]
اجتماع کرده [illegible] ریاست Bailly و [illegible]
[illegible] قانون اساسی [illegible] متفرق نشوند
[illegible] پس [illegible]

[illegible] ۲۴۷ [illegible]

مبعوثان روحانیون در مجلس ملی شرکت نمودند و بعضی ملحق شدند.

روز ۲۳ [illegible] شاه در مجلس حضور یافت و در نطق اعلان کرد که تصمیمات مجلس باطل و ملغی است و باید
مطابق قاعدهٔ قدیم وکلا تفکیک شوند و در جلسات آتیه هر طبقه از طبقات سه گانه در اطاق جداگانه
بنشینند. در پایان نیز احکام شاهانه [illegible] قرائت گشت.

شاه تصور میکرد با این عمل وکلا را از میدان بیرون خواهد داد ولی برخلاف انتظار او
عصیان کردند [illegible] یکی از وکلا بعد از جلسه گفت: «تا کنون استبداد با این جرأت
بر حقوق ملت تجاوز نکرده است. تا کنون هیچ عنصری از خودسر حق چنین فرمانی نشنیده است»

چون شاه خارج شد نمایندگان طبقهٔ سوم و بعضی از مبعوثان روحانیون برجای ماندند.
رئیس کل تشریفات دربار که Dreux-Brezé نام داشت پیش آمد و به
Bailly رئیس مجلس خطاب کرد: «آیا فرمان ملوکانه را شنیدید؟» رئیس
جواب داد: «به نظر من ملت در حال اجتماع فرمانبردار کسی نیست». یکی از
نجبا که طبقهٔ خویش او را خارج کرده بود و از جانب طبقهٔ سوم وکالت یافته
انتخاب شده بود سخن آغاز کرد. این شخص میرابو نام داشت چنین گفت: «بروید با کسانی
که شما را فرستاده‌اند بگوئید که ما به حکم ارادهٔ ملت در اینجا فراهم آمده‌ایم و جز با سرنیزه ما را
از اینجا خارج نتوان کرد». بالاخره میرابو پیشنهاد کرد و مجلس پذیرفت که
قانوناً اعضاء مجلس ملی از هر تعرضی مصون باشند و هر کس بعد از ختم این جلسه
برضد وکلای ملت قدمی بردارد «خائن وطن» است.

شاه حرکتی نکرد چه اگر [illegible] چون از [illegible] مجلس اطلاع [illegible]
[illegible] روی آورده و [illegible] شاهی [illegible]. بعضی
از قشون [illegible] میگفتند: «ما نیز از طبقهٔ سوم ما سرباز ملت هستیم»
بر پایه این [illegible] از پیش رفت. پس چون شاه خبر داده که
وکلا حاضر برای حرکت نیستند گفت «بسیار خوب حال که میخواهند بمانند بمانند!»

مجلس موسسان

چهار روز بعد بر شاهزاده [illegible] و ملل طبقه روحانی و نجبا نیز خود را داخل مجلس ها کردند
از این جهت انقلاب ظاهر شد. خود شاه هم دریافت که در مقابل قدرت اقدامات ملت و مجلس
ناتوان است و فرو رفت. پس از چند روز را میتوان ختم سلطنت مستبده از نظر محسوب داشت.
بر جای او اساس حکومت سلطنت مشروطه را معمول ساختند. روز هشتم ژوئیه مجلس ملی
انتخاب کرد که طرح قانون اساسی را بریزد و خود در روز نهم نام مجلس موسسان گرفت.

مقدمات کودتا

در این وقت مجلس ملی [illegible] از خطر مستقر نبود. ملکه و درباریان
و سایر [illegible] را وادار [illegible] کردند. از ۳۰ ژوئن افواج
دولت [illegible] سربازان غیر فرانسوی [illegible] در پاریس جمع شده و قریب [illegible]
در اطراف ورسای [illegible] فراهم آمدند [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] تقویت [illegible] و دیگر [illegible] مجلس [illegible] کردند.
روز هشتم ژوئیه میرابو و لافایت [illegible] جمع قوای دولت را [illegible]
قرار دادند و [illegible] از این [illegible] برای حفظ مجلس تجهیز شود. مجلس
[illegible] [illegible] فرستاده تقاضا [illegible] قبول نکرد
روز دهم شاه [illegible] تقاضا را رد نمود. فردای آن روز [illegible] را معزول
و [illegible] وزارت جنگ منصوب کرد.

[illegible]

[illegible] مجلس [illegible] داده و [illegible] در اطراف چهار روز [illegible] انقلاب [illegible]
[illegible] مردم [illegible] از [illegible] [illegible] روز یازدهم ژوئیه [illegible]
[illegible] را معزول کرده است [illegible] و [illegible]
را [illegible] [illegible] بستند [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] انقلاب بزرگ [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

پول از سرحد خارج کرده و از راه حدود ایطالیا خود رسانده است. در قصر اطراف را اداره خالی و ترک کرد
هرکس از طرفی بالای صندلیها و میزها رفته و مردم را تحذیر به خطرهای بزرگ متنبه
میکرد. از جمله جلب نظر خبر میداد که بزودی قتل عام وطنخواهان شروع خواهد شد
و به هر وطن پرستی واجب است که از آزادی دفاع کند. معروفترین از خطبای جوان نامی مردم
کامی دمولن Camille Desmoulins بود که از جیب طپانچه‌ای بیرون آورد و روی میز
عصر انقلاب گردید. غارت دکاکین و اسلحه خانه‌ها شروع شد.

از روز یکشنبه ۱۲ نهضت مردم مبدل بشورش گردید و همه روزه گروهی از اتباع ایالات
در قشون شاه بعنوان تفریح کنندگان قدیمی را هدف قرار داده شلیک کردند مردم خشمگین
بجان آمده و شورش انقلاب شدت یافت. روز ۱۳ ناقوس خطر را بصدا
درآورده گروه گروه مردم با شمشیر و قداره و تپانچه و نیزه و سیخ و چماق
در کوچه‌ها بگردش مشغول شدند. انتخاب کنندگان شهر پاریس در عمارت بلدیه مجمع شدند
و کمیته‌ای برای تهیه ارزاق تشکیل داده و برای حفظ شهر قشون ~~[illegible]~~ [illegible]
ملی قشون دیگر بعد از چند ساعت دوازده هزار نفر از بهترین مردم شهر به اسم
نجبا و تجار و عمال و اهالی محترم که شغل داشتند و از عده مایه
در قشون گارد ملی شد.

تسخیر قلعه باستیل

صبح سه شنبه ۱۴ جمعی از شورشیان به مهمانخانه انوالید وارد شده ۲۸۰۰۰ تفنگ و توپ
بدست آوردند جمعیت دیگر مرکب از توده‌های فراوان و عملجات و روستاییان و تجار و دیگران
بجانب مشرق شهر رهسپار شده در مقابل قلعه باستیل مقداری اسلحه بدست آوردند. ولی آن
قلعه را دیدند چنین توپ منظم آورده بود بطرف قلعه باستیل اشغال و بجانب شهر نشانه بود
مدافعین دو سه روز از دیوار باستیل و دستیاران و دهقانان آنها هم توپ کرده از سوراخ قلعه برداره

~~[illegible]~~

[illegible] به مذاکرات ~~[illegible]~~ در قزوین بود ~~[illegible]~~ از اول [illegible] شد

ولی [illegible] به سبب [illegible] . مجاهدین حمله کرده و بعد از [illegible]

۲۰۰ نفر تلفات [illegible] قریب صد و ده نفر [illegible] مجبور به تسلیم [illegible]

و [illegible] عالم را [illegible] رسانیده شد . [illegible] که [illegible]

[illegible] بود [illegible] اسلحه را از [illegible]

مستقر [illegible] . بعد از تسلیم [illegible] شاه نیز تسلیم گردید . روز ۱۵ ماه شاه

به سفارت [illegible] داد در [illegible] استرداد [illegible] روز [illegible]

از [illegible] خارج شده [illegible] روی [illegible]

روز ۱۶ [illegible] را [illegible] داد و روز ۱۷ [illegible]

و [illegible] را تأیید [illegible]

[illegible] القدر [illegible] بیرق [illegible]

و [illegible] از [illegible] القدر [illegible] شاه [illegible]

یعنی [illegible] تغییر [illegible] واقع شده است [illegible] شاه [illegible] می‌کرد .

[illegible] ۱۴ [illegible]

حوادث [illegible] تاریخ [illegible] در [illegible] شد .

و [illegible] از مردم [illegible]

[illegible] شده [illegible] از [illegible]

از حوادث [illegible] شاه [illegible] شده

فتح باستیل تمام فرانسه را بهیجان آورد. و اگر چه تا آن زمان در سیصد سال گوید
«علت فرانسه از باستیل می ترسید و مربوط باو نبود» و اگر چه عده‌ای باستیل محبس
اشراف بود و متوده ملت وضع نمیشد آنها [illegible] منکر شده در فتح آن قلبی‌ها
و شوق فوق العاده در مردم او [illegible] را نمونه استبداد و تمثیل
ظلم میدانستند و فتح آن علامت محسوس انهدام بنای استبداد محسوب میشد. و اکثر
ولایات تمام تقلید مردم پاریس کمیته‌های دائمی تشکیل داده و دست حکام و نمایندگان حکام را
از کار کوتاه کردند و قشون ملی تجهیز نمودند و حتی قدرت و نظم حکومت ولایتی مستقر تشکیل دادند

رعب عظیم روز ۲۰ تا ۲۰ ژوئیه تا اول اوت در سراسر فرانسه وحشتی عظیم حکمفرما شد که منشاء
آن هنوز هم برای ما پوشیده است. بعضی گویند از مجعولات درباریان و برخی گویند از
دسایس انگلیس‌ها و بعضی گویند افکار ضد انقلابی [illegible] خبر وحشت انگیز منتشر
[illegible] ده هزار و فراری با اقسام و انواع اسلحه [illegible] که بعضی قطاع الطریق
[illegible] نقاط مختلف دست گرفته [illegible] با خاک یکسان میکنند و مردم بیچاره
[illegible] [illegible] را منقلب میگفتند در سواحل خبر میدادند [illegible]
[illegible] قشون انگلیس وارد [illegible] شده بنابراین اخبار دهقانان
[illegible] اسلحه برداشته [illegible] دفاع جان [illegible] که بعد
از تکذیب خبر وحشت انگیز [illegible] اسلحه را بزمین نگذاشتند دهقانان
[illegible] معتبر [illegible] اسناد قدیمه را [illegible]
آن [illegible] حقوق و مالیات ارباب [illegible] از بین ببرند شورش
[illegible] عظیم رخ داد. دهقانان [illegible] که [illegible] منافع [illegible]
[illegible] شده [illegible] در [illegible] اخیر روسیه دهقانان [illegible]

دست گذاشتند و تصور میکردند بقایای ... تمام خواهد شد. تمام این وقایع در چند روز از ماه دوم حادث گردید.

شب ۴ اوت

وضع ثروت و املاک در مجلس مرکزی تاثیر کرد و دامنهٔ انقلابات را بسط داد. شب چهارم اوت مجلس تصمیم گرفت که با عتق اشراف و الغای امتیازات فائق آید. ویکنت دو نوای Noailles که از اشراف طبقه نجبا بود [illegible] بجران خود را گفت که تساوی عمومی وجود دارد و آن حقوق اعیانی و اشراف است در [illegible] قرون وسطی برقرار داشتند. جای آن است که [illegible] قسمتی از حقوق مزبور را ملغی ساخته و قسمت دیگر را عوض ابتیاع بگذاریم. پس از او دوک دگیون و اسقف شارتر نطق کردند و شور و هیجان در مجلس پیدا شد و مجلس بدون ورود در ... تمام آنها را تصویب کرد. تا ساعت دو بعد از نصف شب بسیاری از حقوق عتیقه ملغی شد از این قبیل: حق مالکیت اعیانی - حقوق مالیاتی - حقوق صید - حق ابتیاع مالیات عشریه و غیره - امتیازات ولایتی - امتیازات انفرادی - حق خرید و فروش مشاغل - نمایندگان جوانان بیانات مفصله که ... و غیره که از ... گذشته بودند و بر طبق آن حقوق دیگر را در راه خوشی فرو گذشتند و چنان از روح شخصی گذشته و بنفع عمومی منصرف شدند که با اختیار دست میزدند و فریاد شادی میکشیدند. بیاری حکام صلح اشراف مقرر داشتند که دعاوی ... حق ... در محاکم عمومی قطع و فصل یابد ... و ... قانون مهر شغل ... تمام ... بر ... پذیرفته گردد. در حقیقت در ... ساعت انقلاب اجتماعی را نیز خاتمه دادند و ... را رسانیدند. رعیت از بار سنگینی مالیات رها گشتند و امتیاز طبقات را موجب افتراق بود از میان برداشتند و جمیع افراد ملت فرانسه را مساوات [illegible] دادند. در واقع چیزی از اصول قدیم برجا نماند.

[illegible]

ایام اکتبر

لوئی شانزدهم بعد از انقلاب ۱۴ ژوئیه و بعد از تجدید انتصاب نکر بوزارت مجدداً
مقبولیت عامه یافت. مجلس اورا «مجدد آزادی فرانسویان» لقب داد. اما نتوانست
از این مقبولیت استفاده کند. بلکه اغلاط جدید و خطاهایی تازه که بواسطه
تأثیرات سابق اندازه مرتکب شد موجبات وقایع را فراهم ساخت و در اوایل
۵ و ۶ اکتبر ۱۷۸۹ بحران جدیدی تولید شد و در نتیجه بقیه قدرت پادشاه از میان رفت
برای دیگر تصمیمات مجلس که در غیبت او گرفته بود قوت قانونیه با بی‌رغبتی
و تصدیق شاهی موشح شود. اما اطرافیان لوئی شانزدهم مانع شدند تا از تصویب هیچ
قانونی را امضا کند. لذا تعویق در امضای مجلس (قوانین مصوبه) را بخشم آورد. مذاکرات هم مجلس
در خصوص قانون اساسی میکرد بتدریج موجب قطع روابط گردید. در اثنا هم قحط و غلا
هم بروز کرد. وخامت اوضاع مالیه و هم درشتی‌ها هم با مهاجرت جمعی بیگانه
طلب هم در خاک فرانسه مردم را بشورش دعوت میکردند. اگرچه کاملاً نقش
این اشخاص معلوم نشده ولی بعضی گویند محرک آنها دوک دورلئان بود که در صدد
انتقام صدماتی را که خورده به شورشیان اموالی داده بود بگیرد و بعضی
معتقدند که دوک دورلئان محرک شده لیکن اشخاص را اجیر داده بود
که لوئی شانزدهم را از تخت افکنده و خود سلطنت بر سلسله اورلئانها
بجای سلسله بوربون قائم سازد. لکن علت حقیقی قلت ارزاق
و هم قحط و غلا بود. بنابر قول سفیر انگلیس «عقلها را نان ربوده بود»
که از سیاست آن زمان گوید: «جز رنگ زرد پریده و چهره‌های لاغر
در کوچه و بازار نمی‌بینیم. مردم در دکان خبازی برای یک قرص نان هم بجنگ و دعوا پرداخته‌اند»

و روز ۳ اکتبر این ... خبر داده شد که در قصر ورسای روز اول ماه قراولان خاصه شاهی
مهمانی بزرگی از افواج جدید الورود داده‌اند ... این خبر هم منتشر شده
در وقت ... سربازان ... سه رنگ را زیر پا افکنده و نفت ...
... داده‌اند و ... در این ... بزم حاضر شد و سربازان ...
... تهیه کرده است.

روز دوشنبه پنجم اکتبر ... هزاران ... زن ... را حرکت داده‌اند
بجانب ورسای رو گذاشتند و ... بجستجوی شاه میرویم. از دنبال ... گروهی
عظیم از ... عده‌ای بیکار و افراد ... قشون ... حرکت کرد. چون شاه
خبر رسید اگر چه قشون کافی داشت ... ... دست از ... و حتی
برای ... خانه ... کامل ... در ... نقطه ... به‌
برای ... شورشیان ... . در ساعت شش ... انتقال شده و ...
اطراف قصر ورسای را گرفتند. شورشیان شب را در میدان مشق ... های
ورسای ... آوردند. صبح ... ساعت ... درهای قصر را شکسته ...
از قراولان ... و ... اطاق ... شده ... شده
... بود.

شاه چون دید ... عظیم را ... و تمام عمارات را گرفته
و ... قصر ... راضی شد که بپاریس حرکت کند. در ساعت ۲
... با تمام خانواده سلطنتی ... ملکه نشسته
و ... آهسته بجانب ... اطراف ... را جمعیت ...
گرفتند و گروهی ... داده ... سر قراولان مقتول را ...
کرده و پیشاپیش ... ملکه ... میبردند. ساعت یازده شب شاه

به قصر تویلری پاریس رسید و ۳۰ کیلومتر راه را در ۹ ساعت طی کرد.
ده روز بعد (جمعه ۱۶ اکتبر) مجلس هم از ورسای به پاریس نقل مکان کرد.

ملت و مجلس

بنا بر اتفاقات و حوادث سابق الذکر شاه و مجلس هر دو قوه قانونی مملکت بودند اسیر و محبوس مردم پاریس شدند. بعد از این تاریخ فقط مردم پاریس مدیر انقلاب و زمامداران حقیقی بودند. اراده اهل پاریس محرک وکلای ملت گردید و فی الحقیقه اراده چند نفر سردسته و ناطق اهل پاریس قوانین را اداره میکرد. مردم شخصاً در مذاکرات مجلس شرکت می‌کردند و هر چند تا این زمان فقط تماشاچی در مجلس حاضر میشدند چنانکه امروز هم معمول است اما در آن وقت گاهی تماشاچی‌ها وارد گفتگو و مذاکرات وکلا هم میشدند. مثلاً در ۱۰ ژوئن که سییس Sieyès وکلای طبقه سوم را دعوت کرد که مجلس را تشکیل بدهند بعضی از وکلا مخالفت کردند و اسم آنها را موکول بروز دیگر گفتند تماشاچیان فریاد کشیدند و مخالفین را خائن خواندند و امر بخروج از مجلس کردند

این وقایع در اوقاتی اتفاق افتاده بود که مجلس در ورسای بود. چون بپاریس انتقال یافت مردم بیش از پیش به مذاکرات علاقه پیدا کردند. چون جای تماشاچی بقدر کافی نبود و آنها را تقریباً نتوان گرفت بعد مردم در دهلیز و حیاط و راهرو مجلس ازدحام میکردند و راجع به کارها وکلا در داخل مجلس بحث می‌کردند مردم نیز در خارج قیل و قال و گفتگو میکردند. یکی از مأمورین سیاسی خارجه راجع به رفتار مردم در گفتگوهای مجلس ملت که راجع به حق جنگ و صلح متعلق بپادشاه یا بمجلس داشتند چنین نوشته: «در اثنای مباحثه مردی با چشمان خیره و چهره افروخته و رنگ پریده از غضب و دهان کف آلود در میان انبوه مردم گردش کرده و از ... گرفته ...

رفته فریادی زدند «آه! اگر شاه [illegible] بستند که در و دیوار فرزند...!
اگر مجلس رعایت جانب شاه را بکند باید خودش سلاح جنگ بردارد ..... مجلس باید
به حضور بشه ما شاه بدین را در آتش بیندازیم و مردم را [illegible] دعوت بکنیم و من گواهم
که حق ملت فرانسه پایمال نشود .....» جمعی در پنجره‌های شرف [illegible]
چهره و کلاه ایستاده بودند و هم [illegible] در گفتگوی مجلس دخالت [illegible] و کلمات ملت [illegible] را تصویب کردند
به رقت دست زدن لذا بیم با اشارت مردم را مطلب زدن و اهانت آشفته درجه روی
فریاد و بعد و جنجال مزوت ... از مردم را بغزاید [illegible] بیاورده. تقصیر در
یک جمعیت در فضای مجلس سنگین میشه. بعدها در دوره مجلس مقننه
و مجلس کنوانسیون هم مردم مکرر مجلس داخل شدند و بعنوان تقدیم عرض حال
با صفوف منظم در مجلس گردش کردند و چون وکلا علائم تفاوت
و جلوگیری ظاهر ساختند مردم دست با سلحه بردند و خانم‌ها را به اجبار بقبول
پیشنهادهای خود کردند.

اتحاد عمومی

در ایامی که مجلس ملی مشغول تهیه قانون اساسی بود در ولایات اتحادیه‌ها تشکیل
شد که رفته رفته توسعه یافته و عاقبت با اتحاد عمومی منتهی شد و از حوادث مهم انقلاب کبیر
این اتحاد نتیجه چند امر بود اولاً نگرانی ملیون ثانیاً ترس از کاروان ثالثاً رعب و ظلم
که شرح آن را نوشتیم. شهرها و قصبات ایالات در وقتی متفقه با ولایتی ... عهد بستند
برای دفاع [illegible] ادارات خود تشکیل دادند و قشون ملی هم تجهیز کردند. [illegible]
دوستان و مدافعین موهوم جلوگیری کند. آنگاه بر آن شدند که عقد اتحاد عمومی
برای دفاع از آزادی [illegible] بسته ایالات خود ببندند. روز ۲۸ نوامبر ۱۷۸۹

وطنخواهان نیز انقلابیون دو فرقه جمع شدند و قسم یاد کردند در پیشه با هم متحد بوده و دیگر
حربای ارزاق را فراهم آورده. و قوانین صادره از مجلس بزرگ را مجری و محترم بدارند
این نخستین اتحادیه بود که در فرانسه صورت گرفت.

سایر ایالت و ولایات هم تقلید دو فرقه تشکیل اتحادیه را دادند
رفته رفته ایالت متعدد میان خود نیز اتحادیه منعقد ساختند. این وقایع منشأ
و اتفاقات مهم در قرن هجدهم زمان سلطنت آخرین روی داد که بعد از چندی
مذهبی منجر شد. این اتحادیه‌ها در روز ۱۴ ژوئیه ۱۷۹۰
در پاریس یک اتحادیه بزرگ ملی تشکیل گردید.

برای جشن این نمایندگان ولایات در پاریس مردم با شوق از زن و
مرد و اطفال در ظرف هفت شبانه روز میدان بزرگ مشق را یک تنه آماده
مهیا ساختند و در آن هزاران تن روی قرار گرفتند. نمایندگان
تمام نقاط فرانسه در آن میان افواج ملی انتخاب شدند و عده‌ای از اهالی
چهارصد هزار نفر پاریس آمدند و در مقابل خود قرار گرفته
کشیش اوتون که تالیران Talleyrand معروف و رسمی را
در برابر وطن که بنا شده بود در وسط میدان بجا آورد
سپس نمایندگان لافایت را که از
عبادت با و سوگند
وفاداری به ملت فرانسه و سلطنت و قانون و پادشاه.
و حفظ قانون اساسی که مجلس واضع آن است یاد کرد.
نمایندگان ایالات و ولایات با این قسم نه تنها از جانب تمام اهالی
مقررات انقلاب مجلس ملی را تصویب و تصدیق می‌کردند بلکه با این سوگند

مملکت فرانسه را از نو تشکیل و تأسیس کردند. قبل از ۱۴ ژوئیه ۱۷۹۰ [illegible] فرانسوی
بعضی ایالات از شاه بود و ولایات بوسیله معاهدات یا ازدواجهای سلطنتی دارا
یا وراثت یا خرید و فروش یا فتوحات نظامی جزو فرانسه محسوب شده
و غلب ایالات را [illegible] هر یک از فرانسه از قبیل [illegible] جزو قلمرو خود [illegible]

تا از ۱۴ ژوئیه به بعد تمام ایالات فرانسه بنا بر اراده آزاد و طیب خاطر اهالی
جزو یک مملکت گشتند. فی الحقیقه اهالی فرانسه با این طرز فرانسه
را از نو تأسیس نمودند. بعد از ۱۴ ژوئیه ۱۷۹۰ هر قوه که بخواهد قطعه از خاک فرانسه را
بدون رضایت ملت آن تجزیه کند چون نسبت به آزادی نوع بشر مرتکب گناه
بر عهده [illegible] در قطعه از خاک فرانسه بخارجه تفویض کند قدرت [illegible] نخواهد داشت
و [illegible] این حق قابل تغییر و ابطال است. از آن جایی که [illegible]
[illegible] آزادی و [illegible] اتحاد شرکت کنند [illegible]
حق خود را فرانسوی خواندند. از ۱۸۷۱ تا ۱۹۱۹ گفتگوی بسیار
میان دول فرانسه و آلمان راجع به آلزاس و لرن واقع شد و جنگهای
خونین رخ داده است.

فرار شاه

چون لافایت از جانب عموم متحدین ایالات سوگند خود را ادا کرد
شاه نیز قسم خورد که قوانین موضوعه مجلس را محترم شمرده کاملاً مجری دارد
شاید شاه از روی صداقت [illegible] قسم ادا کرد و رفته رفته [illegible] راضی نبود که
سلطنت مطلقه مشروطه باشد اما حوادث این نیت را تغییر داد [illegible] مجلس در
دخالت در موقوفات روحانیون کرد و قانونی که برای کشیشان وضع کرد [illegible]
کار را دیگرگون ساخت (۱۲ ژوئیه ۱۷۹۰) این قانون تشکیلات روحانیون

معتقدین بمذهب کاتولیک فرقه انشعاب بپذیرند. شاه چون از ... در (آوریل ۱۷۹۱)
تحریم و منع این مقررات بپردازد. اکثر کشیشان فرانسه آنرا مردود ساختند. لیکن
کشیشان ... ناحیه ای مقابل کشیشانی که قانون را پذیرفتند و مشروطه خواه لقب یافتند از
طرف شاه زادگان نیز که در مذهب کاتولیک اعتقاد راسخ داشتند از طرف
طبع حفظ و نگاهداری میکردند ... وقطعاً با قانون اساسی مخالفت میورزیدند. اما لوئی که
از انقلاب می ترسید و شاه را وادار ساخته که با طرد قطع جواب خواهد ~~[illegible]~~
وظایف قانون را ~~[illegible]~~ کند و سیاست دو رویه پیش بگیرد لوئی شانزدهم از ضعف نفس
به قانون رأی پذیرد ~~[illegible]~~ و قانون را امضاء گذاشت اما شخصاً نفس ادای تکلیف
مذهبی مقرون در ~~[illegible]~~ که مخالف با روحانیون مشروطه خواه
روابط بخواهد داشت. لیکن تصادفی ... اعمال شاه مشهور افتاد سوءظن عامه را
تحریک نمود. دوشنبه ۱۸ اوریل ۱۷۹۱ لوئی شانزدهم برای عید پاک مصمم شد که به سن کلود
رفته و مراسم مذهبی را بحضور یکی از کشیشان ضد مشروطه بجای بیاورد. مردم
چون از این تصمیم اطلاع یافتند مقصد او را حدس زدند و کالسکه شاه را احاطه تام محصور
ساختند و او از حرکت مانع شدند و عاقبت او را مجبور به پیاده شدن و ترک
مسافرت نمودند

... تاریخ شاه. باقی دور و نزدیک و خشم مخلوط خود را مجبور ملت یافته دفعات از
فرار از تحت نظر خواست و محدود اصلاح و وسایل اشخاصی را که معتقد به اعمال
قوه و خونریزی بودند پذیرفت. این اشخاص او را تحریک می‌کردند که با ...
... و واقعه بروز یا ... حزب ... ای ...
... انقلاب که ... ملحق شود.

آنان شاه وقتی را اختیار کرده [illegible] روحانیان را با خود دور کرد. از ماه ...
... لوی شانزدهم با ... اپراطور اطریش مکاتبه داشت و او را ...
... قوای ... تا ... دست به ... خود آماده ...
... شود. ... Bouillé ... شرق
... و ... Metz را
... لوی شانزدهم ... قشون برساند.

وارن

شب سه‌شنبه ۲۱ ژوئن لوی شانزدهم ... به اتفاق ملکه و اطفال خود
... از قصر تویلری خارج شدند. اگرچه در عرض
راه کالسکه بزرگ شاه ... جلوگیری نکرد و ... در ساعت ۸
شب به سن منهو ... Saint-Menehould رسید. ... صبح سه‌شنبه که مردم آنجا
از ورود شاه خبر شدند ... از پی کالسکه او روانه گشت ... رسید او را توقیف
نماید. چون کالسکه ... از سن منهو ... بعد ... رسید
۹۸ پسر رئیس پست آنجا که دروئه نام داشت ... و از ...
... خود را به منزل دیگر رسانید و قبل از ورود کالسکه لوی شانزدهم به آنجا وارد شد و ... توقیف ...
... ساعت ... به دهکده وارن Varennes ...

[illegible]

و بطرف مهمانخانه‌ها در جنب امتیز عوض کنند راه افتاد. دستگیر کردند. جمعیت تروئیلری
ازدحام کردند که سوارهای گارد دوبوبه که جلو فراریان آنها صف کشیده بودند از جلو برود
و شاه را با ... عودت داده محبوس کردند. محبوس شده را از کار منفصل ساخته و خود
زمام امور را بدست گرفته با تمام کارهای حفظ پرداخت

حزب جمهوری خواه

گرو ... تاریخ انقلاب فرانسه ... تاریخ ... بود. قوه ... [illegible]
جمعیت ... [illegible]
... [illegible] صدق است ... [illegible]
... Varenne ... [illegible]

~~در ... [illegible]~~

«... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... اعمال میدانستند
دیگر ... احترام مقام سلطنت را نگاه نداشت و ... شاه را
در ... [illegible]
... حکومت جمهوری ...
... ولایات ... قبل از واقعه ...
در ... Robespierre ... و دانتون
Danton و مارا Marat ... [illegible]
در ... [illegible]

430 و بعد از جلسه ۱۳ ژوئیه که [illegible] بر آمد پس از واقعه شده و عودت شاه، صحبت جمهوری بود. بیست [illegible]
[illegible] فرار شاه، دارای موجد حزب جمهوری طلب گردید.

تیرباران در میدان مشق

جمهوری طلبها در ابتدا بسیار قلیل بودند و جز ۱۲ یا ۱۶ نفری نبودند لکن در آن وقت حزب سفید [illegible] از بین
آخرالامر فعالیت و جدیتی فوق العاده بروز دادند. روز ۱۶ ژوئیه ۱۷۹۱ انجمن
سیاسی کوردلیه Cordeliers پیشنهادی به مجلس تقدیم داشته تقاضا نمود که [illegible]
و [illegible] و [illegible] قائل [illegible] و ترتیب
جمهوری برای قوه اجرائیه [illegible]. پیشنهاد فوق [illegible] ۱۷ ژوئیه [illegible]
[illegible] در میدان مشق عوض امضاء [illegible] گذاشته شد. چیزی نگذشت در مشق [illegible]
[illegible] آن را [illegible].

در این وقت [illegible] شده [illegible] بلدیه [illegible] از
[illegible] که [illegible] را [illegible] از [illegible]
[illegible] لافایت به میدان مشق روانه گردید [illegible]
[illegible] قانون [illegible] و از قبیل [illegible] و قرائت قانون و [illegible]
بیرق سرخ [illegible] آنگاه [illegible] کنندگان [illegible] شد که
متفرق شوند. شورشیان بنای سنگ اندازی گذاشتند [illegible] قشون ملی استعداد
[illegible] تا [illegible] شورشیان از سنگ باران دست بر نداشتند
[illegible] شلیک [illegible] [illegible].

بعد از این تیرباران حزب جمهوری [illegible] متزلزل و متفرق شد.
از طرفی [illegible] و [illegible] طبقات [illegible] و توانگران بعد از اجتماع
میدان مشق که [illegible] [illegible] شده و [illegible]
که [illegible] دولت را [illegible]. پس در واقع نتیجه اجتماع میدان مشق

تقویت عقیده و کلمه جزم و صورت سلطنت روز افزون شد و عقیده اکثر نمایندگان
در [redacted] هواداری پادشاه راسخ تر گردید.

ختم مجلس مؤسسان

دو ماه بعد مجلس کارهای قانونی خود را خاتمه داده قانون اساسی در ۳ سپتامبر تمام شده
و در ۱۳ به امضای شاه رسید و از این تاریخ شاه مجددا دارای قدرت محدوده گردید. روز ۱۴
سپتامبر برای شاه در مجلس آمد از روز پیش مردم جا گرفته و منتظر ورود شاه بودند. شاه در حضور
مجلس سوگند یاد کرد: «و قدرت مفوضه خود را تماما در اجرای قوانین و حفظ مشروطیت بکار برد»
و نیز گفت: «این روز [redacted] مبارک و فراموش نشدنی موجب اتحاد و وداد فرانسویان
و طبقه صلح و سعادت روز افزون شود»
اما اتحاد و صلح بعید بود حتی [redacted] وکلای مجلس [redacted] که در مجلس حضور
نوشته حزب اریستوکرات (اشراف) از حضور و شگفت در زمینه حضار. و با دوام
بارزیابی بیرون خارجه بیگانه در حضار با شعار و دوع کف میزدند «صدای غوغا و بهجه
مهیبی بگوش میرسید و صدای خوش آینده بلند و سرد شد که [redacted] کالای [redacted]
مردم و دیگر بدبین و از شاه ظلم بسته»

روز جمعه ۳۰ سپتامبر جلسه آخر مجلس مؤسسان که اعلام داشت که وظیفه اش
تمام شد و [redacted] دوره اش منقضی گردیده است».

391

II

قانون اساسی ۱۷۹۱

کارهای مجلس مؤسسان

مجلس در تحقیق وظیفه دوش خود که مهم‌تر و عاجل‌تر آن بود بلادرنگ تحت تصفیه و تسویه امور مالیه هم تنظیم تشکیلات کشور فرانسه. برای انجام مقصود نخستین اموال و املاک کلیسا را ضبط و بر حسب [illegible] مورخ ۲ نوامبر ۱۷۸۹ خالصه‌جات ساخت. سپس به اعتبار این اموال اوراقی به نام آسی‌نیا (اسکناس) طبع و نشر داد. و بعد تا فی حد تشکیلات و تقسیمات کشور فرانسه را بر طبق قانون ۱۷۹۱ معین ساخت.

[illegible]

شده در موقع انتخاب اعضای طبقات [illegible] که برای مجلس بوده به جهت آنها امور مالی را منظم سازد و مجلس [illegible] بحث پرداز که. اما مجلس پیش از شروع به جزئیات اصول قانون اساسی را وضع کند یعنی [illegible] توجه داشته که نمایندگان پیشنهاد و جنبه این وضع بحران مالی تقدیم [illegible] استقراض جدید اعلام [illegible] تحصیل منابع ... عمل [illegible] بحث از این [illegible] و چون در کشت‌ها [illegible] مجلس نمایندگان در مقدم اتاق کشیش [illegible] Talleyrand بیشتر [illegible] و پشتیبانی میرابو و سیه‌یس پیشنهاد کرد که املاک روحانیون را به نفع دولت ضبط کند (۱۰ اکتبر ۱۷۸۹) و بنا بر پیشنهاد خود این [illegible] قرار داده که در [illegible] لازم است [illegible] طبقات تقدیم [illegible] از استقرار [illegible] روحانیون فقط حق استفاده از [illegible] املاک کلیسا دارند و املاک محسوب می‌شوند مقصود [illegible] وقف کنندگان

[illegible]

خیرات و مبرات عمومی بوده که با این موقوفات روحانیون ترویج دین [الهی] و ترمیم کلیسا و دیرها و

مدارس دینی می‌پرداختند. پس با حفظ نیت واقفین تغییر تابعیت این مصارف جزئیه دولت و قوای

و عمال دولت را مستقیماً مسلط کرده و در حکم شرایع آن به منافع عمومی باشد فتح کند. جمعی [از]

از نمایندگان طبقه روحانیون هم با این امر موافقت کرده و پیشنهاد مزبور با کثریت در مجلس مورد قبول [قرار گرفت]

پس مجلس در ۲ نوامبر ۱۷۸۹ قانونی به عبارت ذیل وضع کرد:

« املاک کلیسا در اختیار ملت است و ملت مستقیماً متوجه باید شد که مصارف مراسم

مذهبی و حقوق روحانیین و مخارج نگاهداری فقرا را خواهد پرداخت و هم این اقدام را تحت

اجازه و مراقبت نظارت انحصاری ایالات دولت انجام خواهد داد.»

بدین ترتیب مجلس ملی مملکت فرانسه مؤسسات خیریه را دولتی ساخته و با تأدیه حقوق

مسلم موجبات اداره مراسم دینی را در سراسر فرانسه تأمین و تضمین می‌کرد و از این عمل مبلغ

صد میلیون اعتبار به تصویب رسانید که به ... تشکیلات ملی تقلیل یافت

[اسیگناس] فروش اراضی وسیع متعلق به روحانیون که معادل یک خمس مساحت فرانسه بود به سهولت و سرعت

انجام نمی‌گرفت ... در آن وقت ... از طرف هم دولت احتیاج مبرم به پول داشت

بر تقرر داشتند و با اعتبار موقوفات کلیسا ورقه اسکناس طبع کند و بجای پول نقد تحویل دهد دولت
بپردازند دارندگان اسکناس هر وقت بخواهند می‌توانستند در مقابل اسکناس که در دست دارند زمین از
دولت بگیرند چنانکه در ۱۷۱۸ موقع تصدی لاس و به نقد در مقابل اوراق بانک داده شد
در این اوقات زمین تقسیم می‌کردند. تخمین بار در دسامبر ۱۷۸۹ مبلغ چهارصد میلیون
اسکناس طبع و نشر شد. برای تقسیم فروش اراضی روحانیون مجلس بلدیه‌ها را داوطلب
اجازه داد به طور مزایده شروع فروش کند

در ابتدا مردم بطیب خاطر اوراق اسکناس را پذیرفته لکن بسبب وقوع اختلافات
سیاسی و مالیه دوچار اختلال عظیم شد و حدوث جنگهای بزرگ هم مستلزم مخارج گزاف بود دولت
محتاج پول شد مخصوصاً در زمان حکومت کنوانسیون و دیرکتوار بیش از اندازه اسکناس طبع و توزیع
و قطعات آن را تکرار کرد. وقتیکه در ... دوچار بحران گردید نظیر آن ... در ۱۷۸۹
دارائی روحانیون چهار میلیارد تخمین و تقویم شد لکن از اول آن تا ۱۷۹۶ بیش از هفت بار
قریب چهل و پنج میلیارد ورقه اسکناس انتشار یافت. بالطبع قیمت اسکناس روز بروز تنزل کرد و
در ظرف شش سال ۹۹ درصد از قیمت آن کاسته شد. نقد اسکناس صد لیره که در سال ۱۷۸۹
صد لیره نقد قیمت داشت در سنه ۱۷۹۱ به ۹۱ لیره رسید و در سنه ۱۷۹۶

بیش از شش ماهی قیمت نداشت.

قانون اساسی ۱۷۹۱ — این قانون جدید دفعهٔ وضع شد. هیئت مقننه که از طرف مجلس ملی در ۱۷ ژوئن ۱۷۸۹ مأمور وضع قانون اساسی شده بود در ۲۰ ژوئن طرح قانونی بمجلس تقدیم کرد. در اوت کلیهٔ مواد و اصول قانون مطرح بحث قرار گرفت و بتصویب مجلس رسید. بعداً این صورت اجمالی قانون بوسیلهٔ قوانین دیگر اصلاحات اساسی کامل شد. در سپتامبر ۱۷۹۰ مجلس مقرر داشت که قانون کلی را با مجموع مواد اصلاحی متمرکزاً بتصویب برساند. مجموع یافته صورت واحدی بخود گرفت لیکن کار در سال بعد تمام رسید از این جهت قانون اساسی سال ۱۷۹۱ موسوم شده است.

اعلان حقوق بشر — نمایندگان مجلس مؤسسان تابع افکار و عقاید فلاسفه مثل مونتسکیو - ولتر - روسو و معتقدان درجه اول آنها بودند. حکما و علمای نزدیک آن بعضی از آنها بیم بر اداره اعمال خود را مطابق قوانین و قواعد عقل که تابع زمان و مکان خاص نیست قرار دهند و از عقل و عدالت پیروی کنند و تحمیل شناسند. از طرف دیگر هم شورشیان امریکا اعلامیهٔ معروف (اعلان حقوق) حاوی اصول معینه انتشار دادند و اعمال خود را با آن تطبیق کرده بودند. چنانکه دیدیم فرانسوی ها از این اعلان مطلع بودند و دستور العمل نمایندگان خاصه عدهٔ طبقهٔ نجبا خاطرنشان شده بود که مجلس بنظر این اعلان حقوق را تصویب و منتشر سازد

بر طبق بنا بر تقاضای کنت دو مونمورانسی و کنت دو کاستلان و جمع دیگر از نمایندگان
طبقهٔ سوم که اکثریت داشتند مجلس مقرر داشت که در آغاز قانون اساسی اصول کلیهٔ درج
شود. مانند مواد قانون تصویب گردید این اصول را اعلامیهٔ حقوق ~~[illegible]~~ بشری ~~[illegible]~~
نام دادند (۲۷ اوت ۱۷۸۹)

جا دارد متن دیباچه و قسمتی از اصول نیز درج شود لافایت تالران آبه سییس و مونیه مقدمهٔ
آن اصول را مونیه نوشته است مبنی بر موجبات و اسباب ~~[illegible]~~ این اصول و فواید آن
ترتیب است پس ~~[illegible]~~ اصول بیست و هفتگانه بترتیب نوشته شود.

مقدمه

~~[illegible]~~

نمایندگان ملت فرانسه در مجلس ملی گرد آمده اند چون دریافته اند که جهل یا غفلت یا تحقیر عمدی
حقوق بشری علت منحصرهٔ بدبختی عمومی و فساد حکومت ها است برآن شدند که در اعلان
رسمی حقوق طبیعی و مقدس و غیرقابل انتقال بشری را اعلام سازند. تا اعضای
هیئت جامعه این اعلان را همواره نصب العین ساخته و حقوق و وظایف خویش را بخاطر
آورند. تا اعمال قوهٔ مقننه و قوهٔ مجریه بدین واسطه با مقاصد هر یک از مؤسسات
سیاسی تماماً مطابقه و موافقت یابد و بدین سبب بیش از پیش مطاع و محترم گردند.

تا دعاوی و تقاضاهای مردم بعد از این مبتنی بر اصول ساده و غیر قابل انکاری بوده

همواره منجر به رعایت قانون اساسی و سعادت عمومی شود.

« بنابراین مجلس ملی با تأیید (خدای تعالی) حقوق عمومی بشری را در اصول

ذیل تصویب و اعلام میکند:

۱- افراد بشر آزاد متولد شده و مادام العمر آزاد مانده و در حقوق با یکدیگر مساویند.
امتیازات اجتماعی فقط مبتنی بر منافعی است که از هر کسی بطور بهیئت جامعه میرسد.

۲- منظور از اجتماعات سیاسی صیانت حقوق طبیعی و غیر قابل انتقال افراد جامعه است
این حقوق عبارت است از آزادی و امنیت مال و جان و مقاومت با ظلم.

۳- اصل هر قدرتی از ملت است. هیچ هیئت و هیچ فردی نمی‌تواند اعمال قدرت و حاکمیت
نماید مگر آنکه مخصوصاً از جانب ملت مجاز باشد.

۴- آزادی عبارت است از قدرت و توانائی باعمالی که مستلزم زیان دیگران نباشد. بنابراین اجرای حقوق
طبیعی هر کس حدی و انتهائی ندارد مگر حقوق افراد دیگر که
مانند وی باید از آزادی بهره‌مند باشند. این حدود را فقط قانون معین و معلوم میسازد.

۵- قانون حق ندارد هیچ چیز را در جامعه ممنوع سازد مگر چیزهای مضر را. هر چیزی را که قانون منع نکرده است
دیگری حق منع آن را ندارد و دیگری مجبور نخواهد بود چیزی را که قانون امر نکرده است انجام دهد.

۶- قانون مظهر اراده عمومی است. تمام افراد حق دارند مستقیماً یا بتوسط نمایندگان خود در وضع آن

شرکت نمایند. قانون باید بدون استثنا و تبعیض چه در سیاست و چه در حمایت از کلیه افراد یکسان باشد چون تمام مردم مملکت در برابر قانون مساویند هرکس [بر طبق لیاقت خود] باعلی‌ترین مقامات و به هر شغل نائل شود و مابه‌الامتیازی جز تقوی و ~~[illegible]~~ لیاقت نخواهند داشت.

۷- هیچکس را نمی‌توان متهم و توقیف و حبس نمود مگر بموجب نص صریح قانون و بنا بر ترتیبی که قانون معین کرده است. اشخاصی که محرک یا مشوق یا عامل یا آمر احکام غیرقانونی باشند مستوجب مجازاتند. اما افرادی که بموجب قانون احضار یا توقیف میشوند باید بلاتأمل اطاعت کنند و در صورت مقاومت در برابر [illegible] مقصر شناخته میشوند.

۸- قانون جز مجازاتهائی که ~~[illegible]~~ [illegible] ~~[illegible]~~ مقرر نمیدارد و هیچکس را نمیتوان مجازات نمود مگر بموجب قانونی که قبل از جنایت وضع شده ~~[illegible]~~ و با جرم ارتکابی مطابق باشد.

۹- تا زمانی که تقصیر شخص ثابت نشده هیچکس را گناهکار نباید دانست و اگر توقیف شخص ضروری باشد جز اعمالی که برای ~~[illegible]~~ اطمینان از شخص او لازم است اگر سختگیری [فوق‌العاده] شود قانون باید ~~[illegible]~~ [illegible] و جلوگیری کند.

۱۰- ~~[illegible]~~ عقاید مردم حتی عقیده مذهبی آزاد است مگر اینکه اظهار عقاید مزبوره موجب اختلال نظامات قانونی مقرره شده است.

۱۱- آزادی فکر و عقیده یکی از حقوق گرانبهای بشری است بنابراین هرکس مجاز است که آزادانه هرچه بخواهد بگوید و بنویسد و طبع کند مگر اینکه سوء استفاده از این آزادی کند ~~[illegible]~~ در مواردی که قانون معین کرده است مشمول مجازات شود.

۱۲- ~~[illegible]~~ حفظ حقوق بشر مستلزم تأسیس قوای عمومی است. ~~[illegible]~~ و تأسیس قوای مزبوره برای صلاح و صرفه همه است ~~[illegible]~~ و اختصاص باشخاصی که ~~[illegible]~~ متصدی و مباشر آن قوی هستند ندارد.

۱۳ – برای نگاهداری قوای عمومی و برای مصارف ادارات مالیات عمومی لازم است

که بنسبت استعداد و دارائی افراد بین همه توزیع [illegible] شود

۱۴ – افراد مردم شخصاً یا بتوسط نمایندگان خود حق دارند که در باب لزوم مالیات

استعلام نموده و آزادانه رای خود را نسبت بآن اظهار داشته و مراقب مصرف [illegible]

و مقدار و طرز وصول آن باشند

۱۵ – جمعیت جامعه حق دارد که از عمال دولت و ادارات مملکت حساب بخواهد

۱۶ – هر جامعه که حقوق افراد آن تأمین نشده و تجزیه و تفکیک قوی در آن معین نگردیده باشد

دارای قانون اساسی محسوب نمیشود.

۱۷ – چون مالکیت از حقوق محترمه و مقدسه [illegible] است کسی را از آن محروم نتوان کرد مگر اینکه

ضرورت [illegible] عمومی صریحاً مقتضی آن باشد و قانون ضرورت مزبور را

بثبوت رسانده و در اینصورت هم باز باید قبلاً [illegible] خسارت مالک را جبران کرد.»

ولی این اصول حقوقی که ذکر یافت در دو صحیفه [illegible] قانون ۱۷۹۱ داخل است ولی [illegible] اصل حاکمیت ملی

که در [illegible] ماده ۳ درج شده و همچنین تفکیک قوی که در ماده شانزدهم [illegible]

و این دو اصل نیز مأخوذ از اقوال مونتسکیو بود اصول مذکوره که گذشته از تغییرات مختصر

در طرز اجرای آن منظور شده از آن زمان تا کنون در جمیع قوانین موضوعه فرانسه مرعی

بوده است باستثنای قانون ۱۸۱۴.

صورت انتخابات

چون در مملکتی وسعت فوق‌العاده افراد ملت نمی‌توانند مستقیماً در اداره امور مملکت مداخله کنند ناچار حق حضور را به نمایندگان تفویض می‌کنند. در این صورت موکلین را انتخاب‌کنندگان گویند. ملت حق قانون‌گذاری را به مبعوثان برگزیده خود وامیگذارد و قوه مجریه را به شاه می‌دهد و قوه قضائیه را به قضات منتخب می‌سپارد.

طرز انتخابات

در آن زمان ملت فرانسه حقاً و مستقیماً در انتخاب نمایندگان و قضات خود شرکت نکرده. بعبارة اخری انتخابات یک درجه و عام نبود بلکه انتخاب دو درجه و محدود بود.

بموجب قانون ملت به دو طبقه منقسم شده فعال و منفعل. طبقه فعاله فقط حق انتخاب داشت. ما به الامتیاز این دو طبقه ثروتمندی بود که حد آن را قانون معلوم کرده. با انضمام این امتیاز انحصاری که همیشه فقط توانگران مملکت بجریان امور و سعادت مملکت علاقه دارند یکی از وکلای طبقه سوم گفت: «هر کس دارائی ندارد جزو افراد حقیقی ملت محسوب نمی‌شود». شرط انتخاب‌کننده این بوده که بیست و پنج سال داشته باشد و مالیاتی معادل اجرت سه روز کار بپردازد. عده آنها ۴,۲۹۸,۰۰۰ نفر و عده محرومین از انتخاب ۳,۰۰۰,۰۰۰ بود.

اما تمام افراد طبقه فعاله [منتخبین] در انتخابات شرکت نمی‌جستند. انجمن‌ها را اینها در بدو کار تشکیل داده و در زمان خود انتخاب‌کنندگانی برگزیده از قرار صد نفر یک نفر. نیز وکلا هم تابع شرائط معین بودند از جمله بایستی [علاوه بر ...] معادل [illegible] ده روز اجرت کار داشته باشند. عده این وکلا ۳۲۹۸۰ نفر بود که در کرسی ولایت فراهم آمده نمایندگان و قضات را انتخاب می‌نمودند و همچنین اعضاء انجمن‌های مختلف اداره مدیره ادارات جدید [مملکتی] را که [تازه] معین می‌کنند

قوه ~~مجریه~~ مقننه

حق وضع قوانین مخصوص ۷۶۵ نفر نماینده بود که برای مدت چهار سال انتخاب میشدند و مجلس تفتیش را انگلیس میداند که تقلید بود و قدم اول شد. این مجلس قوانین را وضع و تصویب میکرد و مالیات را معین میساخت و با یادداشت و دعاییه تسریع میکرد و در معارف عوائد عمومی نظارت میکرد و با اتفاق پادشاه در صلح و جنگ تصمیم میگرفت.

قوه مجریه

قوه مجریه در دست شاه بود قبل از مشروطه شد. صاحب اختیار مطلق و طرف او محبوب همیشه بعد از مشروطه باشد. فقط نماینده ملت بود که فقط به عنوان دارنده قوه مجریه شمار میاید. سابقاً لقب شاه فرمانفرما بود اما مشروطه داد شاه فرمانروای لقب داد. شاه محترم و غیر مسئول بود قبل از انقلاب شد. ~~[illegible]~~ تمام مالیات مملکت را در اختیار داشت از آن برای جیره خوار مفتی شده و سالی ۲۵ میلیون مواجب باد و دربارش داده میشد. شاه در عزل و نصب وزراء مختار بود ولی فعلاً در قدرت از نمایندگان مجلس کی را به وزارت برداره و سیاست خارجی و دوام و عقد معاهده را [illegible] میکرد و بعضی صاحبمنصبان برای [illegible] قوانین مصوبه مجلس باید مصوب و توشیح او برسد و حق داشت که قانون را قبل از امضاء رد کند و تا دوره مجلس امضای قانون را تأخیر میداد اما اگر دفعه سوم مجلس تغییر میدهد و همان قانون را تصویب میکرد قانون بدون امضای شاه اجرا میگردید ~~[illegible]~~ ~~[illegible]~~ این حق امتناع شاه را وتو Veto میگفتند. و بموجب آن موقتاً قانون مصوب مجلس معلق میماند.

قوه قضائیه

قوه قضائیه از طرف هیئت قضات تفویض میشد. این قضات بعضی مدت یکسال و برخی شش سال مشغول خدمت بودند. مطابق تشکیلات جدیده تشکیلات قضائی تغییر یافت. حاکم صلح در بلوکات و حاکم جنایات در ولایات و محکمه تمیز در پایتخت محاکم خاص برای استیناف بودند. از محکمه جنایت هر ولایتی بمحکمه جنایت ولایت دیگر استیناف داده میشد. علاوه حکام پلیس و حکام عدلیه و جزائیه و جنائی هم دایر بود. قضات تعیین جرم می کردند که چند نفر حکم از اهالی که بقرعه تعیین میشدند و آنها حکم یا برائت و نه متهم را اعلام میکردند.

تشکیلات اداری

در زمان مشروطه طرز ادارات متحد الشکل و ساده شده. بنابر اصل حکومت ها اداره امور مملکت جمع مسعود ملت بود در ایالت که آنان را هر ولایت انتخاب میکردند. در زمان قبل از انقلاب تمام امور در کف اقتدار بوده شاه. اهالی انتخاب میکرد در امروز اداره کارها با حکام و نواب که دولت مرکزی بولایات فرستاده ولی در ایام انقلاب تا سالیان دراز اهالی خودشان کارها را انتظام میدادند.

دوازده ایالت و ... تقسیم شد. هر ایالت بچند ولایت و هر ولایت بچندین بلوک و هر بلوک بچندین حوزه بلدی انقسام یافت. در هر ایالت و ولایتی یک هیئت مدیره دائمی مرکب از اشخاص منتخب و یک انجمن که قدرت مقننه باشد در اوقات معینه تشکیل میشد. رئیس هیئت مدیره را انجمن معین میکرد. در حوزه های بلدی بجای هیئت مدیره کدخدا کارها را اداره میکرد خانه ها ... و چند نفر دیگر با کدخدا شرکت داشتند. ... انتخاب کدخدا

انجمن عمومی ملی تحت نظر دولت است زیرا اعضای این انجمن‌ها را فقط وکلای ملت
انتخاب می‌کردند. [illegible] تمام افراد طبقه فعاله ملت در امر انتخاب شرکت می‌جستند. در اینجا
می‌توان فعالیت فعاله را در تاریخ انقلاب کبیر فرانسه در دلیل است دریافت. از یک طرف
میزان اراده دولت را وزراء و وکلای انتخاب می‌کردند و اطلاع [illegible]
و طرفدار شاه بودند. از طرف دیگر اعضای انجمن‌های ایالتی را توده ملت تعیین
می‌کرد و غالباً هوادار افکار دموکراسی و دشمن قدرت پادشاهی محسوب می‌شدند
مخصوصاً در پاریس.

این شیوه‌های اداری کارشان ترتیب وصول و ایصال مالیات و مراقبت
در امور اقتصادی و در حفظ امنیت ... بود و امور خیریه و تعلیمات را هم
اداره می‌کردند.

اعلاد ۲

قانون اساسی فرانسه به مردم حق داده است که پرداخت وجوهی را به عنوان اعانه از طرف ملت
به دولت پرداخت شده است. ظاهراً هم این وجوه اعانه بود ولی مردم طبعاً حاضر
نبودند [illegible] ... مالیات ... تغییر اسم و عنوان
مالیات ... مالیات مستقیم (مالیات بر املاک و دارایی)
و مالیات [illegible] ... مالیات غیر [illegible] در مرحله
... و تجارت ... در فرانسه ... و مستعمرات ناخودشته
علاوه بر این‌ها مالیات‌های غیرمستقیم هم از قبیل ... و گمرک و غیره
وصول می‌شد ولی عوارض ... معمول و متداول است.

معایب قانون اساسی ۱۷۹۱

قانون اساسی ۱۷۹۱ ظاهراً چنانچه ذکر خواهد شد جزئی از مجموع مقررات مفیده بیش نبود لابد
و در واقع ترکیبات ~~[illegible]~~ از سایر اجزاء بیدوام تر و بی اهمیت تر محسوب شده . از جهات
~~[illegible]~~ عدیده هر گاه کم قانون مزبور مضر بود زیرا که موجب اختلافات ملت و شاه گردید و انقلاب
بعد را تهیه دید . مثلاً انفکاک سایر قوه مقننه و مجریه بسیار قطعی و ~~[illegible]~~ مطلق بود
و اینکه شاه نمی‌توانست وزراء را از میان نمایندگان مجلس انتخاب کند سبب شد که
هیچ جهت جامعه و ارتباط طرفین ~~[illegible]~~ بین آن دو قوه باقی نماند و همین عدم ارتباط موجبات
اختلاف نظر و سوءظن را مابین آنها فراهم ساخت .

از طرف دیگر چون شاه نمی‌توانست مجلس را منحل سازد هر وقت اختلاف نظری
مابین آنها حاصل میگردید جز اعمال قوه قهریه از طرف شاه یا از جانب ملت چاره
در این موقع متصور نبود . پادشاه که در ایام جوانی اعمال اقتدار سلطنت کرده و اراده
عالیه خود را قائم مقام قانون میدانست حق اعتراض قانونی Veto را هم دارا گردیده
کافی نمیدانست میخواست اگر ممکن باشد . ~~[illegible]~~ ملت هم در تمام اقتدارات را
بدست آورده بود این حق را زاید میدانست ~~[illegible]~~ و بالکل با بی‌صبری و خشم
میخواست این حق را از شاه سلب کند . چهار ماه از اجراء قانون اساسی نگذشته که
سازش شاه و مجلس و ادارات بعداوت بدل گرفت و روز بروز شدید تر شد
تا در سال ۱۷۹۲ منجر بشورش ۱۰ اوت و عزل لوئی شانزدهم و برافتادن
اساس سلطنت شد .

آن نقص بزرگ قانون مزبور در دو نقطه بود یکی طرز انتخابات و دیگر تشکیلات اداری

تقسیم ملت به دو طبقه فعال و منفعل کاملاً مخالف اصل اول اعلامیه حقوق بشر یعنی مساوات ملت
فرانسه بود و یکی از وکلای ملت موسوم به روبسپیر Robespierre آن را با لحن تند مخالفت
ورزید لکن پیشرفت نکرد. در واقع قانون مزبور بجای طبقات ممتازه سابقه دو طبقه فقیر و غنی
تشخیص داده و حق انتخاب را به غنی داده بود و این مسئله موجب اعتراضات شدید توده مردم
و توده رعیت شد.

نقص تشکیلات اداری هم این بود که برای هر بخش حاکم خود را انتخاب کرده و از
دولت حکومت مرکزی تابع نبود و در حقیقت هر ایالت و ولایت مملکت مستقل
شمرده شده و ارتباطی با مرکز مملکت نداشت و فرانسه به هشتاد و سه قطعه مستقل تقسیم
گردیده بود. و در موقع خطر معایب بزرگ از این تشکیلات ظاهر شد. نتیجه
خطرش بحرانهایی بود. چنانکه در سنه ۱۷۹۳ ضرورت جنگی اقتضا کرد که
یک حکومت مرکزی بسیار سخت و دیکتاتوری قائم شود که آن را حکومت انقلابی
نام نهادند.

قانون انتصاب روحانیین

از اینها خطرناک‌تر مسئله تشکیلات روحانیون بود که باعث شکایت ... روحانیون و ملت
در این اراده و موجب قانون خاص تشکیلات روحانیون را بتقاضای تقسیمات ارضی
و اداری مملکت معین مقرر نمود ولی Dupont de Nemours دوپون دو نمور از شاگردان ... تحقیق کرد
(۱۲ ژوئیه ۱۷۹۰)

این قانون که در ۱۲ ژوئیه ۱۷۹۰ تصویب شد تشکیلات کلیسا را به یکبار داده

ایالات روم بود تغییر میداد. عده اسقف نشین‌ها که ۱۳۴ بود به هشتاد و سه تقلیل یافت
یعنی در هر ایالتی یک نفر اسقف معین شد. این اسقف نشین‌ها با ده مرکز روحانی
سروکار داشتند. روحانیان بزرگ و اسقف‌ها و کشیش‌ها را عموم اهالی انتخاب میکردند
یعنی همان انتخاب کنندگان که وکلای ملی و اعضاء بلدیه را تعیین میکنند روحانیان را
نیز برمی‌گزینند. اسقف‌ها را از بین روحانیونی اختیار میکنند که لااقل ۱۵ سال
با مواظبت امور مذهبی اشتغال ورزیده باشند. بعد از آنکه اسقف از طرف ملت انتخاب
میشد برخلاف سابق که پاپ باید او را رسماً و شرعاً نصب کند بموجب قانون انقلاب
یکی از رؤسای بزرگ روحانی در حدود فرانسه انتخاب او را باید
تصویب نماید. اگر این روحانی بزرگ حاضر به تصویب نمیشد انتخاب اسقف را رد
رد میکرد اسقف همکار را معین میکرد و اگر که انتخاب اسقف را تصدیق
اسقف دیگر را تعیین میکرد در این باب فتوی میداد. اما پاپ
بموجب این قانون هیچ وجه حق تقرر و قبول نداشت و فقط در این انتخابات شرکت
فقط بدو اطلاع داده میشد باشد.

این قانون کلیسای روحانیون با عقاید پروتستانها شباهت داشت
و شاید هم قصد طرفداران آن بود یا اتباع ... و اعداء مذهب کاتولیک
بودند که پاپ و طرفداران استقلال مذهبی فرانسه مغلوب شدند. مخصوصاً کاتولیکهای
هرکشان استقلال طلب فرانسه بودند نمیخواستند این وسیله پاپ را بعد از
یکهزار سال مغضوب کنند و انتقام فتوای ... انگلیس و کلیسای
مخصوص فرانسه را در مقابل پاپ وادار نمایند.

معایب قانون
تشکیلات روحانی

از آنجایی که در مذهب کاتولیک رایج تغییر می‌داد نمی‌توانستند بقانون جدید سر فرود آورند و پاپ اعتراض کرد. و قانون موقع اجرا گذاشته شد عده کشیش عدم اطاعت خود را اظهار کردند. کاتولیک‌ها نمی‌توانستند شرعاً بپذیرند که پروتستان‌ها و یهودی‌ها در انتخاب روحانیون ~~...~~ آنها شرکت بنمایند. و دخالت قضات غیر مذهبی را در مسائل مذهبی در تعیین امور روحانی نمی‌توانستند بپذیرند. آنگاه برای آنکه روحانیون را مجبور نماید که اطاعت قانون جدید را سوگند یاد کنند مقرر داشت که هر کشیشی که از قسم خوردن خودداری کند قانوناً از شغل خود مستعفی است و اگر بخواهد با امور مذهبی دخالت کند قابل تعقیب خواهد بود (۲۷ نوامبر ۱۷۹۰). عده بزرگی کشیش و بیش از نصف مجمع کشیشان از این مصوبه قسم را رد کردند. آنها را متعصبین نام گذاشتند در مقابل روحانیون سوگند خورده که آنها را مشروطه‌خواه نام گذاردند

وضع قانون مذکور بزرگترین خطای مجلس مؤسسان بود و نتایج وخیمی از آن ظهور یافت. چنانکه گفته شد همین حوادث موجبات فرار لوئی شانزدهم را فراهم آورد. بعلاوه اکثر ~~...~~ دخالت مردان بیدین در امور کلیسا و جمع کثیری از کشیشان را که خود از دوستان انقلاب محسوب می‌شدند دشمن اوضاع انقلاب ساخت. توده ملت هم که فقط در مذهب کاتولیک قدیم رایج داشت بهیجان آمد. نمایندگان هفتاد حوزه بلاد بدعوت جمعی از نجبا در حوالی قلعه ژالس در ولایت آردش اجتماع کرده و متعهد و قسم خوردند که دین و شاه خود را حفظ کنند. بعد از آنکه مجلس مقرر داشت که روحانیون مشروطه‌خواه شروع بکار کنند و دست مخالفین را کوتاه سازند شورش

دعوای زیادی فوق العاده در مجلس رخ داد. مردمی که تا آن وقت طرفدار انقلاب بودند و حتی در
مورد ضبط اوقاف کلیسا هم اعتراضی نکردند یکباره علم طغیان را برافراشتند و در
ولایت وانده جنگ داخلی شروع شد و تا مدتی فرونشاندن آن دشوار بوده است.

احزاب

در مجلس مقننه نمایندگان برحسب طبقات و بر وفق مجاورت حوزه انتخابیه
منقسم و دسته بندی شده بودند ولی چیزی نگذشت که نمایندگان طبقات و ولایات مختلف روی
تشابه افکار و عقاید سیاسی جمع و دسته‌ها و جمعیت‌ها تشکیل دادند. و احزاب سیاسی شروع شد
اگرچه مثل احزاب امروز تشکیلات صحیح و رئیس ~~—~~ و مشی و مرام اجتماعی در داخل مجلس نداشتند.
طرفداران اصلاحات و قوت و قدرت ملت که دوستان ملت یا وطنخواهان

نامیده شده در طرف چپ رئیس مجلس قرار گرفتند. و این سمت پایدار و اول بود
بر اعضای طرفدار سابق و اشراف (آریستوکرات‌ها) موسوم شدند در جانب راست نشستند
یعنی سمت دست راست ملکه.

در بین این دو دسته نمایندگان زیاد بودند که آنها را پلن (Plaine) می‌گفتند و بطلان را
شعار خود ساخته بودند. بطوف آنهم دو دسته بودند ~~—~~ مرکز راست و مرکز چپ. قسمت
اول یعنی مرکز راست اتباع مونتسکیو محسوب می‌شدند که می‌گفتند باید در فرانسه حکومتی نظیر انگلستان
تأسیس شود دارای دو مجلس اعیان و مجلس عوام. این قسمت را مونارشین نام دادند. قسمت
دوم که مرکز چپ باشد و عقیده‌شان و مسلک نمایندگان دست چپ نزدیک بود
می‌گفتند که ترتیب دو مجلس در انگلستان معمول است با وضع حالات ما تباین دارد
این قسمت با حزب وطنخواه همراه شده و عقاید خودشان در موقع وضع قانون اساسی سابق الذکر
پیش بردند.

خطبا در حزب جلیلی با خطبای داشت خطبای حزب در راست آقای موری و کازالس بعد
آدری نخستین مردی از این پرودی بود و در فوق العاده و مکی با بیش داشت چنانکه او را توجّی
عیسی بجای روحانیان می‌خواندند هم کازالس از نجای این قوم [illegible] قول
بعد تمام نمایندگان عیسی او را ادیب و الطاف [illegible] عشق دوست داشتند و با عشق در اوایل
از سالها [illegible] او در امور ظاهری و از پس درجه [illegible] نامش تنفر بود.

از خطبای معروف حزب موادرشینی [illegible] دارای مرد [illegible] بعد
دیگر [illegible] از مستشار [illegible] گروهی و گفت [illegible] تو [illegible] و [illegible]
[illegible] نظامی [illegible] دوستداران [illegible] بعضی [illegible] پای [illegible] و [illegible] طارین [illegible]
[illegible] نمایندگان [illegible] از طبقه [illegible] و [illegible] بعد [illegible] سخن [illegible] طمع داشتند با او
مقاومت [illegible] او [illegible] او نیز داد سخن می‌داد.

~~فعال‌ترین خطبای حزب مشروطه خواه آقای [illegible] [illegible]~~
~~[illegible] و [illegible] دیگر [illegible] و [illegible] [illegible]~~

فعال‌ترین خطبای حزب مشروطه‌خواه آقای سیر و [illegible] و [illegible] و [illegible] بود
[illegible] بیا [illegible] و ادیب و [illegible] و [illegible] و [illegible] دلارکو [illegible]
نیز از خطبای حزب [illegible] نماینده

از کسانی که [illegible] در موسای گفت [illegible] جزو حزب مشروطه خواه [illegible]
[illegible] از طبقه [illegible] و [illegible] آنها [illegible] نماینده [illegible] حضور [illegible] داد [illegible]
و طبقه سوم [illegible] از [illegible] این [illegible] نماینده [illegible] . [illegible] و [illegible] داشت [illegible]
[illegible] حقایق [illegible] و [illegible] امور [illegible] حاصل می‌کرد. خطابه [illegible] خود را
با [illegible] دقیق [illegible] [illegible] جامع [illegible] [illegible]

گاهی از او پشتیبانی داده و بقیه خطابه‌ها که ایراد کرده و قوه بیان و تحریر او اثر می‌کرد.
چون میرابو معتقد به حکومت مشروطه سلطنتی بود [illegible] در ابتدای امر
میرابو طرفدار ملت بود و با نطقهای آتشین دربار شاهی را مورد تعرض قرار میداد و بدین جهت
محبوبیت عامه یافت. لکن در اواخر سال ۱۷۹۰ عقیده او تغییر کرد و افراط ملیون را
در محدود ساختن قدرت پادشاه برای مملکت مضر دانست. پس به رفع پادشاه پرداخت
و در خفا با دربار شاه ارتباط حاصل نمود و با خفا [illegible] [illegible] گردید. چون
موقع اصلاح و تجدید نظر قانون اساسی رسید میرابو سعی بسیار کرد و مایل بود قدرت شاه بیشتر
مخصوصاً حق اعتراض پادشاه را محدود در قانون مزبور بگنجد و صلح و جنگ را با اختیار
شاه بگذارد. لکن کسی با او موافقت نکرد و در همین موقع معلوم شد که فی الحقیقه میرابو با دربار
سازش کرده است. پس در کوچه‌ها و معابر مردم فریاد برآوردند «خیانت بزرگ مسیو میرابو»
با همه این وقتی در ماه آوریل ۱۷۹۱ میلادی درگذشت عموم مردم عزادار
و سوگوار شدند و جسد او را در مقبره مشاهیر (پانتئون) دفن کردند.

در طرف دست چپ مجلس سه نفر خطیب بودند که به لقب ثلاثه معروف شدند اول الکساندر
دو لامت که از داوطلبان جنگ امریکا و دیگر [illegible] بود. دوم دوپور مستشار
پارلمان پاریس که نقشه اصلاحات قضائی را طرح کرد. سوم بارناو وکیل مدافع در پارلمان
گرونوبل. بارناو در این وقت بیش از ۲۸ سال نداشت و بعد از میرابو فصیح القول
ترین خطبا محسوب میشد. در اول امر بارناو با خانواده سلطنتی ابراز خصومت
میکرد لکن بعد از آنکه [illegible] شاه و خانواده‌اش [illegible] [illegible]
[illegible] حفظ شئون سلطنت گردید و [illegible] [illegible] در [illegible] سعی کرده
قدرت پادشاهی را تثبیت کند.

در فوق دست چپ چند نفر خطیب افراطی بودند که دموکرات و مورد [illegible]
پادشاه و صاحب عقیده رادیکال بودند و در آینده کارهای مهم کردند. من جمله [illegible]
وکیل پاریس - پتیون وکیل شارتر - دیگر [illegible] و [illegible] دو [illegible]
دیگر Maximilien de Robespierre وکیل آرتوا که سرآمد افراطیان محسوب میشد
در آغاز امر این چند نفر خطیب افراطی تا اندازه‌ای در مجلس ملی تأثیر بسیار نداشتند زیرا که
وکلا همه از تندروی و افراط بعضی از افکار آنان متوحش بودند.

روس‌ها نیز در دفتر هستند. بودن [illegible] و دیگر شد نطق‌ها که در مورد توجه واقع شد
و مردم از ذوق او گفته‌اند «اگر مسیو [illegible] مشغول بود بودن است مسیو روس‌ها پیر شیخ آزادی است»
ولی در موقع مذاکرات راجع به [illegible] عمومی مستقیم در روسیه [illegible] آن بود مردم
باور نمی‌کردند و او را [illegible] در [illegible] خواهند. ولی رفته رفته در مجلس
نفوذی پیدا کرد تا [illegible] مجلس موسسان را داد [illegible] که در [illegible]
[illegible] مجلس موسسان بعد از انقضای مدت وکالت هر [illegible] مجلس آینده
نیز عضو یا بمقام وزارت ارتقاء یابند.

روابط افراد [illegible]

این هم دیده شد که افراد فرقه‌های مختلف اگرچه از حیث مسلک در دو قطب مختلف [illegible]
[illegible] نشسته [illegible] و [illegible] با کمال ادب و حسن معاشرت
صورت [illegible] اتفاقاً [illegible] [illegible] عموماً اعتراض [illegible]
[illegible] تمام افراد فرقه در [illegible] مجلس [illegible] و [illegible]
[illegible] و اتفاق آن بود که به [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] و [illegible] [illegible] سعادت ملت دارند.

III

مجلس مقننه . مقاومت شاه . تشکیل حزب جمهوری‌طلب
سقوط سلطنت .

سلطنت مشروطه بر حسب قانون اساسی ۱۷۹۱ تا سر شد یکسال و نیم دوام یافت . بر حسب مقررات این قانون مجلس بنام مقننه تشکیل شد که آن هم یکسال از اول اکتبر ۱۷۹۱ تا ۲۰ سپتامبر ۱۷۹۲ بقانون‌گذاری مشغول بود . در دوره این مجلس وقایع مهمی رخ داد :

اعلان جنگ دولت فرانسه ۲۰ آوریل ۱۷۹۲ که منجر به جنگ بزرگ شد که جمیع دول اروپا در آن دخیل گشتند و ده سال دوام یافت (۱۷۹۲ - ۱۸۰۲)

حمله مردم پاریس بقصر تویلری در دهم اوت ۱۷۹۲ واقع شد که در نتیجه مقدمه خلع شاه و نقض سلطنت بعمل آمد

علت عمده این حوادث دو قسم بود یک عامل داخلی و در نتیجه آن اجرای قانون روابط دیگر عامل خارجی که مهمترین آن دسایس مهاجرین فرانسه و حمایت سلاطین بیگانه بود . مردم پاریس وقتی که در خود سلاطین را بمداخله در کار فرانسه دعوت میکردند دل میدادند . قشون اجنبی وارد خاک فرانسه شد و قشون در اولین جنگ شکست خورد ولی حوادث داخلی و دسایس درباریان شاه را متهم ساخته

بعد از حمله مردم پاریس مجلس مقننه هم خود را ختم کرد و کار را بمجلس دیگر موکول کنوانسیون گذاشت که بر طبق قانون اساسی جدیدی تهیه و در فرانسه مجری بدارد .

مجلس مقننه در اول اکتبر یک روز بعد از انحلال مجلس مؤسسان مفتوح شد وکلاء تمام جدید بودند چون از سلطنت طرفداری میکردند ولی بیم داشتند مبادا مردم پاریس بهیجان آیند . اگرچه هیچیک از وکلاء دوره اول حق انتخاب نداشتند اما در کیفیت معامله با او دارای عقیده واحده نبودند از این جهت احزاب و فرق مختلف ~~[illegible]~~ تشکیل شد .

بعضی از وکلاء میگفتند باید متن قانون اساسی را اجرا کرد و حقوق را بر قانون مربوط شد وفاداری باید از بین برد . یک دسته از نمایندگان در طرف راست مجلس جلوس میکردند و افکار مشروطه‌خواه یا میانه‌رو Feuillants میگفتند . این اسم را اخیراً خود از نام کلوپ انجمن مردم آزادی‌خواه فرقه وفاداران مشروطه از اینجا این حزب اختیار کرد .

ژیروندن‌ها — در مقابل حزب سابق‌الذکر فرقهٔ متمایل به جمهوری گروه و مروج تعمیم حقوق و تساوی ادارات
شاه بود بیشتر در شهر یک نوع [illegible] بسته و ملا ریاست در خانواده‌ای بوده باشد . و در رگاه شاه
در صدد فتح قانون اساسی برآمد . اینکه قانون تغییر نا پذیر و محترم است اورا میتوان خلع کرد . [illegible]
دست چپ مجلس جای داشتند و در ابتدا جزء کلوب ژاکوبن‌ها بودند اما چندی نگذشت
که میان این دسته تفرقه افتاد و بعضی طالب جنگ با اطریش بودند و گروهی صلح و سلم را
می‌خواستند [illegible] و دسته جدید خود را ژیروندن‌ها خواندند به نسبت ایالت
ژیروند که سه نفر از معروفترین وکلای آن فرقه از آن جا انتخاب شده بودند از این قرار :
ژان سونه گاده و ورنیو [illegible] در این دسته اشخاص معروفی عضویت داشتند از جمله مارکی دو
Condorcet دانشمند و ریاضی‌دان و فیلسوف مشهور و [illegible] و کیل [illegible]
و بریسو نویسنده و [illegible] روزنامه نویس بود و بسیار دانا [illegible] در فرقه
ژیروندن‌ها [illegible] نام او [illegible] بریسوتن گفته‌اند . این فرقه تا [illegible]
در مجلس مقننه دولت [illegible] در آخر کار [illegible] حزب ژاکوبن [illegible] شد

در میان فرقه چپ و فرقه دست راست [illegible] مستقل جای داشتند و مسلک
[illegible] خاصی را پیروی نمی‌کردند [illegible] فرقه [illegible]
[illegible] بر خاسته و [illegible] را پیش می‌آورد .

اعضاء و فرق [illegible] خروج از مجلس در کلوب‌ها [illegible]
[illegible] از انگلیس‌ها [illegible] معتبرترین کلوب‌ها [illegible] سه کلوب بود از این قرار :
کلوب ژاکوبن‌ها، کلوب فویان‌ها، و کلوب کوردلیه‌ها در خارج مجلس
مقننه این کلوبها تأثیر فوق‌العاده در حوادث مملکت [illegible] داشتند

ژاکوبن‌ها — کلوب ژاکوبن اولین کلوبی بود که در [illegible] تأسیس شد [illegible] در ابتدا مجمع وکلای
[illegible] در اکتبر ۱۷۸۹
[illegible] تمام وکلاء [illegible] این کلوب جمع شده [illegible] انجمن
[illegible]
[illegible] ژاکوبن [illegible] قرار [illegible]
[illegible] ۳۰ [illegible] ۱۷۹۱ [illegible] ۱۲۰۰ [illegible] رسید

در صحبت‌های این انجمن مسائل طرح و بحث می‌شد و برای همین مسائل در آن راه می‌برد

یک روز بعد از فرار و دستگیری شاه گروهی از وکلای ژاکوبن به ریاست [illegible] اظهار داشتند
که اساس سلطنت مطلقه کافی نیست بلکه باید مشروطه توأم با خلع او ... ولی این پیشنهاد
خیلی سخت و افراطی به نظر ... از انجمن خارج شده و انجمن جدیدی در صومعه فویان تشکیل دادند.

با وجود این که عده‌ای از وکلای معتدل خارج شده بودند از اکثریت در کلوب ژاکوبن کماکان
موافق با سلطنت بود. در دوره مجلس مقننه بعد از ... این فرقه ... که طرفدار
حقوق ... مستقیم ... و جمهوری‌طلبان ... فوق‌العاده داشت. فرقه
ژاکوبن مردم ... که تحت مراقبت ... دیگر تغییراتی
در طرز ... وارد نمایند ... ولی ... اعلام حقوق بشر
و اصول دموکراسی بیشتر موافقت کنند. ... از ... لزوم امید
صداقت و وفاداری ... داشت و شاه ... مشروط به موافقت ... تعداد
ژاکوبن‌ها ... [illegible] سلطنت را ... داشت ... موفق شدند. آنا
فرقه ژیروندن ... اصول سلطنت باقی ماندند.

در موقع افتتاح مجلس مقننه فرقه ژاکوبن قدرت فوق‌العاده در مملکت داشت. در سال
۱۷۹۰ ... انجمن ژاکوبن پاریس در ولایات هم انجمن‌هایی دایر شد ... در ۴۰ ... ۴۸
حوزه تشکیل شده و آن را انجمن ... نامیدند. در ولایات بیش از هزار حوزه دایر گردید ...
... روابط کامل برقرار کرده [illegible] ... بیشتر ...
... و حفظ حقوق ... نمایند.

این حوزه‌های ولایتی با مرکز خود ... ارتباط ... و از او دستور می‌گرفتند
و از اخبار ولایت خود مرکز را ... و ... مرکزی را اطاعت می‌کردند. ژاکوبن‌ها به این ترتیب
نماینده‌های بسیار ... در ولایت پیدا کردند ... مرکز ... منظم
کامل ... ژاکوبن ... تشکیلات منظم ... دولتی تشکیل داد
مرکز ... روابط ... در ... مملکت ... قانون ... ۱۷۹۱ ...
مرکز ... حزب ژاکوبن از ... تشکیلات ...
زیرا که از طرف دولت مرکزی ... ولایتی ... ولی حزب در ...
... روابط ...

به ترتیب و تنظیم منظم و حسب وقت و بیرون رفت از [illegible] شد و بعد از [illegible]

[illegible] رشته امور [illegible] [illegible] فرقه [illegible] گذشت [illegible]

[illegible] کلک حکومت انقلاب شد

کردلیه

کلوب [illegible] در [illegible] مرکز [illegible] ژاکوبن‌ها [illegible] کلوب کردلیه از ابتدا

[illegible] دموکراتی داشت سبب دیگر این فرقه آن بود که یکی از دلیرترین و عالی‌ترین داخلی

Danton نام [illegible] انقلابی [illegible] افراد مردم از حیث [illegible] و [illegible] وجود داشت

[illegible] بود [illegible] [illegible] [illegible] اثرات [illegible]

[illegible] اعلامیه حقوق بشر [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] Camille ~~Danton~~ Desmoulins [illegible]

[illegible] دیگر [illegible] Marat [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] دیگر

[illegible] دیگر [illegible] [illegible]

[illegible] دیگر [illegible] [illegible]

بعد از ورود روس‌ها. فرقه [illegible] عده‌ی عناصر صف شدند و چنانکه دیدیم همین حزب [illegible]

اجتماعات مهم این فرقه شد. تمام قوای آنها تقریباً در برابر [illegible] در ولایت

ها بسیار و حضور داشت که می‌توانند قیام کنند. اما اجتماعات آنها در پاریس بسیار قوی بود

اعضا و پیروان درجه دوم داشتند و چون از دولت انقلاب آزاد شده و از طبقات پست به ردیف

طبقات عالی آمده و مساوات یافته بودند جداً هواخواه اصول انقلاب و حاضر برای

جانبازی در راه آزادی بودند

در واقع همین فرقه [illegible] دارای آتش [illegible] بودند و [illegible] ایران؟

مردم [illegible] انقلاب بود از اینها [illegible] مردم [illegible] شاه و مجلس

همین فرقه بود.

[illegible] وقتی که [illegible] که حوادث رخ داد [illegible] منجر به [illegible]

شاه و ملت و سقوط سلطنت گردید. در این وقت [illegible] و [illegible]

[illegible] [illegible] جنگ [illegible] چندین گروه [illegible]

از [illegible] آن [illegible] [illegible] معترض [illegible] و [illegible]

[illegible] ؛ [illegible] از آن [illegible] مقاومت [illegible]. در [illegible]

[illegible] انقلاب در [illegible]. در خارج [illegible]

ولی چون شورای دولت سلطنتی مخالف خارجه بود در عمل قانون بی اثر شد

[وساطت شاه و ملکه] شاه اگرچه ظاهراً ورقه قانون اساسی را امضا کرده بود ولی در باطن مخالفت داشت

شاه و ملکه نگران [illegible] قانون بزرگی که دولت انگلیس است و از ترس آن سر فرود آورده بودند

و دوران خطرناکی رسید که مردم از این قانون سرخورده و ناامید شدند بجای [illegible] آورش

مطالبه و در نفع قانون ~~[illegible]~~ کند . شاه و ملکه [illegible] خود در عین تناقض

حیات [illegible] قانون اساسی [illegible] و [illegible] واقف شوند » . شاه و ملکه [illegible]

و شیخ [illegible] و [illegible] [illegible] .

[illegible] دیگر [illegible] از [illegible] قانون انقلاب اکثر [illegible] شاه و ملکه [illegible]

[illegible] [illegible] پیش گرفتند و فرقه [illegible] را تقویت کرده به افراط

[illegible] تفرقه داده [illegible] و افراط در [illegible] و تقویت از [illegible]

عکس العمل خواهد داشت [illegible] قدرت شاهی باشد [illegible] از استعفاء و

[illegible] از ~~[illegible]~~ [illegible] شاه و ملکه [illegible] از انقلابیون را [illegible] بعد [illegible]

~~[illegible]~~ [illegible] و دیگر داشتن . در واقع [illegible] شاه و شاهی سلطنت [illegible] Poli

[illegible] را [illegible] (ژوئن ۱۷۹۱)

از [illegible] سیاست [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سابق الذکر [illegible]

دعوت سلطنتی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] گیری داشت از [illegible] و [illegible] شروع [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شاه [illegible] . سلطان [illegible] و [illegible]

۵ تشکیل : جبهه‌ی دسته است ۱۷۹۱ دسامبر ۳ در تاریخ بنیادگذاری شد . سعدطلبه

کنگره‌ی در سعدطلبی در سنگ عملی برگزار شده. بیشتر و سیاست برای جلوگیری از انقلاب بود

و تهدید و تظاهرات تا این اندازه از جمله دهقانان و فرمانروایان شد و بار ... اداره

سرایت کند . » در آن زمان اکثر این مقاومت مطلع نشده و در عهده اشار

آن را کشف کردند . در شرایط تمام مقاومت ارا ... با هم حتی معروف

از بابت فرخ الرئیس دولت الاهی برداشته بود . اما در آن ایام مردم بطور

بهم هدیه میزدند و میدانستند ... است . و دریای ... و ملت

به هم افتاده و در قصر قاجاری انجمنی تشکیل شده است با نام انجمن الاهی و در صدد

مقاومت در برابر اجنبیان ... و مقاومت داشتند .

[...] احوال و اقوال ... خارج از ... بدگمانی ملت را تشدید کرد . ...

~~...~~ از ... از طبقه نجبا و سایر طبقات ممتاز و ... قرار

اطاعت کرده و رفت ... کرده ... و ... داشته در زمان ...

کرد . ... و ... انقلاب ... ... خیال ...

و تشدید کرده ... ... و ... در ...

... از ... و ... ...

و ... .

[illegible] شروع شد . [illegible] اقدام [illegible] او

[illegible] شاه [illegible] بود [illegible] از طرف انقلابیون [illegible] شده بود [illegible]

[illegible] وطن او [illegible] از [illegible] وطن‌پرستان [illegible]

در [illegible] ۱۷۹۰ و ۱۷۹۱ بود [illegible] در سنه ۱۷۹۰ ~~[illegible]~~ [illegible]

[illegible] دوره سنه ۱۷۹۱

[illegible] شروع شد [illegible] شاه [illegible]

دیگر [illegible]

[illegible]

[illegible] وطن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

~~[illegible]~~ [illegible]

دیگر [illegible] شد »

| قرارداد [illegible] | [illegible] |

و می‌گفت عنقریب بعد از فوت امپراطور اطریش [illegible] را در تحت سلطنت [illegible]

[illegible]

[illegible] خواهم [illegible]

[illegible] »

در حقیقت [illegible]

[illegible] Kaunitz [illegible] اطریش [illegible]

[illegible] امپراطور [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

عواطف ادبا قوی بود که فرانسه خواهد گفت مقصودش ازین بیان آن بود که [illegible] را

ترسانده از کار [illegible] دارد. تا نتیجه معلومی گرفته شود که [illegible] اعدام [illegible]

داشته و اخیر [illegible] آزاد داند.

احکام

در تقویم [illegible] ملاحظه گردید شخص تمام [illegible] مقرر است. مجلس [illegible]

با تهدیدات [illegible] دوران انقلاب [illegible] که رابع [illegible]

[illegible] و [illegible] مخالف مشروطه. [illegible] رابع [illegible]

[illegible] آن [illegible] حقوق [illegible] تاج و تخت [illegible]

[illegible] و [illegible] اظهار شد که [illegible] اول ژانویه ۱۷۹۳ اقدامات [illegible]

[illegible] مخالف [illegible] شده اموال آنها توقیف [illegible] و [illegible]

[illegible] روز [illegible] قانون [illegible] حقوق [illegible] آنها [illegible] قطع [illegible]

شد [illegible] قانون [illegible] حکم [illegible] کرد [illegible] برادران [illegible]

[illegible] که ~~[illegible]~~ [illegible] از عدم اطلاعات [illegible] آنها [illegible]

[illegible] او [illegible] برادران [illegible]. [illegible] مجلس آمد و گفت

اگر [illegible] حکم [illegible] اعتراض [illegible] لکن [illegible]

اگر به شاه [illegible] مساعدت نکند [illegible] جنگ هم . مردم تشویق شده

گرد شاه [illegible] این حزب [illegible] را [illegible] ساخته و در واقع پادشاه

جنگ را مساعدت کند .

جنگ | روابط با دولت اطریش هم بتدریج تیره شده جنگ حتمی الوقوع گردید . ~~[illegible]~~ این جنگ که [illegible]

بعد تقصیر خواهیم گذاشت مورد تقاضای تمام احزاب و طبقات فرانسه بود فرقه فیان

گمان می‌کردند [illegible] شاه در این جنگ [illegible] که [illegible] قدرت سابق خود را [illegible] . حزب ژیروندن

هم معتقد بود در نتیجه این جنگ کار انقلاب [illegible] مردم [illegible] و [illegible] اروپا

[illegible] آزادی [illegible] .

مقدمه [illegible] حزب ژیروندن [illegible] در تاریخ [illegible] شاه

[illegible] (مارس ۱۷۹۲)

[illegible] از [illegible] ساختند . رولان وزیر داخله

سروان وزیر جنگ کلاویر وزیر مالیه ژنرال دوموریه Dumouriez که از دشمنان دولت

اطریش بود ~~[illegible]~~ وزیر امور خارجه شد [illegible] ژیروندن‌ها

در ۲۰ آوریل ۱۷۹۲ مجلس بپیشنهاد [illegible] اعلان جنگ بپادشاه هنگری و بوهم

صادر کند .

جنگ شروع شد [illegible] در [illegible]

طرفداران ژیروندی‌ها کلمات مرتکب شدند که گفتند مارا ... خامه در نطق‌ها

تندروی و کینه‌ورزی (۲۸ آوریل ۱۷۹۳) مارا تبرئه شد و قوی‌تر از سابق نماینده

مجلس و جمعیت‌های انقلابی سیاسی منتقد و منتشر شده بودند دیگر ژیروندی‌ها در شاه دوستی

آن قدرت حیات کرده نقشه جنگ شکست دوموریه را با ارتش اتریش مطابق نقشه. مقارن

بی‌اعتدالی و تعصب و حکم‌داری دینی در سمت جنوب روی‌تر ادامه گذاشت. مجلس جوان

در نقشه‌ات ... هیچ در خطر دروغ و غارت جلوگیری کند. چون بازپرسی گرفته اول

شد مرتکب داده به شش نفر از ژیروندی‌ها خامه را در حبس و تشکیل ساختند و قوانین

حاضر العدل را جدا نمودند بعد فرمان حرکت میدان دلخواه (۳۰ مه ۱۷۹۳) پس

حکم داده که ... معترض و مخالف بودند را از مستعمرات تبعید کنند. در

شهر بوردو قوای مرکب از داوطلبان و ملیت ... هشت هزار نفر تشکیل

(دوپون) شد از ... حکم اعدام ... در ۱۳ ژوئن ... ژیروندی‌ها

معزول ...

سقوط ژیروندن | پس ژاکوبن‌ها تقسیم گرفته ... را ... داده به اعضای احکام مجلس

بود. از ... منع کنند. یکی از رؤسای ژاکوبن مرتکب — انقلاب بزرگ

در ... با ... مشغول ... بودند

بعد استعفاء او را معزول ساخت (الخ). مرحوم سید طباطبائی معاهد دولت او برداشت»

[illegible] با تأییدات [illegible] بعنوان جشن سالیانه [illegible]

در روز ۲ [illegible] سکنه [illegible] را تحریک [illegible] و تظاهرات [illegible]

در [illegible] بیت [illegible] هزار مردان [illegible] و غیره و غیره [illegible]

[illegible] زنان و کودکان [illegible] در مجلس [illegible]

[illegible] دادند [illegible] از دیگر اراده [illegible] دولت [illegible]

[illegible] اراده [illegible] «[illegible] را [illegible] مقام [illegible]

شروط [illegible] وظیفه خود را انجام دهد اگر [illegible]

[illegible] خواهد داشت» . مردم از مجلس خارج شده [illegible]

[illegible] شدند و [illegible] روز [illegible]

[illegible] [مقصود از [illegible] اقتراض [illegible]] و [illegible]

[illegible] . [illegible]

گفت «[illegible] شما [illegible] و [illegible]

[illegible] !»

[illegible]

[illegible] در [illegible] از [illegible] ~~[illegible]~~

[illegible] داشت و

وطن در خطر

نزدیک بود این اقدام مرتجعانه ژاندارمری [illegible] تمام شود. عده کثیری از ولایات

ولایات مختلف از کردستان رود ۳۰ ژاندارم واقف شده حمایت شاه برخاسته و اعتراض کردند.

لاهوتی در دیلمان [illegible] از فداکاری‌های برجسته [illegible] که [illegible] حمایت او [illegible]

عقیده کار وقوع کودتای ژاندارمری را جنبید (۲۸ ژوئن). آنها نیز ادبار و سیاست

آنها را کار خود دانسته [illegible] در آن تردید [illegible] گفت: «[illegible] لاهوتی

[illegible] حمایت کند [illegible]». [illegible] و [illegible]

ژاندارمری را از خیانت [illegible] متنفر کند [illegible] نیز [illegible]

[illegible] موجب شده [illegible] و برای جنگ [illegible] آماده کرد

[illegible] قشون [illegible] در صف [illegible] و دیگر [illegible] اعلامیه [illegible] قوای

[illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible].

[illegible] یافت [illegible] که [illegible] رسیده [illegible] ژاندارم

[illegible] وطن را [illegible] کرد و [illegible] تجهیز قشون [illegible] و فراهم آوردن آلات جنگ

و آماده ساختن تمام قشون [illegible] داد. [illegible] عموم [illegible] را

[illegible] از اوضاع [illegible] از بزرگان [illegible] ساخت [illegible] در اقدامات

فوق العاده [illegible] و مقاومت شاه [illegible] قوانین [illegible] را [illegible]

اعلان برنزویک

در ۳ اوت اعلامیهٔ کوک دو برنزویک Brunswick سردار کل قوای

اطریش و پروس در سرحد منتشر دادند و در پاریس منتشر شد. بطور این اعلان را

مأمور استوارت در پاریس پیشنهاد کرده و یکی از مهاجرین بنام مارکی دولیمون متن آن را نوشته

تحریر کرده بود. از دو نوع و هر یک از افراد لشکر هر که به دفاع بدارد و هر یک از اهالی ملت که

به دفاع برخیزند و با مهاجمین مقاومت ورزند بعنوان خائن به شاه محکوم خواهند شد.

اگر بار دیگر اهانت به شاه و خانواده او شود شهر پاریس معروض قتل عام نظامی و ابنیهٔ آن مورد

انهدام خواهد شد. ... از طرف شاه پاریس ... این اعلامیه تغییر در ارکان ارتش

منتشر گشت ... عاقبت این اعلامیه ... از دو روز پیش ... آن به پاریس رسید

این جمله رقابت ... مقدمه ... ساعت ...

تا این تهدیدات اثری جز تهییج اهل پاریس ... تمام مردم

... ملت و ... شاه در پاریس

... قیام کنند و برای تعیین آینده و پیش گیری از خطر شکست

... متهم شده و خانواده شاه را تحت نظر قرار داده و بعنوان گروگان نگاه داشتند

مقدمهٔ شورش

در تاریخ ۲۰ ژوئن کمیتهٔ سری انقلاب بصورت روزانه جلسه و ~~[illegible]~~ بسیون کلوبز در پاریس داشتند

و نقشهٔ قتل طرح ریزی ~~[illegible]~~ تخریب اساس سلطنت شده و در حادثه ... آنجا واقع گشت :

حمله به ... اتاق ... [illegible] ... [illegible] ... .

[illegible] ... موجب تأیید ... انقلاب ... شد ... [illegible]

[illegible] ... بعد ... و در پاریس ... کمیتهٔ انقلاب [illegible]

[illegible] ... [illegible] ... شد [illegible]

[illegible] ... برای انقلاب ... آماده شد ... انقلاب صورت عملی

[illegible] ... [illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible] ... [illegible]

[illegible] ... عمومیت یافت و در [illegible] ... واقع شد و آن را

سرود ... Marseillaise نام دادند .

روز ۲ ژوئن ... مردم ... [illegible]

[illegible] ... ۲۵ ژوئن ... [illegible]

بودن و انقلاب بطوریکه در پاریس منتشر شد [illegible] از جمهوریت خواه

انقلاب تشنه بودن و تشنه [illegible] تا [illegible] لیبرال راضی

شد ولی مجلس مقاومت داشت و تقاضای [illegible] ترتیب اثر نداد [illegible] جواب

تقریبا استهزاء و تأخیر داد زیرا که اکثر اعضاء آن مخالف سلطنت بودند.

دهم اوت — [illegible] تا [illegible] اوت دربار

قصر تویلری را [illegible] عنقریب [illegible]

[illegible] Roederer [illegible]

[illegible] تمام شب انقلاب [illegible] اوقات مشغول [illegible]

[illegible] ادارات [illegible] انقلاب

[illegible] انقلاب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

قشون انقلابی مرکب از مهاجرین آذری و داوطلبان ایرانی است و عملاً [معنی] قیادت ایشان لشکر ترک است
نیز حالت تدریجاً از طرق مختلف قشر ترکی را احاطه و اشغال کند و اهالی مملکت

شرقی و غربی هم رفته رفته با آن ملحق شوند.

مستحفظین بودند. ۲۵۰۰ نفر ترک از گارد و گارد روس بعد آن گارد [illegible]

آماده جنگ نبود و بعد از اینکه ما [illegible] از عقب آن [illegible] تفنگ رسید کمی خانه ها را

نگاهداری [illegible] حاضر ۵ روز بعد فقط امید در دریا [illegible] ۹۰۰ نفر قشون روسی بعد

رود [illegible] زحمت زیاد شد [illegible] [illegible] دولت [illegible] مملکت [illegible]

شد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] از [illegible] روسی [illegible] [illegible] شده.

در قشون جنگ شروع شد [illegible] ۵ [illegible] قشر رسید [illegible] [illegible]

رفت [illegible] روسی جنگ [illegible] [illegible] [illegible] خود دست [illegible]

[illegible] [illegible] کردند. در اینوقت اهالی [illegible] کردند [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] را [illegible] کنند. جنگ [illegible] [illegible]

[illegible] در [illegible] تسخیر قشر [illegible] نزدیک بود [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] از [illegible] رسید ۵ که دست نگاهدارد. انقلابیون در آنجا [illegible]

روز ۹۰۰ نفر کشته [illegible] [illegible] افکنده [illegible] در آن وقت مجاهدین

دشت داغ [illegible] دو هزار نفر از آنها کشته و مجروح شده‌اند بنا بر تحقیقات اخیره بیش از

۳۲۷ نفر تلفات داشته‌اند و اکثر آنها از [illegible] [illegible] از ایلات [illegible]

قصر شیرین غارت شده [illegible] چیزی می‌بردند و دیگر [illegible] [illegible] را اعدام می‌کردند.

تعلیق شده

چون مجلس از طرف نیروهای اتحاد [illegible] [illegible] [illegible] ختم شد که

زیرا که مطابق قانون اساسی حکومت مشروطه [illegible] بقوه مقننه و قضائیه و مجریه است و حال

قوه مجریه را [illegible] [illegible] الفعل [illegible] است [illegible]

~~مجلس [illegible] [illegible] ۲۸۲ [illegible] [illegible] [illegible]~~

دو ثلث از ۱۳۰ نفر نمایندگان فقط ۲۸۴ نفر حاضر بودند. [illegible] مجلس [illegible]

که حکومت [illegible] است و [illegible] [illegible] اقتدار [illegible] فعال و غیرفعال

موظفند در ازای حق مجلس [illegible] کمیسیون تأسیس کنند. مقصود از کمیسیون در

اصطلاح [illegible] مجلس [illegible] است [illegible] مجلس [illegible] [illegible] اتخاذ و [illegible]

وضع مقررات [illegible] برای تثبیت مالکیت و [illegible] آزادی [illegible] لازم است

بعهده مجلس آینده واگذاشت و مقرر داشت [illegible] تعیین تکلیف قطعی خانواده سلطنتی

باید در قصر [illegible] تحت نظر باشند. در این موقع [illegible] او را تا موقعی

تغییر [illegible] از شهر [illegible] به [illegible] روسیه [illegible] کند. شخص [illegible] جنب

داشتن [illegible] وزارت [illegible] داشت

حکومت جدید در تاریخ [illegible] تا موقع انعقاد مجلس [illegible] در [illegible]

حکومت [illegible] انقلاب [illegible] و [illegible] وجود داشت. [illegible] توسط [illegible] خود [illegible] و

اداره [illegible] جدید انقلاب [illegible] و [illegible] تفوق حاصل کرد. [illegible] مجلس دارید

[illegible] حکم [illegible] در [illegible] در قصر [illegible] توقیف [illegible] در [illegible]

تا [illegible] ([illegible]) موقوف [illegible]. [illegible] از [illegible] بعد [illegible] دیگر [illegible] انقلاب

شده و قرار [illegible] انعقاد مجلس [illegible] این [illegible] و تا ۲۷ [illegible]

۱۲۹۲ (۹ [illegible]) [illegible] از [illegible] مملکت [illegible].

توقیف [illegible] در همین ایام [illegible] جدید [illegible] اتفاق افتاد. در وقت [illegible] اثاثیه

قصر [illegible] کشف شده [illegible]. [illegible] بود [illegible] قرار داشت

[illegible] عمارت [illegible] از [illegible] قرار [illegible] شد [illegible]

[illegible] گشته [illegible] تمام [illegible] دست [illegible]

Brunswick محبوب دوشنه و سیاست اساده [illegible] گشتند. علیه [illegible]

وقت [illegible] قضاوت و اوضاع دولت در تفتیش [illegible] در اتفاق جمعی [illegible]

که [illegible] از مردم [illegible] بپرسند. [illegible] وقت تحت نفوذ [illegible]

[illegible] (۱۷ او) [illegible]

[illegible] حکومت و [illegible] تر [illegible]. مردم [illegible]

[illegible] و [illegible] قرار داده و [illegible] متهم باشند.

[illegible] جنگ [illegible]

[illegible] (۱۲ او) [illegible]

[illegible] (۱۳ او). [illegible] قبول [illegible] ولایت

[illegible] (۱۴ او) و [illegible] را ~~[illegible]~~ [illegible]

[illegible] قبول [illegible]

[illegible]

[illegible] در [illegible]

[illegible] اضطراب [illegible] (۲۱ او) [illegible] آورد

عده از وزرا و قوانین را بصحرا درآورده و ترتیب جشن [illegible] کرده و کوی وزیران را [illegible]

سوزاند یعنی بیرق [illegible] و [illegible] عبارت جدید انقلاب او با عبارت [illegible] و [illegible]

دیوانی‌ها [illegible] دولت [illegible] در [illegible] سرباز [illegible]. از این [illegible] جشن

اگر در جنوب از روز [illegible] بود ~~[illegible]~~ چنانچه [illegible] از دست

رفت. [illegible] و چشم [illegible] و رأی [illegible] شد. در این میان مارا

Marat [illegible] از [illegible] که [illegible] خالف [illegible]

[illegible] که [illegible] مخصوص [illegible] را

[illegible] مارا [illegible] شد [illegible] از [illegible]

[illegible] و [illegible] و [illegible] از [illegible]

[illegible] یعنی [illegible] و [illegible]

[illegible] و [illegible] که [illegible] درد

و [illegible] آنها [illegible] اند.

[تقریر مطلب] [illegible] و [illegible] اعتبار [illegible]

[illegible] ~~[illegible]~~ [illegible]

احمق را مالک سرمایه کرده به باد فنا داد. صندوق در مدت چهار روز [illegible] ما و دشمن ما را و کلیه
حفاظت عمومی گسیخته شده بود زیرا از دولت مصدق نیز به جای آزادی و کار و [illegible]
عوض اراده داده. اینها از جمله هم از این جهت ترس داشت دوره جنگ را که
همه را چپاول گر شده و حق از هر صندوق را با تعجب گرفت. مجلس در روز سوم به
آمد و دفتر امور را کلی توده [illegible] و [illegible] و موقت از اداره
قبل هم را موافقت کرده. لیکن هر شیخ نقش طول کشید و مجلس که به [illegible]
قابل [illegible] قریب ۱۲۰۰ نفر پیرمرد و زن و طفل در دو جا و [illegible] تقریباً
دیگر [illegible] پرنس لامبال هم کشته شد. همین کار را با
در کلیه مراکز در بعضی ولایات هم شروع شد و همه بیش از ۱۲۰۰ [illegible]
[illegible] خونریزی [illegible] نتیجه [illegible] داد و آن انقلاب [illegible]
قتل [illegible] ژیروندن ها [illegible] از دیگر بود. ژیروندن ها به [illegible] این کشتار [illegible]
قیام کردند [illegible] ولی چون از آن حزب را [illegible] ادامه
[illegible] هم [illegible] دعوت [illegible]
[illegible] ژیروندن ها [illegible]

۴۷۵ نتیجه و با وزارت امور خارجه و خبر ایران و مصر بارها را تقاضا کند.

پانزده روز بعد از این وقایع متن تلفن مخبر ... انگلیس کنسولگری را انگلیس که
سفارت انگلیس در تهران ... دو مورد دیگر ... قشون روس را در مصر ... جلوگیری نمود
وزارت دولت داده.

فصل چهارم

جمهوری

I

مجلس کنوانسیون - احزاب - شورشها - حکومت انقلابی - ارتجاع بعد از ماه ترمیدور - قانون اساسی سال سوم - کارهای کنوانسیون.

دوره مجلس ملی سوم یا کنوانسیون سه سال بود از ۲۱ سپتامبر ۱۷۹۲ الی ۲۶ اکتبر ۱۷۹۵ غرض از تشکیل این مجلس وضع قانون اساسی جدیدی برای فرانسه بود. بدین جهت این مجلس سلطنت ملغی (۲۱ سپتامبر ۱۷۹۲) و جمهوریت برقرار کرد. در این مجلس نزاع احزاب بزرگ شد (۲ ژوئن ۱۷۹۳) و قانون اساسی ۱۷۹۳ موسوم به قانون سال اول است وضع گردید (ژوئن ۱۷۹۳). از طرف دیگر مجلس مجبور به دفاع در مقابل دشمنان خارجی و داخلی تمام اروپا و دفاع دولت جمهوری در مقابل شورشهای داخلی بود و حکومت انقلابی ایجاد و مجلس اساسی آن کمیته نجات عمومی بود. برای قلع ماده شورشهای داخلی و حصر توجه کلی قوای مملکت به دفع دشمنان خارجی کنوانسیون مجبور به خونریزی و ترور منتشر گردید (سپتامبر ۱۷۹۳) لیکن وضع خونریزی تا ده ماه ادامه یافت ولی پس از دور شدن خطر خارجی و آرام شدن کمیته نجات عمومی و کثرت خونریزی موجب ادامه آن شد. بعد از سقوط روبسپیر در (۲۷ ژوئیه - ۹ ترمیدور ۱۷۹۴) مجلس رفته رفته خونریزی را خاموش کرد و قانون اساسی دیگر موسوم به قانون سال سوم

~~[illegible]~~

وضع نمود (۱۷ اکتبر ۱۷۹۵) و خود منحل شد مجلس خویش را بحکومت دیرکتوار

دیرکتوار واگذار کرد.

در عهد مجلس کنوانسیون در نتیجه اختلاف احزاب سیاسی فجایع و وقایع دلخراشی اتفاق افتاد

از آن قبیل است جنگ مونتانیارها و ژیروندن‌ها که منجر بشکست ژیروندن‌ها شد (۲ ژوئن

۱۷۹۳) لکن در خود فرقه مونتانیار هم تشتت افتاد و دو دسته منقسم شدند دسته هبرت

و دسته دانتون. روبسپیر هر دو دسته را بجرم [illegible] معقوب ساخت و خود روبسپیر

هم که حاکم مطلق و فعال مایشاء محسوب میشد در ۲۷ ژوئیه ساقط گردید.

در اواخر دوره مجلس کنوانسیون چند حادثه و واقعه اتفاق افتاد مورث

[illegible] طغیان گردید و بالاخره [illegible] طغیان [illegible] بسبب قحط و غلا

[illegible] در اواسط وضع قانون اساسی سال سوم بعد

کنوانسیون — مجلس کنوانسیون بموجب حکم مجلس مقننه در دهم اوت [illegible] مرکب از ۷۴۹ عضو بود

انتخاب نمایندگان این مجلس [illegible] لکن در اینجا حذف امتیاز فعال و منفعل در انتخاب

[illegible] تعیین سن انتخاب کنندگان به ۲۱ سال [illegible] انتخاب [illegible]

~~[illegible]~~ سابق [illegible] مستقیم و عمومی [illegible] کنندگان

کنندگان ~~[illegible]~~ متغیر بود [illegible] سلطه [illegible]

اکثریت دارد لکن بزرگ و بهتر هم تثبیت می‌شود. بنا بر عده که پنج از

هفت هزار نفر اناث کنندگان درجه اول ترتیب ۶۴ هزار نفر از شرکت در اناث

خودداری کرده. در واقع بعضی کنفدراسیون نماینده یک عشر اناث کنندگان بود

دیگر محقق است می‌باشد که طبقه متفاوت باقی به عنوان متمادی داشته از شرکت خودداری

کرده و دیگر طبقه مشغول محروم از انتخابات رأی داده و اناث نیز صرفنظر

و خودداری کرد.

احزاب: بنا بر نقشه‌ها — اگرچه بعضی از اعضاء کنفدراسیون از جمله نمایندگان مجلس موسسان

مجلس ملی اکثریت با طرفداران دموکراسی بود ولی مجلس طرفدار سلطنت مشروطه یا استبداد

بود و چون دست. زیرا زیر بیشتر ۱۲۰۰ دیگر داشت و ملاها ازو ب زیادی

جدا شده بود سمت راست مجلس را برای خود آورده. در سمت چپ زیاد بیش ۲ دیگر ولی

۲۰۰ دیگر داشته جای گرفته شده مجمع که در وقت را مونتانیاردی گویند. وجه

تسمیه آنها مونتانیار یا کوهستانی آن است که اکثر افراد آنها در صندلی‌های بلند

و نیمکت‌های مرتفع مجلس جای داشتند. در میان حزب دست چپ و حزب دست راست

حدود صد دیگر بود که دارای عقیده ثابتی محسوب نگشته و تحت نفوذ

دیگران قرار می‌گرفتند. این دسته آنها را حزب باتلاق می‌گفتند. اینها بکلی دیگر بودند.

رؤسای حزب ژیروند

در زمانی که رولان و [illegible] قائدین حزب ژیروند که نفوذ فوق‌العاده داشتند ~~[illegible]~~ ورگنیو مرد ادیب شیرین‌سخن بود و می‌خواست در حکومت دولت جمهوری بطرز اعتدال داد گردد

[illegible] بعد [illegible] شده و ملت حاضر [illegible] اقدام [illegible] وضع دیگری داشت و [illegible] در آن زمان [illegible] اعتراف [illegible] ملت فرانسه [illegible] بود ورگنیو [illegible] دفاع

ملک میرفت [illegible] ورگنیو [illegible] بود 8 [illegible] Brissot

که در حزب [illegible] داشت در [illegible] اروپا سیاحت کرده و [illegible] آن ممالک را

[illegible] ارکان حزب ژیروند [illegible]

Barère

رؤسای فرقه مونتانیار

قائدین حزب مونتانیار [illegible] از [illegible] ماراً [illegible] و بالاخره [illegible] [illegible] اعلیحضرت [illegible]

[illegible] در حزب [illegible] بعد.

اختلاف فرقه ژیروندن و حزب مونتانیار

موارد اختلاف مابین حزب ژیروندن و فرقه مونتانیار چنانکه روشن و واضح نیست مردان ظاهربین برخی [illegible] می‌کنند که [illegible] برای تحقیق [illegible] در [illegible] [illegible] ژیروندن‌ها [illegible] در اصول دموکراسی با موازنه حزب مونتانیار ~~[illegible]~~ و رواج [illegible] ملت بزرگ [illegible] و سعادت [illegible] عام ملک [illegible] در دست [illegible] (([illegible])) و دیگر ژیروندن‌ها را طرفدار تجزیه ملک فرانسه و ایجاد چندین جمهوری مستقل و متحد نظیر ممالک [illegible] دانسته‌اند [illegible] حقیقت است و سندی برای اثبات آن در دست نیست

تنها موردی که اتفاق که از وزرا داشتند راجع به وظیفه جواب دولت بود وکلای ژیروندن
که خانه نشین و امنیت و وضعیت بعد می‌خواستند اختیارات را از دولت وکلای
پاریس و اهالی پایتخت بگذارند و مردم پاریس را بر علیه سلطنت برانگیزند بعد خائف بر از
هواخواهی اینها چپ‌تر خائف استبداد مطلق عده‌ای پاریس شدند و بالاخره قول یا از وکلای
ژیروندن حزب مردم مجلس و پاریس دارای یک پشتوانه و هم قدرت کلی مطلقه باشند
عده‌ای اخری همان طور در امنیت فرانسه هر یک کلی از قوه کلی مطلق می‌ترسیدند
هم نسبت به هم خود دارای قدرت باشند و متمرکز در کمتر.

آن حزب مونتانیار با عمل محرکات قوه علنیه و کلوب‌ها و جریده‌ها نیز
تمام قوای مملکت را در پاریس جمع کند و آن نیز با اجرای قوت و نفوذ مملکت محروس داشته
معتقد بود که در این حال در وقت اقتضا است باید پایتخت [illegible] دارای
مملکت باشد.

بعد در روزهای اول حزب باهم اختلاف کامل پیدا داشتند شد و دیگر
از قانون حزب ژیروندن نگیفت، [illegible] دکتر [illegible] ها اول [illegible] اتفاقات حزبیه
آن دانتون [illegible] از روسای حزب مونتانیار نگیفت و [illegible] با اینکه از آزادی احترام
و ثبات [illegible] اگر چه تمام یک ها از [illegible] برود [illegible] از طبیعت [illegible] بگیرد

که فقط نوع حفظ دقایق نوع دارد اعتقاد داشتند که [illegible] ژیروندن‌ها بودند

طالب ~~[illegible]~~ اول عدالت و انصاف بعد آن نوبت آزادی‌ها و سعادت

عمومی را مقدم میدانستند مقصودشان از سعادت عمومی عدالت بوده و امروز تقاضیات مملکت

و مصالح کشور تغییر کند نگفته در مقابل مصالح عمومی هرچیز را میتوان زیر پا گذاشت

و در راه نجات جمهوری فرانسه از هیچ عمل سختی روی گردان نبودند

این اعتقادات موجب گشت که وقتی اعاده [illegible] ژیروندن‌ها که بیشتر از روشنفکران

مخالفت داشتند و روبسپیر و دانتون و مارا را [illegible] متهم میکردند که طالب استبداد و

حکومت مطلق هستند. رهبری روبسپیر و مارا [illegible] با [illegible] فرقه ژیروندن‌ها گرچه [illegible] هم

دوستدار جمهوریت فرانسه بود لکن دانتون معتقد بود و اعتقادات سیاسی را

عملاً [illegible] گذاشته متحداً دفع دشمن خارجی کرد. فرقه ژیروندن‌ها

این صلح جوئی دانتون را [illegible] تقاضای او را رد میکردند و تا آخر کار

بهمین حال باقی ماندند

جمهوری

مسیو کندرسه سن ژوست ~~[illegible]~~ در ۲۱ سپتامبر سلطنت را ملغی ساخت از ۷۴۹

نماینده فقط ۳۷۱ نفر حاضر بودند و باتفاق آراء الغاء [illegible] اعلام کردند

شب و روز را بر روزهای [illegible] ملت را [illegible] ثانیه ۲ جمهوری بوده است یعنی از روز ۲۲ را

مبداء تاریخ قرار داده و آن سال را سال اول جمهوری خواندند و در ۲۵ سپتامبر بموجب قانون

وحدت و عدم تجزیه فرانسه
جمهوری جمهوری فرانسه را اعلام داشت

محاکمه لوئی ش ۱۶

بورژوازی و جمعیت ژاکوبن کلیف شد در ۲۰ [illegible] ازادیخواه . اگر [illegible]

[illegible] در محاکمه و اعدام لوئی شانزدهم را [illegible] بجرم خیانت تقاضا داشتند .

جمهوری [illegible] که در حکم قانون ۱۷۹۱ شاه غیر مسئول و محترم است طرفداران محاکمه

نگفتند که [illegible] را باید از روی قانون محاکمه [illegible] بلکه [illegible] : در سخن از محاکمه ،

[illegible] ملت [illegible] قاضی نیستید شما مردان سیاسی و نماینده ملت هستید ، [illegible]

[illegible] یک شخص نیست [illegible] مربوط [illegible] و [illegible] در اعلام [illegible]

آنگاه [illegible] قفسه آهنین بدستور لوئی شانزدهم در قصر تویلری ساخته بود

[illegible] آن قفسه را بدر آورده و [illegible] کرده و [illegible] چند راجع باوراق و

ذخیره [illegible] و اوراق مربوط بمکاتبات شاه با [illegible] آمد [illegible]

که محاکمه شاه حتمی و لازم شد

محاکمه روز ۱۱ دسامبر شروع و [illegible] شاه [illegible] در [illegible]

روز دیگر مدافع دوست یک ماه بعد در اتاق وزیر بود و من تو رفته بود

سپس de Sèze دو وکیل دیگر و عده معیذ با دیگر سر دفاع صحیح و بلیغ که بورژوها

مجلس که ولیمون از داد در لادوی کابینه با جمع مخالف با آرای دیپلماتی با رشد

حزب م و قصد طلب اختیارات عمومی مملکت را اعلام است . دو روز همین جمهوری اقلیت

از قبیل استقلال یک تجزیه طلبان با تاخیر حوادث آفاقه جنگ [illegible]

قبول نیافت ساعت سه صبح ۳۸۰ رای موافقت و مخالف ۳۱۰ رای

مجلس مقرر داشت که در ظرف ۲۴ ساعت باید حکم [illegible] اجرا آید .

روز یکشنبه ۲۱ ماه ژانویه در میدان لوئی پانزدهم که فعلاً میدان انقلاب (کنکورد) نام داشت

و امروز میدان کنکورد معروف است در میان دو فوج از لشکر [illegible] گیوتین را روبروی

قصر تویلری برپا داشته . ساعت ۱۰ را از محبس (تامپل) در کالسکه نشسته و با اتفاق

یک کشیش و دو ژاندارم به پای گیوتین آوردند [illegible] شاه از [illegible] در [illegible] ده

کشتنگاه با [illegible] سر [illegible] با مردم [illegible] سر نطقی با اردو [illegible] داشت

سخن بگوید صدای طبل [illegible] او را [illegible] ساخت و کلامش شنیده نشد

و با طمأنینه [illegible] به دار [illegible] که [illegible] از حوض [illegible] است جان را [illegible] .

نتایج سیاست شاه

با نیرنگها که فراریون میخواستند با کمک دول خارجه بازگشت سلطنت را اعلام
ممنوع و غیرممکن ساخته و پادشاهان اروپا را ترسانند یعنی سر
لوئی را بجای آن سلطنتی انگلیس و در عرصه آینده خواهند . نتایج قریب‌تر آن
آن شد که خطرات فرانسه مضاعف و شدید شد . در ظرف چند هفته جمیع دول معظمه
اروپا مثل اطریش و پروس و روسیه و انگلستان و اسپانیا و هلند و ایطالیا
متحد شدند و در وندی وانده صد هزار دهقان قیام کردند و در بلژیک دوموریه سردار
مشغول بود بر خلاف مجلس کنوانسیون برخاست و عازم تسخیر پاریس شد لکن از اردوی فرانسه
امروز و طرح پاری آمده از اطاعت او خودشان سر پیچیدند (۲۵ مارس اول آوریل)
برای جلوگیری از این اغتشاشات مجلس کنوانسیون اداره امور را واگذارد . تشکیل کمیته از قوه
- انعقاد کمیته امنیت عمومی در کارهای داخلی پلیس مجلس بود — تاسیس محکمه انقلابی
برای محاکمه متهمین (۱۰ مارس ۱۷۹۳) — تشکیل کمیته نجات عمومی از اول ماه آوریل
دوام و خاتمه احکام استبدادی و تعطیل ... رژیم حقیقی را که داشت ... بعد
... احکام مجلس کنوانسیون حکم قتل ... را ... چند شروط را اعلام نمود

سازش فرقه [illegible]

[illegible] این وحشت را حس کرده با [illegible] دستورات [illegible] میان فرقه ژیروندن‌ها

و مونتانیارها وضع و حالی بود. ژیروندن‌ها از اینکه مارا Marat را

بار ملامت گشته در تحت محاکمه عظیم شدند ولی اغلب اعضای احترام خانه‌گان مجلس بعد

برده مارا را متهم با وحشی آتش جنگ را وضع کرده و [illegible] محکمه انقلابی کشته من مارا

تبرئه شده و با اتفاق و احترام تمام او را به مجلس وارد کردند. از این تاریخ مارا و دولت

با اعتبار و عقیده دینی قطع رشته حیات فرقه ژیروندن کمر بستند و به تیغ جز اینها

دقت و کار دند. چون ژیروندن‌ها کمیته مرکب از دوازده نفر از اشخاص [illegible] که در اول

[illegible] جدید را تفتیش مخفی و احکام مخالف قانون صادره از آن مؤسسه را مورد تحقیق

قرار دهند. یکی از کمیته ~~[illegible]~~ که از اعضای درجه اول مجلس را [illegible]

نام داشت و دیگر را به نام حبس توقیف کردند. در ۲۵ مه جمعی از جنوب پیش [illegible]

انقلاب [illegible] آمده و تهدید کردند. و یکی از نمایندگان ژیروندن‌ها

ریاست مجلس کنوانسیون در آن هنگام به ایسنار Isnard ~~[illegible]~~!

مجلس تهدید آمیز و سخت گفتار آغاز و [illegible] کرد: «اگر وسیله این شورش‌ها [illegible]

[illegible] نمایندگان ملت وارد گردد من به نام فرانسه اخطار می‌کنم در اوضاع [illegible] که

برای بافتن مهر کوئینه شد بدین ترتیب مقدار اطراف [illegible] قفس [illegible] ۱ لیه تعیین [illegible]

تعهدات [illegible] و ۱۵ ضرب [illegible] فارغ شد [illegible] جواب [illegible]

[illegible] را [illegible] جواب [illegible] را [illegible] داشتند

[illegible] روز پنجشنبه ۲۷ مه [illegible] مدت [illegible] روی [illegible] [illegible]

در [illegible] روز [illegible] و دادار [illegible] بیست [illegible] کنند [illegible] کارگر

[illegible] بیست [illegible] بر روز جمعه ۳۱ مه [illegible] کمون [illegible]

[illegible] و [illegible] را [illegible] و تعیین کرد [illegible]

[illegible]

[illegible] بر [illegible] پس [illegible] کمون [illegible] داد [illegible] در

[illegible] و [illegible] ۳۰ [illegible] این ترتیب [illegible]

[illegible] را [illegible] قرار [illegible] و بیست ۱۲ [illegible]

[illegible] کرد.

[illegible]

[illegible] کرد. [illegible]

[illegible] کمون [illegible] ۵ [illegible]

دو روز بعد کمون با شتاب بر در کنوانسیون دعوت کرد. دولت قطعه میرد را گرفت و ۲۲ نفر از نمایندگان ژیروند
ژیروندی را اتهام داد. چون بیم مقاومت کنوانسیون می‌رفت نمایندگان مجتمعاً از محل خارج شده
از جلوی رئیس قوای کمون عبور کنند انقلابیون مانع شدند. هریو دو مشکل رئیس مجلس پرسید: «مردم چه می‌خواهند!
رئیس ما منظوری جز سعادت ملت دارد؟» هریو جواب داد: «مردم برای شنیدن الفاظ
قیام نکرده‌اند ملت می‌خواهد حاکمیت خود را ثابت کند باید سی و چهار نفر از نمایندگان مقصر را تسلیم
کنید» چون نمایندگان اظهار مقاومت کردند هانریو رو به کاخ ... توپچی‌ها کرده گفت:
«توپچیان پشت توپ خود حاضر شوید!» مجلس تسلیم شد و ۲۹ نفر از اعضاء خود را
به اختیار مردم واگذار کرد که در منازل خود تحت نظر نگاهداری شدند. از این واقعه به بعد
فرقه مونتانیار بر مجلس تسلط تام یافت.

تابستان ۱۷۹۳ | چون خبر دستگیری مردم ژیروند در ایالات و ولایات شایع شد در بعضی نقاط
که افکار مسالمت‌آمیز و ضد انقلاب تفوق داشت مخالفت‌هایی نسبت به رفتار کمون پاریس
شروع گردید. در اواسط ژوئن ۱۷۹۳ عده ایالات که در جبهه دولتی قیام کرده بودند به ...
و ... در ۵ ماه ژوئیه بعد به ۶۰ ایالت بالغ شد.
فرقه مونتانیار برای تخفیف سورت ... مردم و جلب ... ایالات در ظرف ۱۲ روز

قانون اساسی جدید در طرح آن ۵ هزار در شکل تقریباً دیده بود تصویب [illegible] رسانیده

این قانون در اول ~~[illegible]~~ امتیاز و اختصاص کشور بزرگی [illegible] تفویض حق انتخاب

بکلیه مردم عموماً بعد بیش از پیش موجب عدم رضایت شد. ~~[illegible]~~ را مورد دستور

عدم اتفاق مردم نسبت به دولت اعلام گردید و حق شورش را لازم‌ترین و مقدس‌ترین حقوق ملت کرد

بی‌رویه است [illegible] در هر مورد حق داد و در هر حال حقوق ملت را نقض نماید دست به انقلاب

زنند. این ترتیب قوانین موضوعه نیز تنقیح دائم تصویب عمومی ملت موکول ساخت و آنرا

رفراندوم میگویند.

این قانون ۱۷۹۳ در مقابل سال اول جمهوری حق دخالت و اعمال نفوذ مردم را از

ایشان و [illegible] سلب کرد. مردم [illegible] تحمل تنفر کرده از جلس [illegible] شدند

و تصمیمات [illegible] به اشاره و خطر گذشت.

حکومت و کمیته [illegible] [illegible] | [illegible] به قانون سابق [illegible] تصویب [illegible] اوضاع [illegible] [illegible] جدال [illegible]

۹۳ [illegible] [illegible] مملکت هم [illegible] [illegible] خارج شده بود [illegible]

[illegible] شرقی را [illegible] کردند انگلیسها [illegible] را در جنوب [illegible] را

در شمال تسخیر ~~[illegible]~~ [illegible] . [illegible] ۲ [illegible] و [illegible] را اشغال [illegible] [illegible]

عقب نشاند [illegible] بلاد در این وقت جنگ فتوحات :

قوای فرانسه را بجانب آلمان ~~[illegible]~~ ~~[illegible]~~ لاجرم فرانسه [illegible] قلعه کمات

و [illegible] مملکت را [illegible] شکست سنگین مستحکم ساخت .

اگر قانون سابق الذکر در این وقت مرتبط اجراء میگردید [illegible] فرانسه دچار خطر عظیم

می‌افتاد زیرا [illegible] رویه‌ها با مشقات [illegible] مشغول جلوگیری از اجراء آن شده و

فقره مسموعه و رویه‌ات برای الغاء و قبول قانون مزبور [illegible] آمدند [illegible] اشتقاق کرده

که این قانون [illegible] و الغاء داده شدند [illegible] تعویق اجرای آن را اتفاقا

ثانیا : بر روی ۱۰ اکتبر ۱۷۹۳ [illegible] کنوانسیون قانون دیگر را تصویب کرد که

در حکومت موقت فرانسه تا پایان جنگ انقلاب خواهد بود ولی کنوانسیون مرکز [illegible] بود

و منبع کل اختیارات و رویه محسوب میشد) بدین ترتیب حکومتی در فرانسه تأسیس شد

در روی [illegible] تمرکز تر و استبدادی تر و مطلق العنان تر از سابق

حتی از سلطنت لوئی چهاردهم و صدارت ریشلیو هم مستبد تر بود :

حکومت انقلابی

مراکز این حکومت عبارت بود از دو کمیته [illegible] یکی کمیته نجات عمومی دیگر

کمیته امنیت عمومی و محکمه انقلاب و هیئت نمایندگان و کمیته انقلابی در ادارات حوزه

و قوه اجرائیه در [illegible] و در حکومت محسوب میشدند

کمیته نجات ملی

کمیته نجات ملی در ماه آوریل ۱۷۹۳ بریاست دانتون ایجاد شد برای سقوط ژیروندن‌ها

تحت ~~[illegible]~~ قدرت روبسپیر درآمد. وجود دانتون از کمیته بعد از ۲ ژوئن انتقاد

و مدت کم بود دانتون از کمیته خارج ساختند. در ابتدا وظایف این کمیته دفاع مملکت و

رفع احتیاج بود لکن ~~[illegible]~~ چیزی نگذشت که کمیته حیات عمومی را تحت اختیار

و نفوذ خود درآورده و صاحب تمام قوای کشوری و لشکری مملکت شد. ۱۲ نفر اعضای آن

اکثریت تام از افراد صف جبهه نمایندگان برگزیده کمیته و مسئول او محسوب میشدند ولی

نتیجه اعمال خود را بوطن عرضه میکردند.

کمیته نجات ملی مرکب از دوازده عضو بود که ~~[illegible]~~ برای یک ماه انتخاب میشدند

لکن اعضا برای تجدید انتخاب [illegible] پس چند نوبت مکرر انتخاب شده و تا آخر کار

عضویت کمیته را داشتند. بعد از روبسپیر معروفترین افراد این هیئت کارنو و

سن ژوست و کامبون [illegible] در یک [illegible] از قبیل امور جنگ

سیاست خارجی و ارتباط با [illegible] داشتند [illegible] از نمایندگان [illegible]

در ۱۷۹۳ [illegible] کمیته نجات ملی [illegible] لکن [illegible]

[illegible] کمیته [illegible] حفظ مصالح وطن و توسعه [illegible] اراده [illegible]

سزاوار محکومیت و تعقیب است»

در زیر دست کمیته نجات عامه چنین هیئت زیر وجود داشت که کار وزراء را میکرد

اگرچه وظائف هیئت وزراء در مملکت مغشوش [illegible] بود ولی هیئت آنرا ذکر میکنیم

محکمه انقلابی

کمیته امنیت عمومی پاریس و مأمور [illegible] مأمور [illegible] موظف کشف دسایس و تعقیب

مظنونین بودند. محکمه انقلابی پاریس که در قصر عدلیه مقام داشت مظنونین و متهمین را

محاکمه میکرد. این محکمه مرکب بود از سه قاضی [illegible] ریاست داشت و مدعی العموم و دوازده

عضو منصفه و حکم [illegible] نیز معین میشد. این قضات و اعضای منصفه را مجلس انتخاب

و نصب میکرد. این محکمه [illegible] ارادهٔ کمیته [illegible] و رئیس مدعی العموم محکمه [illegible]

[illegible] اعضای [illegible] اجرا میشد. احکام این محکمه بدون استیناف و [illegible] اجرا میشد

در ساعت [illegible] [illegible] و [illegible] روز در ساعت [illegible] [illegible]

[illegible] در ساعت [illegible] موقع اجرا [illegible] در سایر

[illegible] مدعی العموم [illegible] اعضای محکمه [illegible] [illegible]

میکرد [illegible] از جنگ [illegible] و [illegible] قضاة

[illegible] محکوم میشد

محکمه انقلابی

هیئت خمسه بابیه

از جمله امور روحانی بسیار مفید که حیات ملی بخشی بود از بابیان لیس لکم ... که بصورت ملی مساعدت که معین میشد و بر معاونت و اردوگاهها و ولایات و دهات تفتیش میشد. کار و حیات پایه نظام و اقتصادی داشت مردان در تحول ... بامر مشغول بود. پس ثروت و دولت موظف کار از قوه الزام معاف و افراد ... را حکمت تو در مشق ارجاع را پیوسته در نهضت کار به Carrier از کثرت قدرت عقب وحدودی فرادها و تاریخ [illegible] را به هیئت بیان حجت.

مجامع عمومیه

حوزه های ذوقه زوالی در بنام مجامع عامه مرسوم شده بود، که حیات و تمام مرحله سیر کرده افراد هیئت خمسه بابیان ازان مجامع دستور کار و وظایف میشد لیکن مجامع دیگر میرفت

• سرپرستی حوزه در منازل مخصوص مرحمت میکردند و احوال آنها را مجلس شورا اطلاع میدادند در ازاء مقاصد سری حق التصدیر در تحقیق اعمال و احوال بزرگان سعی میشد. مجامع ... احکام را صادر میکردند مثلا امر آنها کلیساهای دولت بسته میشد و مالکین خارجی توقیف میگردید اوامر کمیته مرکزی نهضت ملی بوسیله این مجامع عامه و بوسیله مامورین مخصوص در هر بلدیه مقام داشتند در سرتاسر مملکت حقی در ... وقت ها صورت ... اجرا شد.

کارهای کمیته نجات

از لحاظ مقاومت با خطرهای داخلی و خارجی کمیته نجات ملی و کمیسر کنوانسیون اقداماتی کرد از

استقرار، تجهیز عمومی ملت (۱۰ اوت) — استقراض اجباری از اغنیاء و مبلغ یک میلیارد (۲۰ مه)

۸۰۰۰۰۰...

— قانون مظنونین (۱۷ سپتامبر) — قانون حداکثر (۲۷ سپتامبر) — بنا به قانون تجهیز عمومی ملت

نفر حاضر جنگ [illegible] به موجب قانون حداکثر میزان اعلای قیمت اجناس معین گردید و تجار نتوانستند فروخت

مایحتاج عمومی را به قیمتی که خواستند عرضه فروش گذارند. روزنامه [illegible] دولت

رسید که [illegible] از [illegible] بیش [illegible] که [illegible] عمومی [illegible] (اوریل ۱۷۹۳)

[illegible] در [illegible] مطابق قانون حداکثر [illegible] تجار [illegible]

از [illegible] قیمت [illegible] جدید [illegible] تجار مجبور [illegible] بودند و اگر

مخالفت می‌ورزیدند جزو مظنونین [illegible] و مورد تعقیب واقع می‌شدند برای [illegible]

[illegible] محکوم به اعدام می‌گردید.

ترور

[illegible] حفظ اوضاع ترور ~~جوری~~ بود کمیته نجات ملی و کنوانسیون برای [illegible] تمام [illegible] را

[illegible] رعب و وحشت [illegible] که [illegible] ترور شده [illegible] و کلمه [illegible]

[illegible] «[illegible] حرکت کند» و [illegible] می‌گفت «[illegible] ترور

جزو دستور روزانه قرار داد».

قانونی نظیر این تصویب داشت که: « هر انسانی در صدد ارتکاب اقدامی که منتهی به نفع

ارتکاب اقدامی برخوردار شد از [illegible] در ردیف مخالفین درجه اول ~~[illegible]~~ محکوم به اعدام است »

تفتیش منازل و توقیف مردم شروع شد و کم کم اتفاقات روزی چین را به یک رسوائی سیاسی و دولتی [illegible]

فرم ۵۵ ب

اوایل ~~[illegible]~~ کمی مدت در تمام رسید بدون آنکه دانسته شود چه شده بود . امروز

او را در آن روز و دو ماه در یک زندان تنگ و تاریک بسته بودند ~~[illegible]~~ در قصر عدالت

نگاه داشتند . ~~[illegible]~~ حاکم نظامی ناشناخته و جنگ آوری شروع و ختم شد ~~[illegible]~~ اعضاء محکمه

خاص بودند و از فرقه مخوفی بود در صدد به آن ده ادای و یک شرافت هم برآمده و

عاقبت جز هیچ کس را رسوا و بدنام ساختند . او را بنام ~~[illegible]~~ وقت کتابت « خواننده

بیانات تازه در ~~[illegible]~~ حیوان وحشی درنده که حتی اصلاً تحت را خورده است » نامیده بودند . حکم بر

از [illegible] ۲۰ ساعت حاکم محکم و در ملاء در آخر سیاست شد .

پس از حکم [illegible] در تر سابق پاریس و در دوران حکم شده لیکن

به دوران ناشناخته محلی بود و ~~[illegible]~~ در دوران قتل بی شاهد و بی‌رحم

جنون آشکار شده بود . بعد نوبت ~~[illegible]~~ جنوبی‌ها و فرقه ~~[illegible]~~ زیرورده رسیده و جنون تقریباً عمومی

شد بعد حزب ژاکوبن از همین حال آمده و در موقع حاکم از جنبه نیز محکمه معطل و منتظر

~~[illegible]~~

[illegible] که به موجب از جور خاطر و انتقام مردان ستمدیده ~~[illegible]~~ (که از آنان) [illegible]

تعداد مشهور و وقایع دیگر [illegible] صرف نظر کنند. از ۷ اکتبر ۱۷۹۳ تا ۲۷ ژوئیه ۱۷۹۴

۲۵۹۶ نفر سیاست شدند. در شهر [illegible] ۱۲۰۰ نفر [illegible] در ژانویه

جمعه سه هزار [illegible] و چهار هزار [illegible] [در بعضی ایالات گروه گروه مردم را

و اعدام می‌کردند. اگر آنها را بخواهیم [illegible] آوریم از ~~[illegible]~~ (اندازه خارج) است. در شهر لیون

Collot d'Herbois

فوشه و کولودربوا [illegible] دسته‌دسته [illegible] را یکدفعه تیرباران می‌کردند. در شهر نانت

کمیسیون نظامی ۱۵۰۰ نفر را هدف تیر قرار داد و کاریه نام [illegible] با [illegible] گروهی

[illegible] و [illegible] ۵۰۰۰ نفر را در ظرف [illegible]

۱۰ روز در آب [illegible] غرق کرد و ۸۰۰ تن از آنها در [illegible] غرق شدند [illegible]

[illegible] نیاورده [illegible]. کثرت اجساد [illegible] بود [illegible]

رودخانه [illegible] در آب رودخانه [illegible] مسموم شد [illegible]

از [illegible] (خوردن ماهی آن) رودخانه مردم را ممنوع داشت.

فتوحات
اعتدالیون

در اواخر سال ۱۷۹۴ [illegible] سردار [illegible] و [illegible] خطر خارجی [illegible]

برطرف شد. [illegible] دولتهای پروس [illegible] و اسپانیا [illegible]

شورای ملی و توده ملت فرانسه که شورشهای ولایات را دفعه مغلوب گشته بودند از

فتوحات دانتون ملاحظه کرد که به ادامه خونریزی و ترور لزومی ندارد و باید عدل و انصاف را

شامل عموم مردم نمود. کامیل دمولن دوست دانتون در روزنامه خود موسوم به «ویو کوردلیه»

تقاضای تشکیل کمیته‌ای بنام «کمیته رحمت» کرد. جمعی از حزب مونتانیار هم با آن

موافقت کرده و فرقه جدیدی بنام اعتدالیون و نخبیدگان تاسیس کردند.

فرقه آنراژه
و حزب ضد مذهب

بالعکس فرقه دیگر قیام کرده به سیاست خونریزی که سابق را کافی ندانسته تقاضای ترور و کشتار

جدیدی میکردند. رهبر این حزب که از فرقه کوردلیه منشعب شده بود ~~[illegible]~~ هبرت که از نویسندگان و

یکی از رهبران [illegible] بود که ژاک رو را داشت [illegible] و تقریباً هبرت در این

مقام عالی داشته [illegible] در [illegible] نشریات [illegible] مشغول بوده [illegible] شده و

[illegible] [illegible] تشده و [illegible] هبرتیسها [illegible] ~~[illegible]~~

[illegible] فرقه [illegible] کرده

آن فرقه آنراژه نظر منفی و دعوی عقیده داشتند و طالب الغاء مذهب کاتولیک بوده

ابتداء در صدد تغییر تقویم برآمده هفته را ملغی ساختند و بجای آن ماه را به عشر تقسیم نموده روز آخر

هر دهه را عشر نام داده و بجای روز یکشنبه تعطیل قرار دادند. اسامی بزرگان و روحانیون ~~[illegible]~~ را از [illegible] برده

هم سیوه و سایر دیگر و گیوه را تعطیل دوشنبه و اعیاد مذهبی را فسخ کند. تقاضا داشته

که دیگر روز یکشنبه و سایر اعیاد دینی تعطیل که ... و ... نپوشند و منار ها را ناقوس ها

را خراب کند به عنوان ... ~~...~~ و سایر عبارات شرف ... دینی

و مصر ... است. ... بر زمین ... پرستش عقل را ایجاد داشته

به جای عبادت ... معمول ... روز دهم نوامبر ۱۷۹۳ در کلیسای نوتردام جشن را

~~...~~ به نام آزادی و عقل گرفتند و در روی محراب به جای مجسمه مریم (ع) مجسمه عقل را

به صورت رقاصه تماشاخانه نصب کردند. چند روز بعد فرقه کمون مقرر داشت همه کلیساها را

ببندند و روحانیون را هم از شرط خواهی مشروط ... ترک آداب دینی و مجبور کنند

عدم ... گیشی کنند. بعضی کنوانسیون تابع عقاید فرقه آزاده گردید

~~...~~ در مخالفت و آزادی مذهب تا شد ... این حال با

اما تا روبسپیر قیام نمود و آن را خاتمه داد.

[عقاید فرقه آزاده] روبسپیر تابع اقوال روسو بود و ... اعتقاد داشت بنا بر این وجود خدا و ...

... جامعه ... است ... اعتقاد ... را ... ارواح دیگر ...

به ... مخالف ... داشت ... دعوی ... که ... او ... بود ...

عداوت [illegible] و کمی آموزه و کلمات مکتوبه اما نسخه میکردند [illegible] روس و پس از ثروت

فرق است. و قتل عام داشتون خشمناک بود و در او حسدی بود پس روس به [illegible] شد

در هر فرقه خوف را از بیان برداره و جنگ [illegible] دست [illegible] در طرف [illegible] تشکیل [illegible]

روس [illegible] ساختی وقت آن واده [illegible] قرار دادند [illegible] در این وقت (رستاق

۱۲۹۶) شهر [illegible] بود [illegible] در حقیقه بود ارزاق را میزان [illegible] توزیع میکردند بر اساس

یک [illegible] ~~[illegible]~~ میکردند [illegible] پس [illegible] دفعه [illegible]

[illegible] فرقه [illegible] به میزان [illegible] را در [illegible] آنگاه [illegible] و [illegible]

عمر [illegible] هم [illegible] بود. در ۱۲ مارس روس [illegible]

آن فرقه را [illegible] در طرف ده روز [illegible] را [illegible] فرقه [illegible]

این ترتیب [illegible] شده [illegible] آن [illegible] تاسیس یافت در [illegible] اعضاء آن از [illegible]

روس به محبوب گشتند

تولد فرقه [illegible] — نشر روزنامه [illegible] ~~[illegible]~~ تحت [illegible] تحریر [illegible] ترتیب کمیته (۱۲ مارس)

با [illegible] خبر رسید [illegible] واقع [illegible] داد [illegible] از [illegible] است

و [illegible] را [illegible] گفت ~~[illegible]~~ (!)

۵ - ۱ آیا وطن را به عنوان کفش خود توان همراه برد ؟ !

یک هفته گذشت در قضیه تعقیب و محاکمه دانتون که در تمام عمر بهترین مثال عدالت دروغی

و محاکمه مصنوعی است. از ادعانامه هم کلمه‌ای دانتون هیچ‌جا در محضر انتشار نیافت [illegible] مردم بیدار [illegible]

متهمین می‌دیدند که هر روز حتی قضات هم [illegible] طرفداران روبسپیر تقریباً

به متهمین ترتیب شده و آنها را محکوم کرده و روبسپیر هم جدا حاضر شد. فوکیه تنویل [illegible] و دفع اخطار

از این طرز [illegible] بیلو ورنی [illegible] اطلاع داده متهمین مشغول تهییج مردم [illegible]

[illegible] هستند. بنابراین خبر دروغ [illegible] میخواهد روبسپیر

مقرر داشت در دانتون و همراهان او از حضور در جلسه محروم گشته و محاکمه در غیاب آنها [illegible] که

از طرف دیگر فوکیه تنویل [illegible] جواب [illegible] و تقاضای قضات را [illegible] برای رفع [illegible] آنها

[illegible] دادگاه از [illegible] متهمین با [illegible] و محاکمه آنها با [illegible]

[illegible] پنج آوریل [illegible] روز بعد از توقیف دانتون و اتباع وی را [illegible] محکوم

به سیاست شدند.

فرمانروایی روبسپیر

بعد از مرگ دانتون در مقابل روبسپیر تا مدت چهار ماه تمام اختیار دولت اول

فرمانروای مطلق فرانسه محسوب میشد و در باطن [illegible] را [illegible] تثبیت کند. روبسپیر

اگرچه [illegible] خشونت [illegible] و احکام [illegible] مردم را منزجر [illegible]

از بلوای [illegible] اتباع روس جز عمال حرم او مخصوصاً نوکران او [illegible] معتقد [illegible] و قرار [illegible]

وقت [illegible] او را معلم (صالحان و نه پیر) لقب داده‌اند. [illegible]

در سلطان [illegible] زندگانی او بود [illegible] در خانه [illegible] منزل داشت و [illegible]

[illegible] ادعا [illegible] بود [illegible] سخن آزادانه [illegible] و [illegible] کلمات معنویت

و معنوی را بر [illegible] می‌داد و از تأثیر کلمات [illegible] استفاده می‌کرد تا روز [illegible] سلطنت

بقدرت آمد سخن بر [illegible] در مردم [illegible] حوادث [illegible]

از [illegible] می‌داد. [illegible]

و معتبر [illegible] روس یک مرد [illegible] و [illegible]

و غیر قابل [illegible] بود [illegible] آن [illegible] از [illegible] اخلاق [illegible]

در فضول احوال [illegible] روح صداقت و [illegible] را [illegible]

و منضبط [illegible] روس یک مرد [illegible] بود و [illegible] را

از اصول حکمرانی قرار داده. [illegible] کمال [illegible]

در [illegible] در حقیقت [illegible] است که در برابر او [illegible] است. [illegible]

روس [illegible] از [illegible]

و حقایق ثابته بدیهیه ~~[struck]~~ هرگز از آن عقیده و از ترک فرصت در نظر او و در نتیجه عقاید مورد ملاحظه

دوری و برعکس آن اراده ~~[struck]~~ قوی مرد بزرگ و دوستی داشت. روبس پیر ترویج

تقوی و عدالت خونریزی و کشتار سابق را بحد اعلی رساند و مطلع بود (گیوتین سیاست را

برای اصلاح اخلاق و تحکیم اصول لازم بود). ادامه خونریزی سابق را روبس پیر هم توجیه

تعقیبه داد تا آنکه خود رسید و گناه ... از میان برداشت دیگر آنکه هر وقت

فرمان الغاء خونریزی را صادر میکرد مورد توجه و محبت عموم میگردید ولی او را تاریخ اسم خونریزی

و مسئول اوضاع ~~[struck]~~ وحشتناک سابق میشمرد و عموماً بدگذار او میشمرند.

عید خدای متعال

در ۸ ژوئن ۱۷۹۴ خونریزی و ترور به اوج رسید و در همان وقت عید خدای متعال

(۸ ژوئن) روز تاریخی پرریال بود (۲۰ ژوئن)

ولی روبس پیر گفته بود که در بعضی از افکار خود با اصل کامل شباهت داشت.

روبس پیر ناشر تقوی و عفاف بود و استقرار این صفات را مشروط به استقرار دین و مذهب میدانست

پس روبس پیر در تاریخ ۸ ماه ... دین را تصویب کرد و ملت فرانسه

وجود خدای متعال ~~[struck]~~ و بقاء نفس انسان را اعتراف دارد. و ... برای ~~[struck]~~

توجه به حقایق و شرف نفس خود بگیرند. (Etre Supreme)

یک ماه بعد اولین عید خدای متعال را روبس پیر برپا ساخته و ...

نیز مردم را دعوت به اتفاق و جدیت تمام برای دفاع کرد. روس پیر در این وقت حالت عجیبی گرفته بود

و دست تکان داد و بلند در جنون را شعله گرفت. در این آتش رقص کرد و دستها با چنبه

سنگ کشتن و دوست گرفته از قهر قهر تا میدان شوق با جامه مرگ آمد و هم دعا

خواند که از آنها را گرفته کشتن پیر را. پیکر هم نوشته بود خود را

دوازده گاه سرودی در [illegible] زمینش الفاظ «ای پدر عالم ای عقل کل» را بود

در [illegible] فرو خفته بر روس پیر سرت فرو نخچه بیدی را آتش زد.

قانون بریال

در روز ۱۸ فوریه حدیثی از بیماران روس پیر طرز حرکات و رفتار روحانی نایب اورا محترم کرده

و این [illegible] را در دفتر قرار داده بود. شب [illegible] جماعت [illegible] حبشی خطاب کرد:

در [illegible] قاتل قیصر روم که خنجر در سینه [illegible] بود [illegible] عادت [illegible] منتقل [illegible] آورد.

روس پیر [illegible] نیز [illegible] در روز ۲۵ فوریه طرح قانونی رسید که قبول

کردن ایران و [illegible] بپذیرد [illegible] استخدام آزادی

[illegible] جنایت است و [illegible]

[illegible] برای سیاست و [illegible]

ولی هیچ [illegible] بعض [illegible] عبادات [illegible]

روس پیر [illegible] قانون بریال [illegible] عدل [illegible] سیاه [illegible]

آن را «احمدی قلوزه» نامیده است . حقوقه موجب این قانون حکم انقلاب مطابق

دستورات حق مردن و مدیر تشنه و اداره است مجوسه حکم میداد و لکثرت حکمش اعدام بود .

عده‌ای که [illegible] در [illegible] آن‌ها را اولی پر بود [illegible] حتی [illegible] سوم بود

که رضایت [illegible] بعمالک جلب کند .

مورد عظیم

در این وقت [illegible] ترور عظیم شروع شد در ظرف ۴۷ روز از دوم ژوئن الی

[illegible] ژوئیه (که در این روز روبسپیر از کار برکنار گردید) در شهر پاریس ۱۳۷۶ سر از تن جدا شد

[illegible] از قبر [illegible] در [illegible] . [illegible] واقع [illegible] بود . از [illegible]

شیر دال معروف بود که برای [illegible] انتخابات [illegible] است [illegible] از [illegible]

محکمه جواب داد : «در جمهوری فرانسه دیگر شیر دال لازم نیست» دیگر از [illegible]

بود که [illegible] داشت دیگر [illegible] شاعر [illegible]

[illegible] . [illegible] سیوریه [illegible]

در [illegible] تحقیق کند [illegible] تفتیش [illegible]

و [illegible] ۱۷ ساله [illegible] تفتیشگاه [illegible]

و [illegible] ۲۲ ساله [illegible]

(الصور) را شیر انواع سنگ‌فرو ریزند» در حدود بیش و هشت زوید ۱۵۰ نفر کشته شده

[سقط دو بی‌پیر] مقاومت در اعمال قوی فرزند بولدوزر نمایان [illegible] هم [illegible] را [illegible] آورده

برای این طرز [illegible] شده وطن در ظرفیت وقت و [illegible] در پایین برپا کرده از موجب و [illegible]

ندارد مردم [illegible] آورد و گفته از من داد حیات مشترک شده‌ام کدام [illegible]

حس کینه جو [illegible] و عرض [illegible] ادبی پیراست.

گوهر از خانه‌گان [illegible] عضو کینه حیات عمومی و که [illegible] بعد چون

[illegible] پر برگها وقت [illegible] او و دیدار از [illegible] بر [illegible] آورده [illegible]

دامن [illegible] را بهانه وارد [illegible] ~~[illegible]~~. شر ادبی [illegible] که

[illegible] ~~[illegible]~~ و دانشمند کینه [illegible] در آن زوید تکثیر [illegible] [illegible]

[illegible] و متهم [illegible] و ادبی پر حال تعقیب [illegible] داشت پر درهای [illegible]

[illegible] آورد [illegible] و [illegible] طرفداری از ادبی [illegible]

[illegible] از [illegible] و [illegible] آمده بود [illegible] این [illegible] اگر [illegible]

[illegible] هم [illegible] وقت طرفدار [illegible] اشتیت [illegible] شده.

به جدال سه روز طول کشید روز جمعه ۲۵ ژوئیه ... روس‌ها ... در مجلس حاضر شد ... حلقه وقت

از شهر به عشرت آباد رفته و ... از ... در صدد ... [illegible] ... بستند

... خطابه ... مجلس فرستادند . چون روس‌ها ... واقعه ...

روز ۲۶ ... مجلس حاضر شد و نطق مفصلی ... وقت بسیار ... داده ...

... عضدالملک ... جمهوری ... خواند ... و کلیه ...

کرده ... مجلس بستند ... که ...

... و ... چون ...

... و ... در ... خواند . ...

... تاثیر نطق ... واقع شد و ... کلیه ...

... شد ... عضدالملک ... دفعه ... مجلس

... شد .

... در روز و شب ۲۶ و ۲۷ مشغول ... جنگ

شده ... روس‌ها ... مطلوب

... نطق ... داشت ...

با جدال سه روز طول کشید. روز جمعه ۲۵ ذیحجه [illegible] روس در مقابل [illegible] باز به حمله [illegible]

که شهر به دست [illegible] از مردان [illegible] در صدد [illegible] سنگرها [illegible] این دسته [illegible]

را [illegible] خطابه را طبع [illegible] نوشتند. چون روس [illegible] واقعه خبر [illegible]

روز ۲۹ [illegible] حاضر شد و نطق مفصلی [illegible] وقت بسیار [illegible]

ایراد نمود و ذکر [illegible] (اعلام [illegible]) [illegible] جمهوری [illegible] خوانده و [illegible]

[illegible] قرار [illegible] از مردان [illegible] که

[illegible] و [illegible] و [illegible] از [illegible]

[illegible] و [illegible] و [illegible] را در [illegible]

از تحت تأثیر نطق [illegible] واقع شد و [illegible]

[illegible] که [illegible] دفعه [illegible]

[illegible] شد.

[illegible] مخالف در روز و شب ۲۶ و ۲۷ مشغول تهیه و [illegible] جنگ

شده [illegible] و [illegible]

[illegible] نطق [illegible]

و دسته‌ای را از قبیل بیوواران و کلودربوا را از مجلس خارج کنند. یک

مطلب جالب‌تری را پیدا کرد ممکن هم هست اکثر دشمنان این هواداران او محسوب شدند

بودند و عموماً مدت کاملی داشتند. از طرف دیگر دشمنان روبسپیر مثل تالین و

فوشه و باراس [illegible] مشغول ملاقات و جلب با مدت روزهای

دو ماه طرف شده و دیگر قسمتی از کار را در جهت گرفت. کلودربوا و بیوواران هم

از مطلب شرایط موجود مجدداً به فرق ملحق گشتند.

روز یکشنبه ۹ ترمیدور

روز ۲۷ ژوئیه (یکشنبه ۹ ماه ترمیدور) که گویا نهایت شدت رسیده بود روبسپیر روز

قبلی نطقی در مجلس بالا رفت و کاملاً اتهام زده هر چند کلودربوا و بیوواران نیز به این مطلب

در نطق تالین نطق او را قطع کرد و روبسپیر را از هر جهت مورد آورد و مجلس از ریزش ک

کرده در هواخواهی داد [illegible] و قبل از آنکه روبسپیر بتواند کلامی بگوید تقاضا کرد

مجلس «کومون مردم» را به بازداشت محکوم نماید. روبسپیر برای اینکه حرف خود را

مجدداً بیان کند [illegible] مجلس از دادن اجازه حرف زدن به او خودداری کرد. کلودربوا

دیگر ... از ... حرف زدن را به او نداد و ... در مجلس

روبسپیر ... و ... تسلیم شد. مجلس ... فوق العاده ... از ... جانب

زیادی بخرج داده بود عاقبت تماشاچیان را از داوری [illegible] آزادی و دموکراسی [illegible] روبس پیر

بعد از توقیف شد بجرم اینکه [illegible] کنوانسیون احترام نگذاشته روبس پیر در این موقع

با کوشش فوق العاده فریاد برآورد : [illegible] ای رئیس [illegible] مردم کشان [illegible]

آخر اجازه سخن بمن میدهی !؟» لیکن کلماتش [illegible] در هم شکست [illegible]

(در سن زوجیت با دخالت [illegible])
او را زیر [illegible] توقیف کردند برادرش روبس پیر جوان [illegible] دلوبا و لوکزامبورگ [illegible]

با [illegible] بزندانهای [illegible] و [illegible] در لوکزامبورگ [illegible]

بسته [illegible] تقدیم کرد.

روبس پیر [illegible] قوی داشت و [illegible] را از طرفداران خود [illegible]

[illegible] چون [illegible] لیکن [illegible] (جانانه [illegible]) کمون [illegible] روبس پیر [illegible]

دفاع کرد.

کمون بمحض شنیدن خبر توقیف روبس پیر اعلان شورش داد و مجمع را از

لوکزامبورگ خارج و بعمارت بلدیه وارد ساخت و [illegible] بمجلس کنوانسیون شد

مجلس [illegible] آمد و روبس پیر و اعوان او را از حمایت قانون خارج ساخت [illegible] بود

[illegible] توقیف و [illegible] کرد =

مقدمات مداخلهٔ آذربایجان دولت روس بر در مقابل جمعیت اتحاد گمرک کمونیستها
ژاندارمری و قشون از گارد سلطنتی را در عمارات دولتی ترک داد . [illegible] روس به
عرض ... و ... مفت مردم در ... به تبعیت نگاهداشت در جواب لطف شد
~~[illegible]~~ برای تبریزیان شرح بیان
کرد و [illegible] . برادران روس پیرو دستور ... داشته ... [illegible] شورش
گشتند . ... شب ... عمل برادرگان ... در ... دو تومان ...
عده‌ای عمارت ... نظمیه و ... را ... مواجب پرداخته ... ... تقاوتگاه
و دستهٔ روس پیدا گرفته و خود ادارهٔ دیگری کرد ... ژاندارم [illegible] نام
... [illegible] گلوله ... خود ... حرف کرد ... روز ... بقیهٔ
گیوتین را ... با ... به ... آورده ... روس پیرو ... ادارهٔ
... دولت ... و ... را ... زیر ... شد ... و
روز مردم ... کرد ... ساعت ۲۲ نفر ... ... آن روز
۷۰ تن [illegible] ... سیزده نفر را اعدام کرد .

عکس العمل ماه ترمیدور

اگرچه سقوط روبسپیر در نتیجه مساعی چند تن از دولتیان بود لکن این واقعه موجب اختتام دوره ترور گردید؛ زیرا که در این وقت افکار عامه بر خلاف قتل بود و فتوحات قشون فرانسه در خارج هم اختتام این دوره را ایجاب می‌کرد. پس مقررات انقلابیه و ارعاب که قبل کنوانسیون وضع شده بود رفته رفته نسخ و الغا شد. این عکس العمل که در ماه ترمیدور شروع شد تا یکسال طول کشید (اواسط ۱۷۹۴) کمیته نجات ملی از اختیارات خود محروم شد و فقط در امور جنگ و سیاست خارجی دخالتی داشت و تحت نظر مجلس قرار گرفت. کمیته‌های کنوانسیون جانشین آن شدند. قوانین و مقررات انقلابیه لغو و ملغی گردید و دستوراتی هم در تعقیب و مجازات روحانیون و نجبا صادر شده بود نسخ شد. انجمن شهر پاریس و کمیته تنفیذیه که در نقاط فراوان کار می‌کردند به پایان رسیدند و کلوب ژاکوبن‌ها که مرکز انقلاب و ترور بود بسته شد.

انجمنهای شاه طلبان

در این وقت جمعیت شاه طلب در پاریس تشکیل شد. این جمعیت خود را «جوانان طلائی» می‌خواندند و از جوانان و اصناف توانگران و طرفداران محبوب می‌گشتند. ابتدا مردم خود را طرفدار رژیم جمهوری طلب معتدل خود را معرفی کرده و به ژاکوبن‌ها و فرقه طرفداران ترور درپیوستند چون وقت پیشه‌وران و کسبه تأثیرات عظیم بخشیدند

آخرین ایام شورش

دهقانان مدت اطراف پاریس به جهت فقر و قحطی بعد از این شورش جدید استفاده کنند

و مجبور را متهم ساختند و با خزانه شاه و پستانی بدست شد میخواهد ملت را از گرسنگی هلاک سازد.

و گفتند اگر قانون اساسی سال ۱۷۹۳ کاملاً مجری شود مردم از قحطی رهائی خواهند یافت. بر ملت در

روز ۲ ... اول آوریل و بیستم مه ۱۷۹۵ شورش کرد ولی آخرین روز ۲ ... مردم در امر [illegible]

... اول آوریل مردم پاریس بمجلس حمله برده و فریاد برآوردند: نان و قانون ۱۷۹۳

مرتجعین از این غوغا و شورش استفاده کرده حکم تبعید چند نفر از اعضا سابق کمیته را از مجلس صادر کنند

از قبیل بارر، بیوواران و کولو دربوا.

شورش اول پریریال

بیستم مه بعد از واقعه فوق مردم [illegible] گروهی از [illegible] مجلس شورشیان قصد [illegible]

حکومت انقلابی و [illegible] مردم رفع قحطی [illegible]. در شب ۱۹ مه مردم [illegible] اسلحه [illegible]

و صبح [illegible] گرام [illegible] بدست آورده [illegible] شورشیان بمجلس [illegible] از وکلا

[illegible] Féraud نام را کشته سرش را بر نیزه [illegible] [illegible] رئیس مجلس

[illegible] قانون ۱۷۹۳

[illegible]

[illegible] شورشیان [illegible]

دوره مقاومت ساخت و بعضی از آنها قبل از صدور حکم خودرا کشتند.

شورش سه روز طول کشید برای رفع غائله مجلس مجبور بجهار قانون شد ولی کمیتی دادگاه ...

دادگاه سیاسی محسوب میگردد روز ۲۴ سه ه قانون ... مدعی العموم اتوان را تصویب نمود

ترتیبات تعیین شد و بعلاوه از دست داده فقط در مدت مرکزی بازی کاروان هیج ... اوامر

بی کار و اکثرا شاه پرست بودند.

ترور سفید

فرقه مرتجع مجلس مطلق العنان شده و حکم اعدام کلیه اعضاء کمیته های سابق را صادر نمودند باستثنا کارنو

که دوره بانی و موسس فتح و ظفر خوانده و از قتل او صرف نظر کردند. در تمام فرانسه ارتجاع شروع شد خاصه

در جنوب مردم فریاد زنده باد سلطنت میزدند و در همه جا قتل عام تجدید شد. گروه جوانان ... تقریبا

در این موقع لوئی هفدهم وفات یافت و کنت دو پروانس خود را لوئی هیجدهم لقب داده اعلامیه صادر

کرد و مقصود خود را اعلام داشت ... در پاریس ... کشتار ... قسمت ...

تعاون و کمک هوش مردم انقلاب آنها را شکست داد. مجلس قانونی ... را به تبع اجرا

گذاشت و بزرگتر از آنها ... در جنگ با هوش گرفتار شده بودند کلود را کشتند.

احکام وقت

پس از غلبه فرقه مرتجعه بر پاریس و کرمفع ... جمهوریت و قبول قانون ۱۷۹۲ ...

تغییراتی اجرا شدید شد و قانون جدیدی بنام قانون سال سوم وضع کردند

در قانون اساسی تجدید نظر شد. انتخابات عمومی مستقیم نیز و شرایط سخت‌تر از شرایط سنه

۱۷۹۱ برقرار گردید. خانواده‌های آتیه فرانسه از طرف مجمع قانونگذاری و از حقوق مداران منتخب شده

و زمام امور دولت عده قلیلی بیافتاد در ضد انقلاب و طرفدار سلطنت بعد.

برای جلوگیری از این پیش‌آمد مجمع کنوانسیون مقرر داشت که دو ثلث از نمایندگان آتیه باید از میان

وکلای حاضر مجمع بعد از انتخاب گردند و انتخاب انجام اختیار مجلس خواهد بود.

۱۳ ماه واندمیر
مغلوبیت شاه‌پرستان

حکم مزبور به وحشت امید شاه‌پرستان را به یک مبدل یأس نمود بر شورش قوه قهریه

شدند. اهالی این مغلوب برده و دیوار حیاط بدهند: در ساعت از قشون بازم دو هزار و شش صد نفر را دریاب

تا بنای دولتی برسید. در روز پنجم اکتبر ۱۷۹۵ (۱۳ واندمیر) لشکری از شورشیان

مرکب از بیست هزار نفر به مجمع کنوانسیون حمله‌ور شده لکن سردار جوان و هشیاری موسوم به

ناپلئون بوناپارت انواع شورشیان را دفعهٔ متوقف ساخت. این سردار با اسلحه کرد و

پنج هزار نفر سرباز حفظ مجمع را به معاونت خود برگزیده بود و دولت تیری از شورشیان

به خاک هلاک افتادند. سردار آن روز ژنرال بوناپارت حاکم نظامی پاریس شد و در

زندگانی اسم ناپلئون را جمع کرد و در امر دولت استقرار یافت.

سه هفته بعد در پایان دوره مجمع کنوانسیون کار خود را ختم کرده و با صدای زنده باد جمهوری

در روز ۲۶ اکتبر انحلال خود را اعلام کرد.

کارهای کنوانسیون
دفاع ملی

آنچه بطور خلاصه در باب کارهای کنوانسیون تاکنون نوشته شد جزئی از اعمال بود. آنچه موجب میگردد
کار بزرگ و فوق العاده این مجلس آن بود که در ظرف سه سال از عهده دفاع ملی و تنظیم تشکیلات مملکت کاملاً برآمد.
کنوانسیون هم با شورش داخله و هم با جنگ خارجه سروکار داشت با این حال افکار انقلابی فرانسه را در خارجه
انتشار میداد و حیثیت و استقلال فرانسه را هم محفوظ بدارد. در سال ۱۷۹۴ قشون ایالات فرانسه برای
حمله بعد شورشیان و قشون دول انگلیس و هلند و پروس و اطریش و پیمونت و اسپانیا برابر و جلو میرفتند
مقاومت میکرد پس از دو سال جنگ خونین ~~[illegible]~~ بنیروی همت و ثبات کار بر تمام دشمنان خود ظفر یافت
در آوریل و ژوئن ۱۷۹۵ با دول پروس و اسپانیا و هلند عهدنامه [illegible] منعقد ساخت و بموجب آن عهدنامه ها
قسمتی از اراضی ساحل چپ رود رن را بخاک فرانسه ملحق ~~[illegible]~~ نمود. و [illegible] دول ائتلافیه با دولت
مغلوب شد و در صدد اتحاد با ایشان هم برآمد. در داخله ژنرال هوش با کمال ملایمت و عدالت
نائره شورش ایالات واندره را فرو نشانید.

کارهای داخله

خدمات این مجلس در داخله مملکت نیز بسیار گرانبها بود. مجلس کنوانسیون پرکارترین و فعالترین
مجامع فرانسه محسوب میشود. مجلس مؤسسان اگرچه خدمات فوق العاده کرد ولی از آنجا هم که همت او
تخریب اساس استبداد مقطع بود. [illegible] سابق بود [illegible] بامور اصلاحی [illegible] کنوانسیون

کارهای زیاد را از او شروع که به او خاتمه داد. کنوانسیون چندین شعبه منشعب گردید شعبه تقنینیه
شعبه مالیه شعبه معارف و تعلیمات عمومی و اگرچه در بعضی موارد موفق به انجام کارها نگردید لکن
ابتکار شروع امور مفیده به او تمام می‌شود. اغلب موسسات عظیمه فرانسه یادگار دوره کنوانسیون است
راجع به موزه‌ها که بنا بر پیشنهاد [illegible] مجلس معتقد گشت در توده [illegible] استعداد را جهت جمهوریت
وجود ندارد است در نتیجه جنگ [illegible] اروپا پیدا شده است و [illegible]
دیوان دفتر بزرگ [illegible] موسسات [illegible] ایجاد کرد
مقیاس و مقادیر [illegible] را [illegible] سیستم [illegible] معروف و در باب
[illegible] متداول است. تعلیم عمومی [illegible] معتقدات [illegible]
نقشه [illegible] ترتیب آن را [illegible] کرد. در خصوص تعلیم [illegible]
بنا بر پیشنهاد لاکانال چندین مدرسه [illegible] دایر نمود [illegible] شرط [illegible]
در خصوص تعلیمات عالیه موسسات [illegible] ایجاد [illegible] کلژ دوفرانس [illegible]
دفتر طول [illegible] جغرافیائی [illegible] موسسات علمی بزرگ مانند لامارک [illegible]
[illegible] Lacepède [illegible] علوم [illegible] اشتغال داشتند [illegible]
بنا بر پیشنهاد [illegible] انستیتو دوفرانس را ایجاد کرد [illegible]

مدرسه سه شعبه تقسیم گردید شعبه علوم طبیعی و ریاضی شعبه معقول و منقول و علوم اجتماعی شعبه ادبیات و صنایع مستظرفه

و بنا بر قول دونو مدرسه مزبور « [crossed out] مرکز علوم و فنون و خانه ادب و هنر » شد.

توحش انقلاب

با توجه باین مساعی عام المنفعه تهمت توحش و بربریت را که بعضی بکنوانسیون نسبت داده‌اند بر کلی سخنی مردود میداند. شک نیست که در اوایل دوره مردمان خونخوار و بیرحم بسیار بودند از قبیل کاریه از اعضاء [crossed out] کمیته نجات عمومی کولو دو بوا که در لیون میگفت باید کلیسای معروف «لاکاتدرال» را که منبع و مخزن تعصبات دینی است خراب کنند در صورتیکه کاتدرال مزبور یکی از شاهکارهای صنعتی قرون [crossed out] سالفه است. معهذا کنوانسیون جلو [illegible] را گرفت و کتابخانه‌ها و مراکز علمی و تابلوهای نقاشی و کلیساها [crossed out] با عتیقه و غیره محفوظ ماند و بعضیها میگفتند که حرکت قدیمه را بپوشانند و کاغذ سفید برای اجتماعات جمهوری هدیه کنند کار عمده کنوانسیون دفع این قبیل تجاوزات و رفع این طرز افکار وحشیانه بود و قانونی برای حفظ آثار قدیمه و ایجاد موزه صنایع ظریفه وضع کرد.

دفتر مرحوم ۵۷
کتاب

در عهد کنوانسیون خون مردمان بیگناه بسیار ریخته شد و حکومت انقلابی کنوانسیون بسیار کارهای سخت و خونریزی بی‌اندازه کرد لکن در نظر کنوانسیون شر سنگین‌تر از حیات وطن اجازه قانونی شمرده شد و بنا بر قول یکی از مورخین معاصر «دانتن کنوانسیون برای جلوگیری از تجدید استبداد مرتکب [crossed out] مظالم مستبدانه گردید.» بقول ژنرال تیبو در شاید وقایع بعد [illegible]

کنوانسیون منحل شد. بعد کار مشابه دیگر هم ... مورد قضیه و جنبش عظیم دیگر است که از جمله بابیت می‌بود که
مادر آن بیوه خانم حاجی بود. سر سال بعد در سنه ۱۸۲۵ بریه و کلیه دعاوی در مجمع بزرگ
پس از مردهای منه انقلاب نسبت ۴۰ سال کنوانسیون تفاوت تاریخی داده دعای گفت: «ای
فرانسوی می‌گوئیم که کنوانسیون وطن را ۱ نجات داده است.»

II

هیئت مدیره

حکومت هیئت مدیره ~~...~~ برحسب قانون سال سوم تأسیس و دست جمهوریان میانه‌رو از سنه ۲۷ اکتبر
۱۷۹۵ الی نوزدهم نوامبر ۱۷۹۹ دوام داشت. در این دوره جمهوری مملکت فرانسه دائماً دوچار جدال و اغتشاش بود
و به واسطه این انقلابات فرقه دست چپ از تقاضای حزب ژاکوبن و فرقه سلطنت‌طلب ~~...~~ متعاقباً درصدد به دست
آوردن تمام امور یا تخریب حکومت موجوده برمی‌آمدند. هیئت مدیره الی مدافعه خود با اعمال قوه
نظامی متوسل می‌گردید. در چهارم سپتامبر ۱۷۹۷ حزب ~~...~~ سلطنت‌خواه و در یازدهم
مه ۱۷۹۸ فرقه ژاکوبن را از میان برداشت. در این اوقات فتوحات ناپلئون بناپارت در ایتالیا
به درجه رسید که تمام دولت‌ها رفته ~~...~~ داشتند. دولت اتریش ترک جنگ را نمود و بناپارت
در معاهده کامپوفورمیو Campo-Formio ۱۷ اکتبر ۱۷۹۷ عهدنامه با دولت اتریش
بست و قرارداد صلح را امضا کرد.
او در این واقعه قرین استقلال و ترویج مجد و در ۱۷۹۹ رو به خرابی گذاشت.
در این وقت جنگ اروپا و اتحادیه جدید بر ضد فرانسه تشکیل داد و قشون فرانسه را در ایتالیا و آلمان مغلوب ساختند.
خطر خارجی و تجدید حکومت انقلابیه در داخله و عدم اخلاق و رشوه‌خواری عمال دولت باعث شد که افکار عامه

برخلاف هیئت مدیره اولیه [illegible] سی‌یس مشغول عملیات و ناپلئون بناپارت

رسید کودتای دهم نوامبر ۱۹ برومر ۱۷۹۹ قانون را خاتمه داد.

قانون سال سوم

بر حسب این قانون [illegible] قوه اجرائیه با هیئت مدیره رسید هیئت مرکب از پنج عضو [illegible] بود که سن آنها

لااقل از چهل [illegible] تجاوز می‌شد ... یکی از اعضا که در هر سال بقید قرعه از آنها تجدید انتخاب می‌شد. ...

انتخاب هیئت مزبور به عهده مجلس پانصد نفر (مجلس ...) ده نفر را نامزد کند و مجلس قدما (سنا) یکی از افراد را

بعضویت هیئت مدیره برگزیند. دو مجلس مذکور قوه مقننه را در دست داشتند سن نماینده‌گان مجلس

۵ لااقل سی سال و سن وکلای مجلس قدما لااقل چهل سال بود. مجلس پانصد نفر وظیفه وضع

و ابتکار قوانین بود و مجلس قدما حق رد یا قبول قوانین موضوعه را داشت. اعضای

مجلس ۵ ساله و به ترتیب تقریبا عمر می‌کنند یکی از وکلا این [illegible] قابل

مذکوره را تعریف کرده است: مجلس پانصد نفر بمنزله قوه [illegible] و اراده و تخیله جمهوری و مجلس

قدما بمنزله قوه عاقله آن است. هر سال یک ثلث از وکلای دو مجلس باید از نو انتخاب

شوند.

[illegible] نمایندگان هر دو مجلس و اعضای هر دو مجلس را برگشتند [illegible] از ایالات و جمعیت دلیل

وافر داشته و دارای سواد خواندن و نوشتن بوده و مالیات مستقیم دولت را بپردازند [illegible]

انجمن‌ها را بسیار تغییر داده و بموجب آن هر سال یک ثلث انتخاب کنند معلوم میکردند. اشخاصی که

کمتر از ۲۵ سال سن داشتند و دارای ملک نبودند لیاقت مقام انتخاب کننده را نداشتند محروم شدند

میزان عایدات ~~...~~ از منقول و غیر منقول با قیمت معادل صد روز بود. اما حکومت روز بروز کارش

علل پیدایش | طرز انتخابات این دوره بهتر از ترتیب مجلس موسسان و هم دوره سلطنت لوئی شانزدهم (۱۷۹۱) مشروطه بود

سخت‌تر و دورتر از مساوات بود. با این قانون حکومت بدست توانگران و سرمایه‌داران متمایل

بسلطنت میرفتند. این سند مشاجرات شد هیئت مدیره اول حفظ جمهوری از ارتجاع سلطنت خواهان

مجبور بمدافعه گردید.

از طرف دیگر تقاضای احزاب انقلابی سابق هم از طبقه سلطنت خواه، حکومت دورنیه و دوره محدود

بر هم زدن قانون سال سوم و انحلال هیئت مدیره و تجدید اجرای قانون ۱۷۹۳ بر آمدند.

مثل کنوانسیون ~~...~~ اگرچه قیام‌هایی از هر دو طرف در موقع انحلال وظایف سنگینی بر گردن هیئت

مدیره واگذاشت مانند ادامه جنگ با انگلستان و اطریش و شاهزادگان ایتالیا.

اوضاع مالیه را بر اثر وقفه تجارت و صنعت دوچار وخامت و اختلال بود. مالیات زمین

وصول نمیشد و کاغذ خزانه ارزش نداشت و مردم حواله‌جات را با اسکناس ادا میکردند و از آنجا که

دولت در اصدار اسکناس پیمانه را از دست داده و مقدار کثیری انتشار داده بود قیمت آن به صفر میزان اصلی رسیده بود.

بعد از ۶ ماه ~~[illegible]~~ دولت صد میلیون تومان مالیات وصول میکرد یعنی بیش از سه برابر درآمد که عوائد عایدش میشد. این استقلال مالی موجب دلگرمی شد که آرزوی دیرینه ملت تا حدی برآورده شود و کشیدن وصول مالیات بر درآمد و تجزیه مالیات را رفع کرده اکنون با ثبات (۱۲۹۸) از پائین هر بار مردم را سنگین و دفتر آنها را تقلیل میداد موجب عدم رضایت آن و جمع گردید از حدود طبقات مزید برانگیخت

علاوه بر این حوادث ایران طبیعت در این ایام خسارت بیکرد و احوال روحی مردم در نهایت درجه بود از هر جهت سیر و بیزار شده بودند شش سال انقلاب ها و جنگ خارجی و زلزله ای ایجاد از بیرون آمده بود که از افکار غلبه بر وضع هم بیزار بودند مجبور آرامش و نان و هوش و پوشش جبری مسلکت را داشتند. ملتی که نهایت تنگدستی رسیده بیکن در برابر مردانی مرا از سعادت نگهداشته ثروت را از ایشان به غارت برده بودند در شوکت روانی و وحدت عمومی قطار و تجار و دشنه در ملت را بخشم می‌آوردند. اگر سیاسیون در نام‌داران امور سرحدت خودخواهی درشوه گیری بعض از این مرشیای ~~[illegible]~~ معتقد بودند که در این دوره انقلاب به حس خاتمه داد زیرا که مبلغ وفقا تاوه آرزو داشتند تا برگ و بهار آن در گذشته و فساد در تمام ادارات رفع یافته لا ایج شعبه بوده سود معدن در آن قدم گذاشته شده که وضع اوضاع را کلاً هیئت بهره گذاشته و آن را این مفاسد و منبع خرابه ها میشمردند.

جدال با ژاکوبن‌ها تحریک دشمنی حکومت مدیره در مقابل دولت ژاکوبن‌ها باعث شد که پس از تصویب قانون ۱۷۹۵ ژاکوبن‌ها
مصمم شدند اعضاء حکومت مدیره را کشته و کمیته نجات عمومی را برپا کنند. بعضی از افراد حزب
خاصه رئیس آنها گراکوس بابوف روزنامه‌نگار می‌خواستند انقلاب سیاسی را وسیله انقلاب اجتماعی
کامل سازند. وی منکر بود مالکیت شخصی را و بر طبق قانون طبیعی تقسیم مساوی [illegible] از هر قوم را تأکید
می‌نمود و نیز شعار او این بود که «زمین متعلق به هیچ کس نیست و محصول آن مال همه است». این منشأ
عقیده اقتصادی است که امروز کمونیسم یا اشتراکی نام دارد. حکومت مدیره در اوایل سال ۱۷۹۶
از دسایس دشمنان مطلع گردید. بابوف و همراهان او را توقیف کرد. محاکمه آنها مدتی طول کشید
محکومیت بابوف منجر به قتل او گردید (مه ۱۷۹۷) در این محاکمه جمع کثیری از افراد حزب
ژاکوبن‌ها هم تیرباران شدند.

جدال با سلطنت طلبان اقدامات و کلمات بابوف در خصوص اشتراک ~~[illegible]~~ املاک موجب اضطراب مالکین اراضی شد
و چون موقع انتخاب وکلای مجلس رسید (در مه ۱۷۹۷) اکثر سلطنت طلب و [illegible] درآمدند. ایشان حتی یکی از
۱۷۹۱
اعضاء حکومت مدیره را هم از سلطنت طلبان برگزیدند این شخص بارتلمی Barthelemy نام داشت. مرد
جوان [illegible] سفیر فرانسه در سوئیس بود و مذاکرات مقدماتی راجع به معاهده قرارداد
بال توسط او صورت گرفت. نایب‌السلطنه [illegible] (این شخص) پیشگرو Pichegru

نام او را بابت انتخاب اعضاء که کشی در اداره خیانت کرده و از وی بعدها دل گرفته بود

و هیئت مدیره او را در سال ۱۷۹۵ که فرمانروایی ملغی نمود. مصوبات مجلس اعیان و مجلس قوانین

راجع به مجازات راجع به روحانیون ضد انقلاب و مهاجرین و غیره را نقض کردند و هیئت مدیره را

مورد حمله قرار دادند به این عنوان که مهاجرین از اعضاء آن هیئت از وکلای مجلس که انتخاب

شده در سال ۱۷۹۶ برای تعقیب ... ترتیب داده. و ... محسوب میشد.

| کودتای ۱۸ فروکتیدور |

باراس ~~...~~ مدیر سابق ... کارنو نام داشت مثل رفقای خود اختیار سلطنت طلبان

داده و معتقد بود هیئت مدیره ... اعمال قوه قهریه و رفتار خلاف قانون شود. اما رفقای

باراس که مرد کاملی ... رشوه خوار محسوب میشد ... قانون بودن ... کرده و

کودتا را فراهم آوردند.

برخلاف قانون صریحاً مانع بوده قشون وارد پاریس شود. هیئت مدیره قشون را از ایتالیا

بسرداری اوژرو به پاریس دعوت کرد. در شب سوم سپتامبر ۱۷۹۷ (۱۷ فروکتیدور) سپاهیان

اوژرو وارد پاریس ... توطئه ... برملا ... کشف شده است. هیئت مدیره امر داد که اول بارتلمی

عضو هیئت را دستگیر کند. پس از آن اکثر خانه‌های فرقه سلطنت طلب ... اکثریت داشتند توقیف

اما کارنو قبل از دستگیری موفق بفرار شد. روز چهارم سپتامبر (۱۸ فروکتیدور)

• بقیه وکلای مجلسین که تمایل طلب حرب می‌دیدند بنا بر هیئت مدیره انتخابات ۴۹ ایالت
از اول بدست فرانسه را ملغی ساختند و حکم تبعید گروهی از نمایندگان من جمله پیشگرو رئیس پلیس
و هشتاد تن جریده نگار را بگویان صادر نمودند. آزادی مطبوعات بدست پلیس الغاء شد
توجیه راجع به دعاوی سه انقلاب و مهاجرین در مراجعت وطن اراده بعد نمودند تجدید گردید
~~[illegible]~~ گشت و بعضی از نو شروع گشت و تا اول حوله هیئت مدیره ۱۷۹۹ ادامه یافت
هشت هزار کشیش را توقیف کردند و از ولایت (۱۴۰۰ نفر از آنها را) ~~[illegible]~~ بلژیک تبعید نمود

کودتای ۲۲ فلورآل
بعد از ۱۸ فروکتیدور هیئت مدیره برای دفع سلطنت طلبان متوسل بفرقه مونتانیار شد ولیکن دوباره
کلوب ژاکوبن‌ها تأسیس یافت و رونق گرفت و در انتخابات ۱۷۹۸ جمع از آنها نماینده گشتند.
آنها چون لیز حرب طرفدار انتخابات عمومی و مستقیم بودند باعث نگرانی شدید شدند پس در ۱۱ مه ۱۷۹۸
۲۲ فلورآل هیئت مدیره با مساعدت مجلسین انتخابات سال ششم را تجدید اراده انتخاب ۶۰ نفر
از نمایندگان مونتانیار را جزء برهم زدند و در واقع عکس کار ۱۸ فروکتیدور را بعمل آوردند.

کودتای ۳۰ پریریال ۱۷۹۹
لیکن کودتاهای متضاد حقوق مردم را متزلزل و از سیاست بیزار ساخت تنفر عمومی از حکومت مدیره بکمال
در شروت رسید و نابود نیز از اخلاق ~~[illegible]~~ گردید. بعلاوه زمانی در حفظ حقوق دولت
نمایندگان مشغول عداوت ~~[illegible]~~ با یکدیگر مشغول شدند در اواسط سال ۱۷۹۹

دول اروپا هم مدتی فارغ بود بعد از تعرضات دولت هیئت مدیره بجان آمده اتحادیه جدیدی تشکیل داده

و علیه او مبارزه کرد که بناپارت دولت اطریش را در کامپوفورمیو مجبور بامضاء قرارداد نمود بار دیگر آتش

جنگ اشتعال یافت و قوای فرانسه در همه جا مغلوب گردید در خاک آلمان در سواحل رود رن

و در ایتالیا در دامنه کوه آلپ لشکر فرانسه شکست خوردند نزدیک بود باز خطر عظیم متوجه فرانسه شود

و از طرفی مردم از اوضاع داخلی و اعمال ناروای هیئت مدیره توجه داد. در آغاز سال ۱۷۹۹ یکی

از سیاسیون آگاه شده قانون اساسی را تغییر بدهد یکی از آنجماعت سیه‌یس بود در سنوات

زمام امور را بکف گیرد سردار آلمانی پروس را به دوک دو برونسویک بعضی از نظر داشتند

در سال ۱۷۹۲ اعلامیه سابق الذکر را امضا و منتشر کرد. جمع دیگر از سیاسیون در نظر داشتند

سلطنت مشروطه را دایر نموده تاج پادشاهی را بدوک دورلئان پسر فیلیپ اگالیته بدهند.

چون کامیابی دیگر در ماه ژوئیه سال ۱۷۹۹ دولت مجبور شد متوسل بوسایل القدره شود

و باز دست به ترور و خونریزی گشاید این واقعه هم موجب مزید اضطراب عامه و تقویت

فکر تجدید نظر در قانون اساسی گردید.

سیاست سیه‌یس برای تغییر قانون اساسی شرط لازم بود یک تن سیه‌یس از هیئت مدیره دیگر همراه داشتن یکی از

سرداران وجیه الملة. چون سیه‌یس در ماه مه ۱۷۹۹ بعضویت هیئت مدیره نائل آمد مشغول

~~[illegible]~~

~~[illegible]~~

وسیله شد و چون عدم رضایت را در نتیجه شکست قوای در ایتالیا و آلمان در عقب نشینی‌ها
تردید گشته بود تحریک کرد و غضب نماینده‌گان را بر ضد همکاران خودش در هیئت
مدیره با وجود مخالفت سییس برانگیخت بطوری که مدیران نامبرده مجبور باستعفا شدند این واقعه را
کودتای ۳۰ پریریال (۱۸ ژوئن ۱۷۹۹) نام داده‌اند اگر چه کودتا محسوب میشود زیرا که مقررات
قانونی در آن رعایت نشد. در باب سردار ماهری بود سییس ابتداء ژوبر Joubert را
در نظر گرفت و با او سخن بمیان آورد و ژوبر گفت هر وقت اجازه بدهید با بیست تن طبل انداز
این غائله را خاتمه خواهم بخشید. اما این سردار در پانزدهم اوت ۱۷۹۹ در نوی بقتل رسید
پس از آن سییس هم مورو را و عاقبت بناپارت را اختیار کرد. بناپارت در این وقت
در مصر بود و از ماه‌ها به بعد هیئت مدیره مکرر او را دعوت بمراجعت بپاریس و تقبل فرماندهی لشکر
کرده بود و او مبادرت نکرد. سییس مجدداً او را ببازگشت بوطن دعوت کرد.

تهیه خونریزی

در این هنگام قوای فرانسه در خاک ایتالیا شکست فاحش خورد (ژوئن و اوت ۱۷۹۹)
و سلطنت طلبان در جنوب و ایالت غربی علیه رژیم قیام کرده بودند. در همین اوان پخش شد که حزب ژاکوبن‌ها
بار دیگر در فرانسه صاحب نفوذ شد. کلوب ژاکوبن‌ها مجدداً تاسیس گشت و بنام انجمن دوستان حریت
و مساوات موسوم گردید. و روزنامه بنام مردان آزاد منتشر ساخت چون این جمعیت طرفدار خونریزی

و ترور بود و اصول عقاید بابوف اشتراکی را تمجید میکرد مردم آنرا حزب برابران نام نهادند. مجالس در

(۱۸ ژوئیه) بار دادند و صد میلیون از طبقه توانگر استقراض اجباری نمود در ۱۲ ژوئیه قانون گروگان

مردم به قانون گروی وضع کرد که کسان و اقوام مهاجرین و سلطنت طلبان را که موجب اغتشاش مملکت

شده‌اند مسئول بشناسد و دولت میتواند آنها را حبس و جریمه و تبعید کند. این حوادث و خشونت

[illegible] مشغول مخالفت شدند و در روز ۱۳ سپتامبر

[illegible] و طالب تغییر وضع حکومت گردید

مراجعت ناپلئون

روز نهم اکتبر بناپارت قرار وصول حکم هیئت مدیره از مصر حرکت کرد و به فرژوس وارد شد.

خبر ورود او در ۱۵ ماه به پاریس رسید و موجب نهایت سرور گردید. مسافرت بناپارت در حکم فتح نامه بود

[illegible]

بناپارت را جوانان [illegible] وقتی بناپارت وارد پاریس شد [illegible]

و عشق رسید [illegible] بناپارت اوضاع خارج و [illegible] داخل [illegible] بناپارت [illegible]

مردم ژنرال ماتیو دوما و [illegible] تمام احزاب را [illegible]

تهیه کودتا

سییس و بناپارت [illegible] تغییر قانون اساسی [illegible]

کارها آماده شد. [illegible] از مدیران هیئت مدیره [illegible] در روز [illegible]

از قبیل تالیران وزیر امور خارجه و فوشه وزیر پلیس و اکثریت خانه‌های مجلس قدما و در میان مجلس ۵۰۰

لوسین بناپارت برادر ناپلیون با او همدست بودند.

دستور اقدام چنین بود تحت بهانه اینکه دولت در خطر است [illegible] مجلسین را از پاریس

کنند و کمیته اجرائیه مرکب از سه ~~[illegible]~~ قنسول موقتی تشکیل شود و قانون اساسی را تغییر دهند.

چون گمان ~~[illegible]~~ می‌رفت که بعضی از وکلای مجلس ۵۰۰ ضدیت و مخالفت کنند و ادامه [illegible] به پاریس

سپاه [illegible] قرار گذاشته در [illegible] مجلس قدما محل مجلسین را از پاریس تغییر

داده و به سن کلو و در تحت [illegible] قرار دهند.

کودتا
۱۹ برومر

روز شنبه ۹ نوامبر (۱۸ برومر) انجمن قدما در کمیته [illegible] خانه‌های [illegible]

[illegible] که توطئه عظیم خطرناکی کشف شده که [illegible] را [illegible] فوری وقت

[illegible] اگر [illegible] از [illegible] در اثر غفلت یک [illegible] [illegible]

[illegible] بخواهد [illegible] جمهوری [illegible] خواهد شد [illegible] شعله آن [illegible] خواهد

خانه‌های مجلس قدما [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] از پاریس

[illegible] سن کلو انتقال یابد و ژنرال بناپارت مشغول حفظ [illegible] و نگاهداری [illegible] باشد.

چون دیروز کابینه مستقر شده در صبح یکشنبه ۱۰ نوامبر (۱۹ روز) وکلای [illegible] یافته و از کیفیت از

استیضاح ثانیه نزدیک بوده و توطئه هم بوده اقلیت مجلس قدیم و وکلای مجلس ۵۱ هم اتحاد کرده چون

در ساعت دو مجلس ۵۱ تشکیل شد بعضی از [illegible] تعارف کرده و تعیین آن حکم عظیم واقعه مدهشی

رئیس شده که او آنچه گفته بود در کاغذ مسبوق شوند مجلس ۵۱ هم چون تشکیل شد وکلا عموما تو کنند و کرده

و در حفظ قانون سال سوم برگشته و تهدید کرده که بار دوم هم از عضویت هیئت مدیره استعفا

داده‌ام است کسی را انتخاب کنند که تا هیئت کامل شده بکار مشغول باشم.

در حوالی ساعت چهار و پنج با چهار ~~[illegible]~~ تیمچه نظامی وارد مجلس ۵۱ شد و [illegible] با

دیگر ~~[illegible]~~ از بی‌جهت رفاقت . چهار نفر [illegible] خود را

بعضی او را زدند و خواستند [illegible] ... را از پای درآورند . [illegible] خود را حافظ و سپر

او قرار داده و او را از مجلس خارج کنند . [illegible] را با جهت نزدیک بود [illegible] شود

[illegible] وقت [illegible] را بجای [illegible] داده رئیس مجلس ۵۱ بود وقتی که

وکلا در صدد [illegible] برآمدند رئیس مجلس رفاقت و عدم [illegible] را

از کلاه و سینه خود باز کرد و روی میز گذاشت و باین ترتیب چند لحظه واقعه را عقب انداخت

در همین وقت گروهی نظامی در مجلس [illegible] که از چهار طرف از مجلس وارد شده رئیس را برداشته

فارغ ساختند. درین حین از عمارت بیرون آمد و بر اسب نشست و میان نظامیان رفته حکایت کرده
خبر از وکلاء و از حوادث داخلی رسیده گفت وکلای ۵۰۰ را شورانده‌اند خواسته‌اند ژنرال شما را
خنجر بزنند. اتفاقاً مجروح شد. لوسین هم درین وقت رسیده و با رئیس مجلس هم آواز شد
سربازها را بحرکت آورد. بعد ژنرال مورا و لوکلر هم که با بناپارت منسوب بود
برابری کرده نظامیان اطاعت نموده براه افتادند

شب ساعت نه اقلیت وکلای مجلس ۵۰۰ و اکثر نمایندگان مجلس قدما در نارنجستان ۵ عمارت
اجتماع کرده رأی دادند که هیئت مدیره منحل و بجای آن هیئتی مرکب از سه قنسول رتق و فتق امور را بعهده بگیرند
قنسولها عبارت بودند از سییس، روژه دوکو و بناپارت. قنسولها سوگند یاد کردند که در توسعه
و حفظ استقلال و تمامیت جمهوری بکوشند. پس از آن مجلسین بمدت چهار ماه تعطیل کرده و هیئت
۲۵ نفری به سمت حفظ معین نمودند که در تحت اداره قنسولها قانونهائی را در مواد آن در هم
وضع و اساسیات اصلاح کنند.

این کودتا هیچ وجه به قتل و خونریزی درباری ایجاد نکرد. در تمام فرانسه مردم بشوق
و شعف تمام این تغییرات را پذیرفته و قنسول اول وجیه‌الملة شد. این واقعه آخر دوره جمهوری بود
و قنسولها تمام کارهای جمهوری را در عین اتفاق و استحکام بخشیدند و تفاصیل آنرا ذکر کنیم.

III

تغییر جامعه فرانسه در نتیجه انقلاب کبیر

انقلاب تغییرات اساسی و کاملی در اوضاع سیاسی و اقتصادی فرانسه وارد نمود. این تغییرات مبتنی بر اصول کلیه
بود که در عهد مجلس مؤسسان بعنوان اعلان حقوق بشر انتشار یافت. این اصول و مبادی کلیه
اعلان ماده اول است که آنرا مادة المواد یا اصل الاصول خوانند زیرا ماده اولی اصل مساوات افراد بشر را
سایر اصول و مواد اعلان نیز از فروع و نتایج آن بشمار می‌آیند. بلکه اصل مساوات در هزار و هشتصد
سال پیش از دوران عیسی ۳ انتشار یافت ولی صورت عملی بخود گرفت در سنه ۱۷۸۹
اساس حقوق عمومی و خصوصی و قوانین اقتصادی و مالی و روابط ملل و اشخاص و خانواده‌ها [illegible]

مساوات سیاسی و اجتماعی

بعلاوه امتیازات طبقات مختلف ملغی شد. امتیازات اشخاص در ادارات سیاسی امتیازات
شخصی فردی و جمعی امتیازات سیاسی و اقتصادی همه ملغی گردید. مخصوصاً طبقات روحانیون و نجبا
و رعایا باطل شد. در واقع کار حتی القاب نجبا و عناوین اعیانی لغو گردید. امتیازات مالی که منجر
معافیت و تخفیف و سهولت پرداخت مالیات طبقه روحانیون و نجبا و سایر ما به الامتیاز ؟ از میان رفت
و از آن به بعد جمیع فرانسویان علی السویه مالیات را به نسبت دارائی خود برای مصارف عمومی مملکت
بپردازند. هیچ طبقه از آن پس حق نداشت از طبقات دیگر مالیات بگیرد. نه روحانیون و نه فرمانروایان
مالیاتی از رعایا دریافت نکنند. هیچکس حق نداشت بنحوه دیگری از رعیت کار بگیرد.

بیچارهی تو رث شغل و حرفه را بحد اختصاص چه اصناف متمایزه از این رفته . اشتغال و مناصب دولتی دیگر

تا بر حرفه و دون بیفتد . شاعر منفذ نگری و کوشش به دیگر هم کم شد و ترقی نگیرد . شهر زمان سابق بعض طبقات

از کارها و مکاسب عار ~~داشتند~~ و بعض دیگر شاغل عالیه اختصاص داشتند . سوزن گر : ۵۰

هر شخص فرزندی بهر مقامی و بهر شغل میتواند برحسب استعداد خود نایل گردد جز تقوی و هنرمندی وجه

امتیاز میان مردم نیست ."

منحصر امتیاز رسمی ساوات عده قلیل از فرزندان را به سابقه امتیاز آنها داشته متمایز ساخت

یعنی اکثر مردم هرازه امتیازی محروم بودند منقطع گشتند .

پروتستانها و یهود

نیز رسمی بعد از انقلاب سه طبقه سفیه واقع شد اول رعایا دوم پروتستانها که برای نقض زمان سابق

در ممالک ... تقریبا از جمیع حقوق اجتماعی محروم بودند سوم یهود که اهالی او را بیگانه می پنداشتند و معامله ... می

با آنها میکردند . در سال ۱۷۹۱ مجلس مؤسسان یهودیان را جزو ملت فرانسه شمرده حقوقا فرق ... در باب الحاق

آنها و هم به پروتستانها مجلس مؤسسان تفویض حقوق مساوی دیگران اکتفا کرد بلکه بجبران صدمات وارده

در دوره نقض ~~[illegible]~~ فرامانات که به آنها وارد شده بود در صدد برآمد هر یک از املاک ... توقیف شده ... ارزد .

و مقرر داشت هر کس از اعقاب پروتستانها خارج ... ثروت ... و اولاد و احفاد

پروتستانها که ... هر گاه مایل باشند و تقاضا کنند ابدا تابع فرانسه شمرده خواهند

دهقانان از برکت انقلاب اغلب دهقانان مالک اراضی شدند و از پرداخت مالیات های قدیم معاف گردیدند

و از خالصجات و اراضی نیز مقداری خریدند. مقرر شده بود که قسمتی از روحانیون و مهاجرین گرفته و بفروش رسانیده

به دیگران و صغار بفروشند و اعلان حقوق بشر تصریح میکرد که مالکیت محترم و مقدس است و بهم چنین اصل ضبط و توقیف

اموال مردم که در زمان سلطنت سلاطین معمول بود ممنوع گردید. معذلک مجلس مقننه در ۱۰ ژوئیه ۱۷۹۲ حکم ضبط

اموال مهاجرین را صادر نمود. لیکن عملاً بعلاوه رفتاری که دولت جمهوری با مهاجرین کرد نتیجه نسبت به آن ترتیبها

که کثرت اراضی و املاک با این ترتیب بعرض خرید و فروش درآمد موجب ارزانی املاک گردید و دهقانان

کم استطاعت هم توانستند ضیاع و عقاری تحصیل کنند. از نتایج عظیمه انقلاب کبیر آثار تابناک و از همین

راه توده ملت از ثروت مملکت حصه نصیب های وطن دار و بهره مند انقلاب شدند

امر معارف و تعلیم و تربیت در قوانین اساسی مجالس مقننه جمهوری وضع کردند امر معارف را بطور جامع منظور داشتند فقط در قانون

۱۷۹۳ تعلیمات عالی را از آن امر کردند. مجلس ملی حتی پس از انتخابات عمومی مستقیم بود لیکن

قانون اساسی سال ۱۷۹۱ و قانون سال سوم انتخابات محدود و متناسب با ثروت انتخاب کنندگان ساخته

این مخالفت با امر معارف نتیجه افکار فلاسفه و مؤلفین دائرة المعارف بود و ملت را از جهل حقارت گذشته و

عوام الناس خطاب میکردند. و مردم را نادان و نالایق برای تمتع از امور میدانستند

« باید معارف ملت را فراهم آورد تا ممکن است که در این کار رعایا شرکت داده » لیکن این کلمه عبارت بود از نظر قانون

قول ولتر که در شماره کمال‌التقدم روشنگر غالب بود و تعقیبه قول فرزند ... ولو دف(؟)

بود که میگفت : «همه چیز برای ملت و هیچ چیز بدست ملت.»

مساوات در مجموعه قوانین

در زمان سابق هر طبقه و هر قومی و هر ایالتی قانون خاص داشت و ما بین طبقات و اقطار مملکت

تفاوت بود بی‌ترتیب کامل . و رسم مساوات مخالفت داشت زیرا که طبقاً تمام افراد ملت

باید مطیع قانون واحد باشند . بنابراین مجلس مؤسسان در ۱۷۹۰ مجموعه قوانینی ترتیب داد ولی از

مردم کافی مجری نشد مگر در سنه ۱۸۰۴ بفرمان قنسول اول ناپلئون بناپارت که اراده آن را بر فوق العاده

~~مجری آن گردید~~ مساوات ملت را در برابر قانون اعلام کرد . قبل از این زمان کاملاً الفقرها در موارد

متعدد قوانین وضع میکردند و در نقاط مختلف موقع اجرا میگذاشتند و مرجع قانونی مجاری نگاه در

قوانین سابقه را اصلاح و تغییر میدادند .

قوانین وراثت

مهمترین این قوانین اصول روابط ارث و ازدواج بود . پیش از این زمان تقریباً هنوز هم در بعض

ممالک مرسوم است پسر ارشد وارث منحصر بفرد میشد . قانون جدید ارث را میان اولاد بطور مساوی تقسیم کرد

حتی پدر کنونی ~~...~~ حق وصیت را نقض کرد و بموجب آن پدر و مادر نمیتوانستند

دارائی خود را بعضی از اولاد بخشند . در نتیجه این قانون اموال و املاک تجزیه شد و ...

کوچک و محدود تقسیم گردید .

ازدواج و طلاق

~~[illegible]~~ پیش از عهد انقلاب ازدواج و وفات در دفتر روحانیون ثبت میرسید چون
ازدواج امری مقدس بود که تحت نظر کاتولیکها که حق انحصاری ازدواج داشت . پروتستانها هم دارای
وضع خاصی ~~[illegible]~~ از قوانین کلیه مستثنی بودند . پس از تبعیض و تشنج در قوانین جدیده منظور شد و ازدواج
و وفات را مدنی دانسته و دفاتر مخصوص ثبت نمایند . در اعلامیه حقوق صیغه عقد هم پیش مأمورین دولت
در حضور شهود و بصورت مدنی درآمد . شرایط ازدواج از طرف دولت معین گردید و سن بلوغ
طفل را مانع نقص خویش نمایند از طرف دولت ~~[illegible]~~ مدت قبل معین شد .
چون ازدواج صورت یک معامله ساده پیدا کرده بود در موقع با توافق طرفین ~~[illegible]~~
~~[illegible] قانون معین [illegible] طلاق [illegible]~~ یا بنا بر شرایط مقرر معین
کرده بود قابل فسخ گردید . در تقویم طلاق هم حق معین تا زمان [illegible] معمول شد .

مقررات جانشینی

اصول ششم و هفتم و هشتم اعلامیه حقوق بشر وحدت قانون را در همه جا و برای همه کس منظور داشت
بنابراین تا قبل [illegible] بموقع بود که در مورد هر قانون معین کمتر است . و قانون هم بازادی معین گردید
که در صورت [illegible] لازم باشد . بنابراین بازادی [illegible] و بموجب درجه و طبقه اشخاص تفاوت میکرد
فسخ گردید و [illegible] را در حدود تحقیق و ثبوت تغییر بموجب هر مرتبه صورت میگرفت
بعد بود [illegible] و سیاستهای [illegible] را ممنوع کرد . مقرر داشت در همه کشور و [illegible]

کسانی و دستگاهای مرتکب فرار که ~~[illegible]~~ و عدالت را به نسبت جرم مجازات نمی‌دادند که [illegible]

به نسبت و اهمیت جرم مجازات را متناسب اعلام و بعضی از اصول دائم و قسمتی را حقوق جزائی جدید

یا تغییر بجا قرار داد.

انقلاب و آزادی

انقلاب کبیر عده‌ای را بمعرض سلب حقوق اصل آزادی را نیز محترم شمرد بنا بر نص قانون اساسی آزادی عبارت است از حق بجا آوردن اعمال به شرط آنکه مضر بحال دیگران نباشد. در نتیجه برای تمام افراد آزادی اعمال مذهبی خود را بجا آورند و افکار و عقاید خود را در کمال آزادی اظهار کنند بعلاوه آزادی مذهبی و آزادی فکر و گفتار و طبع مقرر گردید.

در دوره انقلاب بواسطه آزادی قلم جراید بسیار ظهور کرد از جمله روزنامه‌ها [illegible] دولت [illegible] حکومت ملت متعلق به [illegible] و [illegible] متعلق به [illegible] و جراید مردان آزاد [illegible] در علت تهییج خاصه مردم پاریس تأثیر قوی داشت [illegible] لکن عده کثیری [illegible] و [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] ~~[illegible]~~ اصول مربوطه قانون اساسی [illegible] آزادی [illegible]

پیروان مذهب کاتولیک را مورد فشار قرار دادند در سراسر زمستان ۱۷۹۳ - ۱۷۹۴ اعمال مذهبی کاتولیک در پاریس ممنوع گردید [illegible]

عقاید را [illegible] ~~[illegible]~~

(ادامه مقال)

ورود پس به معنی طرفداری آزادی مذاهب بود سیوات پرتش مرد و عیال را متداول کند . بعد از

مشروطه هم پس یک دوره آن گذراند در نطق در مجلس گوناگون راجع به آزادی مذهب ابراز نموده

مورد تحریر و تهدید و تکفیر گردید . معذلک مجلس زور و بسط قدرت افکار عمومی مجبور شد در حدی

تدابیر را اعلام کند و ترتیب انقلاب ملت را از دیانت جدا داشته موجبات

آزادی عمومی را فراهم ساخت

آن آزادی مطبوعات که در دوران حکومت گذشته در دوره محمد علی شاه بود در دوره ترور

کاملاً ممنوع شد جز جراید مشروطه هیچ روزنامه حق انتشار نداشت در ۱۸ ... در هفته

مدیره ... ۲۵ روزنامه را توقیف کرد .

معذلک بدیهی است هر یک از اقدامات عمده انقلاب ... مردم آن زمان

رفتار و ترویج آزادی و افکار آزادی خواه که چنان محکم شد که در قرن نوزدهم حکام

و سلاطین خود را نتوانستند ... از آن ... مانع توسعه و ترقی آن شوند .

فصل یازدهم

جنگ با اروپا

فتوحات ~~معاهدات~~

ده سال تمام از آوریل ۱۷۹۲ تا مارس ۱۸۰۲ فرانسه با جمیع دول اروپا زد و خورد کرد آغاز این دوره از سالهای آخر عهد لوئی شانزدهم و انجام آن در سال دوم قنسولی ناپلئون بناپارت بود تأثیر فتح و شکست قشون مطابق دو دوره در کیفیت اوضاع داخلی بود و محسوس بود.

پیش از عهد اعلان جنگ لوئی شانزدهم و بعد تعقیب طرفین در پاریس بقرار ~~[illegible]~~ شاهزادگان آلمانی و اتریش بر نقض حقوق و امتیازات ملوک الطوایفی بود دیگر تجمع مهاجرین و تشکیل لشکر در سرحدات فرانسه و دور خاک آلمان بود. در دوره کنوانسیون قشون فرانسه فاتح و بعد از آن مرام تبلیغ و نشر افکار انقلابی در آن مملکت شروع و اصول آزادی و مساوات گوشزد عموم گردید. این اقدام با قتل ~~جنگ~~ اعدام لوئی شانزدهم دول اروپا را از قبیل انگلستان و هلند و اتریش و روسیه و ساردنی و اسپانیا در ۱۷۹۳ ~~[illegible]~~ بر ضد فرانسه برانگیخت منظور دول متحده کردن ~~[illegible]~~ قدرت دولت انقلابی بعد تجزیه مملکت فرانسه و تخریب اساس جمهوری بود.

نتیجه جنگ ... شده دول ~~[illegible]~~ اروپا جمهوری فرانسه را به رسمیت شناخته و آرزوی دولت فرانسه که از قدیم الایام تعقیب میشد رسیدن به ساحل چپ رود رن و رسانیدن سرحدات بخطوط طبیعی بود برآمد

قسمت اعظم ممالک ایطالیا و سویس و هلند تابع فرانسه شده و دولت فرانسه دارای ~~[illegible]~~ ولایات

طبیعی خود [illegible] محافظت کرده بود.

اسباب این فتوحات عبارت بود اولاً از مخالفت دول با یکدیگر قشون ملی [illegible] و [illegible] تابع

لهستان را از ۱۷۹۳ تا ۱۷۹۵ دول روس و اطریش و پروس را مشغول ساخت و

ثانیاً ~~[illegible]~~ هوش و لیاقت ناپلئون بناپارت. دول اروپا متدرجاً فتوحات فرانسه را

برسمیت شناختند باین ترتیب پروس و اسپانیا بموجب عهدنامه بال ۱۷۹۵ و اطریش دفعه اول

در کامپوفورمیو ۱۷۹۷ و ثانی در لونویل در سنه ۱۸۰۱ انگلستان هم تنها ماند و از جنگ

دست برنداشت عاقبت در سال ۱۸۰۲ در شهر آمین صلح کرد. لکن این [illegible]

موقتی بود و دول اروپا خاصه انگلستان نتوانستند [illegible] به تفوق فرانسه در قاره اروپا

[illegible] رضایت دهند.

I

فتوحات

فرانسه و اروپا در ۱۷۸۹

در سنه ۱۷۸۹ میان فرانسه و دول اروپا بموجب عهدنامه [illegible] صلح و اتحاد برقرار بود [illegible]

[illegible] و موجبات جنگ و جدال مفقود بود.

بعد از جنگهای قرن [illegible] خاصه بعد از جنگ هفت ساله اکثر ممالک [illegible]

تابع [illegible] سیاست صلح میل داشتند. [illegible] در [illegible] وزیر امور خارجه [illegible]

که از [illegible] نامه آن زمان بود بگفت : «فرانسه باید از [illegible] بترسد و همچنان آرزومند تا [illegible]

[illegible] طالب حفظ امنیت و عدالت در اروپا بوده و میانجی دول [illegible] شود . [illegible]

تا این که در [illegible] ۲۷ مه ۱۷۹۰ [illegible] و در قانون ۱۷۹۱ [illegible] :

«دولت فرانسه از شروع جنگ [illegible] صرف نظر کرده و هرگز قوای خود را بر ضد آزادی اقوام و ملل دیگر بکار نخواهد برد»

در آغاز انقلاب سلاطین اروپا هم چنان مایل به جنگ و مداخله در امور فرانسه نبودند زیرا [illegible]

[illegible] این انقلاب و [illegible] فرانسه را [illegible] طبیعی میدانستند و حکومت [illegible] اصلاحات مساعدت [illegible]

[illegible] ایرلند کرده [illegible] فرانسه [illegible] سایر دول هم مشغول [illegible] شرقی [illegible]

[illegible] از سال ۱۷۸۷ به بعد با عثمانی جنگ داشتند [illegible]

[illegible] ۱۷۹۰ [illegible] پادشاه بود و از [illegible] و [illegible]

منصب [illegible] . [illegible] پادشاه [illegible] فرانسه [illegible] اشتغال [illegible]

از [illegible] اروپا محروم و ممنوع [illegible] و [illegible] فرانسه استفاده [illegible]

[illegible] دقیق در اکتبر ۱۷۸۹ [illegible]

[illegible] کتب [illegible]

[illegible] از جنگ [illegible] کرده [illegible] فرانسه [illegible]

شروع جنگ

در صلح دو ماه مدت دوام داشت و سیاست دولتها اول بهم رفته رفته بدل بکینه جوئی و ستیزه کاری
گشت علل عمده آن از اینقرار بود:

استبداد دولت پروس که در نتیجه تبلیغات هواداران [illegible] ولتر مورد توجه مردم فرانسه بود و مهاجرت
وکلای مجلس [illegible] بعده [illegible] آن دولت عقد اتحادی بسته [illegible] که در این ایام حالت دولت ضعیف
۱۷۹۰
در ناتوانی شده و کهولت می توان از [illegible] آن [illegible] پروس ملحق ساخت. از ماه سپتامبر
پیش از آنکه لوئی شانزدهم دستور بگیرد پادشاه پروس با امپراطور اطریش ملاقات کرده متعهد شد یاری لوئی شانزدهم
برخیزند و در مخارج جنگ قسمتی از خاک فرانسه را بگیرند و آزادی را [illegible] سال بعد لوئی
شانزدهم شفاها در حقیقه سلاطین پروس و اطریش دربارها و کشورها را بجهاد طلبید.

از طرف دیگر سلاطین اروپا رفته رفته مطلع و بیدار شده که این انقلاب منحصر بملت فرانسه نیست
مسری و همگیر خواهد شد. در ژوئن ۱۷۹۰ اهالی آوینیون بر ضد پاپ قیام کرده و حکم آزادی اولاد بشر [illegible]
نموده و من بعد ملت فرانسه ملحق خواهد بود. در سواحل رود رن ~~[illegible]~~ [illegible] آلمانی
نیز با افکار انقلابی اظهار همراهی کرده شور و شعف نمودند ولی این اوضاع را [illegible] آلمان
[illegible] همراه [illegible] ثبت [illegible]
همچنین عده از مردان سیاسی در زمره [illegible] فرانسه بعد از ۱۷۹۱ علنا بر ضد سلاطین

مستبد را طاعت ترک کرده و علمای دین را به آزادی دعوت می‌کنند. پس سلاطین اروپا دچار فتنه و انقلاب

و روزنه شقاق بر آنها محدود است و سختگیری [illegible] و در [illegible] و در نظر [illegible] که [illegible]

اضطراب کردند. تا وقت دستور صدراعظم [illegible] الجاری [illegible] و [illegible] افکار [illegible] را از سر خود [illegible]

[illegible] و [illegible] که داشت و روز به روز ضعیف‌تر و منحط‌تر شد که [illegible] سلاطین اروپا و

[illegible] دستور [illegible] (از [illegible]) در [illegible] را

قطع کند که [illegible] و [illegible] و [illegible] در [illegible] اوراق

(بعد از ۱۰۹۱) [illegible] ۱۰۹۲ (۱۶۸۲ میلادی) [illegible] کنند.

[illegible] سلاطین اروپا از [illegible] خارج شد و [illegible] از

[illegible] عدول [illegible]. [illegible] سلطان [illegible] از [illegible]

[illegible] و [illegible] و [illegible]. [illegible] شد. مردم از [illegible]

اروپا [illegible] و [illegible] در تخریب [illegible] آمدند. [illegible] و

[illegible] در [illegible] بود [illegible] اعلامیه [illegible] را [illegible]

از [illegible] اعتقاد [illegible] و در [illegible] شدند

[illegible] مردم [illegible] مردم [illegible] [illegible] [illegible] از

زیرا در حریره کارگران حزب ژیروندن می‌گفت : « ترس من از این است که ما با جنگ درگیر نشویم » و

هم اوده را حمایت میکرد . ... و ... ولی جنگ را بیهوده است زیرا که آن را بهترین وسیله انقراض سلطنت

و استقرار جمهوری میدانست :

بهانه جنگ

دو مسئله موجب شد که روابط فرانسه و اطریش تاریک شد و به زودی جنگ طلبان گفته‌ها افتاد :

اول مسئله مالکیت و امتیازات مع امراء الزاس . دوم تجمع قشون مهاجرین در حوزه آلمان بود .

امراء آلزاس

چون در ... ۱۷۸۹ بموجب عهدنامه وستفالی ایالت آلزاس بفرانسه رسید امراء و اعیان آن ایالت که

املاک و امتیازات سابق خود را داشتند و حقوق ملوک‌الطوایفی خود را حفظ کرده ~~...~~ و اکثر آنها از

امراء و ارکان محسوب میشدند ... نیز در ... حوزه امپراطوری ... آن ... خاک فرانسه خود را تابع شاه فرانسه

خوانده ~~...~~ فقط از این لحاظ اعتراض میکردند . لیکن رعایای در حوزه امپراطوری و ... خود حقوق

دعاوی را ... و ... وصول میشد . و قتیکه مجلس ... حقوق و امتیازات سابقه را

فسخ کرد حکم مجلس شامل امراء الزاس هم گردید . لکن امراء و اعیان آلزاس اعتراض کرده و گفتند قوانینی

در ... فرانسه وضع میشود برای ما در رعیت فرانسه نیستیم شامل نتواند شد زیرا که در وضع آن ما هیچ نوع

شرکت نجسته‌ایم ... از مقررات ... و ناقض عهدنامه وستفالی است . برای ...

~~... ... ...~~ که ~~...~~ شاه ... موجب ... دلیل ... است

که مجمع نمایندگان مملکت اطریش بود تقاضای یاوری کرد و امپراطور [illegible] هم آماده کمک گشتند. مجلس [illegible]

وزرای لوئی که هواخواهی [illegible] در اراده آزادی هیچ چیز را منع نشوند و تا زمانی که جمیع حقوق سابقه را از

[illegible] از او پس نگیرند.

تجهیزات مهاجرین [illegible] تجهیز شده مهاجرین در حدود [illegible] در خاک آلمان تجهیز شده بودند امپراطور

اطریش اعلام داد که [illegible] اقدام [illegible] کند [illegible] انقلاب [illegible] است مجلس مقننه هم

[illegible] نقاط [illegible] مهاجرین تجهیزات خود را هم رفع دهند والا [illegible] کنند

[illegible] آماده جنگ باشد (اواخر ۱۷۹۱) لئوپولد امپراطور اطریش در جواب صلح جوی بود [illegible]

[illegible] نوشت که [illegible] کشته [illegible] و [illegible] اقدامات را [illegible]

اگر [illegible] امپراطور از [illegible] سلطنت و شاهی [illegible]

ورنه لشکر [illegible] لشکرکشی کند.

اعلان جنگ [illegible] جنگ را اعلان [illegible] امپراطور [illegible]

جنگ و [illegible] ۱۷۹۲ [illegible] امپراطور [illegible]

حین [illegible] لئوپولد [illegible] وفات یافت (اول مارس) [illegible] فرانسوای دوم [illegible] ۲۴ ساله [illegible]

[illegible] مجلس مقننه [illegible] حقوق ادامه آزادی را [illegible]

که دولت اتریش شناخته و وحدت آلمان را بجانب [illegible] داشت و دولتها را هم در دفع فرانسه ترغیب

و حفظ اوضاع و امتیازات دول ملوک مجاور شده که فرانسه مغلوب و مقهور سازد لیکن یادداشت فرانسوا

هم در روز ۱۵ اپریل ۱۷۹۲ بپاریس رسید

روز بیستم آوریل بنا بر پیشنهاد لوئی شانزدهم مجلس [illegible] شده بود مقارن ساعت ده شب [illegible]

نطقهای پرشور و مشعشع زیاد در وصف [illegible] «ملت فرانسه از جهانگیری و تملک ممالک بیزار است

لکن در این موقع برای حفظ آزادی و استقلال خود فرانسه بپادشاه بوهم و مجارستان اعلان جنگ میدهد» مقصود

جنگ از اینکه امپراطور را پادشاه بوهم و مجارستان خطاب کرد از آن جهت بود که فرانسه با امپراطور آلمان اعلان جنگ

نکرده بلکه با سرزمینهای تابع خاندان اطریش است. بعبارت دیگر در این جنگ دولت فرانسه بلکه

ملت گفت «جنگ ملت آزاد است در مقابل حکومت ظالمانه سلاطین»

هجوم بفرانسه — مقدمات جنگ و نتایج آن را ما در پیش سابقاً ذکر کردیم. قوای فرانسه [illegible] هزار نفر

جنگ [illegible] آماده [illegible] شروع شد پیش از آنکه [illegible] آماده [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] را [illegible] [illegible] دولت [illegible] [illegible] افواج فرانسه در [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] امپراطوری [illegible] [illegible] [illegible]

دفاع بعدی داوطلبی تحت ریاست [illegible] و [illegible] از ترو گذشته وارد ایالت

ایران شد و مقدمه لشکر (۲۳۰۰) و [illegible] (۳ سپتامبر) را [illegible] تصرف کرده [illegible]

[illegible] که [illegible] ۳۲۰۰ نفر [illegible].

عبور از آرگن

در سپتامبر قشون دولتی به [illegible] آرگن رسید [illegible] از [illegible]

این [illegible] و [illegible] که هیچ [illegible] [illegible]

[illegible] قوای [illegible] در [illegible] توقف داشت [illegible]

[illegible] و [illegible] پیشرفت مانع شده قشون [illegible] از

[illegible] (۱۱۰۰ نفر) و از تبریز (۱۷۰۰۰ نفر) [illegible] در ۱۲ سپتامبر

[illegible] [illegible] [illegible] ناچار شده عقب نشینند و [illegible]

[illegible] در [illegible] وقت دشمن [illegible] کوتر [illegible] فاصله داشت

[illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] عقب نشینند

در [illegible] این [illegible] [illegible] در [illegible] [illegible] [illegible] هم [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حرکت دشمن [illegible] خط ارتباط

[illegible] سایر قوای منظم قطع کند.

باوجود بودن ۲۰۰۰۰ سوار مقیم و تیغ کش مجاهدین به حمایت کلهرها و از دور قورت گذشته

در صحرای ماهیدشت برآمد و در چهارشنبه ۲۰ سپتامبر مجاهدین هم رسیدند لیکن شب از دور توپ‌ها اهالی کلهر

دیگر مرکز سردسیر کلهرها [illegible] ملحق شده بودند و مجاهدین به ...۳۰ نفر رسیده صبح پیش از دیگران بود

والی | طلایه مجاهدین در سفیده صبح از دو سو در تنگ کلهرها و ... تمام اردوگاه خود را در تنگی

سر قصر قرار داده که بر فراز آن ارتفاعات والی ساخته شده بود و قسمتی از سپاه مجاهدین که اردوی را

مستقر شد. وضع مجاهدین کاملاً سنگر بود. پیروی را از طرف جاده حمله آوردند و از دو سو

از جهت مخالف به‌راه شغول بودند.

اردوی نظامی خود را در زمین کلهر شده بود و پیروی با نیروی خود در زمین با دقت برق خود را کرد

بیرون توپ امان و عده‌ای سواران در حوالی بود با دو توپ گرفت و کلاه صاف آن حمله دو تیرباران

بعقب حمله قطعی پیاده نظام پیروی را حرکت داد و بر قطعات والی حمله آوردند.

نیز پیاده نظام تفنگ و سنگر ... را به تیر قوی اسلحه وحشت زده روی داد از ابتدا

برجست و جنگ را زود کرد و کشته و زخمی از کلهرها [illegible] چه کسی حسابگر نشنید ورق تیر و لادوران ...

تا کلهرها پیادگان را با حال تفنگ و ترمیم نداد تمام را بگیرند و سلم تقسیم کرد آن‌ها جلو

سپس خود عقب سپاه رفته کله بر سر شمشیر کرده و فریاد «زنده باد ملت» برآورد. قشون والی

در عین شوق و حرارت همان وقت دهانه زیر را تکرار کند و لشکر پروس را گلوله باران کنند

بعد نظام پروس در نزد [illegible] آتشباری والمی از شدت آتش توپ پروس [illegible] توقف ناچار کرد

در حوالی تخته [illegible] نظام [illegible] جنب کلمات از اسب پیاده شد و با [illegible] می دادند [illegible] وقت [illegible]

حرکت [illegible] در ساعت [illegible] کلمات دریافت [illegible] [illegible] خیال [illegible] بود

خود را با [illegible] و سرنیزه قرار داد [illegible] از طرفین آتش [illegible] جنگ [illegible]

[illegible] تا ساعت شش [illegible] به قول گوته شاعر معروف آلمانی که در خانه [illegible] بود :

« گویی امروز چیزی گذشته و حادثه اتفاق عظیم است »

برای شدت [illegible] گوته می نویسد : « [illegible] در [illegible] صبح امروز

[illegible] از [illegible] [illegible] وقت [illegible] حال [illegible] و فکر داشته [illegible]

[illegible] [illegible] مصاف [illegible] [illegible] از [illegible] خواست . [illegible]

شب آمد [illegible] دور [illegible] جمع شدیم [illegible] در مرکز دایره [illegible] عادت [illegible] [illegible] از [illegible]

[illegible] نقل [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حوادث

[illegible] [illegible] گفتم : « ازین نقطه و ازین زمان دوره جدیدی در تاریخ عالم آغاز

می شود و شما می توانید بگویید [illegible] در آن ساعت و در آن محل حضور داشتم . »

اهمیت جنگ والمی

این جنگ فی حد ذاته اهمیت نظامی محسوب نمیشود فقط [illegible] توپخانه ختم شد و دو لشکر بهم نرسیده در گیرودار نشدند . از دو طرف مجموع تلفات ۵ هزار [illegible] بیشتر نبود [illegible] دچار اسهال [illegible] [illegible] [illegible] و دولت [illegible] از پروسیهای [illegible] هلاک شده اند لیکن نتیجه معنوی این جنگ بسیار عظیم بود زیراکه [illegible] از آزادی و ملل [illegible] را نجات بخشیدند . جلوگیری از قشون پروس که در اروپا مشهور بود [illegible] داد و [illegible] جمهوری فرانسه مستقر ساخت که بعداً توانست بکارهای خطیر دست بزند .

در طرف قشون پروس [illegible] از [illegible] بجهت [illegible] سوءظن [illegible] گوته روزگار خود را داشت [illegible] [illegible] گفت : [illegible] این [illegible] (مقصود [illegible] است) [illegible] میشود [illegible] ([illegible])

[illegible] دعوی [illegible] از [illegible] هر روز [illegible] از دهقانان [illegible] شده [illegible] آورده . از طرف دیگر باران شدت کرده شب و روز [illegible] لاینقطع میبارید . مرض [illegible] شیوع [illegible] گوته [illegible] [illegible]

شوکت تیمور یافت؛ و مردان اکثر و اتفاقاً مغلوب شد و نه تنها فرمان شد و وزیر رافع رکعه تعداد

کثیر از سادات و اشراف مملکت را با چون جنگ را زنده در میدان دور راه گذاشتند و لیکن بعد از جنگ

والی از سرحد فرار رفته عبور کرد و به طرف میرزا رفت.

حمله و فرار ولایت جنگ زاب

یک ماه بعد از جنگ والی قوی و زنده یا از ابتدا قدرت پادشاه سادات را در ولایت ساوه را اشغال کرد با شوق و شعف تام استقبال کرده و اتفاق خود را مجهز و زنده برای آن عموم اسلام داشتند

همین گشت نیکی میس از ارشاد سادات متزلزل شد و در سه ماه ترقی و عبور سه ساعت دور را

پیر و درمس راه مشق بالای بعد مشرف شد.

دو ماه و نیم بعد از آنکه سرداران و زنده برای دور متفرق گشتند. والی در مواجه برای

دو ساعت بین مدت قلیل شهر را زده و تحت محاصره کرده بود. والی در سادات بیگ و عده کمی

شهر را به مدت مخفی در ریگ از شهر خود را با مدافع نزدیک. شش روز تمام آنها محاصره

ویران کرده و شهر را گلوله توپ که را انداخته دور خانه والی محترم ساختند. آنها توانستند برای

شجاع بیر ظفر یابند. والی را با مرتبه و شعف تمام پس از ترک جنگ در راه بجز بیگ شده

و در حمله جهاد و کار بودن از فرصت تعقیب والی کمتر بیز بیگ ... روز ششم در آخر

سرداران میدان والی با سرحد با ریز حمله و رشته را گذاشته را امر سردار الیاس در ولایت زاب

ساخته بود بی‌ترتیب آوردند و سه بعد به صحنه فرانسه را از قوای اطریش پاک نمود. (۲۰ ژوئن)

آغاز جنگ و نهضت تبلیغ

نفوذ ... بر اثر ... اطریش ... ۱۷۸۹ بر امپراطور اطریش ژوزف دوم

... قسمتی از ... انقلاب ... و ... کلیسا

تعقیب: در فرانسه جنگ ... فتح ... مرکز ... از اطراف کنوانسیون ...

... کنوانسیون ... اعلام ... ملت ...

... آزادی خود ... مساعدت خواهد کرد) ... نقاط ...

... فرانسه ... حکومت ... خاص ...

... کاتولیک متعصب ... حفظ رسوم و عادات ... و زرق

... فرانسه ... کنوانسیون ... جمیع ...

... تبلیغ ... فرانسه ... : « ...

... حقوق ... فرانسه ... ۱ ...

طبقات ... را ... و ملوک ... و ... شرکت ...

... کنوانسیون در ۱۵ دسامبر ۱۷۹۲ ... ترتیب

... در ... حقوق ملوک الطوائف و ... و ... « املاک ...

واعیان و حواشی و طرفداران آن و سایر طبقات از روحانی و غیره را تحت حمایت و صیانت جمهوری [illegible] قرار گرفت

در معرض اعدام منجر ضبط تمام املاک [illegible] شد و همین اسباب فتوحات فرانسه گردید.

سرحدات طبیعی

وقتی مجلس کنوانسیون در ترتیب وقت محیط استبداد تمام [illegible] مطابق [illegible] فرانسه

در زمان [illegible] اول به اعتقاد داشتند که حدود خاک فرانسه کامل و تمام نیست

و استیلای [illegible] و سیاست ریشلیو مذهب [illegible] ملکیت : ۱) حدود فرانسه را طبیعت خاک و آب

جهات اربعه افق معین کرده ۲) یعنی اقیانوس کبیر [illegible] شط رن و جبال آلپ و پیرنه

و پیرنه . بنابراین بلژیک [illegible] در داخل حدود طبیعی واقع می شود [illegible] و [illegible]

[illegible] حرکت [illegible] اجزاء طبیعی مملکت فرانسه [illegible] در [illegible]

هم جزو مملکت محسوب .

بر حسب انجام این مرام سیاسی و برای نشر افکار انقلابی در خارج در اواخر ۱۷۹۲ مجلس

کنوانسیون اعلامیه ۱۷۹۱ [illegible] را فراموش کرده و بفتح ممالک پرداخت . و [illegible]

[illegible] انقلاب [illegible] [illegible] ۱۷۹۲ مجلس کنوانسیون [illegible] خط [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] فرانسه [illegible] [illegible] داده و [illegible]

[illegible] آن مملکت جزو [illegible] فرانسه [illegible] تاریخ [illegible] در جنگهای [illegible]

[illegible] نشر آزادی و تعمیم افکار انقلابی [illegible] عظمت فرانسه [illegible]

داشت و دست دعوت شد از این عبارت حفظ ممالک منظور بود

انگلستان و انقلاب فرانسه

بر ترقیات و تبلیغات انقلاب و سیاست اداره [illegible] در اوایل سنه ۱۷۹۲ ملازم

تا آن [illegible] زمان سیاست [illegible] بیطرفی بود [illegible] بر اثر حکمت [illegible] انگلستان پیش قدم شد.

در اوایل تغییر حس مقتن [illegible] مردم [illegible] سلطنت مشروطه شد و دولت انگلیس که

سلطنت مشروطه داده بود [illegible] تا آن زمان در فوریه ۱۷۹۳ از طرف مجمع

[illegible] اعلام شده بود دولت انگلیس را [illegible] در جنگ [illegible] دادند.

[illegible] طرف [illegible] اگر [illegible] را [illegible] ببندد [illegible] انقلاب [illegible]

او انگلیس [illegible] قطع مذاکرات کرد [illegible] فوریه [illegible]

انگلیس مصمم جنگ شدند. از [illegible] سیاست خارجی انگلیس [illegible]

فرانسه را [illegible] به [illegible] (؟) [illegible] طولون را [illegible]

پس [illegible] زیرا که [illegible]

[illegible] انگلیس واقع شد [illegible] ناپلئون [illegible] با جانب

[illegible]: « [illegible] انگلستان [illegible] است »

جنگ در ۲۱ ژانویه ۱۷۹۳ اعدام [illegible] انگلیس [illegible]

بار دوم جزو دول در جنگ علیه با خونریزی های بزرگ جلو بود و در اواخر انگلیس را مجموع ارکان نهاد در مدت

۲۲ سال به جنگ ادامه داد ۱۸۱۵ بالاخره از جنگ فرانسه پیروز آمد.

[تحریک اتحاد] دولت انگلیس خود را مهیا کرد تا با دول اروپا عقد اتحاد کند. دول دیگر: هلند و ساردنی

و نماینده دول ... و ساردنیا و روسیه که بعد از قتل لوئی شانزدهم با فرانسه قطع رابطه کرده بودند

و بعد هم دیگران با حرارت داخل جنگ گردیدند که جواب آن را داد دعوت انگلیس را پذیرفته و دول

آن دولت انگلیس کشور ... اتحاد عظیم تشکیل شد که به انتظار فرانسه تحت تأثیر در مقابل

آن از رشد و انقلاب و تعرض فرانسه جلوگیری کند.

[نقشه تجزیه فرانسه] سیاستمداران دول ... در انگلیس در تشکیل نقشه تجزیه فرانسه را رسم کردند و اورا میخواستند استقلال

اروپا ... انگلیسها طالب ... کرک و متصرفات و ... به ایالات

... و ... ایالات آلزاس و لرن ... و سایر متعلقات ... تورینه

میگرفتند ... میگفتند که ... سیاست عالم ... رسانیده و ... انقلاب را

هم ... و ... میکنند ... میگفت: «برای قطع ... فساد

انقلاب ... و تمام ... انقلاب را از دم شمشیر آزاد گذرانیده»

[جنگ] علیه این اتحادیه تحلیلی ... (مارس ۱۷۹۴ - اکتبر ۱۷۹۷)

تاریخ این دوره را به دو قسمت تقسیم کرد.

در دوره اول فرانسه با تمام دول متفق [illegible] و در دوم فقط با [illegible] انگلیس [illegible]

(۱۷۹۲-۱۷۹۵) دوره [illegible] جنگ [illegible] از [illegible] فرانسه [illegible] ~~[illegible]~~

در مدت سه سال [illegible] در ۱۷۹۲ [illegible] اتریش [illegible] کرد.

دوره دوم (۱۷۹۵ - ۱۷۹۷) فرانسه فقط [illegible] از دول [illegible] اتریش

در ۱۷۹۵ پروس و اسپانیا و هلند [illegible] صلح کردند و در مقابل فرانسه [illegible] انگلیس و اتریش خصم

معتبری ماند. جنگهای [illegible] در سواحل رود پو و شمال ایتالیا و در دره‌های آلپ

خاک اتریش وقوع یافت.

بناپارت در ایتالیا | در این جنگ [illegible] جوان [illegible] فاتح ایتالیا [illegible] در بیست ماه اول [illegible]

شکست دادند. [illegible] در [illegible] حکومت [illegible]

ابتدا فرانسه تمام [illegible] در شمال [illegible] در ۱۲ آوریل ۱۷۹۶

از پیه‌مون [illegible] در شهر [illegible] شکست یافت و اتریشی‌ها [illegible] مسلط شده

در آخر [illegible] مدت سه [illegible] را [illegible]

[illegible] مدت [illegible] سردار [illegible] در شهر [illegible] مقاومت [illegible]

و اهم آن شد بود در وقت کاملی ضعف دولت شد نزدیک بود پروس را اشغال

بعد از آنکه از فرانسه ارتش رفت از تمام جوانب خاک فرانسه مورد هجوم دشمن شد.

اسپانیا [illegible] در جنوب [illegible] پیرنه و بلژیک را گرفته و [illegible] انگلیس

تسلیم کنند و از طرف شمال [illegible] و [illegible] آلزاس [illegible]

آن [illegible] انگلیس را از طرف شمال [illegible] از تمام نقاط [illegible]

نزدیک‌تر است. انگلیس‌ها [illegible] در صدد تخریب [illegible] قلعه [illegible]

[illegible] از [illegible] فرانسه [illegible] حیات [illegible] تخت سلطنت [illegible] بود. [illegible]

در انگلیس [illegible] هجوم قرار [illegible] نجات داد [illegible] والانس و قلعه

[illegible] را تسخیر کرده و [illegible] پرداخته

دفع حمله | در اوت ۱۷۹۳ فرانسه جهت [illegible] خود از خطر نجات یافت [illegible] تجهیز

عمومی [illegible] آن تمام [illegible] از سن ۱۸ تا ۴۰ سالگی [illegible] دائماً تحت سلاح باشند [illegible]

بدین ترتیب [illegible] مجموع افراد آن به ۷۵۰۰۰۰ تن بالغ گردید سرحدات [illegible]

[illegible] در [illegible] آن [illegible] بی‌نظیر و حیرت‌آور بود فرانسه هجوم مهاجمین [illegible]

[illegible] را [illegible] و [illegible] را از [illegible] خارج کرد. تفصیل [illegible]

~~[illegible]~~ هر روز هم روز جنگ خونین تری در گرفت و آلمانها جرئت را از دست داده و آن روز نیز مرتبه

دو دست بدست دشمن گشت . این نقطه مرکز کلیه میدان جنگ بود ~~[illegible]~~

در حمله آخر کارنو و ناپلیه کمک نجات عمری و ژوردان که از سرداران انقلاب

در زیر رداء شرابی شده بود خود تفنگ برداشته در جلو صفوف پیاده نظام فرانسه حمله کرد

واتینی (۱۵ و ۱۶ اکتبر ۱۷۹۳)

سردار فرانسوی موسوم به هوش در اطراف مرز شمال ایالت آلزاس را از دشمن پرداخت

روز ۲۲ دسامبر در جوار ناحیه ورت به هوش لشکریان اتریش شکست داد و یک ماه بعد از جریان

محاصره لاندو را شکست داد و در طولون ۲ را از عهده انگلیس و اسپانیا ~~[illegible]~~ قشون

هوش با سرعت بعد از حمله به تپه مستحکم آنجا برگ برده و در آنجا داد گرفته تا در طولون ۲

از محاصره لاندو صرف نظر کرد . مقارن این احوال شورشهای داخلی فاتح شد

و انقلابیون در همه جا در تمام شکست خوردند و سلطنت طلبان دولت ~~[illegible]~~ شدند

فتح طولون | مرکز عمده آنجا تهیه نظامی ~~[illegible]~~ بار دیگر تسخیر کرد و دولت را شروع کرد

در ۱۷۹۳ به مرحله فتح رونق شد .

در یک دوره رسمی قشون انگلیس در ساحل رود اسکو بعد در طولون ۲

در دور به طرز مرزی داشته در حمله قشون فرانسه شده سرداران فرانسوی شش دفعه حملات

[illegible] و از رودخانه [illegible] گذشت و ... ۸۰۰۰ نفر اطریشی را مغلوب ساخته

[illegible]

و کوبلنز را متصرف گردید (۶ - ۲۳ اکتبر)

تسخیر هلند

پیشگرو سردار فرانسوی انگلیسها را جانب آلمان عقب نشانید پس در هلند ابتدا تعاقب کرد

[illegible] . تمام هلند متصرف گردید و کشتیهای جنگی هلند هم [illegible] هلند [illegible]

[illegible] فرانسوی [illegible] (۳۰ ژوئیه ۱۷۹۵)

انحلال اتحادیه اول — عهدنامه بال

فتوحات قشون فرانسه و حوادث [illegible] در ۱۷۹۵ اتحادیه [illegible] بهم خورد

[illegible] لهستان را [illegible]

[illegible] صلح [illegible]

[illegible] قشون خود را تمام

بجنگ انگلیس ببرد . از طرف دیگر هم [illegible] تمام شد و [illegible] شبیه به این

[illegible]

[illegible] . [illegible]

[illegible] و صلح [illegible] نام کمیته [illegible]

حقی اتخاذ داشت : و اکنون دولت فرانسه با دست فاتحانه خود سرحدات طبیعی خود را که ادعا

می‌نمود صلح را اگر سیاسیون مخالف نخواسته باشند ترک نخواهد کرد .

مذاکرات فرانسه و پروس در شهر بال شروع شد و در ۵ آوریل قرارداد طولانی خاتمه یافت

پروس رسماً متصرفات فرانسه را در ساحل رن و دولت ساحلی چپ رن تصدیق کرد بشرط اینکه

بعد از صلح عمومی اگر فرانسه آنرا نگاه دارد در مقابل متصرفات خود را در عوض بعضی نقاط آلمان را جزو

پروس نماید . هلند هم در آن موقع بعضی قسمت‌های آلمان را متصرف شد .

سه ماه بعد در همین شهر بال فرانسه و اسپانیا آشتی کردند پادشاه اسپانیا قسمتی از

جزیره سن دومینگ را که در جزایر آنتیل امریکای مرکزی است بفرانسه تفویض کرد

و بعد در ۹۶ با جمهوری فرانسه عهد بست در بر ضد انگلیس با او همراهی کند

قرارداد لاهه — هلند هم در این تاریخ (۱۶ مه ۱۷۹۵) یعنی کمی بعد در لاهه قرارداد اتحاد بست

هلند که مستعمرات بسیار داشت و تا این موقع متحد انگلیس بود بواسطه جنگ ~~[illegible]~~ انگلیس را بر ضد خود و این

ایالت ... هم با انگلیس دشمن شد ایالات را فرانسه با قرارداد ... و دولت جدید تشکیل یافت

حکومت اصول ... و قوانین ... خود را تغییر دادند اصلاحات ... دارای ادارات

... شد و ... اداره اجباری ... انگلیس ... جمهوری متحده ...

مشوره بلند عدل جمهوری با او دارید که مطابق مهمترین قانون اصول دموکراسی و اتحاد و ترک ... دارای بود

شورش وانده

بزرگ عظمت و خطر ~~...~~ که در فاصله از سال ۱۷۹۳ تا ۱۷۹۵ ادامه کرد

بود در نظر دولت در عهده بر جنگهای خارجی ~~...~~ شورشیان وانده هم سرکرده‌های ... بهترین

آن واقعیات شورش وانده ~~...~~ و پواتو و آکادو ... در ۱۷۹۴ آتش جنگ

در وانده افروخته شد و تا سنه ۱۷۹۵ در دو ایالت گسترده گشت عده شورشیان در

بعضی اوقات به ۸۰,۰۰۰ نفر رسید

در علت عمده شورش مخالفت مذهبی بود ... گفته شد دهقانان طرفدار کشیش‌ها

کرده بر ضد قانون ... شروط‌های جدید ... بعد از استقرار شورش از ۱۷۹۱

آتش شورش در ۱۷۹۳ ... جنگ خارجی این تهیه ۳۰۰,۰۰۰

لشکر کرد ... در وانده در ... از قبول ... نظام وظیفه داشتند

... بر ... : در جریان ... قرار داشتند . در ابتدا ... آنها

... و ... بود .

رؤسای شورشیان — ... شورش ... من جمله ... و کاتلینو

کاتلینو ... معروف بود و ... ورود ... سردار بزرگ ...

۵۶.

شورشیان از روی تعصب مذهبی حکمرانیه و علمای دینی [illegible] که خود را کاتولیک

می‌خواندند بروز چنین شورشهای [illegible] را [illegible] دانسته [illegible] و از آن [illegible] نجات

قبول [illegible] دانسته [illegible] از [illegible] مذهب [illegible] موجب [illegible] در این وقت شورش

مذهبی [illegible] سپاهی [illegible] گرفت و شورشیان [illegible] بیدار [illegible] خوانند [illegible] لوی

[illegible] بیرون [illegible] تقسیم [illegible] داشت [illegible] کاتولیک

~~[illegible]~~ [illegible] ۱۶۸۸ [illegible] انقلاب کبیر [illegible]

[illegible] مساعدت کردند .

جنگ [illegible] | [illegible] جنگ [illegible] شورش [illegible]

شورشیان [illegible] [illegible] در [illegible]

و [illegible] [illegible] نادر [illegible]

(قرن ۱۱۹۶) [illegible] نادر [illegible] [illegible]

[illegible] سرداران [illegible] کلیو [illegible]

۱۵۰۰۰ سپاهی جنگ آزموده [illegible] در جنگ [illegible] شورشیان [illegible]

[illegible] از [illegible] نادر [illegible] شد (۱۷۱۲)

معهذا از رود لوار گذشته و ۸۰۰۰۰ نفر از آنها توقعه تغییر گرانوبل در ... لفظ بکن دوان

ام سکنه مردم ... ابادی ... حرب کرکه مجبور شده ... از رود لوار عبور کنند در این موقع

تلفات و خسارات فوق العاده بکار داوطلب .

پس از جنگ بزرگ مردم شورشیان منظم بر ... ضعیف تر شده لکن قوی

دوات نظم از بقیه قتل و قتع آنها رها جاده ... در اراضی ... و جنگل‌ها را بنوه متواری شده و در ده

دگر در این ... بجاه مرگشتند ... از ... سال ۱۷۹۲ در ... ۵۰ شورشیان ... مردم

قریب ۱۲۰۰ نفر لکن ... اینجا قیمت ... کشته لکن حیث ... شده

انواع تدابیر ... نتیجه ... تمرد ... کرده . تا سال ۱۷۹۵ ... تا امر

... هوش ... و ... و تدبیر ... و ... دارد ...

... دیدگان را ... آورده کرد ... شورشیان عفو عمومی ... فرمان داده ...

... شورش ... ۵۰۰۰۰ نفر ... و ... حت ... بود .

تلفیات انقلاب — ... طبقات ... ملت ... عاقبت ... ریاست ... شده ... حوادث

... پیشرفت ... کشت ... و قتل ... آن ... آتش

... ۱۷۹۰ تا ۱۷۹۸ ... ریاست ... کشته ...

در ۱۷۹۳ و ۱۷۹۵ دو مرتبه آن مملکت را تجزیه و میان خود تقسیم کردند. در این
سه سال کاترین ملکه روسیه بقول خودش از کثرت رقابت مغز خود را برای اینکه چگونه بتواند دو دربار
برلن و وین را در امور [illegible] کرده [illegible] [illegible] [illegible] تعهدات [illegible]
[illegible] دست خود [illegible] [illegible] [illegible] بقول خودش کاترین [illegible] سیاست [illegible]
[illegible] لهستان را تجزیه کند و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] خطرناک‌تر بود.

تا هنگامی که [illegible] کاترین [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] کند [illegible]
[illegible] تمام شد. در واقع [illegible] [illegible] [illegible] پروس در سنه ۱۷۹۲ [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] لهستان را [illegible]
[illegible] [illegible] لهستان [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] از [illegible] دست برداشته [illegible]
[illegible]. [illegible] سال ۱۷۹۴ [illegible] [illegible] لهستان [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]. در اواخر ۱۷۹۵ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] لهستان را تقسیم کنند [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] را [illegible].

اما دیرکتوار اطریش هم در ۱۷۹۶ و ۱۷۹۵ مجدداً قشون [illegible] خود را [illegible] وطن پس زد

لیکن کارنو در صدد تسخیر اراضی و روسیه [illegible] گذاشته بود [illegible] از

ترویج و [illegible] خود [illegible] که تقویت قشون [illegible] ساخت و [illegible]

جنگ با اطریش

[illegible] دولت اطریش [illegible] عملیات [illegible] ارتش [illegible] دشمن [illegible] دولت اطریش [illegible]

[illegible] هم [illegible] تبعیت [illegible] چون اطریش [illegible] دیگر متفرقاتی [illegible] ارتش [illegible]

[illegible] از خاک آلمان [illegible] ایتالیا [illegible] ایالت [illegible] ایتالیا

[illegible] اطریش [illegible] چون کارنو [illegible] هیئت [illegible]

[illegible] ژوردان [illegible] ناپلئون [illegible] آراسته [illegible]

[illegible] از خاک آلمان [illegible] دره دانوب [illegible] ایتالیا از جانب [illegible]

(۱۷۹۶) [illegible] اطریش

ادامه جنگ در ۱۷۹۶ شروع شد [illegible] از راه آلمان [illegible] (ژوردان تا الب)

[illegible] ژوردان [illegible] آرشیدوک شارل [illegible] ژوردان [illegible]

[illegible] آلمان [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] و از [illegible] دره دانوب [illegible] عقب نشینی [illegible] راه

موضع [illegible] آزادی [illegible]

ضربت او قشون را ~~[illegible]~~ به بناپارت در ایتالیا با اطریش وارد آورد .

ناپلئون بناپارت

ناپلئون بناپارت در جزیره کرس در شهر اژاکسیو متولد شد (۱۷۶۹) مقارن تسخیر [illegible]
تاریخ جزیره کرس را [illegible] ناپلئون ابتدا در [illegible]
[illegible] مشغول شد [illegible] در مدرسه [illegible]
[illegible] در سنه ۱۷۸۵ بناپارت از این مدرسه خارج شد [illegible] ۱۶ سال داشت [illegible]
[illegible] . بناپارت
[illegible] ۴۲ [illegible] انتقال یافت [illegible]
[illegible] انقلاب
[illegible]
[illegible] (۱۷۹۳) [illegible] ۱۷۹۶ [illegible]
[illegible]
[illegible] ۲۴ سالگی
[illegible]
[illegible] بناپارت [illegible] .

جنگ کند. بناپارت در قشون آلپ بود. [illegible] بعد از [illegible] او را [illegible]

داده [illegible] در آن وقت [illegible] بعد کار [illegible]

در ۱۷۹۵ او را [illegible] داده. [illegible]

بناپارت [illegible] از [illegible]

[illegible] (۱۷۹۵). [illegible]

[illegible] و [illegible]

[illegible] و در این وقت [illegible]

[illegible] آن [illegible]

[illegible] بناپارت [illegible]

[illegible] بناپارت [illegible]

[illegible] (۱۷۹۵) [illegible] روز ۱۲ [illegible]

بناپارت [illegible]

[illegible] از [illegible]

[illegible] تاریخ [illegible]

(۱۷۹۶ [illegible] ۲۴)

مرتا وقت و ناپدید شد [illegible] فردای آن که قوای جنگ یافته بود و انقلاب او اطلاع [illegible] از سربازان [illegible]

نگهبان که در قصر [illegible] آشنا [illegible] از او [illegible] به اطاق من [illegible]

[illegible] فرمان [illegible] « [illegible] » [illegible] برای آن [illegible]

لکن در داوری [illegible] که در [illegible] چون به ناپدید [illegible] سربازان [illegible] واقع [illegible]

آن جوان [illegible] کرد. قد رنجور و هیچ کس آب [illegible] چیزی او [illegible] چون [illegible]

سخن [illegible] اطلاع [illegible] جنگ بحث کرد که جمیع [illegible] ملاقات [illegible]

[illegible] دیگر سربازان [illegible] عیب [illegible] بود چون از [illegible] برد [illegible] گفت:

این [illegible] .... [illegible] را ترجمه [illegible] در تحقیق [illegible] از [illegible]

[illegible] کرد » [illegible] چون فوق و نفوذ [illegible] تمام [illegible] آن جا [illegible].

[illegible] چون در حال [illegible] آرزو [illegible] فقیر [illegible] چیزی [illegible]

به نظام [illegible] بود [illegible] از [illegible] در مقابل دیوار [illegible]

وحشتناک شده بود [illegible] روز بعد از انقلاب سربازان [illegible] داد و [illegible]

چنین خطاب کرد: [illegible] نقش دارید [illegible] و [illegible]

[illegible] چیز [illegible] شده است [illegible]

شما میخواهید ... را توانائی بکار ببرید!» (۲۹ مارس ۱۷۹۶) همین کلمه ... [illegible]

در اثر ادوار سردار جدید فتوحاتی کرده که عجیب تر از آن در تاریخ جنگ عالم کمتر [illegible]

~~مجموعه آنرا لشکرکشی ایتالیائی گویند.~~

لشکرکشی ایتالیائی فتوحات و اعمال نظامی مجموعه آنرا لشکرکشی ایتالیائی گویند شامل تمام وقت از ماه اپریل

۱۷۹۶ تا ماه آوریل ۱۷۹۷. جنگ در ابتدا در رشته جبال آلپ [illegible] کاوبتون [illegible]

[illegible] و در قسمت [illegible] دره لیون ... ۱۴۰ کیلومتر با این فاصله

دارد ختم شد. در این لشکرکشی [illegible] قوای فرانسه ۱۸ جنگ و ۶۵ زد و خورد کرده

[illegible] ۲۶۰۰۰ نفر [illegible] سپاه [illegible]

[illegible] ۴۵۰۰۰ نفر سپاهی بود. میدان جنگ سه ناحیه بود:

در ۱۰ آوریل ۱۷۹۶ میدان اول دشت پیمونت در قسمت اعلای رودخانه پو بود

از ماه ژوئیه ۱۷۹۶ تا ماه فوریه ۱۷۹۷ جنگ به ولایت لومباردی یعنی

شمال رودخانه پو افتاد و دشت [illegible] ونیز [illegible] میدان جنگ بود

و از ماه مارس تا آوریل ۱۷۹۷ قشون فرانسه [illegible] در کوهستان آلپ اتریش

به ختم مصالحه داد.

مبارزه در مصر

در جنب دولت [illegible] ساحل [illegible] مرکب از ۷۰۰۰۰ نفر [illegible] را

از کوه [illegible] تا [illegible] بود. [illegible] از [illegible] گذشته و [illegible]

[illegible] خود [illegible] . [illegible] جنگ عظیم [illegible] بجانب [illegible]

[illegible] . [illegible] جنگ [illegible] [illegible]

در [illegible] ترتیب [illegible] لازم گسیخت. چون [illegible]

[illegible] شد [illegible] و [illegible] در [illegible]

[illegible] (۲۲ آوریل) تا [illegible] دولت [illegible] تعاقب کرد

(۱۳ [illegible])

[illegible] جنگ [illegible] (۲۸ آوریل). [illegible]

[illegible] را [illegible] ریخت.

چون کار [illegible] تمام شد ناپلئون [illegible] در ساحل [illegible]

[illegible] ناپلئون [illegible] از ساحل [illegible]

[illegible] از [illegible]

[illegible] خود را [illegible] (ادا) [illegible] و ~~[illegible]~~ [illegible]

[illegible] ناپلئون [illegible] (۱ مه) [illegible]

در ازاء تمام عقب نشینی ناپولی در دست [illegible]. بمعیت قریب به تاختن تمام موانع آلپ را

تا اوژن [illegible] آورد. شاهزاده [illegible] دارای [illegible] ایتالیا و [illegible] بود

شتاب تمام [illegible] جمع کرد بناپارت پس از اخذ [illegible] سنگین [illegible] از آنجا [illegible]

[illegible] نامزد [illegible] [illegible] رسید از طرف ناپولی [illegible] و [illegible]

از [illegible] این وجه [illegible] چند جای [illegible] کند

اعمال جنگی [illegible] [illegible] اعمال جنگ [illegible] [illegible] [illegible] بود [illegible] [illegible] آورد که

[illegible] [illegible] دول ایطالیا [illegible] [illegible] بناپارت [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] آن [illegible] [illegible] آن [illegible] [illegible]

[illegible] (آذر ۱۶۹۶ - ۳ [illegible] ۱۶۹۷) [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] رسید [illegible] بناپارت [illegible]

[illegible] ۷۰۰۰۰ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بود [illegible]

بناپارت ۲۰۰۰۰ [illegible] و ۵۰ توپ از آن [illegible] [illegible] [illegible] در

جنگ [illegible] کارو [illegible] [illegible] آن [illegible] [illegible] و کاستیگلیون بود

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] آورد [illegible]

ناپلئون حال حمله گرفت و در قسمت اعظم روبحمله آورد قوای اطریش را عقب زده و اورا

مغلوب ساخت (۴ سپتامبر) و از آنجا بکروه و شکر برنتا تکثر راند و وورمسر را شکست در باسانو

شکست داد (۸ سپتامبر) بقیة السیف قوای اطریش در محاصره ماند و خودرا بالاخره ناچار وورمسر

محدود در مانتو شد سن ژرژ ۱۵ سپتامبر شکست فاحش خورد و قوای تو را که محصور شد این جنگ

جدیده بعد اتمام کرد.

سوم مرتبه اطریش بسرداری آلوینزی در ماه نوامبر حرکت کرد آلوینزی سپه قدم نزدیک

... تیرول ... آلوینزی ... در کالدیرو نبرد

که ناپلئون موفق نشد اما ... عقب نشینی ... ۵ ... تعقیب ورونا

آن حرکت ... آلوینزی ... جنگیده با ... از پشت سر

دشمن را در باطلاق آرکول ... بعد از سه روز جنگ (۱۵ - ۱۱ - ۱۷ نوامبر)

آلوینزی ... اطریش را ... عقب نشینی ... این جنگ ... صورت ...

... ناپلئون ... خود ... در پل آرکول ...

بعدی پل آرکول در عرض گلوله ...

در ماه ژانویه ۱۷۹۷ اطریش ...

سخت روی داد که بیش از [illegible] خطرناک‌تر بود. آلوینزی ۷۰۰۰۰ سپاه داشت

خط راه را یکی بعد دیگری را تعقیب کرد از پیش خیال داشت [illegible] بناپارت را محصور کند. نبرد قطعی

۱۴ ژانویه ۱۷۹۷ در [illegible] آخر در زمین مرتفع ریولی Rivoli اتفاق افتاد

بر روی هم در جنگ قسمت‌های [illegible] ایتالیای [illegible] بناپارت ۱۶۰۰۰ نفر و آلوینزی ۴۰۰۰۰

نفر داشت [illegible] از ستونهای اطریش [illegible] شکسته شد دو روز بعد ستون دیگر از لشکر خصم در [illegible]

قلعه مانتو معدوم گردید. [illegible] قحط بود ناچار قلعه مانتو را تسلیم کرد (۲ فوریه)

معاهده تولنتینو

فتح ریولی و سقوط حصار مانتو پاپ پی ششم را مجبور ساخت با [illegible] صلح کرد

[illegible] در این وقت [illegible] از [illegible] پاپ را اشغال کرده بود شهر بولونی و شهر آنکونا.

به موجب معاهده تولنتینو Tolentino ۱۷ فوریه ۱۷۹۷ پاپ تصرفات [illegible] آوینیون

و [illegible] او [illegible] حوزه جنگ [illegible] و قیمتی تا به [illegible]

[illegible] بناپارت [illegible] رومانی [illegible] فرانسه

حمله به وین

چون بناپارت در [illegible] ایتالیا مسلط و از [illegible] ایالت

[illegible] ایتالیا [illegible] ۵۰۰۰۰ سپاهی دید [illegible] تسخیر وین [illegible]

[illegible] دولت اطریش [illegible] معروف بود یعنی آرشیدوک شارل

مقابل دقت و کمالات مخصوص بناپارت از معابر سخت کوهستانی آلپ عبور کرد و طلایه لشکر

او [illegible] سپهبد [illegible] از [illegible] ؛ و بین فاصله‌ای رسید در این وقت میان دو لشکر در [illegible]

آوردین [illegible] جنگ اتفاق شد و همین [illegible] لیکن تقدم صلح کرد .

[illegible]

لشکرکشی ایتالیا [illegible] بناپارت را [illegible] شهرت [illegible] زیرا که نتایج این فتوحات [illegible]

[illegible] ۲۰۰۰ توپ [illegible] و با وقت [illegible] جنگ آخرین [illegible]

[illegible] اروپا [illegible] صلح کرد [illegible] از [illegible] او [illegible] قلیل [illegible]

که نه صلح [illegible] نه [illegible] نه [illegible] نه پول نه [illegible] . [illegible]

[illegible] با همه چیز را ایجاد میکرد و همه چیز را هم ایجاد کرد .

بناپارت در همین جنگ که [illegible] نام [illegible] است [illegible] جنگ [illegible]

معمول داشت و در سایر فتوحات [illegible] قطعه اروپا [illegible] جنگ را

بکار برد [illegible] لشکرکشی ایتالیا را [illegible] و خلاصه تمام فتوحات ناپلئون را

اول ~~[illegible]~~ [illegible] با حرکت [illegible] . دوم [illegible] خطوط داخلی با حرکت

وضع مرکزی .

در اولین دوره جنگ قبل از واقعه کودتای بناپارت طرز حرکت تهاجمی را اظهار کرده بجلو

ببین از دشمن که جزء طرفین حرکت داده و دایره وار بدور دشمن رفته حمله را به عقب قطعی

کرد و در موقع روی جریان فقط با سرعت حرکت پیاده نظام خود توانست دولت میلان سوار از

اطریش بگیرد. دشمن بار دیگر که احاطه نمود بسرعت عقب نشست از عقاب اتفاقات

دیگر در سال ۱۸۰۰ اطریش باز در همین میدان ایتالیا مجبور حرکت تهاجمی ناپلئون شد و این بار

در مقابل مارانگو که بواسطه محصور گشته مجبور بتسلیم شدند. همین در ۱۸۰۵ بار دیگر اطریش آن در اولم

که در دو روز گذار همین باز تکرار شد در اولم محصور شده.

آن دوره سوم جنگ ایتالیا که دولت امپراطوری میدان برد بعد ناپلئون طرز حرکت

خطوط داخلی را تعقیب کرد مقصود از طرز مذکور آن است که ابتدا صفی انبوه از قشون را در مقابل

جبهه دشمن نگاه داشته و نیز روبه صاحب مورد باشد و باقی لشکر را از قلب کرده با ۱/۴ طرف

دشمن حرکت آورد. عقیده ربانی تدبیر جنگ و اشتباهات و اغلاط خصم بر تکلیف بندی ~~ناپلئون~~ بناپارت

کمک او اطریش؟ اگرچه از حیث عده برتری داشتند توانستند از افزوده سپاه خود استفاده

کنند غافل نقص قوای خویش را تفکیک و تجزیه کرده و ~~ناپلئون~~ بناپارت بهمان آنها را در جنگ

ناپلئون بجبران قلت عده که داشت بسرعت حرکات نظامی خود افزود واقعه جنگ اولم در ایام

مورد عبارت بود از دخول سریع در میان ستونهای انواع دشمن و جدا نمودن هر یک از آنها. تفرقه قبل از

اینکه نیروهای آنها بیکدیگر متصل شوند و بعد در محل انفراد از پای درآورد. بنابراین وقتی در نقطه‌ای که

از انواع دشمن میرسید فوراً پرده از قوای خود آراسته میکرد و دشمن تصور کند قوای او منحصر بهمین

صف مقدم است آنگاه شخصاً با اکثر قوای خود غفلتاً تبدیل بضعیف‌تر یا حمله کرد و بو حمله

برد و آنرا درهم شکست. بناپارت این طریقه خطوط داخلی را در اوایل عهد امپراطوری خود

۱۸۱۴ مجدداً بکار برد بخصوص در جنگ [illegible] و [illegible]. در جنگ ریولی ناپلئون در حالی

مرتفع در تقاطع انواع اطریش قرار گرفت و بر دسته‌ها از دره آدیژ با دسته‌ها

از میان‌ها میرسید معطوف میداشت

علت دیگر فتوحات بناپارت سرعت و جهت رساندن قوای او بود از قبیل [illegible]

و امثال دشمن و جهت دیگر [illegible] کار کشیدن و [illegible] بالاتر [illegible]

که از [illegible] قوای او [illegible] [illegible] در ۱۲ ژانویه در [illegible]

جنگ [illegible] شب از طرق پر برف کوهستانی مسافت ۳۲ کیلومتر طی کرده روز ۱۴ ژانویه

[illegible] صبح بمرتفعات ریولی رسید تمام روز را مشغول رزم آزمائی شد شب [illegible] روز

و در شب مجدداً بسمت قلعه مانتو رانده ~~[illegible]~~ بیش از ۷۰ کیلومتر راه در ۳۰ ساعت

طی نمود و روز ۱۵ ژانویه بموقع [illegible] جانتو رسید [illegible] فتح نائل گردید [illegible] [illegible]

۱۱۰ لشکریتر راه برمی و در سه هفته بزرگ شرکت حمله نمود.

معاهده کامپوفرمیو

بعد از فراهم شدن مقدمات صلح در لئوبن اطریش در صدد اتش تلفیر داده لکن ~~بلتون~~ بناپارت امتی

جمهوری برفته هیره فرانسه و لو دفعه کار را شوی داده جنگ علاقه در کامپوفرمیو معاهده منعقد ساخت

(Campo-Formio ۱۷ اکتبر ۱۷۹۷)

امپراطور از ادعای تصرفات خود را در ساحل رود رن و ولایت بلژیک دست کشید و از طرف

و همچنین ولایت لمباردی و میلان را که ایتالیا بود به فرانسه واگذاشت و تغییراتی را که بناپارت در امور سیاسی ایتال

ایتالیا داده بود رسما پذیرفت. در عوض اگر بناپارت جمهوری کهن‌سال ژن را برهم زده بجای آن جمهوری

لیگوری را قائم ساخت و ولایت سعدی والاوی و مرکزیتی دادن و مرکزیتی ارضی را به نام

جمهوری سیزالپین نام نهاد.

اگر امپراطور اطریش این شرایط را تن در داد نه فقط بعد شکست بود بلکه به واسطه انعقاد

عهدنامه از طرف دیگر جبران خسارات خود را نیز نموده بود. بناپارت شهر ونیز و اراضی میان کوهستان

آن شهر و آدریاتیک و دریا را واگذاشت و در عوض شرقی دریای آدریاتیک ایالت والای را

به امپراطور داد شرط بکند جزایر ایونین را که از تصرفات ونیز بود به فرانسه تعلق داشته باشد علی

اینک بناپارت جمهوری را قبول نموده و از بیشترین ممالک را از مرکز فرانسه برگشته خود داد و عملی تجزیه

لهستان را در اینجا تجزیه نمود آن بود که بالاخره فرانسه بدین اعمال دیگر سلاح جنگ برداشته

شد (آوریل ۱۷۹۲) [illegible] پس از تدارک قشون مجلس ملی فرانسه در اثر ورود [illegible] تعلق

جمهوری دیگر [illegible] تشکیل شد [illegible] اعمال اینها [illegible] لکن این اعلان بود و تجارتی و نقدی

[illegible] در ممالک دیگر مردم را به قیام [illegible] و [illegible] مجلس ملی داده بود و ضمناً تغییراتی گشته

عهدنامه کامپوفورمیو [illegible] شرایط [illegible] و [illegible] در اثر تعلیمات

و [illegible] آلمان در مقابل [illegible] اقدام نمودند تحقیق [illegible] پرداخته شود در آینده

کنگره در [illegible] انعقاد [illegible]

معاهده کامپوفورمیو [illegible] عهدنامه [illegible] شد و [illegible] اول [illegible]

(حاشیه: [illegible] عهدنامه [illegible])

[illegible] عهدنامه را [illegible] جمهوری فرانسه [illegible] و [illegible] در [illegible] ناپلئون [illegible]

[illegible] نظر [illegible] و [illegible] [illegible] در [illegible] بر [illegible]

[illegible] از اصول عدل و آزادی و احترام حقوق [crossed out] و در آغاز انقلاب [illegible]

[illegible] : این [illegible] بر الحاق اراضی [illegible] و [illegible]

[illegible] و [illegible] Avignon و [illegible] بلژیک [illegible] ایتالیا

[illegible] شده [illegible] بر [illegible] و حق [illegible]

معاهده کامپو فورمیو ... فرانسه را ... در حقیقت نتیجه سیاست خارجی فرانسه و آزادی ملل

محسوب می‌شد. مردان انقلاب ... در داخله با اصول سیاسی عهد استبداد قطع علاقه کرده در امور خارجه

کاملاً تابع آن اصول تاریخی آمدند

کنگره راشتات کنگره‌ای برای تنظیم مناقشات فرانسه و امرای آلمان باید تشکیل شود. در دوازده دسامبر ۱۷۹۷

در راشتات Rastadt انعقاد یافت. بناپارت ... نماینده مختار از طرف ... مدت ... روز

در این مدت ... کنگره قریب ۱۸ ماه دوام یافت و عاقبت بلا نتیجه منحل شد. در نتیجه

این مناقشات ... فرانسه از رقابت و خصومت ... امرای آلمان ... مطلع شد و ...

در تعقیب سیاست ... مصمم گشت ... امرای آلمان را ... امپراطور اطریش

واداره و ... ترغیب ... امراء ... تمام موقوفات روحانیون را

ضبط کرده ... انگلیس ... کنگره ... تا آنکه

... در ماه ۱۷۹۹ میان فرانسه و اطریش ... جنگ ... در اوایل جنگ ...

... کنگره ... عاقبت ... اعضاء کنگره ... شوق ...

سه نفر نمایندگان مختار فرانسه ... از راشتات خارج ... گرفتار

سواران ... بکشند ... قطعه قطعه کردند ... از آن ...

... واقع گردید

جنگ با انگلستان

بعد از صلح کامپوفرمیو دشمن دولت فرانسه انگلیس بود. حکومت دیرکتوار نقشه حمله به انگلیس را در ذهنه
سالها طرح کرده بود مطالعه ولی فرانسه قرار گرفته بود پیش گیرد. در همین بار دوم بعد از صلح بازپس دو راه
در نظر گرفتند یکی انقلاب ایرلند نیز ولی فرانسه نقشه را عوض و از بیابان ارتش قشون ~~به~~ بحر
برتانیا پیاده شد سطح ... وارد ... بود
نقش ... در ... قوای بحری موفق الجزایر ... مصر ... ضعف بحریه فرانسه ایرانیه عمل اول آن بود
... مصالح و ... در فرانسه ... کشتی‌های بحری ... تجارت ... و کشتی‌های جنگی
... مغلوب شدند غالباً بی تجربه و ناقابل بودند. ... (در ماه ۱۷۹۶) ...
فرانسه ... هشت ... در جزیره ایرلند پیاده کند و ... ۱۵۰۰۰
... ولی فرانسه موفق نشد ... نیرو ... پیاده کند ... !
از طرف دیگر انگلیسها ... وقت ... سیادت خود را به دریاها ... و بحریه اسپانیا و هلند را
در ... فرانسه ... (۱۷۹۷)

موفقیت در مصر

... از میدان جنگ بازگشت ... دولت فرانسه ... قوای ... انگلیس قرار داد
... مصر ... از ... انگلیس ... از آنجائیکه هندوستان محل
~~...~~ قدرت اقتصادی و منبع ... انگلیسها محسوب ... و ... راه هندوستان

انتهای درس ۴۲ ام کتاب

واقع بود بناپارت علاوه بر راه‌های ایران در خارجه قشون مصر را تثبیت مینمود جهاد کرد.

در خیال استقرار قدرت فرانسه در راه‌های شرق تا آنجا رفت که سال قبل لیبنیز Leibnitz

نقشه آنرا طرح ریخته بود تقدیم کرده بود. اگر بناپارت در که اوائل نقشه داده مستقر از راه

در تحول تا ایران به تنهائی مسائل تام مستعمرات فرانسه از دست داده بود ارزش داشت.

ثانیاً: مرکز اعمال نفوذ ... بعد دست

[illegible] بناپارت

دستوری در جهت ... بناپارت داده و سوده آن را خود بناپارت نوشته است ... بود

... بناپارت انگلیس را از شرق بیرون رانده ... را حفظ ... و قدرت فرانسه را ...

... در راه مستقیم ... تثبیت نماید ... نقشه فتح مصر ... قبل از ... کامپوفورمیو

در واقع بناپارت ترسیم شد ... تسمیر آن ... را ... درآورده و ...

... ناپلئون صرف ... حتی در ۱۸۰۸ ناپلئون

... در ... فقط ... در خیال انجام این نقشه ... در سنه ۱۸۱۱

نیز ... داشت ... نقشه ... را ... ولی در ۱۸۱۲ واقعه روسیه

... و ... او را تحت ... نمود.

جلد بعد

برای ... مرحله نقشه بناپارت را ... ادامه داده ... فراهم شد.

بعد... در ۱۹ مه ۱۷۹۸ ناپلئون ... با ... ایتالیا بود از بندر

طولون حرکت کرد ... ۱۰۰۰۰ ... ۲۸۰۰۰ ... ۱ ناپلئون

... از ... در ... و ... با ... چند روز بعد از حرکت

از بندر طولون ... مالت ~~...~~ قشون ... ابوکیر

کرد. اسکندریه را متصرف شد (۲ ژوئیه)

مصر از ... سلطنت ... سلطان ترک ... اول

... ممالیک ... ممالیک ... و ... قشون فرانسه

... از ... صحرای گرم ... قاهره رسید ... و ...

... اتفاق ... ممالیک ~~...~~ ... قشون ... و ...

... جنگ ... ممالیک ... ممالیک ... نیز ...

... جنگ (۲۴ ژوئیه) ناپلئون ~~...~~ قاهره را ...

... ناوگان ... انگلیسی ... داشته

... ابوکیر ... نلسون ... انگلیسی ... نلسون ... علم

... ناپلئون ... ناوگان ... و ... ایران ...

در میان توقیف قرار داد . در واقع پس از استقلال نظامی بناپارت [illegible] از راه دریا قطع و بناپارت

در مصر محبوس شد . الکه شروع کرد بعنوان و آغاز مصر جا که گرفته بود برای حکومت فرانسه

ابتدا در جداول [illegible] را در تقریباً مطابق [illegible] بود و بقدر لزوم برای حفظ قوای خود

در کنار موجودیت مصری کوشید .

حوادث م — انگلیس‌ها سیطره غزه را داده‌شدند [illegible] عمل جنگ [illegible] از دادن [illegible] و عادت

ارتفاع شد (سپتامبر ۱۷۹۸) [illegible] بناپارت سطح گرفت و [illegible] ترک [illegible]

[illegible] مصر [illegible] (فوریه ۱۷۹۹) . [illegible] گازا و یافا را اشغال و [illegible]

[illegible] دادر عوامل [illegible] درکوه تابور [illegible] (۱۷۹۹) لکن [illegible] ضعف [illegible]

[illegible] شهر [illegible] را [illegible] قدیم [illegible]

در [illegible] شهر را [illegible] در [illegible] بر [illegible] . [illegible]

در [illegible] از [illegible] انگلیس [illegible] بناپارت [illegible] را

[illegible] ترجیح نهاد . [illegible] . در [illegible] بناپارت [illegible]

(۲۴ ژوئیه ۱۷۹۹)

انجام لشکرکشی مصر — [illegible] انگلیس [illegible] بناپارت را

قطع ارتباط و وصول اخبار اروپا، اتحادیه ثانی بر ضد فرانسه تشکیل داده بود بنا بر این دولت انگلیس [illegible] اجازت

عده و رفقای وی را نداشت. و فرماندهی قوای مصر را به کلبر واگذاشت. کلبر هم در خفا با امیرالبحر

انگلیس مقاومت کرده اداره امور لیه و قشون فرانسه را از راه دریا به سواحل وطن باز گرداند و مصر را

تخلیه [illegible] با کلبر [illegible] ترتیب در ۲۸ ژانویه ۱۸۰۰ انجام یافت. لکن دولت انگلیس قرارداد

[illegible] تقاضا کرد که قشون فرانسه اسلحه خود را تسلیم کند. کلبر علی‌رغم [illegible]

قوات انگلیس را در جنگ [illegible] که داشت و در [illegible] او [illegible] سرداران جنگ [illegible]

تقاضا [illegible] با جنگ [illegible] آماده کارزار بشیر (۱) [illegible] هزار

[illegible] انگلیس [illegible] در هلیوپولیس منهزم شدند (۲۰ مارس ۱۸۰۰). تا اینکه

این سردار بزرگ فرانسه [illegible] بدست یکی از مسلمانان متعصب در قاهره کشته شد ولی از

[illegible] و معروف به سلیمان الحلبی ؟ در [illegible] معروف [illegible]

تا [illegible] بعد از قتل کلبر باز هم مصر جزو متصرفات فرانسه بود. لکن ریاست قشون

[illegible] یکی از سرداران سلطنت طلب فرانسه بود به منو رسید. این مرد از

[illegible] شده بود [illegible] دختر مسلمانی را بحباله نکاح درآورده و دین اسلام

[illegible] و خود را عبدالله نامیده بود [illegible] اعتراض می‌کند و [illegible]

۵۸۳

و به [illegible] مدتی [illegible] ترسید قوای انگلیس [illegible] در جنگ اسکندریه [illegible] و با رضا قرارداد

تخلیه مصر مجبور گشته [illegible] ۱۸۰۱ مصر را به انگلیس واگذاشتند.

نتایج

دوران [illegible] حکومت فرانسه مصر را [illegible] ولی فایده برای آن [illegible] از روز

[illegible] نتایج علمی [illegible] بزرگ داشته است.

از لحاظ سیاسی لشکرکشی فرانسه [illegible] مصر [illegible] شده بود [illegible] استقلال

[illegible] ۲۱ [illegible] شرق [illegible] احترام [illegible]

[illegible] در شرق [illegible] نهاده بود.

بعد [illegible] از [illegible] قرن [illegible] در جهت خود

[illegible] دیگر

[illegible] تحقیق [illegible] ما [illegible]

تحقیقات [illegible] مصر [illegible] از روز [illegible] تاریخ قدیم مصر

[illegible] شده است.

اتحاد [illegible] اروپا [illegible]

در زمان لشکرکشی مصر انگلیس [illegible] دولت [illegible] اروپا [illegible] فرانسه [illegible]

[illegible] انگلیس [illegible] سال ۱۷۹۸ [illegible] دعوت [illegible]

[illegible] در روسیه [illegible] تا ۱۸۰۱ ادامه بود. علت اتفاق [illegible]

[illegible] انگلیس [illegible] اروپا از توسعه و ترقی خاک [illegible] فرانسه بود.

[illegible] علت [illegible] این اتفاق [illegible]

[illegible] جنگ [illegible] فرانسه [illegible] در [illegible]

[illegible] بوده.

در [illegible] ۱۷۹۸ جنگ مجدد [illegible] جمهوری [illegible] فرانسه [illegible] قطعه خاک [illegible]

[illegible] در [illegible] ژنرال [illegible] صاحب [illegible]

روم [illegible] شد [illegible] فرانسه [illegible] شهر روم را اشغال کرد. پاپ [illegible]

[illegible] ساله [illegible] تبعید شد [illegible] در [illegible]

[illegible] جمهوری [illegible] روم جمهوری روم

تبدیل کرد.

تقریباً در همین اوقات جنگ [illegible] سویس [illegible]

[illegible] مملکت [illegible] جدال و جنگ [illegible] فرانسه [illegible]

[illegible] جمهوری [illegible] جمهوری فرانسه [illegible]

نیز ماهیت در ممالک متفقه [illegible] منجر به تبعید دشمن و توقیف اموال و تصرف دفاتر [illegible]

[illegible] خزانه [illegible] ۴۲ میلیون دلار از سوئیس گرفته خارج اولین لشکرکشی مصر را اجرا [illegible]

در همین اوقات جنبش [illegible] جمهوری کوچک هلوسی [illegible] [illegible]

و وحدت [illegible] سوئیس [illegible]

چندی بعد [illegible] در ولایات [illegible] ساردنی تحریکات کرده و منجر لشکرکشی شد [illegible]

[illegible] پیمونت [illegible] (تورین) – شاه ساردنی مجبور باستعفا و [illegible]

جزیره ساردنی شد و وحدت پیمونت جزو متصرفات فرانسه [illegible] (دسامبر ۱۷۹۸)

ترتیب تشکیل اتحادیه دول اروپا از این قرار بود . ایجاد جمهوری روم موجب اضطراب

[illegible] شد [illegible] پادشاه [illegible] روسیه پول اول بر

[illegible] مالت [illegible] انقلاب [illegible] [illegible] کرد

[illegible] دولت انگلیس ؟

دلایل ~~[illegible]~~ روابط [illegible] دولت متفقه محرک [illegible] .

[illegible] [illegible] دول متفقه [illegible] ۸۰۰۰۰ نفر روسی [illegible] اولین دفعه قشون [illegible] اروپای

[illegible] . [illegible] ۱۵۰۰۰۰ [illegible]

در حمایت و محافظت جمهوری‌ها منعقد کرده بود پس چند دیری وقت مالک ایطالیا نیز گردید . قوای

فرانسه قوت بود و بعد صدمات درجه توجه نیز رسید در آغاز کار فرانسوی‌ها شکست‌های

بزرگ خوردند . در آلمان آرشیدوک شارل فرانسوی‌ها را در ~~[illegible]~~ استوکاک مغلوب ساخت

(۲۳ مارس ۱۷۹۹) و ... رسید و ... الزاس ... . در ایطالیا جمهوری

پارتنوپین ... ... از دست فرانسوی‌ها رفت پس جمهوری روم و ... بزرگ

ایطالیا از ... . در شمال ایطالیا فرانسوی‌ها ... شده تحت فرماندهی سووروف

... معروف ... جمهوری سیزالپین را بعد از شکست ... در ۲۸ آوریل ۱۷۹۹

از ایشان گرفت و ... را بعد از شکست ... آورده در جنگ ... (۱۹

... (۱۵ اوت ۱۷۹۹) ... کورساکف

سردار روسی در ... و ... ~~[illegible]~~ ... معروف شده بود .

... در اواسط سال ۱۷۹۹ فرانسوی‌ها در ایطالیا و آلمان شکست فاحش خورده و ... سال

سابق ... . فرانسوی‌ها ... از ... انگلیس ... . در ...

... ...

... ... واقع شده بود

فتح زوریخ

ورود سوورف از طرف [illegible] با اختلاف کلمه دول متحده دیگر لیاقت و مهارت

ماسنا . سوورف سردار روسی بنا بر دستور امپراطور پول اول تزار روسیه متحد اتریش در رهائی ایتالیا از

چاقری و [illegible] از فرانسه ناپلئون [illegible] برگردانند ارتش و سلطنت [illegible] را از مقام خودشان متصرف سازد

لکن اتریش ها [illegible] خواستند [illegible] که [illegible] باید [illegible] خودشان [illegible] باشد و [illegible] استقلال

اتریش و سلطنت ایتالیا شوند و چون میدانستند که این مقصود [illegible] شد و تا زمانی که سوورف در خاک

ایتالیا است انجام [illegible] درصدد برآمدند که سوورف را از ایتالیا خارج کنند و بر مملکت [illegible]

بدانند که [illegible] در سویس [illegible] سوورف [illegible] را از [illegible] ● در این وقت

قسمتی از قشون روس در سویس بود که [illegible] سوورف در آنجا [illegible] سیاسی [illegible]

دیگران [illegible] یافت و آن قسمت از قشون اتریش که در سویس بود [illegible] ارتش [illegible]

شارل را ● [illegible] کند

در این حیص و بیص که قشون اتریش از سویس [illegible] رفته و [illegible] سوورف [illegible]

از ایتالیا به سویس [illegible] فرصت [illegible] اند زیرا در آن وقت [illegible]

کورساکوف در شهر زوریخ [illegible] تنها [illegible] ماسنا فرصت غنیمت کرده [illegible] زوریخ

حمله برد [illegible] جنگ روسها را مغلوب ساخت (۲۵-۲۶ سپتامبر ۱۷۹۹) . در این وقت

سووروف از ایطالیا در رسید و از طریق گردنه معروف سن گوتار بسوئیس داخل شد ژنرال کورساکف

و روسها [illegible] جنگ او را از پیشرفت باز داشت و شیوه آمیز و [illegible] گرفت و موجبات سقوط سپاه

سووروف را فراهم ساخت تا اینکه پس از قطع و قمع روسها زوریخ فاتح شد عنوان [illegible]

سووروف معطوف ساخت و در مصاف بی‌نظیر ~~[illegible]~~ سردار روس را نزدیک بود

محصور و دستگیر کند او از راه محاصره شده خود را از دره‌های عظیم صعب‌العبور آلپ موسوم به کوه تودی

کشید و با زحمات زیاد و کوشش حیرت‌آور از راه‌های جنگلی و دره‌های کوهستانی خود را به گلاریس

رسانید (۱۰ اکتبر) ولی لشکر فرسوده او از سی هزار [illegible] در جنگها و در برفها [illegible] سرگردان شدند

و تمام توپخانه و مهمات جنگ [illegible] در کوهسار [illegible] تلف شد و بقیة السیف چنان

از کار افتاده ~~[illegible]~~ تا دیر زمانی قدرت قدم بمیدان جنگ گذاردن

چند روز پیش [illegible] سردار فرانسوی در هلند انگلیسها و روسها [illegible] را

[illegible] تا [illegible] او را اجازه داده در ظرف هشت روز (۱۸ اکتبر ۱۷۹۹)

[illegible] از هلند [illegible] و [illegible] اتحاد خود را

برهم زدند زیرا [illegible] روسیه [illegible] انتقام [illegible] روس را از چشم انگلیس

دید و بقیه قشون خود را از اروپا خارج [illegible] جنگ [illegible] و در [illegible]

[illegible] دیگر [illegible]

قرارداد صلح آمین

سه ماه بعد از فتح ... که [illegible] بناپارت کودتای معروف خود را انجام داد و ~~[illegible]~~ در ماه
... را در دست گرفت نامه‌ای از ... به پادشاه انگلیس و امپراطور اتریش تقاضای صلح کرد. و به پادشاه انگلستان چنین
نوشت: «این جنگ که هشت سال است اقطار ربع مسکون را خراب می‌کند آیا باید الی الابد دوام کند؟
آیا هیچ راه صلحی باقی نیست؟ چگونه است دو دولت از متمدن‌ترین و مقتدرترین ملل اروپا که بیش از قدری
برای حفظ امنیت و سعادت [illegible] لازم است دارای قوت و شوکت هستند التفات نمی‌کنند
که صلح و عدم تحقیق احتیاج علم تحقیق افتخار است؟»

وزرای انگلستان در جواب نوشتند که برای مصالحه حاضر هستند مشروط بر اینکه فرانسه
را در حدود قدیم خود قرار دهد و خاندان بوربن را دعوت کرده و مستقر نماید. امپراطور اتریش مصالحه را قبول نکرده متفق
شده با دولت انگلیس کرد. بنابراین جز ادامه جنگ چاره مقدور نبود.

تحویل کوب
عهد انقلاب

جنگ ۱۸۰۰
... - مارنگو

دو سپاه اتریش که یکی از راه رن و دیگر از جانب ایتالیا فرانسه را تهدید می‌کردند جلو رفته
... تا ... رسیدند. بناپارت ... معروف خود را با ... از کوه‌های آلپ ... مقابله قشون اتریش
حرکت داد ... و حوادث ... کمی داشت. و ... را با بقیة السیف قشون
در ... سابقا مغلوب شده بود (۲۵۰۰۰ نفر) مقابله لشکر اتریش روانه ایتالیا کرد. سردار لشکر اتریش
... ... مأمور بود که قشون اتریش را در اطراف شهر ژن ... چندان معطل کند تا بناپارت

زحمت زیاد تکه دیگر وادام جاده را از پشت سر ورانی [illegible] را مورد [illegible] . [illegible] اجازه

[illegible] داد [illegible] در [illegible] شدند [illegible] از [illegible] آلوده [illegible] ناچار [illegible]

[illegible] و [illegible] و [illegible] رفته بودند . در [illegible] [illegible]

[illegible] نوشته [illegible] از [illegible] و [illegible] و [illegible]

[illegible] و [illegible] . در [illegible] ۵۲۳ نفر از [illegible] حرکت [illegible]

[illegible] اقلیم [illegible]

[illegible] که [illegible] ؟ [illegible] و [illegible] دو هم

[illegible] [illegible] . [illegible] و [illegible]

[illegible] آب [illegible] و [illegible] و [illegible] از [illegible]

[illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] (۱۵-۲۰ سال ۱۸۰۰)

[illegible] تا [illegible] و [illegible] [illegible]

[illegible] را [illegible] معمول داشته [illegible] [illegible]

[illegible] از [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] از [illegible] [illegible] در [illegible] [illegible]

امداد یکی از سرداران بناپارت موسوم به لان در موقع بود فتح نمایان کرد سپس خود بناپارت در

مارنگو مصاف قطعی شروع شد (۱۴ ژوئن ۱۸۰۰)

بناپارت بطرز دلیرانه بعد از ورود اطریشی کمتر بود نصف قوه خود را بطرف دادگاه

فرستاده و جانب بزرگ قشون دیگر در مقابل عده بزرگ اطریشی صف قتال آراست نظر باینکه قلت عددی

سربازان بیش از ساعت جنگ و قدم بقدم میدان جنگ را واگذار میداد عاقبت مغلوب و مجبور بعقب نشینی شد

اطریشیها خود را فاتح فرض نموده و شتاب نکردند یک مرتبه خطوط از کمک بناپارت سردار ژنرال دزکس

به بناپارت آورا رسید که بعد میدان جنگ وارد شد. جنگ از نو شروع شد ژنرال

دیگر در تحت شکیب با یک حمله اثر اطریشیها را از نو کرد چنانکه بوحشت افتاده و عده کشته

تاریک گشته و مدت بیش دو هزار نفر را از دست دادند در این جنگ ۹۰۰۰ اطریشی و ۷۰۰۰

فرانسوی مقتول و مجروح شدند.

فتح مارنگو منجر به تأثیر در اوضاع نبخشیده چه سر ژنرال مورو در آلمان | هوهنلیندن

کار را یکسره کرد و صلح را آماده ساخت

مورو در نواحی بال از شطرال گذشته و اطریشیها را عقب ساخت و خود را

بباویر رسانید از مونیخ هم گذشته روز ۳ دسامبر دشمن را مجبور ساخت در میدان

جنگ واقع در جنگل بوارئی موسوم Hohenlinden که مورو کامیاب از اوضاع طبیعی آن

اطلاع داشت بجنگ برداخت. اطریشیها با صفوف طولانی بعد از عبور تنگ در جنگل

پیش میرفتند سرداران فرانسوی مورو و Ney از جلو و عقب حملات متعدده کرده

و ریشه‌های سرداران فرانسوی از عقب جلو حملات سخت باطریشیها وارد آوردند. از ۶۰۰۰۰

سپاهیان اطریش ۲۰۰۰۰ تلف شد هشتاد توپ در میدان افتاد و کامل کلیه [illegible]

راه اطریش وین بارکر؟ فرانسه مفتوح شد امپراطور تقاضای متارکه کرد و [illegible]

در ستیر منعقد گردید (۲۵ دسامبر ۱۸۰۰) مقدمه صلح فراهم شد.

صلح لونویل عهدنامه دیگر Lunéville در ۹ فوریه ۱۸۰۱ ه بین نمایندگان ژوزف بناپارت

برادر ناپلئون و صدراعظم اطریش کوبن زل امضا شد. مقررات آن عهدنامه عیناً معاهده کامپوفورمیو

بعلاوه آنکه در ایتالیا حدود جمهوری سیزالپین تکمیل یافت و عملاً بنام جمهوری ایتالیا گردید

(۲۵ ژانویه ۱۸۰۲) اطریش بموجب آن قرارداد تغییرات سیاسی را که فرانسه در هلند و سویس و [illegible]

و جمهوری ژن و توسکان را برسمیت شناخت.

بموجب قراردادهای خاص ناپل پاپ با هم [illegible] و قلمرو پاپ در ایتالیا را متصرف گردید

و در اسپانیا رابطه داشته و قطع [illegible] را اشغال نماید. مقدمه تجدید جنگ با آن شد

که دولت مقتدری در اراضی ایتالیا تشکیل بدهد زیرا که بعد از عهدنامه دولتی تمام ممالک ایتالیا باتحاد

و وحدت ملی در تحت سلطه فرانسه قرار گرفت.

انگلستان و صلح

باز انگلیس باقی بود و عاقبت او نیز مجبور به مصالحه شد از آن جهت که متحمل قروض بسیار شده بود فرانسه

[illegible] خود را در صلح درآمد. در مدت هفت سال اشتغال خود در اروپا جنگ انگلیس تمام مستعمرات

فرانسه و قسمتی از مستعمرات اسپانیا و هلند را گرفته و جزیره مالطه را اشغال کرده و فرانسویها را هم از

مصر رانده بود. لیکن در مقابل قروض او به [illegible] ملیارد رسیده و مصارف جنگ با فرانسه

برای آن دولت سالی [illegible] ملیارد و نیم تمام می‌شد. ملت هم در زیر بار قروض و در خطر اقتصادی بود از

تعطیل شدن تجارت می‌ترسید. بعلاوه انگلیس که هیچ امیدی به مساعدت دول اروپا نداشت هم در راه آتی

[illegible] مستقیماً تقاضای صلح کرد. در دسامبر ۱۸۰۰ [illegible] اول که اعمال انقلابی

بناپارت قنسول اول فرانسه را به عهده گرفت و تحت نظر گرفت در صدد [illegible] اتحادیه دول

[illegible] لیکن اقدام مستقیماً بر ضد شاخ انگلیسها بود. بناپارت قوای دریایی

دریایی [illegible] جمع آورد و [illegible] برای حمله به انگلستان تهیه دید. نقشه امپراطور انگلیس

[illegible] کاری از پیش نبرد. نقشه تمام این نقدات و [illegible]

انگلیس را به صلح مجبور ساخت و پیت صدراعظم انگلیس که طرفدار قطع جنگ با فرانسه بود

بعد از ۱۷ سال صدارت چون دید که حریفش [illegible] از [illegible] گردد و ملت و شاه از او بیزار شده اند

استعفا داد و جانشین او آدینگ تون مقدمات صلح را فراهم کرد.

صلح آمین

در اول اکتبر ۱۸۰۱ مقدمات معاهده در لندن بامضاء رسید مردم انگلستان به حدی اظهار

شوق و سرور کردند که [illegible] لوریستون اجودان ناپلئون قنسول اول (بناپارت) [illegible] چون

عده ای از مردم کالسکه او را که به [illegible] اسب [illegible] گرده و [illegible] کالسکه را پیش روز

بعد از [illegible] مذاکرات و [illegible] صعب [illegible] ژوزف بناپارت

برادر ارشد ناپلئون عاقبت در شهر آمین Amiens در ۲۵ مارس ۱۸۰۲ عهدنامه -

بموجب این قرارداد [illegible] فرانسه [illegible] تمام مستعمرات فرانسه و دیگران را

برده بود مگر مستعمره کاپ در افریقا و جزیره ترینیته در بحر آتلانتیک و [illegible] جزیره مالطه

و [illegible] مصر را [illegible] تخلیه کند و در مقابل فرانسه نیز [illegible] ناپل و [illegible]

[illegible] قرارداد [illegible] از [illegible] فرانسه در [illegible] و [illegible] تغییرات [illegible] در ایطالیا

[illegible] فرانسه در ایطالیا [illegible] ذکری نرفت

[illegible] صلح را [illegible] انگلیس [illegible] در موقع انعقاد از

عهدنامه [illegible] آن [illegible] صلح از [illegible] تجاوز کرد.

تغییرات ارضی

در نتیجهٔ جنگ ۲ حدود و ثغور آلمان تغییر کلی پیدا کرد و در این سال ... ایالات شرقی آن کشور بود

وسیعی از آن ~~...~~ و وحدت آلمان از بین رفته شد ولی اراضی از تجزیه و تقسیم قطعات ایالات ...

~~...~~ بدست آمد که ملت آلمان از آن محروم گردید و وحدت کلی از پادشاه

پروس و وحدت پایتخت برلن از اشغال کشور اروپائی تقسیم گردید. سایر اراضی آلمان

نیز منطقه شده ... آلمان ... جزو ...

چون منطقه دیگر داخل ... آلمان ... و بعد مطالبه جبران میکردند ...

داخله آلمان تغییرات بسیار از حیث توزیع اراضی و تغییر حدود املاک رخ داد

تغییرات داخلی آلمان و قطعنامه ۱۸۰۳ ...

برحسب قرارداد ... بال و کامپوفرمیو مقرر بود ... اراضی ... از ... جزو

داخل آلمان ... که ... ضرر ... جبران خسارات آنها ... از ...

... از ... جبران خسارات امراء ... ضبط

... املاک ... دارای ... در ... آلمان اراضی وسیع در تصرف داشتند و ... موقوفات

کلیه آنان را ضبط میکردند.

چون ... امراء آلمان ... تغییر قطعی بگیرد و مطامع امراء

... آلمان را ... راضی کند ... بسیار کار را قبول اول واگذاشت

قنسول اول هم از آن روی تقاضا کرد ... [illegible] ... در حقیقت

تا ایران ... [illegible] ... تمام کارها را انجام داد و سفیر روسیه معاون او محسوب ... مجلس

(روز قطعنامه ۲۵ فوریه ۱۸۰۳)

ملت آلمان هم تصمیمات نمایندگان فرانسه و روسیه را ... [illegible] ... قبول کرد.

از مهمترین انتخاب کنندگان ... [illegible] ... فقط انتخاب کننده ... بعضی از اراضی رود

راین ... [illegible] ... ملحق شدند ... [illegible] ...

... ۱۲۵۰۰۰ ... از دست داده بود در عوض اراضی ... (بیشتر) ... ۶۰۰۰۰۰ نفوس

انتخاب کننده بادن که ... ۷۰۰۰۰ نفس از دست داد در عوض املاکی دارای ۹۰۰۰۰۰

جمعیت کسب کرد. امیر ... و ... [illegible] ... املاک ... [illegible] ...

هم کسب کردند. ... در نتیجه این تغییرات عده کثیری از املاک کلیسا ... آلمان ...

و ۴۵ شهر از ۵۱ شهر آزاد آلمان ~~[illegible]~~ از بین رفت. در ۱۸۰۶

امپراطور اطریش ... بعد از ۲۵۰ ... در ۱۸۰۶ ... ۸۲ ...

... [illegible] ... ترکیه ... آلمان ~~[illegible]~~ را از ... آورده

... [illegible] ... را ... ساخت.

تغییرات در ایطالیا ... در ایطالیا هم ... [illegible] ... را از دست داد ... [illegible]

معین دوام بوده تفویض گردد و نیز با او تمشی گرفت و معاهده لونویل استقلال آنرا نیز تثبیت

کرده ولی استقلال بحقیقت محل داشت.

در دوره کنسولی ... جمهوری سیزالپین تشکیل یافت و در واقع دولت تحت الحمایه فرانسه بود

~~ایتالیا~~: اهالی ... که ۱۷۹۶ ... از ... امیر حکومتشان را اداره ... و اهالی

پاپ در ... ترکیب ... و ایالت ... و ... و از ...

جمهوری سیزالپین قانون اساسی سال ۳ ... از ... آنها ... از ... اول ...

قانون اساسی ... بناپارت ... ولی ... تشکیل یافت ... از ... قانون

قانون اساسی سال هشتم فرانسه نوشته و ریاست جمهوری سیزالپین را بناپارت داده (۲۶ ژانویه ۱۸۰۲)

در این ... جمهوری ... را جمهوری ایتالیایی نامید ولی ... ایتالیا ... را ... در آینده

... ایتالیا ... و ... . درحقیقت ... ایتالیا ... نتیجه

... فرانسه ... ~~...~~ بالطبع ... بناپارت ...

در این ... ولایت ...

II

فقره ۴ و سرداران

در اثر تحولات نظامی در عهد انقلاب تغییرات کلیه در ارتش واقع شد در دوره جمهوری [illegible]

سربازان داوطلب معذلک برای تشکیل گردانها و [illegible] و حتی عدهٔ اجباری برای [illegible] وطن [illegible]

عمومی گفته [illegible] جنگ جدید [illegible] شد [illegible] افواج [illegible] دعوت شد

تشکیلات نظام را تغییر داد و بلکه و فوج (دوویزیون) و نیم فوج (بریگاد) (نیم بریگاد) تقسیم شد و همین طرز جنگ [illegible]

جمعیت بهگروه و افواج پیش داوطلبان [illegible] مرسوم شد.

داوطلبان قشون — در ۱۷۸۹ قشون پادشاهی فرانسه در حدود ۲۲۰۰۰۰ نفر [illegible] ۱۵۰۰۰۰

نفر تقلیل داده [illegible] مهاجرت [illegible] از ارتش خارج گردید [illegible] ۹۰۰۰ صاحب منصب [illegible]

[illegible] ترک خدمت کرده و قریب ۳۰۰۰۰ افراد نظامی [illegible] گشتند [illegible]

[illegible] و [illegible] در وقت اعلان جنگ [illegible] داوطلب از [illegible] دعوت کرده [illegible]

[illegible] داوطلبان [illegible] و صاحب منصبان را [illegible] [illegible] ترتیب [illegible]

[illegible] نظام [illegible] . [illegible] اول داوطلبان [illegible]

[illegible] وحشی [illegible]

[illegible] داوطلبان سال ۱۷۹۲ [illegible]

خدمت نظام عمومی

چون در سنه ۱۲۹۳ دولت فرانسه مجبور شد با اتحادیه دول اروپا بجنگد و در تمام سرحدات لشکر

گذارد دیگر [illegible] مدارس و [illegible] [illegible] و [illegible] مشغول گذارد و در سال

۱۲۹۳ [illegible] ۳۰۰۰۰۰ نفر [illegible] ما بین ۱۸ سال و [illegible] سال [illegible]

[illegible] تمام اهالی فرانسه موظف به خدمت نظام [illegible]

از ۱۲۹۳ حکم تجهیزات عمومی [illegible] را صادر کرد

حکم تجهیزات عمومی و خدمت نظام [illegible] ~~[illegible]~~ : از این تاریخ

تا وقتی دشمن از ~~[illegible]~~ [illegible] تمام اهالی فرانسه موظف به خدمت نظام هستند. جوانان به میدان جنگ

میروند. مردان متاهل به تهیه اسلحه و حمل آذوقه ~~[illegible]~~ می‌پردازند. زنان [illegible] و تدارک [illegible]

و خدمت در مریضخانه‌ها مشغول ~~[illegible]~~ میشوند. اطفال [illegible] [illegible] رشته [illegible]

جراحات مجروحین [illegible] میکنند. پیران خود را به میدان جنگ کشیده و تحریک [illegible] و نشر

[illegible] و تبلیغ وحدت جمهوری می‌پردازند.»

مطابق این حکم [illegible] از [illegible] [illegible] جوانان [illegible] از ۱۸ تا

۲۵ [illegible] خدمت [illegible] [illegible] تقلبات [illegible] منقسم گردید [illegible]

[illegible] تجهیزات [illegible] ۸۰۰۰۰۰ نفر [illegible] (۱۲۹۶)

نظام وظیفه

بی‌ترتیب تجهیز قوا تا صلح تا ... عموماً [illegible] متزلزل بود . [illegible] با اقدام
[illegible] ... پیاده [illegible] قشون فزونی بیشتر از سابق بود حتی اینکه تجهیز قوا صورت رسمی بیابد [illegible]
عموم نفرات را [illegible] بلکه از ... ... دوباره ... ترتیب [illegible] ... داده بود که ترتیج
[illegible] داشته و قانون خدمت نظام وظیفه را ... [illegible] ... به تصویب مجلس (۲۲ شهریور
۱۲۹۸) . به موجب این قانون ... تمام ... از ... ۲۱ سالگی ... خدمت ... ع
طبقه [illegible] [illegible] [illegible] ... [illegible] ... از تمام [illegible]
مدت خدمت نظام ... ۵ سال بود . به موجب این قانون ... ۲۰۰۰۰ نفر خدمت ... شد .

[illegible]

قشون ... [illegible] از ... قشون ... و انواع [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible]
وظیفه بود ... [illegible] انواع ... ... داشتند اگر ... کار ... بوده ...
... بسیار ... . انواع ... و نظام وظیفه هم ... [illegible] ... و ... [illegible]
تبلیغات ... . دوباره ... و ... و ... تشکیل قشون ...
ع از ایران ... [illegible] ... تقسیمات ... انواع ... [illegible]
~~[illegible]~~ [illegible] ... را ... ... یک ... از ... (۱۳۰۶)
[illegible] ... [illegible] ... ... یک ... تشکیل داده

و خطوط روشنایی را از اصطلاحات قرون خارج کرد. سپاه فرانسه که مرکب شده از چندین نیم بریگاد بود هر یک

دارای ۲۱۰۰ نفر که در سنه ۱۷۹۶ عده آنها به ۳۰۰۰ نفر هم رسید؟

تشکیلات قشون و تقسیمات آن

دو نیم بریگاد یک بریگاد تشکیل میداد و از اتحاد دو بریگاد یک دیویزیون فراهم می‌شد

هر دیویزیون [illegible] و [illegible] سوار و توپخانه ملحق می‌گردید. علاوه بر این تا این پیش‌قراولان [illegible]

توپخانه ملحق بوده و در ولایات [illegible] آن [illegible] بود. بدین ترتیب هر دیویزیون (لشکر)

دارای اجزاء مختلفه جنگ از پیاده و سواره و توپخانه بود و مثل ارتش [illegible] کوچکی بود [illegible]

عده افراد هر دیویزیون [illegible] ۱۲۰۰۰ نفر می‌رسید. در قرون معاصر دیویزیون واحد نظامی محسوب

گردید [illegible] قشون [illegible] از چند دیویزیون تشکیل شد [illegible]

[illegible] دیگر هم تقلید کرده تا امروز هم در اروپا برقرار است

تسلیح و تجهیز

در [illegible] ۸۰۰۰ نفر سپاهی [illegible] بود [illegible] کارخانه‌ها و [illegible]؟

آورده علماء را دعوت نمود و وسایل سریعتر و موثرتری برای ساختن اسلحه [illegible]

ساختند [illegible] کارخانه [illegible] تهیه شده از [illegible]

[illegible] ۲۰۰۰ توپ ریخته [illegible] کارخانه [illegible]

در هر روزی ۱۰۰۰ تفنگ [illegible] آن [illegible] با احتیاجات [illegible]

شده در ۱۷۹۲ قزوین [illegible] ربع [illegible] بود و [illegible] از [illegible] . اما [illegible]

و سایر [illegible] و [illegible] از [illegible] . و [illegible] نقش [illegible] [illegible]

[illegible] تمام کفش [illegible] المقبول [illegible] و [illegible]

[illegible] جهت کفش [illegible] [illegible] کفش چوبی [illegible]

[illegible] قزوین جمهوری [illegible] آراسته [illegible] (در [illegible])

[illegible] از [illegible] دسته [illegible] و [illegible] بصورت ظاهر

[illegible] از [illegible] نوشته است [illegible]

[illegible] از [illegible] و [illegible] است [illegible]

[illegible] دست [illegible] . در [illegible] از [illegible] دستی [illegible]

در [illegible] و [illegible] تعداد [illegible] عجیب [illegible] .

نظامی — [illegible] از [illegible] حسن [illegible] و [illegible] و از [illegible] و جوانان [illegible]

[illegible] از [illegible] از [illegible] است [illegible]

[illegible] و [illegible] ارتفاع [illegible] قزوین [illegible] در ۱۷۹۲

[illegible] از [illegible] از میوه و گوشت [illegible] بعضی [illegible]

وطن روز بروز بزرگ شده عشق در قوم ما قوه و در خاک [illegible] از [illegible] مواد صرف [illegible] است

زحمت وطن پرست [illegible] شد. در [illegible] ترقی فقط [illegible] تا پایان [illegible]

صورت [illegible] در میان [illegible] و [illegible] شرکت [illegible]. در [illegible] ۱۹۲ قرن

[illegible] ساعت بیاید در برف [illegible] ساعت [illegible] به کفش و [illegible]

ساق [illegible] در کار [illegible] و ترتیب عجیبی پیدا کرده و [illegible]

[illegible] از [illegible] در حمایت [illegible]

[illegible] فرهنگ [illegible] قرن ۱۸

حس وطن پرستی [illegible] تا ساعت مرگ در آنها [illegible] بود. یک ایرانی جوان از اهل

[illegible]

[illegible] وقتی [illegible] پیش از

[illegible] از [illegible]

[illegible]

[illegible] وطن [illegible]

[illegible] ~~[illegible]~~ [illegible]

[illegible] با [illegible] از [illegible] وطن است. [illegible]

در [illegible] مرگ [illegible] را [illegible]»

سرداران ورزیده [illegible] بجهت [illegible] اطاعت میکردند. [illegible] را در نهایت
سختی و عده‌ای ترحم [illegible] و سیاست میکردند. [illegible] مورخ به [illegible] مینویسد: «[illegible]
[illegible] از سواره نظام را تیر باران کردند بجرم اینکه [illegible] از دهقان ؟
[illegible]». بجرم همین گناه [illegible] را هم در عنوان [illegible] از ۱۶ سال
[illegible] اعدام کنند. [illegible] در ولایت [illegible]
[illegible] اعدام میکردند. [illegible]
[illegible]. [illegible]
[illegible] مینویسد: «[illegible]
[illegible]
[illegible]». [illegible] را در میدان جنگ [illegible]
[illegible] نوشته است: «[illegible]
[illegible]»
در [illegible]
[illegible]. [illegible]

تمام وطن و ازادی حدت میکردند به لشکر بجای ... سربازان را و سپاه مقابل یک نهضت با

جنب خارج قرار داده و سربازان دیگر مطالع انها را راضی میکرد مدال بیج عقیده آزادی نیز انجا

اوده بوده .

اسلوب جنگ در عهد انقلاب

شرایط و به کاری و سوق الجیش عهد انقلاب تأثیر فوق العاده در طرز جنگ کرد . در دوره

سابق پیاده نظام و سوار نظام را در صف منظم در برابر خصم نگاه داشته . پیاده نظام در جلو قرار داده

و سواره به صف متفاوت ایستاده و اردو نظام یکدیگر حمله میکردند و در اوایل جنگ

و تیر باران میکردند و تمام قواعد در روز مشق ... داده میشد و در میدان نمیگذاشته شد

تغییر جبهه و تبدیل موقع و انواع حرکات و قبض و انبساط و پیچ و خم .

این قسم اعمال نظامی برای سربازان کارآزموده مشق دیده میسر است فقط نظامیان ورزیده

و مشق دیده ...

تمرین نشده الت به اراده شده و بنابر اصول مطلوبه حرکت ... با ... در بجای تمرین ...

سرباز تازه جنبی و اعمال را مستقلاً در مقابل خصم بکار آوردند لکن در زمان انقلاب ... در اول ...

قدر کافی تمرین و مشق دیده ... ضرورت ایجاب ... گروه ... سلاح ...

... حرکت ... روز ... مشق ... ایران جنگ

... ... آماده ...

سرداران انقلاب ترتیب جنگ را تغییر دادند [illegible] پیچ از دیوار تفنگ برداشته سوار بر [illegible]

دو تو پخانه معدود شد و کلیه دیوار و زوایای محاصره به یک یا دو توپ شغول کار شدند و در اطراف محاصره قسمت

کلیه قورخانه را در آن دایره تحت نظر داشت و یک و زوایای توپخانه بر قوه و اردو [illegible] کار [illegible]

سرداران مزبور چون از این وقت کشتی و حس انتظار و زوایای خود را انتشار داده اطلاع داشتند [illegible]

سربازان تفنگچی بهر جنگ دار نشانه رود مستقیما از عقبه تنگچی توپ بر آنها عده کثیری تیراندازان

سنگرهای قلعه چنین مینورستادند این تیراندازان با آنها مقابله و مقاومت [illegible]

صف [illegible] دوره آنها بکار نبرد و بعضی تیر آنها در دیوار هم بود [illegible]

~~[illegible]~~ [illegible] سرداران

انقلاب از شهر و محل پرتاب خود را ایران ساختند و از جمع کثیری که بوسیله هم [illegible] عمول

سرداران جنگ میرسید استفاده کرده برجها و تفنگها و دسته تیراندازان [illegible] سرداران تا [illegible]

بهار آنها میفرستادند . بدین نظم و ترتیب عمل ابتداء تیراندازان را روانه میکردند بعد جاسوس

کثیری را حمله ورش میدادند و گاهی چادر از جنگ عدو برخی غالب میشدند و صفوف

سنگرها را درهم میشکستند . سربازان سرداران آن سرنیزه را پیش آورده با [illegible]

[illegible] صف دیگر رو بهم و بیشتر تیری [illegible] توپ را در [illegible]

[illegible] زمان کنوانسیون [illegible] کرد و تهیه [illegible] لشکر [illegible] ولایات [illegible]

[illegible] ۲۵۰ [illegible] جنگ [illegible] لشکر [illegible]

وقت لازم بود. [illegible]

و در طرف [illegible] از سال

۱۷۹۲ تا سنه ۱۸۰۰ در هشت سال [illegible] از ۲۰۰۰۰۰۰ افراد خود ۷۰۰۰۰۰

نفر را از دست داد.

قرن [illegible]
[illegible]
انقلاب

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۷۸۹ [illegible] ۱۷۹۲ [illegible] در سال ۱۷۹۲

[illegible] شد [illegible]

[illegible]

[illegible]

همینکه سال‌ها بعد از زمینه هنر و فن و زمان خود یافت جهت دنبال داشت . بزرگترین هوش و

قدرت آنکه همه دروس را در یک جنگ بکار برد و غالباً یکجا در بعد فکر کرد جزء تعلیم

و تعلیم در مقام چهار رحم — اعتقاد داشت می‌گفت به سوار اعتماد داشت ولی [illegible]

که هنوز دو دوران انقلاب و [illegible] وجب زمین ! فکر اینها در جمله مثل بود با گروه بسیار و انبوه

جنگید ، حوزه با روحیه حمله رسانید و وقع و تمام قوای او را بروز کرد . وقتی که هوش در ۱۷۹۴

مردود قوه ۵ هزار نفر که در داخل آن‌ها در پنج هفته ۲۸ بار مورد حمله قرار داد جالبی و شدید

در مقدم راه می‌توانیم مخالف کرد با این دفاع یکباره کرد . ~~[illegible]~~ که هنوز هم دو انقلاب

لکه خشم رسانیم و چون قدرت متمرکز از لشکرها برای آنکه در شمال فقط زد آلمانی بود با [illegible]

معقوب کرد و علاوه لشکر دیگر پیش بردیم . لیکن [illegible] جنگ سه سال بعد از

ایتالیا معمول داشت .

کارنو شهرت بزرگ دیگری در انقلاب فرانسه کارنو نام داشت . از جمله‌های قرن [illegible]

با همکاری دیگر نقش و کمیته دفاعی و [illegible] پیروزی نامبرده اتفاق دو دو [illegible]

در ~~[illegible]~~ دفاع داده بزرگ است در [illegible] از جمله‌های دانشمند جوان قدیم [illegible]

~~[illegible]~~ جانب حمله آرامی و متحرک ، بعد تغییر داد و نقشه جنگها را

هم نشد در به جا اصل حمله را سرلوحه دستورهای نظامی قرار داد و سرداران حکومت:
در انواع جنگ‌ها اقدام به حمله کنید و ... بشوید و ... بیشتر حمله‌ور باشید. لاینقطع
حمله‌ور باشید». کارنو شخصاً در میدان واتیگنی سرمشق به جنگجویان داد. چون جناح چپ
لشکر ژوردان ضعیف و مغلوب شد کارنو فرمان داد که از دفاع آن صرف نظر کرده و تمام قوا را
به سمت جناح چپ حمله ببرند زیرا که علائم فتح و ظفر از آن سمت نمایان بود. کارنو در این
واقعه عبارت مشهور خود را گفته و سرداران را تشویق به پیشرفت آن حمله و امروز ~~...~~
منتشر شده این است: «سردار کمتر حرف بزن!» در وقتی مشغول ارتکاب ... آنکه
در ۱۷۹۵ که از وظیفه سلطنت‌طلب در مجلس کنوانسیون تقاضا کرد که کارنو را توقیف
کنند کارنو در مجلس حاضر جواب داده شد یکی از نمایندگان برخاسته مجلس را متذکر ساخت
که برای حفظ احترام مجلس باید کارنو را از توقیف معاف بدارند زیرا که کارنو «موجد فتح و ظفرها»ست
تاریخ این قضاوت را تصدیق و تأیید کرده است.

فصل شانزدهم

حکومت قنسول و امپراطوری
قانون های سال هشتم و تغییرات ~~...~~ آن
مشخصات حکومت امپراطوری
تشکیلات داخلی - قرارداد کنکوردا و متممات آن
منازعه با پاپ

کودتای ۱۹ برومر ناپلئون بناپارت در فرانسه قدرت را بدست ~~...~~

~~...~~ مدت چهارده سال و نیم از ۱۱ نوامبر ۱۷۹۹ تا ۶ آوریل ۱۸۱۴ گاهی

قنسول موقتی گاهی اولین قنسول و بعدا امپراطور نامیده شد.

دوره قنسولی ناپلئون چهار سال و نیم طول کشید از ۱۱ نوامبر ۱۷۹۹ تا ۱۸ مه ۱۸۰۴

در این دوره ناپلئون قانون های مهمی [illegible] فرانسه را بدون [illegible] داد قانون سال هشتم نام دارد و تشکیلات اداری

و قضائی و مالی را [illegible] تغییر [illegible] بخشید.

قانون های سال هشتم در ۱۸۰۲ و ۱۸۰۴ چند بار تغییر [illegible] تا آخر دوره امپراطوری

(۱۸۱۴) جریان داشت. اما تشکیلات اداری و قضائی و مالی که ناپلئون [illegible] اصول آن برقرار [illegible]

دیگر از خدمات ناپلئون بناپارت تدوین قانون مدنی است [illegible] تغییرات

در [illegible] عصر انقلاب در فرانسه [illegible] ناپلئون برای جلوگیری از [illegible] مذهبی با پاپ و

قرارداد صلح [illegible] ۱۹۰۵ بعلت [illegible] بسبب تجدید امنیت و استقرار [illegible] و رفع [illegible] ناپلئون

موجبات تجدید صنعت و رواج تجارت را فراهم آورد.

دوره امپراطوری ده سال طول کشید از ۱۸ مه ۱۸۰۴ تا ۶ آوریل ۱۸۱۴.

در خارج فرانسه تمام این ده سال بلاانقطاع [illegible] جنگ مشغول بود و لشکر فرانسه قدم در اکثر پایتخت‌های [illegible] اروپا نهاد و

عاقبت [illegible] هجوم [illegible] متحدین [illegible] استعفاء ناپلئون شد [illegible]

در داخل فرانسه ناپلئون [illegible] [illegible] را [illegible] داده [illegible] حسن انضباط [illegible] موجبات

[illegible] کامل [illegible] استبداد [illegible] [illegible] امپراطوری [illegible] [illegible]

[illegible] ۱۸۰۸ تأسیس یافت.

[illegible] آزادی سیاسی و حق تفتیش [illegible] کارهای دولت و بازگشت استبداد [illegible]

[illegible] از ناپلئون [illegible] . [illegible]

پاپ [illegible] [illegible] روحانیون و [illegible] مذهب کاتولیک

از طرفداری سلطنت امپراطوری [illegible] . کثرت تجهیزات قشون و ازدیاد [illegible] نفرات [illegible]

[illegible] از ناپلئون [illegible] [illegible]

[illegible] ناپلئون آزادی [illegible]

و اطراف رعایا را در اراضی ده بیگان [illegible] اتفاقات ... آورده بعد [illegible] [illegible] [illegible] لی آورد

[illegible] املاک را [illegible] نتیجه انقلاب دانسته واز [illegible] سبب حفظ آن اصول [illegible] بعد

I

~~۱۷۹۹~~

حکومت قنسولی

[اوضاع فرانسه در ۱۷۹۹] برای فهم تغییراتی که در زمان قنسولی ناپلئون [illegible] داده باید قبلاً مطلع گردد که اوضاع [illegible] فرانسه در چه حال بوده است

اخبار [illegible] از [illegible] وزیر [illegible] و [illegible] مقیم [illegible] شده است و [illegible]

۱۷۹۹
[illegible] در [illegible] زمان [illegible] [illegible] که [illegible] خطاب [illegible] اوضاع آن مملکت [illegible]

[illegible] نتیجه مطالعه در اخبار [illegible] در [illegible] حال [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] و [illegible] آن [illegible] و [illegible] گشته باشد . در [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خرابی [illegible] بود . در [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] گرفت . و در [illegible] [illegible] آب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بود . [illegible]

[illegible] [illegible] تغییر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] را [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] را [illegible]

ویرانه و خراب که بوده و ویرانه‌ای که در هر قسمت و چهار طرف ریشه [illegible]

راهزنی — دسته‌ای [illegible] ارتفاعات اطراف [illegible] دسته [illegible] و غارت [illegible] اراضی [illegible] دهات [illegible] آنها [illegible] brigands [illegible] ۵ مرتبه توقیف [illegible]. دزدان [illegible] و [illegible] و [illegible] آزادی [illegible] مردم [illegible] و [illegible] دزدان [illegible] ۵ [illegible] آزادی [illegible] در آن [illegible] و [illegible] دزدان [illegible] از [illegible] و [illegible] در بعضی [illegible] همراه [illegible] میکرد.

خرابی صنایع و تجارت — تقریباً صنعت و تجارت خوابیده بود. در [illegible] از جمع [illegible] در ۱۷۸۹ در کارخانه [illegible] مشغول بودند [illegible] از ۸۰۰۰ به ۱۵۰۰ نفر تقلیل یافته بود [illegible] از انقلاب [illegible]

بحران و ترقی — [illegible] دولت [illegible] مملکت [illegible] مردم [illegible] در [illegible] ۱۹ [illegible] دولت ۲۴۷۰۰۰ [illegible] ۳۰۰۰۰ [illegible] و [illegible] دولت [illegible] ۵ [illegible] حقوق [illegible]

[illegible] و [illegible] در [illegible] ۵ [illegible] [illegible] در ولایت [illegible]

[illegible] ۱۱۰ نفر [illegible] [illegible] میکنند و مردم این نواحی آزرده و خسته [illegible]

[illegible] و اتفاقات [illegible] که از ۱۴۰۰ نفر [illegible] ۳۲ نفر [illegible]

رسیده [illegible] ۱۵۰۰ تن [illegible] ۲۲ نفر [illegible]

[illegible] برگشته [illegible] ۲۳ نفر [illegible] ۱۹ تن [illegible] ولایت [illegible]

[illegible] میشوند

افکار عامه مردم [illegible] از سیاست [illegible] [illegible] جای حکم [illegible]

[illegible] احوال [illegible] وقایع جنگ [illegible] حکایت [illegible]

[illegible] تغییرات [illegible] دیگر [illegible] مردم [illegible]

[illegible] انقلاب [illegible] [illegible]

[illegible] کار [illegible] اعلام [illegible]

بناپارت [illegible] بناپارت که از وقایع عالم جنگ [illegible]

[illegible] در سیاست و [illegible]

[illegible] هر روز ۱۹ [illegible] قنسول [illegible] کمیسیون [illegible] قانون [illegible]

دست را از دست ندهد. مذاکرات [illegible] حق [illegible] طول کشید و در حقیقت تمام قانون [illegible]
از فکر شخص بناپارت بود. در آغاز کار [illegible] که سی‌یس طرح قانونی حاضر [illegible] و آن
[illegible] ناقص و مبهم [illegible] بناپارت [illegible]
[illegible] قوه مقننه [illegible] قضائیه
[illegible] بناپارت [illegible] را بر طرف ساخت. در این کمیسیون
[illegible] بناپارت [illegible]
[illegible] بالاخره خود او اصول [illegible] قانون جدید را نوشت و [illegible]
کمیسیون [illegible] همین طرح جدید قانون [illegible] سال هشتم شد. قانون اساسی
در ۲۴ دسامبر ۱۷۹۹ منتشر شد و بدون انتظار استخراج آراء عمومی [illegible]
برحسب قانون اساسی صورت گرفت [illegible]. و استخراج آراء عمومی در ۷ فوریه ۱۸۰۰
تمام گردید. ۱۵۰۰ نفر قانون جدید را رد کردند ولی بیش از سه میلیون رأی در قبول آن استخراج شد.

قانون اساسی
قوه مجریه

قوه مجریه به کنسول [illegible] شد [illegible] مدت ده سال [illegible] انتخاب [illegible]
[illegible] قانون [illegible] کنسولها را ذکر کرد [illegible]
کنسول اول بناپارت، کنسول دوم کامباسرس، کنسول سوم لوبرن. کنسول اول فقط

صاحب قدرت حقیقی بود و از طرف دیگر فی الواقع عاجز کامل و در محبوس شده بود. قنسول اول میرزا

وزرا را و وظیفه شغل از بعد فوق داشت ... و مشاورین ... و ... و عمال کشور را معزول

[illegible] در ... دقت ... و ... قنسول اول تقریبا ...

حق ... . و ... از وظایف او بود ... قلمه

تجربه ... مقننه ... .

قوه مقننه

قوه مقننه در دست قنسول اول و مجلس ... و تریبونا ... از ... و

هیئت ... مقننه ... از ۳۰۰ ... قنسول اول ... قانون ... و

و تصویب که ... تریبونا ... قانون ...

پس • قانون ... را ... از ... تریبونا مجلس ... (هیئت مقننه) ... مجلس

... مجلس ... لال ... است ... تریبونا ... مانع ...

... قانون ... .

مجلس سنا

مجلس سنا ... مجلس ... قانون ... از ... مجلس ... و ...

مقامی ... داشت. ... و ... .

سنا ... وظیفه داشت ... قنسول ... و ... مجلس تریبونا و مجلس ... و ... دیوان ...

دیگر حفظ قانون اساسی و بموجب آن حق داشت مجلس سنا بر طبق اقتراح قنسول ها یا مجلس تریبونا در قوانین [illegible] را

معدوم یا مخالف با شروط رد نماید یا تمام موافقت با شروط بپذیرد.

[illegible]

~~مجلس سنا [illegible] تمام طبقات منتخبین [illegible]~~

~~[illegible] منتخبین~~

منتخبین [illegible]

مجلس ترتیب خاصی برای انتخاب [illegible] ملت مقرر داده بود و بنابرین آنرا برای اداره امور

ملت [illegible] که در سال در خارج [illegible] اقامت گزیده باشند [illegible]

از میان خود انتخاب میکردند که موسوم میشد به منتخبین بلوک این عده نیز از میان خود [illegible] یک عشر [illegible]

که [illegible] منتخبین ایالتی [illegible] آنان نیز یک عشر از عده [illegible] تمام منتخبین ملی انتخاب میکردند و عده آنها

تقریباً ۵۰۰۰ نفر بود

• برگزیدگان [illegible] منتخبین بلوک و منتخبین ایالتی و منتخبین ملی [illegible]

[illegible] و نفوذی [illegible] فقط [illegible] اسامی منتخبین [illegible] دولت [illegible] اشخاص [illegible]

قنسول اول [illegible] در اختیار [illegible] سنا [illegible] قنسول [illegible]

صورت [illegible] منتخبین [illegible] ترتیب [illegible] قنسول [illegible]

سنا اعضاء مجلس تریبونا و اعضاء هیئت مقننه و قضات دیوان تمیز را انتخاب میکرد.

صفات قانون اساسی جدید

این قانون قنسول اول را صاحب چنان اختیاراتی کرده بود بیش از اختیاراتی که پادشاه در ۱۷۹۱ داشت

زیرا که محدود به قدرت مقننه و مساعی اجرائیه قنسول اول فی الحقیقه قوه مقننه را هم در دست داشت مجلس تقنین [illegible]

از اینکه مرکب شده بودند از اعضاء [illegible] میرسید مجلس تریبونا و مجلس مقننه و مجلس سنا هم انتخاب [illegible] و وجود [illegible]

[illegible] در [illegible] مجلس [illegible] : [illegible] قدرت نمود [illegible] بعقیده [illegible]

عجیب [illegible] دو اداره [illegible] اول [illegible] هم میگذارد » . حکومت ملی

این ترتیب کاملاً محو شد زیرا که ملت فقط یکمرتبه رأی خود را ظاهر ساخت و آن در مورد قبول یا رد قانون

اساسی بود از تصویب قانون مزبور دیگر حقی برای او منظور نگردید. قانون اساسی سال ۸ هم از مطلوبات

[illegible] از جمهوریت [illegible] که در حقیقت جز نامی از جمهوری نداشت و مجلس قنسول و سناتورها

[illegible] از جمهوری [illegible] جمهوریت [illegible] اراده سلطنت مستبده استبدادی

[illegible] جمهوری [illegible] ۱۸۰۰ و سلطنت مطلقه ۱۸۰۰ [illegible] فقط در ظاهر و حقیقتاً قوه

قانونی قنسول اول کمتر از حق خداداد [illegible] نبود

تشکیلات اداری

[illegible] جمهوری و سلطنت [illegible] قنسول اول بر حسب قانون ۱۷ فوریه ۱۸۰۰ [illegible]

به [illegible] تشکیلات [illegible]

[illegible] که مجلس [illegible] در [illegible] انقلاب [illegible] باقی ماند و [illegible] بدست

و وحدت ~~[illegible]~~ حتی ترتیب ادارات هم مختلف بود. بعضی ایالات ادارات مخصوص را با مجلس مخصوص
آن تحت طول اداره میکردند که تحت عنوان از جانب [illegible] حاکم یا فرماندار ترتیبات اداره [illegible]
والی و وحدت با حاکم و ملوک با کدخدا بود. هر یک از عمال فوق [illegible] و فرمانده
ارتجاع برگشته والی جهت عمومی - حاکم جهت [illegible] و کدخدا [illegible] داشتند. شغل آنها
موروثی [illegible] بود [illegible] وضع [illegible] قرار [illegible] مرسوم شود
برای ایالت و وحدت [illegible] شده [illegible] ~~[illegible]~~ والی بود
و وقتی [illegible] شده را والی [illegible] داخل کند

علاوه بر این عمال [illegible] جهت [illegible] تغییر [illegible]
در حوزه [illegible] از ادارات بر دولت [illegible] تفاوت میکرد

صفات مشترک جمیع ادارات — تمام این عمال از والی و حاکم و کدخدا [illegible] جهت [illegible] و جهت [illegible]
[illegible] از طرف تمول اول [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] برگشته
اگرچه [illegible] ادارات [illegible] دولت [illegible] مستقل
[illegible] آمد. بنابراین [illegible] انقلاب ۱۷۸۹ تمام عمال
مطیع و منقاد [illegible] تمول اول بودند در واقع حکومت تمول قدرت مطلقه متمرکز دولت را
که متفقین ۱۷۸۹ در صدد اعاده آن [illegible] مستقر [illegible].

[illegible] حکومت در هیچ جای [illegible] [illegible] دوام نیاورد [illegible] ناپلئون [illegible] [illegible] [illegible] اول

[illegible] [illegible] از سال ۱۸۷۰ [illegible] تغییر [illegible] داد [illegible] [illegible]

تشکیلات قضائی تشکیلات قضائی [illegible] تشکیلات اداری [illegible] [illegible] انتخاب از [illegible]

[illegible] قضات [illegible] [illegible] [illegible] اول [illegible] تعیین [illegible] حفظ استقلال

[illegible] در مقابل [illegible] [illegible] تعیین [illegible] [illegible] [illegible] از [illegible] [illegible]

[illegible] تا ۱۸۰۷ [illegible] ترتیب [illegible] [illegible] در هر [illegible] [illegible]

یک [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] از [illegible] [illegible]

[illegible] دیوان تمیز بود

[illegible] حکومت [illegible] ترتیب [illegible] معمول داشت [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] است.

تشکیلات مالی [illegible] قانون [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] مصارف [illegible] جنگ [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] ذکر [illegible] [illegible]

مجلس نرسیده بود. مدیران مالیه و دیوان محاسبات [illegible] درآمد و خرج [illegible] ادارات تشکیلات [illegible]

[illegible] مدیران [illegible] جمعیت مدیران [illegible] [illegible] در ۲۱ [illegible]

۱۲۹۹ ادارهٔ مالیات مستقیم به ترتیب زیر تشکیل داد. در [illegible] تحصیلداران [illegible] نقد و در ولایات

جزو سرتحصیلدار [illegible] گماشته شده بودند. این تحصیلداران جمع [illegible] [illegible] در [illegible]

تحصیلدار کل [illegible] سرتحصیلداران را جمع می‌کرد. [illegible] قرار [illegible]

جدول [illegible]

عده [illegible] مستقیم [illegible] نقش [illegible]

گماشته شده [illegible] ترتیب صورت جمع و [illegible] مالیات [illegible].

این [illegible] از مالیات [illegible] مستقیم و [illegible] ۶۶۰ میلیون ریال [illegible]

[illegible] ۱۸۵ میلیون [illegible] در سنه ۱۲۸۸

[illegible] عوارض [illegible] تغییر [illegible]

ایجاد قانون جدید

در [illegible] اول [illegible] قانون [illegible] تشکیلات [illegible]

[illegible] از [illegible] قانون [illegible] مستقیم و [illegible]

[illegible] اول [illegible] [illegible]

اقتدار و نفوذ روحانیون و دیگر [illegible] در کار [illegible] از عوامل سیاسی [illegible]

اتفاقات جاری نمود و ناپلئون خود گفته است که من در این اقدام «قصدم فقط ملاحظه اوضاع قوی

و سیاست دولت و افراد بوده است»

دو کار مهم دیگر در دوره کنسولی ناپلئون اتفاق افتاد عهد قرارداد با

پاپ و [illegible] به کنکوردا دیگر تدوین مجموعه قوانین مدنی

[illegible] چون ناپلئون طالب امنیت داخلی بود در وقت [illegible] نسبت به [illegible] روحانی مملکت

[illegible] قانونی مربوط به روحانیون [illegible] با وجود [illegible] و کشتار [illegible] در

انقلاب دوره زمان [illegible] ۱۷۹۱ شد [illegible] روحانیون حقیقی و تابع

مذهب کاتولیک [illegible] روحانیون حقیقی [illegible] گشتند

[illegible] قانون مربوط به روحانیون [illegible] شرح آن گذشت [illegible]

[illegible] اعلام [illegible] روحانیون [illegible]

از طرف دیگر ناپلئون معتقد بود دین یکی از مهمترین عوامل آرامش ملت [illegible] مملکت

و میگفت «در جامعه بدون دین [illegible] هیچ چیز مملکت را [illegible]

[illegible]» روحانیون [illegible] مردم را [illegible] و

دفع [illegible] ناپلئون [illegible] حافظ صلح [illegible]

بناپارت در صورت بهبود [illegible] از آزادی مذهب [illegible] که از کشیش‌ها حمایت کند. و چون

[illegible] که اکثر [illegible] کلیسای کاتولیک بودند [illegible] بناپارت در صدد برآمد

با پاپ صلح کند. پاپ [illegible] صلح [illegible] این عقد قرارداد [illegible] بعد از

صلح بود [illegible] در ژوئیه ۱۸۰۱ [illegible] مذاکرات [illegible] و کاردینال کنسالوی وزیر دربار

پاپ به پاریس آمد بعد از مذاکرات و بحث‌های بسیار عاقبت در ۱۵ ژوئیه ۱۸۰۱ قرارداد

که موسوم است به کنکوردا بین آنها منعقد گشت.

کنکوردا بموجب این قرارداد [illegible] مذهب کاتولیک [illegible] کیش اکثر اهالی فرانسه

[illegible] شناخته شد و [illegible] اعتقاد و تعلیم مذهب [illegible] و در مقابل پاپ

هم تغییراتی را که در زمان انقلاب در حقوق کشیش‌ها داده شده بود محترم شمرد [illegible]

صادر شد پاپ [illegible] توقیف اموال و املاک کشیش‌ها و اوقاف کلیسا را در دوران انقلاب [illegible]

[illegible] پذیرفت. در عوض دولت فرانسه [illegible] به عهده گرفت [illegible]

[illegible] کشیش‌ها [illegible] و [illegible] را [illegible]. [illegible]

مقرر شد دولت فرانسه اشخاصی را پیشنهاد کند که پاپ تصویب نماید [illegible]

مقام روحانیت کشیش‌ها [illegible] دولت [illegible] [illegible]

۶۳۴

هرگاه بگوید که دنبال کار شود کشیش‌ها در میان ترتیب انتخاب می‌شوند حق نصب روحانیون خود را

وزرا به موقعیت داشتند ولی بعد از کسب رضایت دولت . بایستی ترتیب کشیش‌ها

وظیفه خود را در دولت قسم خورده دولت بعد ... [illegible] دولت نوکر حساب می‌شوند

کنکوردا بعد از انقلاب بین ناپلئون و پاپ در اوایل ۱۸۰۲ ادوارد و تالیران

(۱۹۰۵) منسوخات دولت فرانسه و کلیسا ... از ناپلئون ... بود دیگر ... [illegible]

حق استقلال ... [illegible] ... از ... انقلاب ... [illegible]

مواد متممه کنکوردا در ... [illegible] ... مواد متممه کنکوردا ... [illegible] ... از اصول

مذهب کاتولیک (کلیسای ...) ... [illegible] ... پاپ اعتقاد ... [illegible]

... [illegible] ... و ... [illegible]

از دستور ... [illegible] ... کلیسای ... [illegible]

پاپ ... [illegible] ... مقدمه

... [illegible] ... در ... [illegible]

آن ... [illegible] تبعیت ... .

[illegible] ... [illegible] ... انقلاب ... [illegible]

در مجموعه خاصی فراهم آورند تهیه این مجموعه را [illegible] که [illegible] در [illegible]

در ۱۸۰۰ بناپارت مجمعی مرکب از [illegible] تشکیل داد [illegible] از

فرق [illegible] شده بود [illegible] تهیه [illegible]

تهیه شده [illegible] در [illegible] گذشته [illegible] در [illegible]

فصول اول [illegible] در تمام جلسات که [illegible] تمام [illegible]

حاضر می‌شد و در تمام [illegible] مباحث دخالت می‌کرد و [illegible] را از [illegible] و [illegible]

[illegible] به صورت [illegible] فصول مختلف قانون ترتیب [illegible]

[illegible] و تصویب می‌رسید. قانون مدنی [illegible] مأخوذ از قوانین روم و آداب و رسوم و احکام [illegible]

و قوانین [illegible] در ۲۱ مارس ۱۸۰۴ کامل شد. [illegible] قانون را

[illegible] قانون [illegible] و [illegible] عام [illegible]

[illegible] کاملاً [illegible] است.

مؤسسات دیگر

[illegible] از کارهای [illegible] است [illegible]

در [illegible] تاریخ [illegible] بیش از [illegible] مؤسسات [illegible] و [illegible]

برای [illegible] و [illegible] و [illegible]

بنا بهر دو در پرتو اقتدارات کافیه برای اصلاحات شالوده های اساسی مملکت بود (سنه ۱۸۰۲).

برای بهبود خدمات لشکری و کشوری ترتیب جدید را ایجاد کرد (سنه ۱۸۰۲) که مطابق مراتب

نظامی و لیاقت ماموریتها درجات معین گردید. هرگاه معتبر ساز توفیق قنسول اول شرکت را نگاه

کرده و بانک فرانسه را در سنه ۱۸۰۰ تاسیس نمود و اقبال این بانک بجائی رسید هر دو ماه که

اوراق و قروض آن را ... می پرداخت و در تمام عالم معتبرترین بانک ها

محسوب و وجود داشت

ابنیه و مؤسسات جدیده هریک در مقام خود حائز اهمیت ... برخی

شهر ورک جداول ... کانال سن کانتن و کانال ... ساخته طرق وسیعه

در نواحی کوهستانی کشیده شد. صنایع را ترقی کرد و کار بجائی رسید ... از مصالح آهن الفتاه

از ترتیبه صنایع فرانسه ... در سال ۱۸۰۲ تجدید ... کرد.

تغییر حکومت قنسولی

هنگام کودتای بناپارت سلطنت طلبان گمان کردند که بناپارت ... برای بوربون ها کار کرده

و شاید ... سردار انگلیسی ... شارل ... الکساندر ... اوبر سلطنت بوربون ها

برای دیگر سلطنت فرانسه برساند ... به ... بوربون ها بسته آن وقت در عمل

... متعدد ... قنسول اول فرانسه ... و او را وعده داد

که اگر در تجدید سلطنت خاندان بوربون ... خواهد مضایقه نخواهد شد (فوریه ۱۸۰۰)

بناپارت جواب مردانه و مغرورانه داد و تقاضای آنها را رد کرد. بناپارت با نقشه‌های بیداد
ملت فرانسه را به خود جلب کرد در این وقت موقعیت خود را بر روی دولت خود جاودانی ساخته و مجلس سنا مصمم شد
که در عوض مقصود خود را در ابتدا در ماه ۱۸۰۲ خود را قنسول مادام العمر کرد و پس در ماه
مه ۱۸۰۴ خویشتن را امپراطور فرانسه خواند.

قنسول مادام‌العمر

بعد از عهدنامه آمین صلح بین انگلیس و فرانسه برقرار شد رئیس مجلس روز بزرگ کاملا برعکس تلقی آنها
را اظهار داشت و گفت این صلح برای فرانسه در اطراف هم وطن قدردانی کرد و پیشنهاد کرد به قنسول اول برای
شناسائی ~~قنسول مادام العمر~~ بناپارت ده سال دیگر به دوره قنسولی افزوده (ده سال) آقای بناپارت در جشن به
این حقیر آمد و در خاطر خود مقصود اصلی خود را هم نگفته بود مردم فرانسه هم تشنه امنیت بعد
از خونریزی مردی که موجد تشکیلات داخلی و مخصوصا افتخارات خارجی است مادام العمر زمامدار
حفظ دولت فرانسه قرار داده مطلع بود بعداً این عده زیادی از مردم عبارت دیگری را عوض و در قنسول مدت
مادام‌العمر و تشریح ساختند: «آیا قنسول اول را باید مادام الحیات به قنسولی اختیار کرد یا نه؟» بیش از
۳٫۵۰۰٬۰۰۰ رای مساعد و کمتر از ۹۰۰۰ رای مخالف در ۲ اوت ۱۸۰۲ اخذ شد
عهده برای قنسول اول حق داد که جانشین خود را نیز انتخاب کند. بناپارت از این تاریخ
خود را ناپلئون بناپارت نامید.

تغییر در ماده ۴

مورد قانون اساسی تغییر یافت و علاوه بر اختیارات سابقه حق عفو و امضاء معاهدات قنسول اول تفویض شد
که بدون مراجعه به مقامات دیگر فقط معاهده را بتصویب انجمن محدود انتخاب کرده برساند . طریقه منتخبین ملغی و بجای
آن مجالس انتخاب ~~[illegible]~~ دایر شد از این قرار : در بلوکات مجلس انتخاب ~~[illegible]~~ عمومی مرکب از تمام مردمانی از
۲۱ سال ببعد و مدت توقف آنها در آن بلوک یکسال رسیده باشد حق حضور در آن را داشتند در ولایات مجلس ولایتی
مرکب از ۱۲۰ تا ۲۰۰ عضو منتخب و در ایالات مجلس ایالتی مرکب از ۲۰۰ الی ۳۰۰
عضو تشکیل شد و از میان ۶۰۰ نفر از مردمان معتبر ایالات انتخاب میشدند . و انتخاب کنندگان و اعضاء این مجالس
سابق الذکر بعد و عده اند فوق به مجلس سنا معرفی میشد از طرف مجلس بلوکات مادام العمر انتخاب میشدند
این مجلس از حق انتخاب نامزدهای اعضاء مجلس تریبونا و مجلس مقننه و مجلس سنا را داشتند ولی
مجلس سنا انتخاب آنها را تصویب و اقتدار دست داشت همین مجلس از [illegible] در امور مربوط به اعمال
دوایر دولتی و اعضاء جدید را تعیین میکردند مجلس سنا به شغل های خالی [illegible] انتخاب میکرد
و حق تعطیل جلسات آن انتخاب را هم داشت .

چون مجلس تریبونا در بعضی موارد خاصه در مورد تصویب قنسول کبیر قانون مدنی و
قرارداد با پاپ و ایجاد گروهی دیگر مخالفت با قنسول اول کرده بود از [illegible] عده اعضاء آن کمتر
نصف شود و از کمیته ها به ۵۰ تقلیل یافته و حقوق و اختیارات آن محو شد .

با همکاری عده‌ای دیگر، مجلس سنا و دامنهٔ قدرت آن افزوده شد. از آن پس مجلس سنا نه فقط موظف بحفظ

قانون اساسی بود بلکه حق تغییر و تفسیر آن را هم یافت و هرجا که قانون را محتاج بتغییری دید

در آن تغییرات ~~[illegible]~~ اضافاتی در آن وارد کند. از افزایش قدرت سنا نفع

کنسول اول بود که حق انتخاب یک ثلث از اعضاء مجلس سنا مستقیماً بعهدهٔ او بود و بنوعی که مایل بود با او

• از ۱۲۰ عضو آن ۴۰ نفر را او برگزیده بود و بطبع آنان همه و اکثریت را بجانب خود متمایل داشت

[illegible] چون کنسول اول بموجب قانون مادام العمر در شغل خود باقی ماند سلطنت طلبان که

رشک گشتند. هنگامی که ناپلئون به تقاضای خانوادهٔ بوربون جواب رد داد بعضی از شاه پرستان

در صدد قتل او «غاصب» برآمدند. شوان‌ها و پیروان از جمله ژرژ کادودال [illegible] نیز

جعبهٔ پر از باروت در [illegible] ساخته و در معبر او آتش زدند (۲۴ دسامبر ۱۸۰۰)

معذلک کنسول اول در صدد برآمد که مجازات آنان را [illegible] و وقایع [illegible]

انقلاب را [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] جمهوری [illegible]

توطئهٔ کادودال — در ۱۸۰۳ [illegible] انگلستان [illegible] کادودال [illegible] و پیشگرو [illegible]

هم از آن [illegible] در صدد توطئه [illegible] برآمدند [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

کادودال با ورشه [illegible] [illegible] گرفته [illegible] شوان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

موکب خود [illegible] اول قنسول را در [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حرکت [illegible]

عظیم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] پیشگرو

[illegible] [illegible] [illegible] نیز با او [illegible] مورو [illegible] [illegible] پیشگرو [illegible] [illegible]

پیشگرو [illegible] مورو [illegible] [illegible] [illegible] قنسول اول [illegible] [illegible] مورو [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بود.

در ماه ژانویه ۱۸۰۴ توطئه کشف [illegible] مورو و پیشگرو و کادودال [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] دستگیر گشتند کادودال [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

اعدام دوک دانگین — [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] کادودال [illegible] [illegible] [illegible] دوک دانگین [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] پولیس داد

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] کادودال [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] دوک دانگین [illegible]

پس بدین نحو گفت: « طرز سلم که در کوچه بر پا گشتند! من تا از خود دفاع کنم می‌میرم. باید

این مردم را بر خود هراسان [illegible] بیا [illegible] که [illegible] آرام بنشینند ».

با دیگر کادرها و [illegible] ناپلئون را منع کند تا ایران [illegible] اورا داشت

d'Enghien

که [illegible] نظام [illegible] به آلمان [illegible] و دوک دانگین را ربوده [illegible] آورند (۱۵ مارس)

[illegible] ناپلئون [illegible] که به [illegible] شده [illegible] لطف [illegible] بزرگ [illegible]

وقت در خندق [illegible] و [illegible] در روشنائی چراغ تیرباران شد. [illegible]

[illegible] و [illegible] [illegible] کادودال [illegible] [illegible] خود را

خفه کرد و [illegible] از [illegible] تبعید شد.

تحول امپراطوری — [illegible] کادودال تغییر حکومت [illegible] را [illegible] [illegible] از [illegible]

~~[illegible]~~

[illegible] ناپلئون درخواست کرد که: « [illegible] بزرگ [illegible] را [illegible] کرده [illegible] بده [illegible] را [illegible]

[illegible] تقاضا [illegible] کرده [illegible] را [illegible] [illegible]

که ناپلئون امپراطور [illegible] شد [illegible] امپراطوری [illegible] [illegible] کادو [illegible]

[illegible] فرمان داد در تاریخ ۱۸ مه ۱۸۰۴ نام [illegible] امپراطور ناپلئون [illegible] و [illegible]

بعد به تنهایی [illegible] ذکور [illegible] ارشدیت انتقال خواهد یافت. چون ناپلئون [illegible] گید

[illegible] ملی [illegible] گردد [illegible] آزاد [illegible] ... ۳۵۰۰ [illegible]

[illegible] از ... ۲ [illegible] مخالف [illegible] شد.

II

~~[illegible]~~ حکومت امپراطوری

قانون اساسی امپراطوری

تبعیر [illegible] امپراطوری [illegible] قانون اساسی سال [illegible] بود [illegible] مواد [illegible] از جانب مجلس سنا [illegible]

مقصود [illegible] از [illegible] ده [illegible] شکوه و جلال [illegible] سلطنت [illegible] را [illegible] امپراطوری [illegible] و [illegible]

[illegible] الفقره [illegible] قانون [illegible] تغییرات [illegible] قانون سال دوازدهم [illegible]

امپراطور [illegible] سالی ۲۵ میلیون [illegible] و خانواده امپراطوری [illegible] شاهزادگی

[illegible] شدند. جمع کثیری از [illegible] مناصب [illegible] القاب [illegible] از [illegible] و القاب [illegible] سلطنتی

[illegible] بعلل [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] پیدا شدند [illegible]

[illegible] ~~[illegible]~~. [illegible]

[illegible] : منتخب کبیر صدراعظم امپراطوری صدراعظم دولت. [illegible]

[illegible] امپراطوری. [illegible] گشتند : ژوزف بناپارت [illegible]

[illegible] امپراطوری [illegible] – [illegible] و [illegible] امپراطوری [illegible] –

۶۴۳

لبرون قنسول سوم – برای جانبداری [illegible] – مورا شوهر خواهر امپراطور [illegible] نیز از آنها فقط

جزء هیئت دربار بودند و اگرچه ناپلئون [illegible] هیئت [illegible] و

[illegible] و سیاست [illegible] و [illegible] امپراطور آنها را از قدرت حقیقی دور [illegible]

[illegible] کرده بود [illegible] در این مقام [illegible] قوام و استحکام کنند.

مارشالها جهت [illegible] و [illegible] سرداران بزرگ انقلاب [illegible] :

کلرمان – ژوردان – ماسنا – اوژرو – برون – لان – نی – داووت وغیره.

آنها [illegible] ارشد [illegible] از قبیل [illegible]

[illegible] سلطنتی [illegible] و [illegible]

[illegible] بعضی از [illegible] شدند [illegible] تالیران [illegible]

[illegible] وزارت خارجه [illegible] امپراطور [illegible]

سابقاً [illegible]

مجلس [illegible] ناپلئون [illegible] اعضاء آن [illegible]

در [illegible] امپراطور [illegible] سنا از

طرف امپراطور [illegible] مقام [illegible]

[illegible]

امپراطور در [illegible] بهتر [illegible] باشد [illegible] جدید [illegible] کند [illegible] ناپلئون از [illegible] به موقع استفاده

کرده و برای [illegible] در [illegible] از [illegible] کرد [illegible] از حقوق [illegible]

[illegible] در تمام مدت [illegible] قوانین [illegible] در [illegible] امپراطور

[illegible] در [illegible] آن [illegible] ناپلئون [illegible]

[illegible] .

سوگند امپراطور علاوه بر [illegible] هم [illegible] نام امپراطور گرفت و دیگر هیچ [illegible]

به [illegible] امپراطوری [illegible] سلطنت استبدادی [illegible] انقلاب کبیر [illegible]

با سلطنت استبدادی [illegible] سوگند امپراطور [illegible] قانون [illegible] . امپراطور [illegible] سوگند

[illegible] حقوق ~~[illegible]~~ [illegible] آزادی [illegible] و [illegible] اموال [illegible] را

محترم شمرده [illegible] بگیرد [illegible] مگر [illegible] قانونی [illegible] . [illegible] ناپلئون [illegible]

[illegible] فوق العاده داده [illegible] انقلاب کبیر [illegible] مساوات و دیگر احترام [illegible]

[illegible] اقتصادی [illegible]

[illegible]

[illegible] امپراطور [illegible] انقلاب کبیر

[illegible] اصول [illegible] انقلاب [illegible] . [illegible]

۱۵ ژوئیه ۱۸۰۴ یعنی بعد از [illegible] امپراطوری در کلیسای انوالید صلیب لژیون دونور [illegible]

[illegible] را بین [illegible] توزیع کرد و سوگندی [illegible] را در [illegible] برادرانه [illegible]

[illegible] قوانین [illegible] حفظ و احترام مالکیت [illegible] قوانین [illegible]

[illegible] کند . و در [illegible] ممالک الطوایف [illegible] وضع کند [illegible]

آزادی [illegible] « [illegible] [illegible] امر [illegible]

[illegible] در حفظ آنها [illegible]

ناپلئون

~~[illegible]~~

در اینجا بعد از [illegible] ناپلئون [illegible] و چون [illegible]

[illegible] تاریخ [illegible] ناپلئون [illegible] . [illegible]

تن Taine در [illegible] ناپلئون [illegible] «

[illegible] ناپلئون را

تعریف و توصیف کرده » [illegible] در [illegible]

[illegible] و اینقدر [illegible] و اینقدر معایب ذکر کند .

ناپلئون هنگام جلوس بر تخت امپراطوری ۳۵ سال داشت [illegible]

• وقت داشت ما تقی‌خان ... او حرکات جاده دریغ داشت و غالب اوقات به بار ایستاده ... بود

هنگام سحری ... آب ... تا ... شد ... از ... آواز ... [illegible] بیاد

... به ... به ... تا ... [illegible] ... داشت ... پیش آمد

و آورده و ... حاجی ... ... داشت

که ... [illegible] و ... از ... [illegible] و ...

... ساخت ... [illegible] و ... تقی

... [illegible] ... و ... و ... مطلعات ... و ...

بود و چون ... مانند ... [illegible] ... دامانش ... ریخت .

در وقت رسیدن بمقام ... و ... کمال رسیده بود ... [illegible] داشت

و ... که ... به ... داشت و ... و ...

... ، ... و ... و ... و وفادار و ... [illegible]

... حقشناسی و ... بود . ... از ... بود

در قوت عقل و وسعت خیال ... و قدرت ... و اراده ... و ...

و ... به نظر ... [illegible]

۶۴۷

عقل نیرومند او به عالم بی‌نظیر او را در صف مردمان ادراک فزوده است. با اراده منظم و ترتیب
خود گفته است که هر دو کارها را مختلف در مجرای معمولی ترتیب بدهد و طبقه‌های جدید شده است به وقت بجای کارها را
قطع کرد و بجا آورده و سوخته و به جای دیگری داد که ما بوقت شیخ با شعر دیگر ترا می‌کند و ثمره
اشکال ... و اشغال را آورده و جسته می‌سازد. و هم خود گوید «هر هیچ کاری وقت نیستم مگر اینکه فقط و قتا» در
روز فردای آن حد بر ده و عواقب آن را از نظر گذرانده باشم.» خیال‌ها و منصوبه‌ها را دیگران الهام گرفت
و به کار بستن تجارب خود در عقل و رأی بلیغ او فزون گرفت.

معلوم که قوه خیال خود در نیرومندی به پایه‌ی عقل او رسیده. از ابرالمرد [illegible] تحقق
رسانیدن تخیلات و آمال منقضی شد و اتفاقاً [illegible] روزگار هم بر وی مساعدت کرد و شاهزادگی حقیقتاً بهانه کار
مدت دو صد و ده ... ... در جای تسعده در خلافت و آرزوهای خود را چنین جلوه گر آورد که می‌خواهم: «ابرالمرد
و فرمانروای جمیع ممالک عالم باشم و تمام دولت‌ها را وارث شارلمانی و فرمانروای اروپا بکنم. تفر ... کشور را با
از سروران خود [illegible] ... بدهم. پادشاهان را خادم دربار و پاپ را وزیر دولت خود کنم. پاریس را
بلده مقدسه و مرکز امپراتوری و نظام دولت‌ها و جمیع شاهکارهای صنعتی و علمی و نوادر آثار قدیم
و جدید را به پاریس ... و دارالبلاد ... . ملوک اروپا را امیر کنم که هر یک قصری عالی
در پاریس ساخته و در روز تاجگذاری امپراطور در آنجا [illegible] حاضر آیند.»

~~حس [illegible] قدرت و عظمت [illegible] ناپلئون [illegible]~~

عشق قدرت و عظمت طلبی او هم نیز به پایه عقل و خیال [illegible] رسید . ناپلئون اروپا را تنگ می‌پنداشت

و میدان عمل کار او بزرگ نیست . [illegible] دنیا [illegible] است . دوران عصر اسکندر [illegible] خود را [illegible]

[illegible] است . ناپلئون [illegible] قدرت سلطنت [illegible]

[illegible] شرکت [illegible] این [illegible] حقیقت [illegible]

[illegible] ناپلئون [illegible] کاروان [illegible]

[illegible] ۱۸۰۸ [illegible]

[illegible] : « [illegible]

[illegible] » [illegible]

[illegible]

[illegible] : « [illegible] ! » [illegible]

[illegible] : « [illegible]

[illegible]

[illegible] » [illegible] ناپلئون [illegible]

استقرار حس اعتماد داده و افکار مردم را آرام ساخت و در سایه کاردانی دقیق و اراده و [illegible]

دلاوری ها رسید و در اندک مدت سلطنتش ناپلئون نه تنها در تمام صنف اروپا فرمانروائی داشت بلکه به تنهائی

جزئیات امور دولت ممالک وسیعه را اداره میکرد.

حکومت امپراطوری

فکر ناپلئون بیشتر متوجه دو امر شد ، سیاست نظامی ، مالیه ، اداره داخلی ، نقشه جنگ ، تهیه لوازم قشون

کشور [illegible] استحکام [illegible] ساختمان عمارات ، راه و جاده [illegible]

[illegible] در [illegible] ساختمان کارخانه ها

[illegible] تقویت اراضی [illegible] وسیله [illegible]

[illegible] تعیین ساعات اوقات [illegible]

[illegible] دستور و ترتیب [illegible] قطعات

[illegible] در اروپا [illegible] حقوق [illegible] تا [illegible] امپراطوری [illegible]

[illegible] ناپلئون [illegible]

میکرد و [illegible] ختم [illegible].

ناپلئون [illegible] و روابط [illegible] و تثبیت امور [illegible]

[illegible] از [illegible] ناپلئون

تاکنون نظیر در هیچ فرد نیافته است مگر کولبر وزیر لوئی چهاردهم ~~[illegible]~~ وقتی هم خود

در جوانی را در آن [illegible] فعال شمار میکرد ، ناپلئون میگفت کار او را در تاریخ نظیر ندیده [illegible] و اطوار

خودگیری و «طبیعت من از کار سرشته است ~~[illegible]~~ تاکنون من منتهای قوه کار خود را نیافته‌ام»

روزی طبیب مخصوص او توصیه کرد که قدری که خود [illegible] بده ناپلئون جواب داد که کار و پیشه شده است

با [illegible] »

گاه اتفاق می‌افتاد که روزی بیست ساعت تقریباً بدون تعطیل و تنفس کار کند در همه جا

بکار مشغول بود چه در سر میز چه در پشت دقیقهٔ صرف ناهار میکرد یا پانزده دقیقه در سر میز شام وقت

چه در وقت [illegible] ، چه در تیاتر . شبها برحسب اراده قوه عجیبی که داشت هر وقت میخواست

میخوابید و در وقت معینی برمیخاست به چهار ساعت راحت بخواب اختصاص داده بود غالباً قطع کرده

و بکار می‌پرداخت . چنانکه گاه کار او زیاد میشد و عمال او از دستش خسته میشدند گاهی چند شبانه روز عمال او را

مشغول بکار خسته میکرد . دوره قدرت عجیبی در تنظیم امور و افکار خود داشت به تنهائی به هر

میرسید [illegible] در مدت او [illegible] ناپلئون در مدت سه سال باندازه سلاطین مستقل

کار کرده بود زحمت کشید .

در هفته یک روز معینی ناپلئون وزراء را جمع میکرد هر یک امور مربوط بخود را ارائه

و در [illegible] حتی [illegible] تمام تحقیقات [illegible] مدت ده وزرائی را

بر روز مثل ناپلئون مریض شوند و در واقع دارای سست ... دیگر و دوشنبه بعد مقامات را از
کوه و در دو ... ناپلئون را ابلاغ کند.

طرز صدور اوامر ناپلئون چنین بوده که منشی‌ها در اطاق خود راه رفته و با ابلاغ موجز
و مختصر معنی تحریر دیگر مطلب منشی‌ها حاضر املاء میکرد و گاهی چنان تند تلفظ و منشی‌ها از
ثبت آن عاجز میماندند. احیاناً ناپلئون چنین دستور سه دفعه جوزفین ... املاء میکرد. وی
نظر به مجموعه رسائل و مکاتیب ناپلئون در ۳۲ جلد مختلف ۲۴۰۰۰ مکتوب است چند ازدیاد
از قرائت کار و فعالیت وی تا حدی مستحضر شد. معذلک بنظر ما قریب ۸۰۰۰۰ مراسله
از وی در ضبط ادارات دولتی موجود است و هنوز بطبع نرسیده است.

تشکیلات دولت امپراطوری

وقت در اطاق ناپلئون در اداره طرز تشکیلات دولت او واقف میشود. در اطراف قدرت خیال و
حس تجمل ... دولت ... و دربار امپراطوری را ببعدل دستگاهی فوق العاده زینت داده و ترتیب
دربار و طبقه نجبای سابق را تجدید کند و ناپلئون معتقد بود که برای اداره آن بشر حرفها از دنیا ...
به چشم آنها باید از زرق و برق خیره کرد

هر چیزی که در مملکت مخالف اراده او بود ممنوع شد ... گردید و اداره پلیس
توسعه فوق العاده یافت ... و آزادی مطبوعات از میان رفت و کتب دیگر در آتش ...

اتفاقاً ... موافق آمال او ترتیب شد ... به دارالعلوم ... [illegible]

دوره امپراطوری | ناپلئون شخصاً بسیار ساده بود خیلی کم ... ولی امپراطریس ... مخارج زیاد [illegible]

در ... [illegible] ... ۲۰۰۰ فرانک ارزش داشت.

~~[illegible]~~

ناپلئون هیچوقت ... [illegible] ... بزرگ ... [illegible]

... [illegible] ... ترک ... [illegible] ... اولاد

... خود امپراطریس.

آن ... [illegible] ... مقرب ... [illegible]

... [illegible] ... ۱۰۰۰۰ فرانک ... [illegible] . ناپلئون

Pépin

... [illegible] ... مذهب ... [illegible] ... تاج

... [illegible] ... ۲ دسامبر ۱۸۰۴ در کلیسای نتردام از دست او ... [illegible]

... [illegible] ... باب ... [illegible]

... [illegible] ... ناپلئون ... [illegible]

... [illegible] ... ناپلئون ... [illegible]

~~[illegible]~~ زردشتی نیز در دوره وقت دوشت [illegible] و [illegible] دربار سلطنتی قدیم تجدید گردید. البته امر در باره

شرق قاره [illegible] و کیش [illegible] و برای این [illegible] ایجاد بود تصدی [illegible] امپراطور ~~[illegible]~~

دیگر بر این تجمعات [illegible] ملکه [illegible] اینها از مزدوجات [illegible] است بنا بطور [illegible]

[illegible] امروزی [illegible] و [illegible] شاه [illegible] دستگاه [illegible] داشتند در عهد اول [illegible]

[illegible] و دوستش ~~[illegible]~~ دوره شکوه [illegible] [illegible] همین ما در امپراطور و شاهزادگان و [illegible]

میز [illegible] و [illegible] نیز ~~[illegible]~~ دستگاه [illegible] داشتند. [illegible] تعداد [illegible]

اوضاع در دربار [illegible] تجدید [illegible] [illegible] تجمل [illegible] و رسم [illegible] آنکه [illegible] دربار امپراطور [illegible]

[illegible] و [illegible] حضرت [illegible] امروزی [illegible] در اوضاع [illegible]

[illegible] داشته [illegible].

بخش دوم ... امپراطوری

[illegible] بر [illegible] و [illegible] در سنه ۱۸۰۷ [illegible] بخش [illegible]

امپراطوری [illegible]. [illegible] و [illegible] شاغل داشتند ~~[illegible]~~ [illegible]

[illegible] در [illegible] بنام (احیاین) [illegible] در عقب [illegible]

[illegible] در [illegible] دوره [illegible] آرشوک [illegible] ۴۰

[illegible] از سرداران [illegible]. [illegible] قرار [illegible]: رئیس دیوان عالی [illegible]

استیناف و در این جهت از متخصصین و بعض از کلانتران و کدخدایان . اما اعضا از این دو از لقب
[illegible] گرفتند . و بعضی [illegible] مقرر گردید که القاب [illegible] و [illegible] از [illegible]
استقلال بود .
بعد از چندی ناپلئون القاب عالی‌تر [illegible] و [illegible] بعض [illegible] عطا داد [illegible] از [illegible]
[illegible] و [illegible] از [illegible] عالیه کشور . القاب [illegible] از [illegible] یادگار دوران [illegible]
[illegible] که [illegible] جمهوری [illegible] امپراطوری . [illegible] دوک [illegible] –
[illegible] دوک [illegible] – [illegible] دوک [illegible] پرنس [illegible] – لقب [illegible]
[illegible] . از جمله بزرگان کشور [illegible] وزیر امور خارجه ملقب به پرنس [illegible] گردید .
[illegible] وزیر [illegible] لقب دوک [illegible] گرفت . ناپلئون [illegible] از القاب [illegible] عطایای مالی
و [illegible] شد [illegible] سالیانه از [illegible] تا [illegible]
بعض از [illegible] ناپلئون را [illegible] می‌بود

[illegible] | ناپلئون [illegible] را [illegible] که [illegible] از [illegible]
[illegible] تقنین گشتند . واضح [illegible]
تقنینیه ناپلئون [illegible] سال ۱۸۰۸ [illegible] و صنعت [illegible]
[illegible] را [illegible] . [illegible] چند [illegible]

۶۴۵

تغییر می‌شد . بعضی مقررات اداری حتی بدون تغییر بقا یافت . و در جای بهیئت نقطه ناپلئون اقدامات

قانون‌های مدنی سال دو هزار بطبع رسید که بعداً گذراندن قوانین مربوط بسلطان وظیفه و دوام ملکی دعوی حرکت

ناپلئون در ۱۸۱۴ که از اروپا با بازگشت حقوق بورژوازی را تنظیم کرد و بر خلاف لوئی ... داشت از

در دوره سقوط ... مشروطه بود ... از ... با ... حق ... کرد . و در حقیقه مهمترین نتیجه انقلاب

۱۷۸۹ که ... از حق ... در تنظیم جمع ... ملت ... دولت گردید .

پلیس و
تعلیمات عمومی

پلیس که از دوران لوئی چهاردهم گروهی ... از همین ... تغییر یافت ولی مدیر ادارات

پلیس در وزارت ... بزرگ ایجاد کرد . تا مدتی ... و ادارات در زیر نظر ... و ... پلیس ...

... مدیران و ... مراقب ... و حرکات ... می‌کرد ... یکی

... امپراطور مردم را دستگیر می‌کردند . در ۱۸۰۷ قریب ۵۰۰ نفر در زندانها ...

گرفتار بودند ... فقط ... امپراطور مردم را ... که ...

... را ... روانه می‌کرد . در سال ۱۸۰۸ ناپلئون از اسپانیا ... وزیر ...

در دوره ... اطفال ... از ۱۶ تا ۲۱ ... ۱۸۱۸ ... مدرسه ...

سن سیر ... و ... اداره ... و ...

... « ... » اگر ادبیات ... و ... آن ... که : «

اراده سلطه‌ی ما ~~جنبش [illegible]~~ اقتضا دارد که . این کلمه شاه آنه گاه از اراده‌ی امپراطور [illegible] دیگر از عوامل مستبده

خارج گردیده است.

مطبوعات همین اراده سلطه آنکه مطبوعات را بپاید که جانی در روزنامه و انقلاب ۱۷۸۹ در [illegible] تزار و بیست [illegible]

سب گرد بعد. در آغاز دوره قنسولی در پاریس [illegible] بیش از ۷۳ روزنامه و مجله منتشر می‌شد

در روز کودتای برومر ۶۰ جریده توقیف گردید. و از ۱۳ جریده باقی مانده در سنه ۱۸۱۱

فقط چهار عدد اجازه انتشار داشتند. از این چهار روزنامه امپراطوری مشهورتر جریده دبا نام داشت

~~[illegible]~~ و دارای ۳۲۰۰۰ مشترک بود. دیگر گازت دو فرانس و مونیتور و ژورنال دو پاری.

آن روزنامه‌ها [illegible] را امپراطور معین میکرد و هیچ مقاله بدون اجازه میز اداره‌ی پلیس منتشر نمی‌شد.

در ماه نوامبر ۱۸۰۸ روزنامه‌ی گازت دو فرانس مقاله‌ای راجع به اوضاع آلمان درج و در آن نسبت بصحت اتحاد

روسیه و [illegible] انتشار داد. امپراطور بوزیر پلیس چنین نوشت: ۱۵ مدیر را

بگیرید جلب کنید و دیگری را بجای او بگمارید [illegible] اداره پلیس [illegible] سعادت و آزادی

نیست [illegible] ” در غیر پاریس جز ۸۰ روزنامه [illegible] جریده حق

انتشار نداشت و در هر شهر مقر [illegible] یک جریده [illegible] داشت و [illegible] یک روزنامه

تحت تفتیش و نظارت حاکم بوده و جز اعلانات و اخبار تجاری و خبرهای وعید و عزا چیزی را منتشر نمی‌ساخت

و موفقیت و ناشرین کتب با همین مساعدت [illegible] در زمینه ما ناپلئون افکار سلطنطلبی نسبت به [illegible]

و رژیم مطلق خود را بر آنها تعیین کرد در سنه ۱۸۱۰ نیز [illegible] ترجمه [illegible] داده [illegible] معین [illegible] و [illegible] فوراً

[illegible] تغییر [illegible] داده و انتشار [illegible] [illegible] در اوائل

حصول آن [illegible] بایند [illegible] ناپلئون [illegible] تا [illegible] و تغییر کند » [illegible] تغییرات

[illegible] حق [illegible] دارد [illegible] ناپلئون

[illegible] فقط [illegible] حق [illegible]

[illegible] دارد »

ناپلئون و تعلیمات عمومی

ناپلئون در [illegible] از افکار [illegible] الهام کامل داشته [illegible]

[illegible] افکار [illegible] خاص [illegible] ناپلئون از [illegible]

[illegible] در تعلیم و تربیت [illegible] مدارس [illegible]

[illegible] تعلیمات [illegible] ناپلئون [illegible]

[illegible] تعقیب [illegible] تعلیم [illegible] از [illegible] است [illegible]

[illegible] عالی (اونیورسیته)

تغییر داد.

دارالعلوم (اونیورسیته)

دارالعلوم امپراطوری در ۱۷ مارس ۱۸۰۸ تأسیس یافت و تعلیم عمومی را در انحصار گرفت و مقصود از تأسیس

آن بود که ~~[illegible]~~ اتحاد طرز تعلیم را تأمین کند. و اشخاصی تربیت نماید که مذهب و شاه و دولت و قوانین

حقه معتقد باشند» اعلیحضرت امپراطور منظور شاه از این مدرسه آن است که در تقاضای اصول تفرقه که مخرب

هیئت جامعه محسوب میشود از هر جهت ایمنی باشد» دارالعلوم باید وفاداری و اطاعت نسبت به امپراطور

و سلطنت امپراطوری را که ضامن آثار و سعادت ملت است تعلیم نماید.»

رئیس کل معارف که از جمله صاحبان مقامات عالیه شد و اکنون وزیر معارف نامیده میشود اداره

امور اونیورسیته را متکفل بود. اونیورسیته به [illegible] منقسم میشد. [illegible] شورا و عالی و از حیث

اداره تحت [illegible] شده یا [illegible] انقسام [illegible] ~~[illegible]~~ تقسیمات [illegible] گردید [illegible]

هم [illegible] برقرار است

تعلیمات [illegible] را [illegible] از امپراطور [illegible] برادران روحانی و [illegible]

جمع [illegible] ۴۲۵۰ فرانک [illegible] تمام [illegible]

تعلیمات [illegible]

[illegible] مدارس [illegible] اعضا و ادارات [illegible]

[illegible] ~~[illegible]~~

موضوع او موجب بیداری حس انتقاد و نکته‌گیری به نسبت نثر حکمت و تاریخ از پایگاه ادبی منحرف

کرد. مقام [illegible] با روایت یا از ابراز ذوق دولت متوقف داشت و موضوع انشاء و ادبیات کلاسیک از

ارتباط کلیه کلاسیکی و جدا دارد نسبت با بر اطوار و شرح فتوحات و بیان صفات حسنه او تمجید. شاگردها

در ادارات او عموماً شبانه‌روزی بودند و معلمین خود [illegible] لباس نظامی [illegible] و شاگردان و معلمین در

مدارس با صدای طبل و شیپور [illegible] و مدرسه شبیه سربازخانه بود.

تعلیمات عالیه دارای فاکولته‌ها و مدارس عالیه از قبیل فاکولته علوم دینیه، فاکولته حقوق

و فاکولته طب و فاکولته علوم و فاکولته ادبیات. در جمیع این شعب تعلیمات عالیه [illegible]

شد. مقصود پرورش علماء نبود و از تجربیات [illegible] علوم کلیه [illegible] نظر پرورش مستخدمین

و معلمین و قضات و اطباء [illegible] موسسات علمیه عمومی دوره

انقلاب مثل کلژ دو فرانس و موزه تاریخ طبیعی جزو تعلیمات عالیه محسوب گردید. در سال ۱۸۰۸

مدرسه دارالمعلمین عالی هم اضافه شد و معلمین مدارس در علوم و ادبیات تربیت نمود.

[اداره تعلیمات] تعلیمات متوسطه و عالیه [illegible] در موسسات دولتی و [illegible] معلمین [illegible]

[illegible] شاگردان مدارس آزاد مجبور شدند در مدارس متوسطه [illegible]

[illegible] در سنه ۱۸۵۰ بموجب قانون فالو تغییر یافت [illegible]

[illegible] منتقد شد [illegible] حالت حاصل شد.

[illegible] [illegible] شده و روحانیت [illegible] حقیقت [illegible] است [illegible] گشتی [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] از [illegible] قرنها کرده و [illegible]

[illegible] [illegible] : [illegible] محبت [illegible]

[illegible] [illegible] حفظ و [illegible]

گشتی از قول [illegible] روایت [illegible] از [illegible] [illegible] است!

[illegible] مستوجب عذاب [illegible] از [illegible]

[illegible] حتی [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] حساب [illegible] است [illegible]

[illegible] شرح [illegible] از اینجا [illegible]

[illegible] [illegible] و تفاوت [illegible]

[illegible] و ابتدای [illegible] [illegible] دراشکار [illegible]

[illegible] [illegible] مستقل [illegible]

شد انگلیس حاکم و گماشته است . داده است که انگلیس را از ولایات کلیسا خارج نماید و بنادر خود را بر

روی تجارت انگلیس ببندد (۱۸۰۶)

ناپلئون برای اینکه اقدامات خود را مشروع جلوه دهد گفت [illegible] تبعیت از شارلمانی می‌کنم که امپراطور

فرانسه و سلف عظیم الشأن او بوده و مدعی شد شارلمانی موقوفات پاپ را تفویض کرده با برای امپراطوران

فرانسه اختیارات او در روم وارد . ~~[illegible]~~ به پاپ نوشته چنین که در جواب نامه پاپ هم بستگیه آن

من امپراطور شما هستم ... لکن پاپ هم بدون اینکه حقیقه به ... مطلع باشد تا مقصود ناپلئون را دریافت

ولی در جنگ و جدال اقوام مسیحی بیطرف بگزیند . ناپلئون چون این را دید ولایات پاپ را ضبط

کرد (۱۸۰۷) و بعد از یک دو سال دیگر در (۱۸۰۹) بموجب فرمانی رسیده فرمان الحاق ولایات

پاپ را به امپراطوری فرانسه صادر نمود . به اعتراض همین روحانیان فرانسه و [illegible] حضرت پاپ

~~[illegible]~~ اگرچه [illegible] ژنرال بداوود شده تحویل طالب سلطنت ظاهری نبود ما پاپ هم ناپلئون را

تکفیر نمود .

[وقایع و تبعید پاپ]

ناپلئون امر داد ژنرال رادت انگلیس را به ... رفته پاپ را دستگیر نمود

و بعد فرمان داد پاپ را به فیلیپ برده و اورا به توقیف پاپ مأموریت داشته اند

در روز ... و ... عقلاً وارد شد پاپ ... و اورا دستگیر کرده و نگاه داشتند و از آنجا به ولایت

به ساوونا تبعید کرد و در همانجا زندانی ساخت . ولی حبس پاپ از اعتراض به
خشونت ناپلئون کاسته نمی کرد . ناپلئون کاردینالهای مخالف خود را به دربار فراخواند . بعد که تکفیری که
نسبت به ناپلئون صادر شده بود را نشر داده [illegible] ، و ابتدا [illegible] آنها را از [illegible]
رعایت قوانین ناپلئون [illegible] پس از [illegible] تمام وسیله تحقیر [illegible] او را گذراندند . وضع این
تکفیر [illegible] از احترام مردم [illegible] .

مجمع دینی ۱۸۱۱

نتیجه اعتراضات پاپ و وقایع [illegible] ناپلئون [illegible] شد پس از تقریب [illegible]
در برابر ناپلئون [illegible] شده خودداری کند و [illegible] ۲۷ حوزه دینی از کشیش
مستمری خالی ماند . چون ناپلئون خود را فرزند ارشد کلیسا میدانست و مایل بود هرگز از [illegible]
[illegible] شد تصمیم گرفت [illegible] تا رأی مجمع [illegible]
داد [illegible] آن [illegible] از قانون ۱۷۹۱ [illegible] . ناپلئون [illegible]
[illegible] حوزه کلیسا [illegible] استفاده از پاپ [illegible]
[illegible] اگر [illegible] مجمع دینی [illegible]
[illegible] انتخاب [illegible] . [illegible] از [illegible]
[illegible] مجمع [illegible] تمام [illegible] ناپلئون [illegible]

ساوو را تبعید کرد.

به‌تصاحب درآورد. برطبق دستور او که بعدها هم ساعی شد حتی عموی خود ناپلئون موسوم به کاردینال فش

را از این ترتیب اعتراض نمود و گفت وقتی ... اعمال شوم در تقاضای حضرت پاپ اجازه

جنگ داده نشد ... (ژوئن - اکتبر ۱۸۱۱)

پاپ در فونتن‌بلو

برای ... بعد از وقت ... ماموران و معتقدان ناپلئون مردم را برخلاف ... کاردینال

را ... قبول کرده ... امپراطور ... ایران

حفظ اوقات ... کلیه شرایط ... کرد و ... ساقط ... توقعات

... ناپلئون ... از شیفتگی ... پاپ ... او را قبول

مقاصد ... در موقع ... پاپ را به فونتن‌بلو آورد و پاپ در آنجا

وقت نزدیک مرگ بود (ژوئن ۱۸۱۲) و در رجعت از مسکو ناپلئون او را غافلگیر کرده

و قرارداد ... (۲۵ ژانویه ۱۸۱۳) این قرارداد قسمت اعظم متصرفات پاپ را

... و ولایات او را جزو فرانسه ... پاپ را مجبور می‌ساخت که در شهر آوینیون اقامت

اقامت گزیند و ... امپراطور ... پاپ به علت ناتوانی و ضعف در سن

۷۱ سالگی ... قرارداد را ... بعد از آنکه ... توقف کرد ... منکر شد (مارس ۱۸۱۳)

چیزی نگذشت ... ناپلئون ... پاپ گردید (ژانویه ۱۸۱۴)

باب رویت حق بزرگ در ۱۹۱۵ ناپلئون را واز فرانسه ~~خارج~~ خارج بود بنا داد دیگران

مانند ناپلئون در جزیره سنت هلن محبوس شد و باب ... نامه حرمت انگلیس لیبرالی تمره گذاشته و تحقیق

عذاب و شکنجه و الاستبعاد شده بیچاره شخص ما را در جرات کرد.

به مناقشات تاریخ لیبرالی لیبرالیست ابتدا در روحانیون و کاتولیک ها فرانسه ناپلئون را

متحد و میل مردم فرانسه شناخته دعای کلیسا را در داشتند و ساعت بعد از اینکه دین را پس از گذاشتند

ممکن بود از نزاع اروپا و برای محفوظ دین و دولت باب دولت باد اعاده حکومت کنند

اگرچه مردم از کشتن ناپلئون دوست داشتند ... محبت آنها تا از حدود امپراطوری حد خارج و مخالف

ملکی روحانیون تحت مسئله ساعت خانواده بوربون شد و لیکن تجربه سلطنت در ۱۸۱۵ طرفدار و دنبال

بوربون ها گشتند.

ناخرسندی عمومی — هنوز جنگ ها از عهد امپراطوری بسر شده بود و ناپلئون با اسم محبوبیت عامه مورد نقض و کینه

مردم شد و چون سال ۱۸۱۲ فرانسه نارضایتی عام شد ممکن و تفتیش لیاقت و

افکار و مطبوعات طبقه مردم متوسط را رنجانید ~~[illegible]~~ فوق‌العاده تجارت انگلیس را هم بعضی صنایع

فرانسه دفعه کرد و تجارت مستعمرات ... و بعض اقدامات تا حدی از رواج ملو. و در سال ۱۸۱۱

بحران عظیمی در اغلب شعب تجارت و صنعت ~~[illegible]~~ وارد نمود.

مالیات‌های غیرمستقیم از طرف دیگر نظر به توسعه امپراطوری مخارج ناپلئون به شصت میلیون [illegible] رسید و از [illegible] [illegible]
آنرا گرفته و [illegible] جنگ‌های عظیم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] مستقیم [illegible] [illegible] [illegible]
مصارف جنگ را [illegible] [illegible] تحمیل میکردند [illegible] [illegible] [illegible] قشون [illegible] [illegible]
[illegible] وجوهی که از مالیات مستقیم [illegible] کفایت نکرد [illegible] منابع عایدات جدیده
[illegible] مالیات‌های غیرمستقیم وضع شد در سال ۱۸۰۵ [illegible] مالیات‌ها را عوارض مجتمعه نام داده و از
مشروبات و اوراق تمبر و وسائط نقلیه گرفته در ۱۸۰۶ مالیات نمک را [illegible] اضافه
در ۱۸۱۱ انحصار دخانیات معمول گردید و در واقع عوارض [illegible] [illegible] ادارات انقلاب نقض
گردیده بود [illegible] رسم شد ولی تجدید مالیات [illegible] مردم از [illegible] تنفر داشتند موجب [illegible] عمومی گردید

نظام اجباری علاوه بر [illegible] از نفرات [illegible] بواسطه جنگ دائمی هر سال مردم [illegible]
می‌ریخت و [illegible] ادارات [illegible] نظام اجباری مردم تنفر داشتند زیرا [illegible] [illegible]
[illegible] این تجهیزات [illegible] داشتند در عهد [illegible] ناپلئون [illegible] [illegible]
مردم [illegible] [illegible] [illegible] هزار نفر [illegible] [illegible] هزار نفر [illegible] [illegible]
و ترتیب [illegible] اجازه داد [illegible] [illegible] [illegible] معاف [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] معاف [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

بعد از سال ۱۸۰۵ ناپلئون کار اعتراض و مخالفت را ترک کرد هر سال بر عده نظامیان تحت السلاح
افزود و حتی از پیش [illegible] را یکجا دعوت نمود. امپراطور کار را به جایی رسانید که معادل
ده سال قبل را هم خدمت نظام [illegible] و ایشان یک سال دو سال قبل از موقع قبول [illegible] مردم را [illegible]
در ۱۸۱۴ ۱،۲۰۰،۰۰۰ نفر تحت السلاح بودند. بعد از ۱۸۰۸ جوانان فرانسه هزار هزار خود را
ناقص کرده و یا در جنگلها و کوهها متواری می‌شدند. حکم صادر شد هر کس که فراریان کند
یک سال حبس شود و اقوام و کسان فراری را مسئول قرار دادند و جریمه سنگینی [illegible] در یک سال از
این قرار ۱۷۰ میلیون جمع شد. دولت [illegible] [illegible] و [illegible] فراریان [illegible]
[illegible] نظامیان را [illegible] سکنی می‌دادند خارج از نظامیان تا
[illegible] صاحب خانه بود. بعلاوه در ۱۸۱۰ عده فراریان به ۱۶۰۰۰۰ نفر رسید و ۵۵۰۰۰
نفر مورد تعقیب و دستگیری آنها شدند. در ۱۸۱۲ [illegible] ناپلئون از کوچه‌ای [illegible] عبور
[illegible] یکی از نظامیان [illegible] او را دشنام داد پلیس او را توقیف کرد [illegible]
و او را از دست [illegible] خلاص کردند [illegible] از [illegible] و امپراطور [illegible]
[illegible] دادند. اگر [illegible] [illegible] در [illegible] و
[illegible] از [illegible] و [illegible] ناپلئون [illegible]

مشکلات عامه [illegible]

[illegible] ناپلئون امور مالیه را مانند قشون خود مرتب کرد و تعقیب کرد. چنین قانون

را قبول قوانین جدید و وضع و تجارت مجدد [illegible] از خود [illegible] اعمال [illegible] بقرار [illegible]

[illegible] فرانسه [illegible] . [illegible] را توقیف و تجار [illegible] کرد و [illegible]

[illegible] . [illegible] یک میلیون [illegible] [illegible] صنعت پنبه [illegible]

به [illegible] داد و در ۱۸۱۱ در بحران صنعتی [illegible] مزد [illegible] کارگران [illegible]

آنان را پرداخت . منع تجارت [illegible] دول انگلیس [illegible] کارگران

[illegible] اقتصادی [illegible] و بحران [illegible] از عدم ورود محصولات انگلیس [illegible]

[illegible] صنعت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] از [illegible]

[illegible] گرفته . ناپلئون [illegible] [illegible] محصولات [illegible]

[illegible] محاصره [illegible] بوده

در [illegible] ناپلئون [illegible] [illegible] بسیار ساخته شد مثل [illegible]

اوسترلیتز و ~~[illegible]~~ Jéna و [illegible] و [illegible] و طاق کاروسل و

[illegible] و [illegible] [illegible] و [illegible] و طاق [illegible]

مردم به ارگ دولتوال (استاره) چهار صدسال لشکر کبیر در زمینه ها مانده شده

در قرن ۱۴ و ۱۵ در شیخ اوسترالیتز بدست آمد موزه دست در پیتونه بنام ستون واندوم را برقرار

در اکثر شهرهای بزرگ هم ابنیه عظیم و مدارس ~~[illegible]~~ جدید بنا و حفر کرد و بنادر ایست ... را

مرمت نمود و طرق وسیعه در جبال آلپ و ایطالیا و غیره ساخت تمام این خدمات

در ظرف و بال ~~[illegible]~~ با وجود اشتغال به جنگ دائمی انجام گرفت و معلوم ساخت که

~~[illegible]~~ این مرد بزرگ صاحب چه نبوغ فعال و چه فکر روشنی ~~[illegible]~~ است

فصل هفدهم

سیاست خارجی ناپلئون

نزاع با انگلستان - جنگها تا معاهده تیل سیت - اوسترلیتز - ینا - فریدلند - و ترقی و محاصره بری - مقاومت ملل - اسپانیا - اطریش

تاریخ خارجی عهد امپراطوری ناپلئون عبارت است از جنگ و جدال با دولت انگلیس و بین سایر مخالفات و مناقشاتی که با دول دیگر جداگانه و هم مجتمعاً رخ داد از فروع جنگ با انگلیس محسوب شوده [illegible] مصر و مرکز جمیع اعمال سیاسی ناپلئون بشمار رفته. ~~جنگهای [illegible] هم میتوان محسوب داشت~~

در این جنگها که عده‌ای [illegible] هم رسید و اتحادهائی که دول با یکدیگر نمودند بیشتر انگلستان محرک [illegible] دول [illegible] دولت و مصر [illegible] را به چیز میتوان تشخیص داد یکی تحریکات سیاسی انگلیس و حقد [illegible] دول از ترقی فرانسه در دول [illegible] دیگر جهانگیری و حرص ناپلئون ترتیب جنگها و [illegible] از این قرار است:

جنگ با اطریش و روسیه که معروف بائتلاف سوم است از سپتامبر تا دسامبر ۱۸۰۵ حوادث مهم آن فتح ناپلئون است در اولم و تسلیم اطریش را در هم شکست و غلبه اوست بر قوای متحده روس و اطریش در اوسترلیتز خاتمه این جنگ با معاهده پرس بورگ صورت گرفت.

جنگ با پروس و روسیه که بائتلاف چهارم معروف است از اکتبر ۱۸۰۶ تا ژوئن ۱۸۰۷ حوادث عمده آن شکست پروس است در ینا و اورشتات Auerstaedt و غلبه

بر لشکر روس در ایلو و فریدلند که منجر به صلح تیلسیت شد

جنگ اسپانیا از ۱۸۰۸ تا دسامبر ۱۸۱۳

جنگ با اطریش معروف به اتحاد خامس است در اوایل ورژیه ۱۸۰۹ که وقایع معتبر آن

عبارتند از زد و خورد اکمول Eckmühl و اسلینگ و واگرام و منتهی به صلح وین گردید

در تمام این محاربات فتح و ظفر نصیب ناپلئون شد

سال ۱۸۰۹ و صلح وین آخر دوره ترقی و پیشرفت ناپلئون محسوب شود در این تاریخ امپراطور

به ذروه تعالی رسید در سال ۱۸۰۷ با روسیه عهد دوستی بست و توجه کلی به جنگ انگلستان معطوف داشت

در سال ۱۸۰۹ بعد جنگ معروف به جنگ اقتصادی و تجارتی موسوم به محاصره بری (محاصره قاره) مشهور است (۱) با

انگلیس شروع کرد دیگر دول اروپا را مجبور نموده در این محاصره تا درجه ای با فرانسه همدست کند از این سال

تا ۱۸۱۲ ناپلئون فرمانفرمای قاره اروپا بود

در سال ۱۸۱۲ دوره سوم تاریخ ناپلئون که عهد تنزل و سقوط امپراطوری است شروع گردید.

کمتر از دو سال طول کشید از ژوئن ۱۸۱۲ تا آوریل ۱۸۱۴. در آغاز این دوره ناپلئون جنگ خود را

با روسیه برپا نمود و لشکر جنگ آن وقت که تقریباً پانصد هزار سرباز برداشته و به روسیه [illegible]

شد و عاقبت در دروازه شهر پاریس خاتمه یافت بر ناپلئون شکست قطعی [illegible] کرد:

---

(۱) Blocus Continental

[illegible]

لشکرکشی به روسیه از ژوئن تا دسامبر ۱۸۱۲ به اتحاد سادس موسوم است وقایع عمده آن فتح مسکو و حریق شهر مسکو و بازگشت شوم مصیبت آمیز.

لشکرکشی آلمان از مه تا اکتبر ۱۸۱۳ به اتحاد سابع مشهور است در این دوره جنگهای لوتزن و بوتزن و درسد و لایپزیک رخ داد و قشون فرانسه کاملاً مغلوب شد و از رود رن گذشت و به خاک فرانسه رسید.

لشکرکشی ~~جنگ~~ به فرانسه - ژانویه تا آوریل ۱۸۱۴ منجر به تسلیم پاریس و استعفای امپراطور در فونتن بلو و تبعید او به جزیره الب گردید اولین معاهده پاریس در این وقت بسته شد بموجب این عهدنامه فرانسه به حدود خود در ۱۷۹۲ برگشت محدود گشته و تمام فتوحات زمان جمهوری از دست رفت.

ناپلئون چندی از جزیره الب مراجعت کرد در ۱۸۱۵ سبب انعقاد اتحاد دیگری از دول اروپا شد ~~[illegible]~~ در ۱۸ ژوئن ۱۸۱۵ در واترلو ناپلئون مغلوب شد و عهدنامه جدیدی موسوم به معاهده ثانی پاریس انعقاد یافت حدود فرانسه به صورت سال ۱۷۸۹ رسید و در واقع آن مملکت کوچکتر از آن شد که قبل از انقلاب کبیر بود.

I

مخاصمه با انگلستان

علل عمده مخاصمه امپراطوری

حملات جوهر امپراطوری نمی‌تواند حملات عهد انقلاب بود علت آن حسد رقابت دول

اروپا که راهی بعد فرانسه از تهدید قدرت دولت را وسیع می‌دیدند و نمی‌خواستند به وسیله‌ای حال معلوم

ارزوی ادامش گریزد بعد صلح با انگلستان و تسلیم شدن دولت انگلیس .

دول اروپا معتقد امع بودند سعیف ضعیف و معایب اکون فرانسه باشد مستور داشته و تا ۱۸۱۵

نگفته جنگ با شخص ناپلئون است نه جنس در پایه او اروپا را تنزل داده است و با علامت عوام و دین

رسمی زمینه ورود از عهد ناپلئون ، فرنیه و افکار عامه را از آن وقت تا کنون حقیقت معتقد

با کاوش ساخته است .

حقیقت این است ما امروز از روی یادداشت‌های سیاسیون اروپا بخش صدراعظم اول تریخ

و درون اسناد دولتی و مطابق تحقیقات علما و مورخ مشهور اگر سوال کشف کنیم است عده زیادی سر

رفته فرق حملات جوهر امپراطوری و علل حقیقی آن را در وهم قرار دهیم که باید مسئول جنگهای ۱۸۱۵

آن زمان را دول اروپا بعد از ناپلئون و علمای اروپا مقدم شده و باب تقاضا را گشوده‌اند .

از زمان اولین جنگ ناپلئون در ۱۸۰۴ به بعد اکثر از جنس و جنگهای ناپلئون قرار

شد انگلستان و روسیه نقشه تغییرات سیاسی را در عاقبت در ۱۸۱۵ اجرا نمودند تا هم به بعد

۶۶۴

~~تسویه~~ الکساندر اول تزار روسی با انگلستان قرارداد سری بست (۱۸۰۴) که اصول عمده آن عبارت بود

از اینکه ~~[illegible]~~ «مصالح اروپا و فرانسه حکم می‌کند که طرز حکومت فرانسه

سلطنت مشروطه تشکیل شود» در تجربه دیکتاتوری ناپلئون بناپارت سلطنت شده و فرانسه که حدود اولیه

خود بازگشته و در اطراف آن ممالک تأسیس شود مراقب بوده و کمک اروپا از ... گرداند

قرارداد مزبور در ۱۱ آوریل ۱۸۰۵ ~~[illegible]~~ بامضاء اکثر دولتهای اروپا بانضمام انگلستان

رسید و مقرر شد که ... از فرانسه ... ایالات ... دولت روسیه و ... ایالات ... به ... تفویض نمایند در حقیقت ~~[illegible]~~ ده سال قبل از کنگره

وین (۱۸۱۵) تمام مقررات آن کنگره به امضاء انگلستان و روسیه رسیده بود

قرینه ... در خاتمه احوال آن عصر را توضیح دهد ... ۱۸۰۶ ...

... ناپلئون ... جنگ داد ... از ... سیاست خارجی ... نوشته است:

«... دولت فرانسه ... یا ... از ... اروپا معدوم ... کند که دیگر

عقد اتحاد ... انگلیس نپذیرد»

سوت قطع روابط انگلیس — صلح ... آمین بین فرانسه و انگلستان انعقاد یافت در ۱۷ مه ۱۸۰۴ گسیخته

... مسئول ... انگلیس ... علاوه بر ... در ... و علاوه بر

مسئله عمده آنروزی که انگلیس [illegible] دولت در آن [illegible] شد [illegible] این [illegible] بود یکی

مسائل تجارتی و دیگر مسئله جزیره مالطه.

مسائل تجارتی

در سال ۱۸۰۲ تجارت انگلیس دوچار تحدید و تضییق فوق العاده شد در موقع انعقاد صلح آمین

انگلیس ۲ گمان کرده بود که [illegible] درنظر صنایع انگلیس [illegible] اروپا [illegible] اول را

احراز خواهد کرد به این جهت در آن وقت نهایت خوشوقتی را از [illegible] معاهده آمین ابراز داشته

آنان این مسرت [illegible] ناپلئون [illegible] وقت [illegible] صلح بعد [illegible] حقوق را

[illegible] تمام قوه را [illegible] صنعت و تجارت معطوف داشت [illegible] اینکه [illegible] اولین

[illegible] شد [illegible] رقابت [illegible] گمرکات را [illegible]

[illegible] وضع [illegible] انگلیس ۲ [illegible] تضییق [illegible] و [illegible]

[illegible] اول خوش [illegible] نمود.

معرفت تجارتی [illegible] بر انگلیس ۲ گران آمد [illegible] بازارهای [illegible]

[illegible] انحصار [illegible] منقرض [illegible] در اروپا [illegible]

حمله شد. [illegible] مقدمات صلح هنوز [illegible] و [illegible]

انگلستان از [illegible] انگلیس [illegible] در [illegible]

و در ۱۸۰۱ جراید انگلیس نوشته که: «در خسارات سه سال جنگ کمتر از [illegible] تا [illegible]

[illegible] انعقاد قرارداد [illegible] بیست [illegible] گذشته و گفته [illegible]

[illegible] و شرافت ملت است (آوریل ۱۸۰۲)»

چون ناپلئون سیاست تجارت فرانسه را [illegible] در عالم [illegible]

فرانسه به اینکه در [illegible] مستعمرات [illegible] در سال

۱۸۰۰ ([illegible]) ناپلئون مستعمره لوئیزیانا را از اسپانیا پس گرفت و سیاست [illegible])

از آنها بگیرد. چون در سال ۱۷۹۱ غلامان سیاه در جزیره سن دومینگ شورش [illegible] و آن جزیره

تصرف کرده بودند ناپلئون در سال ۱۸۰۱ ۲۰۰۰۰ نفر سرباز زیر ژنرال Leclerc برای باز

گیری داشت لکن [illegible] تب زرد آن قشون را از بین برد. ناپلئون انگلیسها [illegible]

آورده [illegible] مستعمرات هند [illegible] را به فرانسه مسترد [illegible] حرص و خودخواهی [illegible] انگلیس [illegible]

[illegible] خیانت [illegible] فوق العاده ناپلئون [illegible]

[illegible] نقض و فسخ آن را آورد.

مسئله جزیره مالت | انگلیس [illegible] نقض قرارداد [illegible] موضوع جزیره مالت [illegible] انگلیسها

متعهد شده [illegible] بعد از انعقاد صلح جزیره مذکور را تخلیه نمایند. [illegible]

ایجاز خواهد ناپلئون تعهد خود را داد و قشون فرانسه را از ملک ناپل احضار نمود آنگاه انگلیسها تعلل نمودند

از تخلیه و قرارداد جزیره مالت را تخلیه نکردند.

ناپلئون به اندازه‌ای مصر و مقتدر بود که جزیره تخلیه شود ولی انگلیس گفت برای ما گوارا است

که انگلیس را در مون مارتر (خاک فرانسه) ببیند تا در جزیره مالت. زیرا که مالت در دست انگلیس به منزله

جبل الطارق ثانی بود و در مرکز بحرالروم واقع شده باشد ~~[illegible]~~ ناپلئون عقیده داشت که دریای مذکور دریاچه

فرانسه باشد یعنی تمام سواحل آن در تصرف فرانسه باشد. ناپلئون می‌گفت «ما دست یافتن به تمام مدیترانه

هدف عمده و مقصود اصلی سیاست ما است» آنگاه اگر انگلیس در جزیره مالت که در وسط و ~~[illegible]~~

قسمت شرقی و غربی بحرالروم واقع است جای داشت مانع حصول آن مقصود اصلی خواهد شد. ناپلئون

در جستجوی طریق بحری که بتواند به هند و هندوستان راه یابد و اقیانوس هند را داشته باشد زیرا که پیش بینی میکرد

در عنقریب امپراطوری عثمانی تجزیه شود و میخواست شامات و مصر را سهم فرانسه قرار دهد ولی

جزیره مالت اگر در دست انگلیس باقی بماند این مقصود حاصل نمی‌آید.

اگرچه ناپلئون از این اوضاع کاملاً متغیر بود ولی اظهار تنفر و شتاب نکرد و جمع قوای را

~~[illegible]~~ مراجعه نمائی و سیاسی را تجهیز کرد در قشون فرانسه ۲۰۰۰۰۰ نفر از سربازان

تحت سلاح را مرخص نمود و عده قشون را به ۲۴۰۰۰۰ نفر در سال تقلیل داد عهدنامه صلح آمین را بسته

در مارس ۱۸۰۳ در مدیترانه بحریه فرانسه آنقدر ضعیف و در وضع بسیار بدی است جز ۲ کشتی جنگی و ۱۵ سفینه کوچک و ده کرجی چیز دیگر در دریا نمی‌توانند. در این اوقات بحریه انگلیس قریب ۲۰۰ سفینه داشت.

بناپارت نمی‌خواست که روابط قطع شود ولکن انگلیس قوای روسیه و طرف آسیا و اروپا [illegible] قرار داد و [illegible] از [illegible] قرار [illegible] در [illegible] انگلیس برای [illegible] است. ناپلئون بعد حفظ صلح [illegible] حاضر شد [illegible] سال دیگر [illegible] را به انگلیسها واگذارد ولی لندن قبول نکرد. جنگ مجدد دوازده سال [illegible] روی [illegible] [illegible] اول [illegible] ولی [illegible] نوشته [illegible] از دوره انگلیس [illegible] مربوط به [illegible] در یادداشت [illegible] نوشته است: «ناپلئون [illegible] طالب صلح [illegible] در این جنگ [illegible] و [illegible] است. [illegible] روز ۱۷ مه است [illegible] [illegible] خود [illegible] [illegible] جنگ [illegible] [illegible] از دست [illegible]»

قطع روابط — مقارن همین تاریخ انگلیسها بعد از آنکه روابط قطع شد [illegible] شروع کردند [illegible] [illegible] سال ۱۷۵۶ را در موجب جنگ هفت ساله [illegible] کنند. قبل از اعلان جنگ کشتی‌های تجارتی فرانسه و [illegible] را [illegible] آنها توقیف داشتند توقیف کنند. [illegible] به ۱۲۰۰ میرسید و قیمت اموال توقیف شده به ۲۰۰ میلیون بالغ گشت. [illegible] شروع شد [illegible] تمام [illegible] اروپا را خراب و مغشوش و مضطرب ساخت.

اردوگاه بولونی

ناپلئون فوراً دولت هانور را که ملک شخصی پادشاه انگلیس بود اشغال کرد و بنادر ناپل را
از قبیل تارانت و [illegible] که مشرف بر جزیره مالت بود متصرف گردید و سواحل را گرفت. دو سال تمام مشغول
تدارک قوائی بود که بجزایر انگلیس ببرد چون پول نداشت مستعمرات لوئیزیان را به دولت امریکا
بقیمت ۶۰ میلیون [illegible] فروخت زیرا که با وجود بحریه انگلیس حفظ آن مستملکات
محال بود. قریب ۱۸۰۰۰۰ نفر در حوالی بولونی فراهم آورده قسمت عمده آن در
اردوگاه بولونی متمرکز بود. برای عبور از دریا و حمله بجزایر انگلستان در سواحل فرانسه تا هلند
قریب ۲۴۰۰ کشتی کوچک و بزرگ و قایق [illegible] فراهم کرد. اما با وجود
طول مدت تدارکات و [illegible] فوق العاده [illegible] ناپلئون مصمم بود
عبور [illegible] . مع الوصف در آغاز امر عقیده ناپلئون از تجهیز اینهمه قوا
و تشکیل اردوی بولونی فقط ترساندن دولت انگلیس بود که [illegible] حاضر به [illegible] صلح کند.

زوال بحریه [illegible]

هرچند بعضی اعتقاد داشتند که عبور از دریای مانش ممکن است ولی ناپلئون میدانست که بدون
حمایت جنگی [illegible] در دریای [illegible] گذر [illegible] فرانسه و [illegible] ناوگان انگلیس [illegible]
[illegible] ابتدا [illegible] جنگ [illegible] قوای بحری انگلیس را از آن دریا خارج کند [illegible] حمله [illegible]
ولی اگر [illegible] سال [illegible] از کارهای [illegible] دیگر [illegible]

انگلیسها تجربه فوق العاده در امور بحری داشتند در سنه ۱۸۰۲ فقط در یک ساز اروپا قریب ۲۰۲

جهاز جنگی بزرگ داشت بعد امیرالبحر نلسون Nelson با ۵۶ سفینه جنگ مراقب دریاهای ترا...

و معبر جبل الطارق بود از دماغه ... تا ... ۲۲۵ کشتی مواظب سواحل بود و در سال

جنگ ها ۸۹ جهاز جنگ داشتند

قوای فرانسه | مجموع قوای فرانسه در دریاهای جنوب و شمال پراکنده بود زحمت ... با ... کشتی انگلیس در دریای

مانش و بحر شمال ... داشتند تقابل ... در سنه ۱۷۹۶ ... ۱ ... فرانسه

شده و کشتی ها فرانسه را در ... داده و ... میباشد انگلیس؟ در ۱۸۰۵ ... اصلاح

جنگ ... خرابی ... کوچکی ... خود ... لکن از ... جنگ ... دارد

... کار آزموده فرانسه در حقیقه بود ... بحری ... جرئت ... دست ... فرانسه

بقیه ناپلئون ... اقتدار دریائی ... کار تمام بود لکن

فی الحقیقه ... ناپلئون ... انگلیس ... جنگ

کرد ... بسبب ... ماه

... اجراء ...

در آغاز کار ... فرانسه ... لاتوش ترویل ... دو طب

جنگ استقلال امریکا بود ... ده ... بندر ... فرانسه ... آنها را ...

مجبور انگلیس بشه رها کرده و بیانات جزیره ایرلند را بیاید بشوند البته در این صورت انگلیسها ~~تعقیب~~
تعقیب خواهند رفت و کشتی‌های فرانسه در دریا بدست انگلیسها خلاص ~~[illegible]~~ [illegible] و لی مدتی
نرفته بالاتفاق دریای مانش را از وجود دشمن پاک ~~[illegible]~~ نکردند. لاتوش تره ویل در سرداران
نیروهند و مشهور بود که می‌توانست [illegible] او [illegible] در [illegible] یک شب در فرودگاه [illegible] دست [illegible]
در نیز در سال سی‌ودوم گذشت (اوت ۱۸۰۴)

برنادوت ناپلئون نقشه جنگ را تغییر داده مقرر کرد که سفاین فرانسه و اسپانیا در برابر انگلیس ارتباط گیرند که
و ستون پرثروت و معتبر انگلستان را تهدید نمایند. البته در این صورت انگلیس قوای خود را از بحر مانش
بالضروره ~~[illegible]~~ برده اگر [illegible] مستقل [illegible] مجبور فرانسه [illegible] تمام [illegible] و [illegible]
اقیانوس دریای مانش ~~[illegible]~~ می‌شد.

ویل‌نو دریاسالار [illegible] ویل نو باتفاق سردار اسپانیا گراوینا بجزایر انگلیس رسیده
و سفاین [illegible] روشفور [illegible] [illegible] سفاین [illegible] [illegible] در وقت [illegible]
[illegible] طوفانهای عادی [illegible] در آخر بهار رخ میداد [illegible] [illegible] وقت آن [illegible]
بر [illegible] انگلیس [illegible] از اتفاق در سال ۱۸۰۵ [illegible] رخ داد در ظرف [illegible]
تمام یک روز باد موافق و [illegible] برای [illegible] فرانسه بوزید.

تدبیر و نقشه سوم یعنی نقشه اول بود ویل نو را با جهازات از آنتیل نیز به اروپا احضار کرده دستور
داد که با قوای بحری روشفور به بندر برست رفته و او را از محاصره انگلیسها خارج و خلاص کند و دریای مانش را
مسخر سازد (۲۶ مه ۱۸۰۵) ولی ویل نو که بیم و هراس قوی داشت اتفاقاً مردی ضعیف النفس بود
از جزئی حادثه ای متزلزل می‌شد و بسیار بدبین بود و اعتقاد داشت که بحریه ضعیف مقابله
با بحریه انگلیس محال است. با این تصورات نزدیک سواحل فرانسه رسید در آنجا جنگی با انگلیسی
دریافت در اثر تقویت روحیه ضعیف هنگام جنگ ناچار گریخت ولی نتیجه مهمی
حاصل نکرد ~~...~~ در این وقت او خبر داد که تمام قوای انگلیس
در برست مجتمع است اگرچه این خبر اصلاً درست نبود ولی ترسیده ویل نو دستورات ناپلئون را
بخاطر نداشته بسمت شمال روی آورد راه جنوب پیش گرفت به بندر قادیس پناه برد
(۲۰ اوت ۱۸۰۵)
ناپلئون که در اردوگاه بولونی منتظر وصول ویل نو به بندر برست بود
از عقب نشینی او آگاه شده به اندازه خشمگین گردید که بزودی ورود ویل نو به دریای مانش
کار میزده که ناپلئون اقدام به عبور از دریای مانش بکرد و تمام این اطلاعات ...
رفته بود زیرا که در ۱۸۰۵ دیگر این اقدام ممکن نبود ... دول ... روس
و اطریش بود انگلیس ... ناپلئون ... از حمله ... انگلیس ...

نظر نکرد که ترتیب خود را مقابل خط جدید بکشد و [illegible] و بالنتیجه دشمن کاملاً

ولی نلسن دریادار انگلیسی رفع تهمت جبن از خود کند ، ۳۳ کشتی جنگی امیرالبحر ویلنو انگلیسی

که ۲۷ سفینه داشت عزیمت کرد . روز ۲۱ اکتبر در مقابل دماغه ترافالگار قریب

تنگه جبل الطارق [illegible] در دو [illegible] متفرق شد . ولی نلسن توانست از تفوق عددی فائق

[illegible] که [illegible] و ویلنو را به موازات ساحل در خط مستقیم جا داد [illegible]

انگلیس در دو ستون عمودی بر آن خط حمله آوردند و در فاصله شش ساعت [illegible] را از هم جدا

ساخته و مرکز و مؤخرة الجیش آن را [illegible] ضعیف ساختند . اگرچه [illegible] وظایف خود [illegible]

بعضی از آنها [illegible] وظایف [illegible] و رئیس [illegible] ویلنو [illegible] از اول کشتی

مقابله نمود لیکن عاقبت چند [illegible] سفینه ویلنو خود را [illegible] از میدان جنگ [illegible] شده

ولی نلسن هم از [illegible] تیر [illegible] ۱۷ کشتی دیگر [illegible]

کشتی دیگر خود را به بندر قادس رسانیده . آن انگلیس ها در مقابل امیرالبحر خود را [illegible]

نلسون [illegible] از [illegible] وارد میدان شد و با کشتی [illegible]

مقابله [illegible] از کشتی [illegible] سفینه خود

از پای درآورد .

نتایج جنگ ترافالگار

در نتیجه این شکست بحری محصور شد زیرا که قبل و بعد از آن موفقیت در جنگ زمینی نصیب ناپلئون گردید

اول فتح اولم Ulm (۲۰ اکتبر) دوم فتح اوسترلیتز Austerlitz (۲ دسامبر) لکن فیروزمندانه

واقعهٔ دریائی بود زیرا که بعد از قضیه ترافالگار انگلیسها بطور قطع فرمانروای بحر شده و از بیم حمله و تجاوز

خود ایمنی حاصل کردند. ناپلئون چون دید که دشمن دست نیافتنی است و طریق برای حمله مستقیم مسدود گردیده

قرار شد که حمله غیر مستقیم خود را آغاز و در آورد بر ~~[illegible]~~ اروپا ~~[illegible]~~ انگلیس ...

و ~~[illegible]~~ ... گفت: «و اختیار بحار را از دست قوم انگلیس ~~[illegible]~~» خواهم گرفت. ناگفته

نماند شکست بحری فرانسه موجب شد در سیاست خارجی ناپلئون صورت تازه بگیرد و ترافالگار موقعیت

و ریشه ترقی و اعتبار بحری انگلیس گردید.

II

جنگ ۳ و ۴ ~~[illegible]~~ معاهده تیل‌سیت متحد اروپا

اوسترلیتز - ینا - فریدلند.

ثالث و اتحاد ثالث اروپا

در سالهائی که ناپلئون مشغول تهیه مقدمات حمله از بولونی بود دول اروپا در بهار سال ۱۸۰۴

اتحاد سومی کردند محرک و رابط فعال این اتحاد ~~[illegible]~~ انگلستان اول آن روسیه بود. پول اول پادشاه روسیه را بعض

مصاحبین ناخشنود او در اطاق خود کشتند و پسرش ~~[illegible]~~ الکساندر اول را در سن ۲۴ سالگی بر اریکه تزاری

نشانیدند (۲۳ مارس ۱۸۰۴) ~~[illegible]~~ الکساندر خیالات و مقاصد عالیه در سر داشت میخواست دول اروپا با ملت های

محکم بین الدول درست شده و در مشرق زمین خاصه امپراطوری عثمانی ارث نفوذ یابد از حقوق ... دولت

جنبه حرفه کاملترین جنبه ارث می‌برد. در این مقاصد با افکار و مرام ناپلئون معارف و معارض میشد

معذالک این مقاصد خاص علت دیگر هم داشت که حمله بر ایالات شرک بود در داخله مملکت دیگر از آن

برای انگلیس و آن حسد و رقابت بود نسبت بعظمت فرانسه.

اعمال ناپلئون در آن وقت و بیرون اروپا بیش از پیش موجب میداد ~~[illegible]~~ الکساندر اول را بیشتر به

رقابت و حسادت تحریک کرد. در جمله ناپلئون ولایت هانور را که در تصرف قشون فرانسه بود

رها... خود متحد ساخت و بعد ا... در صورتیکه انگلیس بیاورد حاضر شد از ولایت ... رسید

تعویض در آورده. در آغاز سال ۱۸۰۳ نیز جمهوری هلوتیک را بعنوان ... ساخت و ...

راضی شده و ناپلئون میان ایشان صلح واقع شد و سفیر سیاسی کشور آمده منعقد شد (فوریه ۱۸۰۲)

مقارن این احوال ناپلئون در معرض ~~[illegible]~~ آلمان را تقسیم و تعدیل کرد بنا بر این

عهدنامه لونویل بعض شاهزادگان دارای آلمان تقاضای جبران خسارت داده و [illegible] و

ناپلئون را بحکمیت خواستند و نیز تزار روس را در این کار شرکت داد ولی تمام کارها در دست ناپلئون گرفت

و تا سفیر تزار [illegible] نام [illegible] تا ایران [illegible] [illegible] [illegible]

بعد از قضایای دوک دانگین [illegible] ناپلئون [illegible] به تزار روس [illegible] آمد.

دستگیری ~~[illegible]~~ دوک دانگین (مارس ۱۸۰۴) بهانه قطع روابط شد. تزار اعتراض کرد

و [illegible] ناپلئون در [illegible] آنکه [illegible] کرد و ناپلئون جواب داد و [illegible] روسیه بهانه [illegible] دستگیرشده [illegible]

[illegible] و [illegible] مستقیماً تزار [illegible] ماند ~~[illegible]~~ [illegible] اگر ~~[illegible]~~ تزار [illegible] و در

قرب سرحدات او جمعی مشغول توطئه بر علیه [illegible] پول اول تزار سابق روس بودند در دستگیری آنها

تردید و تأملی جایز می‌شمرد؟ [illegible] ایلچیان را از دو جانب احضار کردند.

تشکیل اتحاد دوم | از این تاریخ تزار روسیه در عقد معاهدات اتحاد ثلث [illegible] در [illegible] ۱۸۰۴ با پادشاه

پروس و در نوامبر ۱۸۰۴ با امپراطور اتریش و در ۱۱ آوریل ۱۸۰۵ با دولت انگلیس ~~[illegible]~~

~~[illegible]~~ [illegible] و امپراطور اتریش وعده داده که ۲۲۵۰۰۰ مرد جنگی بمیدان گسیل کند

انگلیس متعهد شد که مبلغ ۳۱ میلیون در سال به ازای هر صد هزار نفر که در این جنگ شرکت کنند [illegible]

ورود انگلیس در اتحاد دول آتش جنگ را یکباره مشتعل ساخت.

ائتلاف سوم

فرانسوای دوم امپراطور اتریش در ۹ اوت ۱۸۰۵ معاهده جنگ روس و انگلیس را امضا کرد

از اواخر ۱۸۰۲ بعد از صلح امین ناپلئون از روی سیاست خود را بنحوی میخواست دارای حکومتی کند

که ناپلئون تجزیه شده و از جانب خارج آلمانی بود و نقشه هجوم به جزایر انگلیس را طرح کند

انگلستان [illegible] ناپلئون جمهوری سیزالپین را مبدل به سلطنت ایتالیا کرد و [illegible]

پوشش این را برادر خود ژوزف [illegible] عاقبت [illegible] خود تاج سلطنت را بپذیرد. امپراطور

اطریش [illegible] ناپلئون [illegible] سلطنت ایتالیا [illegible]

فرستاده در جشن تاجگذاری در شهر میلان شرکت جست (۲۶ مه ۱۸۰۵) و در ژوئن ۱۸۰۵

تاجگذاری ناپلئون اول

الحاق جمهوری ژن را بفرانسه اعلام کرد. نیز روش مسالمت و صلح جوی امپراطور اتریش فقط

برای [illegible] ناپلئون در [illegible] قشون [illegible] روسیه بود. [illegible] مقدمات [illegible]

که [illegible] از [illegible] جنگ [illegible] انگلیس [illegible]

[illegible] ناپلئون [illegible] (۲۰ سپتامبر ۱۸۰۵)

سپاه بزرگ

[illegible]

۶۲۲

بجا برساند بیش از اندازه [illegible] متحیر [illegible] و بیمار [illegible] شد از [illegible]

و بیش [illegible] آگاهی است در هیچ جا ترتیب و نظم در آن نیست». آنچه [illegible] از جهت درست

نقشه و خطاهای کوچک [illegible] و تمیز [illegible] که گویا بر او مجهول بوده [درواقع زمان تصویر را از [illegible]

[illegible] بوده بر سر کار [illegible] و در جنگ آن را میداد] دیگر سرعت حرکات ناپلئون.

[illegible] ناپلئون [illegible] توقیف در حال [illegible] در اردوگاه [illegible]

منتظر ورود ویل نو [illegible] تمام در احوال [illegible] مراقبت کرد و میگفت:

[illegible] ۲۰۰۰۰۰ نفر [illegible] و [illegible]

در [illegible] (از ۲۰ تا ۲۲ [illegible]) ناپلئون [illegible] سپاه بزرگ [illegible]

از [illegible] رود [illegible] داد.

نظر [illegible] (یعنی ۰۰۰ ۱۸۵ نفر و ۳۴۰ توپ)

ناپلئون [illegible] سپاه بزرگ خود را ترتیب جدیدی تجزیه کرد و [illegible]

[illegible] ~~[illegible]~~ دو [illegible] فوج [illegible]

بود و [illegible] حفظ [illegible] مجمع [illegible]

بیشتر از ۰۰۰۰ [illegible] ۱۸۰۰۰ [illegible] رسید. [illegible] ۵ سپاه [illegible] و فقط [illegible]

امپراطور وقت را غنیمت دیده دفعه اول سواره نظام و توپخانه و هر گونه مهمات ازوقت بصورت

سپاه کامل بخود نگرفت . عده این لشکر هفت سپاه بود و هر یک از این شش یعنی شناخته شده در دارالملک

که ترتیب از این قرار معین گردید : سواره نظام (۱) برنادوت (۲) مارمون . (۳) داوو .

(۴) سولت (۵) لان Lannes (۶) نی (۷) اوژرو Augereau بعلاوه

آن افواج سواره نظام سنگین اسلحه از زوبیر و تفنگچی و افواج دراگون و همچنین دستجات توپخانه ~~[illegible]~~

که جمع آن به ۲۸۰۰۰ نفر میرسید در تحت فرماندهی مورا ~~[illegible]~~ ملقب به

«پادشاه سواره نظام» قرار گرفت . گرچه عده را سواران احتیاط نام نهادند . گارد

احتیاطیه عاشر موسوم گارده امپراطوری مرکب بود از صنف افسران و شش لواری پیاده

و سوار و ماشینک و توپخانه که جمعا ۷۰۰۰ نفر بعلاوه و اینان را «برگزیدگان برگزیدگان»

میگفتند در این عده ۲۴ توپ نیز موجود بود .

جنگ ۱۸۰۵ . در این وقت و در موقع منتقم گردید اول مصاف با اطریش در

تحت ... در حوالی اولم Ulm (۱۸۰۵ اکتبر) دوم مصاف با قوای متحده روس و اطریش

در شمال وین در واقعه معظم آن جنگ اوسترلیتز بود (نوامبر و دسامبر) .

جنگ اولم کشور اطریش بعده ۸۰۰۰۰ نفر تحت ... خود را بنواحی اولم رسانیده سردار

اطریشی بود . ماک منتظر بود و ناپلئون از طریق جنگل سیاه (Forêt-Noire) وارد میدان نبرد
ولی ناپلئون طرز محاربه مارلبورو را تکرار کرده قشون خود را از طریق استراسبورگ و کارلسروهه
و اسپیر و منهیم و ماینس از شط رن عبور داد و با مسافت بعید از خطوط دشمن در
پناه سلسله کوه‌های سواب وارد دره‌های مین و نکار پیشرفت جناح یمین را در اشتوتگارت
ثابت نمود که بگمان مردم محور جناح چپ ~~[illegible]~~ وقتی بود . آنگاه ~~[illegible]~~ میمنه سو بورزبورگ
برده وارد راه آنسباخ بجانب جنوب تمایل جسته و دفعةً تمام (اسپاه برگ) را در مقابل
دوناورث ~~[illegible]~~ Donau-Woerth بدانوب رسانید . باین ترتیب ناپلئون در
اولم و وین واقع شد و با اشغال اوگسبورگ و پلهای لخ راه معاودت و ارتباط
و فرار سو بر لشکر اطریش مسدود ساخت . آنگاه لشکریان را دو دسته کرد و از دو سمت
رود دانوب تا ژان تا ژان در دو راه خود گرفته از اطریش نفرت و بیزاری کرد در عرض راه
چند جا دشمن را شکست داد و عاقبت اطریشی‌ها را در اولم محاصره کرد . روز یکشنبه
۲۰ اکتبر یعنی روز ۵م واقعه ترافالگار در دریا اتفاق افتاد ماک سردار اطریش امان
خواست لیکن جنگ ۱۴ روز طول یافت و ۶۰۰۰۰ اسیر و ۲۰۰ توپ و [illegible]
۸۰ رایت بدست ناپلئون افتاد .

جنگ اوسترلیتز ناپلئون از اولم عنان بجانب وین تافت و گفت: «بگذارید روسها را از زحمت طی نیمه مسافت برهانیم» علت شتاب ناپلئون آن بود که ترسید مبادا پروس خیانت ورزیده وارد جنگ شود که با وجود بدی راه که از باران و برف شدید و جنگ و گریز دائم ناپلئون دو برابر مسافت اولم تا وین را در ۲۳ روز طی کرد. شهر وین بی مقاومت تسخیر شد (۱۲ نوامبر) و بسبب خدعه مشهور مورا تمام پل‌های دانوب بدست فرانسویان افتاد. ناپلئون از پل های دانوب رفته و وارد خاک موراوی شد. چون باردوی قشون روس و اطریش در حوالی اولموتز Olmutz بودند رسید بعد ناپلئون بسمت شمال آمد و در فرانزن (؟) را دریافت: ناپلئون ده روز قبل از مصاف زمین را بازدید کرد و بر دقایق آن آگاهی یافت. الکساندر خدعه بکار برد و نمایش‌های بسیاری از ضعف و ترس خود داد تا اینکه دشمن جری شد و هر دو پادشاه روس و اطریش بمیدان مذکور واقع در ۱۲۰ کیلومتری شمال وین وارد شده در این محل روز ۲ شنبه ۲ دسامبر ۱۸۰۵ مقارن روز جشن تاجگذاری او بود جنگ او در تنها زیبا ترین و بهترین جنگهای او است که بقول مورخ نظامی الالی روستو نام اوسترلیتز نبرد را عالم با بشارت [illegible] در تاریخ دنیا ~~[illegible]~~ جنگ تمامی و زیبائی آن باشد.

اوسترلیتز میدان جنگ برگزیدهٔ ناپلئون محلی است در جنوب شرقی برون در فرجهٔ زاویه که از
تقاطع ~~خط~~ جادهٔ وین به برون و برون به اولموتز تشکیل میشود و این محل واقع است در شش کیلومتری
مقابل شهر کوچک اوسترلیتز . این دشتی مرتفع است و جهت ناقص دارد و تپه‌های پوشیده از درخت
کاج محصور است و تمام جانب شرقی آن از رودخانه باتلاقی و فرورفتهٔ گولدباخ احاطه بود. اطراف
وجنوب قریه‌ای در کنار آن رود واقع گردیده است . جمعه ۲۹ نوامبر ناپلئون از پیش سپاه روس و اتریش
گریخته شهر اوسترلیتز را هم واگذاشته قراول رودخانه را گرفته و ۷۴۰۰۰
نفر را مأمور ساخت قسمتی در پشت رودخانه در طول جادهٔ موازی با رود مزبور است ترتیب داد.
طول جبهه لشکر به ۱۰ کیلومتر میرسید جناح راست قوای ناپلئون دادوست در قریه تل‌نیتز و
سوکول‌نیتز بود جناح راست باتفاق سوار نظام احتیاطی مورا و لشکر لان به تپه‌های مستحکم سانتون
تکیه داشت یعنی در دست راست جاده اولموتز ~~تکیه داشت~~ . ساحل رودخانه گولدباخ چندان مرتفع
تر از ساحل راست است و به جانب دیگر مشرف است در طرف جنوب سواحل رود مزبور
انخفاض یافته دهلیزی سراشیب به قریه تیل‌نیتز میرسید در آنجا مرداب کوچکی است
که در آن فصل لایهٔ ضخیمی از یخ سطح آن را پوشیده داشت. ناپلئون این اراضی مرتفع را بدشمن گذاشت
و در برابر آن لشکر را تحت فرماندهی سولت بود وقلب سپاه محجوب شده جای داد.

۶۸۲

نقشه ناپلئون این بود که چون قوای خصم به اراضی مرتفع رسید و حرکات تند دشمن بخیال قطع ارتباط سپاه فرانسه

با شهر وین بیفتد و قوای خود را از جانب چپ حرکت داده بلاقصد سه راه فرار بطرف وین تنگ

کردند . البته برای انجام این مقصود باید دشمن قلب سپاه خود را بجانب راست [illegible] سبک کرده و قوای

خود را به جناح چپ سپاه پرتاب و در پیل نیز متمرکز سازد . از وقتیکه این حکم دشمن ظاهر

خطا به نظر رسید ناپلئون ارتفاع مرتفع را متصرف گردیده و قلب سپاه خصم را که ضعیف شده

مورد حمله سخت قرار داده و باین ترتیب دشمن را منقسم و تجزیه نمود . بعد از تجزیه هر جناح

از دشمن را که ضعیف تر شده بود پی آن حمله کرده آنرا در هم شکست

بهمان طوری که ~~[illegible]~~ ناپلئون خواسته بود دشمن جنگ [illegible] او در آن کرد

ناپلئون بود قرار گرفته بود . سپاه اطریش و روس روز ۳۰ نوامبر اراضی مرتفع را گرفته عده آن

سپاه ۹۰۰۰۰ تن و عنوان ریاست آن با کوتوزوف روسی بود ولی در نفس الامر اطرافیان تزار

نقشه حرکات آنرا هم میکشیدند ولی اشخاص مردانی بیمغز [illegible] بودند و او را

طرف [illegible] ناپلئون و قوای او را منهزم خواهند ساخت . شب یکشنبه اول دسامبر

اطریشیها و روسها حرکات مقدماتی خود را شروع کردند و ناپلئون با کمال مسرت در آن

شب سرد و روشن گوش بصدای طبل و شیپور آنها داده و تا سه ساعت بعد از نصف شب

از حرکات آنها محفوظ [illegible] و از فرود آمدن [illegible] دشمن [illegible] تیل تیز [illegible] بود . دشمن در این

مکان قریب [illegible] از [illegible] Buxhaeden بوخهودن متمرکز [illegible] .

روز ۲ شنبه ۲ [illegible] ساعت هفت صبح [illegible] ناپلئون انتظار داشت بوخهودن شروع

بحمله بر قریه تیل تیز [illegible] کرد . برای اینکه [illegible] قریب [illegible] مارشال داوت

[illegible] ۳۵۰۰۰ [illegible] و تا سه ساعت تمام در

میان خانه دهقانان و در [illegible] و زیر درختان و دیگر جنگ سخت برپا داشت .

[illegible] در ساعت یازده [illegible] درآمد .

[illegible] ناپلئون [illegible] که [illegible] کوتوزوف و

امپراطوران روس و اطریش بود . در ساعت هفت و نیم آفتاب درخشان طالع گشت [illegible] درخشندگی

آن از نوادر است و در افواه عوام [illegible] تمام اختصاص دارد مه غلیظی اراضی [illegible] را پوشیده

و مجاری رود گولدباخ و تپه پراتزن را مستور داشت . فقط نقاط مرتفعه از زیر

پرده مه [illegible] و در نور خورشید جلوه [illegible] میکرد . افواج مارشال سولت [illegible] حمله شده

و در ساعت هشت و نیم در پناه حجاب مه غلیظ رهسپار گشته ~~[illegible]~~ غفلةً

به [illegible] خصم رسیدند . و در ساعت نه بالاترین نقطه [illegible] رسیده و ناپلئون هم [illegible]

بالا رود تصرف با شتاب پرداخت. در این وقت روسها و اطریشیها که از خطای خود متحیر و از غفلت خود واقف گشتند

با کمال نومیدی برای تجدید تصرف پراتزن کوشیدند و تمام کوشش بزرگ اجتماع روس با کمال دلاوری ادامه داشتند

تا چهار ساعت مقاومت به حمله برد ... سولت قائم توپخانه ... یکدیگر را با آتش گلوله گرفتند

بعد از ظهر روسها شکست یافته خود را در گودالها افکنده و بسیار بجانب اوسترلیتز گشتند.

در اثنای این مقاومت ژنرال سولت تسخیر پراتزن بود جناح چپ در دامنه تپه سانتون

سرداری مورا و لان به فتح دیگر نایل شد. مورا چهار هزار سوار ... را بجانب سوار نظام اول

فرستاد که روسها را از دم شمشیر آبدار گذرانیدند. لان پیاده نظام روس را شکسته یک دسته را مجبور

ولموتز به عقب نشینی و دسته دیگر را بسوی اوسترلیتز گریزانید

فقط جناح چپ خصم سرداری بوخ هودن برجا بود در یک جنگ کوتاهی آنرا شکست

ساعت دو بعد از ظهر قشون ژنرال ... جبهه ... تغییر داده و از بالای ... طرف ... پیش ... طرف ...

روسها ... تل نیتز و سوکول نیتز نهاد. روسها که در میان ... ناپلئون و

داووست افتادند ... بودند در ~~...~~ ودان گاز افتادند ... دو هزار نفر تلف

دادند ... قریه ~~سوکول~~ تل نیتز افواج ... سوق اندازی ... چون

بر روی یخ رسیدند توپخانه ژنرال ... گلوله ... یخ در زیر پای خصم شکسته و چندین صد نفر

... با چند توپ در آب غوطه خوردند. ساعت چهار بعد از ظهر جنگ ...

کار قطع تمام شد باران سیل‌آسا و برف سهمگینی باریدن گرفت. در سپاه اطریش ۲۷۰۰۰
نفر مقتول و مجروح و اسیر بجای گذاشتند ومهمات بسیار با چهل بیرق و ۱۸۰ توپ بتاراج
سپرد و در واقع تمام مهمات جنگ و توپخانه روس و اطریش آنها بدست خصم آمد. یکی از سرداران لهجار
فراری لانژرون نام درباره این جنگ میگفت: «من از شکست که دیدم آنقدرها چیزی
نگفتی در مخیله‌ام خطور نمیکرد.» در مقابل این فتح نمایان ناپلئون ۸۰۰۰ نفر تلفات داد
و ۱۴۰۰ تن از آنها مدرود حیات گفته. بکلی قسمت تلفات شده ۲۵۰۰۰ قوای احتیاطی
را بجنگ نینداخت فی الحقیقه این شکست دادن به ۹۰۰۰۰ قشون دشمن بیش از
۶۵۰۰۰ نفر بمیدان نیاورد. فتح اوسترلیتز نتیجه کثرت عدد و قوای
جنگ نبود بلکه نتیجه تفکر و حساب و پیش‌بینی دقیق بود.

معاهده پرسبورگ — شب بعد از جنگ فرانسوا امپراطور اطریش در حال فرار از ناپلئون تقاضای ملاقات کرد.
دو روز بعد دیدار صورت گرفت و منجر بقطع جنگ شد و ناپلئون اجازه داد که
قشون روس آسوده عقب بنشیند ولی منازل و مراحل آن را قبلاً ناپلئون معین نمود. اطریش
وارد مذاکره آشتی شده و مقدمات معاهده پرسبورگ Presbourg ...
(۲۶ دسامبر ۱۸۰۵)

اطریش ایالت ایستری و دالماسی و ونیز را که بموجب معاهده کامپوفورمیو تصرف کرده بود
ازدست داد علاوه بر ولایات سواب و تیرول و غیره را هم از املاک قدیمه او بود [illegible] رها
و باین ترتیب راه آن ملک به دریای آدریاتیک و ایطالیا و دره رن مسدود و [illegible]
لذا اتباع آن دولت ازدست رفت

ناپلئون ایالت ایستری و ونیز و دالماسی را بمملکت ایطالیا ضمیمه کرد و باین ترتیب
با ممالک عثمانی و شرق راه ارتباط و ایالت سواب و تیرول را میان متحدین آلمانی خود
منتخب دو ورتمبرگ و منتخب باویر تقسیم کرد.

امپراطوری بزرگ

پس از ترتیب ناپلئون را موفق کرد بنا بر خیالات و آمال قدیمه خود کارهای شارلمانی را
تجدید کرده و تاج بخشی و کشورداری کند. از شروع اول ۱۸۰۵ دو پادشاه ساخت
در آن دو یکی در ایطالیا و دیگری در هلند. منتخب ورتمبرگ و منتخب باویر تاج شاهی
بر سر نهادند و ناپلئون ممالک [illegible] و داشتن حسن اتحاد [illegible] با امپراطور [illegible] در ایطالیا
حکم داد سلسله [illegible] ناپل را از سلطنت [illegible] خارج ساخته بجرم آنکه در زمان جنگ با انگلیس مساعدت
۲۷ دسامبر ۱۸۰۵ کرده بود در واقع [illegible] حکومت [illegible] را [illegible] از [illegible] خود [illegible] معزول کرد
بموجب فرمان دیگر سلطنت ایطالیا را برادر ارشد خود ژوزف داد (اول فوریه ۱۸۰۸) و [illegible]

۶۸۷

باتاویا را سلطنت هلند نام داده و پادشاهی آنجا را به برادر دیگر خود لوئی تفویض کرد (۵ ژوئن ۱۸۰۶)

ناپلئون عده‌ای به تاج بخشی و ولایت بخشی هم کرد. شد. امارت برگ را بمورا داد که هم بر [illegible] بود

و چنانکه گفتیم در سوق سواره نظام او را عدیم النظیر می‌شمردند. ایالت نوشاتل را به مارشال برتیه Berthier —

~~تفویض~~ عطا کرد که رئیس ارکان حرب کل بود. و ایالت بنونت Benevent را به تالیران

وزیر امور خارجه سپرد. و قس علی ذلک. از طرف دیگر باز جلب پادشاه‌ها و پرنس‌های ولایت‌ها در سو

باویر تقسیم کرد. در این اوقات ناپلئون تشکیلات عتیقه آلمان را بر هم زد و حوزه امپراطوری

مقدس ژرمانی را در هم شکسته اتحاد ~~[illegible]~~ رن را تشکیل داد و بر سرتاسر ممالک

اطراف رن و دانوب مسلط شد.

تغییر ملک آلمان — تغییراتی که در آلمان رخ داد تقریباً مستقیم نتیجه اوضاعی بود که [illegible] دیدیم تشکیل کنوانسیون

در زمان انقلاب و قراردادهای بال و لونویل نقشه آن را بر هم زده و سرحدات غربی

و رونده را نگاه رن را ~~[illegible]~~ نیز

[illegible]

~~[illegible]~~

~~تفرقه [illegible] ناپلئون چون [illegible] و اتحاد [illegible] [illegible]~~

~~[illegible] برد و [illegible] در [illegible] شد [illegible]~~

۶۸۸

وقتی ناپلئون در ۱۸۰۳ عده ای از امرای آلمان را بیدار کرد و به ۸۲ امارت روحانیه ناپلئون حکومت

بازهم تقلیل داد و تشکیلات آلمان به نفع خود ساده تر شد در این اقدام مجری از امراء آلمانی خاصه

اسقف منتخب مایانس بود که دفعه اسقف مزبور ناپلئون را دعوت کرد که در مرحوم زوال ملت

نجیب ژرمن را نجات داده و «امپراطوری قدیم ژرمن را احیاء کند» و امپراطوری مغرب زمین را

چنانکه در عهد شارلمانی بود از نو ایجاد کند و باز ایطالیا و فرانسه و آلمان را در تحت سلطنت واحده درآورد»

اتحاد رن

ناپلئون مسئول اسقف مایانس را برآورد دو پادشاه جدید باویر و ورتمبرگ را با ...

تن از امراء جنوب و مغرب آلمان را ترغیب نمود که از امپراطوری آلمان کناره گرفته و تشکیل اتحادیه بنام

امارات متحده رن یعنی les Etats confédérés du Rhin (۱۲ ژوئیه ۱۸۰۶)

لذا متحدین ... فرانسوا دوم امپراطور را درمورد جدائی بود که در این دراز قرار ملغی ...

شد دو مجلس تشکیل انجمن سلاطین و انجمن شاهزادگان ... در ... امور اتحاد بوده

فی الحقیقه مجلسین نفوذی نداشته امراء مذکور با ناپلئون قرار اتفاق دائمی بسته و در دفع حمله

دشمنان قشون مساعدت کنند و امپراطور فرانسه را حامی خود خوانده و سیاست خارجی را با او

گذاشته حق صلح و جنگ و قبول ترک متفقین و تعیین عده سپاه امراء را به او سپردند

در واقع ناپلئون سلطان متفقین فرانسه بود و آلمان در مقام متحدین او ... شارلمانی دوره حاضر

دست نشانده و عقد تکذار او مجبور شدند

انحلال امپراطوری مقدس

تشکیل ادارات متعفن آن امپراطوری مقدس رومی ژرمانی را هم زد که امپراطوری [illegible]
قبل بوسیله اوتوی کبیر (۹۶۲) تأسیس شده بود و دولتی ادوات قدرت آن محدود بیک اطریش
در بوهم و ساکس و چند ولایت دیگر شده بود و طبعاً موضوعش منتفی گشته و از میان رفت. ناپلئون
فرانسوای دوم را مجبور کرد که از عنوان امپراطور آلمان صرفنظر و فرانسوا در سنه ۱۸۰۶ (ماه اوت) از
این لقب صرف نظر کرد و بعد از آن خود را فرانسوای اول و امپراطور بالاستحقاق اطریش خواند این
لقب و عنوان را قبلاً در سال ۱۸۰۴ هنگام وصول ناپلئون بمقام امپراطوری اختیار کرده بود.

مذاکرات ناپلئون با روسیه و انگلیس برای

مع الفاظ صلح پرسبورگ مقدمه و بشر صلح عمومی محسوب و از کرده ناپلئون هم که آرزومند
این صلح بود. تفوق در برابر ناپلئون چون ظاهر و بارز بود و اتکای هر ما برای
بروسیه از جریان کار را متزلزل ساخت هر ورقی گمان می‌برد دیگر در قاره اروپا
مبارزه و موردی برای جنگ باقی نمانده است. فقط روسیه (و) انگلیس باقی بودند اما

وارد گفتگوی صلح شد ولی ناپلیون بواسطه [illegible] انگلیس که هم با وجود فتح در ترافالگار [illegible]

نشد. پیت Pitt صدراعظم انگلستان در ژانویه ۱۸۰۵ وفات یافت و مشهور شد

در هفته آخر [illegible] بعد از [illegible] فوکس که از حزب دیگر بود شغل

پیت که دوستی فرانسه را در دل داشت بصدارت نشست شاید مدتی بود آرزوی صلح داشت ب

دربار [illegible] روانه کرد لکن [illegible] انگلیسها [illegible] صلح حقیقی بعمل نیاورده اصلا

آنچه هم زیاده [illegible] فرانسه و روس بود [illegible] ناپلیون [illegible] با روس و [illegible] با انگلیس مشغول

مذاکره شد و [illegible] از طرفین استفاده [illegible] لکن [illegible] فریب خورد و دشمن

با ظاهر آراسته و صلح جویانه [illegible] بین فرانسه و روس را [illegible] و جنگ

بین آن دو دولت شدیدتر یافت.

سیاست پروس [illegible]

از ۱۷۹۵ تا این زمان در قریب ده سال بود روابط حسنه فرانسه و پروس بموجب عهدنامه

بال [illegible] برقرار بود سیاست فرانسه نظر به تبلیغات [illegible] و [illegible] دوستانه

کرد [illegible] دولت احساس [illegible] در [illegible] جنگ [illegible]

بالمره [illegible] اعضاء [illegible] علاوه بر [illegible] عداوت

[illegible] کاتولیک [illegible] داشته [illegible] عقد دوستی بسته [illegible]

اطرافش گماشته بودند. ناپلئون هم در عهد قونسولی خود [illegible] از دول معظمه و [illegible] قدرت

نظامی پروس استفاده کرد. لیکن اتحاد در دول اروپا بهانه [illegible] بجلب پروس شد (اواخر ۱۸۰۴)

و چون با امپراطور روس ~~[illegible]~~ عقد اتحاد با پروس بست (اواخر ۱۸۰۵). آنا [illegible]

با حق و حقوق بیطرفی فردریک گیوم ثالث مصادف شده و [illegible] آمد.

فردریک گیوم ثالث داماد فردریک [illegible] جوانی شرافتمند و ساده و صلح طلب و مردد

و محجوب بود. تالیران در ۱۸۰۲ اخلاق او را چنین بیان کرده: «پادشاه پروس عمداً از کجا باید

معتقد باشد و چه باید بکند؟». و بیشتر سایر شاهزادگان خاندان خود جوانی طماع و حریص بود

در نظر او اتحاد [illegible] قرارداد ۱۸۰۳ دولت پروس [illegible] شده کفایت [illegible]

طالب [illegible] بود. و چون [illegible]

آن را [illegible] ~~[illegible]~~ تملک کند [illegible]

فردریک گیوم مردد بود [illegible]

خطری تصور میرفت و معتقد [illegible] حاصل میشد.

[illegible] این پادشاه از [illegible] و [illegible] عقیده [illegible] داشته

[illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] اراده و [illegible] ~~[illegible]~~

و متعصب و طرفدار اتحاد با اتریش و روسیه و ریاست و قیادت پروس بر آلمان بود ولیکن دشمن جانی
فرانسه محسوب می‌گشت. دو وزیر خارجه پروس هوگویتز و هاردنبرگ مشیر پادشاه در باب
روس و فرانسه مردد و نسبت به طرفین مشکوک بودند و هیچ‌وقت در یک رأی اتفاق نکرده
بر ~~[illegible]~~ فردریک ثالث تأثیر کلی و فقط تأثیر وزرا و ~~[illegible]~~ وسیاسی [illegible] ناپلئون
و روس و انگلیس [illegible]. از ۱۸۰۲ تا ۱۸۰۵ شش بار تغییر رأی داد سه مرتبه با
ناپلئون [illegible] و سه دفعه معاهده با تزار روس بست.

تردید دائمی فردریک گیوم

در ماه سپتامبر ۱۸۰۵ هرچند پروس را امپراطور روس و ناپلئون را در ماه [illegible] ادعا
کار فرانسه را یکسره کند ناپلئون مارشال دوروک Duroc [از نزدیکان ناپلئون] را برای فرستاد که با وعده [illegible] ایالت
[illegible] پادشاه پروس را با [illegible] فردریک [illegible] شاد [illegible] و بین [illegible] [illegible] لکن [illegible]
[illegible] فرانسه در [illegible] [illegible] آنجا [illegible] [illegible] گذشت و [illegible] [illegible] پادشاه پروس
[illegible] فردریک گیوم [illegible] [illegible] [illegible] ناپلئون [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] تزار روس در
[illegible] [illegible] [illegible] وعده داد [illegible] قوای خود را با اتفاق [illegible] [illegible] [illegible]
اتحاد تزار روس و پادشاه پروس [illegible] فردریک [illegible] [illegible] اتفاق [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] یاد کرد. قوای پروس

مجبور و وزیر فردریک ویلهلم هوگویتز نزد ناپلئون روانه شد و قطع روابط را اعلام کند

وقتی هوگویتز بعد از [illegible] رسید [illegible] اوسترلیتز نصیب ناپلئون شده بود و وزیر

پروس کلام را تغییر داده [illegible] با قبول [illegible] ناپلئون از جزئیات اتحاد

پروس و روس خبر داشت پس معاهده [illegible] منعقد شد که از [illegible] پروس الحاق یافت و

ولایت کلو و نوشاتل را از او گرفت [illegible] ناحیه آنسباخ نیز از پروس [illegible] به باویر [illegible] هانوور به

پروس تعلق گرفت [illegible] [illegible] [illegible] گذارد [illegible] [illegible]

با تصرف ناپلئون [illegible] فردریک [illegible] پیغام داده که [illegible] با روسیه و انگلیس

جنگ نخواهد شد [illegible] به [illegible] فردریک [illegible] معاهده را با ~~[illegible]~~ اول آلکساندر

روسیه بر ضد ناپلئون [illegible] (اول ژوئیه ۱۸۰۶)

اتحاد رابع

در این وقت [illegible] از اتحاد [illegible] انگلیس [illegible]

[illegible] (۲۰ ژوئیه ۱۸۰۶) و انگلیس هم مذاکرات را قطع کند انگلیس [illegible] از

ناپلئون [illegible] ناپلئون هم [illegible] اظهار داشته [illegible]

[illegible] پروس [illegible] انگلیس [illegible] پادشاه پروس [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] فردریک گیوم

دیوانه‌وار در تجهیز و آرایش سپاه داد (اوت ۱۸۰۵)

واقعه دیگر رخ داده در جنب اشتغال فرانسه و انگلیس . ناپلئون [illegible] تشکیل اتحادیه

[illegible] Confédération در وادی رن . پادشاه پروس را هم دعوت کرده بود و از جانب

دیگر تشکیل اتحاد و اتفاق با اطریش و دولت آن طرف داده و [illegible] آن را [illegible]

[illegible] : در وقتی که عنوان و مقام امپراطوری را در خاندان هابسبورگ دارا بودند)

بر خورد که به تمام امرا و شاهزادگان شمالی را دعوت کرد و هم از اتحاد سه

[illegible] از آن امرا که متحد [illegible] بود با پادشاه پروس رقابت داشت [illegible]

تحت [illegible] قرار گیرد جواب داده و ناپلئون [illegible] را از [illegible] در این اتحاد [illegible]

[illegible] [illegible] دروغ [illegible] بود . [illegible] [illegible] در آن [illegible]

پادشاه پروس را از ناپلئون [illegible] و از [illegible] او [illegible] . [illegible]

ناپلئون هم از [illegible] و در [illegible] تمام [illegible] آرایش [illegible] و دعوت [illegible] شد

بدین ترتیب [illegible] از [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] تشکیل یافت .

مقدمه قطع روابط

ناپلئون بعد از صلح پرسبورگ در ۲۶ اوت ۱۸۰۵ [illegible] سپاه بزرگ از خاک آلمان [illegible]

[illegible] بازگردد زیرا که [illegible] [illegible] [illegible] برای جنگ [illegible] و [illegible] خود [illegible]

عقب نشست: «این طور دیگر پروس تنها روزی قدرت کمک می‌کرد ... جنبش ... است که
لایق بحث و گفتگو نیست» (۱۲ سپتامبر ۱۸۰۶)

آنگاه زمامداران امور در برلن عقل خود را از دست داده و بقول ناپلئون دوچار سرسام دیوانگی
شده بودند. ملکه با لباس نظام ... نوع ... خود را سان میدید. صاحب‌منصبان گارد شمشیرهای خود را با
پله سفارت فرانسه آمده و شمشیرهای خود را تیز می‌کنند. تذکر فتوحات فردریک کبیر مغزها را
بجوش می‌آورد. به اعتقاد ... و ... پروس ... ... پروس کمتر ... و
مرکب از پیروزمندان است و ... قشون منجی آلمان و آزاد کننده آن ... بود. بیست
بعضی ... جز اظهار تنفر و تحقیر کاری نمی‌کنند و می‌گفت: «در دنیا سلطان محتاج تیغ و
مقتضی نیست!» و بنابراین ... را لایق ... از قشون پروس ... داشته.
روز ... ناپلئون رسید. با ...
تا هشت روز دیگر خاک آلمان از قشون فرانسه خالی شود جنگ را آماده باشید. ناپلئون چون
از مضمون نامه متغیر شد گفت: «در بقیه شرافت ما را تا هشت روز دیگر بجنگ دعوت می‌کند
برگ فرانسوی از ... وعده‌گاه. جنگ روبرو شده است» و بعد از آنکه از قرائت مکتوب
فارغ شد گفت: «فردا من در ساکس (آلمان) خواهم بود».

جنگ پروس — جنگ ۱۸۰۶ – ۱۸۰۷ قرارداد [illegible] ۱۸۰۵ بود و [illegible]

جنگ با پروس در دو محل [illegible] که وقایع مهم آن [illegible] Jena و اورشتات Aurstaedt

دو [illegible] روز [illegible] (از [illegible] تا [illegible] اکتبر ۱۸۰۶) دیگر جنگ با روس در لهستان و [illegible]

[illegible] که [illegible] وقایع آن [illegible] ایلو Eylau و فریدلند Friedland

بود (از دسامبر ۱۸۰۶ تا ژوئن ۱۸۰۷)

جنگ پروس قرار جنگ [illegible] شد قرار قطع روابط ناپلئون [illegible] اردوهای [illegible]

[illegible] Murat [illegible]

~~[illegible] ۱۶۶۰۰۰ نفر [illegible]~~ در [illegible] قشون [illegible] بود

~~[illegible] ۲۰۰۰۰ نفر سوار با ۲۵۶ توپ [illegible]~~

[illegible] ۱۶۶۰۰۰ نفر [illegible] ۲۸۰۰۰ نفر سوار [illegible] و ۲۵۶

توپ بود. پروس‌ها ۱۵۰۰۰۰ قشون داشتند ۲۵۰۰۰ در سیلزی [illegible] و

۲۰۰۰۰ در [illegible] بود. [illegible] (۱۰۷۰۰۰ نفر) با اتفاق سردار بزرگ

[illegible] که در جنگ [illegible] شد اردوگاه خویش را در ساحل

[illegible] Saal در شمال [illegible] Thuringerwald [illegible]

پروسی‌ها ارتفاع جنوبی را در طول رودخانه سال از گوتا Gotha به ینا Jena
مسافت ۱۴۰ کیلومتر جای دادند. امید داشتند که ناپلئون را غفلةً دریافته و از جانب
گوتا ستون‌های او را طرد کرده و از اروپای او تا ... نمایند.

روز هشتم اکتبر قشون فرانسه به سه ستون از کوه فرانکن والد در معبرات کوهانج
عبور کرد. و به سرعت از جانب یمین رود سال گذشت. روز دهم در محل سالفلد لشکر
پرنس لوئی دو پروس که شهزاده‌ای از طرفداران بسیار مصر جنگ بود برخورد و قریب سه هزار نفر از آن مقتول
و مجروح ساخت. خود پرنس هم بقتل رسید. روز ۱۲ اکتبر سپاه به ینا و اورشتات
رسید و جنب و عقب مواقع سپاه پروس را دریافت. در همین روز پادشاه و سرداران او
دیگر ما را بطور جزئی ... تعقیب ... کردند. و به دو ستون به جانب ناحیه الب و ...
روان شدند یکی از ستون‌ها تحت فرمان پادشاه پروس و دیگری تحت قیادت پرنس هوهن‌لوهه بود
و اتفاقاً هر دو پرنس از به ~~...~~ بیشتر سپاه او در ... سپاه ناپلئون را سوی ... ~~...~~

ینا

ستون‌های پرنس مذکوره الجیش بود و بر فراز رشته ارتفاعاتی در مغرب ینا بصورت کوه دامنه جنگل
پوش با دره‌ها عمیق و جنگلی و شیب بسیار واقع است مقام داشت. این مکان مرتفع
دارای دامنه و ... بسیار است و دامنه آن به ویمار Weimar می‌رسد

شب ۱۲ دکبر تا روز ۱۴ [illegible] با نیروی دشمن تا بوران که در پیوست تمام قشون بودیم در آن مکان رفیع [illegible]

با ۲۰،۰۰۰ قشون [illegible] برف و قوای باشکل [illegible] دکارد و از طرق گریختند با یک [illegible]

از آن صعود توانم که جوزه بر تقفات شرفه بر بینا [illegible] رسانیدند این جاها لاند گرافی گریه

با یوش چراغ و رورت ایستاده در شام میرا بر بدین ارتفاع و وسعت دادن راه تنول [illegible]

با همدو حاوروم اکثر در [illegible] سپیده دمید مقدار ساعت شش بجا همه [illegible] مدارا افروخته و

به جزء فرنگی‌های ساعت قرار کرد [illegible] نتیجه نقشه دشمن [illegible]

بود و میدان هم وسعتی برای اجرای اعمال نظامی نداشت [illegible] در واقع

جنگ بینا عمیق بود ولی [illegible] نداشت [illegible] بیان [illegible] در [illegible]

[illegible] نامعلوم شد . [illegible] تعادل [illegible] در طرف [illegible]

[illegible] در [illegible] جنگ [illegible] گاه جنگ افتاده و قبل از [illegible]

بخشد [illegible] دیگر [illegible] قطعه قطعه قشون خود را [illegible] که [illegible]

و معدوم شوند . در طرف دیگر [illegible] بود [illegible] که در آغاز جنگ [illegible]

[illegible] در [illegible] ایستاده بعد [illegible] طایفه [illegible] گشتند [illegible]

[illegible] باشد و کم کم [illegible] شد .

در خیلی معارضه لان سردار فرانسوی مجروح بود و هشت هزار تن پروسی را دور ده قریه [illegible] گرفته [illegible]

چون مینز [illegible] میدان جنگ وسعت یافت لشکر مارشال سولت از دره سال بالا آمد و لشکر مارشال

اوژرو از سمت چپ به [illegible] بدره کوسیدا رسید مارشال لان هم مرکز دفاع سپاه را

داشت ~~[illegible]~~ مقدمة الجیش فی Ney را هم پیادی حفظ برد از عوارض

محفی قشون ناپلیون در این میدان به ۵۰۰۰۰ نفر بالغ شد.

سخت ترین جنگ در همین معارضه جانب [illegible] از ساعت ده تا مدتی بعد از ظهر (ایلو [illegible])

ادامه یافت [illegible] برای هزار سپاهی جنگ کرده بیابه نظام پروسی [illegible]

انهزم قوم ۷۵ کوب

که عابش نظامی میمنه با شکوه تمام جلو از قرار بود مارشال نی در آن جا مقام داشت

لیز بیابه نظام در ۵۰۰ متر فاصله قریه توقف کرده و در دو دسته جلو رفته بار [illegible]

مهاجمین تیراندازی میمنه مشغول شده و در هر دو تپه [illegible] تیر جهت [illegible]

آن هیچ اثری نبخشید و بعضی تیر فرانسویان غالباً به آنجا رسید. قشون پروسی [illegible]

که ساعت به ساعت بر قوای خصم افزوده و [illegible] نظام آنها موافق با اصول

جنگ فردریک بود تأثیری از تیر برای آنها [illegible] بعضی تیر فرانسویان غالباً هدف رسید

و صفوف [illegible] را از [illegible] سوراخ سوراخ کرد و چون در این اثنا سوار نظام

سواره هم داوو عده کثیری را گرفت ... های پروس که از جلو رفت و بنابر قول مارشال
ترس در کوتز در یک لحظه سپاه پروس با طوفان دگرگون از افراد فراری مبدل شد.

در همین وقت ۱۵۰۰۰ سپاه پروسی از ویمار بمدد آن رسید سردار این دسته ژنرال روشل بود.

لیکن هنگام همین مصادمه آن روز بجز دفع هم مجبور میشود ژنرال روشل با آنکه گرد کرده سپاه پا
پروس را در حال فرار دید دسته خود را جلو کشیده و جنگ نمود از فراریان را عقب نشانید
ولی جنبش او بزودی بشکست مبدل شد خودش مقتول و در اندک مدتی افواج منظم او
در پی فراریان پراکنده گشت.

از ۵۵۰۰۰ نفر پروسی که یک ساعت جنگ ۲۷۰۰۰ نفر مقتول و اسیر و مجروح شده
و بقیة السیف در سر جاده ویمار از دشمن گریختند و از قرب سر سواره نظام فرانسه بر آنها بیشتر تاخته
بر سر آنها تاختند و [illegible] درخت فراریان را بزمین کشیدند بیش از ۲۰۰ توپ
غنیمت فرانسویان شد.

اورشتات در همان روز جنگ ینا ستون دوم سپاه پروسی (که ۵۰۰۰۰ نفر بود) تحت فرماندهی (دوک دوبرونسویک) در نزد اورشتات
بمارشال داوو مصادف شد. مارشال داوو با ۲۸۰۰۰ نفر سواره و پیاده
... در حال جنگ ... از پل کوسن Kösen گذشته بود. شب ۱۳

ناپلئون گمان اینکه تمام قوای پروس با خود او سر و کار دارند و در مقابل داوت جمعیت زیادی ندارد

در حالی که ابداً تا این حد در عقب لشکر پروس را دریابد. داوت برای انجام امر دستور در ساعت

شش صبح (۱۴) حرکت کرد و در مقابل قریه هاسن هوسن بمقدمه الجیش پروس رسید

و شب را در آنجا گذرانده روز آورده و در ساعت شش عازم حرکت بعد

قریه هاسن هوسن عرصه کارزار شد که در جنگهای امپراطوری بمعنی آن کثرت مشهور

میگشته و دیگر ارتش به ۲۵۰۰۰ نفر بالغ گردید. جنگ تا چهار ساعت دوام داشت پروس که

سعی میکرد دو قریه را بگیرند یا از خطوط فرانسوی تجاوز کنند در آغاز کار جز یک قسمت متعلق

بژنرال گودن قرارگاه اشغال داوت نبود. افواج داوت در مثال قریه برابر مربع تشکیل

داده و با حملات سواره نظام بلوخر Blücher (پروسی) مقاومت میورزیدند. در این مدت

قسمت فریان فرصت کرد بجناح چپ دشمن رسید. فوج ۸۵ در قریه مانده و بعد از

شکست بلوخر جنرال دیگر او هم قسمت موران Morand را با ما ملحق شد

و جبهه چپ قشون دشمن لشکر زد. قسمت موران هم ۹۰۰۰ نفر بود در مقابل با

۱۲۰۰۰ سوار برادر پادشاه ویلهلم بلژیکیم مقاومت کرد و عاقبت خصم را شکست داد.

در حوالی ساعت ۳ مارشال داوت با دیگر جز از ۱۰۰۰۰ نفر قوه عده او ۲

از دشمن رفت حالت حمله گرفت و هم قسمت احتیاطی پروس را در هم شکسته بجنوب دیوار فرار داد. ۱۵۰۰۰ مقتول و ۲۰۰۰۰ اسیر و ۱۱۵ عراده توپ از خصم گرفت در جنگ اورشتات حمله پیش از ۴۴ توپ عقب نداشت. از جمله تقویتی یک ... دوک برونسویک بود که شخصاً سردسته پیاده نظام شد و تقریباً حمله میبرد ضربتی مهلک بر او رسید و در خون غلطید.

هزیمت پروسیها — هزیمتیان ینا و فراریان اورشتات در ویمار بهم رسیدند و چون از عقب حمله واقف شدند شورش و هراسی عظیم در آنها افتاد. نظامیان پروس دسته دسته دیگر هیچ نظم و ترتیب را رعایت نکرده فرار پیش گرفتند و سر در بیابانها نهادند. سواران فرانسوی به تعقیب فراریان پرداختند فوج فوج اسیر گرفتند و در جنگ ینا ۱۴۰۰۰ تن را با بیرق‌ها آوردند. سه سوار نظام فرانسوی یک گروهان را اسیر آوردند. دو دسته از قشون هزیمت خورده جمع آوری شد یکی به سرداری هوهن لوهه سمت رود اودر رفت دیگری به ریاست بلوخر بجانب البه شتافت. مورا و لانال فرانسوی مأمور تعقیب و تعاقب آنان گشتند و چنان به سرعت تاختند که در هر بیست و چهار ساعت ۸۰ کیلومتر قطع مسافت نمودند. هر دو دسته اسیر و گرفتار شدند دسته هوهن لوهه که ۱۶۰۰۰ نفر بودند در پرنزلو (۲۸ اکتبر) و دسته بلوخر که ۲۰۰۰۰ نفر در لوبک (۷ نوامبر)

روز هشتم نوامبر درست یکماه بعد از شروع جنگ از قلعه پروس اثری پیدا نبود تمام قلاع مستحکم
میان البه و اودر بدست آنها افتاده بود قلعه شتتین Stettin را که ۲۰۰ توپ داشت
تیپ سواران لاسال گرفت. قلعه ماگدبورگ هم ۲۲۰۰۰ مرد در آن توقف داشت در مقابل
۱۵۰۰۰ سپاهیان فی امان آورد.

از هیچ طرف مقاومت ملی ظاهر نشد مملکت پروس عرصه تاخت و تاز گردید و حملات
علیه جنرال [illegible] گردید. ناپلئون چون به برلن رسید استقبال شایانی از او کردند و
مردم سرگرم تماشا و [illegible] و با احترام تمام از وی استقبال کردند. (۲۴ اکتبر). مأمورین و ادارات
امور برلن خاصه یک تن از وزراء اعلام کرد که (جلال و جلال) اوامر مرجوعه را اطاعت
کرده ~~[illegible]~~ در مدت [illegible] فرانسه پرتو کرده و با خصم معاهده و مراوده داشته باشند» در واقع
با پولهای خود قطع ارتباط کرده‌اند. بنا بر قول گو دو فرد کاوی نیاک «~~[illegible]~~
~~[illegible]~~ «گویا هر کس میخواهد
در ابراز اطاعت و اظهار ضعف بر رقیب خود پیشی بگیرد» یکی از شاهزادگان و مأمور
فردریک کبیر نوشته است که لابد در این وقت [illegible] را اتفاقا [illegible] را گردانیده بود»
خود پادشاه پروس فردای شکست ینا در نامه ای [illegible] با امپراطور غالب نوشته استدعای

تا وقتی که ممکن است بدین ترتیب . و شاهزادگان بزرگوار تو چنین در نتایج جنگ سرگرم

شده ~~[illegible]~~ و در نخجم حقارت و به لطف بنگرید »

~~[illegible]~~ در نزدیک هر دیگر از فوج پروس مقدس بود که از افراد خود در این جنگ کشته است :

و مراقب باشید هر ناپلئون خوب پروس شد و در یکی از عبارات سلطنتی مالی است وارد شده و مهمان

[illegible] پروس شده (۱۸۰۷) در تاریخ ... این قسم اتفاق مکرر است

آن وقت توقعات ... و ... ما از خواب بیدار شد و ... ناپلئون

... را جواب موافق داده ... که ... امپراطور ... کنیم ... ناپلئون

و وقت ... مخرب ... هیچ ... است .

[illegible] ناپلئون به ورشو وارد شد و ... لهستان را ... او به تسخیر استقلال ... از

... و ... خویش را ... پس از ... گذشته

... که ... پروس ... .

جنگ در این سرزمین ... و صعوبت پیش رفت : ... ۱۸۰۷ که

... جنگ لهستان ... شد . ... غذا

و علوفه ... و ... و ... ناگهان ... و ...

گلوله‌ها بقدری کار بوق آتشین به لشکر ریخت که قدری برعت هرز گشتند بودند. در جا بسته

از روسها به سوی روز جنگ مقاومت می‌کنند که انطبایان فرانسه معتقد بود «دو دفعه باید بر روسی را

کشت تا بمیرد» سپاهیان روسی با بالا از خلال ستونهای لشکر فرانسه گذشته و تن به حمله

می‌زدند

ایلو

در ۸ فوریه ناپلئون ۶۵ هزار را کمک آورده بود آن با سختی هم غافلگیر شد

روز ۸ فوریه ۱۸۰۷ در برف و دمه تحت ... ویران بود ۵۰۰۰۰ نفر قوای

ناپلئون به ۷۰۰۰۰ تن سپاهیان روسی تحت فرماندهی بنیگسن Bemingsen حمله برد

نزدیک بود کار او ساخته شود یک نفر از قشون او درویش اوژرو جای در جنگ سوخته را هم از کار

تمام منهدم کردید. در وسط روز روسها عقب قشون او را بوط در آن بود نزدیک شده و دو او قرستاد

او را رسانیدند. برای حضور از این کمبود داشتند که ناپلئون مجبور شد قشون سواره سوار مورا

را بکار بیندازد. شب فرا رسید و روسها دست از جنگ برداشتند آنها از گرداب مارشال نی

از ... جناح ... میدان وارد شده وانها را مجبور عقب نشینی کرد. میدان جنگ ناپلئون ...

ولی چیزی جز ۲۵۰۰۰ جسد مقتول در دو طرفین باقی یک اشک او تو بود دوران ... شد.

تعداد کارشناس و تعداد بیمار

بعد از این «دو قصابی» بیفاید بقول ناپلئون قرنی بسبب جنگ سقوط و ردی

بود دولت را ناکام گذارند و «سرداران او در شرایط بهتر در جنگ تمام و سیر گشتند» و امپراطور خود

از اینکه دولت دیگر حاضر نیست متوحش شده بود مستقیماً پیشنهاد صلح به فردریک گیوم کرد (۱۳ فوریه ۱۸۰۷)

اما فردریک گیوم با وعده روسها نخواست از اتحاد خود دست کشد.

ناپلئون دولت را در بهار جنگ بزرگ دید که بر لشکر تقویت سپاه اقدام و عده آن را

به ...... ۸۰ هزار نفر رسانید این جمعیت را از ایالات متعلقه فرانسه و از مملکت ایتالیا و از

دول متحد خود مثل اسپانیا و هلند فراهم آورد و در واقع لشکر امپراطوری مثل بابل شد.

در حین تجهیز قوای امپراطور بداراه دیپلماسی نیز مشغول بود به موقع فعالیت او به نتیجه

رسید. در اقتدار آلمان و دور از خاک فرانسه امپراطور باید مراقب دولت اسپانیا شده بود که

یقین داشت در اولین شکست عهد خود را بر هم زند و من طرف اطریش هم بود که دولت ترس هم داشت

در گوشش انتقام است. از روی احتیاط به پادشاه اطریش نزدیک شد و سلطان عثمانی را

هم تحریک از جنوب به جنگ روس برخاسته و با پادشاه ایران هم معاهده کرد که ثانیه از

سمت بحر خزر به روسیه حمله کنند.

فریدلند در بهار ناپلئون بست کونیگسبرگ که مهم قرارگاه و جبه‌خانه روس بود توجه داد

و بننیگسن سردار روس را واداشت که به جلوی قشون او حمله کند. سردار روس از

[illegible] فتح شد.

رودخانه آل داشته است از پل Pregel گذشته، بنابر این ناپلئون با روس مواجه
گامی رفت و روز ۱۴ ژوئن ۱۸۰۷ در میدان فریدلند اکثر لشکر را پشت به رودخانه
جای داده فشرده که مغلوبش ساخت.

فریدلند آن وقت شهر کوچکی بود دارای ۲۰۰۰ نفر جمعیت و واقع بود در زاویه ای رودخانه
که در شمال شهر مرداب بزرگ تشکیل میداد، ... رودخانه گذشته تر عرض داشت. ... ساعت بعد
در شب قبل ۷۵۰۰۰ سرباز روسی با ۲۰۰ توپ از آن پل گذشته بودند. سردار روسی قشون
خود را [illegible] تشکیل قوس در جلو فریدلند گسترد.

در عرض جغرافیائی فریدلند وضع طبیعی چنین است در ماه ژوئن روز بسیار دراز است
از سه ساعت بعد از نصف شب تا ساعت ده شب هوا روشن است و در واقع این یک روز
جنگ ۱۹ ساعت طول کشید. [illegible]

لان همان شب بجا رسید و از ساعت ۳ بعد از نصف شب جنگ سردار روسی ...
... ناپلئون از قصد خصم مطلع شده و ... حرکت نماید. سپس ... گروهی ...
دیگر رودخانه تاخته ... قطع ... کونیگسبرگ برآمد. در فاصله ساعت
هفت صبح تا ظهر جنگ ... در قسمت شمال جاده دوام داشت ...

منظره از ۱۲۰۰۰ سوار روسی گریختند . قشون لان یک ثلث قشون روس بود زیرا که دو هزار

نفر هم وحشت داشتند و حکم داوری کارزار عرصه بود . ~~[illegible]~~ بعد از دو ساعت کار موقتیه

فورون کمک او رسید . وردوم و داو و تزاید بعد جاکه مقابل ۱۷ در برابر ۲۷۰۰۰ نفر قوای

~~[illegible]~~ ۷۰۰۰۰ نفر روسی دیده میشد .

کمی از ظهر گذشته ناپلئون آرزو داشت از ایلوحو را عیدان زیر لنبه ایلیا

و بسرعت وضع میدان جنگ را نگریسته گفت : « در روز دشمن چنین وضع باید کارش ساخته است »

برای اینکه خصم در چنین موقع باید بایستی چهار ساعت تمام او را سرگرم او تا بقیه قشون فرانسه

بمیدان حاضر شود . پس حرکات نظامی شروع شد و چون گندم در مزارع بلند بود گویا

از جهت صدمت و زد و خوردها و جنگ دیگری را بر آمده خشک جنگجویان هم دو ساعت بود

نفس راحتی بر نیاورده . بعد باز تدبیر کمک کرد و کار جنگ طبقه بود تا ترویش رفت

در واقع میدان معرکه تاریکتر بود و تا ساعت پنج از جانبین تعطیلی رو بپیش آمد .

در ساعت پنج تمام قوای فرانسه بمیدان وارد شده و صفوف قتال آراسته گردید سرداران

دیران سپاه از امپراطور دستور العمل کار گرفته و بعضی از دروازه ها رسیدند قریب ساعت

بنیا سوزنده وزن جنگ کرده آنگاه ۲۰ توپ را بلند بسنگ بنا و جنگ واقعی قطعی را

۷۰

رعدی نموده از هر جانب فرار و جستجوی راه نجات و تشتت صفوف خویش را یافت.

نقشه ناپلئون این بود که مورتیه و لان از سمت یسار و قلب دشمن را نگاه دارند و در جانب یمین فی الحال جناح چپ در آخر حمله برد و قول ناپلئون که «دشمن بگریزد با طرف و تعاقب به جنوب آید» حرکت کند و خود را بشهر فرنیله رسانیده جنرال را جواب دهد. بر اثر این اقدام مورتیه و لان حالت حمله گرفته و قلب و یمین لشکر روس را عقب رانده به رودخانه برانند.

نقشه مارشال سولت بموقع اجرا رسید. لشکر فرانسه قدری از حد گذارد و اری عقب رفت ولی یک دسته توپ (۳۰ عدد) در میمنه در جبهه صفوف قرار گرفته و چند تیر شلیک و حمله صف دشمن طوفانی از گلوله برپا کرد و دشمنان را بازپس راند.

در ساعت ... شهر فرنیله از آتش گلوله مشتعل و از هر جانب قشون فرانسه وارد آنجا شد. در ساعت ده مورتیه و لان صحرا را از وجود دشمن پاک کرده و قشون روس سردار گوراجکف عقب رانده عده کثیری را در آب رودخانه غوطه دادند. در این مصاف ۲۵۰۰۰ سرباز روس تلف شد و ۲۰۰ توپ غنیمت فرانسویان شد. امپراطور اتریش از ۸۰۰۰۰ نفر قشون خود بیش از ۵۵۰۰۰ نفر را بجنگ نیاورده بود. بعد از شکست حتم تقریباً ده نفر را سردار داوت و مورا از ... مصوب ... زنده ... صلح کرد.

صلح تیلسیت

دو امپراطور متفقاً مذاکرات صلح را در تیلسیت انجام داده و در روی قایقی در وسط
رودخانهٔ نیمن از یکدیگر دیدار کردند (۲۶ ژوئن ۱۸۰۷) پادشاه پروس هم حاضر شد (عمل) در
اطراف رود نیمن برای [illegible] ماه بود در این ملاقات ملکه پروس هم شرکت کرد و در جریان مذاکرات
اورا ملاقات نمود و تمام جسارت جنگ کردن او [illegible].

برابر معاهده تیلسیت (۹ ژوئیه ۱۸۰۷) ایالت هانور و تمام اراضی ساحل چپ رود الب و جمیع
ولایاتی که در تقسیم لهستان سهم پروس شده بود از فردریک گیوم منتزع گردید. امپراطور چهار ولایت را
باو واگذاشت: براندبورگ، پومرانی، پروس و سیلزی. ملکه لوئیز هم که تقاضای [illegible] را
به تیلسیت آمده با وجود تضرع و زاری بسیار نتوانست چیزی بیش از آن بدست آورد حتی قلعهٔ ماگدبورگ را
هم برآن چهار ولایت نیفزودند. و این تخفیف و تحقیر فردریک گیوم در مقدمه عهدنامه [illegible]
که استرداد ولایات اربعه سابق الذکر باو داده شد. برای اینکه به خواهش اعلیحضرت امپراطور کل روسیه [illegible]
مطابق قرارداد ضمیمه عهدنامه وقت خروج قشون فرانسه از ولایات چهارگانه مذکور معین شد و در واقع
تخلیه آنها موقوف به تأدیه غرامات جنگ بود ولی میزان غرامات معلوم نبود.

اتحاد فرانسه و روسیه

در این وقت عهدنامه ای که بین ناپلئون و الکساندر روسی انعقاد یافت هم در حمله و دفاع
دشمنان شریک و یاور یکدیگر باشند (۹ ژوئیه ۱۸۰۷) الکساندر تمام تغییرات را که ناپلئون

۷۱۱ در حالیکه همه جا اروپا دا[illegible] بود دولت شناخت خاصه در ایطالیا و آلمان . و متعهد شده و واسطه

شده دولت انگلیس را هم با [illegible] خود دولت شناسانه شریک سازد ولی انگلستان زیر بار نرفته

اورا نپذیرفت و در مقابل آن معاهدات با ناپلئون شریک مساعی نامید . و در مقابل ناپلئون هم متعهد شد

در میان سلطان عثمانی و ترکیه در صورت جنگ میانجی واقع گردد . و اگر سلطان نپذیرد ممالک عثمانی را

تجزیه نموده و برای سلطان جز استانبول و روم ایلی را باقی نگذارند . بنابراین ناپلئون

و تزار روسی اروپا را بین خود تقسیم نمودند .

[آلمان و ناپلئون]

پس از معاهده تیلسیت ناپلئون تغییرات آلمان را بکمال رسانید در واقع متصرفات پروس

واقعه در میان رود الب و رود رن را با ولایات کاسل جمع نمود و سلطنت مستقلی را تشکیل داد و بنام وستفالی

به برادر خود ژروم Jerôme عطا نمود . دوره انتخابیه ساکس را مبدل بسلطنت ساخته و منتخب

آن ولایت را بپادشاهی دنیا [illegible] . دوک نشین بزرگ ورشو مرکب از قسمتی از اراضی

لهستان که پروس از دست داده بود تأسیس یافت . ولایات سلطنتی مذکور همه جزء متفقین رن

قرار گرفتند . در واقع تمام خاک آلمان باستثنای دولت پروس خاص جزء قلمرو متفقین رن گردید

و امپراطور آلمان را ناپلئون بجهت تنبیه داد که بیش از پیش متزلزل و متحد و ساده ببعید

و کاملاً مطیع و منقاد امپراطور فرانسه شدند . در زمان تیم [illegible] وحدت آلمان باین درجه !

اتحاد و اتفاق نداشتند ناپلئون را حامی و سرپرست خود شناخته و در سیاست خارجی در تحت الحمایه

فرانسه قرار گرفتند در سال ۱۸۰۹ بعد از جنگ آلمان ... ۱۲۸ مرد جنگی در رکاب

امپراطور حاضر می‌کنند

علل اتحاد روس و ناپلئون

انتقال از جنگ و خصومت به صلح و صفا مخصوصاً بدوستی و وداد میانه از علل عمده اتحاد

حال بهم خورده شده قیصر روس بعد از صلح تیلسیت و ملاقات با ناپلئون این قسم با یکدیگر محبت پیدا کرده

علت آن این است که چون ~~...~~ [الکساندر] تزار روس چون دیگر امیدی به انگلیسها نداشت و دیر زمانی بود که

جنگ و پول یاری می‌دادند و چون تزار از جنگ فریدلند از انگلیسها مبلغ قرضی خواست و

آنها مضایقه کردند تنها ... بچشم آمد . و بطوریکه در روی قایق در تیلسیت با ناپلئون

ملاقات کرد اول سخنش این بود که : من هم بهمان قدر که با شما عداوت دارم با انگلیسها هم دشمنم .

در روز دیگر در ضمن صحبت آنها گفت : در اتحادیه بر ضد انگلیس مدتی من همراه و مددکار شما خواهم بود

علت دیگر این بود که پیشنهادهای عظیم و وسیع ناپلئون راجع بتقسیم اروپا چشم عقل تزار روس را

خیره کرد مخصوصاً نقشه تقسیم امپراطوری عثمانی . اما علت اینکه ناپلئون هم دوستی تزار روس را

گرفت و با او عقد دوستی محکم بست این بود که بعد از نقض معاهده آمین با انگلستان همواره در خیال

دول معظمه اروپا بود و باید در صحبت که دافع تبلیغات و دسایس انگلیس باشد .

پروس را به اوراق بی‌ارزش مبدل گردانید. انگلیس هم طرفیت داشت پس جز قدرت روسیه کسی باقی نماند

در سال ۱۸۰۰ تصرفات بیش از حد توقع ناپلئون محتاج به دوام صلح در اروپا بود زیرا که اعلان جنگ

به انگلیس داد و آن اقدام قطع تجارت بود Blocus Continental و حصول مقصود منوط

به وقتی بود که در تمام نواحی و بنادر اروپا بود و البته رفاقت و اتحاد دولت روس در این [illegible]

III

فرق محاصره بری - مقاومت استعمار ملی - اسپانیا - الجزیره.

نقشه و مقصد از محاصره بری

چون از مغلوب شدن بحریه فرانسه در ترافالگار ناپلئون ناچار از خیال حمله مستقیم به انگلستان صرف نظر کرد مصمم گشت

که مایه عظمت و مبنای ثروت انگلستان را منهدم سازد و سایر فعالیت صنعتی و تجارتی آن را از دوام نگذارد. با منع مال التجاره انگلیس

دخول بازارهای اروپا و البته به موجب مستعمرات و مصنوعات کارخانه‌های آن دولت در انبارها مخزون و از فروش باز ماند

کثرت مال التجاره در جزایر موجب تنقیص پول و در نتیجه بحران اقتصادی می‌گردید. چون تجار در دکانها را البته مصنوعات

و نتیجه دوران هم دست از کار کشیده و عده کارگرها به نسبت بیکار و دچار فقر می‌شوند. این حوادث

مستقیماً بحران اجتماعی خواهد شد که صنایع و تجارتی مردم را به شورش کشانده و دولت انگلیس را مجبور به مصالحه خواهد

این فکر تازه نبود. قبل از ناپلئون [illegible] عموم در اکتبر ۱۷۹۳ و هیئت مدیره در

نوامبر ۱۷۹۶ این خیال را [illegible] به [illegible] انگلیس را [illegible] داشته بودند. و به قول [illegible]

«تا اول دو ابراوزیر [illegible] دوره برقراری خود فروش جمیع امتعه و محصولات ممالک امپراطور انگلیس را ممنوع داشته و در خواسته آن دولت را در زیر بار گرفت دسته بزرگ در خود معیوب سازند.»

اقدام در مقابل / فرق برلن

دولت انگلیس در سنه ۱۸۰۷ خود بنوبه شروع جنگ اقتصادی را بدست داد ۲۰۰ [illegible] زمان جنگ با امریکا دولت ~~انگلیس~~ [illegible] بخشونت و سختی با تجار ممالک حتی با تجار بیطرف رفتار کرد و امتعه زنان را ضبط میکرد تا بالاخره منجر بانعقاد اتحاد دول بیطرف برضد انگلیس گردید بالاخره [illegible] بیوقت دست بیوگری از تجارت و رفتن زد . اگرچه دولت انگلیس القدر توجه داشت و تمام ~~[illegible]~~ [illegible] را مسدود کند و در اکثر بنادر تحت نفوذ انگلیس بود از شهر [illegible] عهد تمام ~~[illegible]~~ [illegible] را محصور داشت و ~~[illegible]~~ ورود و خروج دل الکتاب را از بنادر دولت ممنوع ~~[illegible]~~ [illegible] (۱۸۰۷ ماه مه)

مقدمه ناپلئون دیر زمانی بعد مقررات فی محاصره را که جز در اوراق کاغذ وجود خارجی نداشت صلح کند پس مدتی در نوامبر ۱۸۰۶ قبل از قطع روابط با انگلستان بغیر از دولت رطلل رسمی ~~[illegible]~~ «[illegible]» عاقبت فرمانی مقرر داده در محاصره قرار الغه ~~[illegible]~~ ۰

• باینطرف بحری بسیط زمین را زندانی کرده اید من نیز روی فرمانی بکار سو محبس شما خواهم ساخت.»

فرمان برلن | امپراطور در جواب بعهدنامه جنگ اقتصادی انگلیس مورخ ۱۶ مه ۱۸۰۶ در ۲۱ نوامبر همان سال

بموجب فرمان برلن حق جواب داد هر کالا بر حسب حق طبیعی جایز است که همان مسدودی را دشمن بروی شخص می کند همان سلاح را بروی او بکار زدن. بر طبق این دستور مقرر شد که جزایر بریتانیا از این تاریخ در حال محاصره است. الغاء تصریح کرده مردم فرانسه و متحدین فرانسه باید ابواب تجارت و مراوده را با انگلستان مسدود نمایند و فروش محصول مستعمرات و متاع انگلستان را ممنوع دانسته و هر جا از آن امتعه مییافتند باید بدون تأخیر ضبط کنند. باید بنادر فرانسه را بروی تمام سفاینی که از انگلستان یا مستعمرات آن می آید ببندند و هیچ اسم و رسم تجارتی [illegible] انگلیسی ~~[illegible]~~ قدم در خاک اروپا بگذارد. لیکن معروفست از قول ناپلئون [illegible] می گویند. ناپلئون در ترویج [illegible] و شاه چند برنگشته گفته: « می خواهم دریا را به نیروی خشکی فتح کنم »

فرمان میلان

انگلیس با جواب دادن به فرمان ناپلئون که در حقیقت [illegible] است [illegible] تعرض خبر [illegible] برای [illegible] و کشتیرانی افزوده فرمان داد که [illegible] قبل از دخول به بنادر [illegible] مجبورست انگلیس تفتیش شد و [illegible] (۱۱ اکتبر ۱۸۰۷). ناپلئون [illegible] میلان در مقابل مقرر داشت که جزایر بریتانیا هم در خشکی و هم در دریا ~~[illegible]~~ محاصره است » (۱۷ دسامبر ۱۸۰۷) در این کشتی [illegible] که بست انگلستان را اجبار شود یا تن به تقاضا [illegible] و اوامر انگلیس را بپذیرد مستحق [illegible] به توقیف [illegible] لیکن هم انگلستان را نه فقط از اروپا بلکه از تمام عالم مجزا می کرد.

نتایج اقتصادی محاصره

قرق یا محاصره بحری نتایج بسیار و عواقب مختلف اقتصادی و سیاسی داشت. اگرچه قرق کاملا مرعی نشد و بقول یکی از وزرای ناپلئون مولین Mollien تمام قاره اروپا را مانند قلعه‌ای توان «ممنوع الورود ساخت» و اگرچه با وجود ارزانی امور گمرک در سواحل و بنادر باز قاچاقچیان بسیار در خاک فرانسه و دول تحت الحمایه او امتعه و اجناس انگلیس را وارد می‌کردند لکن باز متاع انگلیسی در اروپا کمیاب شد و دول مجبور شدند که مصنوعات داخلی خود را ترقی دهند و صنایع قدیمه جدیده را رونق بدهند که جبران نقصان شود.

شکر قند که از انگلستان وارد می‌شد و آن هم از مستعمرات بریتانیا کاشته می‌کردند کمیاب گردید که در هیچ جا از بازار جز در دواخانه‌ها و قوطی عطاران تراشه حبه قند پیدا نمی‌شد. هر چند که دانسته بودند از نباتات اقلیم اروپا قند می‌توان گرفت از جهت آن با وجود فعالیت و دقت مهندسان و استادان فن چندی بعد کار کاملا موفق شد و در ۱۸۰۹ هر کیلو قند به شش فرانک و حتی بیشتر رسید و بسیار گران شد. این گرانی ارزاق و لوازم زندگانی که موجب تغییر عادات مردم و زحمت و خسارت رعایا بود عموم مردم را ناراضی کرد شد در آلمان هم که گرانی بود به ... رسید از طرفی منع صدور شراب و صنعت و شراب و غیره که مخصوصا بازار انگلستان بود بر اضطراب خاطر مردم افزود

۷۲۷

لذا سختگیری در فروش رعیت از کار مردم از امپراطور دور ساخت و مجبور کرد تا انگلیس بفروشد

باعث تنفر مردم از فرانسویان شد. از این جا میتوان به نتایج اقتصادی سیاسیه قوای بحری پی برد.

نتایج سیاسی

محاصره بری ناپلئون را مجبور کرد که دائماً در جنگ باشد و متصرف ممالک اطراف را

جزو حکومت فرانسه کند. چون باقی ... تمام ممالک اروپا از دریافت امتعه انگلیس خودداری

و اقدام بر ... و راهی با انگلیس داشت ناپلئون جزو فرانسه میشد. ممالک یعنی بایست

یا بایستی مطیع و منقاد ناپلئون باشند یا استقلال خود را از دست میدهند

ناپلئون بتدریج موفق شد به روسیه و اطریش و پروس و دانمارک سوئد حکم بالغ

کند ... دولت ... در ... انگلیس ... امپراطور ... را وادار ... ایالت

... را از ... (ژوئیه ۱۸۰۷)

سپس ناپلئون از ۱۸۰۹ تا ۱۸۱۱ تمام ولایات ساحل آلمان را از مصب رود امس تا مصب

رود الب ... بریم و هامبورگ جزو امپراطوری فرانسه کرد. و سلطنت چند ... مستقله

در ... لوئی ... ناپلئون ... محاصره بری ... داشت ... خواست با ...

امتعه انگلیس ... ضمیمه امپراطوری فرانسه ملحق گردانید (ژوئیه ۱۸۱۰)

... و ولایات متعلقه پاپ را ... ملحق کرد

۷۱۸

که از روابط ...
وقتی را با سرور فرانسه بپیوست . ملک پرتغال که از قدیم بنادرش تجارت انگلیس بود

[illegible] چون در اجرای قرق بری خود داری ورزید ناپلئون با پادشاه اسپانیا قرار ترک

کرده آنجا را بین خود قسمت کنند و قشون فرانسه بریاست ژونو [illegible] لیسبون را گرفت (از ۱۸۰۷

تا ۱۸۰۸ سلطنت پرتغال با برزیل رفته و در آنجا مستقر . برزیل اقامت ورزیدند مقدمه جنگ حیات آینده و

مشئوم اسپانیا در ۱۸۰۸ ناپلئون آن مملکت جهت فقط بعض افراد کامل لایق آن بود.

دولت اسپانیا در اسپانیا شارل چهارم که مردی احمق و ابله بود سلطنت داشت از پانزده سال قبل زمام

امور را یکی از محارم دوستان ملکه گودوی Godoi نام داده بود و در زیر لیاقت لیکن

بیکاره . پسر پادشاه فردیناند بقول ناپلئون «بسیار احمق و بسیار موذی» بود و داعیه

سلطنت داشت و چون با گودوی وزیر عناد میورزید در چشم عامه محبوبتر و جانبتر او را که بود

تمام اسپانیولیها از گودوی تنفر داشتند و دشمن او را پناه میخواستند . حضرات پدر و پسر

با محبوب ملکه ... و وقایع ناگوار و حوادث ناهنجار در خاندان سلطنتی شده بود.

ناپلئون و اسپانیا از ۱۷۹۵ تا ۱۸۰۶ دولت اسپانیا [illegible] دوستی را بموجب عهدنامه بال با دولت

فرانسه بسته بود حفظ کرد . لکن بگمان اینکه دولت پروس با ناپلئون جنگ بود تحولات در سال

روسیه سیاست اسپانیا را برگردانید . بعد از فتح اوسترلیتز روابط قطع کرد و ناپلئون پرداخت

که از پادشاه مخلوع ناپل دلجوئی کرده و در عوض مملکت از دست رفته او به مرتبه طولانی اتفاق کند

که مجمع الجزایر بالئار را متعلق به اسپانیا را به او واگذارند و روسیه در عوض متعهد شده اسپانیا را

به این واگذاری راضی کند . مکاتبه روس از وعده وزیر عدول کرد و با این مضمون پادشاه

اسپانیا خبر داده و ناپلئون را بدخیال دانسته و بگوید به اطلاع او قبل از کشتی انگلیسیها . بعلاوه

هم دیپلماسی انگلیس در پیروزی موثر شد تحریکات روس در اسپانیا موثر افتاد و گودوی صدر اعظم

اسپانیا ~~[illegible]~~ که قبل از فتح ینا حمله خودش نموده شد (۵ اکتبر ۱۸۰۵) . ناپلئون

این مطلب را از نظر دور نداشته و پادشاه و سلطنت بوربون در اسپانیا برانداخت . آنگاه چون پیروزی [illegible]

شد شارل چهارم و گودوی و [illegible] بدنبال ناپلئون رفته و ولیعهد خود را فردیناند [illegible] دروغ

[illegible] و [illegible] در دل کینه خانواده بوربون را برگشت اسپانیا مقام داشته درس [illegible]

~~[illegible]~~ و گرفتن پرتغال را بهانه قرارداده سپاهی به شبه جزیره اسپانیا [illegible]

و از جنگ خارج دو دسته انگلیس و اسپانیا [illegible] دست نگذارد .

قرارداد ۱

وقایع اسپانیا | در شب ۱۷ تا ۱۸ مارس ۱۸۰۸ در آرانژوئز مقر پادشاه بود شورشی به ضد گودوی

برخاست . شاه موافق شد صدر اعظم از تمام مناصب و مشاغل خلع کند روز ۱۹ شارل چهارم ...

مواجه شورش به درگیر از سلطنت استعفا و مقام خود را به فرزند خود ~~[illegible]~~ داد . آنگاه

و شاه [illegible] مورد سوء ظن فرانسویها واقع شده و شارل چهارم را وادار داشت در استعفا و کناره‌گیری خود از

سلطنت در نتیجه فشار و جبر دامنگیر او شد و حمایت ناپلئون را درخواست نماید . از طرف دیگر مردم فردیناند را

تشویق ساخت و به برادر بیچاره در مقام سلطنت هم نیست به استقلال ناپلئون شتافته و از امپراطور [illegible]

شاه اسپانیا را بخواهد پشتیبانی کند . ناپلئون میرفت در بایون اقامت داشت فردیناند خود را بکار ساخته شارل

چهارم نیز با پاسخ شتافت .

در این ملاقات هر دو بجلو ناپلئون بسیار بد و وحشتناک صورت گرفت پدر و پسر خود را

برو مبارزه دادند و فردیناند [illegible] را خائن و بی غیرت و قسر الحق و جنایتکار خوانده از امپراطور

استدعا کرد که پسر را برای ابراز خیانت مجازات کند . در این حیص و بیص ناپلئون ساکت و تماشاگر بود تا وقت

سر برآورده و به فردیناند اراده داد به تخت تبعیت به پیمان صحت را به پادشاهی قانونی واگذار کند و گرنه بعنوان خائن

محاکمه خواهد شد . فردیناند وحشت زده و تاج را واگذار نمود . اما چون شارل چهارم از ترس

و نفرت از آن روز بجز بیچارگی بود و از بازگشت به اسپانیا خودداری نمود و از جانب خویش و تمام ایرانیان

استعفا داده تاج و تخت را به برادر خود ناپلئون لوئی واگذار داشت (۳۰ - ۲۰ آوریل ۱۸۰۸)

و ناپلئون قصر کمپی‌ین Compiègne را با ۰۰۰ ۴۰۰ ۳ فرانک مقرری سالیانه به او بخشید لکن

شارل از آن قصر به مارسی رفت و از آنجا بروم مسافرت کرد .

فردیناند را در قصر والانسی در و نظارت اندرون تا آن روز که بیماری عقلش جایگزین

در سال بعد فرزندان [illegible] نظر [illegible] و محبت کامل [illegible] امپراطور داشت [illegible] را

[illegible] حق [illegible] زندگانی [illegible] بعد از واقعه بایون

[illegible] پادشاهی رسید ژوزف برادر ناپلئون [illegible] سلطنت اسپانیا منصوب گردید (ژوئن ۱۸۰۸)

مجلس اسپانیا [illegible] اعضای [illegible] ناپلئون انتخاب شده بود [illegible] و ژوزف را

سلطنت شناختند. مردم [illegible] پادشاهی اسپانیا [illegible] که [illegible] گشت آن را در

[illegible] سلطنت [illegible] (اول اوت ۱۸۰۸)

جنگ اسپانیا
دولت ۱۵

وقایع مذکوره موجب [illegible] عموم مردم اسپانیا شده [illegible] جنگ [illegible] و [illegible]

شده [illegible] ناپلئون [illegible] داشت [illegible] (اوت ۱۸۰۸ -

دسامبر ۱۸۱۴) این جنگ دراز [illegible] یکی از [illegible] امپراطوری ناپلئون

بشمار رفته. مجلس انقلاب اسپانیا [illegible] و قانون [illegible] نام [illegible]

اسپانیا خوانده‌اند. انگلیس‌ها [illegible] بمیدان جنگ ترتیب [illegible]

بهترین سرداران [illegible] را [illegible] امپراطور قریب

۳۰۰۰۰۰ تن از سرداران کارآزموده و جنگ آزموده را [illegible] از دست داد و [illegible]

[illegible] در سال ۱۸۱۴ [illegible]

۷۲۲

بنابراین تنگ‌نظری اسپانیا را باید اولین علت اضمحلال [illegible] ملت ناپلئون دانست.

صفات ممتازه جنگ اسپانیا

این جنگ تا آنجا که از جانب مردم با ناپلئون مبارزه و نخستین ~~جنبه~~ جنگ ملی بود از آنکه

تاریخ اروپا حکایت [illegible] آن استقلال یافت. تا آن زمان سرنوشت اروپا با سلاطین و لشکر سلاطین بود

و پیروزی غلبه بر لشکر پادشاه. [illegible] و [illegible] ~~ناپلئون~~. اما در اسپانیا عده

بر ضد حکومت [illegible] و سپاهیان انگلیس [illegible] ملت [illegible] میدان ناپلئون [illegible] و جنگ در ~~۱۸۰۸~~

۱۷۹۳ در فرانسه واقع شده بود. اسپانیا ~~[illegible]~~ برای دفع مهاجم و رفع ظلم [illegible] قیام عمومی کرد.

از این تاریخ به بعد ناپلئون هر جا لشکر کشید بهمین ترتیب پیش آمد. شد در سال ۱۸۰۹ ملت اتریش در

۱۸۱۲ ملت روس و در ۱۸۱۳ ملت آلمان بمقابله او دامن همت زدند.

نقشه اسپانیا

در اسپانیا قیام ملت عام بود و [illegible] از روستا و [illegible] بلافاصله [illegible] (ملت در اول

[illegible] با کارد و چاقو بمیدان آمد). هر دهقانی سرباز شده [illegible] دفع مهاجمان

از اسپانیا [illegible] و [illegible] آنچه داشت. کشتار اسپانیا در آن وقت

... ۱۹۰۰ تن [illegible] ناپلئون را [illegible] توقیف پاپ [illegible] داشته و [illegible]

و در کتب درسی [illegible] [illegible] فرزند فرزانه

چه گفته؟ - [illegible] - آیا [illegible] گناه است؟! - ~~[illegible]~~

~~[illegible]~~ فرزندی یا از آن مکان از دین برگشته را بکشد بهشت را یافته است.

چون اسپانیا کشوریست کوهستانی پر از دره‌های عمیق و کوههای بلند دسته‌ای از دهقانان مسلح در

قدم بقدم می‌کشیدند و ناگهان بر قشون فرانسه تاخته آذوقه و مهمات جنگ را غارت کرده دوباره

بکوهها پناه می‌بردند [illegible] و [illegible] بدرک می‌کردند [illegible] در طول [illegible] سربازان قشون را

[illegible] بعضی را سوخته و بعضی کشته شده و بعضی بدرخت مصلوب گشته و [illegible] از انبار

[illegible] ») در مقابل این وحشیگری و قساوت قلب قشون فرانسه هم [illegible] کرده

[illegible] در [illegible] قشون [illegible] [illegible] در [illegible] دقیقه در [illegible] شد

[illegible] و [illegible] بر کودکان [illegible] نکنیم ... [illegible]

[illegible] کار ما غارت و [illegible] آتش بود. »

[illegible] و [illegible] جنگ را در آن [illegible] از [illegible] [illegible]

لان [illegible] شد و بالاخره شهر را [illegible] آن بود. [illegible]

[illegible] شهر [illegible] چون [illegible] خانه [illegible] رفته و در هر خانه اطاق باطاق [illegible]

[illegible] را [illegible] کند [illegible] (از [illegible] ۱۸۰۸ – [illegible] ۱۸۰۹) [illegible]

.... [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible]. لان بناپلئون چنین نوشته است: [illegible]

در روح و ادبیات یافته جنگ اسپانیا بر ضد ناپلئون ... بر خلاف عقل و انصاف

زیرا که این شکست تاج ... را از روزگار ملتی برآورد.

تسلیم قوای فرانسه در بایلن

در اواسط جنگ دو قشون فرانسه در اطراف شمال در مدینه دو ریوسکو فتح درخشانی نصیب شد (۱۴ ژوئیه ۱۸۰۸)

در جنوب اندلس شکست فاحشی ... ملحق آن وضع دشوار شد.

یکی از بهترین سرداران ناپلئون و از قهرمانان جنگ اوسترلیتز و فریدلند معروف به ژنرال

Cordoue Seville

دوپون مورد بعد مأمور فتح اشبیلیه شد و شهر قرطبه را بدون جنگ تسخیر کرد لکن در اثناء

تمام ایالت اندلس شورید و چون دوپون قوای خود را کافی ندید ... به سمت

کاستیل عقب نشست در حوالی قصبه Bailen اسپانیولها او را محاصره کردند ... حمله

... در ساعت کشتار و کوشش و مجاهدت ... قوای او ... از پا ... دوپون ... دادند

از تشنگی
در هزار نفر ... تلف ... و بیش از ... هزار نفر سربازان جوان ... درجه

و تیغ دیگر ... درماندند ... از کار ... مرتبه ژنرال دوپون

جرئت ... چون ... مستعفی ...

آن آورد (۱۹ ژوئیه ۱۸۰۸) و ... هزار ... در قبضه اختیار ... رسید.

ژنرال دوپون ... موقع ضعف ... داد و ... دو دسته قوای ... سردار ...

۷۲۵

وانگهی در جنگ مداخله نداشته جز تظاهراتی به عمل نیاورده بود، مشمول صلح تیلسیت قرارداد. ناپلئون

در اواخر ۱۸۰۷ پرتغال را به استناد آنکه با انگلیس روابط دوستانه دارد و متحد [illegible] ها

[illegible] را [illegible] لشکری از فرانسه به [illegible] آورده [illegible] پرتغال را اشغال کرد [illegible] از [illegible]

[illegible] بیش از نصف آنها از جنگ و [illegible] تلف شدند.

نتایج و نهضت ملی

تسلیم [illegible] اسپانیا [illegible] نکبت [illegible] آنان [illegible] داشتند [illegible]

گرفت و [illegible] در اسپانیا [illegible] ژونو [illegible] ترک [illegible]

[illegible] و [illegible] گردید. مردم پرتغال نیز [illegible] قیام کردند. ژونو

[illegible] ۹۰۰۰ نفر [illegible] ۱۶۰۰۰ سپاهی انگلیسی [illegible]

ولسلی Wellesley (که بعد از دوک ولینگتون Wellington شد) ~~[illegible]~~

[illegible] [illegible] [illegible] آوردن [illegible] ژونو [illegible] قرارداد سینترا

[illegible] ~~[illegible]~~

پرتغال [illegible] خارج گشت. (۳۰ اوت ۱۸۰۸)

در تمام اروپا نفوذ ناپلئون [illegible] آمد و [illegible] امید [illegible]. پروس [illegible]

امپراطور [illegible] و [illegible] شد. اشتین Stein وزیر اعظم پروس

بنظر [illegible] چنین نوشت: «وقت است که ناپلئون [illegible] حتی مستحکم کند و از [illegible] محتاج

اعمال فرمانروایی و تدارک انتقام سابقه بوناپارت و افکار انقلابی و شورش را در قطعه اروپا

بسط داده. [illegible] باید بدانیم در طریق ایجاد شورش و [illegible] نهضت [illegible].» (۱۱ [illegible] ۱۸۰۸)

فرمانروا [illegible] اول [illegible] شنید خبر [illegible] دو دولت امر تجهیز سپاه داد.

هیچیک از نتایج شکست و [illegible] دو دولت در بین از نظر دقیق ناپلئون پوشیده نماند. این حادثه [illegible]

منظره و نتیجه بود ناپلئون [illegible] داشته ...... ۲ در عالم حسن تجهیز و آمادگی در تدارکات

ترکیه [illegible] در [illegible] داده بود. و [illegible] تصرف مصر را هم از آنها

[illegible] بنابر قول [illegible] روسیه داشت دیپلماسی عثمانی را [illegible] بعد از

این حادثه ناگوار مجبور شده [illegible] از شرق [illegible] و بعد از آن [illegible] کند و مقاومت

[illegible] انگلیس و اتفاق و [illegible] و [illegible] دیپلماسی [illegible] از او [illegible]

[illegible] مقصود [illegible] و [illegible] ناپلئون [illegible] مقاومت [illegible]

[illegible] شود و [illegible] کند [illegible] از [illegible] شده و از

[illegible] ناپلئون [illegible] روسیه

[illegible] ناپلئون [illegible] و [illegible] کرد.

ملاقات در ارفورت Erfurt واقع شد (۲۷ سپتامبر تا ۱۴ اکتبر ۱۸۰۸). در این

کنگره از سلاطین و امرا و شاهزادگان دو امپراطور ~~[illegible]~~ لازم دیدار کرده و عده ای از

قرارداد سری سال گذشته را که در تیلسیت واقع شد تحکیم و تقویت نموده و در باطن تزار جهت

بعضی [illegible] و بعضی از ولایات عثمانی را متصرف سازد و ناپلئون نیز با سوئد [illegible] فتح اسپانیا

[illegible] ~~[illegible]~~ و اگر امپراطور اطریش دست به جنگ برد از کمک تزار روس [illegible] در مقابل

[illegible] (۱۲ اکتبر ۱۸۰۸). اما ناپلئون توقع داشت که تزار روس [illegible] اقدامات

اطریش را تهدید کرده [illegible] قوای [illegible] و الکساندر نپذیرفت.

خیانت تالیران

~~[illegible]~~ نقشه ناپلئون چون نقش بر آب بهم خورد زیرا [illegible] ناپلئون

او را [illegible] تزار روس را با خیانت [illegible] تالیران [illegible] خیانت [illegible]

تالیران [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] تالیران [illegible] نقشه [illegible] ناپلئون [illegible]

و بخواست در صلح بشد از اجرای این مقصود ممانعت کند. برای این منظور با تمام اطریش در کمال قوت

و با صلح کامل دست داشته [illegible] دولت روس را از اجابت دعوت ناپلئون خودداری

و بقول خود الکساندر «دوست جدا و دشمن برجا» باشد. تا اوان ده ماه

قبل از ملاقات دو امپراطور در ارفورت دست یافته و از اوایل ۱۸۰۸ نقشه شرکت

ناپلئون را راجع به تجزیه عثمانی به شرح Metternich سفیر اطریش بوده و اصرار

که بود دو امپراطور در جوامع ... مقصود را جلب کند. در ارفورت هم ...

قطع رابطه امپراطور در شرف اتخاذ [illegible] تا اوان آن روز را ملاقات او داد که

در ارفورت که [illegible] ناپلئون مخالف ... و اروپا را نجات بخشد» و «کاری

موجب اضطراب اطریش شود نکند» مطابق این دستور ... و ... تا اوان ...

... از «دوستان عمومی» ... با اطریش خودداری کرد. اطریش ...

... تا اوان ...

ناپلئون در اسپانیا

... ارفورت ... علاقات ارفورت را ... نهایت داد

... امپراطور ... و ناپلئون هم ... اطریش ...

... جنگ ...

۷۲۹

گارد امپراطوری و افواج مجرب قدیم را از اروپای مرکزی و آلمان خواست و ۱۸۰۰۰۰ نفر

به شبه جزیره اسپانیا وارد کرد.

بعد از سه هفته جنگ ناپلئون وارد مادرید شد. سر جان مور در اسپانیا دو بار کو-

شش کرد اردو را از شمال اسپانیا [illegible]. عده قشون از کوهسار گواداراما در زمستان سختی است در

حوالی مادرید به عده برادران لشکر خود افزون گشت. لیکن برادران نیز در تاریخ ۵

[illegible] اسپانیا را در [illegible] ژوزف را استوار که بعد مدت آورده را

برقرار کرد (۲۰ نوامبر). در مادرید امپراطور فرمان الغاء رسوم و عادات قدیم را

صادر کرد، در صفحات [illegible] اجتماعی خود [illegible] الغاء حقوق ~~[illegible]~~ اراد و قدیم

و نسخ حقوق گمرکات داخل و تفتیش مذهبی و ایجاد مساوات و غیره ذلک. امپراطور

گمان میکرد به این اقدامات قلوب اسپانیولها را بجانب برادر خود معطوف خواهد داشت ولی بیهوده!

ناپلئون [illegible] کارها برای او [illegible] خبر [illegible] تا ایران و [illegible]

نظیر هجوم اطریش که [illegible] از [illegible] بجانب اردو [illegible] در نظر گرفته بود متعاقب آن

احوال خبر رسید [illegible] بر تجهیزات خود افزوده است بنا بر این اقامت خود را در

مادرید کوتاه کرد [illegible] در [illegible] (۱۷ ژانویه ۱۸۰۹)

۷۳۰
۳۳

اتحاد خامس

اطریش پس از جنگ اوسترلیتز به آراستن سپاه پرداخت. فعالیت آرشیدوک شارل موجب شد در ظرف
یک سال شماره قشون این دولت به ۴۰۰۰۰۰ رسید و چون عده در سپاه اطریش در نظر بود. آن عده تمام
نابرابری در [illegible] اول [illegible] ... در اسپانیا [انگلیس] چون توقع داشت موجب گردید اطریش ترسید
از ادامه تجهیزات بر داد. [illegible] در آن وقت ناپلئون بار دیگر خیانت ورزید و حقیقت [illegible]
[illegible] در اسپانیا بالجمله پادشاه اطریش در اسپانیا [illegible] ظاهر شود. با این [illegible] ناپلئون مشغول
[illegible] جنگ جدید کرد. فرانسوا اول پادشاه اطریش هنوز تردید داشت [illegible] [illegible] از آن روی
[illegible] و [illegible] ... [illegible] استقلال و تمامیت ملل اطریش از جانب او [illegible]
بر [illegible] دول [illegible] بنا کرده ناپلئون فرانسوا اول مشغول [illegible] شد عده سپاه را
[illegible] هزار [illegible] و [illegible] ... در اسپانیا. و با دول انگلیس هم قرارداد [illegible] با دولت دیگر
[illegible] (۲۷ دسامبر ۱۸۰۹) [illegible] ... اسپانیا و پرتقال هم [illegible] اطریش انگلیس
ملحق شد و [illegible] اتحاد دول را تشکیل دادند.

جنگ ۱۸۰۹ شهر ۱۸۰۵ اطریش با چهار جنگ وارد میدان شد و در یک روز از طرف شمال
[illegible] آرشیدوک شارل از راه باویر و آرشیدوک ژان از سمت ایتالیا و

۷ (۱

دوک نشین بزرگ ورشو (۱۰ اکتبر ۱۸۰۹) آخرین [illegible] . تا روس ها [illegible] قرار داد

و مذاکرات ارفورت بعد از دو قوای جنگ اطریش بکند مع الظاهر سیاسی [illegible] و در باطن

فرمانروای اول را وظایف [illegible] به تدریج [illegible] میداند و [illegible]

بر وظایف [illegible] موجب پیشرفت قوای اطریش گردید .

اطریش که از ۱۸۰۵ [illegible] ناپلئون را [illegible] ۱۸۰۹ [illegible]

[illegible] ولی [illegible] در [illegible] [illegible] سال [illegible]

[illegible] شد . ناپلئون دو ماه بعد از اسپانیا [illegible] [illegible] جنگ [illegible]

[illegible] صد هزار مرد جنگ آماده [illegible] قوای [illegible] ۷۵۰۰۰ نفر بود ۲۵۰۰۰

[illegible] از اسپانیا [illegible] صد هزار [illegible] از [illegible] گرفت ۸۰۰۰۰

نفر [illegible] سال ۱۸۱۰ [illegible] از ایالت [illegible] دوک نشین بزرگ

ورشو نیز ۱۰۰۰۰ تن مجهز کرد . [illegible] ناپلئون [illegible] قوای [illegible] صد هزار نفر [illegible]

با ایتالیا روانه [illegible] ۳۰۰۰۰ نفر [illegible] آلمان فرستاد [illegible] قوای [illegible]

در [illegible] گرفت .

شرح جنگ ۱۸۰۵ [illegible] دره دانوب بود [illegible] تقسیم [illegible]

[illegible] دره علیای دانوب و ایالت باویر [illegible] آن [illegible] روز [illegible] ترین [illegible]

و واقعه مهم آن جنگ الموهل Eckmühl است (۲۲ آوریل ۱۸۰۹) [illegible] وقایع
شمال و شرقی و این دو دولت [illegible] از [illegible] و مدت آن ۵ ماه بود حوادث
مهم آن ـ نبرد عظیم اسلینگ Essling (۲۱ - ۲۲ مه ۱۸۰۹) و سپس
مشهور واگرام (۵ - ۶ ژوئیه ۱۸۰۹) می‌باشد.

محاربه الموهل آرشیدوک شارل روز دهم آوریل از رود این گذشته با ۱۸۰۰۰۰ نفر
بباویر وارد شد. در این موقع ناپلئون قوای فرانسه کاملاً ترکیب نیافته بود و داوست با ۵۰۰۰۰ نفر
از طرف شمال حرکت کرده و تا نزدیک راتیسبون در ساحل شط دانوب رسیده بود. ماسنا
با ۶۰۰۰۰ نفر از طریق [illegible] پیش آمده و به اوگسبورگ در ساحل رود لخ
~~[illegible]~~ اقامت داشت. [illegible] ۳۵۰۰۰ نفر قشون از اتحاد باویر و ورتمبرگ
در فاصله [illegible] سابق الذکر [illegible] و نیز از [illegible] در ساحل [illegible] دانوب تا [illegible]
اگر آرشیدوک شارل فرمانده کل قوای اتریش [illegible] و [illegible] در میان این سه قسمت
پراکنده ناپلئون قرار میداد نظر [illegible] عده سپاه او می‌توانست [illegible] آن [illegible] را
از پای درآورد. ولی آرشیدوک شتاب نکرد و [illegible] روز ۱۶ آوریل از رود ایسار
گذشت. روز ۱۷ ناپلئون به دوناورث در ساحل شط دانوب رسید و روز ۱۸ [illegible]

دیگر ابراز داده به پیروزی ترک بیابد دستور امپراطور این کلمه همیشه : « فعالیت و سرعت ».

میدان جنگ یک مربع به ضلع آن در حدود تنگی مراد و مساحت آن از ۲۰ الی ۳۰ کیلومتر بود.

نقشه ناپلئون این بود از آبنسبرگ Abensberg حرکت کرده واز طرف لاندشوت

از پشت به اطریشی ها تاخته خط آذوقه گیری وارتباط ایشان با وین منقطع سازد وجناح راست لشکر

بزرگ را به طرف راست و چپ دانوب برساند ـ بدین اراده چون برای گذشتن از دانوب در

راتیسبون یک پل بیشتر در اختیار فرماندهان دولت دارند ارشیدوک شارل مجبور میشود همچنان

چنانکه ماک در جنگ اولم در ۱۸۰۵ آنرا آورد

جنگ پنج روز دوام یافت روز پنجشنبه ۲۰ ناپلئون به اتفاق مارشال لان اطریشی ها را

از آبنسبرگ به طرف روتن برگ و لاندشوت راند روز جمعه در ملاقات اخیر اندک جلو

رفت روز شنبه در وسط گیرو دار باقی مانده جنگ وارد شده و قشون فرانسه ۷۰۰۰ نفر از اطریشی ها را

از کار انداخته و ذخیره کثیر در جنگ آورده و دشمن را از رود [illegible] ایزار عقب راند

ناپلئون پس از تمرکز دادن جناح چپ اطریشی ها به سمت شمال رهسپار شده و داود

به ارشیدوک شارل مشغول جنگ بود پس از تقویت قشون امپراطور و داود

۷۳۴

به ۷۵۰۰۰ اطریشی سردار ارشیدوک در الموهل حمله برد و بیرون جاگرفتن

ده هزار از سپاه اطریش را هلاک کرده دفع کرد.

معذلک قوای ارشیدوک شارل بیرون جنگ زدم کار نیافته بود. زیرا که در روز

قبل از جنگ اخیر دولت یک فوج پیاده ها با توپ را در راتیسبون که ... بود از فوج

بیرون مقاومت بسیار تسلیم شد و شهر راتیسبون را ارشیدوک را نگاه داشته. روز

یکشنبه ۲۰ آوریل در روز جنگ چهارم موجب است ولی یک حمله بود راتیسبون را

از اطریشی ها گرفت.

باری این جنگ عجیب پنج روزه که ناپلئون آن را جنگ حیرت آور و عاقلانه ترین جنگها

خود میخواند تمام شد و ۶۰۰۰۰ ~~[illegible]~~ نفر ~~[illegible]~~ و یکصد توپ و مقدار حیرت آوری

مهمات جنگ ~~[illegible]~~ از اطریشی ها گرفته شد و راه وین باز شد یا که از دجوا [illegible]

دروازه وین باز شد.

اسلینگ یکی از شرح جنگ گذشته ناپلئون به وین تسلط یافت شهر وین در ابتدا

شروع به مدافعه کرد لکن بیرون بمباردمان تسلیم شد. معذلک اطریشی ها این بار موفق

شدند و پل ها را ~~[illegible]~~ دوباره خراب کنند.

۷۴۵

در آن سمت دانوب ارشیدوک شارل دشت وسیع مارشفلد سو را مرکز خیام خویش ساخت.

در این وقت سپاه جوان هم نیز به روی اتریش ملحق شده و دارای ۹۰۰۰۰ مرد جنگی بود. ناپلئون عزم کرده

از شط گذشته و خصم را یکباره معدوم کند.

در عرض رود در سمت کینیزترین [illegible] پایین وین در حوالی قریه ابرسدورف

[illegible] Ebersdorf معین کردند. در محاذات این قریه جزیره‌ای است موسوم به لوبو که شعبه‌ای از

شط دانوب آنرا دو حصه نموده است. یک عرض ۷۰۰ متر و دیگر عرض ۱۰۰ الی ۱۲۰

متر. این شعبه بصورت خندق [illegible] عمیقی است. در واقع این جزیره در قسمت علیای دشت

مارشفلد شبیه باستیانی [illegible] مشرف بر اراضی است.

در حضور ارشیدوک شارل که نظاره داشت در جلو قشون ناپلئون در طرف

دو روز ۲۱ و ۲۲ ماه از شط گذشتن گرفت. در این دو روز سخت‌ترین محاربات

جنگ امپراطوری وقوع پیوست. روز ۲۱ دسته اول که از جزیره لوبو گذشته دور آن اطراف

رودخانه قریه اسپرن سو از طرف چپ و قریه اسلینگ سو از جانب راست تصرف نمود.

در این اثنا و از کثرت آب دو عام جسری که از قایق به روی شعبه کبرای دانوب بسته بودند پاره شد

و در این موقع فقط ۲۲۰۰۰ نفر از آب گذشته بود. این عده قلیل مقابل ۹۰۰۰۰ مرد حمله

سپاه آرشیدوک و ۳۰۰ توپ نثار اطریش شده . لان در اسلینگ و ماسنا در
آسپرن محصور گشتند ماسنا با ۳۰۰۰۰ نفر ۳۶۰۰۰ اطریش را جلوگرفت دور وسط
میدان سواره نظام فرانسه از هر طرف هجوم خصم را دفع نمود واورا از پیشرفت مانع آمد.
~~[illegible]~~ شانگاه لان هم پس رفت تا پای ارزنه قشون فرانسه
از شط گذشته و به سپاه دیگر رسید روز (۲۲ ما) ناپلیون چون خود را دارای ۶۰۰۰۰
مرد و ۱۵۰ توپ دید در ساعت چهار صبح حمله داد. در ساعت هشت لان قلب
سپاه خصم را متزلزل ساخته و فتح نزدیک بود که ناگهان ~~[illegible]~~ پل شهر را اگر
دانوب بعلت طغیان آب دیروز دیگر چندین آتش را آتش زده در مجاور شط افکنده و پل را نیز خراب
و محترق ساخته بود. لان از شنیدن این احوال توقف کرد و چون دریافت که قطار مهمات و ذخیره
نتوانسته است از شط بگذرد و وسیله برای حمله موجود نیست اطریش را از پیش ولی فشارهای
سخت آوردند فرانسویان را بطرف شط بردند ولی به جا تیرهای ایشان کار رفت و تا شب
۹ ~~[illegible]~~ ساعت دوام داشت در این مدت جنگ قریه اسلینگ ۹ مرتبه دردست طرفین مکرر
گرفته گردید در ساعت شش مارشال لان بضرب گلوله توپی از پای درآمد. قریه آسپرن در دست ماسنا
بود دفع داد و درحفظ آن اهتمام نمود گرچه دیگر دوام قتال از او نپسندید تا که تمام قریه

در برابر هجوم دشمن [illegible] داشت جواب داد . [illegible] ساعت . شش ساعت . جنگ ادامه یافت
و بعد چون که برای نجات قشون فرانسه توقف در این جا را لازم میدید [illegible] [illegible] با [illegible]
رشید تا وقتی که تمام قشون بعد از ترک [illegible] شده و جزیره لوبو Lobau پناهنده
شد اگر چه [illegible] از آب گذشت و این دو جنگ از [illegible] ۳۵۰۰۰ نفر مقتول و مجروح شده .

اردوگاه جزیره لوبو ناپلئون قشون را در جزیره لوبو تمرکز داد و جزیره را اردوگاه مستحکم و قلعه جنگی
[illegible] ساخت میان جزیره و ساحل یمین شط [illegible] پل استوار با پایه های فلزی [illegible] قوه رودخانه
ساختند و مهندسین و کارگران فرانسه [illegible] [illegible] کار عظیم را انجام دادند . در این جا
در حین تهیه اتفاقات در اردوگاه مشغول نظام [illegible] قوای جدید هم بود که از ایتالیا .
قشون ایتالیا هم ۵۰۰۰۰ نفر بود [illegible] اوژن بوهارنه نایب السلطنه و [illegible] در دره های
آلپ [illegible] آرشیدوک ژان را دنبال کرد [illegible] آرشیدوک [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اوژن [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
جزیره راب Raab [illegible] [illegible] [illegible] اردوگاه جزیره لوبو [illegible]
ناپلئون رسید [illegible] [illegible] ۱۵۰۰۰ نفر و ۴۵۰ توپ
چند روز بعد از جنگ [illegible] ناپلئون [illegible] [illegible] از طرف [illegible]

۷۳۸

در روز ۵ ژوئیه در اثر استفاده کرده فرمان داد به قشون را بسمت قریه آسپرن کشیده دانوب را

عبور دادن کند به طوری حتم را از ... در ظرف چند دقیقه چهار پل مهیا را

بر شعبه کوچک دانوب افکنده و در محاذات قریه انزرس دورف از شط عبور کرد. صبح ۵ ژوئیه

در مقابل گردید و در دشت وسیعی میان شط و زمین مرتفع موسوم بواگرام (Wagram) واقع است جبهه

~~... [illegible] ... ارتفاع دارد~~ با آرشیدوک شارل پنجه در افکند. واگرام زمین

در چند متر از سایر نقاط ما ارتفاعش بیشتر است

واگرام این جنگ معروف دو روز طول کشید روز اول را ناپلئون در حال جنگ صرف ترتیب و قوای لشکر

و گستردن افراد نظام کرد و سپاه را بشکل ~~[illegible]~~ چتر یا قوس آراسته جناح چپ را

در قریه آسپرن و جناح راست را در حوالی ده نوزیدل قرار داد

روز دوم ساعت ۵ صبح پنجشنبه ششم ژوئیه بود قشون اطریش رو بجنوب و شرق گسترده شد

جایی که گوئی از طرف دانوب در آمد. موضع این قشون قریه واگرام بود طول جبهه قشون برابر

به ۱۲ کیلومتر میرسید. آرشیدوک دارای ۱۴۰۰۰۰ سپاهی و ۵۰۰ توپ بود. در آغاز

فرانسویان را احاطه در میان ... جناح چپ خود نقشه ... در دهانه گاز گرفتن

و نقشه او این بود جناح چپ ... از طرف اسلینگ و آسپرن عقب ... برد

۷۹

که دست ناپلئون از شط دانوب بریده شود

از طرف دیگر ناپلئون هم میخواست از جناح چپ اطریشیها تا فرکه لفن

را معطل کند لشگر داووت را در جلو قریه نوزیدل جا داد و لشگر اودینو Oudinot را در

دنباله آن ~~گذاشته~~ گذاشت که در دست راست داووت قریه واگرام رسید. در مرکز لشگر برنادوت

Bernadotte را قرار داد با افواج ساکسون. میره ماسنا بسو بابنا برد و در دامنه

زاویه صفوف جنگ یعنی درست در وسط موضع گارد و قشون ایتالیا را جای داد. توزیع

قشون ترتیب فوق طوری بود که هر وقت متفرق و یعنی در هر یک از صفوف شاه‌بیه مورد

امداد میشد.

جنگ در ساعت چهار صبح آغاز گشت ساعت ۱۱ آرشیدوک شارل اراده فتح ظفر

داووت. میره قشون فرانسه عقب نشست و اطریشها بقریه آسپرن تقرب جستند

در عقب ماسنا هم افواج ساکسون فرار کردند ناپلئون چون این احوال را ملاحظه کرد تازه‌ترین

۱۰۰ قطعه توپ را بمیدان برد و دهانه آتش را باز کرد حمله اطریشها خنثی شد.

سپس ناپلئون ۳۰۰۰۰ پیاده و ۶۰۰۰ سوار نظام را بسرداری ماکدونالد بصورت مربع

روانه کرد. سوار نظام اطریش با این مربع حمله آورد و متفرق شد ~~[illegible]~~ و داوت توکن آون

Aderklaa ۷۴۰

و آدرکلا بدست فرانسویان افتاد . داووت هم از طرف میمنه قریه نویزیدل را گرفت
و ارتفاعات متصرف و واگرام موفق شد . ساعت ۳ بعد ظهر بعد از ۱۲ ساعت
کشمکش آرشیدوک شارل عقب نشینی اختیار کرد . اما هر چند ۳۰۰۰۰ نفر از
سپاهیان او از حیز انتفاع خارج بود و ۱۲۰۰۰ اسیر بدست ناپلئون افتاد بود
قشون اطریش ابداً از نظم و ترتیب نیفتاده و با کمال انتظام بسمت بوهم عقب
نشست و با قشون [illegible] سر در با آنها داشت متارکه بمیان آمد .

صلح وین

بعد از فتح واگرام غلبه و پیشرفت ناپلئون نظامی روشن بود و ارشیدوک شارل دولت
متارکه کرد . (۱۱ ژوییه ۱۸۰۹)
صلح قطعی در پایتخت وین امضا شد (۱۴ اکتبر ۱۸۰۹) قسمت اطریش از لحاظ
ثروت لطمه دید بعلاوه ولایت گالیسی از دست اطریش خارج و بعنوان ناپلئون تخفیف
گردید قسمتی جزو گراندوک نشین ورشو و قسمتی جزو قلمرو تزار روس شد . ولایت سالسبورگ
و دره ~~...~~ رودخانه این ضمیمه باویر ملحق گردید . تریست و فیوم
و کارنیول و کرواسی را ناپلئون گرفت و با ولایت دالماسی و استری ~~...~~
منتزعه از مملکت ایتالیا ملحق ساخته و تشکیل ایالت ایلیری Provinces Illyriennes
را تشکیل داده مستقیماً جزو امپراطوری خود نمود .

مقدمه فرمانروایی اول پادشاه اطریش فقط یک ششم جمعیت اطریش را که عبارت از چهار میلیون نفوس باشد از

دست داد.

صفحات میزه محاربات
۱۸۰۹
نهضت ۴.

شکست ۱۸۰۹ آخرین مصائبی بود که ناپلئون بر اعداء خود غالب آمد. با این محاربات

در تمام دوره [illegible] داشت زیرا که نهضت ملی [illegible] شد. [illegible] حکم [illegible] و [illegible] جدیدی

در دوره [illegible] ایام سابقه داشت [illegible] حس وطن پرستی هم در قشون و هم در افراد رعیت

ظاهر شده بود. قبل از شروع جنگ یکی از امرای قرانه ~~[illegible]~~ ازدواج میان [illegible] داد. در ۱۸۰۵ جنگ با

دولت بود [illegible] قشون [illegible]. در ۱۸۰۹ [illegible] هم دولت طالب جنگ بود هم قشون و هم

ملت. ۱۸۰۵ ناپلئون [illegible] رسید [illegible] از اول [illegible] و کار [illegible] [illegible]

[illegible] و [illegible] حضرت [illegible] رسید و امپراطور [illegible] احکام [illegible] حفظ [illegible] از [illegible]

[illegible] اطریش صادر نمود.

در تیرول شخصی سیفروش آندریاس هوفر نام با جنگ مخالفت برداشت و

[illegible] در سال ۱۸۰۵ [illegible] امپراطور رعیت باویر شده و رضایت نداشتند [illegible]

شده [illegible] حقیقی امپراطور اطریش را خواستار گشتند [illegible] شورش [illegible]

شورشیان تیرول قشون امیر باویر را شکسته و [illegible] را در هم [illegible] و [illegible]

و ناپلئون یکی از بهترین ارکان خود را مارشال نی را باید به ناپلئون و مترگراف ~~[illegible]~~ (دیده داد)

که وزارت سرحد را اداره ~~میکرد~~ عاقبت خود گرفتار و تیرباران شد (در ۱۸۱۰)

بیننده خود دولت انگلیس هم حس تنفر مردم را بیجا آورد ولی ارتش اتریش بود و قهر

به آرشیدوک شارل داده و ... شد. آرشیدوک ... از کوه‌های ... آلمان و ... نفر

... از جنگل ... تقدیر ... در شمال آلمان هم در نهضت ملی حکایت بلو و در بیابانها

~~[illegible]~~ مشغول بود است. ده هزار نفر سرباز یکی از صاحبمنصبان پروسی شیل نام ... حکومت ... را

از ... به تنگ آورده بود. از این قبیل شورشها در اغلب نقاط روی میداد.

و روزی قبل از انعقاد معاهده وین یک نفر محصل ساکسونی از دریک اشتاپ Staabs

نام در موقع سان • سپاه در صدد برآمد که ناپلئون را بخنجر بزند. بزودی گرفتار و اقرار کرد که عقیده

راسخ او این بود که در ... ناپلئون ... تقدیر مملکت خود و تمام اروپا ... و وجود

ناپلئون ... از او سؤال کرد در جواب گفت: «قتل شما جنایت نیست ادای تکلیف است»

امپراطور پرسید: «اگر ترا ببخشم از این عمل پشیمان خواهی شد؟» جواب داد: «باز هم از کشتن شما خودداری

نخواهم کرد». این نظیر احوال روحی مردم اسپانیا بود و نشانه بیداری حس ملی آلمان ...

کمال ترقی ناپلئون | صلح وین نهایت ترقی و تعالی ناپلئون است. در آن تاریخ تا چهل ملیون ...

مغرب و مرکز اروپا بود. امپراطوری فرانسه از رم تا هامبورگ کشیده شد و یک نوار خاک
ایتالیا تا فرانسه و قسمتی از سویس و لوکزامبورگ و بلژیک و هلند و قسمتی از پروس را در بر
شط رن و سواحل آلمان در سواحل دریای شمال تا مصب رود الب. کلیه آن به ۱۳۰ ایالت
منقسم گردید جزء امپراطوری فرانسه محسوب شد. در ماوراء بحر آدریاتیک نیز هفت ایالت
ایلیری مستقیماً در قلمرو امپراطوری واقع بودند. ناپلئون پادشاه ایتالیا - سرپرست ولایات
متفقه سویس - حامی ایالات متحده رن بود و بعد ایالات تاج و تخت برای
برادر خود ژوزف را پادشاه اسپانیا و برادر دیگرش ژروم را پادشاه وستفالی و شوهر
خواهر خود مورا را پادشاه ناپل کرد. مستقیماً یا بواسطه سلاطین دست نشانده خود بر
۷۰ میلیون مردم حکومت میراند. در این عده درست نصف جمعیت آنوقت اروپا بود. دولتهای
و متحدین و مطیع او که خود را وابسته بفرانسه میدانستند: تزار روس، امپراطور اطریش،
شاه پروس، پادشاه دانمارک. دولت سوئد تا دیر زمانی متحد انگلستان باقی بود
ولی او نیز از فرط ترس مصالحت بلا دید و چون سلسله سلاطین آن نزدیک بانقراض
بود ناچار یکی از سرداران فرانسوی موسوم به مارشال برنادوت را بولیعهدی انتخاب نمود
(ژانویه - اوت ۱۸۱۰)

[illegible] امپراطوری فرانسه

در مقابل اقتدار ناپلئون بر سر اطاعت هم می‌رسید حتی شاهزاده خودخواه متعصب اطریش را

هزار گاو را بگروه نداد. ناپلئون از نقطه نظر سیاسی برای حفظ نسل و القاب امپراطوری

در خانواده خود امپراطریس ژوزفین زن خود را ~~طلاق داد~~ که از او اولادی نداشت طلاق داد (۱۶ دسامبر ۱۸۰۹)

و دختر فرانسوای اول امپراطور اتریش را بزنی گرفت ~~[illegible]~~ در عروسی

این شاهزاده خانم که در کلیسای نوتردام پاریس انجام داد (اول آوریل ۱۸۱۰) تاج ملکه دائم

قبلاً بالاپوش امپراطریس را دربر داشتند. از این ازدواج پسری بوجود آمد که او را پادشاه

روم لقب دادند (۲۰ مارس ۱۸۱۱)

ناپلئون فقط یک دشمن ~~[illegible]~~ غیرمغلوب داشت و آن انگلیس بود. این کشور در طول مدت امپراطوری دایماً بجنگ

بود و هر سال مبلغ خطیری کسر بودجه داشت. مبلغ قروضش از سالیانه به ۶۰۰ میلیون لیره می‌رسید

و نتایج قرق بحری نیز که ناپلئون مجبور می‌بود انبارها و کارخانه‌های تجارت لندن

از محصول مستعمرات لبریز بود که نمی‌توانستند از اروپا خارج کنند و فقر بتدریج سکنه انگلستان

را فرا گرفت ~~[illegible]~~ کفایت می‌کرد. در اواخر سال ۱۸۱۱ بنا به قول اکثر مورخین:

مردم انگلستان از فروش ادویه و محصول مستعمرات خسته شده و از ~~[illegible]~~ کم نان بالا گرفته بود.

عمال و کارگران در غذاخانه‌ها [illegible] نمی‌آوردند و شش ایام قحطی با همه [illegible] میدادند [illegible]

نقاط سرحدی را برداشته بودند با رجال انگلیس [illegible] تابع سنگفرش نام قرض و امداد تجار و حساب

حرف و صنایع به به تا صلح از دست رفته بود هر چیز دولت داشت بر انگیخته نا پولون نفع تام و غلبه

با اصلاح نا مرآت مقصود و آتش خویش رسیده است . .

فصل یازدهم

انجام امپراطوری

اصلاحات پروس - لشکرکشی به روسیه. اتحاد عام. هجوم
تعیین دوره تجدید سلطنت - صد روز. واترلو. معاهدات پاریس و وین
تغییرات ارضی در اروپا.

علل ضعف امپراطوری

جلال و طمطراق قدرت ناپلئون ظاهری بود و باطناً تقلیل و انقراض داشت. برای تخریب
آن بنای بزرگ ده سال بیشتر وقت صرف نشد. امپراطوری عظیم فرانسه بنیانش به زور و بقایش با زور بود
علاوه که آن امپراطوری انگلیس نیز در برابر او بر پا بود. در آلمان و ایتالیا هیچ ارتباط
طبیعی و تفاهم با هم نداشتند و ملیّات در نفع و ضرر شریک نمی‌شدند. رقابت انگلستان که از دریا
... و آن را استعمار نمی‌بخشید و برای اهالی بزرگ و مردم هلند خسارت بار آورد
فرانسویان در تمام مدت لشکرکشی‌های سخت شکیبائی به خرج داده و تحمل سربازگیری و مالیات می‌کردند و
دلخوش و مغرور بودند به فتوحات ناپلئون. امپراطور شان موجب شهرت و سرافرازی آنها است لکن مردم
سایر ممالک ملحقه به فرانسه از سر شعبه‌های عروق سیراب نمی‌شدند. تحمل بار گران آن بر ایشان دشوار
بود. وفاداری و دوستی آنها نسبت به امپراطور تا زمانی بود که زور در دست و تاج اقبال را در دست
داشت و چون وقتش رسید محو شد. ملت مردم ایالات متفقه را هم در دنیا به حال خود نگذاشت

یا برای یکدیگر در مقابل از فتوحات امپراطوری چیزی به جبران خسارات را بکند عاید می‌کردند. ۷۴۷

آنان که متحدین امپراطور یعنی روس و اطریش و پروس به ازیم دم از اتحاد میزدند

در اندیشه آنها جز بجانب انتقام و کینه‌کشی توجهی نداشت و هر یک بطریقی در جستجوی

وسایل انتقام بود.

I
اصلاحات پروس

پروس بعد از تیلسیت

در هیجان‌انگیز وسایل کینه‌خواهی از پروس شدیدتر بود. بعد از عهدنامه تیلسیت دو حزب

در پروس تشکیل شد که دو سر تقسیم زده‌اند، و هر دو به جبران شکست دامن همت زدند. دسته اول

برآن بود که راه چاره مسدود است جز انقیاد ادوار غالب و حفظ بقیة السیف پروس و تبعیت

از سیاست و فرمان و دستور امپراطور راه دیگری باقی نیست. دسته دوم که وطنخواهان بود

میگفتند که شکست وقتی قطعی است که ملت امید از خود بگذرد و باب چاره خود را مسدود پندارد

والا ادراک سعادت و تعالی ملل ممکن است فقط باید کشور خود را مهیا و مستعد و لایق کند تا شاهد

سعادت در برش نشیند و این منظور با تجدید حیات پروس مستلزم است. چون ملکه لوئیز طرفدار

این سیاست بود فرقه وطنخواه نفوذ یافت لکن مجامع و مخالف شد خود فردریک گیوم نیز بنا بر

فطرت خویش همواره از عقیدهٔ تعقیبیه متنفر میشد و بواسطهٔ ثبات فکر وزرای وطنخواه آن را

ابراز مسلم کردن شاه مجبور شد آنچه را که تعلیم و اطاعت ها داشته است پیدا کند و دیگر تعلقات
بسیار تحکیم نماید.

وطنخواهان

مطلب دیگر قابل ذکر و توجه است این است که در دوره جنگ وطن خواه بعضی پروس آزاد نجیب دیگر
که بعضی هم از خارج آمده پروس را پذیرفته بودند. هاردن برگ و شارن هورست از مردم نقاط
غرب آلمان بودند و شتاین اهل ناسو بود. گنایزنائو Gneisenau از ساکس
و بلوخر از مردم مکلنبرگ بود و گوته از لیتوانی بود. چون دولت پروس خالصه بعد از عهد فردریک
آنقدر قویترین دولت پروتستان اروپا بود از هر جانب مردمان پیرو مذهب پروتستان در آن کشور
با آزادی میتوانستند چنانکه کاتولیک ها ولی [illegible] را [illegible] حقوق شناختند. بنگاهی در دولت
تجارت آلمان را با اطاعت فرانسویان آورد. پروتستانهای آلمان در نیاز دولت پروس آوردند هر اگر
مغلوب و متفرق بود ولی باز هم مرکز استقلال داشت و مرکز امیدواری وطنخواهان آلمانی محسوب شده
بنابراین کسان مزبور با دقت دیگر بودند بروس بتقویم شده و ملت آلمان را از یوغ فرانسویان آزاد
کنند در ترقی و تعالی آن مملکت بجان کوشیدند.

طرز تجدید حیات سیاسی

وطنخواهان آلمانی طریق مختصر بود که خواهان را تجدید حیات پروس و تغییر کلی اوضاع مملکت
دانسته دست بمقدمات زدند و شئون اخلاقی و مالی و اداری و ملی و نظامی مقدم داشت.

۷۴۹

و دوره هم رفته انقلاب را ترقی کرده و به تعقیب انقلاب فرانسه را ~~[illegible]~~ توکل اصولاً اساساً

با شورش فرانسه تفاوت و اختلاف داشت. ولتوائی ~~[illegible]~~ و معلمین شتاه نظر به روس درباب تقیه

در انقلاب کبیر فرانسه با اصطلاحات «تمام قوا رعیت را بیدار کرد و تمام نیروی مردم را به کار

انداخته است» و فرانسه را دارای اسلحه کرد و بعد مرتباً از آن انقلابی دید شده بود. اینکه قول

کنیزو [illegible] از معلمین پروس است. ولتوائی از این کار هم گرفته و او را رفع قوای

فرانسه با ترتیب پروس و آلمان [illegible] جهات و بیان آنها و وجه تفوق فرانسه است ایلا کو

در مقابل شاه به نطق پرداخت. پس تجدید حیات پروس تقلید فرانسه بود اما فقط بهمین

اعتبار و فقط جهات نه به اعتبار دیگر.

حال ما به تفاوت انقلاب [illegible] را باید دید. اول آنکه تجدید [illegible] شاه بود

نه ملت. و مقصود این انقلاب نه فقط [illegible] عدالت و [illegible] حال رعیت بود بلکه فقط اصلاحات

عملی مستقیم شد [illegible] برای تکثیر قوای ~~[illegible]~~ سلطنت و از این نیروی دولت بود.

معدود این اصلاحات به ترقی و آگاهی [illegible] تا پای رفت. اغلب آنها از تصور

تجاوز نکرد و بعضی هم عمداً عقیم ماند [illegible] در ۱۸۱۵ از قوت افتاد.

اصلاح چهارم

مهمترین اصلاحات در اجتماع و در ترقی [illegible] شد. در اصلاح اجتماعی دوم باید اعتبار کرد

ابتدا از اصلاحات در پروس در زمان اشتین Stein که در سنه ۱۸۰۷ شروع کرد و عاقبت هاردنبرگ در

۱۸۱۱ بدست وزیر بزرگ Hardenberg وزیر اعظم بانجام رسید

پروس بکلی بر روی اساس طبقات ممتازه در جامعه پروس سه طبقه دیده میشد : نجبا

(تا ۱۷۸۹)

متوسطین و کارگران و دهاقین که تفاوت این طبقات با طبقات ممتازه فرانسه این بود که در فرانسه

با صرف پول ممکن بود از طبقه ادنی باعلی ترقی یافت ولی در پروس امکان نداشت . اراضی تماماً در

دست نجبا بود و کسی جز آنها مالک ملک نمیتوانست شد . طبقه متوسط نمیتوانستند در شهرها متمرکز شده و اصناف

صنعتی تشکیل داده و امور تجارت میکردند . اما دهقانان رعیت و (Serf) بودند و بیگاری

و خدمت شخصی را تن در میدادند .

در تاریخ ۹ اکتبر ۱۸۰۷ اشتین فرمانی صادر کرد که بموجب آن خرید و فروش املاک

آزاد شد و نجبا حق فروش ~~[illegible]~~ و دهقانان حق خرید و نگاهداری یافتند . ~~[illegible]~~

نیز فرمانی رعیت را از خدمات شخصی معاف کرد اما حق بیگاری را کماکان باقی گذاشت و سپس

اسباب دیگری را هم مالکیت دهقانان در اراضی مسکونی خود باشد مستقر شد .

(کمک اداری اشتین)

خاطره اشتین فرصت نداد که مقررات تنظیم کند لکن چنانکه دیدیم تنظیم عقده از

قشون فرانسه در پروس بوجب آن نیز مسئولیت ناپلئون امپراتور شد و چندان مجبور تا در تکمیل اصلاحات اداری هم

۷۵۱

در ماه اوت ۱۸۰۸ مکتوبی از اشتین بدست پلیس امپراطور افتاد و حکایت از نوعی خیالات و امیدواری

در جنگ با ناپلئون میکرد. امپراطور امر داد او را از زمامداری معزول و توقیف کند

اشتین چون از خبر آگاه شد بروسیه رفت و مستشار تزار شد.

جانشین او بارون هاردنبرگ اصلاحات را تعقیب کرد و دستورالعمل مهمی نشر داد

(سپتامبر ۱۸۱۱) که بموجب آن تمام دهقانان از پرداخت حقوق قدیمه و مالیاتهای [illegible]

معاف و مالک ثلث اراضی مزروعه خود شدند. لیکن دستور هم نجبا و هم رعیت را رنجانید. آن

نجبا بواسطه از دست دادن عوارض ماخوذه سنواتی محروم شده و آن دهقانان که دیگر استطاعت نداشتند تمام

اراضی مزروعی ملک ابا شده نداشت. با این حال که دستور فوق اجرا نشد و در ۱۸۱۶

نظامات پروسی وضع شد دستورالعمل هم ملغی گردید و مدتها دهقانان [illegible] در ۱۸۵۰

عاقبت دهقانان پروسی از هر قیدی آزاد شدند. از همین مطلب میتوان بخوبی دریافت که اصلاحات

پروسی حقیقی موقت و مقتضای ضرورت زمان بوده است.

اصلاحات نظامی

اصلاحات نظامی تحت توجه شارنهورست Scharnhorst بود شارنهورست

از مردم هانور و فرزند یکی از دهاقین ساکن بود جنگ در توپخانه دولت هانور سمت صاحب منصبی داشت پس

در ۱۸۰۱ بخدمت پروس رفت و تقویت نظام و تشکیلات پروس را عهده‌دار شد و در ۱۸۰۷

با نهایت ثبات اداری وظیفه کرد. قبل از جنگ بنا به ~~[illegible]~~ در سایه فتوحات فرانسه تا این

کرد و بدین نتیجه رسید که: «در یا کرده و اقتضی در کجا جبراً بمیدان میرانند میتوان نفع

و العنت امید نیست ~~[illegible]~~ دهقانی ~~[illegible]~~ که در خطر با ~~[illegible]~~ مالک خود دیگر آگاه از نعمت

رشد و نشو عزت محروم است ~~دریغ آمیز و ... تیغ»~~ از جانبازی دریغ دارد»

بهتر در قشون پروس باصلاحات دست زد و بطاق اصلاحات اقتصادی قشون را حیات جدید بخشید

اشتین ~~[illegible]~~ اداره امور اداری منوط به خود کرد و یکی از صاحب منصبان با وی گنیزنو

نیز با او مساعدت نمود. لکن تا آنوقت با نام معتقد خود نه و بیش از پیش اصلاح اطراف

حزب مخالف نیست با صلاحیت نظر ناتوانی اوراز کرد.

شارن هورست می خواست قشون و ملت را متحد سازد و خدمت نظام اجباری را

که ۷۰ سال قبل پادشاه فردریک پروس ... بشاه ... پیش نهاد کرده و بهبود کنار گذاشته بود معمول کند

پیشنهاد شارن هورست در سنه ۱۸۰۰ برحسب ... باز احترام عام شد زیرا که حرفه نظامی را با

سور مقصود و ... ... از حرف ... و دانسته دیگر ... . یکی از

مورخین معروف آنزمان ~~[illegible]~~ ... گفته است: «تمام عالم را نظامی کردن

مخالف رسول بود و نتیجه ... صاحب منصب ... ترتیب است» و شاه پروس پیشنهاد را رد کرد.

۷۵۷

بر شارن هورست اجباراً با اصلاحات کوچکتر اکتفا کرد که مهمترین آنها عبارتند از

آن اصلاحات از این قرار است: تخفیف ~~[illegible]~~ خشونت انضباط. حذف سیاست بدنی. الغاء

جریمه. طرز جدید تعیین صاحبمنصبان. نیز انتخاب صاحبمنصبان از طبقات نجبا و متوسطین. ایجاد آکادمی نظامی

و غیره ذلک.

کرومپرها (Krumpers) شارن هورست کوشید که ترتیباتی بدهد تا بتوان بیفزاید چه ناپلئون از راه جلو

قشون پروس را بسیار ضعیف و محدود ساخته بود. بموجب قرارداد منعقده معاهده تیلسیت تکلیف ولایات پروس

از قشون زیاده مشروط بتادیه تمام غرامت جنگ بود. و در قرارداد نیز مبلغ کل غرامات را تعیین نکرده بعد ناپلئون

از ابهام عبارت قرارداد استفاده کرده نفس تجدید نزدیک گیری و انتقام دوره ای را از جانب او بنای سخت‌گیری

گذاشت. و از مملکت پروس در ظرف یکسال مبالغ و مقادیر هنگفت از نقد و جنس گرفت. اداره ولایات را

در قشون در آنجا مقام داشت. عایدات در اختیار وی گذاشته و متصدیان پروس را از ارتباط با پادشاه و دولت

منع کرد. باین ترتیب مستقیماً وصول نموده و بعنوان مختلف مقادیر گزاف از محصولات جنس جمع آوری

کرد. بار تولی هوز ناپلئون در این مدت بیش از یک میلیارد از پروس خارج ساختند. کار سختگیری بجائی

رسید که در بعضی نقاط زمین بر بیت المال خالی نماند و وقتی قحطی و اشتغال

ژنرال کلارک Clarke حاکم برلن بناپارت چنین گزارش میدهد: «بعد از آنکه...

بحوالی شهر سادات اظهار عجز و تهی‌دستی از عهده پرداخت بر نمی‌آیند بمحض مراجعه است در حوالی

۷۵٤

در روز جنگ ینا معروف است در ملاقات ... [illegible] ... داشته که ... همین نشان تاریخی

... [illegible] ... و حکومت ... را تیج کرد ... جنگ ... . جنگ ... [illegible]

مجبور ... قشون ... تحقیقات ... . قرارداد ... [illegible]

۱۸۰۰ ... [illegible] ... تا سال ... بیش از

۴۲۰۰۰ سپاهی در زیر سلاح داشته باشد.

آن شارنهورست ... را تغییر داد. در هر دسته قشون پنج نفر از ... را

داوطلب ... [illegible] ... از ... نظام ... شده

سربازهای را ... پنج نفر دیگر ... قشون ... بدین ترتیب ... بانوی

قشون ... ۵۵۰ نفر ... ۲۵۰۰ نفر ... را

آماده ... . این طرز تربیت نظام را کرومپر Krumper گفتند ... کرومپر ...

... ۱۸۱۵

موفق شد ... ۲۵۰۰۰۰ مرد جنگ آزموده ... که ناپلئون را ... ساخت.

[illegible] علاوه بر اصلاحات ... تغییرات ... در وضع حکومت ...

... ۵ ... [illegible] ... اصلاحات ... شروع باشد.

۷۵۵

پس از آنکه [illegible] رواج داشت در دیانات هم معمول گردید [illegible] را هم ترسیم داده و [illegible] حقایق را بیان کند.

در ۱۸۱۰ بنا بر پیشنهاد گیوم دو هومبولت Humbolt دارالعلوم برلن

تأسیس یافت که بقول فردریک گیوم «در حالت پروس آنچه را از قوای مادی خود گم کرده است بوسیله تکثیر قوای

معنوی جبران نماید» [illegible] سیاست [illegible] پروس بود بنا بر پیشنهاد هومبولت. «در چون ملک آلمان

زیر ستوران خصم [illegible] و زیر چنگال دشمن [illegible] است پس این دارالعلوم را

باید مأمن و مخزن علوم [illegible] آلمان قرار داد». در بسط [illegible] دارالعلوم [illegible] معارف و علم

و [illegible] به تحت [illegible] باشد. لکن در ابتدا هم دارالعلوم مرکز تهییج احساسات وطنی بود

معلمین بر خلاف اصول رایجه در پروس [illegible] و [illegible] را [illegible] سرو [illegible]

بر آن شدند حس وطن پرستی و بغض دشمنان خارجی را در دلها بیدار کنند و مردم را به احوال وطن

که قطعه قطعه و خراب شده است متأثر سازند. [illegible] از [illegible] به تهییج احساسات ملی

مشغول بودند دارالعلوم از طرف دیگر با هیئت [illegible] و تزریق [illegible] در طبقات متوسطه

پروس دخالت داشت. کار بجایی کشید که در ۱۸۱۳ که [illegible] دربار [illegible] امپراطور فرانسه [illegible]

پروس [illegible] تخریب آن [illegible] و در [illegible] امپراطوری [illegible] گشته.

II

انگلیس و روسیه

قطع رشته اتحاد میان فرانسه و روس

در سال اول گذشته و بعلت پیش آمدن یک جنگ شوم دولت امپراطوری ناپلئون رو بزوال رفته و خواه
نیز از اوج سلطنت بزیر افتاد. نخستین علت آن واقعه بود که انگلیس و روسیه بود علاوه بر اینها تقار
در مقدمات آن را فراهم کرده و مسئول شروع آن شناخته میشود

اتحاد تزار روسیه با ناپلئون که در ۱۸۰۷ در تیلسیت ناپلئون را بر رقیبش در سنه ۱۸۱۰
بهانه شتاب از روی روسیه برگردانید. علت قطع رشته اتحاد از اینقرار است: حضرت تجار روس
با فرانسه رضایت داده و نتیجه ترقی تجارت طبقه تجار روس را دادند. دلیل آن اخلاق روس
جامعه طبیعی انگلیس بود.

بعلاوه قرارداد تیلسیت تجار روسی که خود سودهای زیادی را از دست داده بودند با طبقه زمیندار
رعایای خود را غلام رفتار میکنند و آزادی فرانسه را نتیجه انقلاب کبیر بود حالت داشتند.
چونکه روسها مخالف با آزادی فرانسه محسوب میشدند هر دو انگلیس یعنی امپراطور ساری بود.
نخستین سفیر که ناپلئون بن پطرزبورغ فرستاد و بوده به ساواری Savary بود خانه نیافت
در آن منزل کند زیرا که اهالی در اجاره دادن عمارات خود مضایقه میکنند. در کلیسا مردم

علت نیز انبوه‌های نظامی می‌فرستادند و بعضی از آنها می‌خواستند الکساندر را مجبور به اتحاد با ناپلئون

نقشه برسانند. گرچه این اوزان حضرت ... ولی از میان رفت و بکلی در قرن ...

در مملکت روسیه هم موقع اجرا گذاشته شد کینه و عداوت مردم را با فرانسه بیشتر نمود. زیرا که در نتیجه

این منع تجارت اسعار و ثروت روسیه تنزل کرد و تجارت وی هم با دولت انگلستان که بیشتر بود

رفت و فواید عمده که در بیشتر از روسیه می‌رسید منقطع شد.

الکساندر

لکن علت عمده قطع روابط اتحاد و جلب به سیاست ضد آن بود. یکی از دوستان و وکلای

الکساندر موسوم به پرنس سزار تورسکی Czartoryski او را چنین وصف میکند (۱ مرد

صاحب روح متلون است) معتقد به این بود که در افکار الکساندر ثبات و ثبوت از

صورتی به صورت دیگر انتقال می‌یافت. آنچه امروز او را مشغوف می‌ساخت فردا در سوءظن

و ... روز قبل او را تا این حد می‌آورد روز دیگر مورد وهم او قرار گرفت. لکن حقیقت امر این

بود که قوای مزاج و عدم ثبات الکساندر مثل تمام نژاد اسلاو ظاهر بود. از روی نهضت در ظاهر

جهات و قوای و حالات تغییر میداد. ... آنها در باطن کاملاً مستحکم و مانع خود

بوده و فرصت را ... از دست نمی‌داد. الکساندر در آغاز کار خود را شیفته و حیران

اعمال و رفتار ناپلئون وانمود کرد و شتاب و حرارت بسیار خود را در خوش‌آیند او کرد.

زیرا که از ناپلئون انتظار منافع مهم داشت و فنلاند هم برد به ادعاهای تمرینت ممالک

فنلاند را از سوئد گرفت و بعد از ملاقات ارفورت Erfurt اجازه یافت در بغاز

مولداوی و والاشی را از عثمانی منتزع ساخته و حدود ممالک روس را تا رود دانوب برساند

و بعد از فتح وین ، دریافت معاهده شونبرون ناپلئون گرفته بود قسمتی از اراضی لهستان نصیب او شد

اما حرص او بهمین مقدار اکتفا نکرد و در قسمت جنوب اسلاو را وارد جانب جنوب

دریا را بدست آورد و کاملاً امپراطوری عثمانی را تجزیه کند . منتهی نقیض دولت لهستان که

تشکیل داد . اما ناپلئون در ۱۸۰۹ صریحاً با این خواسته مخالفت ورزید و [illegible] روسها

از تصرف اسلاوها منع نمود و در لهستان هم دوک نشین ورشو را تشکیل داده روسها

کاملاً از آن مملکت بیرون طرد کنند . از این تاریخ الکساندر دشمن ناپلئون را اکثر مسموم و ما

در طی رشته اتحاد را جنبانید و نقول فولاد ناپلئون را در زیر بار تعارفات والفاظ محبت آمیز

خسته و فرسوده می‌ساخت » . سابقاً گفتیم که چگونه بعد از ملاقات در ارفورت و در آغاز

جنگ دوگرام الکساندر با ناپلئون خیانت ورزید . قشون روس هم بعد از نبرد آنجا در دفعه با اطریش

~~[illegible]~~ جنگ کرد لکن در سخت ترین مواقع فقط مجموع دو مقتول در میدان می‌شد .

قطع روابط — از اواسط سال ۱۸۱۰ الکساندر بتهیه جنگ مشغول گردید با انگلستان عقد قرارداد بست .

۷۵۹

و اینهم در نوبه خود در ۱۸۱۱ انگلستان غفلتاً بروز آورد . و ناپلئون را غافلگیر کند . پس در آخر ۱۸۱۰
(۳۱ دسامبر) منع ورود محصولات کرد و بعض از بنادر روسیه را برای تجارت انگلستان گشود . و ورود
مال التجاره فرانسه را در روسیه قبض منع و جنس آلات و ازین رو تشریب و ضیق بانک روسیه منع کرد
و تقاضاً در اثر ورشکست صنایع فرانسه هم و بحران عظیم بود کارگران شغل فرانسه تعطیل کرده
و بعض از صنایع دوره شد بیره و بعد وقفه گرسنه بود . در این حین مردم انگلستان در با وجود انحصار
بحث ~~[illegible]~~ انگلیس و وعده تدبیر استقلال آن مملکت وقت رسیده از روسیه بیک نیز ناپلئون
متوجه نامقه و کار ، بلا در خیال تصرف و کسانی بزرگ در شورست . ناپلئون شد تمام
تند کشتی را راه او رفت و سپاهی از فرانسه بر روسیه دعوت داده او که خاطر سرحدات انگلستان
پوشیده نظام موجب شده انگلیس در مقتدر دست نمی‌دارد .

در این اثنا ناپلئون برای دیگر کلیه قوای تجاری را اعزام کند علاوه هانزیاتیک
Hanséatiques را یعنی بریم Brême و هامبورگ و غیره را اشغال کرد و دوک نشین
بزرگ اولدنبورگ Oldenbourg را در ملک شهر خواهر الکساندر بود در ۱۸ ژانویه ۱۸۱۱
تصرف آورد . و این پیش آمد بیش از موجب تیرگی و عداوت را برابر شد . معذلک
یکی از مذاکره طول کشید ناپلئون حاضر شد و غرامت داده به دوک اولدنبورگ جبران کند

آنان را عهده‌دار از آنجا بوده و تفصیل تمام تجهیزات قشون سوئد را داشته و دقیقاً بر عهده

بر عهده لشکر ... فرانسه شده است او در تهیه و تدارک مهمات جنگ افزون یافت. وقت

در اواخر آوریل ۱۸۱۲ ... الکساندر ... اولتیماتوم ناپلئون را رد کرد.

در این وقت ناپلئون مطلع شد که یکی از صاحب‌منصبان الکساندر که از ۱۸۱۰ به عنوان اتاشه میلیتر

و اتاشه در دربار فرانسه مأموریت شغل جاسوسی داشته و به بسیاری از اسناد محرمانه

از وزارت جنگ دست آورده و بر اوضاع لشکر و مقدار مهمات ... ناپلئون دقیقاً مطلع

شده است. ... جنگ در ۲۲ ژوئن ۱۸۱۲ اعلان شد.

اتحاد با روس

در این جنگ انگلیس و سوئد ... با تزار روس متحد شدند. برنادوت Bernadotte

با وجود اینکه تزار روس فنلاند را ... به او وعده داده ... در این جنگ بی‌طرفی کرد. در اواخر اتریش

و پادشاه پروس با ناپلئون متحد بودند لکن قرار ... اول ... با الکساندر عهد ... کرده. و ...

در ... حال ... خارج خواهد شد ... خواهد بود. ... تزار روس را ... مطلع

ساخته و گفت: ... .

لشکرکشی قشون ...

با لشکرکشی ... (۲۴ ژوئن - ۱۶ دسامبر ۱۸۱۲) ناپلئون ۳۵۰۰۰۰

نفر ... به ترتیب زیر توزیع کرد: ۳۰۰۰۰ پروسی ... جناح چپ را ...

از ناحیه بالتیک حد برزخ و ولایت اعظم با ژنرال مکدونالد باشد. ۳۰۰۰۰ نفر اطریشی بسرداری

پرنس شوارتزنبرگ Schwarzenberg جناح یمین را ترتیب داده، بطرف پینسک

Pinsk رهسپار شد. و بقیه قشون که ۲۹۰۰۰۰ نفر است بریاست شخص امپراطور از

وسط حرکت کند. از این عده اخیر فقط ۱۸۰۰۰۰ نفر فرانسوی بودند و آن هم نه فرانسوی خالص

بلکه مردم جنوب و آلمانهای ساحل چپ رن و اهالی سویس و بلژیک هم جزو قشون فرانسه

شمرده آمدند. باقی که ۱۱۰۰۰۰ نفر باشد از قشون امدادی ولایات متعلقه را یعنی باکلیه

باویر و ساکس و ورتمبرگ و وستفالی و اهالی لهستان و دانمارک و ایطالیا

و کرواسی و دالماسی ترکیب یافته. روسها نیز قشون را راه مجزا برای جلوی مرکز و جناح اروپا

بعد سپاه بیست هزار نفر و درست کرده‌اند. تا رسیدن جنگ ۲۰۰۰۰۰ مرد جنگی

بوده و ۳۰۰۰۰ نفر از قزاق بود و به دو لشکر تقسیم شد یکی در جناح دوینا

Duna بریاست بارکلای دو تولی Barclay de Tolly دیگری در جنوب نیز ناحیه دنیپر

Deniepre تحت ریاست باگراتیون Bargation

| حمله | قشون روز ۲۴ در سه پل کونو Kovno از رود نیمن Niemen عبور کرد

عبور سه روز طول کشید و روسها هیچ مانعی بعمل نیاوردند. تا نقشه جنگ فرانسه کشید #

و اصول آن را کشف کرد. یکی از سرداران ناپلئون [illegible] : جنگ واقع نخواهد شد

قشون ما پیش روی ناپلئون عقب خواهد کشید و سکنه دهات و عده را [illegible] کرد. یکجو

خوار و بار [illegible] از همه چیز خالی شد و کم کم [illegible] و بیابان دشت

روسیه [illegible] در زمان [illegible] صحرا و هوا [illegible] را دفع خواهد کرد »

خطوط این نقشه جنگ از آغاز لشکرکشی بر ناپلئون روشن شد. پنج روز بعد از گذشتن از

رود نیمن [illegible] قشون [illegible] کیلومتر راه [illegible] ویلنا رسید [illegible] اسباب

از [illegible] دیگر [illegible] بر خاک [illegible] افتادند [illegible] مجبور ترک [illegible] گردید.

بدون [illegible] قشون فرانسه یک ششم افراد خود را [illegible] ... [illegible] از دست داد

[illegible] . با این حال [illegible] فرانسه [illegible] خاک [illegible]

[illegible] ناپلئون [illegible] مستقل [illegible]

چون [illegible] روسیه [illegible] جنگ مقدس را [illegible] دید

دهقانان [illegible] خود [illegible] را در خاک [illegible] یا آتش [illegible] و دهات را [illegible]

سعر قشون فرانسه را [illegible] میکردند.

ناپلئون [illegible] قشون [illegible] را [illegible] در مسکو [illegible]

~~[illegible]~~ اولیه در پایان دو رودخانه دوینا و دنیپر به موازات یکدیگر جریان دارند

برود قشون روس را تعقیب نماید. امّا روسها عقب می‌نشینند. امپراطور تصور کرد می‌تواند بار کلی

دو قول را در شهر ویتبسک Vitebsk در ساحل دوینا غافلگیر کند (۲۸ ژوئیه) امّا

سرداران روسیه از دست او رها شده به قشون باگراتیون ~~ملحق گردید~~ در ساحل رود دنیپر ملحق گردید

الحاق. ناپلئون به جانب اسمولنسک که یکی از شهرهای مقدس روس است روی آورد تا شاید در آنجا

سردار روس را در آنجا محاصره کند. لیکن روسها پیش از جنگ خونین دیگر از فداکردن [illegible]

خود [illegible] شهر اسمولنسک را آتش زده و میان شعله ناپلئون حصاری آتشین ترتیب دادند

(۱۷ اوت) در این وقت ناپلئون شش روز راه تا مسکو داشت و دشمن هم پیاپی در صدد جلوگیری

او بر نمی‌آمد و به جنگ قطعی تن نمی‌داد.

مسکوا امّا مردم روسیه تا این پایه حاضر به عقب نشینی نبودند و حاضر از این نقشه جنگ تدبیر

انتقاد شدید معترضانه را مطرح می‌شدند و پایتخت قدیم روسیه یعنی شهر مقدس مسکو بدست دشمن بیفتد

الکساندر [illegible] مجبور شد و سردار کل قشون کوتوزوف نام را [illegible] با وجود شکست معروف

در ... [illegible] قبول عامه داشت اجازه جنگ داد.

کوتوزف Koutousof سپاه روس را در فاصله ۱۵۰ کیلومتر از مسکو

درجنب بورودینو Borodino دشت رود کولوچا که ۲۰ فرسنگ غرب مسکو است صف آرائی کرد

قوای او ۱۲۰۰۰۰ نفر بود و ۶۴۰ توپ داشت. میدان جنگ را با ساختن سنگر و خندق

محکم گردانیده در مقابل ~~[illegible]~~ قریه سمنوسکویه Semenovskoie سه دیوار از خاک و سنگ

برافراشت و در برابر قلب اردو بطاری بزرگی عبارت از خندق عمیق و سنگر عظیم بسته

ساخت و درآن ۲۷ توپ بزرگ بود که فرانسویان آنرا قلعه بزرگ نام نهادند.

شب پنجم سپتامبر قوا بهم رسیدند لکن روز ششم که یکشنبه بود عملی جنگ نشد

روز ~~[illegible]~~ کوتوزوف سردار روس مجسمه متبرکی را از مسکو باردوگاه آورده و با مراسم مذهبی

از مقابل صفوف لشکریان گذرانیده و روسها بتقدیس و تعظیم آن اشتغال داشتند.

روز دوشنبه ۷ سپتامبر ۱۸۱۲ ناپلئون بکوتوزوف حمله برد. امپراطور توپها

روسی ۱۲۷۰۰۰ نفر بوده و ۵۸۰ توپ بود. ساعت پنج صبح جنگ با شلیک

عظیمی از توپ شروع شد و تا وقتی که آتش آنها نشسته بود از صدای ۱۲۰۰ توپ

در دفعهٔ شلیک میشد زمین میلرزید. در ساعت یازده پرنس اوژن از جانب یسار و قلب

پیشرفته بورودینو و سنگر عظیم را متصرف گردید. نی و مورا سه دیوار مقابل قریه

سمنوسکویه را گرفتند ولی دوباره بتصرف روسها در آمد. اگر ناپلئون بنابر تقاضای

دو سردار سابق [illegible] از [illegible] را بعد از آنها مسئول شدند. در حوالی [illegible] نظیر [illegible]

[illegible] زد و [illegible] می شد تا چون [illegible] که در این [illegible] کار تمام شد از امداد

[illegible] سود.

روسها با جمعی [illegible] اگرچه در مقابل سه دیوار [illegible] عقب نشینی شده

ولی سنگر [illegible] دیگری را [illegible] آوردند. در اینجا جنگ خونین رخ داد [illegible] یا از جلوگیری

در اطراف خندق و میان سنگر در زیر [illegible] از اموات و مجروحین [illegible] پوشیده شد

[illegible] جسد روی هم ریخته بود [illegible] نظام و سرداران [illegible]

[illegible] از روانه کردن قشون [illegible]

[illegible] از جای [illegible] روسها [illegible] بود می ترسید [illegible] جنگ [illegible]

روی آن جنگ [illegible] داشت. [illegible] توپ دشمن را [illegible] دادند. [illegible] روسها هم [illegible]

[illegible] در [illegible] عقب نشستند ولی از انتظام نیفتادند و آماده [illegible]

[illegible] به جنگ [illegible] و اگرچه [illegible] در میدان [illegible] کشته ولی

[illegible] هزار نفر [illegible] از کار [illegible] رفتند.

حریق مسکو

نتیجه فتح مسکو [illegible] ناپلئون شهر مسکو را [illegible] (۱۴ سپتامبر ۱۸۱۲)

[illegible] روسها را مجبور به صلح کند [illegible] زمستان [illegible]

کاملاً برای سپاهیان فراهم کرده سال آینده به پایتخت سن پطرزبورگ لشکر کشد.

آیا وطن‌خواهی روسها خیال ناپلئون را باطل کرد. تمام مردم روسیه کینهٔ مهاجمین را در دل گرفته و بقول الیزابت زن لستار «برای هر چیز مهیا بودند جز برای مذاکرهٔ صلح».

الکساندر تقاضای صلح که نمایندگان ناپلئون را به کف داشت بر او وارد شوند. فردای آن روزی که فرانسویان وارد مسکو گشتند روسها شهر را آتش زدند. روستوپچین Rostopchine در حین تخلیهٔ شهر امر داده بود دستگاههای اطفاء حریق را دور کرده. مقارن ۲۰۰ نفر الکلی فروشها را آزاد نمود و عمارت کلی او را آتش بزنند. چون شهر در تمام شده از چوب بود اطفاء حریق میسر نشد چند روز تمام آتش مشتعل شد گویند در قریب ۸۵۰۰ خانه در حدود سه ربع شهر مسکو بسوخت. ناپلئون در اقامت مسکو ابرام بیجا داد و بیش از یکماه در آنجا ماند چه بیم داشت در هر بازگشت او تولید نماید. ناگزیر در اواسط ... بنابراین میتوان حتی المقدور عقب‌نشینی نبودند. با مطالعهٔ جغرافیائی احوال جوی سه سال اخیر معلوم بود که برف زمستان زودرس است و باین نفوذ او را از دو نظر گرفت.

آنحساب و تدبیر اطوار غلط شد. در زمستان ۱۸۱۲ پنج هفته پیش از موعد عادی فرا رسید. در اواسط اکتبر برف ناگهانی باریدن گرفت و امپراطور از هزیمت بیم کرد و در روز ۱۹ اکتبر از مسکو خارج شد و فرمان داد در موقع ترک از حصار قصر کرملین را منهدم سازند.

بازگشت

خیال ناپلئون این بود زمستان را در جنوب مسکو معین نماید که در آنجا وفور آذوقه و ارزاق است برای

آن کوتوزوف در مالویا روسلاوتز Maloiaroslaveto ✓ (۲۴ اکتبر) ناپلئون را در احراز از جنگ (راه بازپس را سد ساخت)

عظیمی در رجب صف اردو دید از فرصت آنجا صرف نظر کرد و وقت تغییر راه داد. (۲۶ اکتبر)

و اجباراً همان راه ویران و بی آذوقه اسمولنسک را افتاد مدت بازگشت هم بیش از علاوه بر این طول کشید

و علت تأخیر دفاع هم و شب های ~~...~~ (دراز) و روزهای کوتاه الحاشیه سابقه بود سرما سخت و بی نظیر

آن سال هم در رسید در اواسط اکتبر میزان الحراره ۱۸ درجه زیر صفر را نشان میداد و در اوایل دسامبر

به ۳۷ درجه زیر صفر رسید. کلاغ ها در هوا پرواز میکردند از شدت سرما بزمین افتاده و هوا روانها

را با ملاحظه احتیاج و ... عده کثیری هلاک شدند چونکه تقریباً ضعف قوای روحی از کار افتاد. آنهائی که قبول

فرونشاند عده بر سرما و شب های دراز از عقب دو چار حملات پی در پی کوتوزوف و از جلو گرفتار صدمات

گروه قزاق میشد و کم کم از انتظام خارج شده جماعتی گرسنه و سرمازده و محتضر فراری آمدند

هر کس بسمت میدید و مخواب میرفت دیگر برنمیخاست. جز گوشت قوچ منجمد شده آن نیز از شدت سرما

از سنگ سخت تر شده بود خوراکی جز زبان نیز غذای آنها محسوب میشد. یکی از سربازان گارد میتم

گوید « تنها ای مثل ایران که بسلاح (و جوانان) را ... نبود ». لشکر جماعت کثیری در ۱۸ ساعت

طول شب را در سرمای بیرون که روزها آن دو رفته از طلوع صبح تا غروب راه را با سکوت و خستگی

۷۶۶

تمام بریده و ده به قدم جمدی یا سمدی یا اراده یا توپچه بجا میگذاشتند .

معذلک نی قشون به قول یکی از صاحب‌منصبان انگلیس در خدمت کوتوزوف بعد بعضی از

امورات و شجاع شده بود و داشت در طول راه تعقیب نمی‌آمد وقتی هم به ... کنار رود برزینا

Bresina ~~Berg~~ که ۸۰ متر عرض دارد رسید خود را در میان سه لشکر روسی دید

جمع اینها ۱۴۰۰۰ نفر با تفنگ . قزاقها ۶۵۰۰۰ نفر ... ۲۸۰۰۰ نفر از

... شده بودند ... خواستند از روی یخ رودخانه بگذرند لکن ... باز شد و عبور ممتنع

در این وقت چهار صد نفر از مهندسین پل ساز دسته ژنرال ابله Eblé مردانه پهلوانی کرده

و خود را برای ... دور ... ستودیانکا Studianka ... به آب زدند ... در آب

... شب و روز ... پهلوانی در میان آب ... یخ ... قطعات آن گوشت بدن ...

کشته شدند و اغلب جان را در راه ... گفته . در این وقت ... ۱۰۰۰۰ نفر روسی را

... برای ادامه مراجعت باز کردند . فقط ۹۰۰۰ نفر ... با دولت

... ... از پل ... بگذرند ... به کوتوزوف تسلیم

کردند (۱۹-۲۵ نوامبر)

... روز ... بقیة السیف قشون در Kovno از رود نیمن گذشت

۷۰۹

در این شب عده‌ای از افراد لیاقت عقب‌نشینی بود برای جان شدت آن در این گیرنده ۱۸۰۰۰ نفری
۱۲۰۰۰۰ نفر هلاک شدند. مقدمه از ۲۹۰۰۰۰ نفری در شش ماه قبل به روسیه وارد شدند
در دست آنها مستقیماً با ناپلئون بود ۲۵۰۰۰۰ نفر تلف شد به مجموع مقتول و مجروح
فرانسوی. و اگر عده‌ای هم که از آلمان احضار شده و تقویت پروس تحت ... دارای عدد
تلفات به ۳۲۰۰۰۰ نفر بالغ میگردد.

دسیسه ژنرال ماله

ناپلئون فقط در اواخر بازگشت قشون خود را بعهده گرفت یک هفته بعد از عبور از رود برزینا
رهبری قشون را به مورا گذاشته خود با فقط چند نفر راه پاریس را بعجله پیش گرفت و در ۵ دسامبر وارد
پایتخت گردید. روز دیگر از پاریس اخبار رسید و خبر بود که
صاحب‌منصبی بود ژنرال ماله نام، در نظر معتقد به جمهوری طلبی وی را جزو احتیاط قرار داده بودند
و چند سال با تعریف در رابطه طرح دسایس تحت نظر واقع بود. شاید در این موقع از غیبت ناپلئون استفاده
کرده می‌خواست زمام امور را در دست بگیرد و کودتا کند. پس خبر مرگ ناپلئون را منتشر ساخت و احکام
مجعولی از مجلس سنا صادر نمود و بعد با تأیید گارد ملی را با خود همدست نمود و وزیر نظمیه را توقیف کرد
در صدد تأسیس حکومت موقتی برآمد. لیکن عاقبت حکومت پاریس او را دستگیر و در محکمه
به ... تیرباران نمود. در نتیجه ~~...~~ ابتدای اعتبار و نیکنامی ناپلئون این نکته برخورد، و در وقت ... جز

وفات او در پاریس کمی بعد و بگوییم بسیار خوب . ناپلئون برخلاف مردان جاه‌طلبی وراثت دارد چرا به حکومت

ترقی اعلام شد . و بعد وراثت ناپلئون امپراطور = در باری یعنی پادشاه روم [illegible] لیکن اقتدارات

به صورت دارد . ناپلئون از تمام در این حال بسیار برشته ... که جو دریافت ... دیکته

سلطنت ... در رژیم امپراطوری علاقه‌ا ملغی .

III

اتحاد عام . کنگره ...

نهضت ۴ ...
اتحاد هفتم

حادثه ناگوار روسیه بقول ناپلئون «ابتدای پایان» (آغاز پایان) محسوب میشود از انتشار

خبر بازگشت ... ناپلئون ... از شادی ... دارید ... همه زبانها زبان گرفت .

شکست ... در ... ۴۰ ... بر ... بزرگ

York با روسها ~~...~~ قرارداد ... کرد ... بر ... گذشته

گذشته . ... از روسیه بازگشت ... (...) ...

از اتفاق ... در شهر کونیگسبرگ ... از ... ناپلئون ... کال

... از قوای ... دولت ...

بوده از جمله حوزه‌های لاندوهر و دیگر لاندستورم خوانده شده و تمام قوای آلمان را مغلوب گشته

این ترتیب سلطه نظام اجباری و اهالی تیر شده و در صورت رغبت در آن‌گونه داوطلب گردید.

تمام این حوزه‌ها در برابر جنبه انقلاب و ملی دولت آلمان فردریک گیوم سوم موافق بود در

استاد و ارواح مخالفت با ملی [illegible] و در حوزه‌ها با این دفعه از [illegible] درجه اول ضعف بگذارد

بر تمام [illegible] Narbonne [illegible] و [illegible] مردم

سکنه [illegible] در آزادی [illegible] درخواست [illegible] را

از کار [illegible] حرب و مخالفت کنند. [illegible] روز [illegible] برخی

دهقانان [illegible] آزاد

[illegible] و مستقیمان

[illegible] فیخت Fichte

فیلسوف مشهور [illegible] دعوت بمیدان جنگ [illegible] تاریخ

Breslau

صلح [illegible] فردریک گیوم [illegible] برسلو

عهدنامه اتحاد با روسیه [illegible] (۲۸ فوریه) [illegible] ۱۷ مارس اعلان [illegible]

نام «دعوت ملت» [illegible] ملت آلمان را بجنگ [illegible] و مدت نظام اجباری [illegible]

III

عقب نشست تا رود الب. قشون فرانسه در مقابل [illegible] نتیجه این وقایع [illegible] سقوط درشت.

آن [illegible] الفاظ بطرف [illegible] تهیه [illegible] تا قصه [illegible] ناپلئون پیشنهاد صلح کرد

و لیکن در باطن مشغول تدارک حمله بروسیه و انگلستان [illegible] بود. [illegible] داده [illegible] اتحاد هم [illegible].

لشکرکشی ۱۸۱۲

ناپلئون از همین جهت فرانسه [illegible] را [illegible] از [illegible] و از [illegible] جنگ

[illegible] ۲۰۰۰۰۰ سپاهی جدید آراست. آن قشون مرکب از افراد ۱۸ ساله

و ۱۹ ساله تشکیل شده بود در حین حرکت تعلیمات نظامی بآنها میدادند. از حیث حرارت وطن [illegible]

جنگ [illegible] بواسطه [illegible] لکن آن جوانان تا [illegible] جنبه و قوه تحمل

مشقات جنگ و سفر را نداشتند. [illegible] ناپلئون [illegible] جنگ [illegible]

ترک میگفتند. در همین حال [illegible] نظر [illegible] ۲۵۰۰۰۰

نفر [illegible] در خاک اسپانیا گذاشته بود

جنگ [illegible] سواره نظام را [illegible] داشت و در اوایل

[illegible] از فقدان آن [illegible] هزاران [illegible] در سفر روسیه تلف

شده بود [illegible] نظر به همین فقدان سواره نظام فتوحات اولیه

ناپلئون نتیجه قطعی نبخشید.

۷۷۶

جنگ ناپلئون در سال [illegible] در [illegible] و سیلزی Silésie [illegible] و در وقت

متارکه شد در ابتدا فتوحات درخشان را [illegible] در لوتزن Lutzen

و بوتزن Bautzen (۱۸۱۳) نصیب او گردید و در آخر در لیپزیک مغلوب و به

آن سمت رود رن مجبور بعقب نشینی شد (اکتبر ۱۸۱۳) در فاصله این وقت [illegible]

[illegible] نتیجه بخشید.

لوتزن و بوتزن

جنگ اول [illegible] سه هفته طول کشید ناپلئون ۹۲۰۰۰ سپاه پروس و روس را [illegible]

[illegible] به «[illegible]» [illegible] بعد سردار پروس Blücher و ویتگنشتاین

Wittgenstein در [illegible] Weissenfels و در لوتزن Lutzen

[illegible] و [illegible] رود الب فراری کرد (اول و دوم ماه مه) آنگاه [illegible]

در بوتزن Bautzen و [illegible] رود [illegible]

[illegible] در میدان لوتزن [illegible]

[illegible] قریه را

[illegible] سردار [illegible] و [illegible]

[illegible] عقب نشینی [illegible] حمله [illegible]

در جواب وارونه

پروس را یک نصف از سپاهیان خود را در خاک میدان گذاشتند ناپلئون از این واقعه تعجب کرد

می‌گوید: «وضع جنگ را به این شکل درنظر نگیرید نه یک تب نه یک برق نه یک غفلت!»

ناپلئون و دول متحدین صلح جنگ شد و در مذاکره بودند اطریش که از پیش توانسته

بود دو لشکر سپاه اطریش تهیه نماید بتوسط مترنیخ Metternich صدراعظم اطریش پیشنهاد

ترک جنگ و میانجیگری فرمود امپراطور اطریش را پیشنهاد کرد که اگر این معاهده چند هفته وقت

کافی بدهد گردد ناپلئون هم که ابتدا مترنیخ متوجه از حقوق جنگ خود چیزی از ترک نکند

و چون در صدد بود که نوار شمال را از دست ندهد پیشنهاد مترنیخ را پذیرفت و در

بلس وتیز Pleswitz قرارداد متارکه جنگ را امضا کرد (۱۲ژوئن) و مقرر شد که کنگره صلح در

شهر پراگ تشکیل گردد و در آن جا بحث صلح عام مذاکرات لازمه بعمل آید.

کنگره پراگ

نمایندگان طرفین در شهر پراگ فراهم آمدند ولی بعد از هیئت که بنام هیئت کنگره

چند جلسه بیشتر تشکیل نیافت ناپلئون که از نیت باطنی دولت اطریش که مترنیخ در مذاکره بجای

بیطرفی و میانجیگری هفت روز قبل از تشکیل کنگره با متحدین پیمانی بسته بود در ملاقات

مترنیخ با او و به موجب صفحات ناپلئون و تهیه ملاقات عامه فرانسه بخصوص پیشنهاد پرولئون

با پیشنهاد صلح نمود و آرامش پیدا نکرد و تمام ایتالیا را هم دولت فرانسه واگذار کرد متحدین

آلمانی در شکسته، ناپلئون نیز مصالحه را رد خواهد کرد. بدین حقیقت خواهیم رسید که سبب جنگ
حرص و جاه‌طلبی ناپلئون و تنزل او بر حسن اتفاق خواهد است. دیگر اتفاقات امپراطور
نیز مصالحه را نپذیرفت الکساندر. تزار شرایط سخت‌تری بر آن افزوده و پیشنهاد را تغییر
می‌کرد تا دیگر یک بار دیگر جنگ شود یا فرانسه عقب فشرده گردد و سرحدات قبل از انقلاب برگردانیده
این مسئله رسانید که فرانسه سرحدات قبل از انقلاب یا از مواد شرح عهدنامه ۱۸۰۵ روسیه و انگلیس
بود و در دسامبر ۱۸۱۳ در فرانکفورت مذاکرات دیگر صورت گرفت همین شرایط
گویا در ۱۸۱۳ هم در قرار شرایط بالک فرانسه داده شد بر همین مذاکره بیان آمد.
در نتیجه مردم فرانسه در ۱۸۱۳ و ۱۸۱۴ زیر بار خونریزی نیز پیشنهاد را رد کردند و برخی از مورخین
هم تا امروز دوچار همین اشتباه هستند.

بعد ناپلئون هجوم کرد و دخول در مذاکره پیشنهاد تغییر را وکلا با [illegible] مدت
تا دیر کرد. در این فرصت دولتین [illegible] و ختم کنگره را اعلام و اتفاق جنگ
را صادر کرد. بدین طریق در ماه [illegible] ۱۸۱۴ اتحاد عظیم روس و اتریش و پروس و انگلیس
در سال ۱۸۰۵ در تدارک آن بودند [illegible] تا عقب آن [illegible] اتفاق
صورت گرفت.

درسد و لیپزیک

ناپلئون با سه لشکر روبرو است : لشکر اول تحت ریاست شوارزنبرگ Schwarzenberg

که از سمت جنوب می‌آمد و ۲۴۰۰۰۰ نفر بود. سپاه دومی که از جانب سیلزی می‌رسید و عده آن

۱۰۰۰۰۰ تن سرباز بلوخر بود. قوه سوم برنادوت Bernadotte مارشال

سابق فرانسه و ولیعهد سوئد شد و در این موقع فرماندهی ۱۶۰۰۰۰ نفر سپاهیان روس

و سوئد را عهده‌دار گشته بجنگ فرانسویان رسید. جمع کل قوای متحدین ۵۰۰۰۰۰ نفر و سپاه ناپلئون

۴۰۰۰۰۰ نفر بود. متحدین با نصیحت مورو Moreau و ژنرال سویسی

بنام ژمینی Jomini در سابق جزء ارکان حرب مارشال نی فرانسوی بود و طریقه جنگ

ناپلئون را تقلید کرده و قوای خود را متمرکز ساختند آنگاه ناپلئون این بار با عکس ۲۰۰۰۰۰

نفر [illegible] صف لشکر خویش را متمرکز [illegible] [illegible] دانزیک [illegible] و

قطع [illegible] دیگر [illegible] از میدان جنگ دور بود. ناپلئون [illegible] نقاط

[illegible] را [illegible] داشته اگر [illegible] صلح [illegible] نماید.

ناپلئون این بار لشکرها هم از تمرکز [illegible] در تمام نقاط حالت حمله گرفت

اودینو Oudinot را برای [illegible] برنادوت [illegible] و خود در [illegible] سیلزی

بلوخر [illegible] را [illegible] [illegible] اورا [illegible] جنگ کرد. در این وقت [illegible] [illegible]

اطریش، پروس، روس از سمت بوهم پیش رفتند ناپلئون ماکدونالد را در برابر بلوخر گذاشته

خود با ۱۲۰۰۰۰ نفر به کمک درسد Dresde تاخت . در این جنگ که از جنگهای بزرگ [illegible]

۱۵۰۰۰۰ نفر لشکر متحدین [illegible] را آن طرف رود الب راند و مورو [illegible]

شد ~~[illegible]~~ جراحتی مهلک برداشت . (۲۶ و ۲۷ اوت)

اما سرداران ناپلئون در سایر میدانها شکست خوردند .

ناپلئون برای تکمیل فتح درسد ژنرال واندام Vandamme را مأمور کرد که راه

رجوع اطریشیها [illegible] را مقطوع سازد . اما چون بعضی از قشونهای خصم راه

عقب نشینی گرفتند واندام [illegible] در کولم Kulm

مجبور به تسلیم گردید (۳۰ اوت) . در سیلزی ماکدونالد در جوار کاتزباخ Katzbach

شکست خورد و علت آن باران [illegible] بود [illegible] رودخانه‌ها طغیان

کرده یکی از [illegible] خلع سلاح گردید . اودینو

هم در [illegible] حمله به برنادوت برد ولی یکی از افواج ساکسون [illegible]

[illegible] سبب [illegible] گردید . و نی Ney هم [illegible] نظیر

این حادثه [illegible] ~~[illegible]~~ شکست خورد (۲۳ اوت تا ۶ سپتامبر)

۷۷۸

لیپزیک

ناپلئون لشکر دیگر مجهز نمود جهت لیپزیک راند و ۳ روز تمام از ۱۶ تا ۱۹ اکتبر

با ۱۵۵۰۰۰ نفر در برابر ۳۰۰۰۰۰ تن سپاه متحدین ایستادگی کرد. این عظیم ترین جنگ دوره

امپراطوری محسوب میشود و آلمانها آنرا «نبرد ملل» نامیده اند. طرفین بیش از ۲۰۰۰ توپ

داشتند. با بکار بردن انواع سلاحها مردم در تمام جنگ شجاعت ورزیده و سپاهیان خود را

در بحبوحه جنگ ترک گفته بخصم پیوستند. بعلاوه اثر شکست در روزهای پیش ... آما در شب

۱۸ ام آذوقه ... کم شد و مجبور بعقب نشینی گردیدند. در شب تاریک و در محیط تمام لشکر

سپاه بزرگ بیش از یک پل بگذرند. روز ۱۹ جنگ هنوز ادامه داشت و ناگاه پل

منفجر خراب شد در حالیکه هنوز عده زیادی از سپاهیان نگذشته بودند. ۲۵۰ توپ و ۲۰۰۰۰

اسیر بجای ماند ولی ناپلئون ... ۶۰۰۰۰ نفر تلفات وارد آورد.

هانو

شکست لیپزیک دوره اقتدار ناپلئون را ... و اتفاق ... شدت بیشتری ... اتفاق و اتحاد ... آلمانها

در آغاز امر ... ناپلئون ... آلمانها ... جوانان بیشتر ... یکی از معروفترین ...

آقای هگل Hegel ... گفته است: «شکست ناپلئون از ... خود ... بهتر و ... از یک

... خوشتر است». آنها ... ناپلئون ... حب وطن و

عشق ~~...~~ استقلال طلبی در مردم ... گردید. چون امپراطور ... بجانب لیپزیک

اشاره رقم ۸۳ کتاب

۷۷۹

عقب نشست مردم بودی قبل از ۱۲۱ سالها تعقیب کرد که متحدین پیوستند. بعد از شکست لیپزیک

و به ریگیه قشون مغلوب وارد گشته در راه خود سپاه از بین رفتند طرتی هانو Hanau

را هم در سه شد (۳۰ اکتبر ۱۸۱۳) آنا فرانسوی‌ها را گرفتند در اواخر نوامبر از

شط رن گذشتند.

از دست رفتن اسپانیا

همان وقت هم که ممالک آلمان از حیطه قدرت ناپلئون خارج می‌شد سرداران او هم اسپانیا را از دست

دادند. جنگ‌های تمام جنگ اسپانیا طول کشید و نظر متفرقه قشون و عدم وحدت فرماندهی فرانسوی‌ها

سرنوشته ملت بزرگ ... نتیجه ... سرداران ... غالباً مغلوب می‌شدند.

بعد از فتح مشهور واگرام ناپلئون عده قشون اسپانیا را به ۳۰۰۰۰۰ نفر رسانید ولی

سرداران معروفش مثل ماسنا مارمون و سولت را با هم گیر داشت. دو لشکر مختلط در آن ملک

تقسیم شده یکی لشکر اندلس تحت قیادت مارشال سولت و دیگر لشکر پرتغال تحت فرماندهی ماسنا.

سولت تقریباً تمام بلاد اندلس مثل قرطبه و اشبیلیه وغیره باستثنای قادس تحت آمد و ماسنا هم

قوای متحده اسپانیا و انگلیس را به قیادت ولینگتون در حوالی سالامانک شکست داد و

به جانب لیسبون راند (ژوئیه ۱۸۱۰). اما در آنجا ولینگتون انگلیس تحت‌الحفظ

قوای را محتاج ساخت مدافعه پرداخت و خط ... فراهم آورد.

در فاصله رود تاج و ساحل اقیانوس به ذات تورس ودراس شبه جزیره واقع است

Torres Vedras

و خط لیسبون در دامنه آن جاری دارد . ولینگتون انها را نام خطوط توررس ودرس و چنین خندق

و ۱۵۰ سنگر و برج ساخته و ۶۰۰ توپ در آن نهاده . ماسنا بجای مردان انگلیس در پشت

، مارشال سولت را و دسته او هم بدو او باید تا انگلیس قشون سولت از جانب اندلس بجنوب پرتغال

رسید از سمت دیگر انگلیس را در خط قرار دهد . ماسنا در این انتظار بسر برد آذوقه و علوفه

کمی داشت و فرسوده و دشمن هم از طرف دریا آذوقه میگرفت ماسنا با ۴۰ هزار در ۱۸۱۰

نا تیره و نومید در بهار سال ... آن ایالت را هم ترک گفت . مارشال سولت از راه بعید

در حرکت بود ... وقتی ... ماسنا از شدت قحط

دست از محاصره برداشته عقب نشینی را ... (نوامبر ۱۸۱۰) . در سنوات ۱۸۱۱

و ۱۸۱۲ هم جنگ ... فتح و شکست ... ولی هیچ یک نتیجه

قطعی نبخشید .

... واقعه شکست قشون ناپلئون در روسیه کار را دیگرگون کرد . ولینگتون

از پرتغال با ۱۲۰۰۰۰ نفر حرکت کرد مادرید را تسخیر نمود (۲۸ مه ۱۸۱۳) و

ژوزف را ... شکست داد ... در ویتوریا ... قشون او را ...

فرانسه انداخت (۲۱ ژوئن ۱۸۱۳) . هنوز ناپلئون در سرحد رن مقابله با

متحدین ... که سرحدات پیرنه ... واقع شد . روز هشتم آوریل ۱۸۱۴

۷۸۱

ولینگتون سپاه خود را از بیداسوا Bidassoa گذرانید. ناپلئون مصمم شده تاج و تخت را

به فردیناند هفتم واگذارد و به اسپانیا روانه کند (دسامبر ۱۸۱۳) آن وقت گذشته بود.

IV

مهاجمه، تجدید سلطنت بوربون دفعه اول.

هجوم — فرانسه دیگر در سال تمام بود بر دشمنان خود غلبه میکرد و هرجا فاتح میگردید از موقع بیست

وسیله هر حمله را دریغ کرده بود. لشکر ۱۸۱۴ تمام جوانان را در قرا و دهات از سلاح

جنگ و مهمات حرب خالی کرده بود. ناپلئون تصور میکرد متحدین جرئت ایلغار در خاک فرانسه

برای تا آخر نخواهند داشت و در بعضی موارد از حکمت تقدیر فرانسه استفاده برده و لشکری جدید

در سال ۱۸۱۴ تدارک خواهد دید.

متحدین مصمم شده ~~بودند~~ بی درنگ جنگ بپردازند لکن مقدمةً برای اینکه

هر تدبیر سیاسی سابق را در پراگ اجرا شده در فرانکفورت نگاه میدارند بس در آخر اجتماع

نموده و چون میدانستند ناپلئون شرایط را نمی پذیرد پیشنهاد صلح کرده که فرانسه در حدود طبیعی خود باشد

ولی متحدین منتظر هم گفتگو شده برای اینکه ناپلئون جواب پیشنهاد آنها را داد و آنها را سوءظن رفت

که دول متحده اعلامیه خطاب به ملت فرانسه انتشار دادند و چون امپراطور دعوت آنها را نپذیرفت

و پیشنهاد را رد کرده بود بپردازند جنگ اولتیماتوم ثانیه و سرحدات را با کمک ناپلئون ... مملکت دارند.

سه لشکر متحدین در اینجا ۲۱ دسامبر الی اول ژانویه ۱۸۱۴ از شط رن عبور کردند. قشون برنادوت
بطرف هلند رهسپار شد و دو لشکر دیگر یعنی قشون بلوخر پروسی و دیگر قشون شوارزنبرگ
اطریشی از شط گذشتند. لشکر اول در کوبلنتز و مایانس عبور کرد و لشکر دوم که قشون روسی و امپراطور
اطریش و پادشاه پروس هم در آن بود در سرحد سویس مقابل شهر بال از رود گذشت. بر سر لشکر
هر دو حرکت کردند در ناحیه رود سن بیکدیگر بپیوندند. در آخر ژانویه سپاه بلوخر و شوارزنبرگ
در ساحل رود اوب Aube هم رسیدند. قوای آنها به ۲۵۰۰۰۰ نفر بالغ میشد و ناپلئون بیش از
۸۰۰۰۰ تن برای دفع آنها نداشت.

اما بیشتر و به پر قوتی و سرعت عمل ناپلئون بود جبران نقص عددی را
میکرد و چندین برابر بیش از اندازه عادی قوای او را جلوه میداد. امپراطور بقول خودش عزم جزم کرد
که ~~[illegible]~~ بار دیگر موزه سرداری قشون ایطالیا را بپوشد یعنی بار دیگر همان عملیات
جنگی را که در سنه ۱۷۹۶ کرده بود در سال ۱۸۱۴ اعاده کند و ~~[illegible]~~
کارهائی را هم که [illegible] انجام داده بود بار دیگر بمنصه ظهور رساند.

محاربه در فرانسه — متحدین خود خیال میکردند که [illegible] روز بپاریس خواهند رسید اما دو ماه تمام در این راه وقت
صرف کردند (۲۶ ژانویه - ۳۱ مارس) جنگ فرانسه اگر چه در ظاهر بسیار عجیب و مهم است لکن در حقیقت بسیار

ساده است دیگر قوا را کرد بقرار ذیل تقسیم نمود:

در ابتدا متحدین با ۱۵۰۰۰۰ نفر در برابر قوای ناپلئون که در ساحل رود اوب Aube

واقع است امپراطور را در روتیر Rothière شکست دادند (اول فوریه) بعدا متحدین قشون دیگر خود

را بدو دسته بزرگ تقسیم نمودند بلوخر از ناحیه مارن Marne و پتی مورن Petit Morin

پیش آمد و شوارتزنبرگ از طریق رود خانه اوب و سن.

ناپلئون قوای خود را چنان ترتیب داده بود که در جناح راست [illegible] یک لشکر [illegible]

جناح چپ در برابر بلوخر و جناح راست در برابر شوارتزنبرگ. و خودش با تمام قوا [illegible] در عقب

جا گرفت در [illegible] مرکزی [illegible] سزان Sézanne قرار داده بود [illegible] ۵ [illegible]

از این نقطه مرکزی ناپلئون [illegible] گاهی بجانب چپ می پرید و زمانی بسمت راست می دوید که پیشرفت

دشمن را از پیشرفت باز دارد. ناپلئون در ماه فوریه [illegible] ناپلئون [illegible] عقب گیرد.

جنگ فوریه — Champaubert

در این ماه امپراطور بلوخر را [illegible] دسته [illegible] در شامپوبر

منقطع ساخت (۱۰ فوریه) و روز بعد در محل مون میرای Montmirail و شاتو تیری

Château-Thierry و وشان Vauchamps دشمن را شکست داد. در این چهار جنگ در چهار

روز واقع شد ۲۰۰۰۰ نفر پروسی ها ۱۰۰ توپ کشته و گرفته شد.

۷۸۴

رفقا. در اوائل ماه فوریه لشکر شوارتسنبرگ که به نزدیک فونتن بلو Fontainebleau

می‌شد و مقدمه لشکر او را در موران ~~سند~~ Mormant و نانژی Nangis شکست داد

(۱۷ - ۱۸ فوریه) پس از آن لشکر او را در مونترو Montereau مغلوب و بازپس تا تروا

Troyes گریزانید و آن شهر را دوباره از دست (۱۸ فوریه) . ناپلئون از روز (۲۷

تا ۱۸ فوریه دائماً در حرکت سریع بود و متحدین را پی‌درپی شکست داد با اینکه هر وقت می‌کرد در این مدت روز

بعد جنگ کرده و در یک جا غالب آمد . مدت ده روز ۱۰ فتح دامنه و سر ... و در این لشکرگاه

بزرگ از ... بود

این شکست‌ها رجال جنگی متحدین را ناامید ساخته و تولید مشاجرات و نفاق

نمود و آنها که بعضی از ایشان می‌خواستند به عقب برگشته و جنگ را کنار بگذارند . آنگاه لرد کاسلری اراده آن

درس چیده و ایشان را ... به ناپلئون دست ... که در تمام ... جنگ را بکار برده

مانع از ... و قطع روابط شود و اتحاد هم نمود . در اول مارس روسیه و انگلیس و پروس و اطریش

معاهده در شومون Chaumont معاهدت را تجدید کرده متعهد شدند و هر یک از ... انفرادی مذاکرات صلح ننمایند و هر یک

از دول ثلث ۱۵۰۰۰۰ نفر تحت سلاح در برابر خصم نگاه دارند . دولت انگلیس تعهد کرد هر سال ۱۵۰

بعلاوه به عنوان مصارف جنگ به دولت متحد خود بپردازد .

جنگ در راه پاریس

بر اثر تشبیه به اتحاد دول متفقه در اوایل ماه مارس حمله را شروع کرد این دفعه هم بلوخر
به جانب مو Meaux آمد ولی فوراً از نزدیک ناپلئون حرکت به جنگ سمت شمال گریخت
که قوای امدادیه بر او وارد شود امپراطور از دنبال او تاختن برد نزدیک بود در [illegible] آن
Aisne بلوخر را مجبور سازد ولی جمعی از اهالی کلیسا (?) [illegible] سواسون بلوخر
نجات داد و شهر را به قدری ۲۴ ساعت هم از خود دفاع کرد و در نتیجه [illegible] ایل آورد.
بلوخر این موقع توانست سالماً از پل سواسون بگذرد (۴ مارس) و قوای امدادیه شمال به او پیوند.
آنها ناپلئون از تعقیب دست برنداشت در کرائون Craonne (۷ مارس) با روسیه جنگی
نمود و بلوخر خود را با زمین مرتفع صعب‌العبور لائون Laon رسانید ناپلئون هم از
عقب رفت [illegible] در جنگ [illegible] بعد سه روز [illegible] جنگ برداشت و نتوانست دشمن را
از وسط خارج کند. (۷-۸-۹ مارس)

از لائون ناپلئون به طرف [illegible] رفت و [illegible] که [illegible] گرگ
به [illegible] آمد در حین عبور یک دسته از قوای روس [illegible] را [illegible] کرد (۱۳ مارس) و روز
۲۰ مارس با ۲۸۰۰۰ نفر [illegible] در [illegible] مجبور عقب نشینید.
در این وقت امپراطور نقشه بسیار متهورانه رسم کرد و تصمیم گرفت [illegible] برگشتن سمت [illegible]

۷۸۶

بجانب سن دیزیه Saint-Dizier رانده و در ایالت مارن قوای [illegible] قدم تقدیم سرعت را

هم موزن قشون حفظ کرده و خط آورده و امداد خصم را قطع کند . امیدوار بود که مستقیم بعد

که متحدین از پاریس را خواهند آمد زیرا که در آن جا قول [illegible] : « هر آن فاصله متحدین با پاریس زیاده از

باشد موقع [illegible] دارد »

زیرا که نقشه ناپلئون درست شد متحدین • در طریق مارن ترک [illegible]

عازم حرکت بجانب [illegible] Metz شده و اتفاقا خبر [illegible] قاصدی را [illegible] از

ناپلئون سرقت و دیگر کرد [illegible] که ناپلئون اطلاع میداد که جمعیت کثیری [illegible]

خانواده بوربون در راه تشکیل شد و [illegible] دشمن [illegible] قوت گرفت . تا روز [illegible]

چیدنک متحدین راست بپاریس برد (۲۴ ~~[illegible]~~ مارس)

متحدین در سر راه خود [illegible] مارمون و مرتیه را [illegible] ۲۰۰۰۰ نفر

بعد [illegible] و [illegible] ضعیف را عقب [illegible] لکن بعد از جنگ [illegible] ~~[illegible]~~ (۲۵ مارس)

روز سه‌شنبه ۲۹ مارس قشون متحدین که ۱۱۰۰۰۰ نفر بود [illegible] شهر پاریس رسید

پاریس در آن وقت [illegible] از دو روز [illegible] اتفاقات جنگ [illegible] ~~[illegible]~~

[illegible] که برای تفتیش [illegible] در غیاب ناپلئون [illegible]

۷۸۱

در دو مقام اتاوشن کرده بودند قریب ...۵۰ نفر ترک را بقیه [illegible] مارمون و مورتیه

وکلا [illegible] و دوطان و شاگردان مدرسه دارالفنون وانوالید؟ که به جای از شهر بستند.

در روز چهارشنبه ۳۰ مارس ساعت پنج صبح در سمت شمالی شهر از ونسن تا کلیشی

حمله دیگر شروع گردید. جنگ تا آن روز دوام یافت. مدافعه در ارتفاعات بلویل و شارون که

مارمون و ژوزف مشغول بود و در کلیشی Clichy [illegible] مونسی محافظت آن را قبول کرد

تا ظهر عده دفاع پایدار بود ولی از آن وقت طرف نقاط شرقی مون مارتر Montmartre با تسخیر

آن در ساعت چهار بعد از ظهر [illegible] از کثرت دشمن مغلوب شدند ۹۰۰/ نفر تلف ...

داده دسته‌ها صلح کردند. ساعت ۷ بعد از ظهر متارکه صورت گرفت. شبانه قوای فرانسه

پاریس را تخلیه کردند و افواج دشمن مجدداً پیش آمده تا اردو [illegible] روز ۳۱ مارس

به پاریس وارد شدند.

چند روز قبل از این واقعه ناپلئون هم به سمت [illegible] رفته [illegible] اورا و عده‌ای

در دفاع از شهر [illegible] (۱۱ مارس) در حرب [illegible] انگلیس [illegible] ولینگتون

قوای مارشال Soult را عقب راند روز ۱۰ آوریل شهر تولوز را تسخیر کرد.

ملت و جنگ

[illegible] انگلیس [illegible] ولسلی Wolseley در ۱۸۱۴ راجع به ناپلئون

چنین می‌گوید: « در هیچ وقتی از اوقات پیشین هوش و ذکاوت و فعالیت

۷۸۱

حیرت‌انگیز و ثبت کار بی‌نظیر و قدرت تنظیم و تشکیل و برتری بی‌مانند ناپلئون با این

بازی و با این میزان ظاهر گردید. هیچ آفریده‌ای از عهده کار [illegible] برنمی‌آمد و در آن زمستان شوم

انجام داده بتواند آمد »

هیچ سرمشقی [illegible] قد از لشکرهای بزرگ [illegible] خیره‌کننده [illegible]

مردم [illegible] روزانه [illegible] در [illegible] ۱۸۱۲ [illegible] در میدان [illegible] و [illegible]

[illegible] قدرت [illegible] و [illegible] [illegible] امپراطور [illegible] می‌کرد

[illegible] مردم [illegible] جنگ خسته [illegible] [illegible] زیر [illegible]

[illegible] و [illegible] آن [illegible] و [illegible] [illegible] قرآن [illegible]

[illegible] : « من [illegible] می‌بردم [illegible]

جنگ [illegible] شرف و [illegible] شده‌ام اکنون [illegible] قطع الطریق [illegible] » [illegible]

[illegible] تخریب و ویران [illegible] تا [illegible] را از [illegible] و [illegible]

[illegible] اجازت [illegible] و [illegible] و [illegible]

[illegible] بیش از ۳۰۰ [illegible] و [illegible] عمارت [illegible]

[illegible] ۵ [illegible] و [illegible]

[illegible] مردم [illegible] دسته دسته [illegible] جنگ [illegible] . در [illegible] با [illegible]

۷۸۹

قشون روسیه از یک ستون لشکر روس بیش از ۲۰۰۰۰ تن تا ک باقی ماند و حتی میلیون‌ها

«از نو بری دیده شد». نقدی از ارزاق جمع شد تنها در اطراف کشته شد و خبری از آن

دهات [illegible] رفت [illegible] نظامیان متدین [illegible] و [illegible] گم کرده [illegible] انقلاب

عمومی [illegible] روسای [illegible] در تعقیبات خود تنزل یافت

وسایل سلطنت طلبان

نتیجه ورود [illegible] انقراض امپراطوری و تجدید سلطنت خاندان بوربون شد ملوک [illegible]

نیز در تغییر عظیم تا ایران بود که [illegible] را آنک [illegible] یافت.

بعد از قتل دوک دانگین d'Anghien فرقه سلطنت طلب [illegible] کشیده

و دیگر بعضی [illegible] بولون [illegible] در [illegible] از آن فرقه [illegible] و اکثر از مهاجرین بوطن

بازگشتند. در سنوات اخیره امپراطوری عده کثیری از [illegible] از تحقیقات

داده [illegible] رنجیده بعد [illegible] سلطنت طلب پیوستند توانگران و مردم طبقات

ارکان که از [illegible] امپراطوری [illegible] جزو فرقه [illegible] شدند.

برادران لوئی شانزدهم کنت دو پرووانس و کنت دارتوا که از ۱۸۱۱ ببعد

در [illegible] Hartwell انگلستان مقام داشتند [illegible]

[illegible] در صغر سن تاج و تخت [illegible] کنت دو پرووانس [illegible] ۱۷۹۵

۷۹۰

بعد هم فورا لوئی هیجدهم لقب داده بود در این وقت اعلامیه شروع و کثیرالعده منتشر داد و اعلام نمود

ترمیم اکرد که « سروران متحدین را چون دوستان خود بپذیرید . دروازه شهرها را برای آنان بگشایید

و بدانید هر مقاومت بیفایده و موجب خسارات عظیم و تلفات سنگین و [illegible] فرانسه است . با سرعت

هر چه تمامتر دول [illegible] را به فرانسه استقبال کنید » . سلطنت طلبان مشغول ایجاد شورش در ایالت

وانده و در نواحی جنوب بودند و چون مردم شهر Bordeaux از محروم ماندن تجارت میوه

و تجارت شراب دوچار رنج شده بود دعوت سلطنت طلبان را پذیرفته و انگلیسها را راه دادند (۱۸۱۴ م)

و در آنجا سلطنت لوئی هیجدهم را اعلام نمودند . کنت دو [illegible] بارون دو ویترول Vitrolles را

به اردوگاه متحدین فرستاده از جانب او گفتگو کند .

انگلیسها که با ناپلئون هیچ موافقت نداشتند در ۱۸۰۷ بعد [illegible]

و [illegible] سلطنت بوربون و [illegible] نتیجه [illegible] . اطریش و پروس [illegible]

داشته [illegible] هم [illegible] نکردند فقط الکساندر [illegible] نظر مخالفت [illegible]

به [illegible] لوئی هیجدهم [illegible] [illegible] [illegible]

آزادی و [illegible] حقوق [illegible] را قبول کند و تغییراتی را که انقلاب [illegible] داده

تصدیق کند [illegible] فرانسه هم [illegible] سلطنت [illegible]

انقراض امپراطوری

چون انگلستان بجای خود قدم نهاد و اسپانیا شکست خورده بود در معابر آلمان و روسیه کوه و دشتها را برجب بسته

و برق سعید عدالت سلطنت طلبی آویخته در اطراف ترک او از دعای خیر گروهی لا زنده ها بودن با لبتبا

غاصب ظالم ها بروز نشسته تا این اعمال در دوالفقار خود هم نژاد آورد بود تأثیری در قد روسیه نکرد.

عقاید او را تأثیران تغییر داده و عاقبت او را با دو نگ بودن ؟ دو اتفاق نیست.

تأثیران حیثیات سابقه را ادامه داده و طالب افزایش قدرت خود بود این تمایل اتفاق

باتری ناپلئون را از جای برداره و دشمنان به او بخشش نه و چون خود را دست نشانده خود دانسته

البته از ادوار دوره‌ی یکرنگ ~~...~~ و او را بصورت مطرب هم نیست. چون قدر روسیه را کماکان خود

وارد کرد و دوره ثابت نمود و صلح کرد به ناپلئون برای تعطیل وقتی جنگ ~~...~~ و او دشمنی را به

ورشکسته ~~...~~ رم یعنی پسر سه ساله ناپلئون بخشد و امپراطریس ماری لوئیز را به نیابت سلطنت نصب کنند

بدین هم نه دلخواه سلطنت حقیقی در دست ناپلئون باقی ماند برقرار بود ؟ در ترتیب صلح اروپا و

تأمین کند و اگر در دربار هم آرزومند دو نگ ... هستند با این ترتیبات قدر روسیه متقاعد گشت

و سعد طلبی شده اعلامیه انتشار داد و دیگر با ناپلئون ~~...~~ دیگر با همکاری از ازاد

او دوم از آنجا نخواهد رفت » (ایام مارس)

باید دانست که اول اردیبهشت بود که تأثیران مجلس سنا را به رعایت قانون خود او را و از دشمن

۷۹۲

معینی که بعد تغییر داده ، مگر از طرف نایبان که ریاست آنها با [illegible] تالیران بود و دو نفر از [illegible]

مثل [illegible] دوک دو دالبرگ و آبه دو مونتسکیو Montesquiou و از آن بعد

حکومت موقتی را اعلام داشتند . روز جمعه ۳ آوریل مجلس سنا عزل ناپلئون را اعلام

و علت را چنین بیان کرد که : « او سوگند خود را نقض [illegible] و حقوق ملت تجاوز کرده و برخلاف قانون

مالیات‌ها را اخذ [illegible] و موجب قشون [illegible] افراط کرده است » . در صورتیکه همین [illegible] احکام را مجلس سنا سابقاً

بعلاوه ناپلئون تصویب کرده و همیشه آلت اجرای مقاصد امپراطور شمرده بود .

استعفاء ناپلئون

در این وقت ناپلئون در ۵۰ کیلومتری پاریس در فونتن بلو اقامت [illegible] و ۶۰۰۰۰ تن

قشون [illegible] [illegible] با خود همراه داشت که یک شبه [illegible] حاضر به [illegible] بود . بیگانگان مطلع گشته

[illegible] از [illegible] [illegible] نظر کرده و به پاریس بروند [illegible] تا [illegible] جانشین [illegible]

در [illegible] ساعت ۱۱ شب به [illegible] Jouvency [illegible] رسید و در طول [illegible]

[illegible] عوض کرد [illegible] [illegible] رسید و [illegible] [illegible]

[illegible] ناپلئون [illegible] به فونتن بلو رفت .

در آن جا قشون [illegible] رسید و آماده حمله به پاریس گشت [illegible] از جنگ سیر شده بودند

[illegible] [illegible] برقرار شود که از [illegible] [illegible] [illegible] ناپلئون [illegible]

۷۹۳

وستفید [illegible] کرد و خود حوالی آنجا بجا رسیده برای آسایش خود امپراطور را صدا کردند. پس از حرکت

اتباع ورزیدند ... از بهترین ابلاغ کرد و در نهایت [illegible] با ناپلئون گفت: «وقت آن است

که بس کنی و دستیاران [illegible] خود را ... » این اتفاقات و اجتماع سرداران ناپلئون را مجبور کرد

در روز دوشنبه چهارم آوریل استعفا داده سلطنت را بفرزند خود ... واگذارد.

سرداران استعفانامه را برداشته بطرف تزار رفتند ... اگر چه در ۳۱ ... ابلاغ

کرده بود دیگر ناپلئون دارد ... از جنگ ... و بجهت ناپلئون از هم

بدلت ... این گفتگو ... از ... در دست ... در اسون

Essonne ... داشتند ... خود را ترک کنند. این واقعه که ... تغییر [illegible] و فاجعه

امپراطور ... داد ... خیانت ... مارشال ... دوک دو راگوز Raguse

که در جوانی از ... امپراطوری ... حضور امپراطور ~~[illegible]~~

و در نعمت و احسان ناپلئون غرق بود ... که مقام ...

خود را که داشته لشکریان را ... از میدان جنگ ... برد.

ناپلئون بعد از این خیانت ... دیگر تاب مقاومت ندارد بلاشرط استعفا داد

(چهارشنبه ششم آوریل) پنج روز بعد ... عهدنامه [illegible] ... جزیره الب را به او ...

لقب امپراطوری و حکومت جزیره الب Elba [میان ایتالیا و جزیره کرس] با او تفویض گردید دولت [illegible]

متعهد گشت در سال دو میلیون فرانک [crossed out] [illegible] قرار داد ناپلئون [illegible]

[crossed out] معلوم که روز ۲۰ آوریل پس از وداع با [illegible] از قصر فونتن بلو خارج

پنجشنبه ۲۸ آوریل امپراطور در فرژوس در یک کشتی انگلیسی [illegible] به محل حکمرانی جدید رهسپار گشت.

[illegible] روز [illegible] [crossed out] [illegible] سلطنت لوئی [illegible] را

[illegible] کرد.

اولین معاهده پاریس

برای [illegible] لوئی [illegible] در ۲۳ آوریل قرار داد [illegible] معاهده

پاریس در تاریخ ۳۰ مه منعقد گردید. مملکت فرانسه بحدود سال ۱۷۹۲ رسید و از تمام فتوحات

انقلاب بجز ولایت [illegible] [crossed out] و آوینیون و مون بلیار Montbéliard

[illegible] متحدین [illegible] خاک فرانسه را ترک کنند و دولت فرانسه بدون جنگ

۵۳ قلعه مستحکم [illegible] در آلمان و ایتالیا و بلژیک [illegible] واگذار کرد

[illegible] ۳۰۰۰۰

[illegible] تفویض [illegible] معادل

[illegible] ۴۳ سفینه جنگی در [illegible] و ۱۲۰۰۰ [illegible]

۷۹۱

بمتحدین تقدیم گردید. و انگلیس [illegible] جزیره مالت و [illegible] از فرانسه گرفته بعد نیز جزیره [illegible]

نگاه داشته بزرگترین [illegible] عمل کرده و [illegible] دولت واحدی تشکیل دادند. [illegible]

و نیز و [illegible] به دولت اطریش داده شد. برای توزیع و تقسیم سایر اراضی که از فرانسه گرفته

شده بود باید [illegible] داشته [illegible]. [illegible] به [illegible] تقسیم کرد.

صلح و [illegible] این قرارداد [illegible] عقب [illegible] را مجروح ساخت. مردم [illegible] شکست [illegible]

مخصوصاً تقسیم [illegible] این [illegible] قطع [illegible] خالی شده [illegible] از طرفین در [illegible] مجروح شده [illegible]

نگرفته [illegible] برای [illegible] تمام می شد. [illegible] حقیقی [illegible] آتش [illegible]

بود. چون قرارداد را [illegible] ناپلئون [illegible] که [illegible] مردم گفتند بلی این

انقلاب و [illegible] شرابی بود که خانواده بوربون بمتحدین عطا کرد! توده ملت [illegible] از وحشت [illegible]

دشمن [illegible] آمده بود کینه بوربون را از خاطر برد. [illegible] او را [illegible] فرانسه [illegible]

ناپلئون را [illegible] جانب [illegible] مطلع [illegible] ناپلئون [illegible] شادی بود که

در [illegible] بیگانگان [illegible] آمده است ».

خطر بوربونها بجای آنکه خانواده بوربون درصدد تسکین کینه مردم و رفع عداوت و [illegible] اعتماد ملت برآیند

کارهائی کردند که بیش از پیش [illegible] را [illegible] و خاطرها را [illegible] ساخت. مردم [illegible] استعدادی [illegible]

کلاه‌کلاه احیاء و تجدید کردند. در بعضی موارد سلطان من جانب الله خوانده و در بعضی حکومت

حقیقی ملت را منکر شد. و قوانینی که [illegible] را [illegible] ساقط کرد و برای تصویب [illegible] قرار داد

خود فرمان مستقیماً صادر کرد و احکام خویش را به تاریخ نوزدهمین سال سلطنت خود مورخ ساخت

~~[illegible]~~ چنانکه گاه انتقاد شده است و به دوره امپراطوری وجود داشته است. بعلاوه

در مقدمه فرمان سابق الذکر رشته صورت ساقط کرده و آن اتفاقات را «اعطائات شاهانه» نامید

و انتقاد به [illegible] را [illegible] و آزادی ساقط بود مورد توهین قرار داد. مقرر شد در

نظامی [illegible] جز [illegible] را بپذیرند و تعداد [illegible] ۲۲۰۰۰ صاحب‌منصب

متقاعد و منتظر خدمت کنند و بدین ترتیب گروه عظیم را [illegible] بالنتیجه

قدیم را در قشون [illegible] مردم [illegible] صاحب‌منصبان به جای [illegible] و [illegible]

[illegible] و [illegible] دادند. آنها چون [illegible] کار [illegible]

[illegible] صاحب‌منصبان [illegible] و [illegible] را [illegible] و [illegible]

جزو [illegible] خدمت [illegible] از آوریل ۱۸۱۴ تا مارس

۱۸۱۵ بدین ترتیب ۶۰۰ سردار و ۲۰۹ سرتیپ و ۳۶۴ سرهنگ

[illegible] موافق [illegible] قشون [illegible] درجه و لقب [illegible] دادند. [illegible]

در بعضی نواحی شروع به بازفروشی املاک دولتی هم کردند در صورتی که بموجب کنکوردا [قرارداد ناپلئون با پاپ] و بموجب قوانین امپراطوری کسی حق نداشت از رعیت مطالبه املاکی را بکند که در ایام انقلاب ضبط و فروخته شده بود.

همین مسئله بیشتر کمک کرد به ناپلئون مجدداً قبول عام یافت. و طبق قول یکی از مورخان روسی ناپلئون را «مرد انقلاب» نامید و آرزومند بازگشت او بود. یکی از اعلان‌ها و دیگر چنین نوشته است: «در رعیت خانواده بوربون چنان به خواب دوام [illegible] [illegible] که ناپلئون را مانند منجی آسمانی فرستاده و صورت او شناخته و آرزومند بودند هر چه زودتر در انقلاب [illegible] واجب بود زودتر بکند»

V

صد روز - واترلو - معاهده ۱۸۱۵ پاریس

بازگشت از جزیره الب

در جزیره الب ناپلئون آگاه شد که افکار و عقاید مردم فرانسه تغییر یافته و شنید که در کنگره وین [illegible]
[illegible] از نمایندگان اروپا تقاضا کرده که او را از جزیره الب خارج کرده به یکی از جزایر دوردست در اقیانوس اطلس بفرستند
عزم جزم کرد که تخت سلطنت بوربون را واژگون سازد

روز ۲۸ فوریه ۱۸۱۵ ناپلئون پس از ده ماه توقف در جزیره الب Elbe با هزار تن از سربازان
قدیم ~~[illegible]~~ دریانوردی و اول مارس در خلیج ژوان Juan قدم به خشکی نهاده روز ۲۰ مارس تویلری وارد شد
چون میل داشت [illegible] که سلطنت طلب بودند دور [illegible] Rhône [illegible] بعد در
[illegible] از آن ناحیه گذشت [illegible] از کوهستان آلپ به گرنوبل [illegible] و در طول طریق [illegible]
روز [illegible] از نقاط [illegible] گذشت عبور ناپلئون را [illegible] فاتحانه [illegible]
استقبال [illegible] در طول راه دهقانان از قریه [illegible]
[illegible] قشون [illegible] امپراطوری [illegible] و [illegible]
[illegible] در شهر گرنوبل [illegible] ناپلئون [illegible]
در لیون [illegible] ناپلئون [illegible]

۷۹۹

دردسرگیر نبود. در سال ۱۸۱۲ [illegible] شرایط [illegible] جنبش شد و در عالم عجیب در سرزمین [illegible] را

امید داده که «در غاصب [illegible] تقص [illegible]» به [illegible] او فرار [illegible] و [illegible] بقای امپراطور رسید

[illegible] در افواج [illegible] نیز دگرگون احوال شد. ~~[illegible] ناپلئون را [illegible]~~ افواج [illegible] به [illegible]

[illegible] ناپلئون فرمان داد ~~[illegible]~~ در اوکز Auxerre [illegible] ناپلئون [illegible]

[illegible] شب [illegible] ۲۰ [illegible] ساعت ۹ ناپلئون در [illegible] قصر تویلری [illegible]

[illegible] خبر [illegible] بدل به جنون و [illegible] شد. ~~[illegible]~~ [illegible] امپراطور [illegible]

[illegible] گرفته [illegible] طبقه اول [illegible] ژنرال تیبه به Thiebault [illegible]

«[illegible] خبر [illegible] رسیده است. [illegible] مردم [illegible] سقف؟

~~[illegible]~~ [illegible] گشت [illegible] مردم [illegible] گرفت [illegible]

[illegible] می‌گفتند.»

~~[illegible]~~ [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible]

[illegible] [illegible] است.

متمم قانون اساسی | ناپلئون [illegible] وقت [illegible] در دو ماه [illegible] استبداد سابق [illegible]

۸۰۰

سلطنتی و امپراطوری سازد و ~~[illegible]~~ هواخواهان عدلیتی را در شدیدترین مجمع بعد آورده خاطر کند.

بر [illegible] می‌نویسد کنستان Benjamin Constant که یکی از رؤسای طبقهٔ آزادیخواه بود

مأمور تحریر متمم قوانین اساسی دورهٔ امپراطوری کرد و نمایندگان را دعوت کرد و در مجلس

دیگر و عظیم [illegible] به میدان ... تا قانون را ... بموجب این قانون در ... امپراطوره

آزادیخواهی تشکیل می‌یافت. قدرت امپراطور محدود بقدرت دو مجلس می‌شد یکی مجلس اعیان که اعضای

... بایستی باشند و ... [illegible] ... مجلس ... وزرا مسئول مجلس بودند

... و ~~[illegible]~~ مجلس برای وضع ... واجد قوانین لازم بود. ... از ...

واقعاً آزادی افراد مصون از تعرض ...

ناپلئون به پادشاهان اروپا خبر داد که فی‌الحقیقه دارای قلب ... عهدنامهٔ پاریس را

پذیرفته «و جز فواید صلح و سعادت و منافع ... هیچ مطلب ... رقابت را ... و سعادت

دیگر ~~[illegible]~~ ملل را ~~[illegible]~~ است». آن عدلیتی نامهٔ ناپلئون را نگرفتند و در ۱۳ مارس

ناپلئون را ... و برهم زننده «اساس صلح» خوانده و او را از حمایت قانون خارج ساختند چنانکه در ۹ ترمیدور

مجلس کنوانسیون نسبت به روبسپیر Robespierre معمول داشت. بعد از آن عدلیتی قرار دادند

که ۸۰۰۰۰۰ نفر سپاهی بمیدان آورده و تا امپراطور ... شخص ناپلئون را از قدرت برکنار نمایند.

۸۰۱

جنگ بلژیک

چون ناپلئون از جنگ گریز نیافت برای اینکه خصم را قبل از تمرکز آنها به طرف بلژیک پیش رفت

مقدمة الجیش دشمن مرکب بود یکی انگلیس بسرداری ولینگتون Wellington دیگر پروسی بفرماندهی

بلوخر Blücher در دو سه فرسخی هم جا داشتند ناپلئون مصمم شده بین دو لشکر رخنه وارد آورده

از هم دور کند. جمع سپاه دشمن در بلژیک ۲۲۰۰۰۰ نفر بود و ناپلئون ۱۲۴۰۰۰ سپاهی داشت تا تیر

بعد از سه روزه ناپلئون از تنگنا [؟] لاتشر را دفعه میدان جنگ را بی نیند و لیکن اشتباه خبر ورود

ذخیره بلوک گروشی و دخول او بیاری از زودی و خطای سردار آن در انواع خود بوسته. بعد

اگر علت حلیف در رسیدن دفعه نرسی به یکدیگر ناپلئون را با قوای سی هزار لشکر مجبور کرد ... تا قول

او در بلژیک به ۱۵۴۰۰۰ نفر بالغ گردید.

امپراطور نقشه جنگ محاربت ایلیس و جنگ وزنه را تدبیر کرد در مدت بعد از ورود شده

بین دو لشکر خصم نفوذ کرد و بلوخر را پس از اتحاد با اتفاق یافته دیگران لیکن مغلوب شد. با آن سپاه ورود اردوی ثلاث

تمام خود به مقابل بروکسل رفته یک ضرب بزرگ را بر سمت اردوی انگلیس وارد آورد

در یک جنگ بزرگ چهار روز اول که از ۱۵ تا یکشنبه ۱۸ ژوئن (دو)

سخت جنگ واترلو Waterloo شد.

لینیی

پنجشنبه ۱۵ ناپلئون از رود سامبر در شارلروا Charleroi گذشت و جنگی

مهم رخ نداد. نقشه انگلیس و پروس [illegible] بود. [illegible] Bourmont

و ناپلئون اورا به مارشال نی داد [illegible] [illegible] و [illegible] سپاه پروس را از نزدیک

شکوهی [illegible] مطلع شد.

نقشه عمومی ناپلئون این بود که سپاه خود را در برابر گروشی Grouchy بقدر

کافی گذاشته و [illegible] در برابر انگلیسها [illegible] خود در عقب قرار گیرد

تا [illegible] بجانبی سپاه [illegible]

در آغاز کار برابر گروشی دو سپاه پروسی [illegible] روز جمعه در حوالی فلوروس Fleurus

در محل لینیی Ligny، آنها [illegible] با کارهای [illegible] (زیر نظر) [illegible]. خطا از جانب مارشال نی بود

ترجیح [illegible] [illegible] [illegible] در [illegible] اول جنگ محل تقاطع طرق کاتربرا Quatre Bras

را بگیرد و ولینگتون توانست [illegible] [illegible] [illegible] قسمتی از قوای خود را بآن

دروه درلون Drouet d'Erlon روانه کند و از پشت سر بر پروسیها حمله آورد. اما

نی دیر حرکت کرد و وقتی رسید و انگلیسیها محل کاتربرا را گرفته بودند. [illegible] برای راندن

آنها از محل [illegible] دروه درلون را بازپس خواند [illegible] در حین دخول بمیدان جنگ

لینیی Ligny فرمانده [illegible] و مجروح شده بود و تمام روز را [illegible]

بیهوده صرف کرد و وقتی [illegible] رسید هم شب شده و قوای انگلیس [illegible] فارغ از جنگ بود.

این حرکت نامناسب کار ناپلئون را خراب کرد [illegible] حمله قطعی را هم موکول برد تا فردا صبح

و این حمله خیلی دیر واقع شد تقریباً ساعت هفت [illegible] شب. قلب دشمن تنزل کرد آنها [illegible] تا یک

شب پروسها را تعقیب [illegible] و از [illegible] را گرد. بلوخر هم مدتی در میان [illegible] پنهان بود.

فرانسه دوچار و گرفتار بود. حال یافت و به پروسهای خود را گرد آورده در نزدیک

قشون انگلیس [illegible] هرجا که بخواهد بتواند از او یاری کند.

واترلو — ناپلئون گروشی را با ۳۰۰۰۰ نفر از پی بلوخر گسیل کرده خود بطرف شمال شتافت و از سمت

میره بقوای انگلیس پرداخت

انگلیسیها [illegible] شنبه ۱۷ ژوئن در جنوب قریه واترلو مقابل جنگل سوانی Soignes

در بالای اراضی مرتفعه مونت سن ژان و در سر راه بروکسل بودند. ناپلئون هم در نزدیک آنها اراضی مرتفعه

دیگر را در مقابل [illegible] است اردوگاه ساخت. از اردوی انگلیسیها تا جائیکه ناپلئون بیش از ۱۲۰۰

متر فاصله نداشت. میان دو اردو دره بعمق ۲۰ متر با سراشیبی خفیف موجود بود. جاده بزرگ شارلروا

به بروکسل از شمال بجنوب این دره را قطع میکند و از شرق بغرب راه برن لالو Braine-l'Alleud

به اوهن Ohain [illegible] جاده فوق را قطع مینمود. این راه از کنار اراضی مرتفعه

مون سن ژان لبش خندق طبیعی میگذرد در طرف مشرق آن پرچین ضخیمی بوده که لشکر

طبیعی مناسب بوده شد و انگلیس‌ها در پشت آن پنهان بودند.

انگلیس‌ها در میدان [illegible] بار [illegible] بیج دارد [illegible] آزاد

در سراغ [illegible] دیگر [illegible] در آن اثنی تعبیه کرده بودند [illegible] از آن جمله [illegible]

[illegible] عبارت بودند از قلعه و پارک هوگومون در برابر میمنه انگلیس‌ها و قریه [illegible] در مقابل

قلب [illegible] انگلیس و قریه پاپلت Papelotte در جناح میسره ایشان. ولینگتون سردار انگلیس در آن

میدان آراسته [illegible] ۶۷۰۰۰ نفر و ۱۹۶ توپ ترکیب داده بود و مقرر داشته که در

روز جنگ اول ۳۰۰۰۰ پیش [illegible] ۶۰۰۰۰ [illegible] عده برسد. در آغاز کارزار ناپلئون [illegible]

از حیث عده تفوق داشت زیرا که ۷۴۰۰۰ سپاهی و ۲۴۶ توپ در دست داشت. تقریباً

معادل قوه‌ای که در جنگ اوسترلیتز داشت با تفاوت [illegible] اما ده کیلومتر طول میدان جنگ

بود و این جا [illegible] کمتر از [illegible] کیلومتر عرض [illegible]. این تجمع قوی در میدان‌ها جنگ

نتایج بسیار مشئومی حاصل کرد.

از صبح [illegible] ۱۷ تا [illegible] گذشته باران [illegible] ماند [illegible]

زمین سخت گل شده مردان [illegible] آب از [illegible] ناپلئون [illegible] از [illegible] میدان در [illegible]

[illegible] کشش اما [illegible] بعضی از آنان [illegible] کشش [illegible] میان گل [illegible] بعد

۸۰۸

عده جوقی سریع مجروح شده که در پای درخت گذرانده تا آن اراضی می‌رسید پناه شد این گندم جاری آن بود که زمین

در آن وارد بیشه شد آن هم دو … در دامنه شیب یعنی تموجات اراضی برافروزد. خندق‌ها دیده رسید و تا بالا

ارتفاع لشکر آراسته بود.

ساعت ۱۸ ژوئن ۱۸۱۵ ناپلئون از تموجات در ساعت ۹ صبح تا ظهر صف آرائی لشکر … را چند دراز کرد

قشون خیلی استراحت برد و زمین از باران شدید خشک نشود تا توپخانه بتوانند حرکت کنند جنگ ساعت ۱۱ شروع کرد.

این تأخیر امپراطور دو چار خطر عظیم ساخت چه در این مدت پروس‌ها فرصت یافته خود را به میدان رسانیده و

قبل از وصول آنها قوای انگلیس مغلوب شد.

در این روز سه حمله از طرف فرانسوی‌ها شد اول حمله پیاده نظام جبهه انگلیسی‌ها … دفع … دوم …

سواره نظام عقب … انگلیس … نیز دفع گردید سوم هنگام عصر حمله فرانسوی‌ها … مرکز دسته گارد …

دفع و مجبور به عقب‌نشینی شد.

در این حمله ناپلئون این بود که میمنه انگلیس را در اطراف قریه … در هم بشکند چه …

… به انگلیسها برسد. افواج دسته … از جنگ … گذشته

… Ohain … رسیده … ارتباط … نیافته …

… توپ … دشمن … از افراد … رحمت … از حرکت

… در این وقت ولینگتون … از سواره نظام … معروف … الکس …

میدان … تیغ … پیاده نظام … دسته … ماده … قوه …

نتوانسته بودند و آشفته شده خود را ملکون اول رسانیدند. در این فرار سواران انگلیسی چهره زخم خورده
بیرون آمده و توپخانه احتیاط فرانسوی را که در گل ولای مانده بود ضایع و باطل ساختند.
لیکن ناپلئون را [illegible] در ساعت ۲ از جانب یمین وارد شد
در جبهه میدان جنگ سرکرده پروسی ژنرال بولو Bulow از پشت جنگل [illegible] و با
آنان [illegible] امپراطور مجبور شد قسمت اعظم ذخیره پیاده نظام خود را که ۱۰۰۰۰
نفر بود به آن جانب متوجه سازد. در واقع در این جنگ بیشتر محاربه تازه ای بود که هم علیه
انگلیس و هم علیه پروس در گرفت. [illegible] سپاه انگلیس ناپلئون بغیر از سواره نظام قوه تازه نفسی
نداشت. مارشال نی در این [illegible] اسب [illegible] اول با پنج هزار سوار
زره پوش [illegible] سپس با تمام ده هزار سوار [illegible] تا [illegible] دریای آهن و پولاد
بجنبش آمده [illegible] ۱۵۰۰ متر [illegible] در این جا [illegible]
[illegible] از [illegible] میدان جنگ [illegible] سواران جنگی [illegible]
فشرده [illegible] در میدان
[illegible] برگردیم [illegible] پیاده نظام انگلیس از هر طرف آنان را احاطه کرده چنانکه
گوئی [illegible] در چهار دیواری از مردان جنگی [illegible] ریخته [illegible] در این

۸۰۷

بیگانه تمام توپخانه انگلیس بدست فرانسوی‌ها افتاد آن‌ها چون وسایل انتقال آن‌ها را نداشتند و بخیال تخریب
آن‌ها هم نیفتادند از سوار خود گذشتند. مقارن ساعت ۷ هم مردان خسته و اسبان زخم خورده شده از جای
در آن میدان مرتفع فرود آمدند. فی‌الفور ناپلئون پیغام فرستاد به پیاده نظام و هم به سوار نظام گارد
هم کار یک روزه شود آن‌ها را مرخص نمود. ناپلئون نتوانست هیچ از قوای احتیاط خود [illegible] نیز گارد
کمک به قشون پروس تا [illegible] قریه پلانسنوا Plancenoit آمده و یک کیلومتر در پشت خط
لشکر فرانسه جای گرفته بودند.
دفعه پروسی‌ها عقب نشستند. مقارن ساعت ۷ ناپلئون در صدد حمله بزرگ
برآمد و پنج باتالیون [illegible] و شش از افواج گارد را بطرف میدان [illegible] سوار نظام رفته
بعد روانه کرد. بقیه قشون هم از هر جانب [illegible] حمله افواج [illegible] باران توپخانه انگلیس
در کلاهها هدف میرسید [illegible] از این افواج را [illegible] بقیه السیف هم پشت [illegible]
گریز نهادند. در این وقت از جانب میمنه فرانسوی‌ها صدای توپ [illegible] شده بگوش رسید
معلوم شد که دسته دیگر از قشون پروس بسرداری زیتن Zieten وارد معرکه کارزار شده و در دست
در همان نقطه که [illegible] امپراطور [illegible] قشون [illegible] گردش [illegible] قدم [illegible]
سپاه ناپلئون که از [illegible] شب پیش بپا آمده و هشت ساعت جنگ [illegible]
[illegible] و شکست گارد امپراطوری و [illegible]

۸۰۸

تازه نفس بجای [illegible] فرانسوی زمام اختیار را از کفها ربوده بود یکباره بار بگریز نهادند . زیاد

داخیانت ! [illegible] از هر سو برخاست قشون انگلیس در این وقت حالت حمله گرفته

با تمام از [illegible] [illegible] و [illegible] از [illegible] قشون [illegible] حمله داد

[illegible] شده و [illegible] هم برآمده [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] گذشته [illegible]

فقط [illegible] قدیم [illegible] [illegible] در وسط [illegible] [illegible] چهار مربع از [illegible] که [illegible]

[illegible] [illegible] تیغ و [illegible] گذشته [illegible]

[illegible] از [illegible] یعنی « [illegible] » [illegible]

[illegible] و تنها [illegible] [illegible] از هیچ [illegible] [illegible]

میدان [illegible] در اطراف آنها از کشته مردان و اسبان [illegible] [illegible] وقت در

ساعت ۹ شب [illegible] [illegible] [illegible] تیر [illegible]

شد فقط [illegible] از [illegible] [illegible]

[illegible] قشون [illegible] در حال [illegible] [illegible] تعاقب شده [illegible] آن [illegible]

افتاده [illegible] [illegible] [illegible] از [illegible] [illegible]

۲ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] تا [illegible] [illegible]

۸۰۹

بهیچیک از انواع مرض نتیجه نگردید..

آنا گروشه ناپلئون [illegible] داشت [illegible] آثر مرض آنرا [illegible] و

آنقدر مرض بواسیر سخت [illegible] [illegible] بحدی [illegible]

برعکس سرداران خاصه ژنرال ژرار Gerard بود گفته که از سمت مغرب [illegible]

دارد شلیک توپ مستمر شده و [illegible] آن طرف [illegible] بجنگ [illegible] چون امپراطور باو

گفته بود [illegible] را امپراطور [illegible] اگر گروشی

مثل قوه ابتکار و ذوق سلیم [illegible] امپراطور [illegible] افتاده

در جنگ واترلو نصیب دیگری شد [illegible]. [illegible] از

[illegible] مراجعت [illegible] انواع [illegible] واقع شد.

دومین استعفاء

چهار روز بعد از واترلو (۲۲ ژوئن) ناپلئون [illegible] توقف [illegible] تاج و تخت را ترک گفت

[illegible] فرانسه [illegible] بر خلاف قانون [illegible] بود

ناپلئون را مجبور باستعفا کرد [illegible] از جنگ [illegible] استعفا داد [illegible] دولت [illegible]

[illegible] فرانسه که با دشمنان [illegible] مذاکره شود.

[illegible]

فرانسه ~~[illegible]~~ روسیه [illegible] و ولینگتون داخل [illegible]. اگر چه [illegible] داشت

۸۱۰

الحاقات بود و ۸۰۰۰۰ نفر مجاهد آن کوشش داشت و اگرچه متهم به رنگ جهانی مطیر شد

دولتی دو را مشروع و متهمت ساخته بعد سر دیرگاه به ارتقاعات ناپولئون در پیگیفت یک روز فرمانده

سپاه را بمن داده. ورا زوال بوناپارت بخوانید سردار شد را با دیده او به کار منتفعتی ساخته بود.

بعد روز ۷ ژوئیه مهاجمین بپاریس داخل شده وزرا حکومت موقتی و معین را از کار اداره خشنه

روز هشتم لوی هیجدهم همراه سپاه انگلیس ما فوق بپاریس درست صبحه روز بعد از فرار وارد قصر تویلری

شد دو روز پیش از ورود فوشه را بوزارت نصب کرده بود.

سواحل ثانیه

استعفای ناپولئون و استقرار لوی هیجدهم قوئی حل شدن مواد مهمی آن باقی نه

تقریب یکصد هزار سپاهی از تمام ممالک اروپا بفرانسه روی نهاده و از حملهٔ سرحدات گذشته تقریب سه ربع

خاک فرانسه یعنی ۶۰ ایالت را فرو گرفته. اگرچه از طرف مردم فرانسه هیچ مقاومتی نشد و اگرچه

با ارتقاعات رفته قوه فرانسه مشروع و رفض شده بود معذلک انگلیسها و پروسیها و روسها

و اطریشیها و بعضیها و آلمانیها و ایتالیائیها و دیگران و غیره به فرانسه مثل ولایات

مفتوحه معامله کرده جزو در خانه ها منزل گرفته غذا و دوابی و آنچه ملزومات را لازم

گرفته و با تقاضای مغلوبیت با اموال فرانسویان را بزیر حکم آوردند.

تقول آنزرهدی در فرانسه مغلوب مدوا تمام لشکر بیت المقدس را دید.

در نقاط بسیار دهقانان مجبور به ترک خانه خود و منزل گرفتن در جنگل‌ها شدند بروس [illegible] نقل

یکی از [illegible] صاحبمنصبان روسی که چون بودند [illegible] فرانسه [illegible] دیگر [illegible] پیروی می‌کردند

[illegible] الزاس [illegible] وقتی از خاک فرانسه خارج [illegible] [illegible] اراضی [illegible] یافته بودند

در [illegible] حوض [illegible] را [illegible] غارت داد [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] از اوضاع [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شد

[illegible]

[illegible] ۲۰ نوامبر ۱۸۱۵ [illegible] بعضی از [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] تجزیه بود [illegible] الزاس و لورن [illegible] [illegible] [illegible] بعضی از آنها

[illegible] را [illegible] [illegible] [illegible] فرانسه [illegible] وقتی از [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] تزار روس و ولینگتون انگلیسی [illegible] [illegible] [illegible] فرانسه [illegible] حفظ تعادل [illegible]

اروپا [illegible] [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] [illegible] فرانسه [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] از [illegible] [illegible] [illegible].

[illegible] ۳ [illegible] فرانسه [illegible] سال ۱۷۹۰ [illegible] فقط [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اراضی [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] فرانسه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] ۲۰۰ میلیون فرانک [illegible] [illegible] [illegible] تاریخ سال ۱۵۰۰۰۰

۸۱۲

سپاه متحدین را در قسمتی و شرق گاه پراکنده و مصارف اتفاد دادند . نتیجه بازگشت دوم

ناپلئون از جزیرهٔ الب و از که کمتر از آن شده قبل از انقلاب کرده بود .

انجام کار ناپلئون

ملیاه قبل از استعفا دادن ... ناپلئون بجزیره سنت هلن Sainte-Hélène

که صخرهٔ عظیمی است در بحار محاذیه میان بر افریقا و قارهٔ امریکا یعنی در وسط اقیانوس اطلس.

ناپلئون بعد از استعفا به بندر روشفور Rochefort رفت تا به جهاز باریکا برود

آن کشتی جنگ انگلیس مراقب سواحل بود و ناپلئون ... در حقیقت ... فرار کند

وی را دستگیر کرد ... یا بعد ملی متحده تسلیم نماید . ناپلئون بجوانمردی انگلیس و ...

... از دولت انگلیس ... تقاضای ...

با کشتی ... Bellérophon نشست

آنها انگلیسها ... جنگ محسوب داشته ... ناپلئون با چند نفر از خاصان و ملازم

... در آن جزیره ... و سرگذشت ... با نهایت ... آن نقاط

انگلیس ... اذیت و آزار ... و در عمارت محبس

لانگ وود Longwood از ... جزیره ... Hudson Lowe

نام ... ولینگتون ... و ...

مهارت مخصوصی که اندازه تحکیم و بیرحم بود . علاوه براین شخص نابینای دول متحده هم مواظب او بودند
واره رنج داشت و گذاره ای آن شش سال طول کشید آب و هوای جزیره ناپلئون را رنجور ساخت
و انگلیسها نیز عمداً ~~[illegible]~~ توجهی بحال او نکردند و ~~[illegible]~~ ضعف او را در اثر صورت مرض دانسته
رنجش عاقبت امپراطور در سن ۵۲ سالگی در پنجم مه ۱۸۲۱ در اثر تراوشات شش
و هر روز علامت شدیده ~~[illegible]~~ درد بالا را حرارت گفت مرض او را سرطان معده تشخیص دادند .

۷۱

سپاه امپراطوری

در عهد امپراطور چندان تغییرات عمیقه در امر سپاه رخ نداد اصول سربازگیری و تجهیز قشون موافق قواعد
تنها کار جدیدی که کرد تشکیل واحدهای نظامی قوی تر از دیویزیون بود این واحدهای جدید را کردارمه یا گروه نام نهادند
از امتیازات بزرگ سپاه امپراطوری که در ابتدا [illegible] در دفاع کار مرکب از افراد فرانسوی بود و بعد از جنگهای اتریش
[illegible] تقریباً از هر قسم و هر [illegible] سنخی شده در زمان ترقی منتهای امپراطوری ~~[illegible]~~ ترکیب از افراد [illegible]
هر ~~[illegible]~~ داشته و این تغییرات آنرا حقیقتاً سپاه اروپائی کرده .

سربازگیری | سابق گفتیم که امپراطور در آغاز سلطنت خود چگونه در کار سربازگیری با اعتدال رفتار [illegible] بعد رفته رفته چگونه
بر شدت و سختگیری افزود سربازان اجباری سنوات ۱۸۱۳ و ۱۸۱۴ بیش از ۱۸ سال نداشتند . مطابق حساب [illegible] مطلع
تا پایان از ۱۸۰۵ تا ۱۸۰۶ از ممالک امپراطوری ~~[illegible]~~ متجاوز از ۲۰۰۰۰۰۰ سپاهی فراهم آورد و از قشون او قریب
یک میلیون نفر در میدانهای جنگ یا در بیمارستانها تلف شد .
از ۱۸۰۵ بعد در سپاه امپراطوری افواج خارجه بسیار شد و هر سال [illegible] پناه [illegible] افواج
سوئیس که در ممالک مستعمره [illegible] مشغول خدمت بودند و فوج لهستانی و فوج ایتالیائی و از [illegible]
و آلمانی و فوج پرتقالی پیاده نظام کروات و سواران ایلیری و افواج آلبانی و یونانی .
علاوه بر افواج خارجی در سپاه امپراطوری جریانی بسیار [illegible] تا بعد [illegible]
و هر دو [illegible] ولایات ملحقه آلمانی [illegible] در آغاز لشکرکشی بروسیه عده افراد خارجی بیش از فرانسویان شد .

۸۱۴

باید دانست حالی عامه خارجی [illegible] از [illegible] نسبت به امپراطور [illegible] همینکه سلطه امپراطور در اوج قدرت
[illegible] هم تحت تأثیر حوادث جنگ و [illegible] در روسیه را [illegible] . [illegible] از صاحبمنصبان گوید :
در [illegible] امپراطور از [illegible] فوج [illegible] Wurtemberg آلمانی [illegible] و [illegible] به چشم [illegible] دیدم
تحقیر و [illegible] [illegible] و [illegible] اعتماد و امید [illegible] از [illegible] آنها [illegible] .

تشکیلات ستاد

تشکیلات ستاد [illegible] . ناپلئون فقط دسته [illegible] بریگاد را [illegible] نام نهاد
و علاوه بر تشکیلات بریگاد و دیویزیون یک دسته [illegible] دیگر [illegible] کرد [illegible] . در [illegible]
دو الی چهار دیویزیون بود . ناپلئون در [illegible] صاحبمنصبان [illegible] وقت [illegible] داشت تا [illegible]
جنگ آزموده [illegible] از [illegible] صاحبمنصبان [illegible] . [illegible] از [illegible] قبل از [illegible] خدمت کرده باشد
[illegible] به [illegible] برای وصول به [illegible] و [illegible] حصول [illegible] بیست سال خدمت [illegible] .
[illegible] صاحبمنصبان ارشد [illegible] در سن [illegible] در [illegible] صاحبمنصبان [illegible] را برای
ترفیع [illegible] . [illegible] ناپلئون [illegible] صاحبمنصبان ارشد [illegible] بودند .
[illegible] ۳۲ [illegible] داشتند [illegible] از [illegible] بود . از ۱۴۲
صاحبمنصب بزرگ [illegible] ۳۲ نفر [illegible] میان ۲۸ الی ۴۰ سال بود .

اصناف نظامیان

در این باب ناپلئون تغییراتی در قشون داد . علاوه بر پیاده نظام صف [illegible] پیاده [illegible] و [illegible]
و [illegible] را [illegible] و پیاده نظام سبک نام نهاد .
در سواره نظام هم ناپلئون تغییراتی داد [illegible] سواره نظام را [illegible] [illegible] .
سواره نظام [illegible] یا سواره نظام سنگین [illegible] و [illegible] سواره نظام صف
با [illegible] و [illegible] پیاده [illegible] داشتند و سواران [illegible] از [illegible]
شده بود [illegible] ، سواره نظام سبک [illegible] از [illegible] Hussards و [illegible] Chasseurs
ناپلئون در توپخانه هم [illegible] توپ [illegible] یا توپخانه [illegible] از مخترعات [illegible]
[illegible] . توپچیها را از میان افراد [illegible] تا ۱۸۰۱ [illegible] توپخانه [illegible]
[illegible] . [illegible] سربازان کار آزموده از بین رفتند و جوانان [illegible] قشون [illegible]
ناپلئون بیش از پیش به توپخانه [illegible] در ۱۸۱۳ [illegible] پیاده او از
...۴۰۰ [illegible] و ۱۲۰۰ توپ [illegible] سرباز [illegible]
توپخانه با قوه [illegible] است .

۸۱۵

بالاتر از صفوف نظام گارد امپراطور بود که مرکب از زبدگان برگزیده و مجرب بود و در ابتدا عده

گارد از ۹۸۰۰ نفر تجاوز نمی‌کرد ولی بعدها بیش از ۹۰٫۰۰۰ مرد رزم‌آزموده که به تفت
میشد گارد قدیم گارد میانه گارد جوان . گارد را «برگزیده برگزیدگان» می‌خواندند و افراد آن را
از میان صاحب‌منصبان جزء صف می‌گرفتند ولی سربازان ساده هم در چند جنگ کرده و لیاقت و شجاعت کامل
ابراز کرده بودند بدین افتخار نایل می‌آمدند . پیاده نظام قشون گارد بعد از ۱۸۱۰ مرکب بود از چهار فوج
گرنادیه و دو فوج شاسور پیاده شش فوج پیاده نظام خفیف و چابک . سواره نظام گارد مرکب میشد
از شاسورها که موکب خاص امپراطور بودند و مملوک‌ها که قسمت اعظم افراد از خاک مصر آمده بودند و [illegible]
سواری که از تمام افراد قشون زیباتر بودند و دراگون‌ها [illegible] و نیزه‌داران سرخ‌پوش و
ژاندارم‌های منتخب . علاوه بر سواره و پیاده نظام دو فوج توپخانه و ۲۰۰۰ نفر مهندس هم جزو گارد
محسوب میشد . تمام اروپا از گارد امپراطور در وحشت بود گارد قشون احتیاطی [illegible] شکست‌ناپذیر
نام داشت و حقیقتاً در میدان جنگ کلاه‌های بلند پوستی آنان نمایان میشد در اکثر موارد دشمن
از حمله باز می‌ایستاد و فتح و ظفر به جانب فرانسه روی می‌نهاد .

تجهیزات و لوازم

سلاح قشون [illegible] مانند دوره انقلاب بود و در تفنگ، سرنیزه‌ای چهارگوش بود و توپ . لباس پیاده‌نظام
عبارت بود از کلاه نمدی که به بالای آن گوی منگوله و [illegible] نشان [illegible] از آن بود و بدل
کلاه نمد جاری شد . شلوار و جلیقه و لباس را از پارچه سفید یا خاکی می‌ساختند و در سال ۱۸۱۰
بعد در میدان جنگ شلوار و شلیته و بالاپوش خاکی رنگ بر تن داشتند در کمال شباهت را
با ملبس پیاده نظام کنونی فرانسه داشتند . هر دو رنگ لباس بر حسب موقع مختلف است . صاحب‌منصبان سواره
به رنگ سرخ و قبای سبز و زرد و زربفت بود و حمایل با منگوله و سفید می‌پوشیدند . شاسورها
با کلاه پوست و کلاه‌های ملیله‌دوزی و جامه کوتاه سرخ با سجاف زرد که از روی دوش آنها
آویخته میشد . و قالپاق‌های سیاه با خطوط سرخ و پرهای سبز حرکت می‌کردند . نیزه‌داران لهستانی
و قرابینه‌داران تمام سفیدپوش و دارای کلاه و زره زرین بودند . هم‌چنین لباس‌ها
چنان زیبا بود [illegible] و اسلحه براق چشم تماشاچیان را خیره می‌کرد

لکن این تدارکات و البته صرف‌جویی و تنظیم با رواج تجارت به موقع پیاده در ارتباط
کثرت بیکار و تکثیر داخلی مداوم تبدیل لباس‌ها می‌شد با اینکه ناپلئون کوشش بسیار کرد

نتوانست لباس پیاده نظام را آراسته کند و تا اواخر ایام وضع نابسامان دوره انقلاب کم و بیش باقی بود. در جنگ از ذخیره دشمن برحسب اتفاق باخود میبردند. در اواخر دوره امپراطوری کار بجائی رسید که حتی گارد هم لباس نداشت و در ۱۸۱۵ مثل ۱۷۹۳ در قشون داوطلب ارتش فرانسه افراد نظام با لباس عادی و کلاه عادی و کفش چوبی دهقانی بمیدان یا سربازخانه می‌آمدند.

سربازان پرستش امپراطور

سربازان سپاه امپراطوری بیشتر خود را سرباز ناپلئون میدانستند تا سپاهی فرانسه. و استعداد ~~[illegible]~~ خدمت امپراطور سر از پا نمی‌شناختند. بر ضد همه مخصوصاً سربازان سالخورده و جنگ آزموده که از زمان انقلاب هم با او بودند و به کودکان دیوانه ... در ۱۸۱۴ خدمت آمده همه با عشق تمام طاقت ادراک ... و فرمان او را بجان و دل میپذیرفتند. بهوش و ذکاوت نظامی ناپلئون در هیچ جا در هیچ شکی تزلزل نمیشد ایمان راسخ داشتند و مانند زاهد و ~~[illegible]~~ ... با تسلیم محض خود را تسلیم اراده امپراطور نمیدیدند و بهوقت از خود رای نداشتند و مانند اراده او بودند. وقتی هم او سرور و فرمانروای سلطنت رسید سربازان گفتند « او را ترک نکنید سعادت ما در حضور اوست. از آن روز هیچ ... ترک نگفتم دور نمیکنیم نمیدیدم » بعد از جنگ ... لان در خاطر خود از احوال سربازان خود به امپراطور نوشت چنین شرح داده که: « ... بحضرت دارای محبت و عشق فداکاری خود نسبت بامپراطور هستند ... ~~[illegible]~~ ... بحضرت نمیتوان ... » حضرت ... ناپلئون گارد گوش میکرد ... و خاطرات گاردش را از خاطره ... و کبیر ... بوده نام حکایت کرده است که در ساحل برزینا (روسیه) یکی از افراد او که از ... گریه میکرد ... بود « امپراطورش » مجروح شد پیاده ... نظامی دیگر گفت « دلاور میدان جنگ ... بعضی از افراد ... شکسته و در خاک ... و غلطید ... زنده باد امپراطور ... ! » . حقیقت ... فداکاری و جانبازی و عشق ... سربازان را باید در تفصیل وداع ~~[illegible]~~ گارد با امپراطور جستجو کرد که بعد از جنگ ... پس از ... استعفا داد. یکی از افراد گارد در ... از جانب رفقای خود بخدمت ... احساسات ... را ... که از شدت اندوه و هیجان گریه نتوانست سخن بگوید. فقط در پایان ... این جمله را ... : « ما میبینیم که دیگر از سعادت ... در خدمت شما محروم مانده ایم. »

امپراطور هم با ... بسیار ... ... و ... این عشق را ... و ... سربازان ... امپراطور ... و ... گفت ... ~~[illegible]~~

فرانسه خوش ساخت . افراد گارد قدیم او را توجه نکردند در جرگه کوچک برگشتند . ناپلئون
هرچه لازم بود داده بود که بیابند و خود نیز غالباً پیاده آزادانه با سپاهیان می‌رفت و از غذای آنان می‌چشید
در زحمات و جنگ آنها شریک بود . با نظامیان شریف بود و نفرتش نسبت به ابراز اعتماد و اطاعت سیگار
سیگار به جانب اول شهر مرزی افواج را دایره وار گرد کرد و جزئیات نقشه خود را برای
هر یک و دیگر با آنان گفت . شهر را بعد از آن جنگ اوسترلیتز اشتغال یافت افواج را
جمع کرد و طرز حمله خود را با آنها بیان کرد . هر سربازی گمان می‌کرد در طرف اعتماد خاص امپراطور
و ناپلئون شخصاً او را می‌شناسد زیرا که قبل از سال‌ها قشون و ناپلئون در جنگها اسم چند نفر را با خاطر
می‌سپرد و در میان جمع آنان را با اسم و رسم پیش می‌خواند و احوال می‌پرسید .

سپاهیان چندان ترتیبی نداشتند ولی اکثر صاحب‌منصبان مراقب تدارکات انتقال قشون و در
راه مقصد جداول جمع مؤونات از خارج و اطراف منتشر می‌شد . معدودی خود ناپلئون
چون می‌توانست آذوقه نیز مدت کثیر را همه جا حمل کند غالباً افراد سرباز مجاز می‌کرد در خاک دشمن
جمع آوری آذوقه بپردازند . نظامیان غالباً با صاحب‌منصبان گستاخی می‌کنند آنها با این هر عیب خصال
~~...~~
پسندیده نیز داشتند شر خوش خلق و طاقت - وقت - دلاور و دلیرانه .
کلاوس ویتز Clausewitz پروسی آنان را مردانی «از فولاد آبداده» نامیده است .
شب قبل از جنگ اوسترلیتز افراد را از دین دستور کردند در طرف ۴۸ ساعت ۱۲۰ کیلومتر
طی مسافت کردند یعنی شبانه‌روزی ۶۰ کیلومتر . مردان از فرط خستگی و رنج بی اختیار در راه
می‌افتادند آنها بعضی شنیده صدای توپ برخاسته باز براه می‌افتادند . بعضی از صاحب‌منصبان که
بازوی افراد را گرفته در ... بعض قسم شدن جنگ ... اوریت ... شده

در میدان اسلینگ ~~[illegible]~~ برابر نیروهای گارد ده ساعت تمام از یازده صبح تا نه شب در زیر آتش
توپ دشمن اطریش ایستاده و یک فشنگ هم [illegible] نزدند و کلمات دنبالها عبارت بود از
اینکه هر وقت یکی از افسرانشان تیری خورده و جان داد در صف بازی [illegible] محل خالی را پر میکردند
شجاعت دیوانه قشون بوده و در ۱۸۱۴ [illegible] آمد که از افسران
جنگ آزموده باقی ماند در سال [illegible] در فرشامپنواز Fère-Champenoise
جوانان از گارد ملی [illegible] دهاتی و کفش چوبی داشتند با سلاحی جنگیدند در اول
۵۰۰۰ نفر و پس ۱۰۰۰۰ نفر و عاقبت ۲۰۰۰۰ سوار با ۴۸ توپ از
سپاه متحدین [illegible] ناگهان [illegible] شد. جوانان فرانسوی مربعات تشکیل داده و دیگر
چندان [illegible] ده ساعت با خصم کوشیدند و در موقع عقب نشینی بطور جنگ
و گریز ۲۸ کیلومتر راه طی کرده ۲۰۰۰ مقتول و ~~[illegible]~~ مجروح در راه گذاشته
و با وجود تقاضای [illegible] تن بتسلیم در ندادند لیکن قسمت جوان تا نه گام
[illegible] دیوانه وار دلیر که چون [illegible] در آخر کار با آنجا رسید و [illegible] را
[illegible] خود را بسوی آتش ~~[illegible]~~ [illegible] و بقیة السیف قشون فرانسه
انگلیس و با دیگر [illegible] در خطر بود دست بر [illegible] و گفت: «من باید این بچه‌ها را
نجات دهم!»
مردان سالخورده و جوانان خردسال سپاه ناپلئون [illegible] روز شکست و هم
در [illegible] [illegible] قول آن [illegible] در حق آنها [illegible] آمده بعد از
جنگ [illegible] گفت: «اینها [illegible] ضعیفند. یک نفر از [illegible] با جرأت‌تر از آنها

زمین برتابه زد. اما وقتی که آتش جنگ شعله‌ور شود موجودات فوق الطبیعه برگردند.»

VII

کنگرهٔ وین - تغییرات ارضی در ممالک اروپا.

چون فرانسه مغلوب شد ممالک اروپا درصدد تجدید نقشهٔ جغرافیائی سیاسی اروپا برآمدند و انجام این امر از وظایف کنگرهٔ وین بود.

کنگرهٔ وین [از اکتبر ۱۸۱۴ تا ژوئن ۱۸۱۵] مهمترین [illegible] مجامع [illegible] بعد از کنگرهٔ وستفالی Westphalie (۱۶۴۸) در اروپا انعقاد یافته است. چنانکه در کنگرهٔ وستفالی سلاطین درصدد تصفیهٔ مشکلات و مسائل [illegible] جنگ سی ساله برآمدند در کنگرهٔ وین هم مسئلهٔ تسویه و تعدیل فتوحات فرانسه در دورهٔ انقلاب و دورهٔ امپراطوری [illegible] شد.

دول متحدهٔ اروپا اراضی متصرفهٔ فرانسه را میان خود تقسیم کرده و تشکیلات اروپا را تجدید کنند. معاهدات [illegible]

کنگره با [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]. [illegible]

آن سه [illegible] قسمت اعظم قرن نوزدهم را صرف تخریب مقررات کنگرهٔ وین کردند.

در طی مذاکرات تالیران موفق شد که [illegible] فرانسه را در ردیف دول معظم [illegible]

[illegible] و [illegible] اتحاد دول اروپا را [illegible] و انفصال [illegible]. اما بازگشت

ناپلئون از جزیرهٔ الب رشتهٔ [illegible] تالیران را پنبه کرد و سلاطین اروپا را مجدداً باتحاد [illegible] برانگیخت

و در نتیجه باز فرانسه از مقام عالی خود [illegible] تا چند سال جزو دول درجه دوم شمار رفت.

موضع کنگرهٔ وین: مطابق مقررات [illegible] نمایندگان تمام دول در وین فراهم آمدند [illegible] ماخوذه از فرانسه را

۸۳۰

تقسیم کرده و آنچه در کنگره معاهده پاریس معین شده است معلوم سازند. لیکن اراضی عمارت مهم‌تر از ولایات آلمان
در ساحل چپ رود رن با ترو Trève و ماینس و سپیر Spire و کلنی Cologne
و قسمتی از ولایات ریلاند به پروس و امپراطوری فرانسه [illegible]. تکلیف دیگر کنگره این بود که [illegible]
امپراطوری فرانسه را که ناپلئون در وضع سیاسی آن تغییراتی داده بود [illegible]. بعضی هم تغییر مرتبه از قبیل ایالت
[illegible] رفت در آلمان و دوک‌نشین بزرگ [illegible] در آمده.

[illegible]

این تغییرات و تکلیفات را دول متحده بعد از معاهده پاریس بیش از پیش [illegible] و حزم تمام [illegible] قصد [illegible] بسیار
و مصلحت را منظور کنند. پس در وقت ریاست عالیه [illegible] و فرانسوا [illegible] در وین
بودند نمایندگان مختار انتخاب و به کار مشغول شدند از قبیل صدراعظم اتریش پرنس مترنیخ Metternich
و صدراعظم روس [illegible] نسلرود Nesselrode و وزیر پروس هومبلد Humboldt و
[illegible] Hardenberg [illegible] نمایندگان مختار انگلیس از قبیل لرد کاسل‌ریگ Castlereagh
و ولینگتون Wellington و [illegible] این نمایندگان [illegible] مهم‌ترین مصلحت اروپا [illegible] کرده و
[illegible] نفع دول اربعه روس و اتریش و انگلیس و پروس کار را [illegible] پس در صورت ظاهر کنگره [illegible]
و نمایندگان سایر دول را به قبول مقررات دول بزرگ مجبور سازند. در واقع کنگره ~~[illegible]~~
بازیگرخانه [illegible] بود و بازیگران آن نفع دول متحده صورت [illegible] گرفت.

متحدین و فرانسه

در این نقشه‌ی مؤتلفین ابتدا [illegible] فرانسه [illegible] (درباره صلح [illegible])
[illegible] بایستی در نظر بگیرند [illegible] در انظار [illegible] احترام [illegible]
در [illegible] دول [illegible] راه [illegible] نماینده [illegible] مذاکرات [illegible]
حیثیت و [illegible] از [illegible] فرانسه [illegible] خواهد گرفت. [illegible] دول متحده [illegible]
[illegible] فرانسه [illegible] و [illegible]
فرانسه را [illegible] از [illegible] سیاست [illegible] و مقاصد آنها [illegible]

پس ناگزیر نامبرده دوباره بعدم را [illegible] که تالیران بعد به مقر خود رجعت کرد.

کارهای تالیران

[illegible] برای دولت تالیران

تالیران فرانسه را که تبرعاً بی‌مانع دول پذیرفته شده بود در اندک مدتی با مهارت و زبردستی بی‌نظیری به مقام عالی ترقی داده و نفوذ [illegible] او را حتی در اروپا برقرار [illegible] و جاری ساخت. تالیران در حضور سلاطین بزرگ که برای تقسیم ممالک و توزیع اراضی اتفاق کرده بودند بسیط‌ترین کلمات اظهار عجز و [illegible] نیستی نکرده اولین بود «ما هیچ توقع نداریم مطلقاً هیچ نمی‌خواهیم حتی یک قریه را هم نخواهیم» تا روزی می‌گفت «سلاطین اروپا در روی اتفاق کرده‌اند هر یک صاحب مقام خویش نمی‌بیند» آنا تالیران در مقابل خود را مدافع حقوق ملل ضعیفه ساخته می‌گفت: «اول حقوق [illegible] نسبت به مقام» و قدرت مجمع بعد از خطابه افتتاحیه کنگره را تنظیم می‌کرد و در روز شروع قرائت خود تالیران پیشنهاد نمود در عبارت ذیل در آن مندرج گردد: «این تصمیمات مطابق و موافق اصول حقوق عمومی ملل خواهد بود» پیشنهاد تالیران طوفان عظیم برپا کرد نمایندگان مختار پروس فریاد برآوردند: «چرا آقا حقوق عمومی ... بیجا می‌باشد! [illegible] حقوق عمومی ملل را این مسائل چه کار است!» تالیران جواب داد «در بین حضرات دلیل وجود حقوق عمومی است» عاقبت پس از مباحثات بزرگی پیشنهاد تالیران پیشنهاد خود را بکرسی نشاند و در [illegible] ورقه افتتاحیه وارد ساخت.

[illegible] بیطرفانه و حمایت از حقوق ملل ضعیفه که از آغاز کار تالیران شعار خود کرد تمام سلاطین جز و اسکندر و ممالک اروپا را که از خیانت و مطامع دول معظم هراسان و مضطرب بودند بجانب تالیران متوجه کرد. و با همین کلمه حقوق ملت دول متحده را مانع شده با برنقشه که در نتیجه بعد مشوره امور سیاسی بین دول را تصفیه کنند. چیزی نگذشت که بنا بر پیشرفتهای موفق تالیران موفق گردید که میان متحدین نفاق بیندازد و از آن کدورت نفع فرانسه را تأمین نماید

مناسبات روس و انگلستان

قبول یکی از نامزدهای مختار سلطنتی مجدداً در هیچ مسئله قطعاً با هم اتفاق داشتند (اگر در عداوت فرانسه)
مسائل سیاسی فیمابین سلطنتین محل اختلاف بود من جمله موضوع ارامنه که روسیه در پروس باقی تعارف آوردند
انگلستان در دربار گویم این مسئله را اقرار نمی‌دهد میان حقوق تصرف کرده بودند که تسار دولت ثانی آنگ در رشو را
~~[illegible]~~ یعنی قسمتی از لهستان ~~[illegible]~~ که سابقاً در تقسیمات آن مملکت نصیب پروس شده بود و مقرر داد در تعاقب پادشاه
پروس دست بردی ایالت سالی امداخته و آنجا را از پادشاه جدید شرقی نماید بهانه اینکه سالها
در ۱۸۱۳ اساساً پادشاهی بوده با ناپلئون همداستانی کرد ~~[illegible]~~ و کفران نعمت نمود. آنا
انگلستان و اطریش این ترتیب نخواستند انگلیس نمی‌خواست قدرت روس در اروپای مرکزی بازشود
و در شو با آن مملکت تعلق گیرد و اطریش نیز راضی نبود که پروس سالی را متصرف شد و کاملاً از
ست شمال و شمال غرب دولت بوهم را محصور سازد.

کشمکش رشته اتحاد

از روزی که مساعده پرسید انعقاد نفاق سلطنتین ظاهر شد و در این اختلاف شدت گرفت تسار
روس و پادشاه پروس برای اینکه ضرب شستی نشان داده و یکباره کار را خاتمه دهند هر یک جای لشکر
~~[illegible]~~ بار کرد. با تمامی لشگر خود را در لهستان و سالی متمرکز ساختند :
احتمال قوی میرفت که جنگ میان متحدین شروع شود.

~~[illegible]~~
تنها مانع وقوع جنگ این بود که قوای پروس و روس از مخالف و اطریش و انگلستان
از طرف دیگر تقریباً تعادل داشت بهمین مناسبت فرانسه در آن میان میانجی و واسطه واقع گردید.
عهده با طرفی بود که دولت فرانسه را با خود همدست سازد. تالیران مشغول شد که تالیران دیپلمات حق

متمایل کند و با وعده داد که قسمتی از ایالت شمال ایتالیا را نیز به متفقین خواهند داد. اما تالیران
میدید که اگر این پیشنهاد را بپذیرد اهمیتی را که فرانسه پیدا کرده و خود را حامی و مدافع حقوق ملل
معرفی نموده است از دست خواهد داد زیرا که خلع پادشاه ساکس که صاحب سلطنت مشروع محسوب
میگردید به هیچ قانونی درست نمی آمد. پس تالیران وعده های تزار را رد کرده با انگلستان
و اطریش تمایل اظهار نمود. در ۳ ژانویه ۱۸۱۵ فرانسه و انگلستان و اطریش
پیمان بستند که با الحاق لهستان به روسیه و ساکس به پروس مخالفت ورزند. و برای اجرای
این مقصود هر یک از آنها ۱۵۰۰۰۰ سرباز باید آماده و مجهز داشته باشند. دول درجه دوم
شمال آلمان (ورتمبرگ و باویر و غیره) نیز داخل در این اتحاد شدند.
اما چون روس و پروس پی بردند هر یک قسمتی از دعاوی خود را ترک کردند جنگ
واقع نگردید. سیاست تالیران موفق شد که اتحاد مستحکم دول را برهم زند و نفوذ عظیم فرانسه را
و دول کوچک را نیز به فرانسه متمایل ساخته و نفوذ دولت فرانسه را در ماوراء شطوط رن جاری کند. لکن
مراجعت ناپلئون از جزیره الب لیکن شاهکار سیاست را که نتیجه فکر و زحمات تالیران بود برهم زد
و چهار دولت سابق را مجدداً با یکدیگر متحد و دولت مزبوره کینه ملت آلمان را مجدداً نسبت به فرانسه
مشتعل ساخت.

کارهای کنگره وین

کنگره وین هیچ وقت باز نشد یعنی هیچ جلسه عمومی که نمایندگان تمام دول در آن جمع باشند
و متفقاً در مباحث معینه مربوط به اروپا بحث کنند تشکیل نیافت. فقط محافل متفرقه

پس بعض دول تکثیر شده معاهدات جداگانه بستند و چون خبر بازگشت ناپلئون را شنیدند
بفوریت کنگره را خاتمه دادند دول معظم معاهدات دول کوچک را تکیه‌گاهی از نظر گذرانیدند
و پس از آن‌ها را صحه گذاشتند و همین کار را انجام تکلیف کنگره و نیز نام جاده و همین
معاهدات را امضا کردند (۹ ژوئن ۱۸۱۵) سایر دول کوچک هم دعوت شدند که با معاهده
مذکوره ابراز موافقت نمایند و کردند.

اروپا در ۱۸۱۵

معاهدات وین بعلاوه عهدنامه دوم پاریس که بعد از آن بحرب منجر نتیجه تمام جنگهای ۲۲ ساله
عهد انقلاب و عهد امپراطوری فرانسه را برباد داد و مجدداً نقشه سیاسی اروپا ترتیب داده شد:
پنج دولت معظم تشکیل شدند از انقلاب فرانسه انگلستان پروس اطریش روسیه.
فرانسه به سرحدات قبل از انقلاب کبیر رسید و الا بجز از یک طرف ولایت آوینیون Avignon
[illegible] بلژیک از جانب شمال و شمال شرقی از او کاسته شد. در واقع تنها فرانسه بود و حتی
خاک او از سابق کمتر شد.

انگلستان فرانسه بلاد عدیده دریایی و جزیره مالطه و جزایر ایونیان Ioniens را
در بحر مدیترانه و [illegible] گوئی و تاباگو و ترینیداد را در امریکا و مستعمره کاپ را
در افریقا و جزیره سراندیب را در آسیا و جزیره ایل دوفرانس را در اقیانوس هند [illegible]
و در واقع تمام مستعمرات را که از فرانسه و از هلند در دوره جمهوری با فرانسه [illegible]
شرق هلند و اسپانیا گرفته بود بطور قطع صاحب گردید.

پروس دارای ۲۰۰۰۰۰۰ رعیت اضافه نمود و قسمتی از لهستان - دوک‌نشین بزرگ پوزن

Posen - و پومرانی سوئد متعلق بوده و یک ثلث ایالت ساکس را بچنگ آورد . در ساحل

یمین رن وستفالی و دوک‌نشین برگ را مالک شد و در ساحل یسار تریو و

اکس لا شاپل Aix-la-Chapelle و سارلوی Saarlouis وقسمت اعظم اراضی ناسو

از دوفقه را بدست آورد . فوق‌العاده مملکت پروس ناموزون تشکیل شده میتوان آنرا پروس رن

نامید سرحدات این پروس بحدود فرانسه پیوسته شد و مانند تیرانداز رقیب این دولت گردید

اطریش ۴۰۰۰۰۰۰ رعیت بدست آورد در آلمان ساز بزرگ و در ایطالیا

لمباردی و جمهوری ونیز و در سواحل شبه‌جزیره بالکان دالماسی و راگوز را گرفت . اما فرانک

وقسمتی از اراضی قدیم آلمان را که با دیه ملحق شده از کف داد . سلطه اطریش بر لمباردی و ونیز

(و بعدها در دولت ایطالیائی که مندوبون برای) نفوذ ~~اطریش~~ این دولت را در سواحل رود پو

به اندازه رایج کرد و تقریبا در تمام ایطالیا بحیطه تصرف او درآمد و آرزوی

دیرین خانواده اطریش صورت انجام بگیرد .

روسیه صاحب جزایر آلاند مبلغ ۳ میلیون جمعیت تازه شد . در دوال بحر

بالتیک فنلاند را از سوئد منتزع ساخت و در ساحل دانوب ایالت بسارابیا را

از خاک فرانسه گرفت و در ورای رود ویستول دوک نشین بزرگ ورشو را بممالک خود ملحق ساخت و در سرحدات

حدود رود اودر رسانید. ولی بعد از تصرف دوک نشین ورشو بعض ایالات لهستان را

آنجا را سلطنت مستقل لهستان نامید ~~[illegible]~~

~~[illegible]~~. و دولت مستقل پروسیه هم جزو آن مملکت.

در اطراف فرانسه ممالک درجه دوم ترتیب داده که مانع آن مملکت را از اول

دیگر جدا سازد. از انگلستان: مملکت بلژیک و هلند مربوط به یکدیگر با Pays-Bas در سلطنت آن خانواده

از شاهزادگان خانواده ارانژ Orange تفویض شد. - ایالت مستقله سویس که از ۲۲

ولایت سویس و ... که اکنون به عهده حفظ بیطرفی آن شدند. مملکت ساردنی Sardaigne

که شامل ساووا و نیس و پیه مون Piémont و ژن دارای پادشاهان بود.

در آلمان اولاد ... از عهده ناپلئون تا سرکردگان حال به ... گذاشتند از انگلستان: مملکت باویر

Bavière و لاندو و ... ویرتمبرگ هم آنرا افزوده اند، و باتفاق پروس وظیفه نگاهبانی در

سرحدات شرقی فرانسه گرفتند. مملکت ورتمبرگ و مملکت ساکس هم قسمتی از آنرا واگذار کردند بپروس که ...

محض احترامات خاطر شخص انگلستان ویست فالی هم ملکی جداگانه ... کردند. از حاجیه و روابط انقلاب

فرانسه و ناپلئون در آلمان ... نتیجه ولایت بقیه را احیاء کردند. ... ایالات

روحانیون را بجو [illegible] در جای [illegible] خوانده ولایت آلمانی در ۱۸۱۵ عده آنها به ۳۹ بالغ شد

اتفاق کرده و برای حفظ وحدت و استقلال داخلی آلمان هیئت اتحادیه ژرمانیک را تشکیل داده عده آن

ولایت ~~۲۹ [illegible]~~ در سال ۱۷۹۲ سیصد و شصت ~~[illegible]~~ و در سال ۱۸۰۵ هشتاد و دو بود

و لکن کنگره وین در ۱۸۱۵ شمار آنها به ۳۹ منتهی شد. کرسی [illegible] ولایت شده در فرانکفورت

و ریاست عالیه آن با اطریش بود لکن [illegible] غیر آلمانی متعلقه باطریش مثل هنگری [illegible] و غیر ذلک

جزو اتحادیه مزبوره محسوب نمی شدند همچنین پروس خاص و ملحقات آن در خاک لهستان جزو اتحادیه

خارج بود. اعضای هیئت اتحادیه مجمع چندین پادشاه مستقل محسوب میشدند نه اتحاد چندین ملت که

با یکدیگر مخلوط گشته و ملت واحده تشکیل داده باشند.

در ایطالیا پاپ صاحب ولایت کلیسا شد و پارم Parme

و پلزانس Plaisance به امپراطریس ماری لوئیز تعلق گرفت. دوک نشین بزرگ

توسکان Toscane باز از شاهزادگان هابسبورگ داده شد. شعبه خانواده بوربون در سیسیل

مجدداً صاحب اختیار مملکت ناپل شدند و اطریش [illegible] مورا را از سلطنت آنجا خارج کرد

(در سنه ۱۸۱۵) دو جمهوری ونیز و ژن نیز از صفحه [illegible] محو شدند. در شبه جزیره

ایبریک هیچ تغییرات سیاسی رخ نداد مملکت اسپانیا و مملکت پرتغال مجدداً بدست

سقوط سیاسی سابق افتاد.

در شمال اروپا مملکت نروژ از دانمارک منتزع و به سوئد ملحق گردید. و در تمام

شبه جزیره اسکاندیناوی [illegible] مملکت واحد تشکیل یافت و سلطنت آن به برنادوت رسید.

پادشاه دانمارک در مقابل نروژ که از دست داده بود مالک دوک‌نشین شلسویک Sleswig

و لوئن‌بورگ Lauenbourg و هولشتین Holstein شد ولی بعدها

به موجب مشکلات بسیار صعب گردید.

تاریخی ۵ — اگرچه معاهدات ۱۸۱۵ پس از مدتی را خرسند و راضی ساخت ولی عده کثیری از مردم

فرانسه و بلژیک و آلمان و ایتالیا ؟ را رنجیده خاطر کرد.

علت رنجش فرانسویان این بود که معاهدات ۱۸۱۵ را خاتمه [illegible] و وسیله ضعیف ساختن فرانسه میدیدند

تمام ممالک اروپا توسعه یافته و قوی شده بودند فقط فرانسه هم از لحاظ وسعت نسبت به سرزمین اروپا [illegible] کوچک‌تر گردید

از ایام قبل از انقلاب شد. فقدان سرحدات طبیعی در [illegible] آلمان و بین فرانسویان [illegible]

بعد اکثر مردم آن مملکت را آزرده ساخت. این معاهدات ۱۸۱۵ را دلیل

خواری دولت خود شناخته و هم [illegible] بر هم زدن آن کنند.

علت رنجش [illegible] این بود که بدون جلب نظر آنها مملکت را [illegible]

در صورتیکه از حیث نژاد و زبان فرانسوی و از لحاظ مذهب کاتولیک بودند و [illegible]

آزادی نژاد و پرتستان مذهب هستند از این جهت پس از پانزده سال در ۱۸۳۰ ~~[illegible]~~
ثروتمند ~~[illegible]~~ ملک هلند و از هلند جدا شده گردید

علت رنجش آلمانیها و ایطالیائیها آن بود که معاهدات ۱۸۱۵ آرزوی دیرین
افراد را در توحید آلمان و توحید ایطالیائی بر باد داده و ~~[illegible]~~ قوانین ارتجاعی آزاد و در آنجا جابر گشت
اهالی بیش از آنچه آرزده و خشناک شده بودند که در ۱۸۱۹ ~~[illegible]~~ حکمرانی اتریش به دیدن
واجب وضع قوانین جدید و ~~[illegible]~~ مردم آلمان ~~[illegible]~~ شعار جنگ
هر جا عبارت «زنده باد قوقو» قرار دادند و مقصودشان از لفظ قوقو استرداد
اقوام متفرقه مملکت آلمان یک ~~[illegible]~~ دولت و کشور واحد بود.

چون معاهدات سنه ۱۸۱۵ برخلاف رضای ملل بود برخلاف انتظار اینانه بود
اسباب صلح کامل نشد بلکه موقتاً آرامش عمل بخشید اگرچه تا چندی از جنگهای ~~[illegible]~~ بین‌الملل
جلوگیری کرد ولی اغتشاشات عمده در داخله ممالک تولید کرد و مقدمات بعضی انقلابات
نیمه دوم قرن نوزدهم را تدارک دید. و در آلمان و ایطالیا انقلابات بسیار برانگیخت

اهمیت انقلاب کبیر و ناپلئون

بعد از آنکه در سنه ۱۸۱۵ اروپا روی صلح و آرامش دید نتیجه انقلاب کبیر روشن شد
انقلاب کبیر فرانسه بعد از رفورم (اصلاح مذهبی) مهمترین واقعه تاریخ عالم محسوب میشود

هم روزی و هم انقلاب فرانسه جنبه عمومیت داشتند و سفر بهار ۴۸ که در عرصه ظهور افتاد شد بعد
که در تمام اروپا اثرات آنها نفوذ و جریان یافت . انقلاب کبیر و امپراطوری ناپلئون تغییرات
بسیار در نقشه جغرافیای سیاسی اروپا وارد کردند چنانکه در این ۲۳ سال نقشه اروپا بیش از
دو قرن سابق تغییر و تبدیل یافت . و ایطالیا و آلمان بیش از هر کشوری مورد تغییر و تحول
واقع شدند تقسیمات پیچ در پیچ آن دو مملکت ساده و مستقیم گردید و در حقیقت در زوال
انقلاب کبیر و ناپلئون هر دو را تحقیق بانی و موسس وحدت آلمان و ایطالیا شناخت
هشت سال از سقوط امپراطوری ناپلئون نگذشته که هر دو ملت بتوحید اقدام کردند و تشبیه
بانی سلطنت خود کامیاب گشتند .

انقلاب کبیر و امپراطوری موجب تبدلات سیاسی و تحولات اجتماعی اروپا گشتند
و افکار و عقاید جدیده که مقدمه آن در اعلان حقوق بشر مندرج است یعنی حریت و مساوات
و حکومت ملی در قاره اروپا انتشار دادند . در کلیه ممالک که جزو قلمرو فرانسه
و مجاری نفوذ سیاسی او شده مثل بلژیک و هلند و سواحل رود رن و ایالات آلمان متصله به ماوراء
و در برخی از ایالات متفقه رن و در ولایت پیه‌مون و لمباردی و ونیز رژیم
فئودالی امتیازات طبقاتی ملغی و حقوق ملوک الطوایفی منسوخ و قانون مدنی

۸۳۱

مجری گردید چنانکه سلاطین اروپا در ۱۸۱۵ نتوانستند رسوم و اصول منسوخ قدیم را بازگردانند

انقلاب کبیر در هر جا که تأثیر کرد ملل را برای تحدید استبداد سلاطین بیدار و مهیا ساخت

و میل شرکت در حکومت و وضع قوانین مربوط بحقوق و وظایف متقابل حاکم و محکوم

و رشته دموکراسی را در قلوب ملل برانگیخت و بعد از ۱۸۱۵ روز بروز اثرات

انقلاب فرانسه در سایر ممالک اروپا بیش از پیش محسوس شد و تاریخ قرن نوزدهم بدو صورت مختلف

جلوه یافت یکی نهضت آزادی خواهان برای وضع قوانین در ممالکی که سلطنت مستبده داشتند

دیگر نهضت ممالکی که وحدت ملی نداشتند و بقصد توحید خویش کوشیدند مثل آلمان و ایتالیا.

انتها سنه ۸۸/۲/۱

فصل هفتم ۱۹۶

سیاست استعماری

... ت در امریکا سنهٔ ۱۷۶۳ . کمپانی تجارتی در هندوستان
تشکیل [illegible] امپراطوری انگلستان

I

فتوحات